



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# دانش نامه قرآن و حدیث

فارسی - عربی

محمدی ری شهری



ترجمه

با همکاری

حمیدرضا شیخی

جمعی از پژوهشگران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۸	دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی جلد ۱۲
۱۸	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۷	ادامه عنوان بدعت
۲۷	فصل هفتم: مبارزه با بدعت
۲۷	۱ / ۷ وظیفه عالمان
۲۹	۲ / ۷ وظیفه زمامدار
۳۱	۳ / ۷ وظیفه عموم مردم
۳۵	۴ / ۷ فضیلت مبارزه با بدعت و بدعت گذار
۳۷	۵ / ۷ کسانی که از دین در برابر هر بدعتی، دفاع می کنند
۳۹	۶ / ۷ از میان بردن همه بدعت ها
۴۳	فصل هشتم: آنچه بر بدعت بودنش تصریح شده است
۴۳	۱ / ۸ مجادله کردن در باره قرآن
۴۳	۲ / ۸ اجبار در پذیرش دین
۴۸	۳ / ۸ به جماعت خواندن نماز مستحبی
۴۸	۴ / ۸ نماز تراویح
۵۴	۵ / ۸ نماز چاشت
۵۴	اشاره
۵۸	پژوهشی در باره نماز چاشتگاه
۵۸	روایات نماز چاشت
۶۲	۶ / ۸ اذان سوم در روز جمعه
۶۲	اشاره
۶۴	پژوهشی در باره اذان پیش از ظهر روز جمعه

۶۴	.....	اشاره
۶۶	.....	حکم شرعی اذان افزوده
۶۸	.....	نظریه نهایی
۷۰	.....	۷ / ۸ کاستن از تکبیرهای نماز میت
۷۰	.....	۸ / ۸ گفتن «الضَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» در اذان
۷۲	.....	۹ / ۸ فرا خواندن غیر اَعْلَمَ به خود
۷۲	.....	۱۰ / ۸ خاموش ماندن به وقت ضرورت
۷۴	.....	فصل نهم: آنچه بدعت پنداشته شده است
۷۴	.....	۱ / ۹ بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
۷۴	.....	۲ / ۹ سجده شکر
۷۶	.....	فصل دهم: شماری از بدعت گزاران
۷۶	.....	۱ / ۱۰ قابیل
۷۸	.....	۲ / ۱۰ کافرانِ اهل کتاب
۸۰	.....	۳ / ۱۰ سامری
۸۰	.....	۴ / ۱۰ عمرو بن لُحَی
۸۲	.....	۵ / ۱۰ ابو عامر بن نُعْمان بن صیفی راهب
۸۴	.....	۶ / ۱۰ معاویةُ بن ابی سفیان
۹۰	.....	۷ / ۱۰ ابو الخطَّاب
۹۴	.....	۸ / ۱۰ این سه نفر
۹۶	.....	۹ / ۱۰ این هفت نفر
۱۰۰	.....	۳۲. ابدال، اوتاد، اقطاب
۱۰۰	.....	اشاره
۱۰۱	.....	درآمد
۱۰۱	.....	ابدال، در لغت
۱۰۲	.....	اوتاد، در لغت
۱۰۲	.....	اَقْطَاب، در لغت

۱۰۳	.....	ابدال ، اوتاد و اقطاب ، در اصطلاح متصوّفه
۱۰۵	.....	ابدال ، اوتاد و اقطاب ، در حدیث
۱۰۵	.....	۱ . ارزیابی اسناد
۱۰۶	.....	۲ . ارزیابی متون
۱۰۹	.....	ابدال ، اوتاد و اقطاب حقیقی
۱۱۲	.....	فصل یکم : ابدال
۱۱۲	.....	۱ / ۱ تفسیر ابدال
۱۱۲	.....	۱ / ۲ آنچه در باره ویژگی های ابدال ، روایت شده است
۱۱۴	.....	۱ / ۳ آنچه در باره برکات وجود ابدال ، روایت شده است
۱۱۸	.....	۱ / ۴ آنچه در باره نقش ابدال در حکومت امام مهدی علیه السلام روایت شده است
۱۲۰	.....	۱ / ۵ آنچه در باره شمار ابدال ، روایت شده است
۱۲۰	.....	الف - سی مرد
۱۲۲	.....	ب - چهل مرد
۱۲۴	.....	ج - چهل مرد و چهل زن
۱۲۴	.....	د - شصت مرد
۱۲۶	.....	۱ / ۶ گوناگون
۱۳۰	.....	فصل دوم : اوتاد
۱۳۰	.....	۱ / ۲ اوتاد زمین
۱۳۲	.....	۲ / ۲ ویژگی های اوتاد
۱۳۶	.....	فصل سوم : اقطاب
۱۳۶	.....	۱ / ۳ قطب هستی
۱۳۶	.....	۲ / ۳ قطب قرآن
۱۳۸	.....	۳ / ۳ قطب جامعه
۱۴۰	.....	۳۳. پدا
۱۴۰	.....	اشاره
۱۴۲	.....	درآمد

۱۴۲	بدا ، در لغت
۱۴۴	بدا ، در قرآن و حدیث
۱۴۵	نمونه هایی از بدا در قرآن
۱۴۸	نمونه هایی از بدا ، در احادیث اهل سنت
۱۴۸	۱ . نقش بدا در کاهش و افزایش روزی و مهلت و محبوبیت
۱۴۸	۲ . بدا ، در خوش بختی و بدبختی
۱۴۹	۳ . بدا ، در هر گونه قضا و قدر
۱۵۰	بدا ، از دیدگاه وجدان و عقل
۱۵۱	عدم تعارض بدا و علم ازل
۱۵۵	آثار اعتقاد به بدا
۱۵۵	الف - خدشناسی
۱۵۶	ب - پیامبرشناسی و امام شناسی
۱۶۰	ج - انسان شناسی
۱۶۱	عوامل بدا
۱۶۴	فصل یکم : حقیقت بدا و اقسام آن
۱۶۴	۱ / ۱ گستردگی قدرت
۱۶۶	۲ / ۱ محو و ثبت
۱۷۶	۳ / ۱ افزایش و کاهش
۱۷۶	۴ / ۱ پیش و پس انداختن
۱۸۰	فصل دوم : همراهی علم و بدا
۱۸۸	فصل سوم : احادیثی که ظاهر آنها بر امکان بدا در قضای محتوم، دلالت می کند
۱۹۴	فصل چهارم : احادیثی که ظاهر آنها عدم امکان بدا در قضای محتوم است
۱۹۹	پژوهشی در باره امکان یا عدم امکان بدا در قضای حتمی
۲۰۲	فصل پنجم : خداوند در بدا ، خود و فرستادگانش را دروغگو نمی کند
۲۰۶	فصل ششم : عوامل بدای نیک
۲۰۶	۱ / ۶ فرمانبری از خدا



- ۲۰۶ ----- ۲ / ۶ آموزش خواهی -----
- ۲۰۸ ----- ۳ / ۶ دعا -----
- ۲۱۴ ----- ۴ / ۶ صله رحم -----
- ۲۱۶ ----- ۵ / ۶ صدقه -----
- ۲۲۰ ----- ۶ / ۶ خشنودی به قضا -----
- ۲۲۰ ----- ۷ / ۶ دادگری فرمانروا -----
- ۲۲۲ ----- ۸ / ۶ زیارت امام حسین علیه السلام -----
- ۲۲۴ ----- ۹ / ۶ این چند عامل -----
- ۲۲۸ ----- فصل هفتم : عوامل بدای بد -----
- ۲۴۶ ----- فصل هشتم : نمونه های بدای در قرآن -----
- ۲۴۶ ----- ۱ / ۸ بدای در مجازات قوم یونس علیه السلام -----
- ۲۴۸ ----- ۲ / ۸ بدای در وعده با موسی علیه السلام -----
- ۲۵۰ ----- ۳ / ۸ بدای در وارد شدن به سرزمین مقدس -----
- ۲۵۲ ----- ۴ / ۸ بدای در سر بردن اسماعیل علیه السلام -----
- ۲۵۲ ----- ۵ / ۸ نمونه های دیگر -----
- ۲۵۸ ----- فصل نهم : استدلال هایی در باره بدای -----
- ۲۷۳ ----- ۳۴ . نیکی -----
- ۲۷۳ ----- اشاره -----
- ۲۷۴ ----- درآمد -----
- ۲۷۴ ----- بَرّ ، در لغت -----
- ۲۷۶ ----- بَرّ ، در قرآن و حدیث -----
- ۲۷۶ ----- یک . معیار نیکی و بدی -----
- ۲۷۸ ----- دو . رأی مردم در برابر داوری وجدان -----
- ۲۷۸ ----- سه . پیوند دین و خرد -----
- ۲۷۹ ----- چهار . میزان تقرب به مبدأ نیکی ها -----
- ۲۸۰ ----- پنج . ارزشمندترین نیکوکاری ها -----

۲۸۰	شش . راه رسیدن به جایگاه ابرار
۲۸۱	هفت . نشانه رسیدن به جایگاه ابرار
۲۸۳	فصل یکم : شناخت نیکی
۲۸۳	۱ / ۱ معیار شناخت نیکی و گناه
۲۸۹	۲ / ۱ تفسیر نیکی
۲۸۹	الف - ایمان و کردار شایسته
۲۹۳	ب - اخلاق شایسته
۲۹۵	ج - انجام دادن هر کاری از راهش
۲۹۵	۳ / ۱ درهای نیکی
۲۹۷	۴ / ۱ گنج های نیکی
۲۹۹	۵ / ۱ تمام نیکی
۳۰۱	فصل دوم : ارزش نیکی
۳۰۱	۱ / ۲ نیکی و نیکی کننده ، از اوصاف خدایند
۳۰۵	۲ / ۲ صفتی از اوصاف فرشتگان
۳۰۷	۳ / ۲ صفتی از اوصاف پیامبران و اوصیای آنان
۳۰۹	۴ / ۲ صفتی از اوصاف مؤمن
۳۱۱	فصل سوم : تشویق به نیکی کردن
۳۲۳	فصل چهارم : سزاوارترین مردم به نیکی
۳۲۳	۱ / ۴ پدر و مادر
۳۲۵	۲ / ۴ نیکوکاران
۳۲۵	۳ / ۴ آزادگان
۳۲۵	۴ / ۴ نیازمند
۳۲۵	۵ / ۴ یتیمان
۳۲۷	۶ / ۴ خویشاوند
۳۲۷	۷ / ۴ دوست پدر
۳۲۷	۸ / ۴ کسی که نیکی تو را نادیده نگیرد

۳۲۷	.....	۹ / ۴ اهل قبور
۳۲۹	.....	فصل پنجم : خاستگاه های نیکی
۳۲۹	.....	۱ / ۵ اندیشیدن
۳۲۹	.....	۲ / ۵ دانش
۳۲۹	.....	۳ / ۵ راستی
۳۳۱	.....	۴ / ۵ رشد
۳۳۱	.....	۵ / ۵ کمک خواستن از خدا
۳۳۵	.....	فصل ششم : برکت های نیکی
۳۳۵	.....	۱ / ۶ نزدیک شدن به خدا
۳۳۵	.....	۲ / ۶ دوستی خدا
۳۳۷	.....	۳ / ۶ آبادی خانه ها
۳۳۷	.....	۴ / ۶ افزایش عمر
۳۴۱	.....	۵ / ۶ افزایش روزی
۳۴۳	.....	۶ / ۶ فرود آمدن رحمت
۳۴۳	.....	۷ / ۶ پذیرفته شدن دعا
۳۴۳	.....	۸ / ۶ محبت و الفت
۳۴۵	.....	۹ / ۶ بلندآوازی
۳۴۵	.....	۱۰ / ۶ به فرمان درآمدن آزادگان
۳۴۷	.....	۱۱ / ۶ پیشگیری از مرگ های بد و ناگوار
۳۴۷	.....	۱۲ / ۶ آسان شدن حساب
۳۴۹	.....	۱۳ / ۶ برخورداری از نعمت های روز پاداش
۳۵۲	.....	فصل هفتم : ویژگی های نیکوکاران
۳۵۲	.....	۱ / ۷ دوست داشتن خدا
۳۵۲	.....	۲ / ۷ دوست داشتن پیامبر صلی الله علیه وآله
۳۵۵	.....	۳ / ۷ دوست داشتن امیر مؤمنان علیه السلام
۳۵۵	.....	۴ / ۷ دوست داشتن نیکوکاران

- ۳۵۷ ..... ۵ / ۷ تسلیم بودن در برابر خدا
- ۳۵۷ ..... ۶ / ۷ وفاداری شایسته
- ۳۵۹ ..... ۷ / ۷ نیکی به پدر و مادر و فرزندان
- ۳۵۹ ..... ۸ / ۷ بردباری
- ۳۵۹ ..... ۹ / ۷ تحمل خوبی ها
- ۳۵۹ ..... ۱۰ / ۷ گریزان بودن از بدن
- ۳۶۱ ..... ۱۱ / ۷ بی رغبتی به دنیا
- ۳۶۱ ..... ۱۲ / ۷ ترک آزاررسانی
- ۳۶۳ ..... ۱۳ / ۷ حیا و خویشتنداری
- ۳۶۳ ..... ۱۴ / ۷ به جا آوردن واجبات، دوری از حرام ها، پرهیز از غفلت
- ۳۶۳ ..... ۱۵ / ۷ پوشیدن جامه حکمت و زدای آرامش
- ۳۶۵ ..... ۱۶ / ۷ از خودگذشتگی
- ۳۶۵ ..... ۱۷ / ۷ راستی و امانتداری
- ۳۶۵ ..... ۱۸ / ۷ ترک خودپسندی
- ۳۶۷ ..... ۱۹ / ۷ این خصلت ها
- ۳۷۱ ..... ۳۵ . برکت
- ۳۷۱ ..... اشاره
- ۳۷۳ ..... درآمد
- ۳۷۳ ..... برکت ، در لغت
- ۳۷۴ ..... برکت ، در قرآن و حدیث
- ۳۷۴ ..... اشاره
- ۳۷۵ ..... ۱ . مبارک مطلق
- ۳۷۵ ..... ۲ . پیوند عوامل مادی و معنوی برکت
- ۳۷۷ ..... ۳ . جوشش برکات معنوی از درون برکات مادی
- ۳۷۸ ..... ۴ . نقش نظام آفرینش در تکامل انسان
- ۳۷۹ ..... ۵ . نقش ضد ارزش ها در رفتن برکت

۳۸۱	فصل یکم : ریشه برکت
۳۸۱	۱ / ۱ مبارک ، صفتی از صفات خداست
۳۸۳	۲ / ۱ پدید آورنده برکت و عطا کننده آن
۳۸۵	۳ / ۱ فرو فرستنده برکات
۳۸۷	۴ / ۱ گسترنده برکات
۳۹۱	فصل دوم : آنچه موجب برکت جامعه است
۳۹۱	۱ / ۲ پروامندی (تقوا)
۳۹۳	۲ / ۲ پیشوایی اهل بیت علیهم السلام
۳۹۵	۳ / ۲ عدالت
۳۹۹	فصل سوم : آنچه موجب برکت عمر است
۳۹۹	۱ / ۳ نیکو کار کردن
۳۹۹	۲ / ۳ دادگری میان مردم
۳۹۹	۳ / ۳ صله رحم
۴۰۵	۴ / ۳ نیکی به پدر و مادر
۴۰۵	۵ / ۳ نیکی به خانواده
۴۰۵	۶ / ۳ صدقه
۴۰۷	۷ / ۳ انجام دادن کارهای نیک
۴۰۹	۸ / ۳ خوش رفتاری با همسایه
۴۰۹	۹ / ۳ کوتاهی آرزوها
۴۱۱	۱۰ / ۳ نیت کردن حج دوباره ، بعد از برگشتن
۴۱۱	۱۱ / ۳ زیارت حسین علیه السلام
۴۱۱	۱۲ / ۳ کامل وضو گرفتن
۴۱۳	۱۳ / ۳ پیوسته با وضو بودن
۴۱۳	۱۴ / ۳ پرهیز از شترسانی
۴۱۳	۱۵ / ۳ نماز گزاردن در مسجد سهله
۴۱۳	۱۶ / ۳ دعا

- ۴۱۵ ..... ۱۷ / ۳ و این چند کار .....
- ۴۱۹ ..... فصل چهارم : آنچه مایه برکت خانه است .....
- ۴۱۹ ..... ۱ / ۴ قربانی کردن به هنگام ساختن خانه .....
- ۴۱۹ ..... ۲ / ۴ اطعام .....
- ۴۲۱ ..... ۳ / ۴ دختران .....
- ۴۲۱ ..... ۴ / ۴ سلام دادن به هنگام ورود به خانه .....
- ۴۲۱ ..... ۵ / ۴ نام گذاری به نام پیامبران علیهم السلام .....
- ۴۲۳ ..... ۶ / ۴ و این چند کار .....
- ۴۲۵ ..... فصل پنجم : خوی هایی که موجب برکت اند .....
- ۴۲۵ ..... ۱ / ۵ تبت نیک .....
- ۴۲۵ ..... ۲ / ۵ اخلاق نیک .....
- ۴۲۷ ..... ۳ / ۵ گفتار نیک .....
- ۴۲۷ ..... ۴ / ۵ رفتار نیک با همسایه .....
- ۴۲۷ ..... ۵ / ۵ راستی .....
- ۴۲۹ ..... ۶ / ۵ بخشندگی .....
- ۴۳۳ ..... ۷ / ۵ مدارا .....
- ۴۳۳ ..... ۸ / ۵ امانتداری .....
- ۴۳۵ ..... ۹ / ۵ قناعت .....
- ۴۳۹ ..... ۱۰ / ۵ رضایت .....
- ۴۴۱ ..... ۱۱ / ۵ شکیبایی .....
- ۴۴۳ ..... فصل ششم : اعمالی که موجب برکت اند .....
- ۴۴۳ ..... ۱ / ۶ خوب انجام دادن کار .....
- ۴۴۳ ..... ۲ / ۶ انفاق .....
- ۴۵۴ ..... ۳ / ۶ اطعام .....
- ۴۵۶ ..... ۴ / ۶ صله رحم .....
- ۴۵۶ ..... ۵ / ۶ انجام دادن کارهای نیک .....

- ۴۵۸ ..... ۶ / ۶ میانه روی
- ۴۵۸ ..... ۷ / ۶ نظافت
- ۴۶۰ ..... ۸ / ۶ ازدواج
- ۴۶۲ ..... ۹ / ۶ مشورت با خردمند
- ۴۶۲ ..... ۱۰ / ۶ عیادت بیمار
- ۴۶۴ ..... ۱۱ / ۶ آسان گرفتن در داد و ستد
- ۴۶۶ ..... ۱۲ / ۶ پیمانه کردن گندم
- ۴۶۸ ..... ۱۳ / ۶ بیشتر دادن به مشتری
- ۴۶۸ ..... ۱۴ / ۶ غذا خوردن دسته جمعی
- ۴۷۰ ..... ۱۵ / ۶ و این چند کار
- ۴۷۴ ..... فصل هفتم : انسان های با برکت
- ۴۷۴ ..... ۱ / ۷ پیامبران علیهم السلام
- ۴۷۶ ..... ۲ / ۷ خاتم پیامبران صلی الله علیه وآله
- ۴۸۰ ..... ۳ / ۷ اهل بیت علیهم السلام
- ۴۸۴ ..... ۴ / ۷ فقیهان
- ۴۸۶ ..... ۵ / ۷ جماعت
- ۴۸۶ ..... ۶ / ۷ مؤمن
- ۴۹۰ ..... ۷ / ۷ دختران
- ۴۹۰ ..... ۸ / ۷ کودکان
- ۴۹۲ ..... ۹ / ۷ بزرگان
- ۴۹۲ ..... ۱۰ / ۷ اهل نیکی
- ۴۹۲ ..... ۱۱ / ۷ زنان چشم آبی
- ۴۹۴ ..... ۱۲ / ۷ زن آسان زا
- ۴۹۴ ..... ۱۳ / ۷ زن کم خرج
- ۴۹۶ ..... ۱۴ / ۷ گوناگون
- ۴۹۸ ..... فصل هشتم : حیوان های با برکت

۴۹۸	..... ۱ / ۸ شتر
۵۰۰	..... ۲ / ۸ گاو
۵۰۲	..... ۳ / ۸ اسبان
۵۰۴	..... ۴ / ۸ گوسفند
۵۱۰	..... ۵ / ۸ مرغ و خروس
۵۱۰	..... ۶ / ۸ زنبور عسل
۵۱۲	..... فصل نهم : جاهای با برکت
۵۱۲	..... ۱ / ۹ زمین
۵۱۲	..... ۲ / ۹ کعبه
۵۱۴	..... ۳ / ۹ فلسطین، شام و سرزمین کوفه
۵۱۶	..... ۴ / ۹ مسجد کوفه
۵۱۶	..... ۵ / ۹ کربلا
۵۱۸	..... ۶ / ۹ قم
۵۲۰	..... فصل دهم : زمان های با برکت
۵۲۰	..... ۱ / ۱۰ ماه رمضان
۵۲۶	..... ۲ / ۱۰ شب قدر
۵۲۶	..... ۳ / ۱۰ ماه رجب
۵۳۰	..... ۴ / ۱۰ ماه شعبان
۵۳۲	..... ۵ / ۱۰ روز جمعه
۵۳۴	..... ۶ / ۱۰ عید قربان
۵۳۶	..... ۷ / ۱۰ عید غدیر
۵۳۶	..... ۸ / ۱۰ صبح خیزی
۵۴۲	..... فصل یازدهم : خوراکی های با برکت
۵۴۲	..... ۱ / ۱۱ زیتون
۵۴۴	..... ۲ / ۱۱ روغن زیتون
۵۴۶	..... ۳ / ۱۱ نان



۵۴۸ ..... جو ۴ / ۱۱

۵۴۸ ..... خرما ۵ / ۱۱

۵۵۲ ..... عدس ۶ / ۱۱

۵۵۴ ..... هندوانه ۷ / ۱۱

۵۵۶ ..... تره ۸ / ۱۱

۵۵۶ ..... گوشت و شیر ۹ / ۱۱

۵۵۶ ..... قَطَا ۱۰ / ۱۱

۵۵۸ ..... قارچ ۱۱ / ۱۱

۵۵۸ ..... شِکَر ۱۲ / ۱۱

۵۶۲ ..... فصل دوازدهم : نوشیدنی های با برکت

۵۶۲ ..... آب باران ۱ / ۱۲

۵۶۴ ..... آب زمزم ۲ / ۱۲

۵۶۶ ..... آب فرات ۳ / ۱۲

۵۶۸ ..... عسل ۴ / ۱۲

۵۷۰ ..... شیر ۵ / ۱۲

۵۷۶ ..... شیر مادر برای نوزاد ۶ / ۱۲

۵۷۶ ..... سرکه ۷ / ۱۲

۶۱۵ ..... درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان قراردادی : موسوعه معارف الکتاب و السنه . فارسی

عنوان و نام پدیدآور : دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی / محمدی ری شهری با همکاری جمعی از پژوهشگران ؛ ترجمه حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 13 -

مشخصات ظاهری : ج.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 99 .

شابک : 1500000 ریال: دوره : 0-494-493-964-978 ؛ ج. 4 : 9-587-493-964-978 ؛ ج. 5 : 5-588-493-964-978-978 ؛ ج. 6 : 9-590-493-964-978-978 ؛ ج. 8 : 6-591-493-964-978-978 ؛ ج. 9 : 3-592-493-964-978-978 ؛ ج. 10 : 0-593-493-964-978-978 ؛ ج. 12 : 4-595-493-964-978-978 ؛ ج. 13 : 1-596-493-964-978-978 ؛ ج. 14 : 2-597-493-964-978-978 ؛ ج. 15 : 5-598-493-964-978-978 ؛ ج. 16 : 2-599-493-964-978-978

یادداشت : فهرست نویسی بر اساس جلد چهارم .

یادداشت : این کتاب با حمایت و مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است .

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، 1337 -، مترجم

شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی

رده بندی کنگره : 1390 2د34م/BP136/9

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 2747877

















الفصل السابع : مكافحة البدعة 7 / 1 ما يَجِبُ عَلَى الْعَالِمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا ، فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ عِلْمٌ فَلْيُنْشُرْهُ ، فَإِنَّ كَاتِمَ الْعِلْمِ يَوْمئِذٍ كَكَاتِمِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ الشَّيْطَانَ يَضَعُ الْبِدْعَةَ لِلنَّاسِ فَيُصِيبُ رُءُوسَ الْعَالِمِ فَيَنْهَى عَنْهَا ، وَالْعَابِدُ مُقْبِلٌ عَلَى عِبَادَتِهِ لَا يَتَوَجَّهُ لَهَا وَلَا يَعْرِفُهَا . (3)

1- .الكافي : ج 1 ص 54 ح 2 ، المحاسن : ج 1 ص 361 ح 776 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 2 ، عوالي اللآلي : ج 4 ص 70 ح 39 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 234 ؛ الفردوس : ج 1 ص 321 ح 1271 عن أبي هريرة .

2- .كنز العمال : ج 1 ص 179 ح 903 نقلاً عن ابن عساكر عن معاذ .

3- .روضه الواعظين : ص 17 ، منية المرید : ص 100 وفيه «فيزيلها» بدل «فينهى عنها» وليس فيه «لا يتوجه لها ولا يعرفها» ، بحار الأنوار : ج 2 ص 24 ح 72 ؛ الفردوس : ج 3 ص 128 ح 4345 عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج 10 ص 175 ح 28914 .

## ادامه عنوان بدعت

### فصل هفتم : مبارزه با بدعت

#### 1 / 7 وظیفه عالمان

فصل هفتم : مبارزه با بدعت 1 / 7 وظیفه عالمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بدعت ها در میان امت من آشکار شوند، عالم باید دانش خود را آشکار سازد. پس هر که چنین نکند ، لعنت خدا بر او باد !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بدعت ها پدید آیند و پسینیان این امت ، پیشینیان آن را لعنت کنند، هر که دانشی دارد ، باید آن را منتشر کند؛ زیرا پنهان دارنده دانش در آن روز ، همانند کسی است که آنچه را خدا بر محمد نازل کرده است ، پنهان بدارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شیطان ، برای مردم ، بدعت می گذارد، عالم ، آن را می بیند و از آن نهی می کند، و عابد ، به عبادتش روی می آورد و به آن بدعت ، نه توجهی می کند و نه آن را می شناسد.

عنه صلى الله عليه وآله: إذا لعنَ آخِرُ هذه الأُمَّةِ أوَّلَها، فَمَنْ كَتَمَ حَدِيثًا فَقَدْ كَتَمَ ما أَنْزَلَ اللهُ . (1)

الغبية للطوسي عن يونس بن عبد الرحمن: مات أبو إبراهيم عليه السلام وليس من قَوْمِهِ أَحَدٌ إِلَّا وَعِنْدَهُ المَالُ الكَثِيرُ، وكانَ ذَلِكَ سَبَبَ وَقْفِهِمْ (2) وجحدِهِمْ مَوْتَهُ، كانَ عِنْدَ زيادِ بنِ مروانَ القَنْدِيِّ سَبْعُونَ ألفَ دينارٍ، وَعِنْدَ عَلِيِّ بنِ أَبِي حَمزَةَ ثلاثونَ ألفَ دينارٍ، فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ وَتَبَيَّنْتُ الحَقَّ وَعَرَفْتُ مِنْ أمرِ أَبِي الحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام ما عَلِمْتُ، تَكَلَّمْتُ ودَعَوْتُ النَّاسَ إِلَيْهِ . فَبَعَثْنَا إِلَيْيَ وَقالا : ما يَدْعوكَ إلى هذا؟! إن كُنْتَ تُرِيدُ المَالَ فَنَحْنُ نُغْنِيكَ، وَصَدَّ مِنَّا لِي عَشْرَةَ آلافِ دينارٍ، وَقالا [لي]: كُفَّ، فَأَبَيْتُ وَقُلْتُ لَهُمَا: إِنَّا رَوَيْنَا عَنِ الصَّادِقِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَام أَنَّهُمْ قالوا: إذا ظَهَرَتِ البِدْعُ فَعَلَى العالِمِ أن يُظهِرَ عِلْمَهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَدَّ لِبَابِ نَورِ الإِيمانِ، وما كُنْتُ لِأَدْعَ الجِهادَ وأمرَ اللهُ على كُلِّ حالٍ، فَناصِباني وَأَضْمَرَ لِي العِداوَةَ . (3)

2 / 7 ما يَجِبُ عَلَى الحاكِمِ رسولَ اللهُ صلى الله عليه وآله\_ وَالْمُسْلِمُونَ حَوْلَهُ مُجْتَمِعُونَ \_: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لا نَبِيَّ بَعْدِي، ولا سُنَّةَ بَعْدِ سُنَّتِي، فَمَنْ ادَّعى بَعْدَ ذَلِكَ فدَعَواهُ وِبدَعْتَهُ في النَّارِ، فَاقْتُلُوهُ، وَمَنْ اتَّبَعَهُ فَإِنَّهُمْ في النَّارِ . (4)

- 
- 1- .سنن ابن ماجة: ج 1 ص 97 ح 263 عن جابر، كنز العمال: ج 1 ص 179 ح 905 .
  - 2- .الواقفية: من وقف على موسى الكاظم عليه السلام (مجمع البحرين: ج 3 ص 1963 «وقف»).
  - 3- .الغبية للطوسي: ص 64 ح 66، علل الشرائع: ص 235 ح 1، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 113 ح 2، رجال الكشي: ج 2 ص 786 ح 946 وفيها «أبو الحسن عليه السلام» بدل «أبو إبراهيم عليه السلام»، بحار الأنوار: ج 48 ص 252 ح 1 .
  - 4- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 163 ح 5370، الأمالي للمفيد: ص 53 ح 15 كلاهما عن أبي بصير، مشكاة الأنوار: ص 255 ح 751 كلُّها عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 22 ص 475 ح 24 .

## 7 / 2 وظیفه زمامدار

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه پسینیان این امت، پیشینیان آن را لعنت کنند، چنانچه کسی حدیثی را پوشیده بدارد، در واقع، آنچه را خدا نازل کرده، پوشیده داشته است.

الغیبة، طوسی\_ به نقل از یونس بن عبد الرحمان \_ زمانی که امام کاظم علیه السلام در گذشت، اموال بسیاری نزد وکلای ایشان بود. همین سبب شد که آنان در آن امام، توقف کنند (1) و در گذشتش را منکر شوند. نزد زیاد بن مروان قندی، هفتاد هزار دینار بود، و نزد علی بن ابی حمزه، سی هزار دینار. چون چنین دیدم و به حقیقت، پی بردم و حقانیت امامت ابو الحسن الرضا علیه السلام را دانستم، زبان به سخن گشودم و مردم را به ایشان، فرا خواندم. آن دو (زیاد و علی بن ابی حمزه) به من پیغام دادند و گفتند: بر انگیزاننده تو به این کار، چیست؟! اگر پول می خواهی، ما تو را بی نیاز می گردانیم. آن گاه، وعده ده هزار دینار را به من دادند و گفتند: دست از این کار، بدار. لیکن من نپذیرفتم و به آنها گفتم: از امامان راستگو علیهم السلام روایت داریم که فرموده اند: «هر گاه بدعت ها آشکار شوند، بر عالم است که دانش خویش را آشکار نماید، و اگر چنین نکند، نور ایمان از او گرفته می شود» و من به هیچ وجه حاضر نیستم از جهاد و فرمان خدا، دست بردارم. پس آن دو با من دشمن شدند و کینه مرا در دل گرفتند.

7 / 2 وظیفه زمامدار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ در حالی که مسلمانان، پیرامون ایشان، گرد آمده بودند \_ ای مردم! نه بعد از من، پیامبری است و نه بعد از سنت من، سنتی. پس هر که بعد از [رحلت] من، چنین ادعایی کند، ادعای او و بدعتش، [هر دو] در آتش اند. پس او را بکشید! کسانی نیز که از او پیروی کنند، همگی در آتش اند.

1- .. واقفیه، به کسانی می گویند که در امامت موسی بن جعفر علیه السلام، توقف کردند.

رجال الكشي عن محمد بن عيسى بن عبيد: إنَّ أبا الحسنِ العسْكَرِيِّ عليه السلام أمرَ بِقَتْلِ فارسِ بنِ حاتمِ القُرَويْنِيِّ وَضَمِنَ لِمَنْ قَتَلَهُ الجَنَّةَ ، فَقَتَلَهُ جُنَيْدٌ ، وَكَانَ فَارِسٌ فَتَانًا يَفْتِنُ النَّاسَ ، وَيَدْعُو إِلَى البِدْعَةِ ، فَخَرَجَ مِنْ أَبِي الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَذَا فَارِسٌ لَعَنَهُ اللَّهُ يَعْمَلُ مِنْ قِبَلِي فَتَانًا دَاعِيًا إِلَى البِدْعَةِ وَدَمُهُ هَدْرٌ (1) لِكُلِّ مَنْ قَتَلَهُ ، فَمَنْ هَذَا الَّذِي يُرِيحُنِي مِنْهُ وَيَقْتُلُهُ ، وَأَنَا ضَامِنٌ لَهُ عَلَى اللَّهِ الجَنَّةَ . (2)

3 / 7 ما يَجِبُ عَلَى العَامَّةِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله وإيَّاكُمْ وَالسُّكُونَ إِلَى أَصْحَابِ الأَهْوَاءِ ، فَإِنَّهُمْ بَطَرُوا النِّعْمَةَ وَأَظْهَرُوا البِدْعَةَ وَخَالَفُوا السُّنَّةَ وَنَطَقُوا بِالسُّبْهَةِ ، عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ مَشَى إِلَى صَاحِبِ بِدْعَةٍ لِيُوقِرَهُ ، فَقَدْ أَعَانَ عَلَى هَدْمِ الإِسْلَامِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ مُبْتَدِعٍ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى هَدْمِ دِينِهِ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرِّيبِ وَالبِدْعِ مِنْ بَعْدِي فَأَظْهِرُوا البِرَاءَةَ مِنْهُمْ وَأَكْثَرُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَالْقَوْلِ فِيهِمْ وَالبُوقِيعَةَ ، وَبَاهْتَوْهُمْ (6) كَيْ لَا يَطْمَعُوا فِي الفَسَادِ فِي الإِسْلَامِ وَيَحْذَرَهُمُ النَّاسُ وَلَا يَتَعَلَّمُونَ مِنْ بَدْعِهِمْ ، يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الحَسَنَاتِ ، وَيَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ فِي الآخِرَةِ . (7)

1- ذَهَبَ دَمُهُ هَدْرًا : بالسكون والتحريك : أي باطلاً لا قود فيه (المصباح المنير : ص 635 «هدر») .

2- رجال الكشي : ج 2 ص 807 ح 1006 .

3- الفردوس : ج 1 ص 384 ح 1545 عن ابن عمر ؛ مستدرک الوسائل : ج 12 ص 322 ح 14202 نقلاً عن كتاب لبّ اللباب وفيه «الركون» بدل «السكون» وليس فيه ذيله من «وخالفوا السنّة» .

4- المعجم الكبير : ج 20 ص 96 ح 188 ، حلية الأولياء : ج 6 ص 97 الرقم 345 كلاهما عن معاذ ج 5 ص 218 الرقم 326 عن عبد الله بن بسر نحوه ، كنز العمال : ج 1 ص 219 ح 1102 ؛ ثواب الأعمال : ص 307 ح 6 عن حفص بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام وفيه «مشى» بدل «أعان» ، بحار الأنوار : ج 2 ص 304 ح 45 و 46 .

5- المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 251 عن عمرو بن عبيد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 47 ص 217 ح 4 .

6- الظاهر كما قال المجلسي قدس سره أنّ المراد بالمباهة إلزامهم بالحجج القاطعة وجعلهم متحيرين لا يحيرون جواباً كما قال الله تعالى : «فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ» (البقرة : 258) راجع : بحار الأنوار : ج 71 ص 204 .

7- الكافي : ج 2 ص 375 ح 4 عن داود بن سرحان ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 162 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «ناهبوهم» بدل «باهتوهم» ، بحار الأنوار : ج 74 ص 202 ح 41 .

## 7 / 3 وظیفه عموم مردم

رجال الکشی\_ به نقل از محمد بن عیسی بن عبید \_ : امام هادی علیه السلام ، دستور قتل فارس بن حاتم قزوینی را صادر فرمود و برای قاتل او ، بهشت را ضمانت کرد. جنید ، او را به قتل رسانید. فارس ، شخص فتنه انگیز و فریبکاری بود که مردم را می فریفت و به بدعت ، فرا می خواند. پس ، از جانب امام هادی علیه السلام این توفیق ، صادر شد: «ابن فارس \_ که لعنت خدا بر او باد \_ ، مردم را به نام من ، گم راه می کند و به بدعت ، فرا می خواند. خوش برای هر که او را بکشد ، مباح است. کیست که او را بکشد و مرا از شرش آسوده گرداند تا در عوض ، من نزد خداوند ، بهشت را برایش ضمانت کنم؟» .

7 / 3 وظیفه عموم مردم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زنه از گراییدن به فرقه گرایان؛ زیرا این جماعت ، نعمت را ناسپاسی کردند و بدعت را پدید آوردند و با سنت ، مخالفت ورزیدند و زبان به شبهات گشودند. لعنت خدا و فرشتگان و همگی مردم ، بر ایشان باد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به نزد بدعت گذاری برود تا او را گرامی بدارد ، به ویران کردن اسلام ، کمک کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به روی بدعت گذاری لبخند بزند ، به نابود کردن دین خود ، کمک کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه پس از من ، شکاکان و بدعت گذاران را دیدید ، از آنان بیزارى بجوید و تا می توانید ، به آنان ناسزا بگوئید و از آنها ، بدگویی کنید و محکومشان نمایید ، تا دیگر در تباه کردن اسلام ، طمع نکنند و مردم از آنها بر حذر باشند و از بدعت هایشان ، چیزی نیاموزند. بدین سان ، خداوند ، در عوض آن ، برای شما پاداش هایی را می نویسد و به سبب آن ، درجات شما را در آخرت ، رفعت می بخشد.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَعْرَضَ عَن صَاحِبِ بَدْعَةٍ بُغِضَ لَهُ ، مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَقِينًا وَرِضًا . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَعْرَضَ عَن صَاحِبِ بَدْعَةٍ بُغِضَ لَهُ فِي اللَّهِ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَمَانًا وَإِيمَانًا ، وَمَنْ شَهَّرَ بِصَاحِبِ بَدْعَةٍ أَمَّنَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ ، وَمَنْ أَهَانَ صَاحِبَ بَدْعَةٍ رَفَعَهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ مَائِدَةً دَرَجَةً ، وَمَنْ سَلَّمَ عَلَى صَاحِبِ بَدْعَةٍ أَوْ لَقِيَهُ بِالْبِشْرِ أَوْ اسْتَقْبَلَهُ بِمَا يَسَّرُهُ ، فَقَدْ اسْتَحَفَّ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتُمْ صَاحِبَ بَدْعَةٍ فَاكْفَهُرُوا (3) فِي وَجْهِهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ مُبْتَدِعٍ ، وَلَا يَجُوزُ أَحَدٌ مِنْهُمْ الصِّرَاطَ ، وَلَكِنْ يَتَهَافَتُونَ فِي النَّارِ مِثْلَ الْجَرَادِ وَالذَّبَّانِ (4) . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: طُوبَى لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ وَزَهَدَ فِيهَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ مِنْ غَيْرِ رَغْبَةٍ عَن سِيرَتِي ، وَرَفَضَ زَهْرَةَ الدُّنْيَا مِنْ غَيْرِ تَحَوُّلٍ عَن سُنَّتِي ، وَاتَّبَعَ الْأَخْيَارَ مِنْ عِتْرَتِي مِنْ بَعْدِي ، وَجَانَبَ أَهْلَ الْخِيَلَاءِ وَالتَّمَاخُرِ وَالرَّغْبَةَ فِي الدُّنْيَا ، الْمُبْتَدِعِينَ خِلَافَ سُنَّتِي ، الْعَامِلِينَ بِغَيْرِ سِيرَتِي . (6)

- 1- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 116 .
- 2- تاريخ بغداد: ج 10 ص 264 الرقم 5378 ، حلية الأولياء: ج 8 ص 200 الرقم 408 ، مسند الشهاب: ج 1 ص 319 ح 537 ، الفردوس: ج 3 ص 567 ح 5779 كلهما عن ابن عمر نحوه ، كنز العمال: ج 3 ص 82 ح 5599 .
- 3- اكْفَهُرًا: إِذَا عَبَسَ (الصحيح: ج 2 ص 809 «كفهر»).
- 4- في كنز العمال: «الذباب» والذَّبَّان جمع الذباب .
- 5- تاريخ دمشق: ج 43 ص 337 ح 9207 عن أنس ، كنز العمال: ج 1 ص 388 ح 1676 .
- 6- الكافي: ج 8 ص 169 ح 190 عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله ، تحف العقول: ص 30 نحوه ، بحار الأنوار: ج 77 ص 126 ح 32 .



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از سرِ دشمنی با بدعت گذاری، از او روی بگرداند، خداوند، دل او را از یقین و خشنودی آکنده می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از روی دشمنی با بدعت گذاری، از او روی بگرداند، خداوند، دلش را از آرامش و ایمان، آکنده می سازد، و هر کس بدعت گذاری را رسوا سازد، خداوند، او را در آن روز وحشت بزرگ (قیامت)، آسوده خاطر می دارد، و هر کس بدعت گذاری را خوار گرداند، خداوند، او را در بهشت، صد درجه بالا می برد، و هر کس به بدعت گذاری سلام کند یا با خوش رویی با او برخورد کند یا از او به آنچه خوش می دارد، استقبال نماید، آنچه را خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله فرو فرستاده، خوار و خفیف کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بدعت گذاری را دیدید، بر او روی ترش کنید؛ زیرا خداوند از هر بدعت گذاری نفرت دارد، و هیچ يك از آنان، از صراط نمی گذرد؛ بلکه مانند ملخ و مگس، در آتش فرو می ریزند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا آن که برای خداوند \_ که یادش بشکوه باد \_، فروتنی کند و به آنچه خداوند برایش روا شمرده است، بی آن که از روش من روی گرداند، بی اعتنایی کند و زیور دنیا را، بدون برگشتن از سنت من، کنار نهد، و پس از من، از نیکان خاندانم پیروی کند، و از متکبران و فخر فروشان و دنیاخواهان و آنان که بر خلاف سنت من بدعت می گذارند و به غیر روش من عمل می کنند، دوری نماید.

الإمام علي عليه السلام: ثَلَاثٌ مَنْ حَفِظَهُنَّ كَانَ مَعصُومًا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ: مَنْ لَمْ يَخُلْ بِأَمْرٍ لَيْسَ يَمْلِكُ مِنْهَا شَيْئًا، وَلَمْ يَدْخُلْ عَلَى سُلْطَانٍ، وَلَمْ يُعِنْ صَاحِبَ بِدْعَةٍ بِبِدْعِهِ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تُجَالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ. (2)

4 / 7 فضلُ مُكَافَحَةِ الْبِدْعَةِ وَالْمُبْتَدِعِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَهَانَ صَاحِبَ بِدْعَةٍ أَمَنَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْفِرَاقِ الْأَكْبَرِ. (3)

تاريخ دمشق عن ابن عمر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ أَرَعَبَ صَاحِبَ بِدْعَةٍ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ يُمْنًا وَإِيمَانًا، وَمَنْ انْتَهَرَ (4) صَاحِبَ بِدْعَةٍ» \_ زَادَ ابْنُ الْقُسَيْرِيِّ: «أَمَنَهُ اللَّهُ مِنَ الْفِرَاقِ الْأَكْبَرِ، وَمَنْ أَهَانَ صَاحِبَ بِدْعَةٍ»، ثُمَّ اتَّفَقَا فَقَالَا: \_ «رَفَعَهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً، وَمَنْ لَانَ لَهُ إِذَا لَقِيَهُ تَبَشِيشًا فَقَدْ اسْتَحَفَّ بِمَا أُنزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ». (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ انْتَهَرَ صَاحِبَ بِدْعَةٍ، مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْنًا وَإِيمَانًا. (6)

1- النوادر للراوندي: ص 120 ح 130، الجعفریات: ص 96 كلاهما عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 74 ص 197 ح 32.

2- الكافي: ج 2 ص 375 ح 3 عن عمر بن يزيد، بحار الأنوار: ج 74 ص 201 ح 40.

3- مسند الشهاب: ج 1 ص 319 ح 537 و 538 كلاهما عن ابن عمر.

4- انتهرته: زجرته (المصباح المنير: ص 628 «النهر»).

5- تاريخ دمشق: ج 54 ص 199 ح 11447، كنز العمال: ج 3 ص 82 ح 5598.

6- مسند الشهاب: ج 1 ص 319 ح 537 عن ابن عمر.

**7 / 4 فضیلت مبارزه با بدعت و بدعت گذار**

امام علی علیه السلام: سه کار است که هر کس آنها را رعایت کند، از شیطان رانده شده، از هر بلائی، مصون می ماند: کسی که با زنی نامحرم، خلوت نکند؛ و بر فرمان روایی در نیاید؛ و بدعت گذاری را در بدعتش کمک نرساند.

امام صادق علیه السلام: با بدعت گذار، همنشینی نکنید که [اگر چنین کنید،] در نظر مردم، یکی از آنان به شمار می آید.

7 / 4 فضیلت مبارزه با بدعت و بدعت گذار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بدعت گذاری را خوار بدارد، خداوند، در آن روز وحشت بزرگ (قیامت)، او را در امان می دارد.

تاریخ دمشق\_ به نقل از ابن عمر \_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس بدعت گذاری را مرعوب گرداند، خداوند، دل او را از برکت و ایمان می آکند». ابن قشیر در روایت خویش، این افزوده را دارد که: «و هر کس بدعت گذاری را از خود براند، خداوند، او را از آن وحشت بزرگ (قیامت)، آسوده خاطر می دارد. ابن عمر و ابن قشیری، هر دو به اتفاق، در روایت خویش آورده اند: «هر کس بدعت گذاری را خوار بدارد، خداوند، او را در بهشت، یک درجه بالا می برد، و هر کس هنگام برخورد با بدعت گذار، با او نرمی کند و خوش رویی نشان دهد، آنچه را بر محمد نازل شده، خوار شمرده است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بدعت گذاری را براند ( / سرزنش کند )، خداوند، دل او را آکنده از آرامش و ایمان می گرداند.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَدَى إِلَى أُمَّتِي حَدِيثًا يُقَامُ بِهِ سُنَّةٌ أَوْ يُثَلَّمُ بِهِ بَدْعَةٌ، فَلَهُ الْجَنَّةُ. (1)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ رَدَّ عَلَيَّ صَاحِبَ بَدْعَةٍ بَدَعْتَهُ، فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى. (2)

الإمام الرضا عليه السلام: فِي الْفَقْهِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ - مَنْ رَدَّ صَاحِبَ بَدْعَةٍ عَن بَدْعَتِهِ، فَهُوَ سَبِيلٌ مِّن سُبُلِ (3) اللَّهِ. (4)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ أَعْلَامَ الدِّينِ لَقَائِمَةٌ، فَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ هُدِيَّ وَهَدَى، فَأَقَامَ سُنَّةً مَعْلُومَةً وَأَمَاتَ بَدْعَةً مَّجْهُولَةً. (5)

عنه عليه السلام: أَوْه (6) عَلَى إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَّوْا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ وَتَدَبَّرُوا الْقُرْصَ فَأَقَامُوهُ أَحْيَا السُّنَّةَ وَأَمَاتُوا الْبَدْعَةَ. (7)

5/7 مَنْ يَذُبُّ عَنِ الدِّينِ عِنْدَ كُلِّ بَدْعَةٍ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ عِنْدَ كُلِّ بَدْعَةٍ تَكُونُ مِنْ بَعْدِي يُكَادُ بِهَا الْإِيمَانُ وَلِيَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مُوَكَّلًا بِهِ يَذُبُّ عَنْهُ، يَنْطِقُ بِالْهَامِ مِنَ اللَّهِ، وَيُعْلِنُ الْحَقَّ وَيُنَوِّرُهُ، وَيُرَدُّ كَيْدَ الْكَافِرِينَ، يُعَبِّرُ عَنِ الضُّعْفَاءِ، فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ، وَتَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ. (8)

- 
- 1- منية المرید: ص 371، بحار الأنوار: ج 2 ص 152 ح 43؛ حلية الأولياء: ج 10 ص 44 الرقم 468 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 10 ص 158 ح 28815.
  - 2- الجعفریات: ص 172 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 2 ص 308 ح 63.
  - 3- في المصدر: «سبيل» والتصويب من بحار الأنوار.
  - 4- فقه الرضا عليه السلام: ص 383 ح 107، بحار الأنوار: ج 2 ص 308 ح 63.
  - 5- نهج البلاغة: الخطبة 164، بحار الأنوار: ج 31 ص 489 ح 9.
  - 6- أَوْه: كلمة يقولها الرجل عند الشكاية والتوجع، وربما شدّدوا الواو وكسروها وسكّنوا الهاء فقالوا: أَوْه (النهاية: ج 1 ص 82 «أَوْه»).
  - 7- نهج البلاغة: الخطبة 182 عن نوف البكالي.
  - 8- الكافي: ج 1 ص 54 ح 5، المحاسن: ج 1 ص 329 ح 669 كلاهما عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 2 ص 315 ح 79.

## 7 / 5 کسانی که از دین در برابر هر بدعتی ، دفاع می کنند

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به اتم حدیثی را برساند که با آن ، سنتی برپا شود یا بدعتی شکسته شود ، برایش بهشت باشد.

امام علی علیه السلام : هر کس بدعتِ بدعت گذاری را رد کند، او در راه خداوند متعال است.

امام رضا علیه السلام\_ در فقه منسوب به ایشان \_ : هر کس بدعت گذاری را از بدعتش برگرداند ، او راهی از راه های خداست.

امام علی علیه السلام : نشانه های دین ، بر پاست. پس بدان که برترین بندگان خدا در نزد خداوند ، پیشوای دادگری است که ره یافته و راه نما باشد و سنتی دانسته را بر پا بدارد و بدعتی ناشناخته را بمیراند .

امام علی علیه السلام : دردا و دریغا بر آن برادرانم که قرآن را تلاوت می کردند و آن را استوار می داشتند ، در واجبات [الهی] می اندیشیدند و آنها را بر پا می داشتند، سنت را زنده نگه می داشتند و بدعت را می میراندند !

7 / 5 کسانی که از دین در برابر هر بدعتی ، دفاع می کنند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در برابر هر بدعتی که پس از من برای آسیب رساندن به ایمان پیدا شود، حمایت کننده ای از خاندان من گماشته شده است که از ایمان ، دفاع می کند، و با الهام خدا ، سخن می گوید و حق را آشکار و روشن می گرداند، و دسیسه دسیسه چنان را خنثا می سازد و زبان گویای ناتوانان است. پس \_ ای صاحبان بصیرت \_ پند گیرید و به خدا توکل کنید .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ عِنْدَ كُلِّ بَدْعَةٍ تَكِيدُ الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ مَنْ يَذُبُّ عَنْهُ وَيَتَكَلَّمُ بِعَلَامَاتِهِ فَأَغْتَمُوا تِلْكَ الْمَجَالِسَ بِالذَّبِّ عَنِ الضُّعْفَاءِ، وَتَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ، وَكَفَى بِاللَّهِ وَكَيْلًا. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ بَدْعَةٍ كَيْدٌ بِهَا الْإِسْلَامُ، وَلِيَّا صَالِحًا يَذُبُّ عَنْهُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا ظَهَرَ أَهْلُ بَدْعَةٍ، إِلَّا أَظْهَرَ اللَّهُ فِيهِمْ حُجَّةً عَلَى لِسَانٍ مَنْ شَاءَ مِنْ خَلْقِهِ. (3)

الأمامي للطوسي عن أبي سعيد الخدري: أَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا بِمَا يَلْقَى بَعْدَهُ فَبَكَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَسَأَ لَكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ وَقِرَابَتِي مِنْكَ وَحَقَّ صِدْقِي إِيَّاكَ، لَمَّا دَعَوْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَقْبِضَ نِيَّ إِلَيْهِ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَتَسَأَلُنِي أَنْ أَدْعُو رَبِّي لِأَجْلِ مُؤَجَّلٍ. قَالَ: فَعَلَى مَا أَفَاتِلُهُمْ؟ قَالَ: عَلَى الْإِحْدَاثِ فِي الدِّينِ. (4)

الإمام علي عليه السلام: أَنَا أَحْيَى أَحْيَى سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَأَنَا أَمِيْتُ أَمِيْتُ الْبَدْعَةَ. (5)

6 / 7 | محاء البدع كُلهار رسول الله صلى الله عليه وآله في وصف ولاية المهدي عليه السلام - لا يقرع أحدا في ولايته بسوط إلا في حدٍّ يمحو الله به البدع كلها ويميت به الفتن كلها، يفتح الله به كل باب حق ويغلق به كل باب باطل. (6)

- 1- حلية الأولياء: ج 10 ص 400 الرقم 691، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 378 الرقم 707 نحوه وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 12 ص 193 ح 34624.
- 2- ربيع الأبرار: ج 2 ص 59.
- 3- كنز العمال: ج 1 ص 220 ح 1107 نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن ابن عباس.
- 4- الأمامي للطوسي: ص 502 ح 1098، بحار الأنوار: ج 28 ص 47 ح 11؛ المناقب للخوارزمي: ص 175 ح 211 نحوه وراجع: المعجم الكبير: ج 11 ص 294 ح 12042 والمناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 218.
- 5- المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 386، الإختصاص: ص 163 نحوه، بحار الأنوار: ج 39 ص 348 ح 20.
- 6- الملاحم والفتن: ص 265 ح 384 عن حذيفة بن اليمان.

## 7 / 6 از میان بردن همه بدعت ها

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، برای هر بدعتی که با اسلام و مسلمانان در ستیز باشد ، کسی را دارد که از آن ، دفاع می کند و نشانه های اسلام را بازگو می نماید. پس ، [حضور در] آن مجالسِ دفاع از ناتوانان را غنیمت شمارید و بر خدا توکل کنید که خداوند ، بهترین کارساز است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برای خداوند ، در برابر هر بدعتی که با آن به جنگ اسلام می روند ، حمایت کننده ای شایسته است که از آن ، دفاع می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بدعت گذاری ظهور نمی کند ، مگر آن که خداوند در میان آنان ، حجّتی را بر زبان هر يك از بندگانش که بخواهد ، آشکار می سازد .

الأمالی ، طوسی\_ به نقل از ابو سعید خُدَری \_ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، علی علیه السلام را از پیشامدهایی که پس از [رحلت] او با آنها رو به رو خواهد شد ، آگاه کرد . علی علیه السلام گریست و گفت : ای پیامبر خدا! به حقّی که بر تو دارم و به خویشاوندی ام با تو و به حقّ همنشینی ام با تو ، از تو می خواهم که از خداوند عز و جَلبخواهی تا جان مرا بگیرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از من می خواهی که پروردگارم را برای اَجَلی تعیین شده ، بخوانم؟!». علی علیه السلام گفت : پس ، بر سرِ چه با آنان بجنگم؟ فرمود: «بر سرِ بدعت گذاردن در دین».

امام علی علیه السلام : من زنده می کنم ؛ سنّت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را زنده می کنم. من می میرانم ؛ بدعت را می میرانم.

7 / 6 از میان بردن همه بدعت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ در توصیف حکومت مهدی علیه السلام \_ : در حکومتش ، هیچ کس را تازیانه نمی زند ، مگر برای اجرای حدّی. خداوند به وسیله او ، همه بدعت ها را از میان می بَرَد و به واسطه او ، همه فتنه ها را می میراند . خداوند ، به واسطه او ، همه درهای حق را می گشاید و همه درهای باطل را می بندد.

الإمام الباقر عليه السلام: إذا قام القائم عليه السلام ... لا يترك بدعة إلا أزالها ولا سنة إلا أقامها . (1)

عنه عليه السلام في قوله عز وجل: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ لَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (2) \_ هذه الآية لآلِ مُحَمَّدٍ، المَهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ، يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَيُظْهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلِّ بِهٖ وَبِأَصْحَابِهِ البِدْعَ وَالبَاطِلَ . (3)

جمال الأسبوع عن يونس بن عبد الرحمان: إن الرضا عليه السلام كان يأمر بالدعاء لصاحب الأمر عليه السلام بهذا: . . . اللَّهُمَّ ... اقصم به رؤوس الصلوات، وشارعة البدع، ... اللَّهُمَّ طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ المُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ (4) حِكْمَةِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًا مَحْضًا صَحِيحًا، لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ . (5)

- 1- الإرشاد: ج 2 ص 385، إعلام الوري: ج 2 ص 291 كلاهما عن أبي بصير، روضة الواعظين: ص 290، بحار الأنوار: ج 52 ص 339 ح 84؛ الفصول المهمة لابن الصباغ: ص 298 وفيه «يدرك» بدل «يترك» .
- 2- الحجج: 41 .
- 3- تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 343 ح 25، تفسير القمي: ج 2 ص 87 نحوه وكلاهما عن أبي الجارود، بحار الأنوار: ج 24 ص 166 ح 9 .
- 4- دَرَسَ: عَفَا وَخَفِيَتْ آثَارُهُ (المصباح المنير: ص 192 «درس»).
- 5- جمال الأسبوع: ص 308 و 312، كمال الدين: ص 514 ح 43 عن العمري نحوه، بحار الأنوار: ج 95 ص 334 ح 5 .



امام باقر علیه السلام: زمانی که قائم علیه السلام ظهور کند... هر چه را که بدعت باشد، از میان می برد، و هر چه را که سنت باشد، بر پا می دارد.

امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را بر پا می دارند و زکات را می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و فرجام همه کارها، از آن خداست» \_ این آیه، در باره خاندان محمد صلی الله علیه و آله است؛ مهدی و یارانش. خداوند، آنان را بر شرق و غرب عالم، فرمان روایی می بخشد و به واسطه او و یارانش، دین [اسلام] را حاکم می گرداند و بدعت ها و باطل را از بین می برد.

جمال الأسبوع به نقل از یونس بن عبد الرحمان \_ : امام رضا علیه السلام دستور می داد که برای [ظهور] صاحب امر، این دعا را بخوانیم : «... بار خدایا! ... به وسیله او، سردمداران گم راهی و بدعت گذاران را در هم بکوب... . بار خدایا! سرزمینت را از لوٹ وجود آنان، پاک گردان، و بندگان را از شر آنان، نجات ده، و به واسطه او، مؤمنان را عزت و قدرت ببخش، و سنت های پیامبران را زنده گردان، و حکمت پیامبران را تعلیم ده، و آنچه از دین را که محو شده، و آن احکامات را که تغییر داده شده است، به وسیله او تجدید فرما تا آن که دینت را به وسیله او و باستان او، دوباره، تازه و ناب و درست و بدون هر گونه کژی و بدعتی گردانی» .

الفصل الثامن : ما نصّ على أنه بدعة 8 / 1 الجدال في القرآن التوحيد عن محمد بن عيسى بن عبيد اليقطيني: كتّب عليّ بن مُحَمَّد بن عليّ بن موسى الرضا عليهم السلام إلى بعض شيعته ببغداد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، عَصَمْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ مِنَ الْفِتْنَةِ فَإِنْ يَعْمَلْ فَقَدْ أَعْظَمَ بِهَا نِعْمَةً ، وَإِنْ لَا- يَعْمَلْ فَهِيَ الْهَلَكَةُ . نَحْنُ نَرَى أَنَّ الْجِدَالَ فِي الْقُرْآنِ بَدْعَةٌ ، اشْتَرَكْ فِيهَا السَّائِلُ وَالْمُجِيبُ ، فَيَتَعَاطَى السَّائِلُ مَا لَيْسَ لَهُ ، وَيَتَكَلَّفُ الْمُجِيبُ مَا لَيْسَ عَلَيْهِ ، وَلَيْسَ الْخَالِقُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، وَمَا سِوَاهُ مَخْلُوقٌ ، وَالْقُرْآنُ كَلَامُ اللَّهِ ، لَا تَجْعَلْ لَهُ اسْمًا مِنْ عِنْدِكَ فَتَكُونَ مِنَ الضَّالِّينَ ، جَعَلْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ مِنَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ . (1)

8 / 2 الإِكْرَاهُ فِي الدِّينِ التَّوْحِيدِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ : سَأَلَ الْمَأْمُونُ يَوْمًا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ \* وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (2) ؟ فَقَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ الْمُسْلِمِينَ قَالُوا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ أَكْرَهْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنَ النَّاسِ عَلَى الْإِسْلَامِ لَكُنْتُ عَدُوًّا وَقَوِينَا عَلَى عَدُوِّنَا . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِبَدْعَةٍ لَمْ يُحْدِثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْءٌ «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (3) فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : يَا مُحَمَّدُ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا» عَلَى سَبِيلِ الْإِلْجَاءِ وَالْإِضْطِرَارِ فِي الدُّنْيَا كَمَا يُؤْمِنُونَ عِنْدَ الْمُعَايَنَةِ وَرُؤْيَةِ الْبَاسِ فِي الْآخِرَةِ وَلَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِمْ لَمْ يَسْتَحِقُّوا مِنِّي ثَوَابًا وَلَا مَدْحًا لِكِنِّي أُرِيدُ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْمِنُوا مُخْتَارِينَ غَيْرَ مُضْطَرِّينَ لَيْسَتْ حَقَّقُوا مِنِّي الزُّلْفَى وَالْكَرَامَةَ وَدَوَامَ الْخُلُودِ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ «أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» . وَأَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ : «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» فَلَيْسَ ذَلِكَ عَلَى سَبِيلِ تَحْرِيمِ الْإِيمَانِ عَلَيْهَا وَلَكِنْ عَلَى مَعْنَى أَنَّهَا مَا كَانَتْ لِتُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَإِذْنُهُ أَمْرُهُ لَهَا بِالْإِيمَانِ مَا كَانَتْ مُكَلَّفَةً مُتَعَبَّدَةً وَإِلْجَاؤُهُ إِيَّاهَا إِلَى الْإِيمَانِ عِنْدَ زَوَالِ التَّكْلِيفِ وَالتَّعَبُّدِ عَنْهَا . فَقَالَ الْمَأْمُونُ : فَرَجَتْ عَنِّي يَا أَبَا الْحَسَنِ فَرَجَ اللَّهُ عَنْكَ . (4)

1- .التوحيد : ص 224 ح 4 ، الأمامي للصدوق : ص 639 ح 864 ، روضة الواعظين : ص 47 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 118 ح 4 .

2- .يونس : 99 و 100 .

3- .ص : 86 .

4- .التوحيد : ص 342 ح 11 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 135 ح 33 ، الإحتجاج : ج 2 ص 394 ح 302 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 49 ح 80 .

## فصل هشتم: آنچه بر بدعت بودنش تصریح شده است

### 8 / 1 مجادله کردن در باره قرآن

### 8 / 2 اجبار در پذیرش دین

فصل هشتم: آنچه بر بدعت بودنش تصریح شده است 8 / 1 مجادله کردن در باره قرآلتوحید. به نقل از محمد بن عیسی بن عبید یقطینی \_ :علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا (امام هادی) علیه السلام به یکی از شیعیانش در بغداد، نوشت: «به نام خدای مهرگستر مهربان. خداوند، ما و تو را از فتنه، نگه دارد، که اگر چنین کند، چه نعمت بزرگی است، و اگر نکند، هلاکت در انتظار است. ما بر آنیم که جدل کردن در باره قرآن، بدعت است و پرسنده و پاسخ دهنده (طرفین جدل) در این بدعت، شریک اند؛ زیرا پرسنده، چیزی را می گیرد که حق او نیست، و پاسخ دهنده، متحمل چیزی می شود که بر عهده او نیست. آفریدگاری جز خداوند عز و جل نیست و هر چه جز او، مخلوق است. قرآن، کلام خداست. از پیش خود، نامی برای آن مَنه که از گم راهان خواهی بود. خداوند، ما و تو را از کسانی قرار دهد که در نهان، از پروردگارشان می ترسند و از قیامت، بیمناک اند!» .

8 / 2 اجبار در پذیرش دینالتوحید. به نقل از ابو صلت هَرَوی \_ :روزی مأمون از علی بن موسی الرضا علیه السلام پرسید: ای پسر پیامبر خدا! معنای این فرموده خداوند عز و جل چیست: «و اگر پروردگار تو می خواست، بی گمان، همه آنان که در زمین اند، سراسر، ایمان می آوردند. پس آیا تو مردم را مجبور می کنی که مؤمن باشند؟ و هیچ کس را نَسِرَد که جز به اذن خدا، ایمان بیاورد؟» ؟ امام رضا علیه السلام فرمود: «پدرم موسی بن جعفر، از پدرش جعفر بن محمد، از پدرش محمد بن علی، از پدرش علی بن الحسین، از پدرش حسین بن علی، از پدرش علی بن ابی طالب علیهم السلام برایم حدیث کرد که: مسلمانان به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند: ای پیامبر خدا! اگر کسانی را که بر آنان چیره گشتی، به پذیرش اسلام مجبور می ساختی، شمار ما افزون می گشت و در برابر دشمنان، نیرومند می شدیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من حاضر نیستم خداوند عز و جل را با بدعتی که در باره آن به من دستوری نرسیده است، دیدار کنم «و من، از خودسران نیستم» (1). در این هنگام، خداوند \_ تبارک و تعالی \_ نازل کرد: ای محمد! «اگر پروردگارت می خواست، بی گمان، همه کسانی که در زمین هستند، سراسر، ایمان می آوردند» ؛ یعنی همه در دنیا، از سر اجبار و ناچاری ایمان می آوردند، همچنان که در آخرت، با دیدن و مشاهده عذاب، ایمان می آورند، و اگر من این کار را با آنان می کردم، دیگر سزاوار پاداش و ستایش از جانب من نمی بودند؛ بلکه می خواهم که با اختیار و آزادانه، ایمان بیاورند تا سزاوار تقرب [به من] و کرامت و جاودانگی در بهشت جاویدان شوند. «پس آیا تو مردم را مجبور می کنی که مؤمن باشند؟» . و اما این سخن خداوند عز و جل که: «هیچ کس را نَسِرَد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد»، به معنای تحریم [و ممنوع ساختن] ایمان بر آنها نیست؛ بلکه به این معناست که بدون اذن خدا، نمی توانند ایمان بیاورند، و اذن خدا هم عبارت است از: فرمان او به ایمان آوردن مردم [در دنیا]، مادام که دارای تکلیف و موظف به عبادت هستند، و مجبور ساختن آنها به ایمان، در هنگامی است که تکلیف و تعبد، از آنها برداشته شود (یعنی در آخرت). مأمون گفت: خاطرت آسوده باد \_ ای ابو الحسن \_ که خاطر من را آسوده نمودی!

1- .. در اصل آیه، واژه «الْمُتَكَلِّفِينَ» آمده است و «متکلف» ، به معنای کسی است که کاری را انجام دهد که به آن، امر نشده است؛

کسی که خودش، کاری را انجام دهد.





8 / 3 صلاة التطوع في جماعة الإمام الصادق عليه السلام: لا يصلي التطوع في جماعة، لأن ذلك بدعة، وكل بدعة ضلالة، وكل ضلالة في النار. (1)

8 / 4 صلاة التراويح صحيح البخاري عن عبد الرحمن بن عبد القاري: خرجت مع عمر بن الخطاب ليلة في رمضان إلى المسجد، فإذا الناس أوزاع (2) متفرقون، يصلي الرجل لنفسه، ويصلي الرجل فيصلي بصلاته الرهط (3). فقال عمر: إني أرى لو جمعت هؤلاء على قاري واحد لكان أمثل. ثم عزم فجمعهم على أبي بن كعب، ثم خرجت معه ليلة أخرى والناس يصلون بصلاة قارئهم. قال عمر: نعم البدعة هذه، والتي ينامون عنها أفضل من التي يقومون، يريد آخر الليل وكان الناس يقومون أوله. (4)

صحيح ابن خزيمة عن عائشة: إن رسول الله صلى الله عليه وآله خرج في جوف الليل، فصلّى في المسجد، فصلّى رجال بصلاته، فأصبح ناس يتحدّثون بذلك، فلما كانت الليلة الثالثة كثر أهل المسجد، فخرج فصلى فصلوا بصلاته، فلما كانت الليلة الرابعة عجز المسجد عن أهله، فلم يخرج إليهم رسول الله صلى الله عليه وآله، فطفق رجال منهم ينادون الصلاة فلا يخرج، فكمن رسول الله صلى الله عليه وآله حتى خرج لصلاة الفجر، فلما قضى الفجر قام، فأقبل عليهم بوجهه، فتشهد، فحمد الله، وأثنى عليه، ثم قال: أما بعد فإنه لم يخف علي شأنكم، ولكني خشيت أن تقتصر عليكم صلاة الليل، فتعجزوا عنها. وكان رسول الله صلى الله عليه وآله يرعّبهم في قيام رمضان من غير أن يأمر بعزيمة أمر، فيقول: من صام رمضان إيماناً واحتساباً، غفر له ما تقدم من ذنبه. فتوفي رسول الله صلى الله عليه وآله، فكان الأمر كذلك في خلافة أبي بكر وصدر من خلافة عمر، حتى جمعهم عمر على أبي بن كعب وصلى بهم، فكان ذلك أول ما اجتمع الناس على قيام رمضان. (5)

- 1- الخصال: ص 606 ح 9 عن الأعمش، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 124 ح 1 عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «لا يجوز أن يصلي» بدل «لا يصلي»، بحار الأنوار: ج 10 ص 225 ح 1.
- 2- أوزاع: أي متفرقون (النهاية: ج 5 ص 181 «وزع»).
- 3- الرهط: مادون عشرة من الرجال (المصباح المنير: ص 241 «الرهط»).
- 4- صحيح البخاري: ج 2 ص 707 ح 1906، الموطأ: ج 1 ص 114 ح 3، السنن الكبرى: ج 2 ص 694 ح 4603، صحيح ابن خزيمة: ج 2 ص 155 ح 1100 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 407 ح 23466.
- 5- صحيح ابن خزيمة: ج 3 ص 338 ح 2207، السنن الكبرى: ج 2 ص 694 ح 4602، مسند إسحاق بن راهويه: ج 2 ص 304 ح 827 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 816 ح 21540.

8 / 3 به جماعت خواندن نماز مستحبی امام صادق علیه السلام: نماز مستحبی، با جماعت خوانده نمی شود؛ چون این کار، بدعت است و هر بدعتی، گم راهی است و هر گم راهی ای در آتش است.

8 / 4 نماز تراویح صحیح البخاری\_ به نقل از عبد الرحمان بن عبد القاری \_ شبی در ماه رمضان با عمر بن خطاب به مسجد رفتیم. دیدیم که مردم، پخش و پراکنده اند: یکی، تنها نماز می خواند و دیگری، با جمعی که به او اقتدا کرده اند، مشغول نماز است. عمر گفت: به نظر من، اگر اینها همه به یک پیش نماز اقتدا کنند، بهتر است. سپس تصمیم به این کار گرفت و گفت که همگی به اُبی بن کعب، اقتدا کنند. شبی دیگر نیز با او آمدیم. دیدیم که مردم با پیش نمازشان، نماز می گزارند. عمر گفت: این، خوب بدعتی بود، و آن [نمازی] که مردم از آن می خوانند [و نمی خوانند]، برتر از آن [نمازی] است که می خوانند! مقصودش [خواندن نوافل] در آخر شب بود، در حالی که مردم، [آنها را] اول شب می خواندند.

صحیح ابن خزیمه\_ به نقل از عایشه \_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دل شب [از اتاق] خارج شد و در مسجد، نماز گزارد و چند نفری پشت سرش نماز خواندند. صبح که شد، عدّه ای شروع به بازگو کردن آن کردند. شب سوم، جمعیت مردم در مسجد، بیشتر شد. پیامبر صلی الله علیه و آله، باز به مسجد رفت و نماز گزارد و مردم به ایشان، اقتدا کردند. در شب چهارم، مسجد، لبریز از جمعیت شد؛ اما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به میان آنان نرفت. عدّه ای از مردم، صدا می زدند: «نماز!»؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله [از خانه] خارج نشد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همچنان [در خانه] ماند تا آن که برای نماز صبح، بیرون رفت. نماز صبح را که خواند، برخاست و رو به جمعیت کرد و شهادت (أشهد أن لا إله إلا الله) گفت و حمد و ثنای الهی را به جا آورد. سپس فرمود: «اما بعد! من از حضور شما خبر داشتم؛ اما ترسیدم که نماز شب بر شما واجب گردد و از عهده آن، بر نیایید». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، آنان را به خواندن نماز شب در ماه رمضان، ترغیب می کرد، بی آن که به وجوب چیزی فرمان دهد، و می فرمود: «هر کس رمضان را از سر ایمان و اخلاص، روزه بگیرد، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، از دنیا رفت و کار [خواندن نماز شب به صورت فردا]، به همین منوال در دوره خلافت ابوبکر و اوایل خلافت عمر، ادامه یافت تا آن که عمر دستور داد تا مسلمانان، این نماز را به جماعت با پیش نمازی اُبی بن کعب بخوانند؛ و این، آغاز به جماعت خواندن این نماز در ماه رمضان بود.



تهذيب الأحكام عن زرارة وابن مسلم و الفضيل عن الصادقين عليهما السلام قالوا: سألناهما عليهما السلام عن الصلاة في رمضان نافلةً بالليل جماعةً فقالا: إن النبي صلى الله عليه وآله كان إذا صلى العشاء الآخرة انصرف إلى منزله، ثم يخرج من آخر الليل إلى المسجد، فيقوم فيصلي، فخرج في أول ليلة من شهر رمضان ليصلي كما كان يصلي، فاصطف الناس خلفه فهرب منهم إلى بيته وتركهم، ففعلوا ذلك ثلاث ليالٍ، فقام في اليوم الرابع على منبره، فحمد الله وأثنى عليه ثم قال: أيها الناس، إن الصلاة بالليل في شهر رمضان النافلة في جماعة بدعة وصلاة الضحى بدعة، ألا فلا تجتمعوا ليلاً في شهر رمضان لصلاة الليل ولا تصلوا صلاة الضحى؛ فإن ذلك معصية، ألا وإن كل بدعة ضلالة، وكل ضلالة سبيلها إلى النار، ثم نزل وهو يقول: قليل في سنة خير من كثير في بدعة. (1)

1- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 69 ح 226، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 137 ح 1964، دعائم الإسلام: ج 1 ص 213 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 97 ص 381 ح 4.

تهذيب الأحكام\_ به نقل از زُراه و ابن مسلم و فضيل \_ : از آن دو (امام باقر و امام صادق عليهما السلام) ، در باره به جماعت خواندن نماز شب در ماه رمضان پرسيديم. فرمودند: «پيامبر صلى الله عليه و آله ، نماز خفتن را كه مى خواند ، به خانه اش مى رفت. سپس آخر شب به مسجد مى آمد و به نماز مى ايستاد . در نخستين شب ماه رمضان، طبق معمول، براى گزاردن نماز به مسجد رفت. مردم ، پشت سر ايشان ، صف كشيدند. پيامبر صلى الله عليه و آله ، از دست آنان به خانه اش گريخت و آنان را به حال خود ، رها كرد. مسلمانان ، سه شب چنين كردند. روز چهارم ، پيامبر صلى الله عليه و آله بر منبر رفت و خدا را ستايش كرد و او را ثنا گفت . سپس فرمود: اى مردم! به جماعت خواندن نماز نافله شب در ماه رمضان و نيز نماز چاشت ، بدعت است. هان ! پس هيچ شى را در ماه رمضان ، براى گزاردن نماز شب ، جمع نشويد و نماز چاشت را نيز [به جماعت] نخوانيد؛ زيرا اين كار ، معصيت است. آگاه باشيد كه هر بدعتى ، گم راهى است و هر گم راهى اى ، راهش به سوى آتش است . آن گاه از منبر پايين آمد ، در حالى كه مى فرمود: [عمل] اندك همراه با سنت ، بهتر از بسيار توأم با بدعت است .» .

الإمام الصادق عليه السلام\_ لَمَّا سَأَلَهُ عَمَّا زُ السَّابِطِيُّ عَنِ الصَّلَاةِ فِي رَمَضَانَ فِي الْمَسَاجِدِ \_ : لَمَّا قَدِمَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكُوفَةَ أَمَرَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يُنَادِيَ فِي النَّاسِ : لَا صَلَاةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْمَسَاجِدِ جَمَاعَةً ، فَنَادَى فِي النَّاسِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَا أَمَرَهُ بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَلَمَّا سَمِعَ النَّاسُ مَقَالََةَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ صَاحُوا : وَاعْمَرَاهُ وَاعْمَرَاهُ . فَلَمَّا رَجَعَ الْحَسَنُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ : مَا هَذَا الصَّوْتُ ؟ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ النَّاسُ يَصِيحُونَ : وَاعْمَرَاهُ وَاعْمَرَاهُ ! فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قُلْ لَهُمْ صَلُّوا . (1)

تفسير العياشي عن حريز عن بعض أصحابنا عن أحدهما عليهما السلام: لَمَّا كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْكُوفَةِ أَتَاهُ النَّاسُ فَقَالُوا : اجْعَلْ لَنَا إِمَامًا يُؤْمِنُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ، فَقَالَ : لَا ، وَنَهَاهُمْ أَنْ يَجْتَمِعُوا فِيهِ فَلَمَّا أَمَسُوا جَعَلُوا يَقُولُونَ : ائْبِكُوا فِي رَمَضَانَ وَرَمَضَانَاهُ ، فَأَتَاهُ الْحَارِثُ الْأَعْوَرُ فِي أَنَسٍ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَدَّجَ النَّاسُ وَكَرِهُوا قَوْلَكَ فَقَالَ عِنْدَ ذَلِكَ : دَعُوهُمْ وَمَا يُرِيدُونَ لِيُصَلِّيَ بِهِمْ مَنْ شَاؤُوا ، ثُمَّ قَالَ : فَمَنْ «يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُؤَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (2) . (3)

1- .تهذيب الأحكام: ج 3 ص 70 ح 227 وراجع: الصراط المستقيم: ج 3 ص 26 وكتاب سليم بن قيس: ج 2 ص 721 .

2- .النساء: 115 .

3- .تفسير العياشي: ج 1 ص 275 ح 272 ، مستطرفات السرائر: ص 146 ح 18 ، بحار الأنوار: ج 96 ص 385 ح 5 .

امام صادق علیه السلام\_ در پاسخ سؤال عمّار ساباطی در باره خواندن نماز شب، به جماعت، در ماه رمضان در مساجد\_ : چون امیر مؤمنان علیه السلام به کوفه آمد، به حسن بن علی علیه السلام فرمود تا در میان مردم، ندا دهد: «در ماه رمضان، نماز [شب] را در مساجد، به جماعت نباید خواند». حسن بن علی علیه السلام، فرمان امیر مؤمنان علیه السلام را در میان مردم، ندا داد. مردم، چون سخن حسن بن علی علیه السلام را شنیدند، فریاد بر آوردند: وا عمرا، وا عمرا! حسن علیه السلام به نزد امیر مؤمنان علیه السلام باز گشت. امیر مؤمنان علیه السلام پرسید: «این، چه صدایی است؟». حسن علیه السلام گفت: ای امیر مؤمنان! مردم فریاد می زنند، وا عمرا، وا عمرا! امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «به آنها بگو که [به جماعت] بخوانند».

تفسیر العیاشی\_ به نقل از حریر، از یکی از راویان شیعه، از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام\_ : زمانی که امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه بود، مردم نزد ایشان آمدند و گفتند: برایمان پیش نمازی قرار ده که در ماه رمضان، امام [جماعت] ما باشد. فرمود: «نه»، و آنان را از به جماعت خواندن [نماز شب] در این ماه، نهی کرد. شب که شد، مردم شروع کردن به گفتن این جمله: «در رمضان بگریید. و رمضان!» . پس، حارث اَعَوْر، با عده ای از مردم، نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! مردم، فغان بر آورده اند و از فرمان شما ناراحت اند. در این هنگام، امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «آزادشان بگذارید که بخوانند، و هر که را خواستند، پیش نماز خود، قرار دهند». سپس فرمود: «و هر کس راهی غیر راه مؤمنان را در پیش گیرد، وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده، و می گذاریم و به جهنم می کشانیم؛ و چه بد بازگشتگاهی است!» .

مستدرك الوسائل عن أبي القاسم الكوفي في كتاب الاستغاثة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَنَّ عَلَى الْمُصَلِّينَ النَّوَافِلَ ، فِي لَيْلِ رَمَضَانَ فُرَادَى ، وَهِيَ الَّتِي تُسَمَّى التَّرَاوِيحَ ، فَاجْتَمَعَتِ الْأُمَّةُ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يُرَخَّصْ فِي صَلَاتِهَا جَمَاعَةً ، فَلَمَّا وُلِّيَ عُمُرُ أَمْرَهُمْ بِصَلَاتِهَا جَمَاعَةً ، فَصَلُّوا كَذَلِكَ وَجَعَلُوهَا مِنَ السُّنَنِ الْمُؤَكَّدَةِ ، ثُمَّ وَالُوا عَلَيْهَا وَوَأْظَبُوا ، وَهُمْ فِي ذَلِكَ مُقَرَّرُونَ بِأَنَّهَا بَدْعَةٌ ، ثُمَّ يَزْعُمُونَ أَنَّهَا بَدْعَةٌ حَسَنَةٌ ... إِلَى آخِرِ مَا قَالَهُ . (1)

تاريخ الخلفاء: وفيها - يعني سنة أربع عشرة - جَمَعَ عُمَرُ النَّاسَ عَلَى صَلَاةِ التَّرَاوِيحِ . (2)

8 / 5 صَلَاةُ الصُّحُوحِ الْبَخَارِيِّ عَنْ عَائِشَةَ: إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَدْعُ الْعَمَلَ - وَهُوَ يُجِبُّ أَنْ يَعْمَلَ بِهِ - خَشِيَةَ أَنْ يَعْمَلَ بِهِ النَّاسُ فَيَفْرَضَ عَلَيْهِمْ ، وَمَا سَبَّحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سُبْحَةَ الصُّحَى قَطُّ وَإِنِّي لَأَسْبِحُهَا . (3)

صحيح البخاري عن عائشة: مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبَّحَ سُبْحَةَ الصُّحَى ، وَإِنِّي لَأَسْبِحُهَا . (4)

1- . مستدرك الوسائل : ج 6 ص 218 ح 6773 .

2- . تاريخ الخلفاء : ص 154 وراجع : فتح الباري : ج 4 ص 286 وأسد الغابة : ج 5 ص 190 الرقم 4961 وتاريخ دمشق : ج 22 ص 213 .

3- . صحيح البخاري : ج 1 ص 379 ح 1076 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 497 ح 77 ، سنن أبي داود : ج 2 ص 28 ح 1293 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 371 ح 24613 و ج 10 ص 51 ح 25928 ، الموطأ : ج 1 ص 152 ح 29 كلها نحوه ، كنز العمال : ج 8 ص 402 ح 23446 .

4- . صحيح البخاري : ج 1 ص 395 ح 1123 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 497 ح 77 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 538 ح 25499 و ج 10 ص 37 ح 25864 ، مسند اسحاق بن راهويه : ج 2 ص 299 ح 820 ، كنز العمال : ج 8 ص 402 ح 23447 .

## اشاره

مستدرک الوسائل\_ به نقل از ابو القاسم کوفی ، در الاستغاثة \_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، برای نماز گزاران ، خواندن نمازهای نافله شب را در ماه رمضان به صورت فرادا ، سنّت نهاد ، و این ، همان نمازی است که به آن ، «تراویح» می گویند. بنا بر این ، به اجماع امت ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، اجازه به جماعت خواندن این گونه نمازها را نداده است ؛ اما چون عمر به خلافت نشست ، دستور داد که این نمازها را به جماعت بخوانند ، و مسلمانان ، چنین خواندند و آن را از سنّت های مورد تأکید ، قرار دادند و به آن ، ادامه دادند و بر این کار ، مواظبت نمودند . در حالی که معترف بودند که این کار ، بدعت است ؛ اما آن را بدعتی نیکو می پنداشتند ... .

تاریخ الخلفاء: در این سال ، یعنی سال چهاردهم [ هجری ] ، عمر ، مردم را بر به جماعت خواندن نماز تراویح ، واداشت.

8 / 5 نماز چاشت صحیح البخاری\_ به نقل از عایشه \_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، این کار (خواندن نماز چاشت) را رها می کرد ، در حالی که دوست داشت آن را به جا آورد ، چون می ترسید که مردم به آن عمل کنند و در نتیجه ، بر آنان واجب گردد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، هیچ گاه نماز چاشت نخواند ؛ ولی من (عایشه) آن را می خوانم .

صحیح البخاری\_ به نقل از عایشه \_ : من ندیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز چاشت بخواند ؛ اما من ، آن را می خوانم.

صحيح البخاري عن مجاهد: دَخَلْتُ أَنَا وَعُرْوَةُ بِنْتُ الزُّبَيْرِ الْمَسْجِدَ، فَإِذَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ جَالِسٌ إِلَى حُجْرَةِ عَائِشَةَ، وَإِذَا نَاسٌ يُصَلُّونَ فِي الْمَسْجِدِ صَلَاةَ الضُّحَى، قَالَ: فَسَأَلْنَاهُ عَنْ صَلَاتِهِمْ فَقَالَ: بِدْعَةٌ. (1)

الإمام الباقر عليه السلام - وَقَدْ سَأَلَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ عَنِ صَلَاةِ الضُّحَى - :أَوَّلُ مَنْ ابْتَدَعَهَا قَوْمُكَ الْأَنْصَارُ، سَمِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ، فَكَانُوا يَأْتُونَ مِنْ ضِيَاعِهِمْ ضُحَىً، فَيَدْخُلُونَ الْمَسْجِدَ فَيُصَلُّونَ فِيهِ، فَبَلَغَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَهَاؤُمَ عَنْهُ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: وَلَا تُصَلُّوا ضُحَىً، فَإِنَّ الصَّلَاةَ ضُحَىً بِدْعَةٌ، وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ، ثُمَّ نَزَلَ وَهُوَ يَقُولُ: عَمَلٌ قَلِيلٌ فِي سُنَّةٍ خَيْرٌ مِنْ عَمَلٍ كَثِيرٍ فِي بِدْعَةٍ. (3)

راجع: ص 30 ح 133 .

- 
- 1- صحيح البخاري: ج 2 ص 630 ح 1685، صحيح مسلم: ج 2 ص 917 ح 220، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 540 ح 6439 نحوه، السنن الكبرى: ج 5 ص 16 ح 8836 .
  - 2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 214، بحار الأنوار: ج 83 ص 159 ح 6 .
  - 3- دعائم الإسلام: ج 1 ص 213، بحار الأنوار: ج 97 ص 381 ح 4 .

صحیح البخاری\_ به نقل از مجاهد \_ من و عروة بن زبیر ، به مسجد در آمدیم . دیدیم که عبد الله بن عمر ، در کنار اتاق عایشه نشسته است و عده ای از مردم ، در مسجد ، نماز چاشت می خوانند . از او (ابن عمر) در باره نماز آنان پرسیدم . گفت: بدعت است .

امام باقر علیه السلام\_ در پاسخ پرسش مردی از انصار در باره نماز چاشت \_ : نخستین کسانی که آن را بدعت نهادند ، قوم تو ، انصار ، بودند . [ علّتش آن بود که ] شنیدند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «یک رکعت نماز در مسجد من ، با هزار رکعت ، برابر است» . از این رو در هنگام چاشت ، مزارع [ و کار ] خود را رها می کردند و به مسجد می آمدند و در آن ، نماز می خواندند . این خبر به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید . آنها را از این کار ، منع کرد .

امام صادق علیه السلام : روزه ماه رمضان ، واجب است و به جماعت خواندن نافله شب آن بدعت است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنان نخواستند ، در حالی که اگر خوب بود ، آن را ترك نمی کرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از شب های ماه رمضان ، به تنهایی نماز می خواند که گروهی پشت سر او به نماز ایستادند . چون آنان را [در پشت سر خویش] احساس کرد ، وارد خانه اش شد و این کار را سه شب انجام داد . پس از سه شب ، صبح به منبر رفت و خدا را حمد و ثنا گفت . سپس فرمود : «ای مردم! غیر از نماز واجب ، نماز دیگری را به جماعت نخوانید ، نه در ماه رمضان و نه در جز آن . آنچه کردید ، بدعت است و در وقت چاشت (از طلوع آفتاب تا هنگام ظهر) نماز نخوانید ؛ زیرا نماز خواندن در وقت چاشت ، بدعت است و هر بدعتی ، گم راهی است و هر گم راهی ای ، راه به آتش می برد . [پیامبر صلی الله علیه و آله] سپس از منبر به زیر آمد ، در حالی که می فرمود: «اندک عملی که مطابق سنت باشد ، بهتر از عمل بسیاری است که با بدعت ، همراه باشد» .

ر . ك : ص 31 ح 133 .





## پژوهشی در باره نماز چاشتگاه

## روایات نماز چاشت

پژوهشی در باره نماز چاشتگاه بر پایه حدیث «الصَّلَاةُ خَيْرُ مَوْضُوعٍ»، می‌توانیم افزون بر نمازهای واجب و مستحبی و نوافل روزانه و رواتب، برای ذکر خدا و پاداش بُردن، در مکان‌ها و زمان‌هایی که شارع مقدّس، ما را از آن نهی نکرده است، نماز بخوانیم. شرط اساسی در صحّت و جواز این نمازها، مانند هر عبادت دیگری، آن است که تنها کلیت آن را به شارع، منسوب بدانیم و خصوصیات زمانی و مکانی آنها را به شارع، نسبت ندهیم که در این صورت، تعریف «بدعت» (1) بر آن، صدق خواهد کرد. نتیجه این سخن، آن است که به هنگام بر آمدن خورشید (چاشتگاه / صَدْحِي)، مانند زمان‌های دیگر، می‌توان نماز قضا و یا مستحبی خواند؛ ولی اگر بخواهیم نماز در این زمان (هنگام چاشت) را عبادتی رسمی و اعلام شده از سوی شارع مقدّس اسلام بدانیم و آن را از زمره نمازهای فرائض و یا رواتب بشماریم، نیازمند دلیل و روایاتی مقبول هستیم؛ روایاتی که مُجْمَل و یا مُبْتَلَا به مُعَارَض نباشند.

روایات نماز چاشتروایات در باره این موضوع را می‌توان به دو دسته کلی، تقسیم نمود: دسته اول،

1- .. ر. ک: همین دانش نامه: ج 11 ص 457 (بدعت، در حدیث).

به خواندن نماز چاشت، توصیه کرده و یا گفته اند که دستِ کم پیامبر صلی الله علیه و آله، گاه آن را خوانده است. (1) دسته دوم، نه تنها به آن توصیه نکرده اند؛ بلکه آن را بدعت دانسته اند. (2) در میان روایات دسته اول، روایات ضعیف و مُجْمَل، 3 بیشتر به چشم می آید و حتی برخی از آنها به وسیله مؤلفان کتب احادیث موضوعه، مجعول دانسته شده اند؛ (3) اما روایات دسته دوم، هر چند از نظر عددی کمتر هستند، اما دلالتشان، واضح تر و اسنادشان، قوی تر است. (4) افزون بر این، روایات دسته دوم، از سوی

- 
- 1- .. مانند روایت احمد بن حنبل از عایشه: «پیامبر صلی الله علیه و آله، نماز چاشت می خوانده...» (مسند ابن حنبل: ج 9 ص 520 ح 25403) و روایت مسلم از ابوذر و ابودردا (صحیح مسلم: ج 1 ص 499 ح 85 و 86) و روایت ابن ماجه از ابوهریره: «هر کس دو رکعت نماز چاشتگاه را به جا آورد، گناهایش آمرزیده می شود، هر چند به اندازه کف های دریا باشد» (سنن ابن ماجه: ج 1 ص 440 ح 1382. نیز، ر. ک: سنن الدارقطنی: ج 2 ص 80 ح 1 و المصنف، ابن ابی شیبه: ج 2 ص 297 ح 9).
  - 2- .. برخی از این روایات، در متن کتاب آمد و برای برخی دیگر، ر. ک: صحیح البخاری: ج 1 ص 394 ح 1121 و مسند ابن حنبل: ج 2 ص 249 ح 4758 و ص 298 ح 5052 و ص 484 ح 6134 و ص 540 ح 6439 (از موزق) و ج 7 ص 323 ح 20482 (از عبد الرحمان بن ابی بکره).
  - 3- .. مانند روایات زکریا بن دُرَید کِنْدی از حمید و یعلی بن اَشْدَق، از عبد الله بن جراد (ر. ک: الموضوعات: ج 12 ص 111 باب فی الضحی).
  - 4- .. برای آگاهی از این روایات، ر. ک: البدعة، مفهومها، حدودها: ص 169، زاد المعاد، ابن قیم جوزی: ج 1 ص 117.

فقیهان شیعه و برخی علمای اهل سنت، نقل و تلقی به قبول شده اند، (1) در حالی که روایات دسته اول، تنها به وسیله محدثان و فقیهان اهل سنت، گزارش شده اند و مورد قبول همه آنان نیز نیستند. (2) سخن آخر، این که هیچ فقیهی، این نماز را واجب و ترك آن را موجب عذاب و عقاب، ندانسته است. بنا بر این، احتمال بدعت بودن آن، موجب رعایت احتیاط و اجتناب از آن است، چنان که علامه حلی گفته است: وقتی اخباری صحیح، دایر بر بدعت بودن آن وارد شده، تركش متیقن است؛ زیرا ترك آن، حرام نیست؛ ولی بر اساس این روایت، انجام دادن آن، حرام است. پس تركش مطابق احتیاط است و برای خلاصی از تکلیف، بهتر است. (3) گفتنی است که با توجه به احادیث معارض و نهی شدید آنها، دیگر نمی توان به اخبار «مَنْ بَلَّغَ» استناد کرد؛ زیرا اخبار «مَنْ بَلَّغَ»، بر فرض دلالت بر استحباب عملی که وعده ثواب برای انجام دادن آن، داده شده است، توانایی اثبات استحباب چیزی را که احتمال رد آن قوی است، ندارد. (4)

1- .. محدثان اهل سنت، روایات نافی (مخالف) را در صحیح البخاری رد نکرده اند و بلکه به جمع دلالتی پرداخته اند و عموم عالمان شیعه هم به روایات نافی در این زمینه، تمسک کرده اند (ر. ک: رسائل المرتضی: ج 1 ص 221، الخلاف: ج 1 ص 543، تذكرة الفقهاء: ج 2 ص 278).

2- .. ر. ک: الشرح الكبير على المغنی: ج 1 ص 775، الفقه على المذاهب الأربعة: ج 1 ص 332، زاد المعاد، ابن قیم: ج 1 ص 116).

3- .. الرسالة السعدية: ص 119.

4- .. این تحلیل توسط فاضل ارجمند جناب آقای عبد الهادی مسعودی تهیه شده است.

8 / 61 الأذان الثالث يوم الجمعة الإمام الباقر عليه السلام: الأذان الثالث يوم الجمعة بدعة. (1)

---

1- الكافي: ج 3 ص 422 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 19 ح 67، عوالي اللآلي: ج 3 ص 99 ح 124 كلّها عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 83 ص 114 ح 26.

**8 / 6 اذان سوم در روز جمعه**

**اشاره**

8 / 6 اذان سوم در روز جمعها امام باقر عليه السلام: [گفتن] اذان سوم در روز جمعه ، بدعت است.



## پژوهشی در باره اذان پیش از ظهر روز جمعه

### اشاره

پژوهشی در باره اذان پیش از ظهر روز جمعهمی دانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، سال ها در مدینه و اطراف آن ، نماز جمعه را بر پا می کرده است . گزارش های متعدّد در این باره هم داستان اند که پیامبر صلی الله علیه و آله برای فرا خواندن مردم به نماز جمعه ، از شعار همیشگی اسلام ، یعنی اذان ، استفاده نموده است . مؤذّن پیامبر صلی الله علیه و آله ، زمانی که امام جمعه برای ایراد خطبه فراز می آمد ، اذان می گفت (1) و پس از فرود آمدن امام جمعه و آمادگی برای برپایی نماز ، اقامه می گفت . (2) این سیره ، در روزگار دو خلیفه اوّل و دوم و نیمه نخست خلافت عثمان نیز استمرار داشته است ؛ (3) اما به روزگار عثمان ، اذانی دیگر بر اذان و اقامه اصلی نماز جمعه ، افزوده شد . (4) جایگاه این اذان اضافه شده ، طبق نقل اکثر قریب به اتفاق راویان و فقیهان، پیش

- 
- 1- .. بخاری ، از سائب بن یزید نقل می کند که گفت : در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و عمر و ابو بکر ، شروع اذان اعلان جمعه ، زمانی بود که خطیب بر منبر ، مستقر می شد (صحیح البخاری : ج 1 ص 309 ح 870) .
  - 2- .. نسایی ، از سائب بن یزید نقل می کند گفت : وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روز جمعه بر منبر می نشست ، بلال ، اذان را شروع می کرد و هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرود می آمد ، اقامه می گفت . در دوره ابو بکر و عمر هم همین گونه بود (سنن النسائی : ج 3 ص 100) .
  - 3- .. رك : همان ، پانوشت 1 و 2 .
  - 4- .. («... زمان عثمان که فرارسید و جمعیت [مسلمانان] هم بسیار شد ، عثمان ، اذان سوم را هم در زوراء (خانه عثمان) افزود (صحیح البخاری : ج 1 ص 309 ح 870) .



از ظهر شرعی جمعه بوده است، (1) و از این رو، آن را «اذان اول» می‌نامیده‌اند. گفتنی است به دلیل این که این اذان، پس از اذان اصلی و سال‌ها پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدید آمده، «اذان ثانی» هم نامیده شده است. بر همین پایه و با اطلاق اذان بر اقامه به دلیل تغلیب، و یا به دلیل این که آن نیز نوعی اعلام و تأذین و نداست، این اذان افزوده را «اذان ثالث» یا «نداء ثالث» نیز خوانده‌اند. گزارش‌های تاریخی و حدیثی، دلیلی را از سوی مُبدِع این اذان اضافی، گزارش نکرده‌اند و تنها گفته‌اند که این افزودن، به هنگام فراوان شدن مردم و دور شدن خانه‌های آنها از مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. شاید بتوان با توجه به این نکته و نیز مکان این اذان - که بیرون از مسجد مدینه و طبق قول بسیاری در زوراء (در بازار مدینه) بوده است، (2) - این گونه گفت که: عثمان، می‌خواسته است با این اذان پیش از وقت، مردم ساکن در اطراف شهر و مکان‌های دور از مسجد النبی صلی الله علیه و آله را از نزدیک شدن وقت نماز جمعه، آگاه کند تا آن که پس از طهارت و طی مسیر، از آغاز خطبه‌های نماز، در مسجد، حضور داشته باشند و به سخنان خلیفه، گوش بسپارند؛ (3) همان چیزی که او را وادار به مقدم داشتن خطبه‌های نماز عید فطر و قربان بر نماز آن کرد؛ زیرا مردم به کارهای عثمان و شیوه زمامداری او معترض

- 
- 1- .. سخنی از ابن ادریس حلی و نیز ترکمانی، به نقل از علامه امینی در دست است که نشان می‌دهد او این اذان اضافه شده را پس از اذان اصلی، و زمان آن را پس از خطبه‌های نماز و فرود آمدن امام جمعه می‌داند: «پس از فرود آمدن [خطیب از منبر]، غیر از اذان که هنگام زوال گفته می‌شود، گفتن اذانی جایز نیست، و این (اذان پس از خطبه)، همان اذان نهی شده است» (السرائر: ج 1 ص 295. نیز ر. ک: الغدیر: ج 8 ص 126، کشف الرموز: ج 1 ص 176). اما شهید اول، این نظر را غریب می‌شمارد (البیان: ص 106).
- 2- .. زوراء، خانه عثمان در بازار مدینه بوده است (مجمع البیان: ج 10 ص 434 و معجم البلدان: ج 3 ص 156)؛ اما برخی مانند علامه امینی، آن را به نقل از قاموس اللّغة و تاج العروس، مجاور مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند (الغدیر: ج 1 ص 128).
- 3- .. ر. ک: المصنّف، عبد الرزّاق: ج 3 ص 206 ح 5342.

## حکم شرعی اذان افزوده

بودند و به سخنان او توجه نمی کردند. زمان وقوع این کار، این احتمال را تقویت می کند؛ زیرا بر طبق گزارش مورخان، (1) افزودن اذان در سال سی ام هجری است؛ یعنی تاریخی که نقطه عطف میان دو دوره خلافت عثمان است و در این سال است که عثمان، به تدریج، مورد انتقادات قرار گرفت و مردم به خطبه ها و اندرزهای او، اعتنایی نمی کردند و بدان، گوش نمی سپردند.

حکم شرعی اذان افزوده بیشتر محدثان و فقیهان اهل سنت، افزودن این اذان را حقّ خلیفه شمرده اند و آن را بدعت و یا حدّ اقل، بدعتی نکوهیده، نمی دانند. برخی فقیهان، حدیث مُرسَل «علیکم بسنتی و سنتّ الخلفاء الراشدين من بعدی» را نیز دلیل خوبی برای این نظریه می دانند. (2) برخی نیز این افزوده را «اذان اصطلاحی» - که گونه ای عبادت و یا مقدّمه عبادتِ نماز است -، نمی شمرند و تنها آن را «اذانی لغوی»، یعنی فراخوان و تذکر عمومی می دانند. (3) معدودی از فقیهان بزرگ شیعه، مانند شیخ طوسی در المبسوط و محقق حلّی و محقق اردبیلی، (4) به صورت اجمالی و مشروط، با این دیدگاه، موافق بوده و آن را بدعت نشمرده اند، هر چند ممکن است آن را مانند محقق حلّی، به دلیل آن که پیامبر صلی الله علیه و آله بدان مبادرت نکرده و به آن فرمان نداده است و یا به دلیل شباهتش به

- 
- 1- .. ر. ک: تاریخ الطبری: ج 3 ص 337، الکامل: ج 3 ص 116، البداية و النهایة: ج 7 ص 175.
  - 2- .. ر. ک: الکافی، ابن عبد البر: ص 74، عمدة القاری: ج 23 ص 246.
  - 3- .. ر. ک: تلخیص الحبیر: ج 4 ص 600، فتح الباری: ج 2 ص 327.
  - 4- .. ر. ک: المبسوط: ج 1 ص 149، المعتمر: ج 2 ص 296، مجمع الفائدة و البرهان: ج 2 ص 377.

بدعت، مکروه بدانیم؛ زیرا انتخاب اذان که شعاری مقدّس و عبادتی فرود آمده از آسمان و به اصطلاح اصولیان، شکل و جایگاه آن، توقیفی و به دست شارع است، برای امری عادی و معمول، خلاف سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفای پیش از عثمان است. از این رو، برخی فقیهان اهل سنت، مانند شافعی نیز آن را نپسندیده اند. (1) در برابر این قول، بیشتر فقیهان شیعه، اذان سوم را بدعت شمرده اند و برخی از آنان، به حدیث حَفْص بن غیاث از امام جعفر صادق علیه السلام استناد کرده اند که فرمود: «الْأَذَانُ الثَّلَاثُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِدْعَةٌ». (2) اذان سوم در روز جمعه، بدعت است. آنان، همچنین سخن ابن عمر را که گفته است: «الْأَذَانُ الْأَوَّلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِدْعَةٌ» (3) و نیز قول حسن بصری را که گفته: «التَّاءُ الْأَوَّلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ الَّتِي يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْإِمَامِ وَالَّذِي قَبْلَ ذَلِكَ مُحَدَّثٌ» (4) را به عنوان دلیل های خود، ذکر کرده اند. در این دلیل ها، خدشه هایی نیز وارد شده است. برخی، سند حدیث حَفْص را ضعیف دانسته اند و جابر بودن عمل مشهور را به طور کلی، مقبول نمی شمرند و یا متن آن را مُجمل دانسته و مقصود آن را حدّاقل به گونه احتمالی، اذان نماز عصر روز جمعه می دانند که پس از اذان نماز جمعه و اقامه آن، سومین ندا خواهد بود. (5) گفتنی است که برخی فقیهان اهل سنت نیز احتجاج به سخن ابن عمر را قطعی نمی شمرند و احتمال قرائت به گونه استفهام انکاری این سخن را مطرح کرده اند و حتّی با فرض خبری بودن، آن را بدعتی مذموم نشمردند و جزو بدعت های

- 
- 1- .. تذکرة الفقهاء: ج 4 ص 106، الأُمّ: ج 1 ص 224. نیز، ر. ک: الاعتصام، شاطبی: ج 2 ص 16.
  - 2- .. الکافی: ج 3 ص 422 ح 5، تهذیب الأحکام: ج 3 ص 19 ح 67.
  - 3- .. المصنّف، ابن ابی شیبہ: ج 2 ص 48 ح 3. مقصود، اولین اذان بر حَسَب زمان است.
  - 4- .. المصنّف، ابن ابی شیبہ: ج 2 ص 48 ح 1.
  - 5- .. مجمع الفائدة و البرهان: ج 2 ص 377.

## نظریه نهایی

خوب، به شمار آورده اند. در این صورت، قول حسن نیز قابل احتجاج نیست؛ لیکن به نظر می رسد که هیچ يك از این دو نظر، صحیح نیست.

نظریه نهاییدر «درآمد» این باب، گذشت که بدعت، قابل تقسیم به خوب و بد نیست، هر چند مُحَدَّثات (امور نو و کارهای جدید) را می توانیم به خوب و بد، تقسیم کنیم. در مسئله تأسیس سنت های خوب نیز، نوآوری ما یا باید از مصداق های قانون جامع و کلی پذیرفته دین باشد (مانند: ابداع کمک ها و یاری های جدید اجتماعی و فردی، همچون بیمه و بازنشستگی)، و یا آن را به نام دین و بخشی از آن، انجام ندهیم. بر این اساس، اگر معتقدان به جواز اذان سوم، آن را افزوده ای لازم بر دین بدانند، گویی که دین، ناقص بوده و کثرت جمعیت را پیش بینی ننموده است، که در این صورت، بدعت و دین سازی تلقی می شود و به طور مسلم، حرام است؛ اما اگر بپذیرند که آن، جزو دین و عبادت بزرگ نماز جمعه نیست و هر زمان و در هر مکانی می توان آن را کنار نهاد و وسیله اعلام و اعلان دیگری را جایگزین آن کرد، دیگر نمی توان آن را بدعت دانست. هر چند با توجه به وسایل امروزی، مانند: رادیو، بلندگو، ساعت ها و تلفن های هشدار دهنده، استفاده ابزاری از اذان \_ که شعاری مقدس و آسمانی است \_، نادرست می نماید؛ زیرا ما را به بدعت و دخالت در امور توقیفی، متهم می کند و حدیث موجود از صادق آل محمد علیهم السلام، به احتمال فراوان، قابل تطبیق بر آن است. (1)

---

1- .. گفتنی است این بیان توسط فاضل ارجمند جناب آقای عبد الهادی مسعودی تهیه شده است.

8 / 7 النَّقْصُ فِي تَكْبِيرَاتِ الصَّلَاةِ عَلَى الْمَبْتَلَاءِ إِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّلَاةُ عَلَى الْمَيِّتِ خَمْسُ تَكْبِيرَاتٍ ، فَمَنْ نَقَصَ مِنْهَا فَقَدْ خَالَفَ السُّنَّةَ . (1)

ما نصَّ على أنَّه بدعة 8 / 8 «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» فِي الْأَذَانِ الْمَصْنُفَ لِعَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ ابْنِ جَرِيحٍ : أَخْبَرَنِي ابْنُ مُسْلِمٍ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ طَاووسًا جَالِسًا مَعَ الْقَوْمِ ، فَقَالَ : يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ ! مَتَى قِيلَ : الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ ؟ فَقَالَ طَاووسٌ : أَمَا إِنَّهَا لَمْ تُقَلَّ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَلَكِنْ بِلَا سَمْعِهَا فِي زَمَانِ أَبِي بَكْرٍ بَعْدَ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُهَا رَجُلٌ غَيْرٌ مُؤَدِّنٍ فَأَخَذَهَا مِنْهُ ، فَأَذَّنَ بِهَا ، فَلَمْ يَمَكُثْ أَبُو بَكْرٍ إِلَّا قَلِيلًا ، حَتَّى إِذَا كَانَ عُمَرُ قَالَ : لَوْ نَهَيْنَا بِلَا لَأَعَنَ هَذَا الَّذِي أَحْدَثَ ، وَكَأَنَّهُ نَسِيَهُ ، فَأَذَّنَ بِهِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ . (2)

سنن الترمذي عن مجاهد: دَخَلْتُ مَعَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ مَسْجِدًا وَقَدْ أُذِّنَ فِيهِ ، وَنَحْنُ نُرِيدُ أَنْ نُصَلِّيَ فِيهِ ، فَتَوَبَّ الْمُؤَدِّنُ ، فَخَرَجَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ مِنَ الْمَسْجِدِ وَقَالَ : أَخْرَجَ بِنَا مِنْ عِنْدِ هَذَا الْمُبْتَدِعِ ! وَلَمْ يُصَلِّ فِيهِ . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام: «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» بِدْعَةٌ بَنِي أُمَيَّةَ ، وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ أَصْلِ الْأَذَانِ . (4)

راجع : هذه الموسوعة : ج 1 ص 541 (بحث حول فصول الأذان) .

- 1- .الخصال : ص 604 ح 9 عن الأعمش ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 123 ح 1 عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 10 ص 223 ح 1 .
- 2- .المصنف لعبد الرزاق : ج 1 ص 474 ح 1827 ، كنز العمال : ج 8 ص 357 ح 23251 .
- 3- .سنن الترمذي : ج 1 ص 381 ح 198 ، السنن الكبرى : ج 1 ص 624 ح 1990 ، المصنف لعبد الرزاق : ج 1 ص 475 ح 1832 ، كنز العمال : ج 8 ص 357 ح 23250 .
- 4- .الأصول الستة عشر : ص 205 ح 188 عن زيد النرسي ، بحار الأنوار : ج 84 ص 172 ح 76 .

## 8 / 7 کاستن از تکبیرهای نماز میت

## 8 / 8 گفتن «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» در اذان

8 / 7 کاستن از تکبیرهای نماز میتام صادق علیه السلام: نماز میت ، پنج تکبیر دارد. بنا بر این ، هر کس از آنها بکاهد ، با سنت مخالفت کرده است.

8 / 8 گفتن «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» در اذانالمصنّف ، عبد الرزّاق\_ به نقل از ابن جریر \_ : ابن مسلم ، به من خبر داد که مردی ، از طاووس \_ که همراه جمعی نشسته بود \_ ، پرسید: ای ابو عبد الرحمان! از چه زمانی جمله «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» ، گفته شد؟ طاووس گفت: این جمله ، در دوره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفته نشد؛ بلکه پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زمان ابو بکر ، بلال ، این جمله را از مردی که مؤذن نبود ، شنید و آن را از او گرفت؛ اما [خلافت] ابو بکر ، اندکی بیش نپایید . عمر که آمد ، گفت : «کاش بلال را از این چیزی که پدید آورده است ، نهی کنیم!» ؛ ولی گویا فراموش کرد که چنین کند. بنا بر این ، مردم تا به امروز ، آن را در اذان می گویند.

سنن الترمذی\_ به نقل از مجاهد \_ : با عبد الله بن عمر ، به مسجدی وارد شدیم و اذان را در مسجد ، گفته بودند و ما می خواستیم در آن ، نماز بگذاریم که مؤذن ، تثویب (1) گفت. عبد الله بن عمر ، از مسجد خارج شد و گفت: «بیا از نزد این بدعت گذار برویم!» و در آن مسجد ، نماز نخواند .

امام کاظم علیه السلام : «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» ، بدعت بنی امیه است و از اصل اذان نیست.

ر . ك : دانش نامه قرآن و حدیث : ج 2 ص 366 (اذان / پژوهشی در باره بندهای اذان) .

1- .. گفتن جمله «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» را در اصطلاح ، «تثویب» می گویند.

8 / 9 دُعَاءُ غَيْرِ الْأَعْلَمِ إِلَى نَفْسِهَا إِمَامَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ، فَهُوَ مُبْتَدِعٌ ضَالٌّ. (1)

8 / 10 السُّكُوتُ عِنْدَ الصَّرْوَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: السُّكُوتُ عِنْدَ الصَّرْوَةِ بَدْعَةٌ. (2)

---

1- .تحف العقول : ص 375 ، الغيبة للنعماني : ص 115 ح 13 عن فضيل بن يسار نحوه ، فقه الرضا : ص 383 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 78 ص 259 ح 150 .

2- .عوالي اللآلي : ج 1 ص 293 ح 175 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 165 ح 2 .

**8 / 9 فرا خواندن غیر اَعْلَم به خود**

**8 / 10 خاموش ماندن به وقت ضرورت**

8 / 9 فرا خواندن غیر اَعْلَم به خود امام صادق علیه السلام: هر کس مردم را به خود فرا خواند، با آن که در میان آنان، دانایان او هست، او بدعت گذار و گم راه است.

8 / 10 خاموش ماندن به وقت ضرورت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سکوت کردن در هنگام ضرورت، بدعت است.



الفصل التاسع : ما زعم أنه بدعة 9 / 1 الجهرُ بِالسَّمَلَةِ الإمام الصادق عليه السلام : عَمَدُوا إِلَى أَعْظَمِ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ، فَرَعَمُوا أَنَّهَا بَدْعَةٌ إِذَا أَظْهَرُوهَا ، وَهِيَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . (1)

9 / 2 سَجْدَةُ الشُّكْرِ الاحتجاج عن محمد بن عبد الله الحميري \_ مِنْ كِتَابِهِ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ الَّتِي سَأَلَهُ عَنْهَا \_ : سَأَلَ عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ ، فَإِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا ذَكَرَ أَنَّهَا بَدْعَةٌ فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَسْجُدَهَا الرَّجُلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ ؟ ... فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الزَّمِ السُّنَنِ وَأَوْجِبَهَا ، وَلَمْ يَقُلْ إِنَّ هَذِهِ السَّجْدَةَ بَدْعَةٌ إِلَّا مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحَدِّثَ فِي دِينِ اللَّهِ بَدْعَةً . (2)

1- . تفسير العياشي : ج 1 ص 22 ح 16 عن خالد بن مختار ، مجمع البيان : ج 1 ص 90 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 21 ح 10 .

2- . الاحتجاج : ج 2 ص 576 ح 356 ، بحار الأنوار : ج 53 ص 161 ح 3 .

**فصل نهم : آنچه بدعت پنداشته شده است****9 / 1 بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»****9 / 2 سجده شکر**

فصل نهم : آنچه بدعت پنداشته شده است 9 / 1 بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» امام صادق علیه السلام : باعظمت ترین آیه کتاب خدا را نشانه رفتند و مدعی شدند که بلند گفتن آن ، بدعت است . این آیه ، همان «بسم الله الرحمن الرحيم» است .

9 / 2 سجده شکر الاحتجاج\_ به نقل از محمد بن عبد الله حمیری ، از نامه اش به صاحب زمان علیه السلام که در آن ، مسائلی را از امام علیه السلام پرسیده بود و ایشان ، پاسخش را داده بود\_ : از گزاردن سجده شکر بعد از نماز واجب پرسید ، و این که برخی از شیعیان ، آن را بدعت می دانند . پس آیا جایز است که شخص بعد از نماز واجب ، سجده شکر به جا آورد؟ ... امام علیه السلام پاسخ داد : «سجده شکر ، از لازم ترین و واجب ترین سنت هاست و هیچ کس نگفته است که این سجده ، بدعت است ، مگر کسی که خواسته تا در دین خدا ، بدعتی پدید آورد» .

الفصل العاشر : عدّة من المبتدعين 10 / 1 قابيلاً لإمام علي عليه السلام\_ في قوله تعالى : «قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أُضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ» (1) \_ : يعنون إبليس الأبالسة وقابيل بن آدم ، أوّل من أبدع (الكُفْرَ وَالضَّلَالَ) (2) وَالْمَعْصِيَةَ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام : تُقْبَلُ قُرْبَانُ هَابِيلَ وَلَمْ يُتَقَبَّلْ قُرْبَانُ قَابِيلَ ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ» (4) إلى آخر الآية . وكان القربان تَأْكُلُهُ النَّارُ ، فَعَمَدَ قَابِيلُ إِلَى النَّارِ فَبَنَى لَهَا بَيْتًا وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ بَنَى بُيُوتَ النَّارِ ، فَقَالَ : لَأَعْبُدَنَّ هَذِهِ النَّارَ حَتَّى تَتَقَبَّلَ مِنِّي قُرْبَانِي . (5)

1- .فضّلت : 29 .

2- . ما بين القوسين أثبتناه من بحار الأنوار .

3- . مجمع البيان : ج 9 ص 17 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 263 .

4- . المائدة : 27 .

5- . الكافي : ج 8 ص 113 ح 92 ، كمال الدين : ص 213 ح 2 ، تفسير العياشي : ج 1 ص 309 ح 78 كلّها عن أبي حمزة الشمالي ، بحار الأنوار : ج 23 ص 63 ح 3 .

## فصل دهم : شماری از بدعت گذاران

## 10 / 1 قاییل

فصل دهم : شماری از بدعت گذاران 10 / 1 قاییل امام علی علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال : «کسانی که کافر شدند، گفتند : پروردگارا! آن دورا که گم راهمان کردند، از جن و انس ، نشانمان ده» \_ مقصودشان ، اهریمن اهریمنان و قاییل ، پسر آدم است ؛ نخستین کسانی که کفر و گم راهی و نافرمانی را بدعت نهادند.

امام باقر علیه السلام : قربانی هاییل ، پذیرفته گشت و قربانی قاییل ، پذیرفته نشد، و این سخن خداوند عز و جل است که : «و داستان دو پسر آدم را به درستی برایشان بخوان. هنگامی که قربانی ای پیش داشتند و از یکی از آن دو ، پذیرفته شد و از دیگری ، پذیرفته نشد» تا آخر آیه. [چنان بود که] قربانی [پذیرفته شده] را آتش می سوزانند. پس قاییل رفت و برای آتش ، خانه ای ساخت \_ و او نخستین کسی بود که آتشکده ساخت \_ ، و گفت: چندان این آتش را می پرستم تا قربانی مرا هم بپذیرد.

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ قَابِيلَ لَمَّا رَأَى النَّارَ قَدِ قَبِلَتْ قُرْبَانَ هَابِيلَ قَالَ لَهُ إِبْلِيسُ: إِنَّ هَابِيلَ كَانَ يَعْبُدُ تِلْكَ النَّارَ، فَقَالَ قَابِيلُ: لَا أَعْبُدُ النَّارَ الَّتِي عَبَدَهَا هَابِيلُ وَلَكِنْ أَعْبُدُ نَارًا أُخْرَى وَأُقَرِّبُ قُرْبَانَ لَهَا فَتَقَبَّلُ قُرْبَانِي، فَبَنَى بُيُوتَ النَّارِ فَتَقَرَّبَ، فَلَمْ يَكُنْ لَهُ عِلْمٌ بِرَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَمْ يَرِثْ مِنْهُ وُلْدَهُ إِلَّا عِبَادَةَ النَّيرانِ. (1)

10 / 2 كَفَرَةُ أَهْلِ الْكِتَابِ | الإمام علي عليه السلام\_ في جوابِ ابنِ الكَوَّاءِ عِنْدَمَا سَأَلَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَخْبِرْنِي عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا» (2) الْآيَةَ \_ : كَفَرَةُ أَهْلِ الْكِتَابِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى، وَقَدْ كَانُوا عَلَى الْحَقِّ، فَابْتَدَعُوا فِي أَدْيَانِهِمْ وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا. (3)

الإمام الباقر عليه السلام\_ في قَوْلِهِ: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا \* الَّذِينَ صَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» \_ : هُمُ النَّصَارَى، وَالْقَسِّيْسُونَ، وَالرُّهْبَانُ، وَأَهْلُ الشُّبُهَاتِ وَالْأَهْوَاءِ مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ وَالْحَرُورِيَّةِ (4)، وَأَهْلُ الْبِدْعِ. (5)

1- .علل الشرائع : ص 3 ح 1 ، قصص الأنبياء للراوندي : ص 66 ح 46 نحوه وكلاهما عن عبد الحميد بن أبي الديلم ، بحار الأنوار : ج 3 ص 249 ح 5 .

2- .الكهف : 103 .

3- .الإحتجاج : ج 1 ص 616 ح 139 عن الأصبغ بن نباتة ، الغارات : ج 1 ص 180 عن أبي عمرو الكندي ، مجمع البيان : ج 6 ص 767 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 341 .

4- .الحرورية : طائفة من الخوارج نسبوا إلى حروراء وهو موضع قريب من الكوفة (النهاية : ج 1 ص 366 «حرر»).

5- .تفسير القمي : ج 2 ص 46 عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ج 2 ص 298 ح 23 .

## 10 / 2 کافرانِ اهل کتاب

امام صادق علیه السلام: قایل، چون دید که آتش، قربانی هابیل را پذیرفت، ابلیس به او گفت: هابیل، این آتش را می پرستیده است! پس قایل گفت: من آتشی را که هابیل پرستیده است، نمی پرستم؛ بلکه آتش دیگری را می پرستم و برایش قربانی پیشکش می کنم تا قربانی ام را بپذیرد. از این رو آتشکده ها ساخت و قربانی کرد، در حالی که او از پروردگارش عز و جل شناختی نداشت. فرزندانش نیز از او چیزی جز پرستش آتش، به ارث نبردند.

10 / 2 کافرانِ از اهل کتاب امام علی علیه السلام در پاسخ ابن کوا، که از ایشان پرسید: ای امیر مؤمنان! مرا از این سخن خداوند عز و جل آگاه کن: «بگو: آیا شما را از زیانکارترین ها خبر دهیم؟» تا آخر آیه \_ مقصود، کافرانِ اهل کتاب اند؛ یعنی یهود و نصارا. آنان، [در ابتدا] بر آیین درست بودند؛ اما در عقاید خویش، بدعت آوری کردند، در حالی که گمان می کردند که کار درستی می کنند.

امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند: «بگو: آیا شما را از زیانکارترین ها خبر دهیم؟ آنان، کسانی اند که کوشش ایشان در زندگی دنیا، به هدر رفته است و خود می پندارند که کار درستی انجام می دهند» \_ آنان، عبارت اند از: نصارا، کشیشان، راهبان، مسلمانانِ شبهه گرا و فرقه گرا، حَروریه (1) و اهل بدعت .

---

1- .. حَروریه، طایفه ای از خوارج اند، منسوب به حَرورا، لشکرگاه خوارج، که جایی است در نزدیکی کوفه.

10 / 3 السامري (1) الكتاب «وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلاً جَسَداً لَهُ خَوَارِجٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يَكْلِمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلاً اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ» . (2)

الحديث بالخصال عن الحسين بن خالد عن أبي الحسن عليه السلام: إِنَّ الَّذِينَ أَمَرُوا قَوْمَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِعِبَادَةِ الْعِجْلِ كَانُوا خَمْسَةَ أَنْفُسٍ وَكَانُوا أَهْلَ بَيْتٍ يَأْكُلُونَ عَلَى خَوَانٍ وَاحِدٍ وَهُمْ أَذِينُوهُ وَأَخُوهُ مَبْدُويهِ وَابْنُ أَخِيهِ وَابْنَتُهُ وَامْرَأَتُهُ وَهُمْ الَّذِينَ ذَبَحُوا الْبَقْرَةَ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَبْحِهَا. (3)

10 / 4 عمرو بن لحي (4) الكتاب «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيَّةٍ وَلَا حَامٍ وَ لَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» . (4)

1- . كان السامري من أتباع النبي موسى عليه السلام ، فلما ذهب موسى عليه السلام لميقات ربه في الطور و طال مكثه أربعين يوماً استغل السامري هذه الفرصة ، فصنع عجلاً ودعا الناس إليه ، وقد وردت قصة السامري والعجل في القرآن الكريم والروايات الشريفة والتفاسير (راجع : دائرة المعارف الشيعية : ج 9 ص 35) .

2- . الأعراف : 148 .

3- . الخصال : ص 292 ح 55 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 83 ح 22 ، علل الشرائع : ص 440 ح 1 ، المحاسن : ج 2 ص 36 ح 1115 نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 216 ح 8 .

4- . المائدة : 103 .

10 / 3 سامری (1) قرآن: «و قوم موسی ، پس از [عزیمت] او ، از زیورهای خود ، تندیس گوساله ای را برای خویش ساختند که صدای گاو داشت. آیا ندیدند که آن گوساله ، با ایشان سخن نمی گوید و راهی بدانها نمی نماید؟! آن را [ به پرستش ] گرفتند ، و از ستمکاران بودند» .

حدیثالخصال\_ به نقل از حسین بن خالد ، از امام رضا علیه السلام \_ : کسانی که قوم موسی علیه السلام را به پرستش گوساله فرا خواندند ، پنج تن بودند و همه آنها از يك خانواده بودند و بر يك خون ، غذا می خوردند . آنان ، عبارت بودند از : اذینوه و برادرش مبدویه و برادرزاده اش و دخترش و همسرش . همینان بودند که آن ماده گاوی را که خداوند عز و جلیبه قربانی کردن آن امر کرده بود ، ذبح کردند .

10 / 4 عمرو بن لُحی قرآن «خداوند ، [ چیزهای ممنوعی از قبیل ] بحیره و سائبه و وصیله و حام ، قرار نداده است ؛ ولی کسانی که کفر ورزیده اند ، بر خدا دروغ می بندند ؛ و بیشترشان اندیشه نمی کنند» .

---

1- .. سامری ، مردی از پیروان موسی علیه السلام بود . هنگامی که موسی علیه السلام به وعدهگاه خود در کوه طور رفت تا تورات بر او نازل شود ، این مدّت ، طولانی شد و به چهل روز ، بالغ گشت . سامری ، از این فرصت استفاده کرد و گوساله ای ساخت و مردم را به پرستش آن ، دعوت کرد . جریان گوساله سامری ، در قرآن و روایات و تفاسیر ، ذکر گردیده است ( ر . ک : دائرة المعارف تشیع : ج 9 ص 35 ) .



الحدِيثُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ عَمْرَو بْنَ لُحَيِّ بْنِ قَمْعَةَ بْنَ خَنْدِيفَ كَانَ قَدِمَ مَلِكًا مَكَّةَ ، وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ غَيَّرَ دِينَ إِسْمَاعِيلَ وَاتَّخَذَ الْأَصْنَامَ وَنَصَبَ الْأَوْثَانَ ، وَبَحَرَ الْبَحِيرَةَ ، وَسَيَّبَ السَّائِبَةَ ، وَوَصَلَ الْوَصِيلَةَ ، وَحَمَى الْحَامِيَّ . فَلَقَدْ رَأَيْتُهُ فِي النَّارِ يُؤْذِي أَهْلَ النَّارِ رِيحَ قُصْبِهِ (1) ، وَيُرْوَى : يَجْرُ قُصْبُهُ فِي النَّارِ . (2)

10 / 5 أبو عامر بن الثعمان بن صيفي الراهب مجمع البيان عن سعيد بن المسيب \_ في قوله تعالى : «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا مَا تَبِعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ» (3) \_ : إِنَّهُ أَبُو عَامِرِ بْنِ الثُّعْمَانِ بْنِ صَيْفِيِّ الرَّاهِبِ 4 الَّذِي سَمَّاهُ النَّبِيَّ الْفَاسِقَ ، وَكَانَ قَدْ تَرَهَّبَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَلَيْسَ الْمُسَوِّحَ فَقَدِمَ الْمَدِينَةَ ، فَقَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا هَذَا الَّذِي جِئْتَ بِهِ ؟ قَالَ : جِئْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ دِينَ إِبْرَاهِيمَ ، قَالَ : فَأَنَا عَلَيْهَا . فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَسْتَ عَلَيْهَا وَلِكِنَّكَ أَدْخَلْتَ فِيهَا مَا لَيْسَ مِنْهَا ، فَقَالَ أَبُو عَامِرٍ : أَمَاتَ اللَّهُ الْكَاذِبَ مَتَا طَرِيدًا وَحِيدًا ، فَخَرَجَ إِلَى أَهْلِ الشَّامِ وَأَرْسَلَ إِلَى الْمُنَافِقِينَ أَنْ اسْتَعِدُّوا السَّلَاحَ ، ثُمَّ أَتَى قَيْصَرَ وَأَتَى بِجُنْدٍ لِيُخْرِجَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْمَدِينَةِ ، فَمَاتَ بِالشَّامِ طَرِيدًا وَحِيدًا . (4)

1- الْقُصْبُ : اسْمٌ لِلْأَمْعَاءِ كُلِّهَا (النهاية : ج 4 ص 66 «قصب»).

2- مجمع البيان : ج 3 ص 390 عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 9 ص 84 ؛ تفسير الطبري : ج 5 الجزء 7 ص 86 عن أبي هريرة ، تاريخ بغداد : ج 5 ص 173 الرقم 2623 ، الفردوس : ج 3 ص 67 ح 4188 عن أبي هريرة وكلها نحوه ، كنز العمال : ج 2 ص 403 ح 4361 .

3- الأعراف : 175 .

4- مجمع البيان : ج 4 ص 769 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 36 ؛ تفسير القرطبي : ج 7 ص 320 نحوه وراجع : السيرة النبوية لابن هشام : ج 3 ص 71 وتاريخ الطبري : ج 2 ص 511 .

## 10 / 5 ابو عامر بن نُعمان بن صیفی راهب

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عمرو بن لُحی بن فَمَعَة بن خَندِف ، بر مکه حکومت می کرد. او نخستین کسی بود که آیین اسماعیل را دگرگون ساخت و بت پرستی را رواج داد و چیزهای به نام های بَحیره و سائبه و وَصیله و حام را بدعت نهاد. او را در آتش دیدم که بوی اَمعا و أَحشایش ، جهنمیان را آزار می داد ( / اَمعا و أَحشایش ، در آتش کشیده می شد ) .

10 / 5 ابو عامر بن نُعمان بن صیفی راهب 1 مجمع البیان\_ به نقل از سعید بن مُسَیب ، در باره این سخن خداوند متعال: «و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم ، برای آنان بخوان که از آن ، عاری گشت . آن گاه شیطان ، او را دنبال کرد و از گم راهان شد» \_ این شخص ، ابو عامر بن نعمان بن صیفی راهب بود که پیامبر صلی الله علیه و آله ، او را [به جای راهب ، «فاسق» نامید. وی که در زمان جاهلیت ، راهبی را در پیش گرفته بود و پشمینه می پوشید ، به مدینه آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: این چیست که تو آورده ای؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیین یکتا پرستی ابراهیم را آورده ام» . ابو عامر گفت: پس من هم به همین آیین هستم. فرمود: «تو بر این آیین نیستی؛ بلکه چیزهایی را که از آن نیست ، بر آن افزوده ای». ابو عامر گفت: هر يك از ما دروغ می گوید ، خداوند ، او را آواره و تنها بمیراند! پس به نزد شامیان رفت و به منافقان [مدینه] پیغام داد که جنگ افزار ، آماده سازند. سپس نزد قیصر [روم] رفت و با سپاهی ، روانه شد تا پیامبر صلی الله علیه و آله را از مدینه بیرون کند ؛ اَمّا خودش در شام ، آواره و تنها مُرد .

10 / 6 معاوية بن أبي سفيان (1) رسول الله صلى الله عليه وآله: أوّل من يُبدّل سنّتي رجلٌ من بني أميّة . (2)

الإمام الحسن عليه السلام: إنَّ أمير المؤمنين عليه السلام قال لي \_ ذات يومٍ وقد رآني فرحاً \_ : يا حسنُ أتفرحُ ! كيف بك إذا رأيت أباك قتيلاً ؟ أم كيف بك إذا وليّ هذا الأمر بنو أميّة ؟ وأميرها الرَّحْبُ البُلْعومُ ، الواسعُ الأعفاجُ (3) ، يأكلُ ولا يشبعُ ، يموتُ وليس له في السماء ناصرٌ ولا في الأرضِ عاذرٌ ، ثمَّ يستولي على غريبها وشرقيها ، يدينُ له العبادُ ، ويطولُ ملكُهُ ، يستنُّ بسننِ البدعِ والصّلالِ ، ويميتُ الحقَّ وسنةَ رسولِ الله صلى الله عليه وآله يُقسّمُ المالَ في أهلِ ولايته ويمنعه من هو أحقُّ به ، ويذلُّ في ملكه المؤمنُ ، ويقوى في سُلطانهِ الفاسقُ ، ويجعلُ المالَ بينَ أنصارِهِ دُولاً ، ويتخذُ عبادَ الله حَوْلًا (4) ، يدرُسُ في سُلطانهِ الحقَّ ، ويظهرُ الباطلُ ويلعنُ الصّالحونَ ، ويقتلُ من ناواه على الحقِّ ، ويدينُ من والاه على الباطلِ . (5)

1- . هو معاوية بن صخر بن حرب بن أميّة بن عبد شمس بن عبد مناف القرشيّ الأمويّ ، وأمّه هند بنت عتبة بن ربيعة بن عبد شمس ، آكلة الأكباد التي نهشت جسد عمّ رسول الله صلى الله عليه وآله عليه وآله حمزة . وُلد قبل الهجرة بخمس وعشرين سنة . قاتل رسول الله صلى الله عليه وآله مع أبيه أبي سفيان في حروبه . أسلم هو وأبوه وأخوه يزيد وأمّه في عام الفتح سنة 8 ق . استعمله عمر على الشام فكان عليها حتى قُتل عثمان ، فطالب بدمه أمير المؤمنين عليّاً عليه السلام ، وحاربه على ذلك ، وهو الذي نصب لواء العداوة لعليّ عليه السلام ، وأشاع لعنه في الناس ، وقد وردت الذموم واللعون من ناحية رسول الله صلى الله عليه وآله والأئمّة المعصومين على معاوية وأبيه . مات سنة ستين وهو ابن خمس وثمانين عاماً (أسد الغابة : ج 5 ص 211 الرقم 4577 والعقد الفريد : ج 4 ص 336 ووقعة صفين : ص 216 وص 231 وص 317) .

2- . المصنّف لابن أبي شيبة : ج 8 ص 341 ح 145 ، تاريخ دمشق : ج 65 ص 250 ح 13265 ، البداية والنهاية : ج 6 ص 229 كلّها عن أبي ذر ، كنز العمال : ج 11 ص 167 ح 31063 ؛ شرح الأخبار : ج 2 ص 156 ح 479 عن أبي ذر .  
3- . الأعفاج : وهو مثل المصارين لذوات الخفّ والظلف (الصحاح : ج 1 ص 329 «عفج» ) .  
4- . حَوْلًا : أي خدماً وعبيداً (النهاية : ج 2 ص 88 «حول» ) .  
5- . الاحتجاج : ج 2 ص 70 ح 158 عن زيد بن وهب الجهني ، بحار الأنوار : ج 44 ص 20 ح 4 .

**10 / 6 معاوية بن ابي سفيان**

10 / 6 معاوية بن ابي سفيان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نخستین کسی که سنت مرا تغییر می دهد ، مردی از بنی امیه است.

الإمام علي عليه السلام في كتاب له إلى معاوية - فسبحان الله! ما أشد لزومك للأهواء المبتدعة والحيرة المتبعة. (1)

عنه عليه السلام في صفة جيش معاوية في وقعة صفين - إنما هي جثث مائتة، فيها قلوب طائفة، مخرقة بتمويه الخاسرين، ورجل جراد زفت به ريح صبا، وأليف سداه الشيطان، ولحمته الضلالة، وصرخ بهم ناعق البدعة، وفيهم خور (2) الباطل وضحضة (3) المكاثر. (4)

الإمام الحسن عليه السلام حين قال له معاوية بعد الصلح: أذكر فضلنا - لعمرى إنا لأعلام الهدى ومنار الثقى، ولكنك يا معاوية ممن أبار (5) السنن، وأحيا البدع، واتخذ عباد الله حولا، ودين الله لعبا. (6)

- 1- نهج البلاغة: الكتاب 37، الإحتجاج: ج 1 ص 428 ح 92، بحار الأنوار: ج 33 ص 98 ح 403.
- 2- خار يخور: إذا ضعفت قوته ووهت (النهاية: ج 2 ص 87 «خور»).
- 3- الضحضة: جري السراب (تاج العروس: ج 4 ص 134 «ضحح»).
- 4- تفسير فرات: ص 432 ح 569 عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 32 ص 606 ح 478.
- 5- البوار: الهلاك (النهاية: ج 1 ص 161 «بور»).
- 6- تحف العقول: ص 233، بحار الأنوار: ج 44 ص 42 ح 3.

امام حسن علیه السلام: روزی امیر مؤمنان، مرا شادمان دید. فرمود: «ای حسن! شادمانی می کنی؟! چگونه ای آن گاه که پدرت را کشته بینی؟ یا چگونه ای آن گاه که بنی امیه، بر سر کار بیایند؟ و فرمان روایشان، آن مرد گشاده حلقوم فراخ روده است که هر چه می خورد، سیر نمی شود، در حالی می میرد که نه در آسمان، یاوری دارد، و نه در زمین، کسی را که او را معذور بدارد. سپس بر غرب و شرق عالم، استیلا می یابد. بندگان، سر در طاعت او فرود می آورند و حکومتش به درازا می کشد. شیوه های بدعت آمیز و گم راه ساز، بنیاد می نهد و حق و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را می میراند. بیت المال را میان دوستان و پیروانش تقسیم می کند و کسانی را که به آن سزاوارترند، از آن، محروم می گرداند. در حکومت او، مؤمن، خوار و ناتوان است، و در سلطنتش، نابه کاران، نیرومندند. دارایی ها را به انحصار طرفداران خود در می آورد و بندگان خدا را به بردگی می گیرد. در حکومت او، حق از میان می رود و باطل، حاکم می شود و نیکان، لعنت می شوند. هر که با او بر سر حق، مخالفت کند، کشته می شود، و هر که در باطل از او پیروی کند، پاداش می یابد.

امام علی علیه السلام\_ در نامه اش به معاویه \_ : شگفتا! چه سخت به بدعت های دلخواه خویش، و پیمودن راه سرگشتگی، چسبیده ای!

امام علی علیه السلام\_ در توصیف سپاهیان معاویه در جنگ صفین \_ : آنها، در حقیقت، پیکرهایی بی جان اند، با دل هایی لرزان [ و پریشان ]، آراسته به ظاهر دروغین زیانکاران. دسته ای از ملّخان اند که باد صبا آنها را آورده است. مجموعه ای است که تار آن، شیطان و پودش، گم راهی است و منادی بدعت، آنان را فرا خوانده، و در آنهاست سستی باطل و لاف زنی فزونخواه.

امام حسن علیه السلام\_ در پاسخ معاویه که بعد از پیمان صلح به ایشان گفت: از فضیلت ما سخن بگو \_ : به جانم سوگند که ما، نشانه های هدایت و مناره های پرهیزگاری هستیم؛ اما تو \_ ای معاویه \_، یکی از کسانی هستی که سنت ها را میراند و بدعت ها را زنده ساخت و بندگان خدا را به بردگی بُرد و دین خدا را به بازی گرفت.

الإمام الحسين عليه السلام في كتابه إلى معاوية - أَلَسْتَ الْقَاتِلَ حُجْرَ بْنَ عَدِيٍّ أَخَا كِنْدَةَ وَالْمُصَلِّينَ الْعَابِدِينَ الَّذِينَ كَانُوا يُنْكِرُونَ الظُّلْمَ وَيَسْتَعْظِمُونَ البِدْعَ وَلَا يَخَافُونَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَانِمًا؟ (1)

تاريخ الخلفاء: في سنة ثلاث وأربعين ... استخلف (2) معاوية زياد ابن أبيه ، وهي أول قضية غير فيها حكم النبي عليه الصلاة والسلام في الإسلام ، ذكره الثعالبي وغيره . (3)

تاريخ الخلفاء: في سنة خمسين فتحت قوهستان (4) عنوة ، وفيها دعا معاوية أهل الشام إلى البيعة بولاية العهد من بعده لابنه يزيد فبايعوه ، وهو أول من عهد بالخلافة لابنه ، وأول من عهد بها في صحته ، ثم إنه كتب إلى مروان بالمدينة أن يأخذ البيعة ، فخطب مروان فقال إن أمير المؤمنين رأى أن يستخلف عليكم ولده يريد سنة أبي بكر وعمر . فقام عبد الرحمن بن أبي بكر الصديق فقال : بل سنة كسرى وقيصر ، إن أبا بكر وعمر لم يجعلها في أولادهما ، ولا في أحد من أهل بيتهما . (5)

1- رجال الكشي : ج 1 ص 252 ح 99 ، الإحتجاج : ج 2 ص 90 ح 164 نحوه ، بحار الأنوار : ج 44 ص 212 ح 9 .

2- الظاهر أن الصحيح هو : «استلحق» .

3- تاريخ الخلفاء : ص 235 وراجع : الإمامة والسياسة : ج 1 ص 203 ورجال الكشي : ج 1 ص 255 ح 99 والاحتجاج : ج 2 ص 91 ح 164 .

4- قوهستان : وهو تعريب كوهستان ومعناه موضع الجبال ؛ لأن كوه : جبل ، وأما المشهور بهذا الاسم ... هي الجبال بين هراة ونيسابور (معجم البلدان : ج 4 ص 416) .

5- تاريخ الخلفاء : ص 235 وراجع : المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 528 ح 8483 وفتح الباري : ج 8 ص 576 وينابيع المودة : ج 2 ص 469 ح 304 .

امام حسین علیه السلام در نامه اش به معاویه \_ : آیا تو نبودی که حُجر بن عَدی کِنَدی و آن نمازگزاران عبادت پیشه ای را که با ستم ، مخالفت می کردند و بدعت ها را خطرناک می شمردند و در راه خدا ، از سرزنش هیچ سرزنشگری نمی هراسیدند ، کُشتی ؟

تاریخ الخلفاء: در سال 43 [ هجری ] ... معاویه، زیاد بن ابیه را به برادری خویش پذیرفت، و این ، نخستین قضاوتی بود که در آن حکم پیامبر صلی الله علیه و آله را در اسلام ، تغییر می داد. این ماجرا را ثعالبی و دیگران آورده اند.

تاریخ الخلفاء: در سال پنجاه، فُهستان با جنگ ، فتح شد. همچنین در همین سال ، معاویه ، مردم شام را به بیعت با فرزندش یزید به ولی عهدی و جانشینی پس از خود ، فرا خواند . شامیان هم با او بیعت کردند. بدین ترتیب، معاویه ، نخستین کسی بود که فرزندش را ولی عهد خود قرار داد، و نخستین کسی بود که در زمان سلامتش ، جانشین تعیین کرد. سپس به مروان در مدینه نوشت که [برای یزید] بیعت بگیرد. مروان ، خطبه خواند و گفت: امیر مؤمنان ، نظرش این است که فرزندش را جانشین خود قرار دهد. او با این کار ، سنّت ابوبکر و عمر را دنبال می کند. عبد الرحمان ، پسر ابوبکر صدیق ، برخاست و گفت: او سنّت کسرا و قیصر را دنبال می کند. ابوبکر و عمر ، خلافت را در میان فرزندانشان یا یکی از افراد خانواده شان قرار ندادند.



تاريخ اليعقوبي: وفي هذه السنة [سنة 44] عمل معاوية المقصورة في المسجد وأخرج المنابر إلى المصلى في العيدين، وخطب الخطبة قبل الصلاة، وذلك أن الناس، إذا صدوا انصروا لئلا يسمعو لعن علي، فقدم معاوية الخطبة قبل الصلاة، وهب فدكا لمروان بن الحكم ليغيب بذلك آل رسول الله. (1)

10 / 7 أبو الخطاب الإمام الصادق عليه السلام. وقد ذكر أصحاب أبي الخطاب والغلاة: لا تقاعدوهم، ولا تواكلوهم، ولا تشاربوهم، ولا تصافحوهم، ولا توارثوهم. (2)

1- تاريخ اليعقوبي: ج 2 ص 223.

2- رجال الكشي: ج 2 ص 586 ح 525 عن المفضل بن يزيد، بحار الأنوار: ج 25 ص 296 ح 55.

**10 / 7 ابو الخطاب**

تاریخ الیعقوبی: در این سال (سال 44)، معاویه در مسجد، مقصوره ساخت. در عید قربان و فطر، دستور داد تا منبر را به نمازگاه ببرند. خطبه [ی عید] را پیش از نماز خواند. علّتش هم این بود که مردم، نماز را که می خواندند، می رفتند تا لعن شدن علی علیه السلام را نشنوند. لذا معاویه، خطبه را پیش از نماز خواند و فَدَكَ را به مروان بن حکم بخشید تا با این کار، خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به خشم آورد.

10 / 7 ابوالخطّاب امام صادق علیه السلام در باره پیروان ابو خطّاب و غالیان \_ : با آنها، نشست و برخاست نکنید. با آنها، هم کاسه نشوید و از يك ظرف، آب نخورید. با آنها، دست ندهید و با آنها، گفتگو نکنید.

الكافي عن عيسى شلقان: كُنْتُ قَاعِدًا فَمَرَّ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ بَهْمَةٌ، قَالَ: قُلْتُ: يَا غُلَامُ مَا تَرَى مَا يَصْنَعُ أَبُوكَ؟ يَا مُرْنَا بِالشَّيْءِ، ثُمَّ يَنْهَانَا عَنْهُ، أَمَرْنَا أَنْ نَتَوَلَّى أَبَا الْخَطَّابِ ثُمَّ أَمَرْنَا أَنْ نَلْعَنَهُ وَنَتَّبِعَهُ مِنْهُ؟ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ غُلَامٌ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقًا لِلْإِيمَانِ لَا- زَوَالَ لَهُ، وَخَلَقَ خَلْقًا لِلْكَفْرِ لَا- زَوَالَ لَهُ، وَخَلَقَ خَلْقًا بَيْنَ ذَلِكَ أَعَارَهُ الْإِيمَانَ يُسَدِّمُونَ الْمُعَارِينَ، إِذَا شَاءَ سَلَبَهُمْ، وَكَانَ أَبُو الْخَطَّابِ مِمَّنْ أَعِيرَ الْإِيمَانَ. (1)

قرب الإسناد عن عيسى شلقان: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ أَبِي الْخَطَّابِ، فَقَالَ لِي مُبْتَدِنًا قَبْلَ أَنْ أُجْلِسَ: يَا عِيسَى مَا مَنَعَكَ أَنْ تَلْقَى ابْنِي فَتَسْأَلَهُ عَنْ جَمِيعِ مَا تُرِيدُ؟ قَالَ عِيسَى: فَذَهَبْتُ إِلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَاعِدٌ فِي الْكُتَّابِ، وَعَلَى شَفْتَيْهِ أَثَرُ الْمِدَادِ (2)، فَقَالَ مُبْتَدِنًا: يَا عِيسَى، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ عَلَى النَّبِيِّينَ فَلَمْ يَتَّحَوَّلُوا عَنْهَا أَبَدًا، وَأَخَذَ مِيثَاقَ الْوَصِيِّينَ عَلَى الْوَصِيِّينَ فَلَمْ يَتَّحَوَّلُوا عَنْهَا أَبَدًا، وَأَعَارَ قَوْمًا الْإِيمَانَ زَمَانًا ثُمَّ سَلَبَهُمْ إِيَّاهُ، وَإِنَّ أَبَا الْخَطَّابِ مِمَّنْ أَعِيرَ الْإِيمَانَ ثُمَّ سَلَبَهُ اللَّهُ. (3)

رجال الكشي عن عيسى شلقان: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَوْمِنِدُ غُلَامٌ قَبْلَ أَنْ يُلَوِّغَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا هَذَا الَّذِي يُسْمَعُ مِنْ أَبِيكَ أَنَّهُ أَمَرْنَا بِوَلَايَةِ أَبِي الْخَطَّابِ ثُمَّ أَمَرْنَا بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُ؟ قَالَ: فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ عَلَى النَّبِيِّينَ فَلَا يَكُونُونَ إِلَّا أَنْبِيَاءَ، وَخَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْإِيمَانِ فَلَا يَكُونُونَ إِلَّا مُؤْمِنِينَ، وَاسْتَوَدَعَ قَوْمًا إِيْمَانًا، فَإِنْ شَاءَ أَتَمَّهُ لَهُمْ، وَإِنْ شَاءَ سَلَبَهُمْ إِيَّاهُ، وَإِنَّ أَبَا الْخَطَّابِ كَانَ مِمَّنْ أَعَارَهُ اللَّهُ الْإِيمَانَ: فَلَمَّا كَذَّبَ عَلَى أَبِي سَلْبَهُ اللَّهُ الْإِيمَانَ. قَالَ: فَعَرَضْتُ هَذَا الْكَلَامَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قَالَ: فَقَالَ: لَوْ سَأَلْتَنَا عَنْ ذَلِكَ مَا كَانَ لِيَكُونَ عِنْدَنَا غَيْرُ مَا قَالَ. (4)

1- الكافي: ج 2 ص 418 ح 3، بحار الأنوار: ج 69 ص 219 ح 3.

2- في المصدر: «المادد» والتصويب من المصادر الأخرى. والمداد: ما يكتب به (المصباح المنير: ص 566 «المداد»).

3- قرب الإسناد: ص 334 ح 1237، دلائل الإمامة: ص 330 ح 288، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 653 ح 5، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 293، بحار الأنوار: ج 48 ص 24 ح 40.

4- رجال الكشي: ج 2 ص 584 ح 523، بحار الأنوار: ج 69 ص 222 ح 5.

الكافی\_ به نقل از عیسی شلقان \_ :نشسته بودم که ابو الحسن موسی [ کاظم ] علیه السلام ، در حالی که برّه ای با خود داشت ، بر من گذشت. [به او] گفتم: ای پسر! می بینی پدرت (یعنی امام صادق علیه السلام ) چه می کند؟ به ما می گوید : «فلان کار را بکنید» و سپس ما را از همان کار ، نهی می کند. به ما می گوید که ابو خطاب را دوست بداریم ، بعد ، دستور می دهد که او را لعنت کنیم و از وی ، بیزاری جویم. ابو الحسن علیه السلام ، با آن که پسر بچه ای بود، فرمود : «خداوند ، عده ای را برای ایمان آفریده است و برای ایمان آنان ، زوالی نیست ؛ و عده ای را برای کفر آفریده است و کفر آنان را هم زوالی نیست . در این میان ، عده ای را آفریده که ایمان را به آنها عاریت داده است و ایشان را عاریه داران می نامند. هر گاه خداوند بخواهد ، ایمان را از آنها می گیرد . ابو خطاب هم از کسانی بود که ایمان را به او ، عاریه داده بودند» .

قرب الإسناد\_ به نقل از عیسی شلقان \_ : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و می خواستم راجع به ابو خطاب ، از ایشان بپرسم؛ اما پیش از آن که بنشینم ، امام علیه السلام ، خود به من فرمود: «ای عیسی! چرا پیش پسر نمی روی تا همه چیزهایی که می خواهی ، از او بپرسی؟» . عیسی گفت: پس نزد عبد صالح [ موسی بن جعفر ] علیه السلام که در مکتب خانه نشسته و اثر جوهر بر لبانش بود، رفتم. او نیز، پیش از آن که سؤالم را بپرسم، فرمود: «ای عیسی! خداوند \_ تبارک و تعالی \_ ، از پیامبران ، پیمان نبوت گرفته است و آنها هرگز از این پیمان ، بر نمی گردند ؛ و از جانشینان آنان ، پیمان جانشینی گرفته است و آنها نیز هرگز از این پیمان ، بر نمی گردند ؛ و به عده ای هم ایمان عاریتی داده است که تا مدتی در اختیار آنهاست . سپس آن را از ایشان می گیرد. ابو خطاب هم از کسانی است که ایمان به او عاریت داده شده بود و سپس ، خداوند ، آن را از او ستاند .

رجال الکشی\_ به نقل از عیسی شلقان \_ : به ابو الحسن [موسی بن جعفر] علیه السلام \_ که در آن روز ، هنوز پسر بچه ای نابالغ بود \_ ، گفتم: فدایت شوم ! این ، چه سخنی است که از پدرت شنیده می شود: يك روز ما را به دوستی با ابو خطاب ، امر می کند . سپس ما را به بیزاری جستن از او ، فرمان می دهد؟! ابو الحسن علیه السلام ، بی درنگ ، پاسخ داد: «خداوند ، پیامبران را برای پیامبری آفرید . بنا بر این ، آنها جز پیامبر نمی شوند ؛ و مؤمنان را برای ایمان آفرید . بنا بر این ، آنها نیز جز مؤمن نمی شوند؛ و به عده ای هم ایمان را عاریت داده است . اگر بخواهد ، آن را برای همیشه در دستشان باقی می گذارد، و اگر نخواهد ، آن را از ایشان می ستاند . ابو خطاب هم از کسانی بود که خداوند ، ایمان را به او عاریه داده بود و چون بر پدرم دروغ بست ، خداوند ، ایمان را از او ستاند». این سخن را برای امام صادق علیه السلام بازگو کردم. ایشان فرمود: «اگر از ما هم در باره آن می پرسیدی ، پاسخی غیر از آنچه او به تو گفته است ، نمی شنیدی» .

10 / 8 هؤلاء الثالائة الإمام الباقر عليه السلام: لعن الله بنان البيان 1 ، وأن بنانا لعنه الله كان يكذب على أبي . (1)

---

1- .رجال الكشي : ج 2 ص 590 ح 541 عن زرارة، بحار الأنوار: ج 25 ص 270 .

10 / 8 این سه نفر امام باقر علیه السلام: خداوند، بُنانِ بیان (1) را لعنت کند! بُنانِ \_ که لعنت خدا بر او باد \_ ، بر پدرم دروغ می بست.

1- .. نام او بیان بن سمعان تمیمی نهدی تبّان است . ظاهراً «بنان» و «بیان» ، یکی است و دومی درست تر است ؛ چون نوبختی گفته است: «بیانیه ، پیروان بیان نهدی هستند» . بیانیه ، فرقه ای هستند که معتقدند : امام قائم مهدی علیه السلام ، همان ابو هاشم عبد الله بن محمد بن حنفیه است. او سرپرست خلق است و بر می گردد و زمام امور مردم را به دست می گیرد و بر زمین ، فرمان روا می شود و پس از او وصی ای نیست و در باره او غلو کرده اند. بعد از مرگ ابو هاشم، بیان ، ادّعیای پیامبری کرد و جمعی از پیروانش قائل به انتقال امامت از ابو هاشم به او شدند. بیان ، از غالیان معتقد به الوهیت امیر مؤمنان علی علیه السلام بود و سپس ، ادّعا کرد که اجزای الهی، با نوعی از تناسخ، به وجود علی علیه السلام منتقل شده است و از این رو ، شایسته آن است که امام و خلیفه باشد. خالد بن عبد الله قسری ، او را به سبب این اعتقادش به قتل رساند (ر . ک : فرق الشیعة ، نوبختی : ص 50 ، الملل و النحل : ج 1 ص 246 و 247 ، فرهنگ جامع فرق اسلامی ، ج 1) .

رجال الكشي عن هشام بن الحكم: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن بُنَانًا وَالسَّرِيَّ 1 وَبَرِيْعًا 2 لَعَنَهُمُ اللَّهُ تَرَأَى لَهُمُ الشَّيْطَانَ فِي أَحْسَنِ مَا يَكُونُ صُورَةً أَدْمِيٍّ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى سَرَّتِهِ . فَقُلْتُ : إِنَّ بُنَانًا يَتَأَوَّلُ هَذِهِ الْآيَةَ « وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ » (1) أَنَّ الَّذِي فِي الْأَرْضِ غَيْرُ إِلَهِ السَّمَاءِ ، وَإِلَهَ السَّمَاءِ غَيْرُ إِلَهِ الْأَرْضِ ، وَأَنَّ إِلَهَ السَّمَاءِ أَعْظَمُ مِنْ إِلَهِ الْأَرْضِ ، وَأَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يَعْرِفُونَ فَضْلَ إِلَهِ السَّمَاءِ وَيُعْظَمُونَهُ . فَقَالَ : وَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، إِلَهٌ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَإِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ كَذَبَ بُنَانٌ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ ، لَقَدْ صَغَرَ اللَّهُ جَلًّا وَعَزَّ وَصَغَرَ عَظَمَتَهُ . (2)

10 / 9 هُوَ لِإِلَهِ السَّبْعَةِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ : « هَلْ أُتْبِتُكُمْ عَلَى مَنْ تَنَزَّلَ الشَّيَاطِينُ \* تَنَزَّلَ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ » - هُمْ سَبْعَةٌ : الْمَغِيرَةُ (3) ، وَبُنَانٌ ، وَصَائِدٌ (4) ، وَحَمَزَةُ بْنُ عِمَارَةَ الْبَرْبَرِيِّ (5) ، وَالْحَارِثُ الشَّامِيُّ (6) ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَارِثِ (7) ، وَأَبُو الْخَطَّابِ (8) .

1- الزخرف : 84 .

2- رجال الكشي : ج 2 ص 592 ح 547 عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 25 ص 295 ح 54 .

3- هو المغيرة بن سعيد العجلي الملقب بالأبتر . كان يكذب على أبي جعفر عليه السلام . قال الصادق عليه السلام : « إن المغيرة بن سعيد لعنه الله دس في كتب أصحاب أبي أحاديث لم يحدث بها أبي » . نسبت إليه التبرية من الزيدية . وهم أنكروا إمامة مولانا جعفر بن محمد عليه السلام ، فقالوا : الإمامة في بني علي بن أبي طالب عليه السلام بعد أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام ، وإن الإمامة في المغيرة بن سعيد إلى خروج المهدي ، وهو عندهم محمد بن عبد الله بن الحسن عليه السلام ، وهو حي لم يموت ولم يقتل ، فسموا هؤلاء المغيرية ، باسم المغيرة بن سعيد . وبعد ذلك ادعى النبوة لنفسه ، واستحل المحارم (رجال الكشي : ج 2 ص 489 ح 399 إلى 402 و فرق الشيعة للنوبختي : ص 59) .

4- الصائد النهدي من أتباع حمزة بن عمارة البربري الذي يعتقد برجوع محمد بن الحنفية وأتباعه ، وفي عقائده غلو وارتفاع وإباحة ، وقد لعنه الإمام الصادق عليه السلام (راجع : نهج الدعاء : ص 650 ح 1578 و جامع الرواة : ج 1 ص 409 و فرق الشيعة للنوبختي : ص 28 و المقالات والفرق : ص 34) .

5- كان حمزة بن عمارة البربري من أصحاب الإمام الصادق عليه السلام ، وقد روى الكشي بسنده عن بريد بن معاوية العجلي أنه قال : « كان حمزة بن عمارة البربري لعنه الله يقول لأصحابه : إن أبا جعفر عليه السلام يأتيني في كل ليلة ، ولا يزال إنسان يزعم أنه قد أراه إيّاه » ، فقدر لي أنني لقيت أبا جعفر عليه السلام فحدثته بما يقول حمزة ، فقال : « كذب عليه لعنة الله ، ما يقدر الشيطان أن يتمثل في صورة نبي ولا وصي نبي » (راجع : فرق الشيعة للنوبختي : ص 27 ، و رجال الكشي : ج 2 ص 593 ح 548 و ص 589 ح 537 و 305 و 549) .

6- روى الكشي بإسناده عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام أن الحارث الشامي وحمزة البربري ملعونان (نقد الرجال : ج 1 ص 385) . هذا ولم يذكر في الكتب الرجالية معلومات أكثر من ذلك للرجل .

7- احتمال العلامة الخوئي أن عبد الله هذا أن يكون ولدا للحارث الشامي . (معجم رجال الحديث : ج 11 ص 162) .

8- الخصال : ص 402 ح 111 ، رجال الكشي : ج 2 ص 577 ح 511 عن بريد العجلي وفيه « بيان » بدل « بنان » و ص 591 ح 543 وفيه « الزبيدي » بدل « البربري » ، بحار الأنوار : ج 25 ص 270 ح 16 .

رجال الکشی\_ به نقل از هشام بن الحکم \_ امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، بُنان و سَدْرِي و بَزِيع 1 را لعنت کند! شیطان، از فرق سر تا نافش، به صورت زیباترین انسان برای این سه نفر، نمایان می شد». گفتم: بُنان، در تأویل و تفسیر این آیه: «و او کسی است که در آسمان، خدا، و در زمین، خداست»، می گوید: یعنی خدای زمین، غیر از خدای آسمان است، و خدای آسمان، غیر از خدای زمین. خدای آسمان، مقامش والاتر از خدای زمین است، و زمینیان، برتری خدای آسمان را می شناسند و او را بزرگ می شمارند. امام علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند که خدا، یکی است و شریکی ندارد! او هم خدای آسمانیان است، و هم خدای زمینیان. بُنان \_ که لعنت خدا بر او باد \_، دروغ می گوید. او خداوند بزرگ و توانا را کوچک دانسته و عظمت او را خرد شمرده است».

10 / 9 این هفت نفر امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل: «آیا به شما خبر دهم که شیطان ها بر چه کسی نازل می شوند؟ بر هر دروغگوی گنهکاری» \_ ایشان، هفت نفرند: مُغیره، (1) بُنان، صائِد، حمزة بن عُمارة بَرَبَرِي، حارث شامی، (2) عبد الله بن حارث، (3) و ابو خطاب .

1- .. نام او مُعيرة بن سعید عَجلی، ملقب به ابتر است. او به امام باقر علیه السلام دروغ می بست. امام صادق علیه السلام فرمود: «مُعيرة بن سعید \_ که خدایش لعنت کند \_، در کتاب های اصحاب پدرم، احادیثی را وارد می کرد که پدرم آنها را نگفته بود». فرقه بَرَبَرِيه، از زیدیه منسوب به این شخص است. این فرقه، امامت امام صادق علیه السلام را منکر بودند و می گفتند: بعد از امام باقر علیه السلام امامت در نسل علی بن ابی طالب علیه السلام نیست و امامت در مُعيرة بن سعید است تا زمان خروج مهدی علیه السلام که از نظر آنان، محمّد بن عبد الله بن حسن است. او زنده است و نمرده و کشته هم نشده است. این فرقه را به نام مُعيرة بن سعید، «مُعیریه» نیز نامیده اند. او، ادعای نبوت کرد و حرام ها را حلال شمرد (ر. ک: رجال الکشی: ج 2 ص 489 ش 399 \_ 402، فرق الشیعة، نوبختی: ص 59).

2- .. در رجال الکشی از ابن سنان روایت شده است که حارث شامی و حمزه بَرَبَرِي ملعون هستند (نقد الرجال: ج 1 ص 385). نکته قابل تذکر، آن است که در کتاب های رجالی، مطلبی بیشتر از این در باره این شخص پیدا نشد.

3- .. آیه الله خوبی احتمال داده است که این شخص، پسر حارث شامی پیش گفته باشد. مطلبی غیر از این در باره این شخص پیدا نشد.









## 32 . ابدال، اوتاد، اقطاب

### اشاره

32 . ابدال، اوتاد، اقطابدرآمدفصل يكم : ابدالفصل دوم : اوتادفصل سوم : اقطاب

.

## آبدال، در لغت

درآمدآبدال، در لغتواژه «آبدال»، جمع «بَدَل»، «بَدَل» و «بَدَل» و «بَدِيل»، (1) از ریشه «بدل» به معنای جای گزین کردن چیزی به جای چیزی دیگر، و نیز به معنای دگرگون نمودن شکل چیزی به شکلی دیگر است. ابن فارس، در این باره می گوید: البَاءُ وَ الدَّالُّ وَ اللَّامُ أَصْلٌ وَاحِدٌ ، وَ هُوَ قِيَامُ الشَّيْءِ مَقَامَ الشَّيْءِ الدَّاهِبِ . (2) با و دال و لام (بدل)، يك اصل دارد و آن، قرار گرفتن چیزی به جای چیز رفته است. نیز ازهری می گوید: قَالَ أَبُو الْعَبَّاسِ: وَ حَقِيقَتُهُ أَنَّ التَّبْدِيلَ تَغْيِيرُ الصُّورَةِ إِلَى صُورَةٍ أُخْرَى وَ الْجَوْهَرَةُ بِعَيْنِهَا . (3) ابو العباس گفته: حقیقت بدل، این است که صورت آن، به صورت دیگری در آید؛ ولی جوهر آن به حالت اصلی بماند.

1- .. لسان العرب: ج 11 ص 48 ماده «بدل» .

2- .. معجم مقایس اللغة: ج 1 ص 210 ماده «بدل» .

3- .. تهذیب اللغة: ج 1 ص 294 .

## اوتاد، در لغت

### أقطاب، در لغت

اوتاد، در لغتواژه «اوتاد»، جمع «وتد»، به معنای میخ است؛ ولی برخی از لغت شناسان، وتد را ضخیم تر از میخ می دانند. شیخ طوسی، در التبیان فی تفسیر القرآن، آورده: وتد، همان میخ است؛ اما سخت تر از آن است. به همین جهت، گفته می شود: میخ های رنج، وقتی کوبیده می شوند، گویی از جهت سختی و کوبیدن، میخ های آهنین هستند، و اگر سخت شود، بر آن وتد گفته می شود. از همین روست که کوه ها را به میخ های زمین، دانسته اند؛ زیرا با سختی و استواری ای که دارند، زمین را از لغزش، باز می دارند. (1) این تفاوت را از تفسیر وتد، به «ما یرزّ فی الحائط أو الأرض»، یعنی: میخی که در دیوار یا زمین می کوبند، (2) نیز می توان استفاده نمود.

أقطاب، در لغتواژه «أقطاب»، جمع «قُطب»، میله آهنی ثابت در سنگ زیرین آسیاست که سنگ رویی آسیا، به دور آن می چرخد. در لسان العرب، آمده: الْقُطْبُ وَالْقُطْبُ وَالْقُطْبُ وَالْقُطْبُ: الْحَدِيدَةُ الْقَائِمَةُ الَّتِي تَدُورُ عَلَيْهَا الرَّحَى... وَالْجَمْعُ أَقْطَابٌ وَقُطُوبٌ. (3) قُطْبٌ وَقُطْبٌ وَقُطْبٌ وَقُطْبٌ: میله سنگ آسیاست... و جمع آن، «أقطاب» و «قطوب» است. با تأمل در معنای لغوی واژه های «أبدال» ، «اوتاد» و «أقطاب»، معلوم می شود که این الفاظ، هیچ گونه بار مثبت و یا منفی فرهنگی ندارند. آری! اگر به نحو استعاره بر

1-.. التبیان فی تفسیر القرآن: ج 10 ص 239.

2-.. ر.ك: لسان العرب: ج 3 ص 444، تاج العروس: ج 5 ص 291 ماده «وتد».

3-.. لسان العرب: ج 1 ص 681 ماده «قطب».

## ابدال ، اوتاد و اقطاب ، در اصطلاح متصوفه

اشخاصی اطلاق کردند ، ظرفیت پذیرش بار معنایی مثبت را نیز دارند . به هر حال ، در روایاتی که در این بخش خواهد آمد و همچنین در اصطلاح صوفیه ، این واژه ها ، دارای مفهوم مثبت فرهنگی هستند و به کسانی اطلاق می گردند که نقش فرهنگی ویژه ای را در عالم ، ایفا می نمایند ؛ لیکن اثبات این ادعا ، نیاز به احراز سند و دلالت این روایات دارد . برای ارزیابی روایاتی که بدانها اشاره شد ، ابتدا اجمالاً به مفهوم این واژه ها از نگاه متصوفه می پردازیم :

ابدال ، اوتاد و اقطاب ، در اصطلاح متصوفهدر اصطلاح اهل تصوف ، این الفاظ ، معانی نزدیک به هم و مشابهی دارند . در تعریف «ابدال» گفته شده که : «آنها ، عده مُعینی از مردان خدا هستند که جهان ، به وجود آنها برپاست و هیچ گاه از وجود آنها ، خالی نمی شود» . همین معنا ، در تعریف اوتاد نیز آمده است . در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ، آمده : تقریباً در تمام آثار عرفانی ، تعداد ابدال را هفت یا چهل نفر ذکر کرده اند . هُجویری ، تعداد ابدال را چهل نفر می داند و در سلسله مراتب اولیا ، آنان را در مرتبه پنجم می نشاند . سلسله مزبور به این صورت است : قُطب یا غوث : يك نفر ، نقبا : سه نفر ، اوتاد : چهار نفر ، ابرار : هفت نفر ، ابدال : چهل نفر ، اخیار : سیصد نفر . عبد الرحمان جامی نیز همان بیان هُجویری را در باره خصوصیات و تعداد و مرتبه ابدال ، تکرار کرده است . ابن عربی ، از ابدال هفتگانه و چهل گانه ، سخن رانده است ، اگر چه به گفته او ، گاه نقبای دوازده گانه را نیز ابدال خوانده اند . تأکید ابن عربی ، بیشتر بر ابدال هفتگانه است و معتقد است که آنان ، به ترتیب بر قدم ابراهیم ، موسی ، هارون ، ادریس ،

یوسف، عیسی و آدم علیهم السلام قرار دارند و اسامی آنان، عبارت است از: عبد الحی، عبد العلیم، عبد الودود، عبد القادر، عبد الشکور، عبد السمیع، عبد البصیر. مرتبه ابدال، بعد از مراتب قطب و امامان و اوتاد، قرار دارد؛ اما گاه ابدال، شامل قطب، امامان و اوتاد نیز می شود. سَدَفِی، لفظ ابدال را واژه ای عام برای تمام طبقات اولیا می دانسته و لذا، واژه اولیا را به جای ابدال، به کار برده است. او مجموع اولیای خدا یا ابدال را در هر زمان، 356 نفر می داند و آنها را به شش طبقه، تقسیم می کند: 1. سیصدتنان، 2. چهل تنان، 3. هفت تنان، 4. پنج تنان، 5. سه تنان، 6. قطب. سپس یادآور می شود که چون آخر الزمان فرارسد، بر سیصدتنان، کسی افزوده نشود تا آن که تماما از جهان، رحلت کنند. آن گاه، از چهل تنان و هفت تنان و پنج تنان و سه تنان، به ترتیب، کاسته شود تا کسی از آنها باقی نماند و قطب، تنها شود، و چون قطب از عالم رخت بر بندد، عالم بر افتد. سید حیدر آملی، در المقدمات، سه نوع طبقه بندی از مراتب اولیا به دست داده که در هر سه نوع، تعداد ابدال، هفت نفر است؛ اما مرتبه آنان، متفاوت است. در طبقه بندی اول، ابدال، بعد از قطب، در مرتبه دوم قرار دارند و دارای مقامی بالاتر از رجال الغیب و صَدِّ لِحَا هستند. در طبقه بندی دوم، ابدال، پس از قطب و غوث و افراد، در مرتبه چهارم، واقع شده اند. در طبقه بندی سوم، ابدال، پس از قطب الأقطاب \_ که مقام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدا علیهم السلام است \_، و نیز قطب یا غوث و امامان و اوتاد، در مرتبه پنجم، قرار دارند. آملی، ضمن بر شمردن طبقات مختلف اولیا، این نکته را نیز یادآور می شود که گاه از ائمه معصومین علیهم السلام، تعبیر به «اقطاب» و «ابدال» می شود و ظاهرا این معنا، مُقْتَبَس از روایات شیعه است. همچنین او به این نکته اشاره دارد که گاه مقصود از ابدال هفتگانه، [مجموع] اوتاد چهارگانه و دو امام و قطب است. آملی، همچنین از قول شیخ سعد الدین حموی، طبقه بندی جدیدی را نقل می کند



## ابدال، اوتاد و اقطاب، در حدیث

### 1. ارزیابی اسناد

که در آن، تعداد ابدال، هفت نفر است و بعد از قطب و غوث و امامین و اوتاد و اشباح، در مرتبه پنجم از طبقات هفتگانه اولیا، قرار دارند و عدد اولیا در مجموع طبقات مذکور، منحصر به 360 نفر است. شاه نعمه الله ولی نیز طبقه بندی های متفاوتی از اولیا به دست می دهد که در آنها، لفظ ابدال، گاه به طور خاص، و گاه به طور عام، مورد استفاده واقع شده است. در طبقه بندی اول، ابدال هفتگانه، بعد از اقطاب دوازده گانه، در مرتبه دوم، و ابدال چهل گانه در مرتبه چهارم و سیصد ابدال در مرتبه ششم، قرار دارند. در طبقه بندی دوم، پس از قطب الأقطاب، سه ابدال، پنج ابدال، هفت ابدال، چهل ابدال و سیصد ابدال، قرار گرفته اند و سرانجام، طبقه بندی سوم نیز مشابه طبقه بندی دوم است، جز آن که میان مقام قطب الأقطاب و سه ابدال، مقام يك نفر از اولیا، واقع است. (1)

ابدال، اوتاد و اقطاب، در حدیث احادیثی که در باره عناوین یاد شده در منابع روایی آمده، از دو منظر، قابل بررسی و ارزیابی است:

1. ارزیابی اسنادیستین احادیثی که در این بخش آمده، در باره ابدال است. از نظر ما، اسناد همه روایاتی که به گونه ای دلالت بر مفاهیمی دارند که متصوفه، مدعی آن هستند، معتبر نیست. شماری از پژوهشگران اهل سنت نیز این احادیث را معتبر نمی دانند. سخاوی می گوید: خبر مربوط به ابدال، اسناد گوناگونی دارد، با الفاظ متفاوت که همه سندهایش ضعیف اند. (2)

1- .. دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج 2 ص 385\_ 386.

2- .. فیض القدیر: ج 3 ص 220.

## 2. ارزیابی متون

و در مقابل سیوطی \_ که از بزرگان صوفیه است و این احادیث را «صحیح» و بلکه «متواتر معنوی» دانسته \_ ، بسیاری از محققان اهل سنت ، مانند : ابن جوزی و ابن تیمیّه ، معتقدند که این احادیث ، مجعول اند . (1) دکتر حسام الدین بن موسی عفانه (2) نیز در این باره می گوید : در باره ابدال ، خبر صحیحی از پیامبر صلی الله علیه و آله ثبت نشده ، و هر آنچه در باره ابدال ، اقطاب ، اغواث ، نُجَبَا و اوتاد نقل شده ، خبرهای نادرستی هستند که به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شده اند ، همان گونه که محققان فعلی و گذشته ، این را بیان کرده اند . (3)

2. ارزیابی متون متن اکثر قریب به اتفاق این احادیث نیز شاهد مجعول بودن آنهاست . محققان حدیث شناس ، با تأمل در متن این احادیث ، بویژه در نظر گرفتن نکاتی مانند : تناقض آنها در تعداد ابدال ، (4) کم اهمیت جلوه دادن اعمال صالح (مانند نماز و روزه) ، (5) سازش با دشمنان اسلام (به بهانه این که ابدال ، چیزی را لعنت نمی کنند) ، (6) تعیین سرزمین شام به عنوان پایگاه رویش ابدال ، (7) و از همه مهم تر ، توصیف ابدال به ویژگی هایی که در احادیث معتبر ، اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آنها توصیف شده اند ، می توانند آثار و علائم جعل را در بیشتر این احادیث ، مشاهده کنند و توطئه سیاست مداران اُموی را در ساختن این روایات ، کشف نمایند .  
علاّمه امینی ، در

1- .. ر .ك : الموضوعات : ج 3 ص 152 ، مجموع الفتاوی : ج 11 ص 167 و ج 27 ص 497 .

2- .. استاد فقه و اصول فقه در دانشگاه قدس .

3- .. برگرفته از سایت : «إسلام أون لاین . نت» / شرعی / اسألوا أهل الذکر) .

4- .. ر .ك : ص 101 (آنچه در باره شمار ابدال روایت شده است) .

5- .. ر .ك : ص 95 ح 4 و 5 و 7 .

6- .. ر .ك : ص 93 ح 3 .

7- .. ر .ك : تاریخ دمشق : ج 1 ص 334 \_ 337 و سبل الهدی و الرشاد : ج 1 ص 270 و ص 370 و منابع دیگر ...

این باره می گوید: ابدال، اصطلاح جدیدی است که اُمویان، آن را ساختند و تلاش کردند که با آن، خاکستر [جهل] بر چشم مسلمانان بپاشند و اثبات کنند که زن و مرد اُموی، اگر نگوئیم برتر از اهل بیت و صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستند، در فضیلت، همپای آنها هستند، و این، به خاطر وضعیتی بود که آنان با کُشتن صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بویژه همراهان امیر مؤمنان علیه السلام، پدید آوردند و چنین وانمود کردند که مسلمانان، با وجود ابدال، یاری و روزی داده می شوند و باران، بر ایشان می بارد. بنا بر این، جنبش علیه شام و حاکم آن، پیروزی و روزی را از مسلمانان، دور خواهد کرد. این چاره اندیشی، بر مسلمانان ساده، کارگر شد و به آن معتقد شدند. معاویه، پس از انعقاد قرارداد صلح با امام حسن علیه السلام، زمانی که به شام بازگشت، برای مردم سخنرانی کرد و جایگاه خودش را به آنان گوشزد کرد و به همان چیزی که با حدیث سازان همسویی داشت، اشاره کرد، پس از آن که مردم، کلمه ابدال را شنیده بودند و جعل احادیث این موضوع ساختگی، آغاز شده بود. واقدی، آورده است: وقتی معاویه پس از بیعت حسن علیه السلام به سال 41 با او، از عراق به شام برگشت، سخنرانی کرد و گفت: ای مردم! پیامبر خدا فرمود: تو پس از من، عهده دار خلافت خواهی شد. سرزمین مقدّس (شام) را [برای آن] برگزین که ابدال، در آن هستند! و من، شما را [به آن] خبردار کردم. پس ابو تراب (علی بن ابی طالب) را لعن کنید. وقتی صبح شد، نامه ای نوشت و مردم را گرد آورد و آن را بر ایشان خواند و در آن، چنین نوشته بود: این، نامه ای است که امیر مؤمنان، معاویه، کاتب وحی خدایی که محمّد را برای پیامبری برانگیخت، در حالی که اُمّی بود، نه می خواند و نه می نوشت، و از خاندان او وزیر و نگارنده ای امین برگزید. وحی که بر محمّد فرود می آمد، من آن را می نگاشتم و او خبر نداشت [که من، چه می نویسم] و میان

من و خدا، هیچ کسی از بندگان نبود! حاضران گفتند: راست گفتی! این احادیث را سیوطی در الجامع الصغیر، (1) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: الف. از عبادۀ بن صامت. ابدال، در میان این امت، سی نفرند که دل هایشان، به مثابه دل ابراهیم خلیل است. هر گاه یکی از آنها بمیرد، خداوند، کسی را جای او برگزیند. نیز همو، نقل کرده: ابدال، در میان امت من، سی نفرند که زمین با آنها بر پاست، و شما به خاطر آنها، یاری داده می شوید و برایتان، باران می بارد. ب. از عوف بن مالک. ابدال، در میان مردم شام اند. آنها به خاطر وجود آنان، یاری می شوند و روزی داده می شوند. ج. از انس بن مالک. ابدال، چهل مرد و چهل زن هستند. هر گاه مردی از آنها بمیرد، خداوند، مرد دیگری را جایگزین می کند، و هر گاه زنی از آنها بمیرد، زن دیگری را جایگزین می کند. بسیاری از علما، درستی این احادیث و نقل ها را رد کرده اند و گفته اند: این روایات، از جهت متن و سند، باطل اند، همان گونه که محققان حدیث شناس، در باره سندهای احادیث ابدال، سخن گفته اند [و آنها را رد کرده اند]؛ از جمله، حافظ ابن جوزی که حکم به جعلی بودن آنها کرده و ابن تیمیّه هم از او تبعیت نموده و همین طور، سخاوی. (2)

1- .. ر. ك: الجامع الصغیر: ج 1 ص 470 ح 3032 \_ 3036.

2- .. الوضّاعون و أحادیثهم: ص 28 و 29.

## ابدال ، اوتاد و اقطاب حقیقی

ابدال ، اوتاد و اقطاب حقیقی موضوع بسیار قابل تأمل در ارزیابی روایات ابدال ، تفسیری است که در کتاب الاحتجاج ، از خالد بن ابی هیثم فارسی ، از امام رضا علیه السلام نقل شده است . او می گوید : به ابو الحسن الرضا علیه السلام گفتم : همانا مردم می پندارند که در زمین ، ابدال هستند . ابدال ، چه کسانی هستند؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود : **صَدَقُوا ، الْأَبْدَالُ هُمُ الْأَوْصِيَاءُ ، جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ بَدَلَ الْأَنْبِيَاءِ إِذَا رَفَعَ الْأَنْبِيَاءَ وَخَتَمَهُم بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (1)** راست می گویند . ابدال ، همان اوصیا هستند . خداوند عز و جل ، زمانی که پیامبران را بُرد و سلسله آنها را به محمد صلی الله علیه و آله ختم کرد ، آنها را جای گزین پیامبران قرار داد . در این روایت ، دو نکته قابل توجه است : نکته اول ، این که در قرن دوم هجری ، موضوع «ابدال» ، در میان عموم اهل سنت ، رواج داشته ؛ ولی در روایات اهل بیت علیهم السلام ، اصلاً مطرح نبوده و یا شایع نبوده است . نکته دوم ، این که امام علیه السلام همراه با ردّ ضمنی مفاهیم ساختگی معاصر خود در باره واژه ابدال ، مفهوم حقیقی آن را تصدیق کرده و آن را به اوصیای انبیای الهی تفسیر کرده است ، چنان که در شماری از روایات ، واژه های «اوتاد» و «اقطاب» نیز بر امامان اهل بیت علیهم السلام و یا شخصیت های محوری از یاران آنها ، اطلاق گردیده اند . با توجه به آنچه بیان شد ، می توان گفت : عناوین و اصطلاحات یاد شده ،

خصوصاً عنوان «ابدال»، ریشه در تعالیم اصیل قرآن و سنت ندارند؛ اما رواج آنها در میان توده مردم، سبب گردیده تا اهل بیت علیهم السلام با تطبیق معانی لغوی و عرفی آنها بر معانی صحیح، مانع سوء استفاده سیاست مداران و منحرفان، از این عناوین گردند. همچنین احتمال دارد که الفاظی مانند «أقطاب» و «أوتاد»، در روایات اهل بیت علیهم السلام، در معانی لغوی آنها به کار رفته اند؛ ولی بعدها مورد سوء استفاده قرار گرفته اند.

الفصل الأول: الأبدال 1 / 1 تفسير الأبدال للاحتجاج عن خالد بن أبي الهيثم الفارسي: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ فِي الْأَرْضِ أَبْدَالًا، فَمَنْ هَؤُلَاءِ الْأَبْدَالُ؟ قَالَ: صَدَقُوا، الْأَبْدَالُ هُمُ الْأَوْصِيَاءُ، جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ بَدَلَ الْأَنْبِيَاءِ إِذَا رَفَعَ الْأَنْبِيَاءَ وَخَتَمَهُمْ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (1)

1 / 2 ما رُوِيَ فِي خَصَائِصِ الْأَبْدَالِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهِيَ مِنَ الْأَبْدَالِ الَّذِينَ بِهِمْ قِوَامُ الدُّنْيَا وَأَهْلِهَا: الرِّضَا بِالْقَضَاءِ، وَالصَّبْرُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَالغَضَبُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: علامة أبدال أمتي أنهم لا يلعنون شيئاً أبداً. (3)

1- الاحتجاج: ج 2 ص 449 ح 312، بحار الأنوار: ج 27 ص 48 ح 1.

2- الفردوس: ج 2 ص 84 ح 2457 عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج 12 ص 187 ح 34599.

3- الأولياء: ص 66 ح 59، الصمت وآداب حفظ اللسان: ص 200 ح 373 كلاهما عن بكر بن خنيس، كنز العمال: ج 12 ص 187 ح 34600.

**فصل یکم : ابدال****1 / 1 تفسیر ابدال****1 / 2 آنچه در باره ویژگی های ابدال ، روایت شده است**

فصل یکم : ابدال 1 / 1 تفسیر ابدالاحتجاج\_ به نقل از خالد بن ابی هیثم فارسی \_ : به امام رضا علیه السلام گفتم : مردم می پندارند که در زمین ، ابدالی وجود دارند. این ابدال ، چه کسانی هستند؟ فرمود: «راست می گویند. ابدال ، همان اوصیا هستند . خداوند عز و جل ، زمانی که پیامبران را بُرد و سلسله آنها را به محمّد صلی الله علیه و آله ختم کرد، آنها را جای گزین پیامبران قرار داد» .

1 / 2 آنچه در باره ویژگی های ابدال ، روایت شده استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه خصلت است که در هر کس وجود داشته باشد ، او از ابدال است ؛ همانان که بقای دنیا و اهل آن ، به واسطه وجود آنهاست: خشنودی به قضا[ی الهی] ، خودداری از محرّمات الهی ، و خشم گرفتن به خاطر خداوند عز و جل .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نشانه ابدال امت من ، این است که هرگز چیزی را لعنت نمی کنند.



عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ بَدَلَاءَ أُمَّتِي لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِكَثْرَةِ صَوْمٍ وَلَا صَلَاةٍ، وَلَكِنْ دَخَلُوهَا بِرَحْمَةِ اللَّهِ، وَسَدَامَةِ الصُّدُورِ، وَسَخَاوَةِ الْأَنْفُسِ، وَالرَّحْمَةِ لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ بَدَلَاءَ أُمَّتِي لَمْ يَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِكَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَلَا صِيَامِهِمْ، وَلَكِنْ دَخَلُوهَا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ، وَسَخَاوَةِ أَنْفُسِهِمْ، وَالنُّصْحِ لِلْمُسْلِمِينَ. (2)

1 / 3 ما زُوِيَ فِي بَرَكَاتِ الْأَبْدَانِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَزَالُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ، كُلَّمَا مَاتَ رَجُلٌ أَبَدَلَ اللَّهُ مَكَانَهُ آخَرَ، فَهُوَ فِي الْأَرْضِ كُلِّهَا. (3)

المعجم الكبير عن ابن مسعود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَزَالُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قُلُوبُهُمْ عَلَى قَلْبِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَدْفَعُ اللَّهُ بِهِمْ عَنِ أَهْلِ الْأَرْضِ، يُقَالُ لَهُمُ الْأَبْدَالُ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُمْ لَمْ يَدْرِكُوهَا بِصَلَاةٍ وَلَا بِصَوْمٍ وَلَا بِصَدَقَةٍ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ فِيمَ أَدْرِكُوهَا؟ قَالَ: بِالسَّخَاءِ وَالنَّصِيحَةِ لِلْمُسْلِمِينَ. (4)

1- نوادر الأصول: ج 1 ص 166، الأولياء: ص 66 ح 58، شعب الإيمان: ج 7 ص 439 ح 10892 كلها عن الحسن، تفسير الثعالبي: ج 5 ص 410 عن أبي سعيد الخدري، الفردوس: ج 1 ص 231 ح 884 عن أنس وكلها نحوه، كنز العمال: ج 12 ص 188 ح 34605.

2- سبل الهدى والرشاد: ج 10 ص 371 عن أنس بن مالك، تاريخ الإسلام للذهبي: ج 21 ص 273 الرقم 467 من دون إسناد إلى النبي صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 12 ص 188 ح 34604 نقلاً عن الدارقطني في الإخوان والخلال في كرامات الأولياء وابن لال في مكارم الأخلاق.

3- الدر المنثور: ج 1 ص 765 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 12 ص 191 ح 4614 نقلاً عن الخلال في كرامات الأولياء.

4- المعجم الكبير: ج 10 ص 181 ح 10390، حلية الأولياء: ج 4 ص 173 الرقم 270 كلاهما عن ابن مسعود، كنز العمال: ج 12 ص 190 ح 34612.

### 1 / 3 آنچه در باره برکات وجود ابدال ، روایت شده است

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ابدال اَمّت من ، بر اثر فراوانیِ روزه و نماز به بهشت نمی روند ؛ بلکه به واسطه رحمت خدا و سلامت دل و سخاوت‌مندی و مهربانی نسبت به همه مسلمانان ، به بهشت می روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ابدال اَمّت من ، بر اثر فراوانیِ نماز و روزه شان به بهشت نمی روند ؛ بلکه به سبب سلامت دل هایشان، سخاوت جان هایشان و خیرخواهی نسبت به همه مسلمانان ، وارد بهشت می شوند.

1 / 3 آنچه در باره برکات وجود ابدال ، روایت شده است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همواره ، چهل مرد وجود دارند که خداوند به خاطر آنها ، زمین را حفظ می کند، و هر گاه مردی از آنها بمیرد ، خداوند ، دیگری را جای گزین او می کند، و او در همه جای زمین هست.

المعجم الکبیر\_ به نقل از ابن مسعود \_ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همواره ، چهل مرد از اَمّت من وجود دارند که دل هایشان ، به سان دل ابراهیم علیه السلام است. خداوند به برکت وجود آنان ، از زمینیان دفاع می کند. به این مردان، ابدال می گویند. آنان ، به سبب نماز یا روزه یا صدقه ، به آن ( / بهشت / این مقام) نرسیده اند». گفتند : ای پیامبر خدا ! پس به چه سبب ، بدان رسیده اند؟ فرمود: «با سخاوت و خیرخواهی کردن برای مسلمانان».

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَنْ تَخْلُوَ الْأَرْضَ مِنْ ثَلَاثِينَ مِثْلَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، بِهِمْ يُرْزَقُونَ وَبِهِمْ يُمَطَّرُونَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لَنْ تَخْلُوَ الْأَرْضَ مِنْ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِثْلَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، فِيهِمْ يُسْقَوْنَ وَبِهِمْ يُنْصَرُونَ. ما مات مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَبَدَلَ اللَّهُ مَكَانَهُ آخَرَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ عِزَّ وَجَلَّ فِي الْخَلْقِ ثَلَاثِمِئَةَ قَلْبٍ عَلَيْهِمُ عَلَى قَلْبِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلِلَّهِ تَعَالَى فِي الْخَلْقِ أَرْبَعُونَ قَلْبًا عَلَيْهِمُ عَلَى قَلْبِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلِلَّهِ تَعَالَى فِي الْخَلْقِ سَبْعَةَ قَلْبٍ عَلَيْهِمُ عَلَى قَلْبِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلِلَّهِ تَعَالَى فِي الْخَلْقِ خَمْسَةَ قَلْبٍ عَلَيْهِمُ عَلَى قَلْبِ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلِلَّهِ تَعَالَى فِي الْخَلْقِ ثَلَاثَةَ قَلْبٍ عَلَيْهِمُ عَلَى قَلْبِ مِيكَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلِلَّهِ تَعَالَى فِي الْخَلْقِ وَاحِدٌ قَلْبُهُ عَلَى قَلْبِ إِسْرَافِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِذَا مَاتَ الْوَاحِدُ أَبَدَلَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ مَكَانَهُ مِنَ الثَّلَاثَةِ، وَإِذَا مَاتَ مِنَ الثَّلَاثَةِ أَبَدَلَ اللَّهُ تَعَالَى مَكَانَهُ مِنَ الْخَمْسَةِ، وَإِذَا مَاتَ مِنَ الْخَمْسَةِ أَبَدَلَ اللَّهُ تَعَالَى مَكَانَهُ مِنَ السَّبْعَةِ، وَإِذَا مَاتَ مِنَ السَّبْعَةِ أَبَدَلَ اللَّهُ تَعَالَى مَكَانَهُ مِنَ الْأَرْبَعِينَ، وَإِذَا مَاتَ مِنَ الْأَرْبَعِينَ أَبَدَلَ اللَّهُ تَعَالَى مَكَانَهُ مِنَ الثَّلَاثِمِئَةِ، وَإِذَا مَاتَ مِنَ الثَّلَاثِمِئَةِ أَبَدَلَ اللَّهُ تَعَالَى مَكَانَهُ مِنَ الْعَامَّةِ. فِيهِمْ يُحْيَى وَيُمِيتُ وَيُمْطَرُ وَيُنْبِتُ وَيُدْفَعُ الْبَلَاءَ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: الْأَبْدَالُ يَكُونُونَ بِالشَّامِ (4) وَهُمْ أَرْبَعُونَ رَجُلًا، كُلُّمَا مَاتَ رَجُلٌ أَبَدَلَ اللَّهُ مَكَانَهُ رَجُلًا، يُسْقَى بِهِمُ الْغَيْثُ، وَيُنْتَصَرُ بِهِمُ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَيُصْرَفُ عَنْ أَهْلِ الشَّامِ بِهِمُ الْعَذَابُ. (5)

1- تاريخ الإسلام للذهبي: ج 20 ص 388 الرقم 445 عن أبي هريرة، سير أعلام النبلاء: ج 12 ص 532 الرقم 207 عن محمد بن مسيب وليس فيه «وبهم يمطرون»، كنز العمال: ج 12 ص 187 ح 34602 نقلاً عن تاريخ الصحابة.  
2- المعجم الأوسط: ج 4 ص 247 ح 4101، سبل الهدى والرشاد: ج 10 ص 369 كلاهما عن أنس، تاريخ دمشق: ج 1 ص 298 عن قتادة من دون إسناد إلى النبي صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 12 ص 188 ح 34603.  
3- حلية الأولياء: ج 1 ص 9، تاريخ دمشق: ج 1 ص 303، سبل الهدى والرشاد: ج 10 ص 368، الفردوس: ج 1 ص 187 ح 703 وليس فيه من «أبدل الله مكانه من الخمسة» إلى «مكانه من العامة» وكلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 12 ص 194 ح 34629.

4- في المصدر: «الشام»، والتصويب من كنز العمال والمصادر الأخرى.

5- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 238 ح 896، تاريخ دمشق: ج 1 ص 289، نوادر الأصول: ج 2 ص 103، تفسير القرطبي: ج 3 ص 259 وفيهما «الأرض، البلاء» بدل «الشام، العذاب» وكلها عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج 12 ص 186 ح 34596.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمین، هرگز از وجود سی نفر که همانند ابراهیم خلیل الرحمان اند، خالی نمی ماند. [مردم] به خاطر آنها، روزی داده می شوند و به خاطر آنها، باران [برایشان] باریده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمین، هرگز از وجود چهل مرد که همانند ابراهیم خلیل الرحمان اند، خالی نمی ماند. به خاطر همان هاست که بر مردم، باران می بارد، و به خاطر آنها، یاری داده می شوند. هر يك از آنان بمیرد، خداوند، دیگری را جای گزین او می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای خداوند عز و جل در میان آفریدگان، سیصد مرد هستند که دل هایشان، به سانِ دل آدم علیه السلام است؛ و برای خداوند متعال، در میان آفریدگان، چهل مرد هستند که دل هایشان، به سانِ دل موسی علیه السلام است؛ و برای خداوند متعال، در میان آفریدگان، هفت مرد هستند که دل هایشان، به سانِ دل ابراهیم علیه السلام است؛ و برای خداوند متعال، در میان آفریدگان، پنج مرد هستند که دل هایشان، به سانِ دل جبرئیل علیه السلام است؛ و برای خداوند متعال، در میان آفریدگان، سه مرد هستند که دل هایشان، به سانِ دل میکائیل علیه السلام است؛ و برای خداوند متعال، در میان آفریدگان، يك مرد هست که دلش، به سانِ دل اسرافیل علیه السلام است و هر گاه این يك در گذرد، خداوند عز و جل از آن سه مرد، یکی را جای گزین او می کند، و هر گاه از آن سه مرد، یکی در گذرد، خداوند متعال، از آن پنج نفر، یکی را جای گزین او می کند؛ و هر گاه از آن پنج تن، یکی در گذرد، خداوند متعال، از آن هفت نفر، یکی را جای گزین او می کند؛ و هر گاه از آن هفت تن، یکی در گذرد، خداوند متعال، از آن چهل تن، یکی را جای گزین او می کند؛ و هر گاه از آن چهل تن، یکی در گذرد، خداوند متعال، از آن سیصد تن، یکی در گذرد، خدای متعال، از آن سیصد تن، یکی را جای گزین او می کند و می باراند و می رویاند و دفع بلا می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ابدال، در شام هستند. آنان، چهل مردند. هر زمان که مردی بمیرد، خداوند، مردی را جای گزین او می کند. به خاطر آنهاست که [بر مردم]، باران می بارد، و به خاطر آنها بر دشمنان، یاری داده می شوند، و به خاطر آنهاست که عذاب از شامیان، گردانده می شود.

1 / 4 ما رُوِيَ فِي دَوْرِ الْأَبْدَالِ فِي حُكُومَةِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَيُّهَا النَّاسُ قُطِّعْ عَنْكُمْ مِدَّةَ الْجَبَّارِينَ، وَوَلِيَّ الْأَمْرِ خَيْرُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ، فَالْحَقُوا بِمَكَّةَ. فَيُخْرِجُ النَّجْبَاءَ مِنْ مِصْرَ، وَالْأَبْدَالَ مِنَ الشَّامِ، وَعَصَائِبُ (1) الْعِرَاقِ؛ زُهْبَانُ بِاللَّيْلِ، لُيُوثُ بِالنَّهَارِ، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفَةٍ، فَيُخْرِجُ رَجُلٌ مِنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ هَارِبًا إِلَى مَكَّةَ، فَيَأْتِيهِ نَاسٌ مِنَ أَهْلِ مَكَّةَ فَيُخْرِجُونَهُ وَهُوَ كَارِهِ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَيُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْثٌ مِنَ الشَّامِ فَيُخَسَفُ بِهِمُ الْبَيْدَاءُ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ، فَإِذَا رَأَى النَّاسُ ذَلِكَ أَتَاهُ أَبْدَالُ الشَّامِ وَعَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيُبَايِعُونَهُ. (3)

- 
- 1- العصائب: جمع عصابة، وهم الجماعة من الناس من العشرة إلى الأربعين، ولا واحد لها من لفظها... أراد أن التجمع للحروب يكون بالعراق. وقيل: أراد جماعة من الزهاد سماهم بالعصائب؛ لأنه قرنهم بالأبدال والنجباء (النهاية: ج 3 ص 243 «عصب»).
  - 2- الاختصاص: ص 208 عن حذيفة، بحار الأنوار: ج 52 ص 304 ح 73.
  - 3- سنن أبي داود: ج 4 ص 107 ح 4286، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 216 ح 26751، صحيح ابن حبان: ج 15 ص 158 ح 6757، مسند أبي يعلى: ج 12 ص 370 ح 6940، مسند ابن راهويه: ج 4 ص 170 ح 1954 كلها عن أم سلمة، كنز العمال: ج 14 ص 265 ح 38668؛ كشف الغمّة: ج 3 ص 269 عن أم سلمة، بحار الأنوار: ج 51 ص 88.

## 1 / 4 آنچه در باره نقش ابدال در حکومت امام مهدی علیه السلام روایت شده است

1 / 4 آنچه در باره نقش ابدال در حکومت امام مهدی علیه السلام روایت شده است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون زمان ظهور قائم ، فرا می رسد ، منادی ای از آسمان ، ندا می دهد که : «ای مردم! دوران حکومت زورگویان بر شما ، به سر آمد و بهترین فرد امت محمد ، بر سر کار آمد. پس ره سپار مگه شوید». از این هنگام ، نجیبان ، از مصر ، ره سپار می شوند ، و ابدال ، از شام ، و عصابه ها (1) از عراق. پارسایان شب و شیران روزند و دل هایشان ، چونان پولاد است و در میان رُکن و مقام ، با او (قائم) بیعت می کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با مُردن خلیفه ای ، اختلاف ، ایجاد می شود . پس مردی از اهالی مدینه ، به مگه می گریزد. در آن جا ، شماری از مردم مگه نزدش می آیند و او را به زور ، بیرون می آورند و میان رُکن و مقام ، با وی بیعت می کنند. پس سپاهی از شام به سوی او اعزام می شود ؛ اما بیابان میان مگه و مدینه ، آنها را در کام خود فرو می برد. چون مردم ، این حادثه را می بینند ، ابدال شام و عصابه های عراق ، نزد او می آیند و با او بیعت می کنند.

---

1- .. واژه «عصائب» \_ که در متن عربی حدیث آمده است \_ ، جمع «عصابه»، به معنای گروهی از مردم از ده تا چهل نفر است... مراد ، گرد آمدن آنها برای جنگ هایی است که در عراق ، رُخ می دهد. به قولی ، مراد ، جماعتی از رُهاد هستند که آنها را «عصائب» نامیده اند ؛ چون در کنار ابدال و نجبا آمده است .

الإمام عليّ عليه السلام في وصف أصحاب الإمام المهديّ عليه السلام - فهُم الأبدال الذين وصفهم الله - عز وجل - : «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (1)، والمُطَهَّرُونَ نُظْرًاؤُهُمْ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (2)

عنه عليه السلام: إذا قام قائم آل محمد جمع الله له أهل المشرق وأهل المغرب، فيجتمعون كما يجتمع فرع الخريف؛ فأما الرفقاء فمن أهل الكوفة، وأما الأبدال فمن أهل الشام. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: يبايع القائم بين الركن والمقام ثلاثمئة ونيّف عدة أهل بدر، فيهم النجباء من أهل مصر، والأبدال من أهل الشام، والأخيار من أهل العراق. فيقيم ما شاء الله أن يقيم. (4)

1 / 5 ما روي في عديد الأبدال - ثلاثون رجلاً رسول الله صلى الله عليه وآله الأبدال في هذه الأمة ثلاثون، مثل إبراهيم خليل الرحمن، كلما مات رجل أبدل الله تبارك وتعالى مكانه رجلاً. (5)

1- البقرة: 222 .

2- مختصر بصائر الدرجات: ص 200، بحار الأنوار: ج 52 ص 274 وج 53 ص 84 .

3- تاريخ دمشق: ج 1 ص 297 عن أبي الطفيل، ينابيع المودة: ج 3 ص 264 ح 14 .

4- الغيبة للطوسي: ص 477 عن جابر الجعفي، بحار الأنوار: ج 52 ص 334 ح 64 .

5- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 411 ح 22815، تاريخ دمشق: ج 1 ص 292، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 220 الرقم 329 وفيه «لا يزال» بدل «الأبدال» وكلها عن عبادة بن الصامت، كنز العمال: ج 12 ص 185 ح 34592 .

## 1 / 5 آنچه در باره شمار ابدال ، روایت شده است

## الف - سی مرد

امام علی علیه السلام در باره یاران امام مهدی علیه السلام \_ آنان ، ابدال اند؛ همانها که خداوند عز و جلد و صفشان فرموده است: «همانا خداوند ، توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد» ، و پاک شدگان از خاندان محمد صلی الله علیه و آله ، همتایان ایشان هستند.

امام علی علیه السلام: زمانی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند، خداوند ، اهل مشرق و مغرب را برای او گرد می آورد و مانند ابرهای پاییزی به هم می پیوندند. زُفقا ، از مردم کوفه اند و ابدال ، از مردم شام.

امام باقر علیه السلام: سیصد و اندی، به تعداد رزمندگان بدر ، در میان رُکن و مقام ، با قائم بیعت می کنند که نجیبان مصر و ابدال شام و اخیر (برگزیدگان) عراق ، در میان ایشان اند. پس تا هر زمان که خدا بخواهد بماند ، می ماند [و حکومت می کند].

1 / 5 آنچه در باره شمار ابدال ، روایت شده استالف \_ سی مرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ابدال این امت ، سی نفرند که همانند ابراهیم خلیل الرحمان اند. هر زمان که مردی [از آنان] بمیرد ، خداوند \_ تبارک و تعالی \_ ، مردی دیگر را جای گزین او می کند .



عنه صلى الله عليه وآله: الأبدال في أمّتي ثلاثون، بهم تقوم الأرض وبهم تمطرون وبهم تنصرون. (1)

ب \_ أربعون رجلاً رسول الله صلى الله عليه وآله: البدلاء أربعون، اثنان وعشرون بالشام، وثمانية عشر بالعراق، كلما مات منهم واحد أبدل الله تبارك وتعالى مكانه آخر، فإذا جاء الأمر فبضوا كلهم، فعند ذلك تقوم الساعة. (2)

حلية الأولياء عن ابن عمر: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: خيار أمّتي في كل قرن خمسمئة، والأبدال أربعون، فلا الخمسمئة ينقصون، ولا الأربعون. كلما مات رجل أبدل الله عز وجل من الخمسة مئة مكانه، وأدخل من الأربعين مكانهم. قالوا: يا رسول الله، دلنا على أعمالهم. قال: يعفون عمّن ظلمهم، ويحسنون إلى من أساء إليهم، ويتواسون فيما آتاهم الله عز وجل. (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إن دعامة أمّتي عصب اليمّن، وأبدال الشام؛ وهم أربعون رجلاً كلما هلك رجل أبدل الله مكانه آخر، ليسوا بالمتماوتين ولا المتهالكين ولا المتناوشين، لم يبلغوا ما بلغوا بكثرة صوم ولا صلاة، وإنما بلغوا ذلك بالسخاء وصحة القلوب والمناصحة لجميع المسلمين. (4)

- 1- تفسير ابن كثير: ج 1 ص 448 عن عبادة بن الصامت، كنز العمال: ج 12 ص 186 ح 34593 نقلاً عن الطبراني في المعجم الكبير.
- 2- تاريخ دمشق: ج 1 ص 291 ح 334، الفردوس: ج 2 ص 36 ح 2224 وليس فيه ذيله، سبل الهدى والرشاد: ج 10 ص 371 وليس فيه ذيله من «فإذا جاء الأمر...» وكلها عن أنس، نواذر الأصول: ج 1 ص 165 نحوه من دون إسناد إلى النبي صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 12 ص 190 ح 34609 نقلاً عن الخلال في كرامات الأولياء.
- 3- حلية الأولياء: ج 1 ص 8، تاريخ دمشق: ج 1 ص 303 ح 343، الفردوس: ج 2 ص 174 ح 2871 كلها عن ابن عمر، كنز العمال: ج 12 ص 185 ح 34591.
- 4- تاريخ دمشق: ج 26 ص 435 ح 5701 عن أنس بن مالك، كنز العمال: ج 12 ص 188 ح 34606 نقلاً عن تمام.

**ب - چهل مرد**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ابدال در امت من، سی نفرند و به خاطر آنهاست که زمین، پا برجاست، و بر شما باران می بارد و [بر دشمن،] یاری داده می شوید.

ب - چهل مرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ابدال، چهل نفرند: بیست و دو نفر [از] آنها در شام هستند و هجده نفر در عراق. هر زمان که یکی از آنان بمیرد، خداوند - تبارک و تعالی -، کس دیگری جای گزین او می کند، و چون فرمان برسد، همگی آنان می میرند و در این هنگام است که قیامت، بر پا می شود.

حلیة الأولیاء - به نقل از ابن عمر - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برگزیدگان امت من در هر نسلی، پانصد نفرند و ابدال، چهل نفر. بنا بر این، نه آن پانصد تن، کاستی می گیرند، و نه آن چهل تن. هر زمان که مردی [از ابدال] بمیرد، خداوند عز و جل از آن پانصد تن، یکی را جای گزین او می کند و از چهل نفر به جمع آنها در می آورد». گفتند: ای پیامبر خدا! ما را به کارهای آنان، راه نمایی فرما. فرمود: «آنان، از هر که به ایشان ستم کند، در می گذرند و به هر که به ایشان بدی کند، نیکی می کنند. از آنچه خداوند عز و جل به ایشان داده است، به یکدیگر کمک می کنند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ستون امت من، عصابه های یمن و ابدال شام هستند. آنان، چهل مردند و هر زمان مردی بمیرد، خداوند، فرد دیگری را جای گزین او می کند. اینان، نه زاهد ریایی اند، نه گستاخ و نازان، و نه با یکدیگر درگیر می شوند. به آنچه رسیده اند، نه بر اثر فراوانی نماز و روزه، که به سبب بخشندگی، درستی دل ها و خیرخواهی شان برای همه مسلمانان است.

عنه صلى الله عليه وآله: دَعَائِمُ أُمَّتِي عَصَائِبُ الْيَمَنِ ، وَأَرْبَعُونَ رَجُلًا مِنَ الْأَبْدَالِ بِالشَّامِ كُلَّمَا مَاتَ رَجُلٌ أَبَدَلَ اللَّهُ مَكَانَهُ . أما إِنَّهُمْ لَمْ يَبْلُغُوا ذَلِكَ بِكَثْرَةِ صَلَاةٍ وَلَا صِيَامٍ ، وَلَكِنْ بِسَخَاءِ الْأَنْفُسِ وَسَلَامَةِ الصُّدُورِ وَالنَّصِيحَةِ لِلْمُسْلِمِينَ . (1)

ج \_ أَرْبَعُونَ رَجُلًا وَأَرْبَعُونَ امْرَأَةً رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأَبْدَالُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا وَأَرْبَعُونَ امْرَأَةً ، كُلُّمَا مَاتَ رَجُلٌ مِنْهُمْ أَبَدَلَ اللَّهُ مَكَانَهُ رَجُلًا ، وَكُلُّمَا مَاتَتْ امْرَأَةٌ ، أَبَدَلَ اللَّهُ مَكَانَهَا امْرَأَةً . (2)

د \_ سِتُّونَ رَجُلًا إِمَامَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَأَلَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْأَبْدَالِ ، قَالَ : هُمْ سِتُّونَ رَجُلًا . قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ! جَلَّهِمْ لِي! قَالَ : لَيْسُوا بِالْمُتَنَطِّعِينَ (3) وَلَا بِالْمُبْتَدِعِينَ وَلَا بِالْمُنْعَمِينَ ، لَمْ يَنَالُوا مَا نَالُوهُ بِكَثْرَةِ صِيَامٍ وَلَا صَلَاةٍ وَلَا صَدَقَةٍ ، وَلَكِنْ بِسَخَاءِ الْأَنْفُسِ وَسَلَامَةِ الْقُلُوبِ وَالنَّصِيحَةِ لِأَيِّمَتِهِمْ . إِنَّهُمْ يَا عَلِيُّ فِي أُمَّتِي أَقْلٌ مِنَ الْكِبَرِيَّتِ الْأَحْمَرِ . (4)

الإصابة عن داود بن يحيى عن رجل كان مرابطاً في بيت المقدس وبعسقلان ، قال : بينا أنا أسير في وادي الأردن إذا أنا برجل في ناحية الوادي قائم يصلي فإذا سد حابه تطله من الشمس ، فوقع في قلبي أنه إلياس النبي ، فأتيته فسألته عليه ، فأنفتل من صلاته فرد علي السلام . فقالت له : من أنت يرحمك الله ؟ فلم يرد علي شيئا ، فأعدت عليه القول مرتين ، فقال : أنا إلياس النبي ... . قُلْتُ : فَكَمِ الْأَبْدَالُ؟ قَالَ : هُمْ سِتُّونَ رَجُلًا : خَمْسُونَ مَا بَيْنَ عَرِشِ مِصْرَ إِلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ ، وَرَجُلَانِ بِالْمَصِيصَةِ ، وَرَجُلٌ بِأَنْطَاكِيَّةَ ، وَسَبْعَةٌ فِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ . بِهِمْ تُسْقَوْنَ الْغَيْثَ ، وَبِهِمْ تُنْصَرُونَ عَلَى الْعَدُوِّ ، وَبِهِمْ يُقِيمُ اللَّهُ أَمْرَ الدُّنْيَا حَتَّى إِذَا أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الدُّنْيَا أَمَاتَهُمْ جَمِيعًا . (5)

1- . تاريخ دمشق : ج 1 ص 292 ح 335 ، الفردوس : ج 2 ص 221 ح 3076 بزيادة «بساحل» بعد «عصائب» وكلاهما عن أنس بن مالك ، كنز العمال : ج 12 ص 190 ح 34611 .

2- . الفردوس : ج 1 ص 119 ح 405 ، سبل الهدى والرشاد : ج 10 ص 371 كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 12 ص 186 ح 34597 نقلاً عن الخلال في كرامات الأولياء .

3- . أي بالمتكلفين . راجع : لسان العرب : ج 8 ص 357 والمعجم الوسيط : ج 2 ص 930 .

4- . الأولياء : ص 34 ح 8 عن عبد الله بن الزبير ، كنز العمال : ج 12 ص 189 ح 34608 نقلاً عن الخلال في كرامات الأولياء .

5- . الإصابة : ج 2 ص 265 الرقم 2275 ، تاريخ دمشق : ج 9 ص 215 وفيه «سائر أمصار العرب» بدل «سائر الأمصار» .

## ج - چهل مرد و چهل زن

## د - شصت مرد

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ستون های اُمّت من ، عصبه های یمن و چهل مرد از ابدال شام اند. هر زمان که مردی از ایشان بمیرد ، خداوند ، یکی را جای گزین او می کند. آگاه باشید که اینان ، بر اثر فراوانی نماز و یا روزه به این مقام نرسیده اند ؛ بلکه به سبب روحیه بخشندگی ، پاکی دل و خیرخواهی شان برای مسلمانان بوده است .

ج - چهل مرد و چهل زنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ابدال، چهل مرد و چهل زن هستند . هر گاه مردی از ایشان بمیرد ، خداوند ، مرد دیگری را جای گزین او می کند، و هر گاه زنی بمیرد ، خداوند ، زن دیگر را جای گزین او می نماید.

د - شصت مردامام علی علیه السلام :از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره ابدال پرسیدم. فرمود: «آنها شصت مردند». گفتم : ای پیامبر خدا ! آنان را برایم وصف کن. فرمود: «آنان ، نه مردمانی گزافه گویند، نه بدعت گذار ، نه تن آسا و خوش گذران . به آنچه رسیده اند ، نه بر اثر فراوانی روزه و نماز و صدقه ؛ بلکه بر سبب روحیه بخشندگی ، درستی دل و خیرخواهی برای پیشوایانشان است . ای علی ! اینان در میان اُمّت من ، کمیاب تر از کبریت احمرند» .

الإصابة\_ به نقل از داوود بن یحیی ، از مردی که در بیت المقدّس و عَسْقَلان ، مرزدار بوده است \_ :در وادی اُردن می رفتم که ناگاه ، مردی را دیدم که در گوشه ای از وادی ، به نماز ایستاده و قطعه ابری بر او سایه افکنده است. در دلم افتاد که او الیاس پیامبر است. نزدش رفتم و به او سلام گفتم. نمازش را قطع کرد و پاسخ سلامم را داد. به او گفتم: تو کیستی \_ رحمت خدا بر تو باد \_ ؟ جوابم را نداد. دوباره از او پرسیدم، گفت: «من الیاس پیامبرم ...» . گفتم: ابدال ، چند نفرند ؟ گفت: «شصت مردند. پنجاه تن از آنان ، در فاصله میان عَریش مصر تا ساحل فرات به سر می برند، دو تن در مَصیصَه ، یک تن در انطاکیه، و هفت تن دیگر در دیگر شهرها. به خاطر آنهاست که شما ، باران داده می شوید، و به خاطر آنهاست که بر دشمن ، یاری داده می شوید، و به واسطه آنهاست که خداوند ، دنیا را بر پا نگاه داشته است، و هر گاه بخواهد دنیا را از بین ببرد ، [ابتدا] جان همه آنها را می ستاند» .

1 / 6 التَّوَادُّرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ دَعَا لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسًا وَعِشْرِينَ مَرَّةً، نَزَعَ اللَّهُ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِهِ وَكَتَبَهُ مِنْ الْأَبْدَالِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ . (1)

فضائل الأوقات عن كعب الأخبار: أوحى الله تعالى إلى موسى عليه السلام: ... يا موسى، مَنْ وافى القيامةَ وفي صحيفتهِ عَشْرُ رَمَضَانَاتٍ فَهُوَ مِنَ الْأَبْدَالِ . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله في وصيته لعلي عليه السلام: يا علي، إن جامعت أهلك ... في ليلة الجمعة بعد العشاء الآخرة، فإنه يرجى أن يكون الولد من الأبدال إن شاء الله تعالى . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام في مناجاته: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ... وَاجْعَلْنَا بِخِدْمَتِكَ لِلْعِبَادِ وَالْأَبْدَالِ فِي أَقْطَارِهَا طُلَابًا، وَلِلْخَاصَّةِ مِنْ أَصْفِيَانِكَ أَصْحَابًا، وَلِلْمُرِيدِينَ الْمُتَعَلِّقِينَ بِبَابِكَ أَحْبَابًا . (4)

1- .الجعفریات : ص 223 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مستدرک الوسائل : ج 5 ص 246 ح 5792 .

2- .فضائل الأوقات للبيهقي : ص 320 ، الدر المنثور : ج 1 ص 452 .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 553 و 554 ، الإختصاص : ص 135 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 458 ح 1552 ، جامع الأحاديث للقمي (العروس) : ص 154 كلها عن أبي سعيد الخدري ، بحار الأنوار : ج 89 ص 313 ح 18 .

4- .بحار الأنوار : ج 94 ص 128 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

**1 / 6 گوناگون**

1 / 6 گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در هر روز، بیست و پنج مرتبه برای مردان و زنان مؤمن دعا کند، خداوند، کینه را از سینه او بر می‌کند و او را به خواست خدا، در زمره ابدال می‌نویسد.

فضائل الأوقات\_ به نقل از کعب الأحبار\_ : خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود: «... ای موسی! هر کس در حالی به قیامت برسد که ده ماه رمضان در نامه [اعمال] او باشد، از ابدال است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ در سفارشش به علی علیه السلام\_ : ای علی! اگر در شب جمعه، پس از نماز خفتن، با همسرت آمیزش کنی، امید است که آن فرزندی، به خواست خدای متعال، از ابدال باشد.

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ، وَالسِّيَاحِ وَالْعُبَادِ، وَالْمُخْلِصِينَ وَالرُّهَادِ، وَأَهْلِ الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ. (1)

عنه عليه السلام- نَقَلَ- عَنِ اللَّوْحِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - : سَيَهْلِكُ الْمُرْتَابُونَ فِي جَعْفَرٍ، الرَّادُّ عَلَيْهِ كَالرَّادِّ عَلَيَّ، حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَكْرِمَنَّ مَثْوَى جَعْفَرٍ، وَلَا سُرَّةَ فِي أَشْيَاعِهِ وَأَنْصَارِهِ وَأَوْلِيَائِهِ، أُتِيحَتْ بَعْدَهُ فِتْنَةٌ عَمِيَاءُ حَنْدِسٍ (2)، لِأَنَّ خَيْطَ فَرُضِي لَا يَنْقَطِعُ، وَحُجَّتِي لَا تَخْفَى، وَأَنَّ أَوْلِيَائِي بِالْكَأْسِ الْأَوْفَى يُسْقَوْنَ، أَبْدَالُ الْأَرْضِ، أَلَا وَمَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَنِي نِعْمَتِي، وَمَنْ غَيَّرَ آيَةً مِنْ كِتَابِي فَقَدْ افْتَرَى عَلَيَّ.

(3)

- 
- 1- الإقبال : ج 3 ص 244، مصباح المتهجد : ص 809، المصباح للكفعمي : ص 707، البلد الأمين : ص 181 والثلاثة الأخيرة من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار : ج 27 ص 48.
  - 2- حَنْدِسٌ : أي شديدة الظلمة (النهاية : ج 1 ص 450 «حندس»).
  - 3- الغيبة للنعماني : ص 64 عن أبي بصير، بحار الأنوار : ج 36 ص 196.

امام زین العابدین علیه السلام در مناجاتش \_ :بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست... و ما را از خدمت کنندگان به بندگان و ابدال \_ که در گوشه و کنار زمین به سر می برند \_ ، قرار ده، و از یاران و دوستان ویژه ات، و از دوستداران آنان که خواهان تو هستند و به حلقه در خانه تو چنگ زده اند.

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! بر ابدال و اوتاد و پارسایان عزلت گزین و عبادت پیشگان و مخلصان و زاهدان و اهل تلاش و کوشش، درود فرست.

امام صادق علیه السلام به نقل از لوح، از خداوند عز و جل \_ :به زودی تردید کنندگان در باره جعفر، نابود می شوند. کسی که او را رد کند، همانند کسی است که مراد کند. سخن من، محقق گردیده که جایگاه جعفر را ارجمند بدارم و او را با [یاری دادن به] شیعیان و یاران و دوستانش، شادمان گردانم. بعد از او، فتنه ای کور و تاریک، رُخ خواهد نمود؛ چرا که رشته واجبات من، قطع نمی شود، حجّتم پوشیده نمی ماند و دوستانم با جام پُر، سیراب می شوند. آنان، ابدال روی زمین اند. آگاه باشید که هر کس یکی از ایشان را انکار کند، در واقع، نعمت مرا انکار کرده است، و هر کس آیه ای از کتابم را تغییر دهد، در واقع، بر من دروغ بسته است.



الفصل الثاني : الأوتاد 2 / 1 أوتاد الأرض رسول الله صلى الله عليه وآله : إني واثني عشر من ولدي (1) وأنت يا عليُّ زُرُّ الأرض (2) \_ يعني (3) أوتادها وجبالها \_ بنا أوتد الله الأرض أن تسيخ بأهلها . فإذا ذهب الإثنا عشر من ولدي ساحت الأرض بأهلها ولم ينظروا . (4)

الإمام الباقر عليه السلام : أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ شَرَّفَهُمُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ ، وَأَعَزَّهُمُ بِهِدَاةً ، وَاخْتَصَّهُمُ لِدِينِهِ ، وَفَضَّلَهُمُ بِعِلْمِهِ ، وَاسْتَحْفَظَهُمُ وَأَوْدَعَهُمُ عِلْمَهُ ، وَأَطْلَعَهُمُ عَلَى غَيْبِهِ ، عِمَادٌ لِدِينِهِ شَهَدَاءُ عَلَيْهِ ، وَأُوتَادٌ فِي أَرْضِهِ قُؤَامٌ بِأَمْرِهِ ، بَرَأَهُمْ قَبْلَ خَلْقِهِ أَظْلَّةً عَنِ يَمِينِ عَرْشِهِ ، نُجَبَاءً فِي عِلْمِهِ . (5)

- 1- المراد من «إثنا عشر من ولدي» هو فاطمة وأحد عشر من أولادها الأئمة المعصومين عليهم السلام ، وعلى هذا فالمعصومون الأربعة عشر هم أوتاد الأرض .
- 2- زرُّ الأرض : أي قوامها (النهاية : ج 2 ص 300 «زرر»).
- 3- في بعض المصادر ؛ كالغيبة والأصول الستة عشر : «أعني» .
- 4- الكافي : ج 1 ص 534 ح 17 ، الغيبة للطوسي : ص 139 ح 102 ، الأصول الستة عشر : ص 140 ح 40 وفيهما «واحد عشر» بدل «واثني عشر» ، الاستتصار : ص 8 نحوه وكلها عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 36 ص 259 ح 79 .
- 5- تفسير فرات : ص 337 ح 460 ، بحار الأنوار : ج 26 ص 255 ح 30 .

## فصل دوم : اوتاد

## 2 / 1 اوتاد زمین

فصل دوم : اوتاد 1 / 2 اوتاد زمین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من و دوازده تن از فرزندانم (1) و تو\_ ای علی\_ ، دکنه زمین (یعنی میخ ها و کوه های آن) هستیم خداوند به واسطه ما، زمین را میخکوب کرده تا اهلش را فرو بُرد. پس هر گاه دوازدهمین فرزندم [ از میان ] برود ، زمین ، اهل خود را فرو می بُرد و مهلت داده نمی شوند.

امام باقر علیه السلام : ای مردم! خداوند ، اهل بیت پیامبران را به کرامت خویش ، مفتخر ساخته است ، و با هدایتش ، عزّشان بخشیده است و آنان را برای دین خود ، برگزیده است و به دانش خود ، برتری شان داده است و دانش خویش را به آنها سپرده و نگهبان آن ، قرارشان داده است و از غیب خود ، آگاهشان ساخته است. ستون های دین او و گواهی دهندگان بر او، میخ های زمین او و بر پا دارندگان فرمان او هستند . پیش از آن که چیزی را بیافریند ، آنها را به صورت سایه هایی در سمت راست عرشش آفرید، و در علم او ، برگزیده بودند.

---

1- .. مراد از «دوازده تن از فرزندانم» ، فاطمه علیها السلام و یازده امام از فرزندان او هستند. بنا بر این ، چهارده نفری که پیامبر صلی الله علیه و آله بر شمرده است ، اوتاد زمین هستند.

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ خَلَقَ خَلْقًا مِنْ خَلْقِهِ فَجَعَلَهُمْ حُجْبًا عَلَى خَلْقِهِ، فَهُمْ أوتَادٌ فِي أَرْضِهِ، قُوَامٌ بِأَمْرِهِ، نُجْبَاءٌ فِي عِلْمِهِ، اصْطَفَاهُمْ قَبْلَ خَلْقِهِ أَظْلَةً (1) عَنْ يَمِينِ عَرْشِهِ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: أوتادُ الأرضِ، وأعلامُ الدِّينِ أربعةٌ: مُحَمَّدٌ بْنُ مُسْلِمٍ، وَبُرَيْدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ، وَلَيْثُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ الْمُرَادِيُّ، وَزُرَّارَةُ. (3)

2 / 2 خَصَائِصُ الأوتادِ الإمامِ عليٍّ عليه السلام\_ في ذِكْرِ حَدِيثِ معراجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ \_ قَالَ اللهُ تَعَالَى ... يَا أَحْمَدُ، هَلْ تَدْرِي لِأَيِّ شَيْءٍ فَضَّلْتُكَ عَلَى سَائِرِ الأنبياءِ؟ قَالَ [النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]: اللَّهُمَّ لَا! قَالَ: بِالْيَقِينِ، وَحُسْنِ الخُلُقِ، وَسَخَاوَةِ النَّفْسِ، وَرَحْمَةِ بِالْخَلْقِ، وَكَذَلِكَ أوتادُ الأرضِ؛ لَمْ يَكُونُوا أوتادا إِلَّا بِهَذَا. (4)

عنه عليه السلام: عِبَادَ اللهِ، إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللهُ عَلَى نَفْسِهِ، فَاسْتَشَعَرَ الحُزْنَ، وَتَجَلَبَبَ الخَوْفَ، فَزَهَرَ مِصْبَاحُ الهُدَى فِي قَلْبِهِ، وَأَعَدَّ القَرَى لِيَوْمِهِ التَّارِزِ بِهِ، فَقَرَّبَ عَلَى نَفْسِهِ البَعِيدَ، وَهَوَّنَ الشَّدِيدَ. نَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَذَكَرَ فَاسْتَكْتَرَ، وَارْتَوَى مِنْ عَذْبِ فِرَاتٍ سَهَّلَتْ لَهُ مَوَارِدُهُ، فَشَرِبَ نَهْلًا (5)، وَسَلَكَ سَبِيلًا جَدًّا. (6) قَدْ خَلَعَ سَرَائِيلَ الشَّهَوَاتِ، وَتَخَلَّى مِنَ الهُمُومِ، إِلَّا هَمًّا وَاحِدًا انْفَرَدَ بِهِ، فَخَرَجَ مِنْ صِفَةِ العَمَى وَمُشَارَكَةِ أَهْلِ الهَوَى، وَصَارَ مِنْ مَفَاتِيحِ أَبْوَابِ الهُدَى وَمَغَالِيقِ أَبْوَابِ الرَّدَى. قَدْ أَبْصَرَ طَرِيقَهُ، وَسَدَّ لَكَ سَبِيلَهُ، وَعَرَفَ مَنَارَهُ، وَقَطَعَ غِمَارَهُ، وَاسْتَمْسَكَ مِنَ العُرَى بِأوثَقِهَا، وَمِنَ الحِجَالِ بِأَمْتِنِهَا، فَهُوَ مِنَ اليَقِينِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ. قَدْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلَّهِ سُدَّ بِحَانَهُ فِي أَرْفَعِ الأُمُورِ، مِنْ إِصْدَارِ كُلِّ وَارِدٍ عَلَيْهِ، وَتَصْيِيرِ كُلِّ فَرَعٍ إِلَى أَصْلِهِ. مِصْبَاحُ طُلُمَاتٍ، كَشَّافُ عَشَوَاتٍ، مِفْتَاحُ مُبْهَمَاتٍ، دَفَاعُ مُعْضَلَاتٍ، دَلِيلُ فُلُوتٍ. يَقُولُ فِيهِمْ، وَيَسْكُتُ فَيَسْلَمُ، قَدْ أَخْلَصَ لِلَّهِ فَاسْتَخْلَصَهُ، فَهُوَ مِنْ مَعَادِنِ دِينِهِ، وَأوتادِ أَرْضِهِ (7).

1- هذه الصفة مختصة بأهل البيت عليهم السلام (راجع: روايات عالم الذر).

2- الكافي: ج 6 ص 256 ح 1، إرشاد القلوب: ص 424 كلاهما عن أبي حمزة الشمالي، بحار الأنوار: ج 46 ص 357 ح 11.

3- رجال الكشي: ج 2 ص 507 ح 432 عن جميل بن دراج.

4- إرشاد القلوب: ص 199 و 205، بحار الأنوار: ج 77 ص 29.

5- يقال: أنهلته؛ إذا سقيته حتى روي، ونهل البعير نهلاً: شرب الشرب الأول حتى روي فهو ناهل (المصباح المنير: ص 628 «نهل»)

6- المكان الجدُّ: أي المستوي من الأرض (النهاية: ج 1 ص 245 «جدد»). وهو هنا على نحو الاستعارة.

7- نهج البلاغة: الخطبة 87، أعلام الدين: ص 127، شرح ابن ميثم على مئة كلمة للجاحظ: ص 228 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 56 ح 36.

## 2 / 2 ویژگی های اوتاد

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل جمعی از آفریدگانش را آفرید و آنها را حجت بر [دیگر] آفریدگانش قرار داد. پس آنان، اوتاد (میخ های) زمین او و بر پا دارندگان امور او و برگزیدگان در علم او هستند. پیش از آن که چیزی را بیافریند، آنان را گزینش کرد و سایه وار، در سمت راست عرش خویش، قرارشان داد.

امام صادق علیه السلام: اوتاد (میخ های) زمین و پرچمداران دین، چهار نفرند: محمد بن مسلم، برید بن معاویه، لیث بن بختری مرادی و زرارۀ بن أعین.

2 / 2 ویژگی های اوتاد امام علی علیه السلام\_ در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله \_ : خداوند متعال فرمود: «... ای احمد! آیا می دانی به چه چیز، تو را بر دیگر پیامبران، برتری دادم؟». [پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت: بار خدایا، نه! فرمود: «به سبب یقین، خوی نیک، بخشندگی و مهربانی با مردمان. همچنین اند اوتاد. آنها اوتاد (میخ های زمین) نیستند، مگر به سبب داشتن این صفات».

امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! از محبوب ترین بندگان خدا در نزد او، بنده ای است که خداوند، او را در برابر نفسش یاری کرده است. در نتیجه، آن بنده، اندوه را جامه زیرین خویش قرار داده است و ترس [از خدا و عذاب الهی] را جامه روین خود. چراغ هدایت، در دل او افروخته گشته است و وسائل پذیرایی را برای روزی که میهمانش می شود (پس از مرگ و روز قیامت)، آماده ساخته است. دور را در نظر خویش، نزدیک، و سخت را آسان نموده است. نگرست و دید، و [خدا و قیامت را] یاد کرد و [بر عمل و تلاش خود] افزود، و از چشمه شیرین و گوارایی که آبشخورهایش برای او هموار شده است، نوشید و سیر نوشید، و راه همواری را پویید. جامه خواهش ها را [از تن نفس خویش] برگنده است و از هر آرمانی تهی گشته است، مگر یک آرمان که خود را منحصر در آن کرده است. بدین سبب، از کوری [باطنی] و مشارکت با هوسرانان، بیرون آمده است و خود، از کلیدهای درهای هدایت و قفل های دریای هلاکت گشته است. مسیر خویش را دیده است و راه خود را پیموده است و نشانه های راهش را شناخته است و سختی ها و خطرهای آن را درنور دیده است و به محکم ترین حلقه ها و استوارترین ریسمان ها، چنگ آویخته است. پس یقینی به روشنی پرتو خورشید دارد. برای [خداوند] سبحان، خویشتن را در بالاترین جایگاه نهاد: سیراب کردن هر تشنه [ی معرفت] که بر او وارد می شود، و باز گرداندن هر شاخه ای به ریشه اش. (1) چراغ تاریکی هاست، زُداینده کوری ها، کلید مُبهمات، برطرف کننده معضلات، و راه نمای در بیابان هاست. [به موقع] می گوید و می فهماند، [و به موقع] خاموشی می گزیند و سالم می ماند. برای خدا، اخلاص ورزیده است و خدا هم او را خالص گردانیده [و برای خود، برگزیده] است. پس چنین کسی، از معدن های دین خدا و [از] اوتاد زمین اوست.

1- .. یعنی این صلاحیت را یافته که در مسند هدایت خلق، افتا و پاسخ دادن به شبهات بنشیند و مرجع فکری، دینی و علمی مردم شود.





الفصل الثالث : الأقطاب 3 / 1 قُطِبَ الْوُجُودُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيَانِ مَنْزِلَةِ الْإِمَامِ \_ : فَالْإِمَامُ هُوَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ عَلَى الْعِبَادِ بِالْأَنْوَارِ ، فَلَا تَنَالُهُ الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارُ ، وَإِلَيْهِ الْإِرْشَادُ بِقَوْلِهِ : « وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ » (1) ، وَ الْمُؤْمِنُونَ عَلَيَّ وَعِزَّتُهُ ، فَالْعِزَّةُ لِلنَّبِيِّ وَ لِلعِزَّةِ ، وَ النَّبِيُّ وَ الْعِزَّةُ لَا يَفْتَرِقَانِ إِلَى آخِرِ الدَّهْرِ ، فَهَمَّ رَأْسُ دَائِرَةِ الْإِيمَانِ وَ قُطِبَ الْوُجُودِ . (2)

3 / 2 قُطِبَ الْقُرْآنُ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ ، وَ قُطِبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ ، عَلَيْهَا يَسْتَدِيرُ مُحْكَمُ الْقُرْآنِ ، وَ بِهَا نَوَّهَتِ الْكُتُبُ ، وَ يَسْتَبِينُ الْإِيمَانُ ، وَ قَدْ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ يُقْتَدَى بِالْقُرْآنِ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ ذَلِكَ حَيْثُ قَالَ فِي آخِرِ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا : إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ : الثَّقَلَ الْأَكْبَرَ ، وَ الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ ؛ فَأَمَّا الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ رَبِّي ، وَ أَمَّا الْأَصْغَرُ فَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي ، فَاحْفَظُونِي فِيهِمَا ، فَلَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا . (3)

1- .المنافقون : 8 .

2- .مشارك أنوار اليقين : ص 115 عن طارق بن شهاب ، بحار الأنوار : ج 25 ص 170 .

3- .تفسير العياشي : ج 1 ص 5 ح 9 عن مسعدة بن صدقة ، بحار الأنوار : ج 92 ص 27 ح 29 .

**فصل سوم : اقطاب****3 / 1 قطب هستی****3 / 2 قطب قرآن**

فصل سوم : اقطاب 3 / 1 قطب هستی امام علی علیه السلام در بیان منزلت امام \_ امام ، خورشیدی است که بر بندگان ، نورافشانی می کند ، و دست ها و دیدگان ، بدو نمی رسند و این سخن خداوند متعال ، اشاره به اوست که: «عزّت ، از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است» ، مؤمنان، علی و عترت اویند . پس عزّت ، از آن پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت است، و پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت ، تا پایان روزگار ، از یکدیگر جدا نمی شوند. آنان ، سر دایره ایمان و قطب هستی اند .

3 / 2 قطب قرآن امام صادق علیه السلام : خداوند ، ولایت ما اهل بیت [ پیامبر صلی الله علیه و آله ] را قطب قرآن و قطب همه کتاب ها [ ی الهی ] قرار داده است. قرآن استوار ، بر گرد آن می چرخد و کتاب ها [ ی آسمانی ] ، از آن به بزرگی یاد کرده اند و به واسطه آن ، [ راه ] ایمان ، روشن می گردد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، به پیروی از قرآن و خاندان محمد ، فرمان داده است ، آن جا که در آخرین سخنرانی خود ، فرموده است : «من در میان شما ، دو چیز گران سنگ بر جای می گذارم: گران سنگ بزرگ، و گران سنگ کوچک . گران سنگ بزرگ، کتاب پروردگار من است، و گران سنگ کوچک ، عترتم [ ، یعنی ] خاندانم هستند . پس با پاسداشت این دو ، مرا پاس بدارید؛ زیرا تا وقتی به این دو چنگ در زنید ، هرگز گم راه نخواهید شد» .



3 / 3 قُطِبَ الْمُجْتَمَعِ إِمَامَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ جَمَعَ النَّاسَ وَحَضَّهُمْ عَلَى الْجِهَادِ فَسَكَتُوا مَلِيًّا \_ ... إِنَّمَا أَنْقَطَبُ الرَّحَا تَدُورُ عَلَيَّ وَأَنَا بِمَكَانِي ، فَإِذَا فَارَقْتُهُ اسْتَحَارَ مَدَاؤُهَا ، وَاضْطَرَبَ ثِقَالُهَا (1) . (2)

عنه عليه السلام \_ فِي الْخُطْبَةِ الشَّقِيقِيَّةِ \_ : أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا (3) فُلَانٌ ، وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَا ، يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّبِيلُ ، وَلَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ . (4)

عنه عليه السلام : أَنَا وَأَصْحَابِي لَا شَرَقِيُونَ وَلَا غَرَبِيُونَ ! نَحْنُ نَاشِئَةُ الْقُطْبِ وَأَعْلَامُ الْفَلَكَ (5) . (6)

- 1- الثَّمَالُ : جِلْدَةٌ تُبْسَطُ تَحْتَ رِحَا الْيَدِ لِيَقَعَ عَلَيْهَا الدَّقِيقُ ، وَيَسْمَى الْحَجَرُ الْأَسْفَلَ ثِقَالًا بِهَا (النهاية : ج 1 ص 215 «ثقل»).
- 2- نهج البلاغة : الخطبة 119 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 96 ح 942 .
- 3- تَقَمَّصَهَا : أَيْلِبْسَهَا مِثْلَ الْقَمِيصِ ؛ يُقَالُ : تَقَمَّصَ الرَّجُلُ وَتَدَرَّعَ وَتَدَرَّعَ وَتَدَرَّعَ وَتَمَنَّدَلَ (بحار الأنوار : ج 29 ص 500).
- 4- نهج البلاغة : الخطبة 3 ، معاني الأخبار : ص 361 ح 1 وفيه «أخوتيم» بدل «فلان» ، الإرشاد : ج 1 ص 287 ، الأمالي للطوسي : ص 372 ح 803 وفيهما «ابن أبي قحافة» بدل «فلان» والثلاثة الأخيرة عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 29 ص 497 .
- 5- قال العلامة المجلسي قدس سره : إيماء إلى قوله سبحانه «لا شرقية ولا غربية» ، والغرض : لسنا كسائر الناس حتى تحكم علينا بأحكامهم كالنجوم المنسوبة إلى العرب أو إلى الملوك أو إلى العلماء والأشراف ، فإننا فوق ذلك كله . «نحن ناشئة القطب» أي الفرقة الناشئة المنسوبة إلى القطب ، أي حقيقة لثباتهم واستقرارهم في درجات العز والكمال ، أو كناية عن أنهم عليهم السلام غير منسوبين إلى الفلك والكواكب بل هي منسوبة إليهم وسعادتها بسببهم . وأنهم قطب الفلك إذ الفلك يدور ببركتهم ، وهم أعلام الفلك بهم يتزَّين ويتبرَّك ويسعد (بحار الأنوار : ج 58 ص 222) .
- 6- الإحتجاج : ج 1 ص 560 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 52 كلاهما عن سعيد بن جبير ، فرج المهموم : ص 107 عن أصبغ بن نباتة بزيادة «هؤلاء» بعد «أصحابي» ، بحار الأنوار : ج 40 ص 168 .

**3 / 3 قطب جامعه**

3 / 3 قطب جامعه امام علی علیه السلام\_ هنگامی که مردم را گرد آورد و آنان را به جهاد برانگیخت؛ اما مدتی طولانی، سکوت اختیار کردند [و چیزی نمی گفتند] \_ من [برای حکومت، به مثابه] قطب آسیا هستم و [سنگ] آسیا [ی حکومت]، بر محور من می چرخد، در حالی که من بر جای خود استوارم. پس اگر از جای خود جدا شوم [و کوفه را ترك کرده، به میدان جنگ بروم]، گردش آسیا بر هم می خورد و سنگ زیرین آن، لرزان می شود.

امام علی علیه السلام\_ در «خطبه شَقِشَقِيَّة» \_ هان! به خدا سوگند که فلانی (ابوبکر)، جامه خلافت را در پوشید، حال آن که می دانست جایگاه من در آن (حکومت)، چونان جایگاه قطب [و ستون آهنی] نسبت به آسیاست. سیلاب [بِ علوم و معارف]، از من سرازیر است، و پرنده، به اوج [عظمت] من نمی رسد.

امام علی علیه السلام: من و یارانم، نه شرقی هستیم و نه غربی! ما، خود، محور قطب و نشانه های فلک هستیم.



### 33. بَدَا

#### اشاره

33\_ بَدَا در آمدفصل یکم : حقیقت بَدَا و اقسام آنفصل دوم : همراهی علم و بَدَا فصل سوم : احادیثی که ظاهر آنها بر امکان بَدَا در قضای محتوم، دلالت می کندفصل چهارم : احادیثی که ظاهر آنها عدم امکان بَدَا در قضای محتوم استفصل پنجم : خداوند در بَدَا، خود و فرستادگانش را دروغگو نمی کندفصل ششم : عوامل بَدَا ی نیکفصل هفتم : عوامل بَدَا ی بدفصل هشتم : نمونه های بَدَا در قرآنفصل نهم : استدلال هایی در باره بَدَا



## بدا، در لغت

درآمدبدا، یکی از آموزه های مهم اسلامی است و عقیده به آن، نقش مؤثری در خداشناسی، پیامبرشناسی، امام شناسی و انسان شناسی دارد. از آن جا که آیات قرآن کریم و احادیث نقل شده در کتاب های شیعه و اهل سنت، به روشنی بر بدا دلالت دارند، همه فرق و مذاهب اسلامی، عملاً مفهوم بدا را پذیرفته اند. البته برخی، از آن رو که معنای بدا را به درستی درک نکرده اند و پنداشته اند که بدا با علم ذاتی و ازلی خدا در تعارض است، به انکار آن پرداخته اند. این، در حالی است که در عمل، همه فرق مسلمان، دست به دعا بر می دارند و نه تنها نیازهای خویش، بلکه تغییر سرنوشت خود را از خدا می خواهند، و این، چیزی جز اعتقاد عملی به مفهوم «بدا» نیست؛ چرا که جز با اعتقاد به امکان تغییر وضعیت موجود (یعنی همان «بدا»)، نمی توان آن را از خدا، درخواست کرد. در این پژوهش، «بدا» پس از بررسی مفهومی، از دیدگاه قرآن و احادیث و عقل، بررسی خواهد شد. سپس، پاسخ ایرادهای منکران آن می آید و در پایان، حکمت آن بیان می شود.

بدا، در لغتواژه «بدا» از ریشه «بدو»، به معنای «ظهور» است. ظهور، خود در دو معنای:

«ظهور پس از خفا» و «پیدایش رأی جدید»، به کار می رود. فیروزآبادی، جوهری و ابن فارس، به ترتیب می نویسند: بَدَا بَدُؤًا وَ بُدُؤًا وَ بَدَاءً وَ بَدَاءَةً: ظَهَرَ... وَ بَدَا لَهُ فِي الْأَمْرِ بَدُؤًا وَ بَدَاءً وَ بَدَاءَةً: نَشَأَ لَهُ فِيهِ رَأْيٌ. (1) بَدَا بَدُؤًا وَ بُدُؤًا وَ بَدَاءً وَ بَدَاءَةً، یعنی: هویدا شد... و در کار، برای او، بَدَا حاصل شد؛ یعنی: در آن، برایش نظری تازه، پیدا شد. بَدَا لَهُ فِي هَذَا الْأَمْرِ بَدَاءٌ مَمْدُودٌ: أَي نَشَأَ لَهُ فِيهِ رَأْيٌ. (2) برای او در این کار، بَدَا حاصل شد؛ یعنی: برایش نظری تازه پیدا شد. تَقُولُ: بَدَا لِي فِي هَذَا الْأَمْرِ بَدَاءٌ: أَي تَغَيَّرَ رَأْيِي عَمَّا كَانَ عَلَيْهِ. (3) می گویی: برایم در این کار، بَدَا حاصل شد؛ یعنی: نظرم در باره آن، عوض شد. معنای دوم بَدَا (پیدایش رأی جدید)، خود، دو صورت دارد: پیدایش رأیی بر خلاف رأی قبلی (تغییر در رأی)، و پیدایش رأیی بدون سابقه قبلی. (4) بَدِينِ سَانَ، «بَدَاء» در لغت عرب، در سه مورد به کار می رود: 1. آشکار شدن چیزی پس از مخفی بودنش؛ 2. پیدایش رأیی بر خلاف رأی قبلی (تغییر رأی)؛ 3. پیدایش رأیی بدون سابقه قبلی. حال باید دید که بَدَا در قرآن و احادیث، به کدام معنا در مورد خدای متعال به کار رفته است.

1- .. القاموس المحيط: ج 4 ص 302 ماده «بدو».

2- .. الصحاح: ج 6 ص 2278.

3- .. معجم مقایس اللغة: ج 1 ص 212 ماده «بدء».

4- .. در این صورت دوم، «بَدَا» با «بَدَأَ»، هم معنا هستند.

**بدا، در قرآن و حدیث**

بدا، در قرآن و حدیث بسیاری از کسانی که در مورد بدا نظر داده اند و یا آن را انکار کرده اند، بر این گمان بوده اند که بدا با معنای نخست آن، در مورد خدا به کار رفته است. در نتیجه، به توجیه یا رد آن در مورد خداوند پرداخته اند؛ اما باید توجه داشت که در قرآن و احادیث، «بَدَاء» در مورد خداوند متعال، به دو معنای اخیر به کار رفته است. معنای سوم، مورد نزاع نیست و تنها معنای دوم، مورد بحث و اختلاف نظر است. در بحث قضا و قدر، آمده است که خداوند، امکانات و دارایی هایی همچون: توان، روزی و بقا را به طور محدود، در اختیار انسان ها قرار داده است. این محدودیت، تقدیر الهی است. از سوی دیگر، تقدیر الهی، به دو گونه محتوم (تغییرناپذیر) و غیر محتوم (تغییرپذیر)، تقسیم می شود. امام باقر علیه السلام می فرماید: **مِنَ الْأُمُورِ أُمُورٌ مَّحْتَمَةٌ كَأَنَّهَا لَا مَحَالَةَ، وَ مِنْ الْأُمُورِ أُمُورٌ مُوقُوفَةٌ عِنْدَ اللَّهِ، يُقَدَّمُ فِيهَا مَا يَشَاءُ وَيَمْحُو مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ مِنْهَا مَا يَشَاءُ.** (1) برخی کارها، کارهای حتمی گریزناپذیرند و برخی کارها، موقوف در پیشگاه خداوندند که در آنها، هر چه را بخواهد، پیش می اندازد و هر چه را بخواهد، محو می کند و هر چه را بخواهد، اثبات می نماید. بدا، عبارت است از: تغییر در تقدیر غیر حتمی از طریق تقدیم و تأخیر تقдіرات و یا محو یک تقدیر و اثبات تقدیری دیگر، چنان که قرآن کریم می فرماید: **«يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ.»** (2) خدا، آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب، نزد اوست».

1- .. تفسیر العیاشی: ج 2 ص 217 ح 65، بحار الأنوار: ج 4 ص 119 ح 58.

2- .. رعد: آیه 39.



## نمونه هایی از بدا در قرآن

امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه شریف می فرماید: هَلْ يُمَحَى إِلَّا مَا كَانَ ثَابِتًا؟ وَ هَلْ يُثَبَّتُ إِلَّا مَا لَمْ يَكُنْ؟ (1) آیا جز آنچه ثابت است، محو می شود؟ و آیا جز آنچه نبوده است، اثبات می شود؟

نمونه هایی از بدا در قرآن کریم، برخی از موارد مهمی را که در آنها بدا رخ داده است، ذکر می کند. از جمله این موارد، بدا در عذاب قوم یونس علیه السلام است: «فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ ءَعَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ . (2) چرا هیچ شهری نبود که [ اهل آن ] ایمان بیاورد و ایمانش به حالش سود ببخشد، مگر قوم یونس که وقتی [ در آخرین لحظه ] ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا، از آنان برطرف کردیم و تا چندی، آنان را برخوردار ساختیم؟». امام باقر علیه السلام، چگونگی این بدا را این گونه نقل می کند: إِنَّ يُونُسَ لَمَّا آذَاهُ قَوْمُهُ دَعَا اللَّهَ عَلَيْهِمْ، فَأَصْبَحُوا أَوَّلَ يَوْمٍ وَ وُجُوهُهُمْ مُصْفَرَّةٌ وَ أَصْبَحُوا الْيَوْمَ الثَّانِي وَ وُجُوهُهُمْ سُودٌ قَالَ: وَ كَانَ اللَّهُ وَاَعَدَّهُمْ أَنْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ، فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ حَتَّى نَالُوهُ بِرِمَاجِهِمْ؛ فَفَرَّقُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ أَوْلَادِهِنَّ، وَ الْبَقَرِ وَ أَوْلَادِهَا، وَ لَبَسُوا الْمُسُوحَ وَ الصُّوفَ، وَ وَصَّعُوا الْجِبَالَ فِي أَعْنَاقِهِمْ، وَ الرَّمَادَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ، وَ صَجُّوا صَجَّةً وَاحِدَةً إِلَى رَبِّهِمْ؛ وَ قَالُوا: آمَنَّا بِاللَّهِ يُونُسَ؛ قَالَ: فَصَدَّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ. (3) همانا یونس، آن گاه که قومش او را اذیت نمودند، آنان را نفرین کرد. پس در روز نخست، در حالی که صبح کردند که صورت هایشان، زرد بود و در روز دوم، در

1- .. ر. ك: ص 148 ح 6 .

2- .. یونس: آیه 98 .

3- .. ر. ك: ص 222 ح 105 .

حالی صبح کردند که صورت هایشان، سیاه بود. خداوند، به آنان وعده داده بود که بر آنان، عذاب می آید. پس عذاب آمد تا جایی که به نزدیکی شان رسید. آن گاه، آنان بین زنان و فرزندان آنها و ماده گاوها و بچه های آنها، جدایی انداختند و لباس های مویین و پشمین به تن کردند و به گردن های خود، طناب آویختند و بر سر خویش، خاکستر ریختند و به پیشگاه پروردگارشان، زاری کردند و گفتند: «به معبود یونس، ایمان آوردیم». پس خداوند، عذاب را از آنان، گرداند. مورد دیگر، بدا در وعده خداوند با موسی علیه السلام است: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ . (1) و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر، کامل کردیم، پس میعاد پروردگارش، چهل شب کامل شد. و موسی [ هنگام رفتن به کوه طور ] به برادرش هارون گفت: «در میان قوم من، جانشینم باش و [ کار آنان را ] اصلاح کن و از راه فسادگران، پیروی مکن». امام باقر علیه السلام، در تفسیر این آیه می فرماید: «كَانَ فِي الْعِلْمِ وَالتَّقْدِيرِ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ بَدَأَ لِلَّهِ فَرَادَ عَشْرًا، فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ لِلأَوَّلِ وَالآخِرِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً. (2) [قرار موسی علیه السلام با خدا] در علم و تقدیر [ الهی ]، سی شب بود. سپس برای خدا، بدا حاصل شد و ده [شب] افزود، پس میعاد پروردگارش از ابتدا تا انتها، [ روی هم ] چهل شب شد. مورد دیگر، بدا در باره وارد شدن قوم موسی علیه السلام به سرزمین مقدس است: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ

1- .. اعراف: آیه 142 .

2- .. ر. ك: ص 226 ح 109 .

فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ . (1) ای قوم من! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما مقرر داشته است ، در آیید و به عقب ، باز نگردید که زیانکار خواهید شد . امام صادق علیه السلام ، در تفسیر این آیه می فرماید : كَتَبَهَا لَهُمْ ثُمَّ مَحَاها ، ثُمَّ كَتَبَهَا لِأَبْنَائِهِمْ فَدَخَلُوهَا ، وَاللَّهُ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ . (2) آن را برایشان نوشت ، سپس محوش کرد . آن گاه ، آن را برای فرزندانیشان نوشت و آنان به آن سرزمین درآمدند . و خداوند ، آنچه را بخواهد ، محو و یا اثبات می کند ؛ و اصل کتاب ، نزد اوست . و نیز می فرماید : كَانَ فِي عِلْمِهِ أَنَّهَمْ سَيَعَصُونَ وَيَتِيهُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ، ثُمَّ يَدْخُلُونَهَا بَعْدَ تَحْرِيمِهَا إِيَّاهَا عَلَيْهِمْ . (3) در علم خدا چنین بود که آنان ، نافرمانی می کنند و چهل سال ، سرگردان می شوند و آن گاه ، پس از آن که آن را برایشان حرام کرد ، در آن وارد می شوند . امام صادق علیه السلام ، در این دو حدیث ، تصریح می نماید که بدا ، در کتابِ حاویِ تقدیرات بوده است ، نه در علم ذاتی خدا ؛ چرا که هم تقدیر قبلی ، و هم گناه بنی اسرائیل و هم تغییر در تقدیر قبلی و اثبات تقدیر جدید ، همگی در علم ذاتی و اَزَلی خدا بوده اند . مورد دیگر بدا ، بدا در ذبح اسماعیل علیه السلام است . (4)

1- .. مائده : آیه 21 .

2- .. ر . ك : ص 226 ح 111 .

3- .. ر . ك : ص 226 ح 112 .

4- .. ر . ك : ص 229 (بدا در بُریدن سر اسماعیل علیه السلام) .

## نمونه هایی از بَدَا، در احادیث اهل سنت

### 1. نقش بَدَا در کاهش و افزایش روزی و مهلت و محبوبیت

#### 2. بَدَا، در خوش بختی و بدبختی

نمونه هایی از بَدَا، در احادیث اهل سنت در این جا به چند نمونه از بداهایی که در منابع حدیثی اهل سنت آمده اند، اشاره می کنیم تا مشخص گردد که این مسئله به احادیث اهل بیت علیهم السلام، اختصاص ندارد:

1. نقش بَدَا در کاهش و افزایش روزی و مهلت و محبوبیت در منابع اهل سنت، در تبیین آیه: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ؛ (1) خدا، آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند»، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: يَمْحُو مِنَ الرِّزْقِ وَيَزِيدُ فِيهِ، وَيَمْحُو مِنَ الْأَجَلِ وَيَزِيدُ فِيهِ. (2) از روزی، کم می کند و به آن می افزاید. از عمر، کم می کند و به آن می افزاید. همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که صِلْمَهُ رَحِمًا، موجب افزایش ثروت و محبوبیت در میان خانواده و به تأخیر افتادن آجل می گردد: صِلْمَةُ الْقَرَابَةِ مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ، مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ، مَسَاةٌ فِي الْأَجَلِ. (3) پیوند با خویشاوندان، موجب افزایش دارایی، دوستی در خاندان و تأخیر در اجل می شود.

2. بَدَا، در خوش بختی و بدبختی در تفسیر همین آیه، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: الصَّدَقَةُ وَاصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ وَ صِلْمَةُ الرَّحِمِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ، يُحَوِّلُ الشَّقَاءَ سَعَادَةً، وَيَزِيدُ مِنَ الْعُمُرِ، وَيَقِي مَصَارِعَ السَّوَاءِ. (4)

1- .. رعد: آیه 39.

2- .. ر. ك: ص 146 ح 5.

3- .. ر. ك: ص 192 ح 65.

4- .. ر. ك: ص 202 ح 83.

**3. بدا، در هر گونه قضا و قدر**

صدقه و کار خیر و صیله رجم و نیکی به پدر و مادر، بدبختی را به خوش بختی تبدیل می کنند و موجب افزایش عمر می شوند و از مردن های بد (/ یا بلاهای سخت)، ننگه می دارند.

3. بدا، در هر گونه قضا و قدر در احادیث فراوانی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، نقش دعا در تغییر سرنوشت مقدر انسان، مورد تأکید قرار گرفته است، از جمله: **الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ، وَ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ قَضَاءٌ** ان: قَضَاءٌ مَاضٍ، وَ قَضَاءٌ مُّحَدَّثٌ. (1) دعا، قضا را باز می گرداند. خداوند، دو قضا در آفریده هایش دارد: قضای قطعی و قضای حادث. **لَا يَرُدُّ الْقَدَرَ إِلَّا الدُّعَاءُ**. (2) قدر را [چیزی] جز دعا، باز نمی گرداند. **لَا يَرُدُّ الْقَضَاءَ إِلَّا الدُّعَاءُ**. (3) قضا را [چیزی] جز دعا، باز نمی گرداند. **الدُّعَاءُ جُنْدٌ مِنْ أَجْنَادِ اللَّهِ تَعَالَى مُجَنَّدٌ، يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَ أَنْ يُبْرَمَ**. (4) دعا، سپاهی مجهز از سپاهیان خداست که قضای قطعی شده را باز می گرداند. **يَا بَنِيَّ! أَكْثَرَ مَنْ الدُّعَاءِ، فَإِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ الْمُبْرَمَ**. (5) فرزندم! بسیار دعا کن؛ زیرا دعا، قضای قطعی شده را باز می گرداند. **لَا يُغْنِي حَذْرٌ مِنْ قَدَرٍ، وَ الدُّعَاءُ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَ مِمَّا لَمْ يَنْزَلِ**. (6)

1- .. ر. ك: ص 186 ح 48.

2- .. ر. ك: ص 186 ح 49.

3- .. ر. ك: ص 186 ح 50.

4- .. ر. ك: ص 186 ح 51.

5- .. ر. ك: ص 186 ح 52.

6- .. ر. ك: ص 188 ح 53.

**بدا، از دیدگاه وجدان و عقل**

احتیاط، از قدر، باز نمی دارد. دعا برای [تقدیر] نازل شده و نشده، سودمند است. *صِيْلَةُ الْقَرَابَةِ مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ، مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ، مَنَسَاءٌ فِي الْأَجْلِ*. (1) پیوند با خویشاوندان، موجب افزایش دارایی، دوستی در خاندان و تأخیر در آجل است. همچنین، از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: *إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ الْأَمْرَ الْمُبْرَمَ*. (2) خداوند، امر قطعی شده را باز می گرداند. نظیر این احادیث، در منابع اهل سنت، بسیار فراوان است. بنا بر این، منکران بدا، باید همه این احادیث را مُنْكَرِ شوند.

بدا، از دیدگاه وجدان و عقلهر انسانی با مراجعه به وجدان خود، در می یابد که وضعیت موجودش می توانست به گونه ای دیگر باشد. برای نمونه، اگر فقیر است، می توانست غنی باشد، یا اگر بیمار است، می توانست سالم باشد. از همین روست که در دعاهایش از خدا می خواهد که او را ثروتمند و تن درست کند. این تغییر در تقدیر، چیزی جز بدا نیست. از سوی دیگر، عقل، وجود همه کمالات را در خدا، اثبات می کند و از جمله کمالات، «قدرت مطلق» است. بر اساس این کمال، خداوند، حتی پس از تقدیری خاص، مانند: فقرِ فلان کس، یا بیماریِ فلان کس، می تواند این تقدیر را تغییر دهد و آن دو کس را غنی و سالم کند. این که بگوییم: «خداوند، پس از تقدیر نمودن یک

---

1- .. ر. ك: ص 192 ح 65.

2- .. ر. ك: ص 166 ح 30.

## عدم تعارض بَدَا و علم اَزَلِي

چیز، دیگر توانایی تغییر آن را ندارد»، محدود کردن قدرت خدا و سلب نمودن کمالی از کمالات اوست، و این، خلاف حکم صریح عقل است.

عدم تعارض بَدَا و علم اَزَلِي مهم ترین اشکال منکران بَدَا، این است که بَدَا با علم مطلق و ذاتی خدا، ناسازگار است. قفاری (از نویسندگان معاصر اهل سنت و از منکران بَدَا)، در مورد استناد شیعه به آیه: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ؛ (1) خدا، آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند؛ و اصل کتاب، نزد اوست»، می گوید: این سخنشان باطل است؛ چرا که محو و اثبات، با دانش و قدرت و اراده خداوند، انجام می پذیرد، بی آن که برایش بَدایی پیدا شود. و چگونه برای خدا، توهم بَدَا شود، در حالی که اصل کتاب، در نزد اوست و علم اَزَلِي اش فراگیری دارد؟ خداوند، در پایان آیه، تبیین کرده که هر چه از محو و اثبات و تغییر، حاصل می شود، به مشیت خداست و در اُمُّ الْكِتَابِ، ثبت است. (2) در پاسخ باید گفت که مقصود از بَدَا، همین «محو و اثبات، با دانش و قدرت و اراده خداوند» است و این سخن شما که می گوید: «محو و اثبات، با دانش و قدرت و اراده خداوند، انجام می پذیرد، بی آن که برایش بَدایی پیدا شود»، اجتماع نقیضین است؛ چرا که معنای آن، این است که «برای خدا، بَدَا حاصل می شود، بی آن که برای او در چیزی، بَدَا پیدا شود». فرض سخن قفاری، این است که نسبت دادن بَدَا به خداوند، به نادانی او باز می گردد؛ چرا که او می گوید: «چگونه برای خدا، توهم بَدَا شود، در حالی که اصل کتاب، در نزد اوست؟». این فرض، نادرست و بر خلاف نصوص احادیث امامیه

1- .. رعد: آیه 39 .

2- .. أصول مذهب الشيعة: ج 2 ص 949\_ 950 .

است که پیش تر نقل شدند . احادیث امامیه ، تصریح دارند که بَدَا ، از علم مکنون و مخزون خداوند ، نشئت می گیرد و این علم ، بر همه بَدَاها حاکم است . امام صادق علیه السلام ، در این باره می فرماید : **إِنَّ لِلَّهِ عِلْمَيْنِ : عِلْمٌ مَكْنُونٌ مَخْزُونٌ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ ، مِنْ ذَلِكَ يَكُونُ الْبَدَاءُ ، وَ عِلْمٌ عَلَّمَهُ مَلَائِكَتَهُ وَ رُسُلَهُ وَ أَنْبِيََاءَهُ فَتَحْنُ نَعْلَمُهُ .** (1) خداوند ، دو گونه علم دارد : علم مکتوم و اندوخته که جز خود او ، کسی از آن اطلاعی ندارد ، و بَدَا ، از این علم خداست ؛ و علمی که به فرشتگان و فرستادگان و پیامبرانش آموخته است و ما هم آن را می دانیم . در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام ، آمده است : **كُلُّ أَمْرٍ يُرِيدُهُ اللَّهُ فَهُوَ فِي عِلْمِهِ قَبْلَ أَنْ يَصْنَعَهُ ، وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَبْدُو لَهُ إِلَّا وَقَدْ كَانَ فِي عِلْمِهِ ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَبْدُو لَهُ مِنْ جَهْلٍ .** (2) هر چه را که خداوند بخواهد ، قبل از آن که آن را بسازد ، در علم او هست . و برای خدا در هیچ چیزی بَدَا پیدا نمی شود ، مگر این که در علم او هست . بَدَای خدا ، ناشی از جهل نیست . دهلوی ، یکی از معانی بَدَا را بَدَا در علم می داند و آن را «بَدَا در اخبار» می نامد . او می گوید : از مجموع روایات ، به دست می آید که بَدَا ، سه معنا دارد : بَدَا در علم ، آشکار شدن چیزی است بر خلاف آنچه می دانسته است... (3) . او و دیگر علمای اهل سنت ، خیال می کنند که وقتی سخن از «بَدَا در اخبار» یا «بَدَا در علم» پیش می آید ، مقصود ، بَدَا در علم ذاتی و اَزَلی خداست . این اشتباه ،

1- .. ر . ك : ص 160 ح 24 .

2- .. ر . ك : ص 162 ح 26 .

3- .. تحفة اثنا عشرية : ص 293 .



از آن جا ناشی می شود که آنان میان علم ذاتی و علم فعلی ، تفاوت نمی گذارند . باید به آنها گفت که علم ذاتی و اَزَلی خدا ، مطلق است و همه آنچه را که در عالم رُخ داده و خواهد داد ، شامل می شود ، از جمله ، بداهات و تغییراتی که در تقدیرات ، رُخ می دهند . علم فعلی نیز کتابی است که در آن ، تقدیرات ثبت می شوند . عرش ، کُرسی ، اُمّ الکتاب (کتاب اصلی) و کتاب محو و اثبات ، از جمله علم های فعلی یا کتاب های علمی خداوندند . در برخی از این کتاب ها (همچون اُمّ الکتاب) ، همه چیز ، حتی موارد بدا ، ثبت است ؛ اما در کتاب محو و اثبات ، تنها بخشی از تقدیرات ، ثبت شده اند و بدا ، در همین کتاب ، رُخ می دهد . برای مثال ، در کتاب محو و اثبات ، تقدیر شخصی که فقیر است ، ادامه فقر او ثبت شده است ؛ ولی پس از دعای این شخص ، خداوند ، تقدیر را عوض می کند و بی نیاز شدن شخص را در لوح محو و اثبات ، ثبت می کند . این ، در حالی است که هر دو تقدیر ، در لوح اُمّ الکتاب و به طریق اولی ، در علم ذاتی و اَزَلی خدا ، موجود بوده اند و هیچ تغییری در علم ذاتی خدا ، رُخ نمی دهد . حکمت این تغییرات ، در بحث «حکمت بدا» خواهد آمد . بنا بر این ، کسانی که لازمه «بدا در علم» را نادانی خدا می دانند ، میان علم ذاتی و علم فعلی ، خلط کرده اند و معنای علم فعلی را درک نکرده اند . این که برخی لازمه نسبت دادن بدا به خداوند را نادانی خدا می دانند ، دلیل دیگری نیز دارد و آن ، قیاس خدا به انسان است ؛ همان چیزی که در مباحث اعتقادی ، باید به شدت از آن پرهیز کرد ؛ چرا که به فرموده امام رضا علیه السلام : **إِنَّهُ مَنْ يَصِفُ رَبَّهُ بِالْقِيَّاسِ لَا يَزَالُ الدَّهْرَ فِي الْإِلْتِبَاسِ** . (1) هر کس پروردگارش را با قیاس [به بندگان] توصیف کند ، همواره روزگار ، در اشتباه است .

برای ما انسان ها، در کارهایی بَدایِ حاصل می شود و به رأی جدیدی می رسیم که غالباً در اثر اطلاعات جدید و آگاهی بیشتر ماست. مخالفان بَدای، همین حالت را در مورد خدا نیز جاری می دانند. قفاری (از سَلَفِیَانِ معاصر) می گوید: در القاموس آمده است: «بَدای بدوآ و بدوآ، یعنی: هویدا شد. در کار، چیزی برایش هویدا شد؛ یعنی برایش نظری پیدا شد». پس بَدای در لغت، دو معنا دارد: یک. آشکار شدن پس از پنهان بودن؛ دو. پیدا شدن نظری نو. و این، مستلزم جهل و به وجود آمدن علم است و هر دو برای خداوند متعال، محال است. (1) چنین تفسیری از بَدای، بر اساس قیاس خالق به مخلوق است و مورد پذیرش پیروان اهل بیت علیهم السلام نیست. امام صادق علیه السلام می فرماید: مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْدُو لَهُ فِي شَيْءٍ لَمْ يَعْلَمْهُ أَمْسٍ فَأَبْرُوُوا مِنْهُ. (2) هر که بگوید برای خداوند عز و جل در باره چیزی بَدای حاصل شده که آن را دیروز نمی دانسته، از او بیزارى بجوئید. همچنین از منصور بن حازم، روایت شده که: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ يَكُونُ الْيَوْمَ شَيْءٌ لَمْ يَكُنْ فِي عِلْمِ اللَّهِ بِالْأَمْسِ؟ قَالَ: لَا، مَنْ قَالَ هَذَا فَأَخْرَاهُ اللَّهُ، قُلْتُ: أَرَأَيْتَ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، أَلَيْسَ فِي عِلْمِ اللَّهِ؟ قَالَ: بَلَى، قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلْقَ. (3) از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا امروز، خداوند چیزی را می داند که دیروز نمی دانسته است؟ فرمود: «نه. هر کس این را بگوید، خداوند، خوارش کند!». گفتم: نظرتان این است که هر چه تاکنون بوده و هر چه تا قیامت خواهد بود، در علم خدا هست؟ فرمود: «آری؛ پیش از آن که خَلَقَ را بیافریند».

1- .. أصول مذهب الشيعة: ج 2 ص 938. نیز، ر. ك: بين الشيعة و أهل السنة، وافی: ص 75\_ 186.

2- .. بحار الأنوار: ج 4 ص 111 ح 30.

3- .. ر. ك: ص 160 ح 22.

## آثار اعتقاد به بَدَا

## الف - خداشناسی

بنا بر این ، به اعتقاد امامیه ، منشأ بَدَای خداوند ، نادانی نیست و اگر کسی به چنین بَدایی \_ که همان بَدای موجود در میان انسان هاست \_ معتقد باشد ، با این اعتقادش علم مطلق خدا را انکار کرده و اعتقادی باطل و بر خلاف ضروریات عقاید اسلامی دارد ؛ چرا که در میان علمای امامیه ، حتّی يك نفر را نیز نمی توان یافت که بَدای ناشی از نادانی را به خدا نسبت دهد .

آثار اعتقاد به بَدَا آموزه بَدَا ، آثار مهمّی در حوزه های برجسته اعتقادی ، یعنی : خداشناسی ، پیامبرشناسی ، امام شناسی و انسان شناسی دارد .

الف \_ خداشناسی مهم ترین اثر اعتقاد به بَدَا ، اثبات قدرت و آزادی مطلق خداست ؛ چرا که بر اساس امکان بَدَا برای خداوند ، تا زمانی که فعل و حادثه ای خاص در عالم رخ نداده است ، ممکن است که خدا ، تقدیر را عوض کند و آن حادثه خاص ، واقع نشود ، حتّی اگر مشیّت و تقدیر و قضای او به آن حادثه تعلق گرفته باشد . بنا بر این ، هیچ چیز حتّی قضا و قدر الهی نمی تواند قدرت و مالکیت خدا را محدود سازد و دست او را ببندد . قرآن کریم می فرماید : «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (1) و یهود گفتند : «دست خدا ، بسته است» . دست های خودشان بسته باد و به سزای آنچه گفتند ، از رحمت خدا ، دور باشند! بلکه هر دو دست او گشاده است . [ خدا ] هر گونه بخواهد ، می بخشد» .

**ب - پیامبرشناسی و امام شناسی**

مقصود یهود از «دست خدا، بسته است»، این نبوده که خدا، دست دارد و دست او مثلاً با ریسمانی بسته شده است؛ بلکه اعتقاد یهود، این بود که خداوند، از کار تدبیر و تقدیر، فارغ شده و دیگر نه می افزاید و نه می کاهش دهد. در نتیجه، خداوند عز و جل در ردّ سخن آنان، فرمود: «دست های خودشان بسته باد و به سزای آنچه گفتند، از رحمت خدا، دور باشند! بلکه هر دو دست او گشاده است. خدا، هر گونه بخواهد، می بخشد». (1) بدین سان، اعتقاد به بدآ که اعتقاد به باز بودن دست خدا در تقدیرات است، ردّ اعتقاد یهود به بسته بودن دست خداست و کسانی که منکر بدآ به معنای صحیح آن هستند، در صف یهود قرار دارند. جالب است بدانیم که برخی منکران بدآ، شیعه را به همسویی با یهود در اعتقاد به بدآ، متهم می کنند، (2) در حالی که بر اساس این آیه شریف، خود آنان اند که با یهود، همسو هستند. به نظر می رسد که یکی از دلایل انکار بدآ به وسیله اهل سنت، این است که در کتاب های معتبر آنها، احادیثی وجود دارند که خدا را از امر «قضا و قدر» فارغ دانسته اند و امکان هر نوع تغییری در قضا و قدر را نفی می کنند. این گونه احادیث، در این کتاب، مورد بررسی و نقد قرار خواهند گرفت.

ب - پیامبرشناسی و امام شناسی اهمیت بدآ در پیامبرشناسی، تا حدّی است که امام رضا علیه السلام می فرماید: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِتَحْرِيمِ الْخَمْرِ وَأَنْ يُقَرَّرَ لَهُ بِالْبَدَاءِ. (3) خداوند، هرگز پیامبری را مبعوث نکرد، مگر همراه با تحریم شراب و اقرار به بدآ.

1- .. ر. ك: التوحيد: ص 167.

2- .. ر. ك: تحفة اثنا عشرية: ج 2 ص 939 ح 772، الشيعة والسنة: ص 23، بين الشيعة وأهل السنة: ص 182، أصول مذهب الشيعة: ج 2 ص 939.

3- .. التوحيد: ص 334.

اثر اعتقاد به امکان بَدَا و تغییر تقدیرات ، برای خود پیامبران ، باور داشتن به باز بودن دست خدا و قدرت مطلق اوست. به عبارت دیگر ، پیامبران در اثر اعتقاد به بَدَا ، می دانند که هر چند با عنایت خدا به تقدیرات جهان آگاه گشته اند ، اما این تقدیرات ، قابل تغییرند و تنها خداست که از علم مطلق ، برخوردار است . در نتیجه ، به علم خویش ، اتکا نمی کنند و در همه کارها ، خود را وابسته به خدا می شمردند . امام صادق علیه السلام ، در این باره می فرماید : **إِنَّ لِلَّهِ عِلْمَيْنِ : عِلْمٌ مَكْنُونٌ مَخْزُونٌ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ ، مِنْ ذَلِكَ يَكُونُ الْبَدَاءُ ، وَعِلْمٌ عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ وَأَنْبِيََاءُهُ فَحَنْ نَعْلَمُهُ .** (1) خداوند ، دو گونه علم دارد : علمی مکتوم و اندوخته که جز خود او ، کسی آن را نمی داند و بَدَا ، از آن است ؛ و علمی که آن را به فرشتگان و فرستادگان و پیامبرانش آموخته است و ما هم آن را می دانیم . بنا بر این ، علمی که قابل تغییر نیست ، علم مکتوم و مخزون خداست که کسی جز او ، از آن آگاه نیست و در مقابل ، علم فرشتگان و پیامبران و امامان به آینده ، بَدَا پذیر است . از این رو ، آنان به علم خود ، اتکا نمی کنند و به طور مطلق ، از آینده خبر نمی دهند ، مگر در مواردی که خداوند از عدم وقوع بَدَا در آنها خبر داده باشد ؛ مانند : ظهور منجی موعود و برپایی حکومت جهانی مهدی علیه السلام . از این رو ، در روایتی ، در گفتگوی امام باقر علیه السلام با پدر بزرگوارش امام زین العابدین علیه السلام ، چنین آمده است : **لَوْ لَا آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَحَدَّثْتُكُمْ بِمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، فَقُلْتُ لَهُ : آيَةٌ آيَةٌ ؟ قَالَ : قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» .** (2)

1- .. ر. ك : ص 160 ح 24 .

2- .. ر. ك : ص 148 ح 7 .

[امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «اگر يك آیه در کتاب خدا نبود، تمام حوادثی را که تا قیامت رُخ می دهند، برایتان می گفتم». به ایشان گفتم: این کدام، آیه است؟ فرمود: «گفته خداوند متعال: «خداوند، آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند؛ و اصل کتاب، نزد اوست»». یکی از اتهاماتی که به شیعه وارد می شود، این است که شیعه، آموزه «بَداء» را به این جهت وضع کرده که آن دسته از اخبار و وعده های امامان خود را که تحقق پیدا نکرده اند، با آن، توجیه کنند. قفاری می گوید: لو سقطت عقيدة البداء لانتقض دين الإثني عشرية من أصله؛ لأن أخبارهم ووعودهم التي لم يتحقق منها شيء تنفي عنهم صفة الإمامة. (1) اگر عقیده به بداء از میان برود، دین شیعه دوازده امامی، از اصل نقض می شود؛ برای این که اخبار و وعده های آنان که هیچ کدامش به وقوع نپیوسته، امامت آنان را نفی می کند. با توجه به مباحث بالا، پاسخ این اشکال، روشن است؛ چرا که پیامبران و امامان علیهم السلام، هیچ گاه از تقدیرات بداپذیر، به طور مطلق، خبر نمی دهند. به دیگر سخن، اگر اخبار امامان از آینده، مطلق باشند و هیچ قیدی با آنها همراه نباشد، قطعاً واقع خواهند شد و اگر این اخبار، با قیودی همچون: «و لله فيه المشيئة؛ و خدا در آن، مشیت دارد» همراه باشند، در آنها امکان بداء وجود دارد. در احادیث نیز وارد شده است که خداوند، پیامبرش را دروغگو نمی کند. امام باقر علیه السلام می فرماید: فَمَا عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ فَإِنَّهُ سَيَكُونُ، لَا يُكَذِّبُ نَفْسَهُ وَلَا مَلَائِكَتَهُ وَلَا رُسُلَهُ. (2) آنچه خداوند به فرشتگان و فرستادگانش آموخته، واقع خواهد شد. خداوند، نه خود، نه فرشتگان و نه فرستادگانش را دروغگو نمی کند.

1- .. أصول مذهب الشيعة: ج 2 ص 943.

2- .. ر. ك: ص 180 ح 43.

بر خلاف آنچه قفاری تبلیغ می کند که هیچ يك از اخبار امامان اهل بیت علیهم السلام واقع نشده است، باید گفت که همه اخبار امامان، واقع شده اند و هیچ خبر مطلقی (قطعی ای) از آنان وجود ندارد که کذب آن، اثبات شده باشد. اگر قفاری، کتاب های حدیث شیعه را مطالعه کرده بود و کمی صداقت به خرج می داد، خبرهای متعددی را می یافت که همگی عینا واقع شده اند. علامه حلی، در کتاب کشف الیقین، پانزده خبر غیبی امیر مؤمنان علیه السلام را نقل کرده است که همگی عینا واقع شده اند: از جمله، این سخن امام علیه السلام به طلحه و زبیر است، هنگامی که آن دو از ایشان، رخصت طلبیدند که به عمره بروند: «نه. به خدا سوگند، شما قصد عمره ندارید و می خواهید به بصره بروید! خداوند متعال، نیرنگ آنان را باز خواهد گرداند و مرا بر آنها چیره خواهد کرد» و همانی شد که فرموده بود. و از جمله، سخن ایشان به هنگام جلوس برای بیعت گرفتن است: «از سوی کوفه، هزار مرد، نه یکی کمتر و نه یکی بیشتر، می آیند و با من بیعت می کنند که تا پای جان بایستند». ابن عباس گفت: من بی تابی کردم و نگران شدم که مبادا از تعداد افراد یادشده، چیزی کمتر باشد و یا بیشتر، و همین طور غصه ناک بوم و آنها را می شمردم. تا نهصد و نود و نه نفر را شمردم و جمعیت آنها به پایان رسید. همین طور که در اندیشه آن بوم، شخصی را دیدم که می آید و او او ایس قرنی بود و به این ترتیب، تعداد، کامل شد. (1) در دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام نیز چند خبر غیبی از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که خلاف هیچ يك، اثبات نشده است. (2)

---

1- .. کشف الیقین: ص 90\_ 104 .

2- .. دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام: ج 11 ص 133 .

## ج - انسان شناسی

یقاری، برای درستی ادعای خود، دست کم، باید چند مورد از اخباری را که کذب آنها اثبات شده، ارائه کند. البته وی تنها يك مورد را نقل می کند و می گوید: در روایتی طولانی در تفسیر القمّی، از پایان دولت بنی عباس، خبر داده شده است. (1) اما وقتی به تفسیر القمّی مراجعه می کنیم، چنین می یابیم: گفتم: فدایت گردم! در چه زمانی، آن به وقوع می پیوندد؟ فرمود: «در این باره، وقتی برای ما تعیین نشده است». (2) شایان ذکر است که هر چند در احادیث اهل بیت علیهم السلام، زمان دقیق به پایان رسیدن دولت بنی عباس مشخص نشده است؛ اما در احادیث رسیده از امام علی علیه السلام، وضعیّت این حکومت و سلطانی که آن را ساقط می کند، آمده است و بر اساس همین احادیث، پدر علامه حلّی قبل از فتح بغداد، به هولاکو نامه نوشت و جان مردم حلّه را نجات داد. (3)

ج - انسان شناسیاگر بدا را نفی کنیم و خداوند را فارغ از کار قضا و قدر بدانیم، انگیزه ای برای تغییر وضعیّت کنونی خود به وسیله کارهای خیر و عبادات و نماز، باقی نخواهد ماند؛ چرا که هر آنچه مقدر شده است، همان خواهد شد و هیچ تغییری در قضا و قدر، رُخ نخواهد داد. اصولاً امیدواری به آینده و داشتن روحیه تلاش، در گرو امید به تغییر وضعیّت

1- .. أصول مذهب الشيعة: ج 2 ص 942.

2- .. تفسیر القمّی: ج 1 ص 310.

3- .. ر. ك: كشف اليقين: ص 101.



## عوامل بَدَا

و امکان بهبود وضعیت موجود است. از سوی دیگر، اگر خداوند، تقدیرها را تغییر نمی داد، با دعا و تضرع به درگاه او، بهتر شدن وضعیتمان را از او نمی خواستیم. بنا بر این، اعتقاد به بَدَا، از یک سو، روحیه امیدواری و تلاش را به انسان می دهد و از سوی دیگر، روحیه دعا و توبه و تضرع و توکل به حق تعالی را در انسان، تقویت می کند. بدین سان، نقش اعتقاد به بَدَا در حیات مادی و معنوی انسان، آشکار می شود؛ چرا که مقولاتی همچون: امید، تلاش، دعا، توجه و توکل، شکل دهنده حیات معنوی و نیز حیات مادی انسان بر پایه حیات معنوی اویند.

عوامل بَدَا هر عملی، خواه مثبت و خواه منفی، می تواند موجب تغییر در قضا و قدر و به عبارت دیگر، موجب بَدَا گردد. در قرآن و احادیث، به برخی اعمال خوب و بد که موجب بَدَا می شوند، اشاره شده است. از میان این عوامل، دعا، صدقه و صیله ارحام، بیش از دیگر اعمال، مورد تأکید قرار گرفته اند. پیامبر صلی الله علیه و آله، دعا را موجب تغییر قضای تقدیرشده معرفی می کند، حتی اگر قضایی محکم و استوار باشد: **الدُّعَاءُ يُرَدُّ الْقَضَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامَا**. (1) دعا، قضای قطعی شده را [نیز] باز می گرداند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، در مورد نقش صدقه در دفع مرگ بد نیز می فرماید: **إِنَّ الصَّدَقَةَ تَدْفَعُ مِيتَةَ السَّوِّءِ عَنِ الْإِنْسَانِ**. (2)

1- .. ر. ك: ص 188 ح 58.

2- .. ر. ك: ص 198 ح 75.

صدقه، انسان را از مرگ بد، ننگه می‌دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله، در حدیثی دیگر، صله رجم را موجب به تأخیر افتادن آجل (سرآمد مهلت) و افزایش روزی، معرفی می‌نماید: مَنْ سَرَّهَ النَّسَاءُ فِي الْأَجْلِ، وَ الزَّيَادَةُ فِي الرِّزْقِ، فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ. (1) هر کس دوست دارد که در اجلس تأخیر بیفتد و روزی اش افزایش یابد، صله رجم کند. در ذیل عنوان «عوامل نیکو شدن بدا»، (2) احادیث فراوانی وجود دارند که بجز این سه مورد، موارد دیگری از عوامل تغییر دهنده قضای تقدیرشده را نیز بر می‌شمارند، از جمله: عبادت خدا، استغفار، عدالت سلطان، زیارت امام حسین علیه السلام، نیکی به والدین، و عمل صالح.

---

1- .. الكافي: ج 2 ص 152. نیز، ر. ك: المعجم الأوسط: ج 8 ص 14 ح 7810.

2- .. ر. ك: ص 185 (عوامل بدای نيك).

الفصل الأول : حقيقة البداء وأقسامه 1 / 1 بسط القدر الكتاب «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» . (1)

راجع : الرحمن : 29 ، النساء : 133 ، الأنعام : 133 ، إبراهيم : 19 ، فاطر : 16 ، الشورى : 24 و 33 ، الإسراء : 54 .

الحديث للإمام الصادق عليه السلام \_ في قول الله عز و جل : «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» \_ : لَمْ يَعْنُوا أَنَّهُ هَكَذَا ، وَلَكِنَّهُمْ قَالُوا : قَدْ فَرَّغَ مِنَ الْأَمْرِ ، فَلَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ ، فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ تَكْذِيبًا لِقَوْلِهِمْ : «غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» أَلَمْ تَسْمَعْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتْ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» . (2)

تفسير العياشي عن يعقوب بن شعيب : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ : «قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ» ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي : كَذَا \_ وَقَالَ بِيَدِهِ (3) إِلَى عُنُقِهِ \_ وَلَكِنَّهُ قَالَ : قَدْ فَرَّغَ مِنَ الْأَشْيَاءِ . (4)

1- .المائدة : 64 .

2- .التوحيد : ص 167 ح 1 ، معاني الأخبار : ص 18 ح 15 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 104 ح 17 .

3- .العرب تجعل القول عبارة عن جميع الأفعال وتطلقه على غير الكلام واللسان ، فتقول : قال بيده ؛ أي أخذ ، وقال برجله ؛ أي مشى ... وكل ذلك على المجاز والاتساع (النهاية : ج 4 ص 124 «قول»).

4- .تفسير العياشي : ج 1 ص 330 ح 146 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 117 ح 48 .

## فصل یکم : حقیقت بَدَا و اقسام آن

### 1 / 1 گستردگی قدرت

فصل یکم : حقیقت بَدَا و اقسام آن 1 / 1 گستردگی قدر تفرآن «و یهود گفتند : «دست خدا، بسته است» . دست های خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند ، از رحمت خدا دور باشند! بلکه هر دو دست او گشاده است ، [و] هر گونه بخواهد، می بخشد» .

ر . ك : الرحمن : آیه 29 ، نساء : آیه 133 ، انعام : آیه 133 ، ابراهیم : آیه 19 ، فاطر : آیه 16 ، شورا : آیه 24 و 33 ، اسرا : آیه 54 .

حدیث امام صادق علیه السلام\_ در باره سخن خداوند عز و جل : «و یهود گفتند : «دست خدا، بسته است»» \_ : منظورشان این نبود که خدا چنین [دستانش با طوق آهنی به گردش بسته شده و بخیل] است ؛ بلکه می گفتند : خدا از کار خود [در خلقت] فراغت یافته است و دیگر ، نه می افزاید و نه می کاهش . پس خداوند عز و جل در تکذیب سخن آنان فرمود : «دست های خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند ، از رحمت خدا دور باشند! بلکه هر دو دست او گشاده است . هر گونه بخواهد، می بخشد» . آیا سخن خداوند عز و جل را نشنیدی که می فرماید : «خدا آنچه را بخواهد، محو می کند یا باقی می گذارد و اصل کتاب، نزد اوست» .

تفسیر العیاشی\_ به نقل از یعقوب بن شعیب \_ : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم : «یهود گفتند : «دست خدا بسته است» . دست های خودشان بسته باد!» . امام علیه السلام به من فرمود : «این طور» و دستش را به گردش گرفت [و افزود :] «لیکن یهود، معتقدند که : کار اشیا را به پایان برده است» .

الإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل: «يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» \_ يَعْنُونَ أَنَّهُ قَدْ فَرَّغَ مِمَّا هُوَ كَاتِبٌ، لُعِنُوا بِمَا قَالُوا! قَالَ اللَّهُ عز وجل: «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ» (1). (2)

1 / 2 المَحْوُ وَالْإِثْبَاتُ الكِتَابُ «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ». (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» \_ يَمْحُو مِنَ الْأَجَلِ مَا يَشَاءُ، وَيَزِيدُ فِيهِ مَا يَشَاءُ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله في قوله: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ» \_ يَمْحُو مِنَ الرِّزْقِ وَيَزِيدُ فِيهِ، وَيَمْحُو مِنَ الْأَجَلِ وَيَزِيدُ فِيهِ. (5)

1- كناية عن الجود، وتثنية اليد مبالغة في الرد ونفي البخل عنه، وإثبات لغاية الجود (مجمع البحرين: ج 1 ص 151 «بسط»).

2- تفسير العياشي: ج 1 ص 330 ح 147 عن حماد، بحار الأنوار: ج 4 ص 117 ح 49.

3- الرعد: 39.

4- الفردوس: ج 5 ص 261 ح 8126 عن ابن عباس.

5- الطبقات الكبرى: ج 3 ص 574، تفسير ابن كثير: ج 4 ص 391 كلاهما عن جابر بن عبد الله الأنصاري.

**1 / 2 محو و ثبت**

امام صادق علیه السلام\_ در باره این سخن خداوند عز و جل : «دست خدا، بسته است» \_ منظورشان این است که خداوند، کارِ کائنات را به پایان برده است . به خاطر آنچه گفتند، از رحمت خدا دور باشند! خداوند عز و جل فرمود : «بلکه هر دو دست او گشاده است» .

1 / 2 محو و اثباتقرآن «خداوند ، آنچه را بخواهد، محو یا ثبت می کند ، و اصل کتاب، نزد اوست» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ در باره این سخن خدای متعال : «خداوند، آنچه را بخواهد، محو می کند یا باقی می گذارد ، و البته اصل کتاب، نزد اوست» \_ از آجَل (عمر) ، آنچه بخواهد ، محو می کند و به آن ، هر اندازه بخواهد ، می افزاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ در باره این سخن خدای متعال : «خداوند ، آنچه را بخواهد ، محو می کند یا باقی می گذارد» \_ روزی را کم و زیاد می کند ، و آجَل را کم و زیاد می کند .

الإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ» \_ وهل يُمحي إلا ما كان ثابتاً؟ وهل يُثبت إلا ما لم يكن؟ (1)

الإمام الباقر عليه السلام: كان علي بن الحسين عليه السلام يقول: لولا آية في كتاب الله لحدثتكم بما يكون إلى يوم القيامة، فقلت له: آية؟ قال: قول الله: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ». (2)

تفسير العياشي عن أبي حمزة الشمالي: قال أبو جعفر عليه السلام: إن الله تبارك وتعالى أهبط إلى الأرض ظللاً (3) من الملائكة على آدم، وهو يواد يقال له الروحاء، وهو وادي بين الطائف ومكة، قال: فمسح على ظهر آدم ثم صد رخ بذريته (4) وهم ذر (5)، قال: فخرجوا كما يخرج النمل من كورها، فاجتمعوا على سفير الوادي، فقال الله لآدم عليه السلام: أنظر ماذا ترى؟ فقال آدم: ذرًا كثيرًا على سفير الوادي، فقال الله: يا آدم، هؤلاء ذريتك أخرجتهم من ظهرك لآخذ عليهم الميثاق لي بالربوبية، ولمحمد بالنبوة، كما أخذت عليهم في السماء. قال آدم: يا رب، وكيف وسععتهم ظهري؟ قال الله: يا آدم بلطف صنعي، ونافذ قدرتي، قال آدم: يا رب، فما تريد منهم في الميثاق؟ قال الله: ألا يشركوا بي شيئاً، قال آدم: فمن أطاعك منهم \_ يا رب \_ فما جزاؤه؟ قال الله: أسكنه ناري، قال آدم: يا رب، لقد عدلت فيهم، وليعصي بينك أكثرهم إن لم تعصمهم. قال أبو جعفر: ثم عرض الله على آدم أسماء الأنبياء وأعمارهم، قال: فمر آدم باسم داود النبي عليه السلام، فإذا عمره أربعون سنة، فقال: يا رب، ما أقل عمر داود وأكثر عمري!! يا رب، إن أنا زدت داود من عمري ثلاثين سنة، أئفد ذلك له؟ قال: نعم يا آدم، قال: فإني قد زدته من عمري ثلاثين سنة، فأفد ذلك له، وأثبتها له عندك، وأطرحها من عمري! قال: فأثبت الله لداود من عمره ثلاثين سنة، ولم يكن له عند الله شيئاً، ومحا من عمر آدم ثلاثين سنة وكانت له عند الله شيئاً. فقال أبو جعفر عليه السلام: فذلك قول الله «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» قال: فمحا الله ما كان عنده شيئاً لآدم، وأثبت لداود ما لم يكن عنده شيئاً. قال: فلما دنا عمر آدم، هبط عليه ملك الموت عليه السلام ليقبض روحه، فقال له آدم عليه السلام: يا مملك الموت قد بقي من عمري ثلاثون! فقال له ملك الموت: ألم تجعلها لابنك داود النبي، وأطرحتها من عمرك حيث عرض الله عليك أسماء الأنبياء من ذريتك، وعرض عليك أعمارهم، وأنت يومئذ بوادي الروحاء؟ فقال آدم: يا مملك الموت، ما أذكر هذا، فقال له ملك الموت: يا آدم، لا تجهل! ألم تسأل الله أن يثبتها لداود ويمحوها من عمرك فأثبتها لداود في الزبور ومحاها من عمرك من الذكر؟ قال: فقال آدم: فأحضر الكتاب حتى أعلم ذلك. قال أبو جعفر عليه السلام: وكان آدم صادقاً لم يذكر، قال أبو جعفر عليه السلام: فمن ذلك اليوم أمر الله العباد أن يكتبوا بينهم إذا تداينوا وتعاملوا إلى أجل مسمى، ليسيان آدم وجوده ما جعل على نفسه. (6)

1- الكافي: ج 1 ص 147 ح 2، التوحيد: ص 333 ح 4 كلاهما عن هشام بن سالم وحفص بن البختری، تفسير العياشي: ج 2 ص 215 ح 60 عن جميل بن دراج، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 687 ح 10 عن أبي هاشم، بحار الأنوار: ج 4 ص 108 ح 22.

2- تفسير العياشي: ج 2 ص 215 ح 59 عن زرارة، بحار الأنوار: ج 4 ص 118 ح 52.

3- في الحديث: «فتنا كأنها الظلل» هي كل ما أظلك، واحدها ظلة. أراد: كأنها الجبال والسحب (النهاية: ج 3 ص 160 «ظلل»).

4- ضمير «هو» في قوله: «فمسح» و«صد رخ» لا يرجع إلى «الله» سبحانه، لأن الله تعالى أجل من أن يكون له يد أو جسم يمسح بشي منهما؛ بل هو راجع إلى معنى «كبير الملائكة» الذي تنتزعه فطنة المخاطب من قوله: «أهبط... ظللاً من الملائكة»، وإلا لكان ذكر إهباط الملائكة في الكلام لغوا. مضافاً إلى أن وضوح مرجع الضمير يغني عن تقديم ذكره. نظير: «إعدلوا هو أقرب للتقوى» أي العدل أقرب؛ أو

نظير: «حتّى توارت بالحجاب» يعني توارت الشمس .

5- الذرُّ: النمل الأحمر الصغير، واحدها ذرّة، وسئل ثعلب عنها فقال: إنّ مئة نملة وزن حَبَّةٍ، والذرة واحدة (النهاية: ج 2 ص 157 «ذر»).

6- تفسير العيّاشي: ج 2 ص 218 ح 73، بحار الأنوار: ج 5 ص 259 ح 66.



امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «خداوند ، آنچه را بخواهد ، محو یا تثبیت می کند» \_ آیا جز آنچه ثبت بوده ، محو می شود ؟ و آیا جز آنچه نبوده ، تثبیت ( ایجاد ) می شود ؟

امام باقر علیه السلام : علی بن الحسین (امام زین العابدین) علیه السلام می فرمود : «اگر يك آیه در کتاب خدا نبود ، همانا از آنچه تا روز قیامت رُخ می داد ، به شما خبر می دادم» . به ایشان گفتم : آن ، کدام آیه است ؟ فرمود : «این سخن خداوند عز و جل : «خداوند ، آنچه را بخواهد ، محو یا تثبیت می کند ، و البته اصل کتاب ، نزد اوست» .

تفسیر العیاشی\_ به نقل از ابو حمزه ثمالی \_ : امام باقر علیه السلام فرمود : همانا خدای \_ تبارك و تعالی \_ فوج هایی از فرشتگان را به نزد آدم علیه السلام سوی زمین فرستاد . آن هنگام ، آدم علیه السلام در وادی بین طائف و مکه بود که به آن رِوحاء می گویند . پس [بزرگ فرشتگان] بر پشت آدم دستی کشید و ذریّه او را که همچون مورچه های ریزی بودند ، صدا زد . آنان ، همچنان که مورچه ها از لانه هایشان خارج می شوند ، بیرون آمدند و در کناره آن وادی اجتماع نمودند . خداوند به آدم علیه السلام فرمود : «چه می بینی ؟» . آدم علیه السلام گفت : مورچه های ریز بسیاری در کناره وادی . خداوند فرمود : «ای آدم! آنان ، فرزندان تو هستند که از پشت تو بیرونشان آوردم تا از آنان به پروردگاری خودم و پیامبری محمد ، پیمان بگیرم ، همچنان که در آسمان ، این پیمان را از آنان گرفتم» . آدم علیه السلام گفت : پروردگارا! چگونه پشت من ، این همه را در خود جای داده است؟ خداوند فرمود : «ای آدم! با دقت ساخت من و اعمال قدرتم» . آدم علیه السلام گفت : پروردگارا! در پیمان ، از آنان چه می خواهی؟ خداوند فرمود : «این که چیزی را شريك من قرار ندهند» . آدم علیه السلام گفت : پروردگارا! هر کدامشان که از تو فرمان برد ، پاداشش چیست؟ فرمود : «در بهشتم ساکنش می کنم» . آدم علیه السلام گفت : هر که نافرمانی ات کند ، کیفرش چیست؟ فرمود : «در جهنم ساکنش می کنم» . آدم علیه السلام گفت : پروردگارا! همانا تو درباره آنان ، عدالت ورزیدی ؛ ولی به یقین ، اگر تو آنان را حفظ نکنی ، بیشتر آنان نافرمانی ات می کنند . سپس خداوند ، نام های پیامبران و عمرشان را بر آدم علیه السلام عرضه داشت . آدم علیه السلام به نام داوود پیامبر که رسید ، دید عمرش چهل سال است . با تعجب گفت : پروردگارا! چه قدر عمر داوود ، اندک و عمر من ، طولانی است ؟ پروردگارا! اگر من از عمر خود سی سال به عمر داوود بیفزایم ، آیا اجرا می شود؟ فرمود : «آری ، ای آدم!» . گفت : پس من ، سی سال از عمرم را به عمر او افزودم . برایش حساب کن و نزد خود ، ثبت نما و آن را از عمر من بکاه . خداوند برای عمر داوود علیه السلام ، سی سال را ثبت نمود ، در حالی که این عمر در نزد خداوند برای او ثابت نبود ، و سی سال از عمر آدم علیه السلام کاست ، در حالی که این عمر برای او نزد خداوند ، ثابت بود . این ، همان [معنای] سخن خداوند است که : «خداوند ، آنچه را بخواهد ، محو یا اثبات می کند ، و اصل کتاب ، نزد اوست» . پس خداوند ، آنچه را نزد او برای آدم علیه السلام ثابت بود ، محو نمود و آنچه را نزد او برای داوود ، نبود ثبت کرد . وقتی عمر آدم علیه السلام به پایانش نزدیک شد ، فرشته مرگ بر او فرود آمد تا قبض روحش کند . آدم علیه السلام بدو گفت : ای فرشته مرگ! هنوز سی سال از عمر من ، باقی مانده است . فرشته مرگ بدو گفت : مگر هنگامی که خداوند ، نام های پیامبران از فرزندان و عمرشان را به تو عرضه داشت و تو در آن روز ، در وادی رِوحاء بودی ، آن را برای فرزندت داوود پیامبر قرار ندادی و آن را از عمرت نکاستی؟ آدم علیه السلام گفت : ای فرشته مرگ! آن را به یاد نمی آورم . فرشته مرگ بدو گفت : ای آدم! خود را به نادانی نزن . مگر تو از خدا نخواستی که آن سی سال را برای داوود ، ثبت کند و از عمر تو محو نماید و خدا آن را در زبور برای داوود علیه السلام ثبت نمود و از عمر تو از لوح ، محو کرد ؟ آدم علیه السلام گفت : کتاب را بیاور تا از آن آگاه شوم . امام باقر علیه السلام فرمود : «آدم علیه السلام راست می گفت و به یاد نداشت» . از آن روز ، به دلیل فراموشی آدم علیه السلام و انکار چیزی که بر عهده خودش قرار داده بود ، خداوند به بندگان فرمان داد که وقتی برای مدتی معین به همدیگر قرض می دهند و معامله ای می کنند ،

آن را بین خود بنویسند .

.





الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام - لأبي حمزة الثمالي - : يا أبا حمزة ، إن حَدَّثْنَاكَ بِأَمْرٍ أَنَّهُ يَجِيءُ مِنْ هَاهُنَا فَجَاءَ مِنْ هَاهُنَا ، فَإِنَّ اللَّهَ يَصْنَعُ مَا يَشَاءُ ، وَإِنْ حَدَّثْنَاكَ الْيَوْمَ بِحَدِيثٍ وَحَدَّثْنَاكَ غَدًا بِخِلَافِهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ . (1)

تفسير العياشي عن حمران : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» ؟ فَقَالَ : يَا حُمْرَانُ ، إِنَّهُ إِذَا كَانَ لِيَدَةُ الْقَدْرِ ، وَنَزَلَتِ الْمَلَائِكَةُ الْكُتُبَ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا ، فَيَكْتُبُونَ مَا يَقْضَى فِي تِلْكَ السَّنَةِ مِنْ أَمْرٍ ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُقَدِّمَ شَيْئًا أَوْ يُؤَخِّرَهُ ، أَوْ يَنْقُصَ مِنْهُ أَوْ يَزِيدَ ، أَمَرَ الْمَلَكَ فَمَحَا مَا يَشَاءُ ثُمَّ أَثَبَّتَ الَّذِي أَرَادَ . قَالَ : فَقُلْتُ لَهُ عِنْدَ ذَلِكَ : فَكُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ فِي كِتَابٍ ؟ قَالَ : نَعَمْ . قُلْتُ : فَيَكُونُ كَذَا وَكَذَا حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى آخِرِهِ ؟ قَالَ : نَعَمْ . قُلْتُ : فَأَيُّ شَيْءٍ يَكُونُ بِيَدِهِ بَعْدَهُ ؟ قَالَ : سُبْحَانَ اللَّهِ ، ثُمَّ يُحَدِّثُ اللَّهُ أَيْضًا مَا شَاءَ ، تَبَارَكَ وَتَعَالَى . (2)

الإمام الرضا عليه السلام : قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَبْلَهُ ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ، وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : كَيْفَ لَنَا بِالْحَدِيثِ مَعَ هَذِهِ الْآيَةِ : «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» ؟! (3)

- 1- . تفسير العياشي : ج 2 ص 217 ح 66 عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ج 4 ص 119 ح 59 .
- 2- . تفسير العياشي : ج 2 ص 216 ح 62 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 119 ح 55 .
- 3- . الغيبة للطوسي : ص 430 ح 420 عن أحمد بن محمد بن أبي نصر ، بحار الأنوار : ج 4 ص 115 .

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام\_ به ابو حمزه ثمالی\_ ای ابو حمزه! اگر در باره چیزی به تو خبر دادیم که چنین می شود، و چنان شد، [ این بدان سبب است که ] خداوند، آنچه بخواهد، انجام می دهد، و اگر امروز به تو سخنی گفتیم و فردا، خلاف آن را گفتیم، [ این بدان سبب است که ] خداوند، هر چه را بخواهد، محو یا تثبیت می کند.

تفسیر العیاشی\_ به نقل از حمران\_ از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدا پرسیدم: «خداوند، آنچه را بخواهد، محو یا تثبیت می کند، و البته اصل کتاب، نزد اوست». فرمود: «ای حمران! هر گاه شب قدر شود، فرشتگان نویسنده به آسمان دنیا فرود می آیند و کارهایی را که در آن سأل محقق می شود، می نویسند. پس هر گاه خداوند اراده کند که چیزی را پیش بدارد یا آن را به تأخیر اندازد، یا چیزی را از آن بکاهد یا بدان بیفزاید، به فرشته دستور می دهد و او آنچه را خدا می خواهد، محو می کند، سپس آنچه را اراده کند، ثبت می نماید». در این هنگام به امام علیه السلام گفتم: پس هر چیزی که واقع می شود، نزد خداوند در کتابی ثبت است؟ فرمود: «آری». گفتم: پس [ مطابق آن کتاب ]، چنین و چنان و چه و چه می شود، تا به آخر؟ فرمود: «آری». گفتم: پس دیگر چه چیزی در دست اوست؟ فرمود: «سبحان الله! با این حال، باز هم خداوند\_ تبارک و تعالی\_ آنچه را بخواهد، انجام می دهد.

امام رضا علیه السلام: زین العابدین علیه السلام و پیش از آن، علی بن ابی طالب و محمد بن علی (امام باقر) و جعفر بن محمد (امام صادق) علیهم السلام فرموده اند: «با وجود این آیه، دیگر ما چه بگوییم: «خدا آنچه را بخواهد، محو یا تثبیت می کند، و البته اصل کتاب، نزد اوست»؟».

1 / 3 الزيادة والتقصان للإمام الكاظم عليه السلام في دعائه بعد صلاة العصر \_ : أنت الله لا إله إلا أنت ، إليك زيادة الأشياء وتقصانها ، أنت الله لا إله إلا أنت ، خلقت خلقك بغير معونة من غيرك ، ولا حاجة إليهم ، أنت الله لا إله إلا أنت ، منك المشيئة ، وإليك البداء (1) . (2)

تفسير القمي : قوله : «قالت اليهود يد الله مغلوبة غلت أيديهم ولعنوا بما قالوا بل يداه مبسوطان» قال : قالوا : قد فرغ الله من الأمر ، لا يحدث الله غير ما قد قدره في التقدير الأول ، فرد الله عليهم فقال : «بل يدها مبسوطان ينفق كيف يشاء» أي يقدم ويؤخر ، ويزيد ويتقص ، وله البداء والمشية . (3)

راجع : فاطر : 1 وص 144 ح 1 .

1 / 4 التقديم والتأخير للإمام الباقر عليه السلام : إن الله لم يدع شيئاً كان أو يكون إلا كتبه في كتاب ، فهو موضوع بين يديه ينظر إليه ، فما شاء منه قدام ، وما شاء منه آخر ، وما شاء منه محا ، وما شاء منه كان ، وما لم يشأ لم يكن . (4)

1- . قد تكثرت الأحاديث من الفريقين في البداء ، مثل : «ما بعث الله نبياً حتى يقر له بالبداء» أي يقر له بقضاء مجدّد في كل يوم بحسب مصالح العباد ، لم يكن ظاهراً عندهم . و«بدا له في الأمر» أي ظهر له استصواب شيء غير الأوّل ، والاسم منه البداء ، وهو بهذا المعنى مستحيل على الله تعالى (مجمع البحرين : ج 1 ص 125 «بدا»).

2- . مصباح المتهدّد : ص 73 ح 119 ، فلاح السائل : ص 353 ح 238 عن يحيى بن الفضل النوفلي ، بحار الأنوار : ج 86 ص 81 .

3- . تفسير القمي : ج 1 ص 170 .

4- . تفسير العياشي : ج 2 ص 215 ح 61 عن الفضيل بن يسار ، بحار الأنوار : ج 4 ص 118 ح 54 .

**1 / 3 افزایش و کاهش****1 / 4 پیش و پس انداختن**

1 / 3 افزایش و کاهش امام کاظم علیه السلام در دعایش پس از نماز عصر \_ تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست . افزایش و کاهش چیزها، مربوط به توست . تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست. آفریدگانت را بدون کمک دیگری آفریدی ، در حالی که نیازی به آنان نداشتی . تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست . مشیت، از ناحیه تو و بدا، مربوط به توست .

تفسیر القمّی : سخن خدای متعال که : «یهود گفتند : «دست خدا، بسته است» . دست های خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند ، از رحمت خدا دور باشند ! بلکه هر دو دست او گشاده است» ، می گوید : آنها گفتند : خداوند، کارش را به انجام رساند و غیر از آنچه در تقدیر نخست، مقدر نموده، چیز جدیدی را ایجاد نمی کند . آن گاه خداوند، سخن آنان را رد کرد و فرمود : «بلکه هر دو دست او گشاده است . هر گونه بخواهد، می بخشد» ؛ یعنی: [ امور و حوادث را ] پیش و پس و زیاد و کم می کند و او راست بدا و مشیت .

ر . ك : فاطر : آیه 1، و ص 145 ح 1 .

1 / 4 پیش و پس انداختن امام باقر علیه السلام : خداوند هر چیزی را که بوده یا خواهد بود، در کتابی نوشته است و آن کتاب همواره در برابر اوست و به آن می نگرد ؛ پس هر کدام از آن را خواست، مقدم می دارد ، و هر کدام از آن را خواست، به تأخیر می اندازد ، و هر کدام از آن را خواست، محو می کند ، و هر کدام از آن که خواست، موجود می شود ، و هر کدام از آن که نخواست، به وجود نمی آید .



تفسير القمّي عن عبد الله بن مسكان: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا كانت ليلة القدر نزلت الملائكة والروح والكتب إلى سماء الدنيا، فيكتبون ما يكون من قضاء الله تبارك وتعالى في تلك السنة، فإذا أراد الله أن يقدم أو يؤخر أو ينقص شيئا أو يزيد أمر الله أن يمحوا ما يشاء، ثم أثبت الذي أراد. قلت: وكل شيء عنده بمقدار مثبت في كتابه؟ قال: نعم، قلت: فأني شيء يكون بعده؟ قال: سبحانه الله! ثم يحدث الله أيضا ما يشاء، تبارك الله وتعالى. (1)

الإمام العسكري عليه السلام في التفسير المنسوب إليه، في قوله تعالى: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (2) \_ أي قادر على إقامة يوم الدين، وهو يوم الحساب، قادر على تقديمه على وقته، وتأخيره بعد وقته، وهو المالك أيضا في يوم الدين. (3)

تفسير القمّي في تفسير قوله تعالى: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (4) \_ : «فِيهَا يُفْرَقُ» في ليلة القدر «كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» أي يقدر الله كل أمر من الحق ومن الباطل، وما يكون في تلك السنة، وله فيه البداء والمشية، يقدم ما يشاء، ويؤخر ما يشاء من الآجال والأرزاق والبلايا والأعراض والأمراض ويزيد فيها ما يشاء، وينقص ما يشاء، ويلقيه رسول الله صلى الله عليه وآله إلى أمير المؤمنين عليه السلام، ويلقيه أمير المؤمنين عليه السلام إلى الأئمة عليهم السلام، حتى ينتهي ذلك إلى صاحب الزمان عليه السلام، ويشترط له ما فيه البداء والمشية، والتقديم والتأخير. قال: حَدَّثَنِي بِذَلِكَ أَبِي، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (5)

1- تفسير القمّي: ج 1 ص 366، بحار الأنوار: ج 4 ص 99 ح 9.

2- الفاتحة: 4.

3- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 38 ح 14، بحار الأنوار: ج 92 ص 250.

4- الدخان: 4.

5- تفسير القمّي: ج 2 ص 290، بحار الأنوار: ج 4 ص 101 ح 12.

تفسیر القمّی\_ به نقل از عبد الله بن مسکان \_ : امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه شب قدر شد، فرشتگان و روح و نویسندگان، به آسمان دنیا فرود می آیند و هر چه را از حکم (قضای) خدای \_ تبارک و تعالی \_ در این سال رخ می دهد، می نویسند . پس، خداوند، هر گاه اراده کند که چیزی را مقدّم یا مؤخّر بدارد، یا بکاهد یا بیفزاید، فرمان می دهد که آنچه را می خواهد، محو کنند . سپس آنچه را می خواهد، ثبت می نماید» . گفتم : هر چیزی نزد او به اندازه [ی معینی] در کتابش ثبت شده است ؟ فرمود : «بله» . گفتم : پس، چه چیزی پس از آن خواهد بود؟ فرمود : «سبحان الله ! سپس خداوند \_ تبارک و تعالی \_ ، هر چه را بخواهد، باز هم ایجاد می کند» .

امام عسکری علیه السلام\_ در تفسیر منسوب به ایشان ، در باره این سخن خدای متعال : «مالکِ روز دین است» \_ : یعنی به برپایی روز دین \_ که آن روز حساب است \_ ، تواناست و به مقدّم داشتن آن بر وقتش و به تأخیر انداختن آن از وقتش تواناست. او در روز قیامت نیز مالک است .

تفسیر القمّی\_ در تفسیر این سخن خدای متعال : «در آن، هر کاری [به نحو] استوار، فیصله داده می شود» \_ : «در آن، فیصله داده می شود»، یعنی در شب قدر. «هر کاری [به نحو] استوار»، یعنی خداوند، هر کاری اعم از حق و باطل را مقدّر می کند و نیز آنچه را که در این سال رخ می دهد و [با این حال] برای او در آن، بدّا و مشیّت است . هر چه را بخواهد (از : آجل ها و روزی ها و بلاها و حوادث و بیماری ها)، مقدّم یا مؤخّر می دارد و هر چه را بخواهد، می افزایشد و هر چه را بخواهد، می کاهد و پیامبر خدا آن را به امیر مؤمنان اطلاع می دهد، و امیر مؤمنان، به امامان علیهم السلام تا می رسد به امام زمان علیه السلام و در آن، بدّا و مشیّت ، و تقدیم و تأخیر را برای خود شرط می کند (محفوظ می دارد) . راوی می گوید : این حدیث را پدرم ، به نقل از ابن ابی عمیر ، از عبد الله بن مسکان ، از امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیهم السلام برایم نقل کرد .

الفصل الثاني : مسايرة العلم والبداء الإمام الباقر عليه السلام : العِلْمُ عِلْمَانِ : فَعِلْمٌ عِنْدَ اللَّهِ مَخْزُونٌ لَمْ يُطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ ، وَعِلْمٌ عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ ، فَمَا عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ فَإِنَّهُ سَيَكُونُ ، لَا يُكذِّبُ نَفْسَهُ وَلَا مَلَائِكَتَهُ وَلَا رُسُلَهُ ، وَعِلْمٌ عِنْدَهُ مَخْزُونٌ يَقْدَمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ ، وَيُؤَخَّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ ، وَيُثَبِّتُ مَا يَشَاءُ . (1)

عنه عليه السلام : العِلْمُ عِلْمَانِ : عِلْمٌ عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ وَأَنْبِيَاءُهُ ، وَعِلْمٌ عِنْدَهُ مَخْزُونٌ لَمْ يُطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ ، يُحَدِّثُ فِيهِ مَا يَشَاءُ . (2)

عنه عليه السلام : إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى عِلْمًا خَاصًّا وَعِلْمًا عَامًّا ، فَأَمَّا الْعِلْمُ الْخَاصُّ فَالْعِلْمُ الَّذِي لَمْ يُطَّلِعْ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَاءُهُ الْمُرْسَلِينَ ، وَأَمَّا الْعِلْمُ الْعَامُّ فَإِنَّهُ عِلْمُهُ الَّذِي أَطَّلَعَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ ، وَأَنْبِيَاءُهُ الْمُرْسَلِينَ ، وَقَدْ وَقَعَ إِلَيْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (3)

1- الكافي : ج 1 ص 147 ح 6 ، تفسير العياشي : ج 2 ص 217 ح 67 كلاهما عن الفضيل بن يسار ، التوحيد : ص 444 ح 1 عن الحسن بن محمد النوفلي عن الإمام الرضا عليه السلام نحوه وفيه «إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ ...» ، بحار الأنوار : ج 4 ص 113 ح 36

2- تفسير العياشي : ج 2 ص 216 ح 63 عن الفضيل ، مجمع البيان : ج 6 ص 458 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 113 و ص 119 ح 56 .

3- التوحيد : ص 138 ح 14 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بصائر الدرجات : ص 111 ح 12 عن حنان الكندي عن أبيه

## فصل دوم : همراهی علم و بَدَا

فصل دوم : همراهی علم و بَدَا امام باقر علیه السلام : علم [ الهی ] دو گونه است : دانشی که نزد خدا پنهان است و هیچ يك از آفریدگان بر آن آگاه نیست، و دانشی که به فرشتگان و فرستادگانش آموخته است. آنچه خداوند به فرشتگان و فرستادگانش آموخته، محقق می شود و او خودش را و فرشتگان و فرستادگانش را دروغگو نمی کند و از آن دانشی که نزد او پنهان است، آنچه را بخواهد، مقدم می دارد و آنچه را بخواهد، به تأخیر می اندازد و آنچه را بخواهد، بر جای می گذارد.

امام باقر علیه السلام : دانش [ الهی ] دو گونه است : دانشی که [ خداوند ] به فرشتگان و فرستادگان و پیامبرانش آموخته است ، و دانشی که نزد او پنهان است و هیچ کس بر آن آگاه نیست و هر چه [ تغییر ] می خواهد، در آن ایجاد می کند .

امام باقر علیه السلام : همانا برای خدای متعال، دانشی خاص و دانشی عام است . دانش خاص ، آن دانشی است که فرشتگان مقرب و پیامبران مُرسَل خود را بر آن آگاه نساخته است ، و دانش عامّ او ، دانشی است که فرشتگان مقرب و پیامبران مُرسَلش را بر آن، آگاه نموده است و از طریق پیامبر خدا به ما رسیده است .

الكافي عن سدير الصيرفي: سَمِعْتُ حُمْرَانَ بْنَ أَعْيَنَ يَسْأَلُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... : أَرَأَيْتَ قَوْلَهُ جَلَّ ذِكْرُهُ : «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبَهُ أَحَدًا» ؟ (1) فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ» (2) وَكَانَ - وَاللَّهِ - مُحَمَّدٌ مِمَّنْ ارْتَضَاهُ . وَأَمَّا قَوْلُهُ : «عَالِمُ الْغَيْبِ» فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَالِمٌ بِمَا غَابَ عَنِ خَلْقِهِ فِيمَا يَقْدَرُ مِنْ شَيْءٍ وَيَقْضِيهِ فِي عِلْمِهِ ، قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَهُ وَقَبْلَ أَنْ يُقْضِيَهُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ ، فَذَلِكَ - يَا حُمْرَانُ - عِلْمٌ مَوْقُوفٌ عِنْدَهُ ، إِلَيْهِ فِيهِ الْمَشِيئَةُ ، فَيَقْضِيهِ إِذَا أَرَادَ ، وَيَبْدُو لَهُ فِيهِ فَلَا يُمَضِيهِ ، فَأَمَّا الْعِلْمُ الَّذِي يَقْدَرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَقْضِيهِ وَيُمَضِيهِ ، فَهُوَ الْعِلْمُ الَّذِي انْتَهَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ إِلَيْنَا . (3)

الكافي عن منصور بن حازم: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَلْ يَكُونُ الْيَوْمَ شَيْءٌ لَمْ يَكُنْ فِي عِلْمِ اللَّهِ بِالْأَمْسِ ؟ قَالَ : لَا ، مَنْ قَالَ هَذَا فَأَخْزَاهُ اللَّهُ . قُلْتُ : أَرَأَيْتَ مَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، أَلَيْسَ فِي عِلْمِ اللَّهِ ؟ قَالَ : بَلَى ، قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلْقَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِلْمَيْنِ : عِلْمًا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ وَرُسُلَهُ ، فَمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتَهُ وَرُسُلَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ فَقَدْ عِلْمَانَهُ ، وَعِلْمًا اسْتَأْثَرَ بِهِ ، فَإِذَا بَدَأَ اللَّهُ فِي شَيْءٍ مِنْهُ أَعْلَمْنَا ذَلِكَ ، وَعَرَضَ عَلَى الْأَيُّمَةِ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِنَا . (5)

عنه عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ عِلْمَيْنِ : عِلْمٌ مَكْنُونٌ مَخْزُونٌ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ ، مِنْ ذَلِكَ يَكُونُ الْبَدَاءُ ، وَعِلْمٌ عَلَّمَهُ مَلَائِكَتَهُ وَرُسُلَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ فَنَحْنُ نَعْلَمُهُ . (6)

1- الجن: 26 .

2- الجن: 27 .

3- الكافي: ج 1 ص 256 ح 2 ، بصائر الدرجات: ص 113 ح 1 نحوه ، بحار الأنوار: ج 4 ص 110 ح 29 .

4- الكافي: ج 1 ص 148 ح 11 ، التوحيد: ص 334 ح 8 ، بحار الأنوار: ج 4 ص 89 ح 29 .

5- الكافي: ج 1 ص 255 ح 1 ، الاختصاص: ص 313 ، بصائر الدرجات: ص 394 ح 10 كلها عن سماعة ، بحار الأنوار: ج 26 ص 93 ح 23 .

6- الكافي: ج 1 ص 147 ح 8 عن أبي بصير ، التوحيد: ص 443 ، بصائر الدرجات: ص 109 ح 2 .

الکافی\_ به نقل از سَدیر صَدیر فی\_ : از حُمران بن اَعین شنیدم که از امام باقر علیه السلام می پرسد ... : در باره این سخن خداوند\_ که یادش شکوهمند باد\_ : «دانای نهران است و کسی را بر غیب خود، آگاه نمی کند» چه می فرمایند؟ امام باقر علیه السلام فرمود : «جز پیامبری را که از او خشنود باشد» . به خدا سوگند، محمّد، از جمله کسانی است که خدا از او خشنود بود . و اما سخن او که : «دانای نهران است» ، همانا خداوند عز و جل به آنچه از آفریدگانش پنهان است، درباره چیزی که تقدیر می کند و در دانشش به آن، حکم می نماید، داناست ، پیش از آن که آن چیز را بیافریند و پیش از آن که آن را به فرشتگان برساند . پس\_ ای حمران\_ این، همان دانش پنهان در نزد اوست که مشیت در آن، به او مربوط است . پس، هر گاه بخواهد، به آن حکم می کند و [گاهی نیز] برای او در آن، بدا حاصل می شود و آن را تأیید نمی کند . اما دانشی که خداوند عز و جل تقدیر می کند و به آن، حکم می نماید و آن را امضا می کند ، همان دانشی است که به پیامبر خدا و سپس به ما رسیده است» .

الکافی\_ به نقل از منصور بن حازم\_ : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : آیا می شود امروز چیزی واقع شود که دیروز در دانش خدا نبوده است؟ فرمود : «نه. هر که این را بگوید، خداوند خوارش کند» . گفتم : آیا آنچه بوده و آنچه تا روز قیامت خواهد بود، در علم خدا هست؟ فرمود : «بله، پیش از آن که آفریدگان را بیافریند [، در علم خدا بوده است]» .

امام صادق علیه السلام : برای خدای\_ تبارک و تعالی\_ دو گونه دانش است : [یکی،] دانشی که فرشتگان و پیامبران و فرستادگانش را بر آن آگاه ساخته است ، پس آنچه فرشتگان و فرستادگان و پیامبرانش را بر آن آگاه ساخته، ما [نیز] آن را می دانیم ، و [دیگری،] دانشی که به خود اختصاص داده که هر گاه در چیزی از آن برای خدا بدا حاصل شود، ما را بدان آگاه می سازد و همان را بر امامانی که پیش از ما بوده اند، [نیز] عرضه داشته است .

امام صادق علیه السلام : برای خداوند، دو گونه دانش است : دانشی که پوشیده و پنهان است و جز او، کسی آن را نمی داند ، و بدا در این گونه است ؛ و دانشی که به فرشتگان و فرستادگان و پیامبرانش آموخته است و ما هم آن را می دانیم .

بصائر الدرجات عن أبي بصير: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ» (1) أَرَادَ أَنْ يُعَذِّبَ أَهْلَ الْأَرْضِ، ثُمَّ بَدَأَ لِلَّهِ فَنَزَلَتْ الرَّحْمَةُ فَقَالَ: «وَدَكَّرْتُ» يَا مُحَمَّدُ «فَإِنَّ الدِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ». (2) فَرَجَعْتُ مِنْ قَابِلٍ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي حَدَّثْتُ أَصْحَابَنَا فَقَالُوا: بَدَأَ اللَّهُ مَا لَمْ يَكُنْ فِي عِلْمِهِ؟! فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلَّهِ عِلْمَيْنِ: عِلْمٌ عِنْدَهُ لَمْ يُطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ، وَعِلْمٌ نَبَذَهُ إِلَى مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ. فَمَا نَبَذَهُ إِلَى مَلَائِكَتِهِ فَقَدِ انْتَهَى إِلَيْنَا. (3)

تفسير العياشي عن ابن سنان: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ يَقْدُمُ مَا يَشَاءُ وَيُؤَخِّرُ مَا يَشَاءُ، وَيَمْحُو مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ مَا يَشَاءُ، وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَكُلُّ (4) أَمْرٍ يُرِيدُهُ اللَّهُ فَهُوَ فِي عِلْمِهِ قَبْلَ أَنْ يَصْنَعَهُ، وَلَيْسَ شَيْءٌ يَدْوُلُهُ إِلَّا وَقَدْ كَانَ فِي عِلْمِهِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَبْدُو لَهُ مِنْ جَهْلٍ. (5)

الإمام الصادق عليه السلام - وَقَدْ سَبَّلَ عَنِ الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ - هُمَا فِي الْغَيْبِ مَقْرُونَانِ، لِأَنَّ الْكَرْسِيَّ هُوَ الْبَابُ الظَّاهِرُ مِنَ الْغَيْبِ، الَّذِي مِنْهُ مَطْلَعُ الْبَدْعِ، وَمِنْهُ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا. وَالْعَرْشُ هُوَ الْبَابُ الْبَاطِنُ الَّذِي يُوْجَدُ فِيهِ عِلْمُ الْكَيْفِ وَالْكَوْنِ، وَالْقَدْرُ وَالْحَدُّ وَالْأَيْنِ، وَالْمَشِيئَةُ وَصِفَةُ الْإِرَادَةِ، وَعِلْمُ الْأَلْفَاظِ وَالْحَرَكَاتِ وَالتَّرْتِيبِ، وَعِلْمُ الْعَوْدِ وَالْبَدْءِ، فَهُمَا فِي الْعِلْمِ بَابَانِ مَقْرُونَانِ؛ لِأَنَّ مُلْكَ الْعَرْشِ سِوَى مُلْكَ الْكَرْسِيِّ، وَعِلْمُهُ أَغْيَبٌ مِنْ عِلْمِ الْكَرْسِيِّ، فَمِنْ ذَلِكَ قَالَ: «رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» أَي صِدْقَتُهُ أَعْظَمُ مِنْ صِدْقَةِ الْكَرْسِيِّ، وَهُمَا فِي ذَلِكَ مَقْرُونَانِ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَلِمَ صَارَ فِي الْفَضْلِ جَارَ الْكَرْسِيِّ؟ قَالَ: إِنَّهُ صَارَ جَارَهُ لِأَنَّ عِلْمَ الْكَيْفِ الْكَيْفِيَّةَ (6) فِيهِ، وَفِيهِ الظَّاهِرُ مِنْ أَبْوَابِ الْبَدْءِ، وَأَيُّبَتِهَا، وَحَدَّ رَتَبَتِهَا وَفَتَحَتِهَا. (7)

1- الذاريات: 54.

2- الذاريات: 55.

3- بصائر الدرجات: ص 110 ح 4، بحار الأنوار: ج 4 ص 110 ح 28.

4- في المصدر: «لكل»، والتصويب من بحار الأنوار.

5- تفسير العياشي: ج 2 ص 218 ح 71، بحار الأنوار: ج 4 ص 121 ح 63.

6- كَيْفِيَّةُ الشَّيْءِ: حَالُهُ وَصِفَتُهُ (المعجم الوسيط: ج 2 ص 807 «كيف»).

7- التوحيد: ص 321 ح 1 عن حنان بن سدير، بحار الأنوار: ج 58 ص 30 ح 51.

بصائر الدرجات\_ به نقل از ابو بصیر \_ : امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند \_ تبارك و تعالی \_ به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمود : «پس ، از آنان روی بگردان ، که تو در خورِ نکوهش نیستی» . [خدا] خواست زمینیان را کیفر دهد . سپس برای خداوند، بدا حاصل شد و رحمت، نازل گردید و فرمود : «ای محمد! «و پند ده ، که مؤمنان را پند، سود می بخشد» .» . سال آینده باز گشتم و به امام صادق علیه السلام گفتم : فدایت شوم ! من [این مطلب را] برای یارانمان نقل کردم. آنان گفتند : برای خدا چیزی که در دانش او نبوده، بدا حاصل شده است؟! امام صادق علیه السلام فرمود : «برای خدا دو گونه دانش است : دانشی که نزد اوست و کسی از آفریدگانش را بر آن آگاه نساخته است ، و دانشی که به فرشتگان و فرستادگانش داد و آنچه به فرشتگانش داده، به ما رسیده است» .

تفسیر العیاشی\_ به نقل از ابن سنان \_ : امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا خداوند، آنچه را بخواهد، پیش می اندازد و آنچه را بخواهد ، تأخیر می اندازد ، و آنچه را بخواهد، محو می کند و آنچه را بخواهد ، بر جای می دارد ، و اصل کتاب ، نزد اوست» . و فرمود : «پس، هر کاری را که خداوند اراده نماید، پیش از آن که آن را ایجاد کند، در دانش او هست ، و برای خدا درباره چیزی بدا حاصل نمی شود، جز این که در دانش او بوده است. برای خداوند از روی نادانی، بدا روی نمی دهد» .

امام صادق علیه السلام\_ وقتی در باره عرش و کرسی، از ایشان پرسش شد \_ : آن دو در غیب ، قرین یکدیگرند ؛ زیرا کرسی، باب ظاهر غیب است ؛ بابتی که ابداع از آن جا سر می زند و همه چیزها از آن جا [شروع شده] است . و عرش، جنبه باطنی غیب است که دانش : چگونگی و پدید آمدن، تقدیر و اندازه و کجایی، و مشیت و صفت اراده ، و دانش الفاظ و حرکات و سکون ، و دانش بازگشت و آغاز، در آن است . پس، آن دو ، در دانش ، دو بخش همراه هم اند ؛ چرا که مُلك عرش، متفاوت با مُلك کرسی است ، و دانش آن از دانش کرسی، پنهان تر است . بدین خاطر، فرمود : «پروردگار عرش بزرگ» ، یعنی صفت آن، از صفت کرسی، بزرگ تر است ، و آن دو در این (صفت)، به هم نزدیک اند» . گفتم : فدایت شوم! پس چرا [عرش] در فضیلت، همسایه کرسی گشته است ؟ فرمود : «آن، همسایه کرسی شده، به خاطر این که دانش چگونگی ، در آن است ، و نیز در آن است آنچه از ابواب بدا و کجایی، و حدّ رتق و فتق آنها پدیدار می شود» .



الغيبية للطوسي عن أبي هاشم الجعفري: سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحِ الْأَرْمَنِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (1). فَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَهَلْ يَمْحُو إِلَّا مَا كَانَ، وَيُثَبِّتُ إِلَّا مَا لَمْ يَكُنْ؟ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: هَذَا خِلَافٌ مَا يَقُولُ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ: إِنَّهُ لَا يَعْلَمُ الشَّيْءَ حَتَّى يَكُونَ! فَنَظَرَ إِلَيَّ أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: تَعَالَى الْجَبَّارُ الْعَالِمُ بِالشَّيْءِ قَبْلَ كَوْنِهَا (2). (3)

علل الشرائع عن سماعة: أَنَّهُ سَمِعَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقُولُ: مَا رَدَّ اللَّهُ الْعَذَابَ عَنْ قَوْمٍ قَدْ أَظْلَمَهُمْ (4) إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ. فَقُلْتُ: أَمَا كَانَ قَدْ أَظْلَمَهُمْ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، حَتَّى نَالُوهُ بِأَكْثَرِهِمْ. قُلْتُ: فَكَيْفَ كَانَ ذَلِكَ؟ قَالَ: كَانَ فِي الْعِلْمِ الْمُثَبَّتِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، الَّذِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ أَنَّهُ سَيَصْرِفُهُ عَنْهُمْ. (5)

1- .الرعد : 39 .

2- .من المحتمل أن يكون الراوي - وهو أبو هشام الجعفري - لم يكن قد فهم مراد هشام بن الحكم ومقصوده ، وأراد الإمام عليه السلام هنا أن يصحح ما فهمه الجعفري ويردّه .

3- .الغيبية للطوسي : ص 430 ح 421 ، كشف الغمّة : ج 3 ص 209 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 115 .

4- .أظلكم : أي أقبل عليكم ، ودنا منكم ، كأنه ألقى عليكم ظلّه (النهاية : ج 3 ص 160 «ظل») .

5- .علل الشرائع : ص 77 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 386 ح 4 .

الغیبة، طوسی\_ به نقل از ابوهاشم جعفری \_ : محمد بن صالح ارمنی، از امام عسکری علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جلیپرسید : «خدا آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب، نزد اوست». امام عسکری علیه السلام فرمود : «و آیا جز آنچه را که بوده، محو می سازد، و جز آنچه را که نبوده، اثبات می کند؟». پیش خودم گفتم : این، بر خلاف آن چیزی است که هشام بن حکم می گوید که : او (خدا) چیزی را که پدید نیامده باشد، نمی داند . پس، امام عسکری علیه السلام نگاهی به من کرد و فرمود : «بلند مرتبه است خداوند جباری که دانا به چیزهاست، پیش از بودنشان» . (1)

علل الشرائع\_ به نقل از سماعه \_ : از امام صادق علیه السلام شنیدم [م] که می فرمود : «خداوند از هیچ قومی، عذابی را که بر آنان سایه افکنده، باز نگردانده است، جز قوم یونس». گفتم : آیا بر آنان [چون ابر] سایه افکنده بود؟ امام فرمود : «بله، حتی با کف دستشان آن را لمس کردند». گفتم : این، چگونه ممکن است؟ فرمود : «در دانش ثبت شده نزد خداوند که هیچ کس بر آن آگاه نیست، چنین بوده که او عذاب را از آنان باز می گرداند» .

---

1- .. ممکن است راوی، مقصود هشام را درست درک نکرده است و امام علیه السلام درک نادرست راوی را رد کرده اند.

الفصل الثالث : ما يظهر منه إمكان البداء في القضاء المحتوما لإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ الْأَمْرَ الْمُبْرَمَ . (1)

الكافي عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام \_ وَقَدْ سُئِلَ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ \_ : تَنْزَلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَالْكَتَبَةُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا ، فَيَكْتُبُونَ مَا يَكُونُ فِي أَمْرِ السَّنَةِ وَمَا يُصِيبُ الْعِبَادَ ، وَأَمْرُهُ عِنْدَهُ مَوْقُوفٌ لَهُ فِيهِ الْمَشِيئَةُ ؛ فَيَقْدَمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ ، وَيُؤَخَّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ ، وَيَمْحُو وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام \_ وَقَدْ ذَكَرَ قَوْلُهُ تَعَالَى : «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» \_ : يُقَدَّرُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ ، إِلَى مِثْلِهَا مِنْ قَابِلٍ ؛ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ ، أَوْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ ، أَوْ مَوْلُودٍ أَوْ أَجَلٍ أَوْ رِزْقٍ ، فَمَا قُدِّرَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ وَفُضِيَ فَهُوَ الْمَحْتَمُومُ ، وَلِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ فِيهِ الْمَشِيئَةُ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ التَّقْدِيرُ ، وَفِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ الْقَضَاءُ ، وَفِي لَيْلَةِ ثَلَاثِ وَعِشْرِينَ إِبْرَامُ مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا ، [و] لِلَّهِ \_ جَلٌّ ثَنَاؤُهُ \_ [أَنْ] (4) يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ فِي خَلْقِهِ . (5)

1- .كنز العمال : ج 1 ص 343 ح 1556 نقلاً عن جعفر الفريابي في الذكر .

2- .الكافي : ج 4 ص 157 ح 3 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 159 ح 2028 ، الأماشي للطوسي : ص 60 ح 89 ، تفسير العياشي : ج 2 ص 215 ح 58 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 102 ح 14 .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 158 ح 2024 ، الكافي : ج 4 ص 157 ح 6 نحوه ، ثواب الأعمال : ص 92 ح 11 كلها عن حمران ، بحار الأنوار : ج 97 ص 19 ح 41 .

4- . ما بين المعاقيف أثبتناه من المصادر الأخرى .

5- .الكافي : ج 4 ص 160 ح 12 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 156 ح 2020 ، الإقبال : ج 1 ص 150 .

### فصل سوم : احادیثی که ظاهر آنها بر امکان بدا در قضای محتوم، دلالت می کند

فصل سوم : احادیثی که ظاهر آنها بر امکان بدا در قضای محتوم، دلالت می کند امام علی علیه السلام : خداوند، [حتی] کار حتمی شده را باز می گرداند .

الکافی\_ به نقل از محمد بن مسلم، از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام، وقتی در باره شب قدر، مورد پرسش قرار گرفت \_ : در آن شب، فرشتگان و نویسندگان، به آسمان زیرین فرود می آیند و چیزهایی را که در این سال، انجام می شوند و چیزهایی که به بندگان می رسد ، می نویسند ؛ اما اختیار آن چیزها در دست خدا و منوط به مشیت اوست. پس آنچه را بخواهد، پیش می اندازد و آنچه را بخواهد، پس می اندازد ، و محو و اثبات می کند و اصل کتاب، نزد اوست .

امام باقر علیه السلام\_ وقتی این سخن خدای متعال ذکر شد : «در آن [شب]، هر کاری [به نحو] استوار، فیصله می یابد» \_ : در شب قدر، هر چیزی که در آن سال رخ می دهد تا شب قدر سال آینده ، از: خیر یا شر ، و فرمان برداری یا نافرمانی ، و مولود و اجل و روزی ، مقدر می شود. پس آنچه در این شب مقدر گردد و حکم شود، حتمی است ؛ اما برای خداوند عز و جل در آن، مشیت است .

امام صادق علیه السلام : تقدیر در شب نوزدهم ، قضا (حکم) در شب بیست و یکم و قطعی شدن آنچه تا شب قدر سال بعدی رخ می دهد، در شب بیست و سوم ماه رمضان است و البته خداوند \_ که ثنایش بشکوه باد \_ این حق را دارد که هر چه در باره آفریدگانش می خواهد، انجام دهد .

الكافي عن معلّى بن محمّد: سئل العالم عليه السلام: كيف علم الله؟ قال: علمه وشاء، وأراد وقدر، وقضى وأمضى، فأمضى ما قضى، وقضى ما قدر، وقدر ما أراد، فإعلمه كانت المشيئة، وبمشيئته كانت الإرادة، وإرادته كان التقدير، وتقديره كان القضاء، وبقضائه كان الإمضاء، والعلم متقدّم على المشيئة، والمشية ثانية، والإرادة ثالثة، والتقدير واقع على القضاء بالإمضاء. فإله تبارك وتعالى البدء فيما علم متى شاء، وفيما أراد لتقدير الأشياء، فإذا وقع القضاء بالإمضاء فلا بدء، فالعلم في المعلوم قبل كونه، والمشية في المنشأ قبل عينه، والإرادة في المراد قبل قيامه، والتقدير لهذه المعلومات قبل تفصيلها وتوصيلها عياناً ووقتاً، والقضاء بالإمضاء هو المبرم من المفعولات ذوات الأجسام المدركات بالحواس، من ذوي لونها وريح، ووزن وكيل، وما دبّ ودرج؛ من إنس وجن، وطير وسباع، وغير ذلك مما يدرك بالحواس. فإله تبارك وتعالى فيه البدء مما لا عين له، فإذا وقع العين المفهوم المدرك (1) فلا بدء. (2)

الغيبة للنعماني عن داود بن القاسم الجعفري: كُنّا عند أبي جعفر محمّد بن عليّ الرضا عليهما السلام، فجرى ذكر السفينائي وما جاء في الرواية من أن أمره من المحتوم، فقلت لأبي جعفر عليه السلام: هل يبدو لله في المحتوم؟ قال: نعم، قلنا له: فنخاف أن يبدو لله في القائم، فقال: إن القائم من الميعاد، والله لا يخلف الميعاد. 3

- 
- 1- قال العلامة المجلسي قدس سره: قوله عليه السلام: «إذا وقع العين المفهوم المدرك»، أي فصل وميز في اللوح أو أوجد في الخارج، ولعل تلك الأمور عبارته عن اختلاف مراتب تقديرها في لوح المحو والإثبات (مرآة العقول: ج 2 ص 143).
- 2- الكافي: ج 1 ص 148 ح 16، التوحيد: ص 334 ح 9، مختصر بصائر الدرجات: ص 142.

الكافی\_ به نقل از معلی بن محمد \_ : از عالم ( امام کاظم علیه السلام یا امام رضا) علیه السلام سؤال شد : دانش خدا چگونه است ؟ فرمود : «دانش و خواست و اراده کرد و مقدر ساخت و حکم فرمود و تنفیذ نمود . سپس آنچه را که حکم کرد ، تنفیذ نمود ؛ و آنچه را که مقدر ساخت ، حکم فرمود ؛ و آنچه را که خواست مقدر کرد . پس خواستن از روی دانش او ، و اراده اش برخاسته از مشیت او ، و تقدیرش از اراده او ، و حکمش بر پایه تقدیر او ، و تنفیذش بر اساس حکمش بود . دانش بر مشیت مقدم است و مشیت در مرتبه دوم و اراده ، در مرتبه سوم است . و تقدیر بر اساس حکم او و در پی تنفیذش واقع می شود . پس برای خدای \_ تبارک و تعالی \_ ، هر گاه بخواهد ، در آنچه می داند و در آنچه برای تقدیر اشیا اراده می نماید ، امکان بدا هست ؛ اما هر گاه حکمی پس از تأیید ، تحقق یابد ، دیگر بدایی نیست . پس ، علم ، پیش از به وجود آمدن معلوم ، و مشیت ، پیش از تحقق وجود خارجی ، و اراده ، مقدم بر جامه عمل پوشیدن اراده شده است و مقدر شدن این معلوم ها ، مقدم بر جدایی و اتصال خارجی و زمانی آنها بوده است ، و حکم تأیید شده ، همان چیزهای استوار انجام یافته و صاحب جسم اند که با حواس ، درک می گردند ، از قبیل : اجسام رنگی و بودار ، و وزن شدنی و پیمانہ شدنی ، و جاندار و لاینه دار ، نظیر : انسان و جن ، پرندگان و درندگان ، و غیر آنها که با حواس ، درک می شوند . پس برای خدای \_ تبارک و تعالی \_ در باره چیزی که وجود خارجی ندارد ، بدا هست . پس ، هر گاه عین قابل فهم و درک ، (1) تحقق یابد ، دیگر بدایی نیست» .

الغیبة ، نعمانی\_ به نقل از داوود بن قاسم جعفری \_ : نزد امام جواد علیه السلام بودیم که از سفیانی و آنچه در روایت در باره حتمی بودن کار او آمده ، سخن رفت . به امام جواد علیه السلام گفتم : آیا در کار حتمی ، برای خدا بدا حاصل می شود ؟ فرمود : «بله» . به او گفتیم : پس می ترسیم در باره قائم (عج) برای خداوند ، بدا حاصل شود . فرمود : «همانا قائم ، از وعده های خداست و خداوند ، در وعده خلاف نمی ورزد» . (2)

- 
- 1- .. علا مه مجلسی گفته است: کلام امام علیه السلام که فرموده : «وقتی عین مُدرک و مفهوم تحقق یافت» ، یعنی : در لوح ، جدا و متمایز شد و یا در عالم خارج ، تحقق یافت . و چه بسا مراد از این قبیل امور ، اختلاف مراتب تقدیرشان ، در لوح محو و اثبات باشد .
  - 2- .. برای «محتوم» ، چندین معنا وجود دارد که احتمال بدا و تجدید نظر در برخی از آنها هست . تعبیر «فی المیعاد ؛ در وعده» ، اشاره است به این که امکان بدا در آن نیست ؛ چون خداوند فرموده است: «خداوند ، خلف وعده نمی کند» . حاصل ، آن که این ، چیزی است که خدا به پیامبرش و اهل بیت وی ، به جهت شکیبایی در برابر سختی هایی که از سوی مخالفان به آنها رسیده ، وعده داده است ؛ و خدا خلف وعده نمی کند . احتمال هم دارد که مراد از «بدا» در امور حتمی ، تغییر در خصوصیات آن باشد و نه در اصلش ؛ مانند خروج سفیانی پیش از زوال دولت بنی عباس و مانند آن .

تفسير القمي في تفسير قوله تعالى: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (1) - : «فِيهَا يُفْرَقُ» فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ «كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» أَي يَقْدَرُ اللَّهُ كُلَّ أَمْرٍ مِنَ الْحَقِّ وَمِنَ الْبَاطِلِ ، وَمَا يَكُونُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ ، وَلَهُ فِيهِ الْبَدَاءُ وَالْمَشِيئَةُ ، يُقَدِّمُ مَا يَشَاءُ وَيُؤَخِّرُ مَا يَشَاءُ مِنَ الْأَجَالِ وَالْأَرْزَاقِ ، وَالْبَلَايَا وَالْأَعْرَاضِ وَالْأَمْرَاضِ ، وَيَزِيدُ فِيهَا مَا يَشَاءُ ، وَيَنْقُصُ مَا يَشَاءُ ، وَيُلْقِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَيُلْقِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، حَتَّى يَنْتَهِيَ ذَلِكَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَيَشْتَرِطُ لَهُ فِيهِ الْبَدَاءُ وَالْمَشِيئَةَ ، وَالتَّقْدِيمَ وَالتَّأْخِيرَ . قَالَ: حَدَّثَنِي بِذَلِكَ أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . (2)

الأصول الستة عشر عن سليمان الطلحي: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي عَمَّا أَخْبَرْتَ بِهِ الرَّسُولَ عَنْ رَبِّهَا ، وَأَنْهَتْ ذَلِكَ إِلَى قَوْمِهَا ، أَيَكُونُ لِلَّهِ الْبَدَاءُ؟ قَالَ: أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ لَكَ إِنَّهُ يَقَعْلُ ، وَلَكِنْ ، إِنْ شَاءَ فَعَلَّ . (3)

1- الدخان: 4 .

2- تفسير القمي: ج 2 ص 290 ، بحار الأنوار: ج 4 ص 101 ح 12 .

3- الأصول الستة عشر: ص 322 ح 514 ، بحار الأنوار: ج 4 ص 122 ح 70 .

تفسیر القمّی\_ در تفسیر این سخن خدای متعال: «در آن، هر [گونه] کاری [به نحو] استوار، فیصله می یابد» \_ : «در آن، فیصله می یابد»، یعنی در شب قدر. «هر کاری [به نحو] استوار»، یعنی خداوند، هر کاری اعم از حق و باطل را مقدر می کند و نیز آنچه را که در این سال رخ می دهد و برای او در آن، بدا و مشیّت است. او هر چه را بخواهد از: آجل ها و روزی ها و بلاها و حوادث و بیماری ها، مقدم یا مؤخر می دارد و هر چه را بخواهد، می افزایش و هر چه را بخواهد، می کاهش و پیامبر خدا آن را به امیر مؤمنان، و امیر مؤمنان، آن را به امامان علیهم السلام القا می کند تا به امام زمان علیه السلام برسد و در آن، بدا و مشیّت، و [حق] تقدیم و [حق] تأخیر را برای خود، شرط می کند. راوی می گوید: این حدیث را پدرم، به نقل از ابن ابی عمیر، از عبد الله بن مسکان، از امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیهم السلام برایم نقل کرد.

الأصول الستّة عشر\_ به نقل از سلیمان طلحی \_ : به امام باقر علیه السلام گفتم: مرا از آنچه رسولان از جانب پروردگارشان خبردار شده و آن را به قومشان رسانده اند، آگاه کن که: آیا برای خدا در آن، بدا هست؟ فرمود: «البتّه من به تونمی گویم که او چنین می کند؛ ولی اگر بخواهد، می کند» .



الفصل الرابع : ما يظهر منه عدم البداء في القضاء المحتوما لإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ كُتُبًا مَرْقُومَةً يُقَدَّمُ مِنْهَا مَا يَشَاءُ وَيُؤَخَّرُ مَا يَشَاءُ ، فَإِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهَا كُلَّ شَيْءٍ يَكُونُ إِلَى لَيْلَةٍ مِثْلِهَا ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ : «وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا» (1) إِذَا أَنْزَلَهُ وَكَتَبَهُ كُتَابُ السَّمَاوَاتِ ، وَهُوَ الَّذِي لَا يُؤَخَّرُهُ . (2)

الكافي عن إسحاق بن عمّار (3) : الكافي عن إسحاق بن عمّار (4) : سَمِعْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ ، وَنَاسٌ يَسْأَلُونَهُ يَقُولُونَ : الْأَرْزَاقُ تُنَسَّمُ لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا وَاللَّهِ ، مَا ذَاكَ إِلَّا فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ، وَإِحْدَى وَعِشْرِينَ ، وَثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ ، فَإِنَّ فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةَ يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ ، وَفِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ، وَفِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ يُمَضَى مَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذَلِكَ ، وَهِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : « خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ » . (5) قُلْتُ : مَا مَعْنَى قَوْلِهِ : يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ ؟ قَالَ : يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهَا مَا أَرَادَ مِنْ تَقْدِيمِهِ وَتَأْخِيرِهِ ، وَإِرَادَتِهِ وَقَضَائِهِ . قَالَ : قُلْتُ : فَمَا مَعْنَى يُمَضَى فِي ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ ؟ قَالَ : إِنَّهُ يَفْرُقُهُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَيَكُونُ لَهُ فِيهِ الْبَدَاءُ ، فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ أَمْضَاهُ ، فَيَكُونُ مِنَ الْمَحْتَمِ الَّذِي لَا يَبْدُو لَهُ فِيهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى . 6

- 1- .المنافقون : 11 .
- 2- .تفسير القمّي : ج 2 ص 371 عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 4 ص 102 ح 13 .
- 3- .في الإقبال : «عن أبي عبد الله عليه السلام» .
- 4- .القدر : 3 .
- 5- .الكافي : ج 4 ص 158 ح 8 ، الإقبال : ج 1 ص 343 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 144 .

### فصل چهارم : احادیثی که ظاهر آنها عدم امکان بدا در قضای محتموم است

فصل چهارم : احادیثی که ظاهر آنها عدم امکان بدا در قضای محتموم استامام باقر علیه السلام : همانا نزد خدا نوشته هایی است که هر کدام از آنها را بخواهد، مقدّم می دارد و هر کدام را بخواهد، به تأخیر می اندازد . پس هر گاه شب قدر فرارسد ، خداوند در آن ، هر چیزی را که تا شب قدر دیگر رخ می دهد ، فرو می فرستد . این ، معنای گفته خداست که : «و هر کس آجلش فرارسد ، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی افکند» ؛ یعنی زمانی که آن [اجل] را فرو فرستد و نویسندگان آسمان ها آن را بنگارند، این جاست که آن را به تأخیر نمی اندازد .

الکافی\_ به نقل از اسحاق بن عمّار\_ : از امام صادق علیه السلام\_ در حالی که مردمی از او می پرسیدند و می گفتند : آیا روزی، در شب نیمه شعبان تقسیم می گردد؟ \_ شنیدم که می فرمود: «نه، به خدا. نه ، این نیست، مگر در شب نوزدهم و بیست و یکم ، و بیست و سوم ماه رمضان ؛ زیرا در شب نوزدهم دو جمع به هم می رسند ، در شب بیست و یکم، هر کاری به نحو استوار فیصله می یابد ، و در شب بیست و سوم، آنچه خداوند عز و جلاز آن [کارها] اراده کرده، امضا می شود و این، شب قدر است که خداوند عز و جل فرموده: «از هزار ماه، بهتر است» . گفتم : معنای عبارت : «دو جمع به هم می رسند»، چیست؟ فرمود : «خداوند در آن شب، آنچه را که تقدیم و تأخیر و اراده و حکم آن را اراده نموده ، جمع می کند» . گفتم : پس معنای این سخن که: در شب بیست و سوم، آن را امضا می کند، چیست؟ فرمود : «او در شب بیست و یکم، آن را فیصله می دهد، در حالی که برای او در آن، بدا هست . پس، وقتی شب بیست و سوم شد ، آن را امضا می کند . آن گاه جزو قضای حتمی می گردد که دیگر خداوند \_ تبارک و تعالی \_ در آن، بدایی ندارد» .

علل الشرائع عن علي بن سالم: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يُكْتَبْ لَهُ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي يُفْرَقُ فِيهَا كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ لَمْ يَحْجَّ تِلْكَ السَّنَةَ، وَهِيَ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، لِأَنَّ فِيهَا يُكْتَبُ وَفْدُ الْحَاجِّ، وَفِيهَا يُكْتَبُ الْأَرْزَاقُ وَالْأَجَالُ، وَمَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ. قُلْتُ: فَمَنْ لَمْ يُكْتَبْ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ لَمْ يَسْتَطِعِ الْحَجَّ؟ فَقَالَ: لَا، قُلْتُ: كَيْفَ يَكُونُ هَذَا؟ قَالَ: لَسْتُ فِي خُصُومَتِكُمْ مِنْ شَيْءٍ، هَكَذَا الْأَمْرُ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام - وَقَدْ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (2) -: إِنَّ ذَلِكَ الْكِتَابَ كِتَابٌ يَمْحُو اللَّهُ فِيهِ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ، فَمَنْ ذَلِكَ الَّذِي يَرُدُّ الدُّعَاءَ الْقَضَاءَ، وَذَلِكَ الدُّعَاءُ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ: «الَّذِي يُرَدُّ بِهِ الْقَضَاءُ» حَتَّى إِذَا صَارَ إِلَى أُمَّ الْكِتَابِ لَمْ يُغْنِ الدُّعَاءُ فِيهِ شَيْئًا. (3)

التوحيد عن الحسن بن محمد النوفلي - فِيمَا سَأَلَ سُلَيْمَانَ الْمَرْوَزِيَّ الْإِمَامَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ سُلَيْمَانُ: أَلَا تُخْبِرُنِي عَنْ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (4) فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَلْتِ؟ قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سُلَيْمَانُ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ يُقَدَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ مِنْ حَيَاةٍ أَوْ مَوْتٍ، أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ، أَوْ رِزْقٍ، فَمَا قَدَّرَهُ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ فَهُوَ مِنَ الْمَحْتَمِمْ. قَالَ سُلَيْمَانُ: الْآنَ قَدْ فَهَمْتُ - جُعِلْتُ فِدَاكَ - فَزِدْنِي، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سُلَيْمَانُ، إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُورًا مَوْقُوفَةً عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، يُقَدَّمُ مِنْهَا مَا يَشَاءُ، وَيُؤَخَّرُ مَا يَشَاءُ. (5)

1- .علل الشرائع: ص 420 ح 3، بحار الأنوار: ج 97 ص 17 ح 37.

2- .الرعد: 39.

3- .تفسير العياشي: ج 2 ص 220 ح 74 عن عمّار بن موسى، بحار الأنوار: ج 4 ص 121 ح 65.

4- .القدر: 1.

5- .التوحيد: ص 444 ح 1، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 182، بحار الأنوار: ج 4 ص 96 ح 2.

علل الشرائع\_ به نقل از علی بن سالم \_ : امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر برای کسی، در شبی که در آن، هر کاری به نحو استوار فیصله می یابد، [حج] نوشته نشود، در آن سال، حج به جا نمی آورد، و آن، شب بیست و سوم ماه رمضان است؛ زیرا در آن شب، قافله های حاجیان، نوشته می شود و در آن شب روزی ها و اجل ها و آنچه از این سال تا سال دیگر رخ می دهد، نوشته می شود». گفتم: پس، کسی که در این شب [نامش میان حج گزاران] نوشته نشده، نمی تواند حج به جا آورد؟ فرمود: «نه». گفتم: این، چگونه ممکن است؟ فرمود: «من اصلاً در مقام مجادله با شما نیستم، واقع مطلب همین است».

امام صادق علیه السلام\_ وقتی در باره این سخن خداوند، مورد پرسش قرار گرفت: «خدا آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب، نزد اوست» \_ : آن کتاب، کتابی است که خداوند در آن، آنچه را بخواهد، محو یا ثبت می کند. در این جاست که دعا، قضا را باز می گرداند، و بر این دعا نوشته شده «دعایی که به آن، قضا باز گردانده می شود» تا این که [قضا] در اصل کتاب قرار گیرد. در این صورت، دعا در باره آن سودی نمی بخشد.

التوحید\_ به نقل از حسن بن محمد نوفلی، در باره سؤالی که سلیمان مروزی از امام رضا علیه السلام پرسید \_ : سلیمان گفت: آیا مرا باخبر نمی سازی که «ما آن را در شب قدر، فرو فرستادیم» در باره چه چیزی فرو فرستاده شده است؟ امام رضا علیه السلام فرمود: «ای سلیمان! در شب قدر، خداوند عز و جلا آنچه را از این سال تا سال دیگر رخ می دهد (همچون زندگی و مرگ، یا خیر و شر، یا روزی)، مقدر می سازد. پس آنچه در این شب مقدر می نماید، جزو [قضای] حتمی است». سلیمان گفت: فدایت شوم! اکنون فهمیدم. پس، زیادتر بفرما. [امام علیه السلام] فرمود: «ای سلیمان! بعضی از امور، نزد خداوند \_ تبارک و تعالی \_ متوقف می مانند تا هر کدام را بخواهد، مقدم می دارد و هر کدام را بخواهد، به تأخیر می افکند».





### پژوهشی در باره امکان یا عدم امکان بدا در قضای حتمی

پژوهشی در باره امکان یا عدم امکان بدا در قضای حتمی طبق آنچه در دو باب پیشین گذشت، در مورد امکان بدا در قضای حتمی، دو دسته حدیث وجود دارد: دسته اول، بر این دلالت دارند که قضای حتمی نیز همانند قضای غیر حتمی، بداپذیر است؛ و دسته دوم، که می گویند قضای حتمی، بداپذیر نیست. بنا بر این، چگونه می توان میان این دو دسته احادیث، جمع کرد؟ می توان گفت که جمع میان احادیث یاد شده، به دو گونه، امکان پذیر است: 1. احادیثی که می گویند قضای حتمی، همانند قضای غیر حتمی، امکان بدا دارد، ناظر به امکان ذاتی اند، و احادیثی که می گویند در قضای حتمی، بدا رخ نمی دهد، ناظر به مقام وقوع اند. به سخن دیگر، احادیث دسته دوم، دلالت دارند به این که هر چند دست خداوند متعال در تغییر قضای حتمی، بسته نیست و تا حادثه ای واقع نشده، او می تواند از وقوع آن پیشگیری کند و یا آن را دگرگون نماید؛ ولی عملاً در قضای حتمی، چنین کاری را انجام نمی دهد. 2. همان جمع اول، با این تفاوت که احادیث دسته دوم، ناظر به سنت خداوند

متعال در اکثر مواردند، بدین معنا که آنچه در شب قدر، مقدر گردیده، در غالب موارد، عملاً تغییر نمی کند و تنها ممکن است در موارد خاصی (مثلاً به وسیله دعا در عرفات) تغییر نماید. اگر گفته شود: «لسان احادیث گذشته، چنین جمعی را نمی پذیرد و احادیث مربوط به اجابت دعا در تغییر قضای حتمی نیز خلاف این جمع بندی است»، گفته می شود: اگر به پذیرش تعارض، ناچار شویم و هر دو دسته از احادیث را ناظر به مقام امکان و عدم امکان ذاتی بدا بدانیم، بی تردید باید گفت که احادیث دسته اول - که می گویند قضای حتمی نیز امکان تغییر با خواست خداوند متعال را دارد - مقدم اند؛ چرا که علاوه بر قوت سند و دلالت و کثرت و هماهنگی با آیات و احادیث بدا، مدلولشان با عقل نیز سازگاری دارد، به خلاف مدلول احادیث دسته دوم که اگر مراد از آنها، عدم امکان ذاتی بدا باشد، با عقل، ناسازگار است؛ چرا که خداوند، همان طور که در ایجاد و اثبات مقدرات هستی، توانا و مختار است، در محو و نابود کردن آنها نیز توانا و آزاد است و انکار بدا در تحقق پدیده ها، به معنای انکار قدرت و اراده خداوند است.



الفصل الخامس : إنَّ الله لا يكذب نفسه ولا رسله في البداء الإمام الباقر عليه السلام : العِلْمُ عِلْمَانِ : فَعِلْمٌ عِنْدَ اللَّهِ مَخْرُوجٌ لَمْ يُطْلَعْ عَلَيْهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ ، وَعِلْمٌ عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ ، فَمَا عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ فَإِنَّهُ سَيَكُونُ ، لا يُكذِّبُ نَفْسَهُ ولا مَلَائِكَتَهُ ولا رُسُلَهُ . (1)

الإمام الرضا عليه السلام : إنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ : العِلْمُ عِلْمَانِ : فَعِلْمٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ مَلَائِكَتَهُ وَرُسُلَهُ ، فَمَا عَلَّمَهُ مَلَائِكَتَهُ وَرُسُلَهُ فَإِنَّهُ يَكُونُ ، ولا يُكذِّبُ نَفْسَهُ ، ولا مَلَائِكَتَهُ ولا رُسُلَهُ . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله : إنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى نَبِيٍِّّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ : أَنْ أَخْبَرَ فُلَانَ الْمَلِكَ أَنِّي مُتَوَفِّيهِ إِلَى كَذَا وَكَذَا ، فَأَتَا ذَلِكَ النَّبِيَّ فَأَخْبَرَهُ ، فَادَّعَا اللَّهَ الْمَلِكُ وَهُوَ عَلَى سَرِيرِهِ حَتَّى سَقَطَ مِنَ السَّرِيرِ ، فَقَالَ : يَا رَبِّ اجْلِسْ لِي وَأَقْضِي أَمْرِي ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى ذَلِكَ النَّبِيِّ أَنْ أَنْتَ فُلَانُ الْمَلِكِ ، فَأَعْلِمَهُ أَنِّي قَدْ أَنْسَيْتُ فِي أَجَلِهِ وَزِدْتُ فِي عُمْرِهِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً ، فَقَالَ ذَلِكَ النَّبِيُّ : يَا رَبِّ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنِّي لَمْ أَكْذِبْ قَطُّ ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ : إِنَّمَا أَنْتَ عَبْدٌ مَأْمُورٌ فَأَبْلِغْهُ ذَلِكَ ، وَاللَّهُ لا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ . (3)

1- الكافي : ج 1 ص 147 ح 6 ، تفسير العياشي : ج 2 ص 217 ح 67 كلاهما عن الفضيل بن يسار ، التوحيد : ص 444 ح 1 عن الحسن بن محمد النوفلي عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «إنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ ...» ، بحار الأنوار : ج 4 ص 113 ح 36 .

2- التوحيد : ص 444 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 179 ح 1 ، الاحتجاج : ج 2 ص 365 ح 284 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 329 ح 2 .

3- التوحيد : ص 443 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 181 ح 1 كلاهما عن الحسن بن محمد النوفلي عن الإمام الرضا عليه السلام ، قصص الأنبياء للراوندي : ص 241 ح 283 عن عبد الأعلى مولى بني سام عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 382 ح 3 .

## فصل پنجم: خداوند در بدا، خود و فرستادگانش را دروغگو نمی کند

فصل پنجم: خداوند در بدا، خود و فرستادگانش را دروغگو نمی کند امام باقر علیه السلام: دانش [الهی]، دو گونه است: دانش پنهان در نزد خداوند که هیچ يك از آفریدگانش را بدان آگاه نساخته است، و دانشی که به فرشتگان و فرستادگانش آموخته است. پس، آنچه به فرشتگان و فرستادگانش آموخته است، محقق خواهد شد؛ زیرا خداوند، خود و فرشتگان و فرستادگانش را دروغگو نمی کند.

امام رضا علیه السلام: علی علیه السلام می فرمود: «دانش [الهی]، دو گونه است: دانشی که خداوند به فرشتگان و فرستادگانش آموخته است و آنچه به فرشتگان و فرستادگانش آموخته است، محقق می شود؛ زیرا خداوند، خود و فرشتگان و فرستادگانش را دروغگو نمی نماید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود: «فلان پادشاه را خبر کن که: من تا فلان وقت، جانت را می گیرم». آن پیامبر به نزد پادشاه رفت و او را آگاه کرد. پادشاه در حالی که بر تختش قرار داشت، به درگاه خدا دعا کرد چندان که از تخت افتاد. گفت: پروردگارا! به من مهلت ده تا کودکم بزرگ شود و کارم را انجام دهم. خداوند عز و جل به آن پیامبر، وحی فرمود: «نزد آن پادشاه برو و به او خبر بده که من اجل او را به تأخیر انداختم و به عمر او، پانزده سال افزودم». آن پیامبر گفت: پروردگارا! تو خود می دانی که من هرگز دروغ نگفته ام [و اگر این خبر را به پادشاه برسانم، نزد او دروغگو شمرده می شوم]. خداوند عز و جل به او وحی فرمود: «همانا تو بنده ای مأمور هستی. پس، خبر را به او برسان، که خدا از کاری که می کند، پرسش نمی شود».

الإمام الباقر عليه السلام: بينا داودُ عليه السلام جالسٌ وعنده شابٌّ رثٌ (1) الهيبةُ يكثرُ الجلوسَ عنده، ويُطيلُ الصمتَ، إذ أتاه ملكُ الموتِ فسَلَّمَ عليه، وأحدَّ ملكُ الموتِ النَّظَرَ إلى الشابِّ، فقال داودُ عليه السلام: نظرتَ إلى هذا، فقال: نعم، إني أمرتُ بقبضِ روحِهِ إلى سبعةِ أيَّامٍ في هذا الموضعِ، فرحمه داودُ فقال: يا شابُّ، هل لك امرأةٌ؟ قال: لا، وما تزوجتُ قطُّ. قال داودُ: فانتِ فلانا \_ رجلاً كانَ عظيمَ القدرِ في بني إسرائيلَ \_ فقلْ له: إن داودَ يأمركُ أن تزوجني ابنتك وتدخلها الليلةَ عليَّ، وخذ من الثَّفَقَةِ ما تحتاجُ إليه، وكُن عندها، فإذا مضتْ سبعةُ أيَّامٍ فوافني في هذا الموضعِ. فمضى الشابُّ برسالةِ داودَ عليه السلام، فزوجه الرجلُ ابنته وأدخلها عليه، وأقامَ عندها سبعةَ أيَّامٍ، ثمَّ وافى داودُ يومَ الثَّامنِ، فقال له داودُ: يا شابُّ كيف رأيتَ ما كنتَ فيه؟ قال: ما كنتُ في نعمةٍ ولا سُرورٍ قطُّ أعظمَ ممَّا كنتُ فيه، قال داودُ: اجلسْ فجلسَ داودُ ينتظرُ أن تُقبضَ روحه، فلمَّا طالَ قال: انصرفتُ إلى منزلكَ فكن مع أهلك، فإذا كانَ اليومَ الثَّامنُ فوافني ها هنا، فمضى الشابُّ، ثمَّ وافته اليومَ الثَّامنَ وجلسَ عنده، ثمَّ انصرفتُ أسبوعاً آخرَ، ثمَّ أتاه وجاءَ ملكُ الموتِ إلى داودَ، فقال داودُ [صلواتُ اللهِ عليه]: ألسنَ حدَّثتني بأنك أمرتَ بقبضِ روحِ هذا الشابِّ إلى سبعةِ أيَّامٍ فقد مضتْ ثمانيةٌ وثمانيةٌ! قال: يا داودُ، إنَّ اللهَ تعالى رَحِمَهُ بِرَحْمَتِكَ لَهُ، فَأَخَّرَ فِي أَجَلِهِ ثَلَاثِينَ سَنَةً. (2)

1- فلانٌ رثٌ الهيبةُ، وفي هيئته رثاثة: أي بذاذة (الصحيح: ج 1 ص 282 «رث»).

2- قصص الأنبياء للراوندي: ص 204 ح 266 عن الثمالي، بحار الأنوار: ج 4 ص 111 ح 31.

امام باقر علیه السلام: داوود علیه السلام نشسته بود و جوانی با سر و وضع ژولیده نیز زمانی طولانی خاموش در نزد او بود که فرشته مرگ نزد داوود آمد و بر او سلام کرد. فرشته مرگ، نگاهش را به آن جوان، تیز کرد. داوود علیه السلام گفت: «به این جوان، نگرستی!». گفت: آری. من مأموریت یافته ام تا هفت روز دیگر، جان او را در این مکان بگیرم. داوود علیه السلام دلش به حال آن جوان سوخت و گفت: «ای جوان! آیا همسر داری؟». گفت: نه؛ هرگز ازدواج نکرده ام. داوود علیه السلام گفت: «نزد فلانی - که مردی بلندپایه در بین بنی اسرائیل بود - برو و به او بگو: داوود به تو امر می کند که دختری را به من تزویج کنی و همین امشب، او را در اختیار من قرار دهی. [خودت نیز] هر چه هزینه نیاز داری، فراهم کن و نزد او بمان و هر گاه هفت روز سپری شد، در همین مکان پیش من باش». آن جوان سفارش داوود را انجام داد و آن مرد، دخترش را به همسری وی در آورد و او را در اختیارش قرار داد. جوان، هفت روز در نزد آن دختر ماند. سپس روز هشتم، پیش داوود علیه السلام رفت. داوود علیه السلام به او گفت: «ای جوان! وضعیتی را که داشتی، چگونه دیدی؟». گفت: هیچ گاه به این اندازه در نعمت و شادی نبودم. داوود علیه السلام گفت: «بنشین». داوود علیه السلام در انتظار نشست که جوان، قبض روح شود. وقتی زمان گذشت، به جوان گفت: «به منزلت برگرد و با همسرت باش. هر گاه روز هشتم شد، همین جا پیش من باش». جوان رفت و سپس روز هشتم به دیدار داوود علیه السلام آمد و نزد او نشست. سپس تا یک هفته دیگر رفت. آن گاه نزد او آمد و نشست. این بار فرشته مرگ آمد. داوود علیه السلام گفت: «مگر تو به من نگفتی که مأمور شده ای هفت روز دیگر، جان این جوان را بگیری؟ هشت روز و هشت روز گذشت!». گفت: ای داوود! همانا خدای متعال به خاطر دلسوزی تو، به او رحم کرد و آجل او را تا سی سال، به تأخیر افکند.

الفصل السادس : أسباب حسن البداء 6 / 1 طاعة الله عز وجل «قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَلِيَّ اللَّهِ شَكُّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ». (1)

«قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ \* أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَانْتَهُوْهُ وَأَطِيعُوا \* يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ». (2)

6 / 2 الاستغفار الكتاب «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ». (3)

1- إبراهيم : 10 .

2- نوح : 2\_4 .

3- هود : 3 .

## فصل ششم : عوامل بدای نیک

### 6 / 1 فرمانبری از خدا

### 6 / 2 آموزش خواهی

فصل ششم : عوامل بدای نیک 6 / 1 فرمانبری از خدا «پیامبرانشان گفتند : «مگر درباره خدا، پدید آورنده آسمان ها و زمین، تردیدی هست؟ او شما را دعوت می کند تا پاره ای از گناهاتتان را بر شما ببخشد و تا زمانی معین، شما را مهلت دهد». گفتند : شما جز بشری مانند ما نیستید . می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند، باز دارید . پس، برای ما حجّتی آشکار بیاورید» .

«[نوح] گفت : «ای قوم من! من شما را هشدار دهنده ای آشکارم که: خدا را پرستید و از او پروا دارید و مرا فرمان برید، [تا] برخی از گناهاتتان را بر شما ببخشد و [أجل] شما را تا وقتی معین، به تأخیر اندازد . چون وقت مقرر خدا برسد ، تأخیر بر نخواهد داشت، اگر بدانید» .» .

6 / 2 آموزش خواهیقرآن «و این که از پروردگارتان آموزش بخواهید ، سپس به درگاه او توبه کنید، که شما را با بهره مندی نیکویی تا زمانی معین بهره مند می سازد و به هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا می کند ، و اگر روی گردان شوید، من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم» .

الحديث للإمام علي عليه السلام في استغفاره في السحر - :اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُدْنِيهِ الْآجَالُ ، وَيَقْطَعُ الْآمَالَ . (1)

6 / 3 الدعاء رسول الله صلى الله عليه وآله :الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ ، وَلِلَّهِ فِي خَلْقِهِ قَضَاءَانِ : قَضَاءٌ مَاضٍ ، وَقَضَاءٌ مُحَدَّثٌ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : لا يَرُدُّ الْقَدَرَ إِلَّا الدُّعَاءُ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : لا يَرُدُّ الْقَضَاءَ إِلَّا الدُّعَاءُ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله :الدُّعَاءُ جُنْدٌ مِنْ أَجْنَادِ اللَّهِ تَعَالَى مُجَنَّدٌ ، يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَ أَنْ يُبْرَمَ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : يَا بُنَيَّ ، أَكْثَرَ مِنْ الدُّعَاءِ ؛ فَإِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ الْمُبْرَمَ . (6)

1- .البلد الأمين : ص 44 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 334 ح 58 .

2- .الفردوس : ج 2 ص 11 ح 2090 عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 16 ص 475 ح 45520 .

3- .سنن ابن ماجة : ج 1 ص 35 ح 90 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 670 ح 1814 كلاهما عن ثوبان .

4- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 7 ح 1978 ؛ مسند الشهاب : ج 2 ص 35 ح 545 ، حلية الأولياء : ج 3 ص 188 .

5- .أسد الغابة : ج 5 ص 338 الرقم 5297 ، الإصابة : ج 6 ص 401 الرقم 8927 ، تاريخ دمشق : ج 22 ص 158 ح 4898 كلهما عن

نمير بن أوس .

6- .تاريخ بغداد : ج 13 ص 36 الرقم 6992 ، الفردوس : ج 5 ص 364 ح 8448 كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 2 ص 69 ح

. 3161

حدیث امام علی علیه السلام\_ در آموزش خواهی اش هنگام سحر\_ :خدایا! به خاطر هر گناهی که آجل ها را نزدیک می کند و آرزوها را بر باد می دهد، از تو آموزش می خواهم .

3 / 6 دعا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعا، قضا (حُکم) را باز می گرداند . خداوند در باره آفریدگانش، دو گونه قضا دارد : قضای نافذ [و تغییرناپذیر] و قضای نوپدید [و جایگزین قضای تغییرپذیر] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قَدَر (تقدیر) را جز دعا، باز نمی گرداند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قضا را جز دعا، باز نمی گرداند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعا، سپاهی از سپاهیان آماده خدای متعال است که قضا را [حتّی] پس از قطعی شدن، باز می گرداند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای فرزندانم! بسیار دعا کن ؛ زیرا دعا [حتّی] حکم حتمی شده را باز می گرداند .



عنه صلى الله عليه وآله: لا يُغني حَذْرٌ مِنْ قَدَرٍ، وَالِدُعَاءُ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَمِمَّا لَمْ يَنْزِلْ. (1)

الإمام علي عليه السلام: الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ الْمُبْرَمَ، فَاتَّخِذُوهُ عُدَّةً. (2)

عنه عليه السلام\_ في نِهَآيَةِ كِتَابِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ : أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَدُنْيَاكَ ، وَأَسْأَلُهُ خَيْرَ الْقَضَاءِ لَكَ فِي الْعَاجِلَةِ وَالْآجِلَةِ ، وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَالسَّلَامُ . (3)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي الْأَزْلَ (4) وَاللَّأْوَاءَ (5) ، وَالْبَلْوَى وَسُوءَ الْقَضَاءِ ، وَشِمَاتَةَ الْأَعْدَاءِ ، وَمَنْظَرَ السُّوءِ فِي نَفْسِي وَمَالِي . (6)

الإمام زين العابدين والإمام الباقر عليهما السلام: الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ الَّذِي أُبْرِمَ إِبْرَامًا . (7)

الكافي عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام ، قال: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي : أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ لَمْ يَسْتَنْ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؟ قُلْتُ : بَلَى . قَالَ : الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا \_ وَصَمَّ أَصَابِعُهُ \_ . (8)

- 1- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 669 ح 1813 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 66 ح 2498 ، مسند الشهاب : ج 2 ص 49 ح 859 کلها عن عائشة ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 242 ح 22105 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 104 ح 201 كلاهما عن معاذ بن جبل وفيهما «لن ينفع» بدل «لا يغني»، كنز العمال: ج 1 ص 133 ح 627.
- 2- .الخصال : ص 620 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 110 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 98 .
- 3- .نهج البلاغة : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 88 ، أعلام الدين : ص 289 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 233 .
- 4- .الأزل : الشدة والضيق ، وقد أزل الرجل : أي صار في ضيقٍ وجذب (النهاية : ج 1 ص 46 «أزل»).
- 5- .اللأواء : الشدة وضيق المعيشة (النهاية : ج 4 ص 221 «لأو»).
- 6- .الكافي : ج 2 ص 525 ح 12 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 291 ح 52 .
- 7- .الاختصاص : ص 228 عن أبي حمزة الثمالي ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 237 ح 2571 ، فلاح السائل : ص 76 ح 12 عن علي بن عتبة .
- 8- .الكافي : ج 2 ص 470 ح 6 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 9 ح 1986 عن عبد الله بن سنان ، عده الداعي : ص 13 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حذر و احتیاط، جلوگیری از قَدَر نمی کند؛ ولی دعا درباره آنچه فرود آمده و آنچه فرود نیامده، سود می بخشد.

امام علی علیه السلام: دعا [حتی] قضای حتمی شده را باز می گرداند. پس، آن را ساز و برگ خود سازید.

امام علی علیه السلام در انتهای نامه اش به فرزندش حسن علیه السلام: دین و دنیای تو را به خداوند می سپارم، و از او درباره تو بهترین قضا را در حال و آینده و دنیا و آخرت، درخواست می کنم. والسلام.

امام علی علیه السلام: خدایا! سختی و تنگ دستی، و گرفتاری و قضای بد، و شماتت دشمنان، و چشم بد را از جان و مالم دور گردان.

امام زین العابدین و امام باقر علیهما السلام: دعا [حتی] قضایی را که قطعی شده است، باز می گرداند.

الکافی: به نقل از زراره: امام [باقر علیه السلام] به من فرمود: «آیا تو را به چیزی که پیامبر خدا در آن استثنایی قرار نداده است، (1) راه نمایی نکنم؟». گفتم: چرا. فرمود: «دعا، قضا را باز می گرداند، هر چند قطعی شده باشد» و [برای نشان دادن قطعیت قضا] انگشتانش را به هم چسباند.

---

1- .. یعنی هیچ موردی را از آن استثنا نکرده است. یا: خواست خداوند را استثنا نکرد و فرمود: إن شاء الله.

الكافي عن حماد بن عثمان: سَمِعْتُهُ (1) عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ القَضَاءَ، يَنْقِضُهُ كَمَا يُنْقِضُ السَّلْكَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامَا. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: الدُّعَاءُ يَرُدُّ القَضَاءَ بَعْدَ مَا أُبْرِمَ إِبْرَامَا، فَأَكْثَرَ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ مِفْتَاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَنَجَاحُ كُلِّ حَاجَةٍ، وَلَا يُبَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ إِلَّا بِالدُّعَاءِ وَإِنَّهُ لَيْسَ بِأَبْ يُكْتَرُ قَرَعُهُ، إِلَّا يَوْشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ. (3)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ لِيَدْفَعَ بِالدُّعَاءِ الأَمْرَ الَّذِي عَلِمَهُ أَنْ يُدْعَى لَهُ فَيَسْتَجِيبُ، وَلَوْلَا مَا وَفَّقَ العَبْدُ مِنْ ذَلِكَ الدُّعَاءِ، لَأَصَابَهُ مِنْهُ مَا يَجُتُّهُ مِنْ جَدِيدِ الأَرْضِ (4). (5)

عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ القَضَاءَ وَقَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ، وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامَا. (6)

الكافي عن عمر بن يزيد: سَمِعْتُ أبا الحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ مَا قَدَّ قَدَّرَ وَمَا لَمْ يَقْدَرْ. قُلْتُ: وَمَا قَدَّ قَدَّرَ عَرَفْتُهُ، فَمَا لَمْ يَقْدَرْ؟ قَالَ: حَتَّى لَا يَكُونَ. (7)

الإمام الهادي عليه السلام: فِي قُنُوتِهِ \_ :اللَّهُمَّ أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ، وَامْتَحِنَا النَّصْرَ، وَأَعِدْنَا مِنْ سَوْءِ البَدَاءِ وَالْعَاقِبَةِ وَالْخَيْرِ (8). (9)

1- .هكذا جاء مضمرا .

2- .الكافي : ج 2 ص 469 ح 1، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 12 ح 2006، بحار الأنوار : ج 9 ص 295 ح 32.

3- .الكافي : ج 2 ص 470 ح 7 عن عبد الله بن سنان، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 9 ح 1986، فلاح السائل : ص 76 ح 12 .

4- .جَنَّتْهُ: قَلَعَهُ. والجديدُ: وَجْهُ الأَرْضِ (الصحاح : ج 1 ص 277 «جثث»، وج 2 ص 454 «جدد»).

5- .الكافي : ج 2 ص 470 ح 9 عن إسحاق بن عمّار، وسائل الشيعة : ج 4 ص 1093 ح 7 .

6- .الكافي : ج 2 ص 469 ح 3 عن بسطام الزيّات، وسائل الشيعة : ج 4 ص 1093 ح 3 .

7- .الكافي : ج 2 ص 469 ح 2، الاختصاص : ص 219، عدّة الداعي : ص 12، وسائل الشيعة : ج 4 ص 1093 ح 5 .

8- .الخَيْرُ \_ بفتح فسكون \_ : شبه الغدر، وقيل : هو الخديعة بعينها (تاج العروس : ج 6 ص 329 «ختر»).

9- .بحار الأنوار : ج 85 ص 227 نقلاً عن مهج الدعوات : ص 82 وفيه «البدار» بدل «البداء» .

الکافی\_ به نقل از حماد بن عثمان \_ : از او [امام صادق علیه السلام] شنیدم که می فرمود : «همانا دعا، قضا را باز می گرداند [و] آن را و می گشاید، همان طوری که رشته [ی تابیده] واگشوده می شود، هر چند محکم شده باشد .

امام صادق علیه السلام : دعا، قضا را پس از آن که محکم شده باشد، باز می گرداند . پس، بسیار دعا کن که آن، کلید هر رحمت و برآورده کننده هر حاجتی است ، و آنچه نزد خداوند عز و جلاست، جز با دعا به دست نمی آید و هیچ دری نیست که بسیار کوبیده شود ، مگر آن که به زودی به روی کوبنده آن، گشوده شود .

امام صادق علیه السلام : همانا خداوند عز و جل با دعا چیزی (بلائی) را دفع می کند که می داند به خاطر آن، از او درخواست می شود و او نیز اجابت می کند . و اگر بنده موقّق به آن دعا نشده بود، به یقین، از ناحیه آن بلا، چیزی بدو می رسید که او را از صفحه زمین بر می داشت .

امام صادق علیه السلام : همانا دعا، قضا را باز می گرداند، هر چند از آسمان، فرود آمده و حتمی شده باشد .

الکافی\_ به نقل از عمر بن یزید \_ : از ابو الحسن (امام کاظم علیه السلام) شنیدم که می فرمود : «همانا دعا ، امور مقدر شده و مقدر نشده را باز می گرداند» . گفتم : [بازگرداندن] مقدر شده را فهمیدم . مقدر نشده چه طور؟ فرمود : «[بازگرداندنش به این است] که مقدر نشود» .

امام هادی علیه السلام\_ در قنوتش \_ : خدایا! ما را از [ نعمت] سپاس گزاری، بهره مند فرما ، و پیروزی را نصیبمان گردان ، و ما را از بدی بداد و فرجام و نیرنگ، نگه دار .

6 / 4 صِلَةُ الْأَرْحَامِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صِلَةُ الْقَرَابَةِ مَثْرَاءُ فِي الْمَالِ، مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ، مَنَسَاءٌ فِي الْأَجْلِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ سَرَّهُ النَّسَاءُ فِي الْأَجْلِ، وَالرِّيَازَةُ فِي الرِّزْقِ، فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ . (2)

تفسير العياشي عن الحسين بن زيد بن علي عن جعفر بن محمد عن أبيه عليهما السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الْمَرْءَ لَيَصِلُ رَحِمَهُ وَمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا ثَلَاثُ سِنِينَ، فَيَمُدُّهَا اللَّهُ إِلَى ثَلَاثٍ وَثَلَاثِينَ سَنَةً، وَإِنَّ الْمَرْءَ لَيَقْطَعُ رَحِمَهُ وَقَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ سَنَةً، فَيَقْضِ رُهَا اللَّهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ أَوْ أَدْنَى. قَالَ الْحُسَيْنُ [بن زيد]: وَكَانَ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (3) . (4)

الإمام علي عليه السلام\_ كَانَ يَقُولُ \_: إِنَّ أَفْضَلَ مَا يَتَوَسَّلُ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ... وَصِلَةُ الرَّحِمِ فَإِنَّهَا مَثْرَاءُ فِي الْمَالِ، وَمَنَسَاءٌ فِي الْأَجْلِ . (5)

1- .المعجم الأوسط : ج 8 ص 14 ح 7810 عن عمرو بن سهل ، كنز العمال : ج 3 ص 358 ح 6925 ؛ قرب الإسناد : ص 355 ح 1272 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 102 ح 58 .

2- .الكافي : ج 2 ص 152 ح 16 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 74 ص 121 ح 84 ؛ مسند ابن حنبل : ج 8 ص 328 ح 22463 عن ثوبان ، المصنّف لعبد الرزاق : ج 11 ص 172 ح 20235 عن أبي إسحاق ، كنز العمال : ج 3 ص 365 ح 6967 .

3- .الرعد : 39 .

4- .تفسير العياشي : ج 2 ص 220 ح 75 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 121 ح 66 ؛ كنز العمال : ج 3 ص 357 ح 6920 نقلاً عن أبي الشيخ عن ابن عمرو نحوه .

5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 205 ح 613 ، علل الشرائع : ص 247 ح 1 عن إبراهيم بن عمر ، الأمالي للطوسي : ص 216 ح 380 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام ، تحف العقول : ص 149 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 398 ح 21 .

4 / 6 صله رحم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صله رحم، موجب افزایش دارایی، دوستی در خاندان، و تأخیر در آجل است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که تأخیر در آجل و زیادی در روزی، خوش حالش می کند، باید صله رحم نماید.

تفسیر العیاشی\_ به نقل از حسین بن زید بن علی \_ : امام صادق علیه السلام از پدرش نقل نمود که پیامبر خدا فرمود: «همانا فردی صله رحم می کند، در حالی که جز سه سال از عمرش باقی نمانده است. آن گاه خداوند، آن سه سال را تا سی و سه سال افزایش می دهد. نیز فردی قطع رحم می کند، در حالی که از عمرش سی و سه سال باقی مانده است. آن گاه خداوند، آن سی و سه سال را به سه سال یا کمتر کاهش می دهد». امام صادق علیه السلام پیوسته این آیه را تلاوت می نمود: «خدا آنچه را بخواهد، محو می کند یا باقی می گذارد و البتّه اصل کتاب، نزد اوست».

امام علی علیه السلام\_ می فرمود \_ : همانا بهترین چیزهایی که توسّل جویندگان به آنها متوسّل می شوند، ایمان به خدا و پیامبرش ... و صله رحم است؛ زیرا صله رحم، مایه فراوانی دارایی و تأخیر در آجل است.

عنه عليه السلام: صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُشِيرُ الْأَمْوَالَ، وَتُنْسِي فِي الْأَجَالِ. (1)

عنه عليه السلام: صِلَةُ الرَّحِمِ تُوسِّعُ الْأَجَالَ، وَتُنَمِّي الْأَمْوَالَ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ، وَتُنَمِّي الْأَمْوَالَ، وَتَدْفَعُ الْبَلْوَى، وَتُسِّرُّ الْحِسَابَ، وَتُنْسِي فِي الْأَجَلِ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ، فَفِي صَلَاتِهَا مَنَسَةٌ فِي الْأَجَلِ، وَزِيَادَةٌ فِي الْعَدَدِ. (4)

5 / 6 الصَّدَقَةُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِالصَّدَقَةِ تُفْسَحُ الْأَجَالَ. (5)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَيْسَى رُوحَ اللَّهِ مَرَّ بِقَوْمٍ مُجَلِّبِينَ (6) فَقَالَ: مَا لَهُمْ هَذَا؟ قِيلَ: يَا رُوحَ اللَّهِ، إِنَّ فُلَانَةَ بِنْتَ فُلَانٍ تَهْدِي إِلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فِي لَيْلَتِهَا هَذِهِ. قَالَ: يُجَلِّبُونَ الْيَوْمَ وَيَبْكُونَ غَدًا، فَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ: وَلِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: لِأَنَّ صَاحِبَتَهُمْ مَيِّتَةٌ فِي لَيْلَتِهَا هَذِهِ! فَقَالَ الْقَائِلُونَ بِمَقَالَتِهِ: صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ، وَقَالَ أَهْلُ النَّفَاقِ: مَا أَقْرَبَ غَدًا! فَلَمَّا أَصْبَحُوا جَاؤُوا فَوَجَدُوهَا عَلَى حَالِهَا لَمْ يَحْدُثْ بِهَا شَيْءٌ. فَقَالُوا: يَا رُوحَ اللَّهِ إِنَّ الَّتِي أَخْبَرْتَنَا أَمْسَ أَنَّهَا مَيِّتَةٌ لَمْ تَمُتْ! فَقَالَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ، فَاذْهَبُوا بِنَا إِلَيْهَا. فَذْهَبُوا يَتَسَابِقُونَ حَتَّى قَرَعُوا الْبَابَ، فَخَرَجَ زَوْجُهَا فَقَالَ لَهُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: اسْتَأْذِنْ لِي عَلَى صَاحِبَتِكَ، قَالَ: فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَأَخْبَرَهَا أَنَّ رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ بِالْبَابِ مَعَ عِدَّةٍ، قَالَ: فَتَخَدَّرَتْ، فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَقَالَ لَهَا: مَا صَدَّعَتْ لَيْلَتِكَ هَذِهِ؟ قَالَتْ: لَمْ أَصْنَعْ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ كُنْتُ أَصْنَعُهُ فِيمَا مَضَى، إِنَّهُ كَانَ يَعْتَرِينَا سَائِلٌ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ فَنُنِيْلُهُ مَا يَقُوْنُهُ إِلَى مِثْلِهَا، وَإِنَّهُ جَاءَنِي فِي لَيْلَتِي هَذِهِ وَأَنَا مَشْغُولَةٌ بِأَمْرِي وَأَهْلِي فِي مَشَاغِلِ (7) فَهَتَفَ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ، ثُمَّ هَتَفَ فَلَمْ يُجِبْ، حَتَّى هَتَفَ مَرَارًا، فَلَمَّا سَمِعْتُ مَقَالَتَهُ قُمْتُ مُتَنَكِّرَةً حَتَّى أَنْلَتْهُ كَمَا كُنَّا نُنِيْلُهُ. فَقَالَ لَهَا: تَنْحِي عَن مَجْلِسِكَ، فَإِذَا تَحَتَّ ثِيَابُهَا أَفْعَى مِثْلُ جِذْعَةِ عَاضٍ عَلَى ذَنْبِهِ! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِمَا صَنَعْتَ صُرِفَ عَنكَ هَذَا. (8)

1- غرر الحكم: ج 4 ص 207 ح 5847، عيون الحكم والمواعظ: ص 303 ح 5375.

2- غرر الحكم: ج 4 ص 215 ح 5878.

3- الكافي: ج 2 ص 150 ح 4 عن أبي حمزة، تحف العقول: ص 299، بحار الأنوار: ج 74 ص 111 ح 71.

4- روضة الواعظين: ص 156، بحار الأنوار: ج 35 ص 107 ح 34.

5- غرر الحكم: ج 5 ص 212 ح 4239، عيون الحكم والمواعظ: ص 187 ح 3839.

6- الجلبية: الأصوات، وقيل: اختلاط الأصوات، والجلب: الجلبة في جماعة الناس، من الصياح (لسان العرب: ج 1 ص 269 «جلب»).

7- في المصدر: «مشاغل»، والتصويب من بحار الأنوار.

8- الأمالي للصدوق: ص 589 ح 816 عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 4 ص 94 ح 1.

امام علی علیه السلام: صله رحم، دارایی ها را زیاد می کند و اجل ها را به عقب می اندازد.

امام علی علیه السلام: صله رحم، عمرها را افزایش و دارایی ها را رشد می دهد.

امام باقر علیه السلام: صله رحم، عمل ها را پاکیزه می نماید و دارایی ها را رشد می دهد و بلاها را دفع می کند و حساب را آسان می گرداند و اجل را به تأخیر می اندازد.

امام صادق علیه السلام: صله رحم کنید؛ زیرا صله رحم، باعث تأخیر اجل و افزایش سال های عمر می شود.

6 / 5 صدقه امام علی علیه السلام: به واسطه صدقه، اجل ها توسعه می یابند.

امام صادق علیه السلام: عیسی روح الله، بر قومی گذشت که فریاد و هلهله می کردند. پرسید: «اینان را چه شده است؟». گفته شد: ای روح الله! امشب، فلانی دختر فلانی، به عروسی فلانی پسر فلانی در می آید. گفت: «امروز، فریاد و هلهله سر می دهند و فردا گریه می کنند». یکی از آنان گفت: چرا، ای فرستاده خدا؟ گفت: «زیرا امشب، عروس آنان خواهد مُرد». گفتند: خدا و فرستاده او راست می گویند. منافقان گفتند: فردا نزدیک است! صبح که شد، آمدند و عروس را زنده یافتند، و هیچ اتفاقی برایش نیفتاده بود. گفتند: ای روح الله! آن که دیروز خبر دادی می میرد، نمرده است! عیسی علیه السلام گفت: «خدا هر چه بخواهد، انجام می دهد». ما را نزد او (عروس) ببرید. پس در حالی که از همدیگر سبقت می گرفتند، رفتند تا [به خانه عروس رسیدند و] در زدند. شوهرش بیرون آمد. عیسی علیه السلام به او گفت: «از همسرت برای من اجازه بگیر». شوهر، نزد همسرش آمد و به او خبر داد که روح و کلمه خدا [عیسی علیه السلام] با گروهی، پشت در هستند. همسرش خود را پوشاند. آن گاه عیسی علیه السلام وارد شد و به او گفت: «دیشب چه کار [خیری [انجام دادی؟]». گفت: کاری انجام ندادم، مگر همان کاری که در گذشته نیز انجام می دادم. هر شب جمعه، نیازمندی می آمد و ما غذای او را تا شب جمعه بعدی می دادیم. دیشب هم آمد، در حالی که من و خانواده ام سرگرم کارهای خود بودیم. او صدا زد؛ ولی کسی جوابش را نداد. دوباره صدا زد؛ ولی جواب نشنید، تا این که بارها صدا زد. وقتی سخنش را شنیدم، برخاستم و به صورت ناشناخته، همان طور که در گذشته به او غذا می رساندیم، غذا را به او رساندم. [عیسی علیه السلام] به او گفت: «از جای کنار رو». [او از جایش کنار رفت] ناگهان از زیر لباس او یک افعی چون تنه درخت پدیدار گشت که دمش را به دندان گرفته بود. [عیسی علیه السلام] گفت: «به خاطر آنچه انجام دادی، این افعی از تو باز داشته شده است».



عنه عليه السلام: مَرَّ يَهُودِيٌّ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: السَّامُ عَلَيْكَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكَ، فَقَالَ أَصْحَابُهُ: إِنَّمَا سَدَّ لِمَ عَلَيْكَ بِالْمَوْتِ، قَالَ: الْمَوْتُ عَلَيْكَ. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَكَذَلِكَ رَدَدْتُ. ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ هَذَا الْيَهُودِيَّ يَعْضُهُ أُسُودٌ فِي قَفَاهُ فَيَقْتُلُهُ. قَالَ: فَذَهَبَ الْيَهُودِيُّ فَاحْتَطَبَ حَطْبًا كَثِيرًا فَاحْتَمَلَهُ ثُمَّ لَمْ يَلْبَثْ أَنْ انصَرَ بَرَفًا. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ضَعَهُ، فَوَضَعَ الْحَطَبَ فَإِذَا أُسُودٌ فِي جَوْفِ الْحَطَبِ عَاصُ عَلَى عَوْدٍ، فَقَالَ: يَا يَهُودِيٌّ، مَا عَمِلْتَ الْيَوْمَ؟ قَالَ: مَا عَمِلْتُ عَمَلًا إِلَّا حَطْبِي هَذَا، احْتَمَلْتُهُ فَجِئْتُ بِهِ، وَكَانَ مَعِيَ كَعَكَّتَانِ، فَأَكَلْتُ وَاحِدَةً وَتَصَدَّقْتُ بِوَاحِدَةٍ عَلَى مِسْكِينٍ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بِهَا دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ. وَقَالَ: إِنَّ الصَّدَقَةَ تَدْفَعُ مِيتَةَ السَّوِّءِ عَنِ الْإِنْسَانِ. (1)

---

1- الكافي: ج 4 ص 5 ح 3 عن سالم بن مكرم، بحار الأنوار: ج 4 ص 121 ح 67.

امام صادق علیه السلام: یهودی ای از کنار پیامبر صلی الله علیه و آله گذر کرد و گفت: السّام علیک (مرگ بر تو). پیامبر خدا فرمود: «علیک (بر تو باد)». یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: با مرگ، به تو سلام کرد و گفت: مرگ بر تو! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من نیز همان گونه جوابش دادم». پیامبر صلی الله علیه و آله سپس فرمود: «گردن این یهودی را مار سیاهی، از پشت می گزد و او را می کشد». یهودی رفت و هیزم بسیاری جمع کرد و بر پشت خود نهاد. سپس زمانی نگذشت که باز گشت. پیامبر خدا به او فرمود: «بارت را زمین بگذار». او هیزم ها را زمین گذاشت. ناگهان مار سیاهی که در درون هیزم ها چوبی را به دندان گرفته بود، پیدا شد. [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود: «ای یهودی! امروز، چه کرده ای؟». گفت: جز جمع آوری این هیزم ها کاری نکرده ام، آن را بار پشتم کردم و آوردم، در حالی که دو قرص نان، همراهم بود: یکی از آن دو را خودم خوردم و دیگری را به مسکینی صدقه دادم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به خاطر همان، خداوند، [این مار سیاه را] از او دفع کرد» و فرمود: «همانا صدقه، مرگ بد را از انسان برطرف می کند».

الإمام العسكري عليه السلام في الدعاء - يا مَنْ يَرُدُّ بِالطَّفِ الصَّدَقَةَ وَالِدُعَاءِ ، عَنِ أَعْنَانِ السَّمَاءِ ، مَا حُتِمَ وَأُبْرِمَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ . (1)

6 / 6 الرضا بالقضاء الإمام الصادق عليه السلام: كان في بني إسرائيل نبي وعده الله... النصر إلى خمس عشرة سنة، فأخبر بذلك النبي قومه فقالوا: ما شاء الله، فعجله الله لهم في خمس عشرة ليلة. (2)

راجع: موسوعة العقائد الإسلامية: ج 6 (الفصل الثاني عشر: الرضا بالقضاء والقدر).

6 / 7 عدل السلطان الإمام الصادق عليه السلام: إن الله عز وجل جعل لمن جعل له سلطاناً أجلاً ومدةً من ليالٍ وأيامٍ وسنينٍ وشهورٍ، فإن عدلوا في الناس أمر الله عز وجل صاحب الفلك (3) أن يبطن بإدارته فطالت أيامهم ولياليهم وسنينهم وشهورهم، وإن جاروا في الناس ولم يعدلوا أمر الله تبارك وتعالى صاحب الفلك فأسرع بإدارته فقصرت لياليهم وأيامهم وسنينهم وشهورهم، وقد وفي عز وجل لهم بعدد الليالي والشهور. (4)

- 
- 1- البلد الأمين: ص 60، مصباح المتهجد: ص 229 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، المصباح للكفعمي: ص 113، بحار الأنوار: ج 86 ص 175 ح 45.
  - 2- الإمامة والتبصرة: ص 235 ح 86 عن إسحاق بن عمار، بحار الأنوار: ج 4 ص 112 ح 32.
  - 3- لعل المراد تسيب أسباب زوال دولتهم، على الاستعارة التمثيلية (مرآة العقول: ج 26 ص 21).
  - 4- الكافي: ج 8 ص 271 ح 400 عن أبي إسحاق، علل الشرائع: ص 566 ح 1، بحار الأنوار: ج 58 ص 271 ح 57.

**6 / 6 خشنودی به قضا****6 / 7 دادگری فرمانروا**

امام عسکری علیه السلام در دعا: ای کسی که با کمترین صدقه و دعا، قضای بدِ حتمی را از پهنه آسمان، باز می گرداند!

6 / 6 خشنودی به قضا امام صادق علیه السلام: در میان بنی اسرائیل، پیامبری بود که خداوند به او وعده داد... پانزده سال دیگر پیروزی اش خواهد داد. پس آن پیامبر، خبر را به قومش داد. گفتند: هر چه خدا خواهد! و خداوند، پانزده سال را به پانزده شب، تقلیل داد.

ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 9 ص 113 (عدالت خداوند / فصل دوازدهم: خشنودی به قضا و قدر).

6 / 7 دادگری فرمانروا امام صادق علیه السلام: خداوند برای کسی که به او شهریاری داده، مدّت و زمان معینی از شب ها و روزها و سال ها و ماه ها قرار داده است. اگر در میان مردم، دادگری کنند، خداوند عز و جل فلک دار را فرمان می دهد که چرخش فلک را کند نماید و در نتیجه، روزها و شب ها و سال ها و ماه های آنان دراز می گردد، و اگر در میان مردم، ستمگری کنند و دادگری نوزند، خداوند \_ تبارک و تعالی \_ به فلک دار فرمان می دهد و او چرخش آن را سرعت می بخشد و شب ها و روزها و سال ها و ماه های آنان کوتاه می گردد، و این چنین خداوند عز و جل به تعداد شب ها و ماه های معین در باره آنان هم وفا کرده است.

6 / 8 زيارة الحُسنِ بنِ عليهِ السلامِ إمامِ الباقرِ عليه السلام: مُروا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَإِنَّ إِيَابَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَيَمُدُّ فِي الْعُمُرِ، وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السَّوَاءِ (1)، وَإِيَابَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لَهُ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ. (2)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ قُتِلَ مَظْلُومًا مَكْرُوبًا عَطْشَانًا لَهْفَانًا، وَحَقَّقَ عَلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ (3) أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ وَلَا مَكْرُوبٌ وَلَا مَذْنِبٌ وَلَا مَغْمُومٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا ذُو عَاهَةٍ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَتَقَرَّبَ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ، إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَأَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَغَفَرَ ذَنْبَهُ وَمَدَّ فِي عُمُرِهِ وَبَسَطَ فِي رِزْقِهِ، فَاعْتَبِرُوا يَا أَوْلِيَاءَ الْبَصَارِ. (4)

كامل الزيارات عن عبد الملك الخثعمي عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي: يَا عَبْدَ الْمَلِكِ، لَا تَدَعِ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمُرَّ أَصْحَابِكَ بِذَلِكَ؛ يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمُرِكَ، وَيَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ، وَيُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيدًا وَلَا تَمُوتُ إِلَّا سَعِيدًا وَيَكْتُبُكَ سَعِيدًا. (5)

1- في كتاب من لا يحضره الفقيه والأماشي للصدوق: «فإنَّ زيارته تدفع الهدم والغرق والحرق وأكل السبع» بدل «فإنَّ إِيَابَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمُدُّ فِي الْعُمُرِ وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السَّوَاءِ».

2- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 42 ح 86، كامل الزيارات: ص 284 ح 456، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 582 ح 3177، الأماشي للصدوق: ص 206 ح 226، المزار للمفيد: ص 26 ح 1 والثلاثة الأخيرة نحوه وكلها عن محمد بن مسلم.

3- في بحار الأنوار وبعض نسخ المصدر: «فألقى الله عز وجل على نفسه» بدل «وَحَقَّقَ عَلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ».

4- كامل الزيارات: ص 313 ح 531 عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 101 ص 46 ح 5.

5- كامل الزيارات: ص 286 ح 461، بحار الأنوار: ج 101 ص 47 ح 12.

## 6 / 8 زیارت امام حسین علیه السلام

8 / 6 زیارت امام حسین علیه السلام امام باقر علیه السلام: شیعیان ما را به زیارت حسین علیه السلام فرمان دهید؛ زیرا رفتن به زیارت او، روزی را زیاد و عمر را طولانی می کند و حوادث بد را دفع می نماید. رفتن به زیارت او، بر هر مؤمنی که به امامت او از جانب خداوند عز و جل اعتراف دارد واجب گشته است.

امام باقر علیه السلام: همانا حسین کربلا، مظلومانه، غمگانه، تشنه کام و اندوهناک، کشته شد و خداوند عز و جل بر خود، لازم می داند که هر اندوهگین و غمگین و گنهکار و غصّه دار و تشنه کام و بیماری را که به زیارت وی آید و در آن جا دعا کند و به وسیله حسین علیه السلام به خداوند عز و جل تقرّب جوید، غمش را برطرف نماید و خواسته اش را بدهد و گناهِش را بیامرزد و عمرش را طولانی کند و در روزی اش توسعه بخشد. پس \_ ای صاحبان اندیشه \_ پند بگیرید.

کامل الزیارات \_ به نقل از عبد الملك خثعمی \_ : امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای عبد الملك! زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترك نکن و یارانت را بدان امر کن، که خداوند، عمرت را طولانی و روزی ات را زیاد می کند و زندگی همراه با سعادت به تو می بخشد و جز سعادت مند نمی میری و تو را سعادت مند، می نویسد».

تهذيب الأحكام عن منصور بن حازم (1)، قال: تهذيب الأحكام عن منصور بن حازم (2)، قال: سمعته (3) عليه السلام يقول: من أتى عليه حول لم يأت قبر الحسين عليه السلام بقصص الله من عمره حولاً. ولو قلت: إن أحدكم يموت قبل أجله بثلاثين سنة لكنت صادقاً؛ وذلك أنكم تتركون زيارته. فلا تدعوها، يمدد الله في أعماركم، ويزيد في أرزاقكم، وإذا تركتم زيارته نقص الله من أعماركم وأرزاقكم، فتنافسوا في زيارته ولا تدعوا ذلك؛ فإن الحسين بن علي عليه السلام شاهد لكم عند الله تعالى وعند رسوله وعند علي وعند فاطمة صلوات الله عليهم أجمعين. (4)

6 / 9 تلك الأسباب رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (5) \_ :الصدقة واصطناع المعروف وصلته الرحم وبر الوالدين، تحول الشقاء سعادة، ويزيد من العمر، وتقي مصارع السوء. (6)

الأمامي للشجري عن الأوزاعي: دخلت المدينة مدينة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: فقلت: من هاهنا من الفقهاء؟ فقالوا: محمد بن المنكدر، ومحمد بن المبرور، ومحمد بن علي - يعني ابن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام - فقلت في نفسي: ليس من هؤلاء أحق أن يبدأ به من ابن رسول الله صلى الله عليه وآله، فأتيته وقلت: يا ابن رسول الله، أخبرني عن قول الله عز وجل: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ». فقال: أخبرني أبي عن جدي عن علي عليه السلام، أنه سأل النبي صلى الله عليه وآله، فقال النبي صلى الله عليه وآله: لا بشرتك يا علي بها، تبشر أمتي من بعدي، وهي: الصدقة على وجهها، وبر الوالدين، واصطناع المعروف، وصلته الرحم، تحول الشقاء سعادة، وتزيد في العمر، وتقي مصارع السوء. 7

- 1- منصور بن حازم البجلي؛ قال النجاشي: كوفي، ثقة، عين، صدوق، من جملة أصحابنا وفقهائهم (رجال النجاشي: ج 2 ص 352 الرقم 1102).
- 2- كذا ورد في المصدر مضمراً.
- 3- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 43 ح 91، كامل الزيارات: ص 284 ح 457، المزار للمفيد: ص 32 ح 2، بحار الأنوار: ج 101 ص 46 ح 11.
- 4- الرعد: 39.
- 5- الفردوس: ج 5 ص 262 ح 8130 عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج 2 ص 443 ح 4450 نقلاً عن ابن مردويه عن الأوزاعي عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه.
- 6- الأمالي للشجري: ج 2 ص 124.

## 6 / 9 این چند عامل

تهذیب الأحكام\_ به نقل از منصور بن حازم\_ : از او (امام صادق یا کاظم علیهما السلام) شنیدم که می فرمود : «هر کس سال بر او بگذرد و قبر حسین علیه السلام را زیارت نکند، خداوند، از عمرش يك سال می کاهد و اگر بگویم که یکی از شما سی سال پیش از اجلاس می میرد، به یقین، راست گفته ام. این، بدان جهت است که شما زیارت او را ترك می کنید . بنا بر این ، زیارت او را ترك نکنید تا خداوند، عمرهایتان را طولانی و روزی هایتان را زیاد کند، و هر گاه زیارت او را ترك نمودید، خداوند از عمرهایتان و روزی هایتان می کاهد. پس در زیارتش از یکدیگر سبقت بگیرید و آن را ترك نکنید ؛ چرا که حسین بن علی علیهما السلام برای شما نزد خدای متعال و پیامبرش و نزد علی و نزد فاطمه \_ که درود خدا بر همه ایشان باد \_ گواه است» .

6 / 9 و این چند عامل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ در باره این سخن خدای متعال : «خدا آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند ، و اصل کتاب، نزد اوست» \_ صدقه و کار نیک و صله رحم و نیکی به پدر و مادر ، بدبختی را به سعادت مندی تبدیل می کنند ، عمر را افزایش می دهند ، و از مرگ های بد، جلوگیری می کنند .

الأمالی ، شجری\_ به نقل از اوزاعی \_ : وارد مدینه، شهر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شدم و گفتم : این جا از فقیهان ، چه کسانی هستند؟ گفتند : محمد بن مُنکدر ، محمد بن مبشر ، و محمد بن علی (یعنی علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام) . پیش خود گفتم : برای آغاز کردن، هیچ يك از اینها، از فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شایسته تر نیست . پس نزد او (امام باقر علیه السلام ) آمدم و گفتم : ای فرزند پیامبر خدا! مرا درباره این سخن خداوند عز و جل آگاه ساز : «خدا آنچه را بخواهد، محو یا ثبت می کند ، و اصل کتاب، نزد اوست» . فرمود : «پدرم از جدّم از علی علیه السلام ، به من خبر داد که او از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : ای علی! همانا تو را به این [آیه] بشارت می دهم که تو اومت مرا پس از من، بشارت دهی ، و آن : صدقه دادن به طرز درست آن ، نیکی به پدر و مادر ، کار نیک ، و صله رحم است که بدبختی را به سعادت مندی تبدیل می کند ، عمر را افزایش می دهد و از مرگ های بد، جلوگیری می نماید» .



الإمام الباقر عليه السلام: بِرُّ الوَالِدَيْنِ ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ ، يَزِيدَانِ فِي الأَجَلِ . (1)

---

1- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 101 ح 97 عن الوصافي ، بحار الأنوار : ج 74 ص 83 ح 89 .

امام باقر علیه السلام: نیکی به پدر و مادر و صلہ رحم ، مهلت [عمر] را افزایش می دهند .

الفصل السابع : ما يوجب سوء البداء الكتاب «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ» . (1)

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» . (2)

«وَصَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» . (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله يقول الله عز وجل : ... ما من أهل قرية ، ولا أهل بيت ، ولا رجلٍ باديةٍ (4) ، كانوا على ما أحببت من طاعتي ، ثم تحولوا عنها إلى ما كرهت من معصيتي ، إلا تحولت لهم عما يحبون من رحمتي إلى ما يكرهون من غضبي . (5)

1- الرعد : 11 .

2- الأنفال : 53 .

3- النحل : 112 .

4- البداوة خلاف الحضرة ، وسميت البادية بادية لبروزها وظهورها ، وقيل للبرية بادية ؛ لكونها ظاهرة بارزة (تاج العروس : ج 19 ص 191 «بدو»).

5- كنز العمال : ج 16 ص 137 ح 44166 نقلاً عن ابن مردويه عن الإمام علي عليه السلام .

## فصل هفتم : عوامل بدای بد

فصل هفتم : عوامل بدای بدقرآن «در حقیقت ، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا این که آنان حال خود را تغییر دهند . و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد ، هیچ برگشتی برای آن نیست» .

«این [کیفر]، بدان سبب است که خداوند، نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته، تغییر نمی دهد ، مگر آن که آنان آنچه را در دل دارند، تغییر دهند ، و خدا شنوای داناست» .

«و خدای، شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزی اش از هر سو فراوان می رسید . پس، [ساکنانش] نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به [سزای] آنچه انجام می دادند ، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل می فرماید : « ... اهل هیچ آبادی و هیچ خانه ای ، و هیچ مرد بادیه نشینی نیست که مرا آن چنان که من دوست دارم، فرمانبری کند و سپس از آن حالت به آنچه ناخوش دارم، یعنی نافرمانی روی آورد ، مگر این که من نیز در برابر رحمتم \_ که خوشایند آنهاست \_ ، به خشمم \_ که نمی پسندند \_ ، روی آورم» .

عنه صلى الله عليه وآله: إذا جَارَ الْحَاكِمُ قَلَّ الْمَطْرُ، وَإِذَا غُرِّرَ (1) بِأَهْلِ الذَّمِّ ظَهَرَ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ، وَإِذَا ظَهَرَتِ الْفَوَاحِشُ كَانَتْ الرَّجْفَةُ، وَإِذَا قَلَّ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ اسْتَبِيحَ الْحَرِيمُ، وَإِنَّمَا هُوَ التَّبْدِيلُ، ثُمَّ التَّنْدِيرُ، ثُمَّ التَّدْمِيرُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا ظَهَرَ الزُّنَا كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ، وَإِذَا طُفِفَ الْمِكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ، وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالثَّمَارِ وَالْمَعَادِنِ، وَإِذَا جَارُوا فِي الْأَحْكَامِ تَعَاوَنُوا عَلَى الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ، وَإِذَا نَقَضُوا الْعُهُودَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ، وَإِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ، وَإِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ، وَلَمْ يَنْهَوْا عَنِ مُنْكَرٍ، وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: حَمَسٌ إِذَا أَدْرَكْتُمُوهُنَّ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّ مَنَهْنٌ: لَمْ تَظْهَرَ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُعْلِنُوهَا إِلَّا ظَهَرَ فِيهِمُ الطَّاعُونَ وَالْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ فِي أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضَوْا، وَلَمْ يَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَشَدَّتِ الْمَوْوِنَةَ وَجَوَّرَ السُّلْطَانَ، وَلَمْ يَمْنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا مَنَعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَلَوْلَا الْبَهَائِمُ لَمْ يُمَطَّرُوا، وَلَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّ وَعَهْدَ رَسُولِهِ إِلَّا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ فَأَخَذُوا بَعْضَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ، وَلَمْ يَحْكُمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا جَعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ. (4)

1- أَعْرَةَ: أَجَسَرَهُ (تاج العروس: ج 7 ص 307 «غرر»). ويقال: مَا غَرَّكَ بِفُلَانٍ؛ أَي كَيْفَ اجْتَرَأْتَ عَلَيْهِ. وكَمَا جَاءَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَأْتِيهَا الْأَنْسُ نُنَّ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» أَي مَا خَدَعَكَ بِرَبِّكَ وَحَمَلَكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ وَالْأَمْنِ مِنْ عِقَابِهِ؟! (راجع: لسان العرب: ج 5 ص 12 «غرر»).

2- إرشاد القلوب: ص 39؛ الفردوس: ج 1 ص 330 ح 1310 عن ابن عمر نحوه وليس فيه ذيله من «وإذا قل...»، كنز العمال: ج 11 ص 122 ح 30865.

3- ثواب الأعمال: ص 300 ح 1، الأمالي للصدوق: ص 385 ح 493 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام، الأمالي للطوسي: ص 210 ح 363 عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه وفيه «وجدت في كتاب علي بن أبي طالب عليه السلام».

4- ثواب الأعمال: ص 301 ح 2 عن أبان الأحمر عن الإمام الباقر عليه السلام؛ السيرة النبوية لابن هشام: ج 4 ص 280، حلية الأولياء: ج 8 ص 333، الفردوس: ج 5 ص 288 ح 8209 كلُّها عن ابن عمر.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه حاکم ستم کند، باران اندک می شود، و هر گاه به اهل ذمه خیانت شود، دشمنشان بر آنان چیره می گردد و هر گاه فحشا پدیدار شود، زلزله رخ می دهد، و هر گاه امر به معروف کم شود، حرام مباح می گردد و این، همان تبدیل شدن [نعمت ها به نعمت ها]، سپس پشت کردن [دنیا]، و سپس نابود گشتن است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه زنا آشکار شود، مرگ ناگهانی، بسیار می گردد و هر گاه کم فروشی شود، خداوند به قحط و کمبود، گرفتارشان می سازد و هر گاه از پرداخت زکات خودداری کنند، زمین [نیز] برکت هایش را (اعم از: کشت و میوه ها و معدن) باز می دارد و هر گاه در داوری ها ستم کنند، همدیگر را بر ستم و تجاوز یاری می رسانند و هر گاه پیمان ها را بشکنند، خداوند، دشمنشان را بر آنان چیره می سازد و هر گاه قطع رحم کنند، دارایی ها در دستان اشرا قرار می گیرد و هر گاه امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان اهل بیت پیروی ننمایند، خداوند، بدانسان را بر ایشان چیره می نماید، آن گاه نیکانشان دعا می کنند؛ ولی اجابت نمی شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز است که هر گاه به آنها گرفتار شدید، از آنها به خدا پناه برید: هرگز در میان قومی فحشا، پدیدار نگشت، که آن را علنی کرده باشند، مگر این که در بین آنان طاعون و دردهایی که در گذشتگان نشان نبود، پدید آمد؛ و در وزن و ترازو کم نگذاشتند، مگر این که به قحط و تنگ دستی شدید و ستم پادشاه گرفتار آمدند؛ و از پرداخت زکات خودداری نمودند، جز این که از بارش آسمان، محروم شدند و اگر حیوانات نبودند، باران نمی دیدند؛ و پیمان خداوند عز و جل و فرستاده اش را نشکستند، جز این که خداوند، دشمنشان را بر آنان چیره ساخت، به طوری که فقط بعضی از آنچه را که در دستانشان بود، در اختیار گرفتند؛ و به غیر آنچه خداوند نازل کرده بود، حکم نکردند، جز این که میانشان خشم و کین افکند.

عنه صلى الله عليه وآله: إذا كانت فيكم خمس رُمَيْتُم بِخَمْسٍ: إذا أكلتم الربا رُمَيْتُم بِالْخَسْفِ، وإذا ظهرَ فيكم الزنا أخذتم بِالْمَوْتِ، وإذا جازتِ الحُكَّامُ ماتتِ البهائمُ، وإذا ظلمَ أهلُ المِلَّةِ (1) ذهبَتِ الدَّوْلَةُ، وإذا تركتمُ السُّنَّةَ ظهرتِ البدعةُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا جازتِ الوُلاةُ قَحَطَتِ السَّمَاءُ، وإذا مُيعَتِ الزَّكَاةُ هَلَكَتِ المَوَاشِي، وإذا ظَهَرَ الزُّنَا ظَهَرَ الفَقْرُ وَالمَسْكَنَةُ، وإذا أُخْفِرَتِ (3) الدِّمَّةُ أُدِيلَ (4) الكُفَّارُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: ما نَقَضَ قَوْمٌ عَهْدَهُمْ إِلَّا سَلَّطَ عَلَيْهِمُ عَدُوَّهُمْ، وما جَارَ قَوْمٌ إِلَّا كَثُرَ القَتْلُ بَيْنَهُمْ، وما مَنَعَ قَوْمٌ الزَّكَاةَ إِلَّا حَسِسَ القَطْرُ عَنْهُمْ، ولا ظَهَرَتِ فِيهِمُ الفَاحِشَةُ إِلَّا فَشَا فِيهِمُ المَوْتُ، وما يُخْسِرُ قَوْمٌ المِكْيَالَ وَالمِيزَانَ إِلَّا أُخِذُوا بِالسِّنِينَ. (6)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا أَبْغَضَ المُسْلِمُونَ عُلَمَاءَهُمْ، وَأَظْهَرُوا عِمَارَةَ أَسْوَاقِهِمْ، وَتَنَاقَحُوا عَلَى جَمْعِ الدَّرَاهِمِ، رَمَاهُمُ اللهُ عِزًّا وَجَلَّ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالقَحْطِ مِنَ الزَّمَانِ، وَالجَوْرِ مِنَ السُّلْطَانِ، وَالخِيَانَةِ مِنَ وُلاةِ الأَحْكَامِ، وَالصَّوْلَةِ مِنَ العَدُوِّ. (7)

1- المِلَّةُ: الدِّينُ، كَمِلَّةِ الإِسْلامِ، والنَّصْرانيةِ، واليهوديةِ، وقيل: هي معظم الدِّينِ، وجملة ما يجيء به الرُّسُلُ (النهاية: ج 4 ص 360 «ملل»).

2- إرشاد القلوب: ص 71.

3- أخفرت الرُّجُلَ: إذا نقضت عهده وذمامه، والهزمة فيه للإزالة: أي أزلت خفارتَه (النهاية: ج 2 ص 52 «خفر»). وفي المصدر: «خُضِرَت»، والصواب ما أثبتناه.

4- الإدالة: الغلبة، يُقال: أُدِيلَ لنا على أعدائنا أي نُصِرنا عليهم، ومنه: (نُدالُ عليه ويُدالُ علينا) أي يغلبنا مرّةً ونغلبه أخرى (لسان العرب: ج 11 ص 252 «دول»).

5- شعب الإيمان: ج 6 ص 16 ح 7369 عن ابن عمر، الجامع الصغير: ج 2 ص 69 ح 4816.

6- إرشاد القلوب: ص 71؛ السنن الكبرى: ج 3 ص 483 ح 6397 نحوه.

7- المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 361 ح 7923 عن ابن أبي مليكة عن الإمام عليّ عليه السلام، كنز العمال: ج 16 ص 39 ح 43841.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه پنج چیز در میان شما بود، با پنج چیز، هدف قرار می گیرید: هر گاه ربا خوردید، به زمین، فرو برده می شوید؛ و هر گاه در میان شما زنا پدیدار گشت، گرفتار مرگ و میر می شوید؛ و هر گاه حاکمان ستم کردند، مرگ و میر در احشام می افتد؛ و هر گاه اهل آیین (پیروان ادیان آسمانی) مورد ستم قرار گرفتند، دولت نابود می گردد؛ و هر گاه سنت مرا رها کردید، بدعت پدید می آید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه فرمان روایان ستم کردند، خشک سالی پدید می آید و هر گاه از پرداخت زکات خودداری شود، احشام نابود می گردند و هر گاه زنا پدیدار شود، فقر و تنگ دستی شایع می گردد و هر گاه پیمان با اهل ذمه شکسته شود، کافران سلطه پیدا می کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ قومی پیمانشان را نشکستند، جز این که دشمنانشان بر آنان مسلط شدند، و هیچ قومی ستم نکردند، جز این که کشتار در بینشان رواج یافت، و هیچ قومی از پرداخت زکات خودداری نکردند، مگر این که از باران، محروم شدند، و فحشا در میان آنان، پدیدار نگشت، مگر این که مرگ و میر در بینشان گسترش یافت، و هیچ قومی در پیمان و وزن کردن، کم نگذاشتند، جز این که به قحطی گرفتار آمدند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مسلمانان، دانشمندانشان را دشمن بدارند و ساختمان های بازارشان را بلند کنند [و مال اندوزی را بر سایر کارها ترجیح دهند] او بر پایه انباشت ثروت، ازدواج نمایند، خداوند عز و جل آنان را با چهار چیز، هدف قرار می دهد: قحطی روزگار، ستم پادشاه، خیانت داوران (قاضیان)، و یورش دشمن.



عنه صلى الله عليه وآله: إذا ظلم أهل الذمة كانت الدولة دولة العدو، وإذا كثرت الزنا كثرت السبأ، وإذا كثرت اللوطية رفع الله عز وجل يده عن الخلق، فلا يُبالي في أيِّ وادٍ هلكوا. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا تبايعتم بالعينة (2)، وأخذتم أذناب البقر، ورضيتم بالزرع، وتركتم الجهاد، سَلَطَ اللهُ عَلَيْكُمْ ذُلًّا لَا يَنْزِعُهُ، حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ. (3)

الإمام علي عليه السلام: إذا فشى الزنا ظهر موت الفجاءة، وإذا جارَ الحاكمَ قحطَ المطرُ. (4)

الإمام الحسن عليه السلام في دعائه إذا أحرزته أمرٌ - يا كهيعص، يا نورُ يا قُدوسُ، يا خبيرُ يا اللهُ، يا رَحْمَنُ - رَدَّهَا ثَلَاثًا - اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِلُّ النَّعَمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُرُدُّ الدُّعَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُمَسِّكُ غَيْثَ السَّمَاءِ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ. (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام: الذُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ: الْبَغْيُ عَلَى النَّاسِ، وَالزَّوَالُ عَنِ الْعَادَةِ فِي الْخَيْرِ وَاصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ، وَكُفْرَانِ النَّعَمِ، وَتَرْكُ الشُّكْرِ. قَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». وَالذُّنُوبُ الَّتِي تُوْرَثُ النَّدَمَ: قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللهُ. قَالَ اللهُ تَعَالَى: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللهُ» (6)، وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ فِي قِصَّةِ قَابِيلَ حِينَ قَتَلَ أَخَاهُ هَابِيلَ فَعَجَزَ عَنْ دَفْنِهِ، فَسَوَّلَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَفَتَلَهُ «فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ» (7)، وَتَرَكَ صِلَةَ الْقَرَابَةِ حَتَّى يَسْتَعْنُوا، وَتَرَكَ الصَّلَاةَ حَتَّى يَخْرُجَ وَقْتُهَا، وَتَرَكَ الْوَصِيَّةَ وَرَدَّ الْمَظَالِمَ، وَمَنَعَ الزَّكَاةَ حَتَّى يَحْضُرَ الْمَوْتَ وَيَنْغَلِقَ اللِّسَانَ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تُنَزِلُ النَّعَمَ: عِصْيَانُ الْعَارِفِ بِالْبَغْيِ وَالنَّطَاوُلُ عَلَى النَّاسِ وَالِاسْتِهْزَاءُ بِهِمْ وَالسُّخْرِيَّةُ مِنْهُمْ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَدْفَعُ الْقِسَمَ: إِظْهَارُ الْإِفْتِقَارِ، وَالنُّومُ عَنِ الْعَتَمَةِ، (8) وَعَنِ صَلَاةِ الْغَدَاةِ، وَاسْتِحْقَاقُ النَّعَمِ وَشَكْوَى الْمَعْبُودِ عَزَّ وَجَلَّ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ: شُرْبُ الْخَمْرِ، وَاللَّعِبُ بِالْقِمَارِ، وَتَعَاطِي مَا يُضْحِكُ النَّاسَ مِنَ اللَّغْوِ وَالْمِزَاحِ، وَذِكْرُ غُيُوبِ النَّاسِ، وَمُجَالَسَةُ أَهْلِ الرَّيْبِ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ: تَرْكُ إِغَاثَةِ الْمَلْهُوفِ، وَتَرْكُ مُعَاوَدَةِ الْمَظْلُومِ، وَتَضْيِيعُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ: الْمُجَاهَرَةُ بِالظُّلْمِ، وَإِعْلَانُ الْفُجُورِ، وَإِبَاحَةُ الْمَحْظُورِ، وَعِصْيَانُ الْأَخْيَارِ، وَالْإِنْطِبَاعُ لِلْأَشْرَارِ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ: قَطِيعَةُ الرَّحِمِ، وَالْيَمِينُ الْفَاجِرَةُ، وَالْأَقْوَالُ الْكَاذِبَةُ، وَالزُّنَا، وَسَدُّ طُرُقِ الْمُسْلِمِينَ، وَادِّعَاءُ الْإِمَامَةِ بِغَيْرِ حَقِّ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ: الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللهِ، وَالْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ، وَالثَّقَّةُ بِغَيْرِ اللهِ، وَالتَّكْذِيبُ بِوَعْدِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ: السُّحْرُ، وَالْكَهَانَةُ، وَالْإِيمَانُ بِالنُّجُومِ، وَالتَّكْذِيبُ بِالْقَدَرِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدِينَ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ: الْإِسْتِدَانَةُ بِغَيْرِ نِيَّةِ الْأَدَاءِ، وَالْإِسْرَافُ فِي الثَّقَّةِ عَلَى الْبَاطِلِ، وَالْبُخْلُ عَلَى الْأَهْلِ وَالْوَالِدِ وَذَوِي الْأَرْحَامِ، وَسُوءُ الْخُلُقِ، وَقِلَّةُ الصَّبْرِ، وَاسْتِعْمَالُ الصُّجْرِ وَالْكَسَلِ، وَالِاسْتِهْزَاءُ بِأَهْلِ الدِّينِ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تُرُدُّ الدُّعَاءَ: سُوءُ النَّبِيَّةِ، وَخُبْثُ السَّرِيرَةِ، وَالنَّفَاقُ مَعَ الْإِخْوَانِ، وَتَرْكُ التَّصَدِيقِ بِالْإِجَابَةِ، وَتَأْخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ حَتَّى تَذَهَبَ أَوْقَاتُهَا، وَتَرْكُ التَّقَرُّبِ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْبِرِّ وَالصَّدَقَةِ، وَاسْتِعْمَالُ الْبَدَاءِ وَالْفُحْشِ فِي الْقَوْلِ. وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ: جَوْرُ الْحُكَّامِ فِي الْقَضَاءِ، وَشَهَادَةُ الزُّورِ، وَكِتْمَانُ الشَّهَادَةِ، وَمَنَعَ الزَّكَاةِ وَالْقَرْضِ وَالْمَاعُونَ، وَقِسَاوَةُ الْقُلُوبِ عَلَى أَهْلِ الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ، وَظُلْمُ الْيَتِيمِ وَالْأَرْمَلَةِ، وَانْتِهَارُ السَّائِلِ وَرُدُّهُ بِاللَّيْلِ. (9)

3 ص 500 ح 7604 .

2- .العينة: هو أن يبيع من رجل سلعةً بثمن معلوم إلى أجل ، ثم يشتريها منه بأقل من الثمن الذي باعها به (النهاية : ج 3 ص 333 «عين»).

3- .سنن أبي داود : ج 3 ص 274 ح 3462 ، السنن الكبرى : ج 5 ص 517 ح 10703 ، مسند الشاميين : ج 3 ص 329 ح 2417 كلّها عن ابن عمر ، كنز العمال : ج 4 ص 283 ح 10503 .

4- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 531 ح 1888 .

5- .المجتبى : ص 61 ، الإقبال : ج 2 ص 197 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 91 ص 50 ح 2 .

6- .الإسراء : 33 .

7- .المائدة : 31 .

8- .العتمّة : صلاة العشاء ، أو وقتُ صلاة العشاء الآخرة (مجمع البحرين : ج 2 ص 1163 «عتم»).

9- .معاني الأخبار : ص 270 ح 2 عن أبي خالد الكابلي ، عدّة الداعي : ص 199 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 375 ح 12 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه اهل ذمه مورد ستم قرار بگیرند، پیروزی از آن دشمن خواهد شد و هر گاه زنا رواج یابد، اسارت، بسیار می گردد و هر گاه لواط گسترش یابد، خداوند عز و جلدست [رحمت] خود را از آفریدگان برمی دارد و دیگر برایش مهم نیست که در کدام سرزمین، نابود می شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه به معامله عینه (1) مشغول شدید و دُم گاوان را گرفتید (2) و زراعت را خوش داشتید، ولی جهاد را رها کردید، خداوند، خواری جدانپذیری را بر شما چیره می سازد، تا این که به دیتتان باز گردید.

امام علی علیه السلام: هر گاه زنا شایع گردد، مرگ ناگهانی پدیدار می شود و هر گاه حاکم ستم کند، باران نمی بارد.

امام حسن علیه السلام در دعایش، هنگامی که چیزی وی را غمگین می کرد: ای کهیصص! ای روشنایی! ای پاك! ای آگاه! ای خدا! ای بخشنده! (سه بار). گناهای را که نعمت ها را فرود می آورند، بر من بیامرز و گناهای را که نعمت ها را تغییر می دهند، بر من بیامرز و گناهای که پرده های عصمت را از هم می دزد بر من بیامرز و گناهای را که بلا را فرو می فرستند، بر من بیامرز و گناهای را که نابودی را نزدیک می کنند، بر من بیامرز و گناهای را که دشمنان را چیره می سازند، بر من بیامرز و گناهای را که [رشته] امید را قطع می کنند، بر من بیامرز و گناهای را که دعا را باز می گردانند، بر من بیامرز و گناهای را که باران آسمان را باز می دارند، بر من بیامرز و گناهای را که هوا را تاریک می نمایند، بر من بیامرز و گناهای را که پرده را می درند، بر من بیامرز.

امام زین العابدین علیه السلام: گناهای که نعمت ها را تغییر می دهند، عبارت اند از: ستم بر مردم، ترك عادت در کار خیر و کار نیک، ناسپاسی نعمت ها و ترك سپاس گزاری. خداوند عز و جل فرمود: «در حقیقت، خدا سرنوشت قومی را تغییر نمی دهد تا این که آنان، خود، حال خویش را تغییر دهند». و گناهای که پشیمانی می آورند، عبارت اند از: کشتن کسی که خداوند، کشتنش را حرام نموده است و خدای متعال فرمود: «و نفسی را که خداوند حرمت بخشیده است، مگشید» و خداوند عز و جل در داستان قابیل، هنگامی که او برادرش هابیل را کشت و از دفن کردنش ناتوان ماند، فرمود: «پس، نفسش او را به قتل برادرش ترغیب کرد، و وی را کشت. «پس، از زمره پشیمانان گردید»»، ترك کردن رابطه خویشاوندی، به طوری که احساس بی نیازی کنند [و خویشاوندی را فراموش نمایند]، نگزاردن نماز تا زمانی که وقتش بگذرد، ترك کردن وصیت و ردّ مظالم، و خودداری کردن از پرداخت زکات تا زمانی که مرگ، فرارسد و زبان، بند آید. و گناهای که نعمت ها را فرود می آورند، عبارت اند از: نافرمانی آگاه با تعدی [به دیگران]، گردنکشی بر مردم، و ریشخند و مسخره کردن آنان. و گناهای که [روزی و] نصیب ها را باز می گردانند، عبارت اند از: اظهار ناداری، خواب ماندن از نماز عشا و نماز صبح، سبک شمردن نعمت ها، و شکوه کردن از خداوند عز و جل. و گناهای که پرده های عصمت را می درند، عبارت اند از: شرابخواری، قماربازی، سرگرم شدن به چیزهای بیهوده و شوخی هایی که موجب خنده مردم می شوند، بیان عیب های مردم، و همنشینی با افراد مشکوک (متهم). و گناهای که بلا را فرو می فرستند، عبارت اند از: ترك کردن فریادرسی در مانده، ترك کردن یاری ستم دیده، و ضایع کردن امر به معروف و نهی از منکر. و گناهای که دشمنان را چیره می سازند، عبارت اند از: آشکارا ستم کردن، علنی کردن گناهان، مباح کردن حرام، نافرمانی کردن از نیکان و پیروی نمودن از بدان. و گناهای که نابودی را نزدیک می سازند، عبارت اند از: قطع رحم، سوگند دروغ، سخنان دروغ، زنا، بستن راه مسلمانان، و به ناحق ادعای امامت نمودن. و گناهای که [رشته] امید را قطع می کنند، عبارت اند از: نومیدی از بخشایش خداوند، نومیدی از رحمت خدا، اعتماد به غیر خدا، و دروغ پنداشتن وعده خداوند عز و جل. و گناهای که هوا را تاریک می نمایند، عبارت اند از: جادوگری، کهنات، باور داشتن به ستارگان [و تأثیر حرکت آنها در رخدادهای آینده]،

دروغ پنداشتن قَدَر، و سرپیچی از پدر و مادر (عاق والدین). و گناہانی که پرده را می درند، عبارت اند از: قرض گرفتن به قصد ادا نکردن، زیاده روی در هزینه ها بر پایه باطل، بخل ورزیدن در حقّ خاندان و فرزندان و خویشان، بداخلاقی، ناشکیبایی، بی قراری، تبلی، و کوچک کردن دینداران. و گناہانی که دعا را باز می گردانند، عبارت اند از: بدخواهی، خباث باطن، دورویی با برادران [دینی]، ندادن صدقه در پاسخ [درخواست نیازمندان]، به تأخیر انداختن نمازهای واجب تا زمانی که وقتشان بگذرد، تقرّب نجستن به خداوند عز و جل با نیکوکاری و صدقه، و فحاشی و ناسزاگویی در گفتار. و گناہانی که باران آسمان را باز می دارند، عبارت اند از: ستم داوران در داوری، گواهی دروغ، کتمان گواهی، خودداری از پرداخت زکات و بدهکاری و احسان، سخت دلی نسبت به فقیران و بینوایان، ستم بر یتیمان و بیوگان، و دور کردن نیازمند و شبانه باز گرداندن او.

---

1- عینه، معامله ای است که در آن، کسی کالایی را به قیمت معلوم و مدّت دار به فردی بفروشد و سپس همان را به قیمت کمتر و بدون مدّت از او بخرد.

2- اشاره است به اشتغال مفرط به پرورش گاو، توأم با غفلت از معنویت.





الإمام الباقر عليه السلام: ما من سنةٍ أقلَّ مطراً من سنةٍ، ولكنَّ الله يضعه حيثُ يشاء، إنَّ الله عز و جل إذا عمِلَ قومٌ بالمعاصي صرَفَ عنهم ما كان قدَّرَ لهم من المطرِ. (1)

---

1- الكافي: ج 2 ص 272 ح 15، المحاسن: ج 1 ص 207 ح 365، الأمل للصدوق: ص 384 ح 493 كلَّها عن أبي حمزة، روضة الواعظين: ص 460، بحار الأنوار: ج 73 ص 329 ح 12.

امام باقر علیه السلام: هیچ سالی بارانش از سال دیگر کمتر نیست ؛ ولی خداوند ، آن را ، چنان که می خواهد ، قرار می دهد . هر گاه قومی مرتکب گناه شوند ، بارانی را که برایشان مقدر نموده ، از آنان باز می دارد .



الإمام الصادق عليه السلام: حَيَاةُ دَوَابِّ الْبَحْرِ بِالْمَطَرِ ، فَإِذَا كُفَّ الْمَطَرُ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، وَذَلِكَ إِذَا كَثُرَتِ الذُّنُوبُ وَالْمَعَاصِي .  
(1)

عنه عليه السلام: إِذَا فَشَا أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ: إِذَا فَشَا الزُّنَا ظَهَرَتْ الزَّلْزَلَةُ ، وَإِذَا فَشَا الْجَوْرُ فِي الْحُكْمِ احْتَسِسَ الْقَطْرُ ، وَإِذَا خُفِرَتِ الذِّمَّةُ أُدِيلَ لِأَهْلِ الشُّرْكِ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ ، وَإِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ ظَهَرَتْ الْحَاجَةُ . (2)

الإمام الرضا عليه السلام: إِذَا كَذَبَ الْوَلَاةُ حُبِسَ الْمَطَرُ ، وَإِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدَّوْلَةُ ، وَإِذَا حُبِسَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي . (3)

الغيبة للطوسي عن أبي حمزة: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: «إِلَى السَّبْعِينَ بَلَاءً»، وَكَانَ يَقُولُ: «بَعْدَ الْبَلَاءِ رَخَاءٌ»، وَقَدْ مَضَتْ السَّبْعُونَ وَلَمْ تَرَ رَخَاءً؟! فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ثَابِتُ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَانَ وَقَّتَ هَذَا الْأَمْرَ فِي السَّبْعِينَ، فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ، فَأَخَّرَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَمِئَةَ سَنَةٍ، فَحَدَّثْنَاكُمْ فَأَذَعْتُمْ الْحَدِيثَ، وَكَشَفْتُمْ قِنَاعَ السِّرِّ، فَأَخَّرَهُ اللَّهُ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ عِنْدَنَا وَقْتًا وَ«يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (4) . (5)

1- تفسير القمّي: ج 2 ص 160 ، بحار الأنوار: ج 73 ص 349 ح 40 .

2- الكافي: ج 2 ص 448 ح 3 ، الخصال: ص 242 ح 95 عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمي ، المواعظ العددية: ص 226 كلاهما نحوه ، وسائل الشيعة: ج 11 ص 514 ح 5 .

3- الأمالي للمفيد: ص 310 ح 2 ، الأمالي للطوسي: ص 79 ح 117 كلاهما عن ياسر ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 179 ، بحار الأنوار: ج 73 ص 373 ح 8 .

4- الرعد: 39 .

5- الغيبة للطوسي: ص 428 ح 417 ، تفسير العياشي: ج 2 ص 218 ح 69 ، الغيبة للنعماني: ص 293 ح 10 وليس فيه صدره إلى «ولم نر رخاء»، الخرائج والجرائح: ج 1 ص 178 ح 11 ، بحار الأنوار: ج 4 ص 114 ح 39 .

امام صادق علیه السلام: زندگی جانداران دریا، در گرو بارش باران است. هر گاه باران باز داشته شود، تباهی در خشکی و دریا بروز می کند و این، هنگامی است که گناهان و نافرمانی ها رواج یابند.

امام صادق علیه السلام: هر گاه چهار چیز شایع شود، چهار چیز بروز می کند: هر گاه زنا شایع شود، زلزله رخ دهد؛ و هر گاه ستم در داوری شایع شود، باران بند می آید؛ هر گاه اهل ذمه مورد ستم قرار گیرند، مشرکان بر مسلمانان چیره می گردند؛ و هر گاه از پرداخت زکات خودداری گردد، نیازها رو می شوند.

امام رضا علیه السلام: هر گاه فرمان روایان دروغ بگویند، باران باز داشته می شود و هر گاه پادشاه ستم نماید، دولت سست می گردد و هر گاه از پرداخت زکات خودداری گردد، دام ها می میرند.

الغیبة، طوسی\_ به نقل از ابو حمزه \_ به امام باقر علیه السلام گفتم: علی علیه السلام پیوسته می فرمود: تا هفتاد سال، بلا خواهد بود و می فرمود: پس از بلا، آسایش خواهد بود؛ اما هفتاد گذشت و ما آسایشی ندیدیم. امام باقر علیه السلام فرمود: «ای ثابت! همانا خدای متعال این کار را در سال هفتادم معین کرده بود. وقتی حسین علیه السلام کشته شد، خشم خداوند بر زمینیان شدت یافت و آن را تا صد و چهل سال به تأخیر انداخت. آن گاه ما شما را [از رازی] خبردار نمودیم و شما راز را فاش کردید و پرده آن را کنار زدید. بدین خاطر، خداوند، آن را [دوباره] به تأخیر انداخت و پس از آن، وقتی را برای آن نزد ما تعیین نکرد و «خدا آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب، نزد اوست» .

الغيبة للطوسي عن أبي بصير: قُلْتُ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلِهَذَا الْأَمْرِ أَمَدٌ نُرِيحُ إِلَيْهِ أَبْدَانَنَا، وَنَنْتَهِي إِلَيْهِ؟ قَالَ: بَلَى، وَلَكِنَّكُمْ أَدَعْتُمْ فَرَادَ اللَّهِ فِيهِ.

(1)

---

1- الغيبة للطوسي: ص 427 ح 416، بحار الأنوار: ج 4 ص 113 ح 38.

الغیبة، طوسی\_ به نقل از ابو بصیر\_ : به او (امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) گفتم : آیا برای این امر (غیبت) ، نقطه پایانی هست تا بدن های ما در آن به آسایش برسد ؟ فرمود : «بله ؛ ولی شما [آن را] فاش کردید. بدین جهت، خداوند در وقت آن افزود» .

الفصل الثامن : موارد البداء في القرآن 8 / 1 البداء في عذاب قوم يونس عليه السلام الكتاب «فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ ءَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ» . (1)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام: إنَّ يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا آذَاهُ قَوْمُهُ دَعَا اللَّهَ عَلَيْهِمْ ، فَأَصْبَحُوا أَوَّلَ يَوْمٍ وُجُوهُهُمْ مُصْفَرَّةٌ (2) وَأَصْبَحُوا الْيَوْمَ الثَّانِي وُجُوهُهُمْ سُودٌ قَالَ : وَكَانَ اللَّهُ وَعَادَهُمْ أَنْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ ، فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ حَتَّى نَالُوهُ بِرِمَاحِهِمْ ؛ فَفَرَّقُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَأَوْلَادِهِنَّ ، وَالْبَقَرِ وَأَوْلَادِهَا ، وَلَبَسُوا الْمُسُوحَ وَالصُّوفَ ، وَوَضَعُوا الْحِجَالَ فِي أَعْنَاقِهِمْ ، وَالرَّمَادَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ ، وَضَجُّوا ضَجَّةً وَاحِدَةً إِلَى رَبِّهِمْ ؛ وَقَالُوا : آمَنَّا بِاللَّهِ يُونُسَ ؛ قَالَ : فَصَرَفَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ . (3)

1- . يونس : 98 .

2- . في المصدر : «صفرة» ، والتصويب من بحار الأنوار .

3- . تفسير العياشي : ج 2 ص 136 ح 46 عن الثمالي ، بحار الأنوار : ج 14 ص 399 ح 13 .

## فصل هشتم : نمونه های بدآ در قرآن

### 8 / 1 بدآ در مجازات قوم یونس علیه السلام

فصل هشتم : نمونه های بدآ در قرآن 8 / 1 بدآ در مجازات قوم یونس علیه السلام «چرا هیچ شهری نبود که [اهل آن] ایمان بیاورد و ایمانش به حالش سود بخشد، مگر قوم یونس که وقتی [در آخرین لحظه] ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا چندی، آنان را برخوردار ساختیم؟» .

حدیث امام باقر علیه السلام: وقتی قوم یونس علیه السلام وی را آزدند، او آنان را نفرین نمود. بدین خاطر، روز اول، در حالی صبح خود را آغاز کردند که چهره هایشان زرد گشته بود و روز دوم، صبح را در حالی آغاز کردند که چهره هایشان سیاه شده بود. و خداوند، وعده شان داده بود که عذاب بر آنان فرود آید، و عذاب به سراغشان آمد تا جایی که [از شدت نزدیکی] نیزه هایشان به آن می رسید. پس بین زنان و فرزندانشان و گاوها و بچه های آنها جدایی انداختند و گلیم و پشمینه پوشیدند و ریسمان به گردن هایشان بستند و خاکستر بر سرهایشان ریختند و يك پارچه به درگاه پروردگارشان زاری کردند و گفتند: به خدای یونس، ایمان آوردیم. پس خداوند، عذاب را از آنان باز داشت.

تفسير العياشي عن أبي بصير: قال أبو عبد الله عليه السلام: لَمَّا أَظْلَمَ قَوْمَ يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَذَابُ، دَعَا اللَّهَ فَصَرَفَهُ عَنْهُمْ، قُلْتُ: كَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: كَانَ فِي الْعِلْمِ أَنَّهُ يَصْرِفُهُ عَنْهُمْ. (1)

علل الشرائع عن أبي بصير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِأَيِّ عِلَّةٍ صَرَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْعَذَابَ عَنِ قَوْمِ يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ أَظْلَمُوا، وَلَمْ يَفْعَلْ كَذَلِكَ بِغَيْرِهِمْ مِنَ الْأُمَّمِ؟ فَقَالَ: لِأَنَّهُ كَانَ فِي عِلْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ سَيَصْرِفُهُ عَنْهُمْ لِتَوْبَتِهِمْ، وَإِنَّمَا تَرَكَ إِخْبَارَ يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّعَهُ لِعِبَادَتِهِ فِي بَطْنِ الْحَوْتِ، فَيَسْتَوْجِبَ بِذَلِكَ ثَوَابَهُ وَكَرَامَتَهُ. (2)

علل الشرائع عن سماعة: أَنَّهُ سَمِعَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقُولُ: مَا رَدَّ اللَّهُ الْعَذَابَ عَنِ قَوْمٍ قَدْ أَظْلَمُوا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ: أَمَا كَانَ قَدْ أَظْلَمُوا؟ فَقَالَ: نَعَمْ، حَتَّى نَالُوهُ بِأَكْفِهِمْ، قُلْتُ: فَكَيْفَ كَانَ ذَلِكَ؟ قَالَ: كَانَ فِي الْعِلْمِ الْمُثَبَّتِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ أَنَّهُ سَيَصْرِفُهُ عَنْهُمْ. (3)

8 / 2 البداء في مواعدة موسى عليه السلام الكتاب «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ». (4)

«وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعَجَلَ مِنَ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ». (5)

1- تفسير العياشي: ج 2 ص 136 ح 45.

2- علل الشرائع: ص 77 ح 1، بحار الأنوار: ج 14 ص 386 ح 3.

3- علل الشرائع: ص 77 ح 2، بحار الأنوار: ج 14 ص 386 ح 4.

4- الأعراف: 142.

5- البقرة: 51.

## 8 / 2 بدا در وعده با موسی علیه السلام

تفسیر العیاشی\_ به نقل از ابو بصیر \_ : امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی عذاب بر قوم یونس علیه السلام سایه افکند، به درگاه خداوند، دعا کردند. آن گاه خداوند، عذاب را از آنان باز داشت». گفتم: این، چگونه ممکن است؟ فرمود: «در دانش خدا بوده که آن را از آنان باز می دارد».

علل الشرائع\_ به نقل از ابو بصیر \_ : به امام صادق علیه السلام گفتم: به چه علت، خداوند عز و جل عذابی را که بر قوم یونس علیه السلام سایه افکنده بود، از آنان باز داشت، در حالی که با امت های دیگر چنین نکرد؟ فرمود: «زیرا در دانش خداوند عز و جل بوده که عذاب را از آنان به خاطر توبه شان باز دارد و خبر آن را به یونس نداده بود؛ چرا که خداوند عز و جل اراده کرده بود او را در شکم ماهی بیندازد تا وی را با فراغت عبادت کند و بدین سبب، مستوجب پاداش و کرامت خدا گردد».

علل الشرائع\_ به نقل از سماعه \_ : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «خداوند از هیچ قومی عذابی را که بر آنان سایه افکنده بود، باز نگردانید، جز قوم یونس علیه السلام». گفتم: آیا عذاب بر آنان سایه افکنده بود؟ فرمود: «بله! تا جایی که آن را با دستانشان لمس کردند». گفتم: این، چگونه می شود؟ فرمود: «در دانش ثبت شده نزد خداوند عز و جل که هیچ کس بر آن آگاه نیست، چنین بود که آن را از آنان باز می دارد».

8 / 2 بدا در وعده با موسی علیه السلام قرآن (و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر، تمام کردیم، تا آن که وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد. و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت: «در میان قوم من، جانشینم باش و [کار آنان را] اصلاح کن و از راه فسادگران، پیروی مکن» .

«و آن گاه [را به یاد آورید] که با موسی چهل شب قرار گذاشتیم. آن گاه در غیاب وی، شما گوساله را [به پرستش] گرفتید، در حالی که ستمکار بودید» .



الحديث بالإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» - كان في العلم والتقدير ثلاثين ليلةً، ثم بدا لله فزاد عشراً، فتم ميثاق ربه للأول والآخر أربعين ليلةً. (1)

8 / 3 البدء في دخول الأرض المقدسة الكتاب «يَأْقُومُ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَزِدُّوا عَلَىٰ آدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (2).

الحديث بالإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام في قوله تعالى: «يَأْقُومُ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» - كتبتها لهم ثم محاهها. (3)

الإمام الصادق عليه السلام لَمَّا سئلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» - كَتَبَهَا لَهُمْ ثُمَّ مَحَاهَا، ثُمَّ كَتَبَهَا لِأَبْنَائِهِمْ فَدَخَلُوهَا، وَاللَّهُ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ. (4)

عنه عليه السلام في قول الله عز وجل: «ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» - كان في علمه أنهم سيعصون ويتيهون أربعين سنةً، ثم يدخلونها بعد تحريمه إياها عليهم. (5)

1- تفسير العياشي: ج 1 ص 44 ح 46 عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 13 ص 226 ح 27.

2- المائدة: 21.

3- تفسير العياشي: ج 1 ص 304 ح 69 عن زرارة وحمزان ومحمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 13 ص 180 ح 11.

4- تفسير العياشي: ج 1 ص 304 ح 72 عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج 13 ص 181 ح 14.

5- تفسير العياشي: ج 1 ص 306 ح 76 عن ابن سنان، بحار الأنوار: ج 13 ص 182 ح 17.

**8 / 3 بَدَا در وارد شدن به سرزمین مقدّس**

حدیثامام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «و آن گاه که با موسی چهل شب، قرار گذاشتیم» \_ در دانش و تقدیر خداوند، سی شب بود. سپس برای خداوند، بَدَا حاصل شد و ده شب بر آن افزود، تا این که وقت معین پروردگارش برای اوّل و آخر[ش]، چهل شب، تمام گردید.

8 / 3 بَدَا در وارد شدن به سرزمین مقدّسقرآن «ای قوم من! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما نوشته است، در آید و به عقب باز نگردید، که زیانکار خواهید شد» .

حدیثامام باقر و امام صادق علیهما السلام در باره این سخن خدای متعال: «ای قوم من! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما نوشته است، در آید» \_ آن (در آمدن به سرزمین مقدّس) را برای آنان نوشت و سپس محوش نمود.

امام صادق علیه السلام وقتی در باره این سخن خداوند، مورد پرسش قرار گرفت: «به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما نوشته است، در آید» \_ آن را برای آنان نوشت و سپس محوش نمود. سپس آن را برای فرزندان آنان نوشت و آنان به آن وارد شدند. و خداوند، آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب، نزد اوست.

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما نوشته است، در آید» \_ در دانش او چنین بود که آنان به زودی، نافرمانی می کنند و چهل سال [در بیابان] سرگردان خواهند بود و سپس، پس از این که خدا بر آنان حرام نمود، واردش می گردند.

عنه عليه السلام: «إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَ لَهُمْ: «ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ» فَلَمْ يَدْخُلُوهَا، حَتَّى حَرَّمَهَا عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَبْنَائِهِمْ، وَإِنَّمَا دَخَلَهَا أَبْنَاءُ الْأَبْنَاءِ. (1)

8 / 4 البداء في ذبح إسماعيل عليه السلام الكتاب «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ \* فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّى لِلْجَبِينِ \* وَنَادَيْتَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ \* قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ \* وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ». (2)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام: ما بدا لله بداء كما بدا له في إسماعيل عليه السلام أبي؛ إذا أمر أباه إبراهيم عليه السلام بذبجه، ثم فداء بذبج (3) عظيم. (4)

8 / 5 في موارد أخرى للإمام علي عليه السلام - فيما نسب إليه في بيان أصناف آيات القرآن وأنواعها - : «وَأَمَّا مَنْ أَنْكَرَ الْبَدَاءَ، فَقَدْ قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ» (5) وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْأَرْضَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ، ثُمَّ تَدَارَكَهُمْ بِرَحْمَتِهِ فَبَدَأَ لَهُ فِي هَلَاكِهِمْ وَأَنْزَلَ عَلَى رَسُولِهِ «وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (6). وَمِثْلُهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبُهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (7) ثُمَّ بَدَأَ لَهُ «وَمَا لَهُمْ إِلَّا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (8). وَكَقَوْلِهِ: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (9) ثُمَّ بَدَأَ لَهُ تَعَالَى، فَقَالَ: «الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (10). وَهَكَذَا يَجْرِي الْأَمْرُ مَا فِي النَّاسِخِ وَالْمَنْسُوخِ، وَهُوَ يَدُلُّ عَلَى تَصْحِيحِ الْبَدَاءِ. وَقَوْلُهُ: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (11) فَهَلْ يَمْحُو إِلَّا مَا كَانَ، وَهَلْ يُثَبِّتُ إِلَّا مَا لَمْ يَكُنْ، وَمِثْلُ هَذَا كَثِيرٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (12)

1- تفسير العياشي: ج 1 ص 304 ح 70 عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 13 ص 181 ح 12.

2- الصافات: 102\_ 107.

3- الذبح: المذبوح (مفردات ألفاظ القرآن: ص 326 «ذبح»).

4- التوحيد: ص 336 ح 11، بحار الأنوار: ج 4 ص 109 ح 26.

5- الذاريات: 54.

6- الذاريات: 55.

7- الأنفال: 33.

8- الأنفال: 34.

9- الأنفال: 65.

10- الأنفال: 66.

11- الرعد: 39.

12- بحار الأنوار: ج 93 ص 83 نقلاً عن تفسير النعماني عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام.

## 8 / 4 بَدَا در سر بریدن اسماعیل علیه السلام

## 8 / 5 نمونه های دیگر

امام صادق علیه السلام: خداوند به بنی اسرائیل فرمود: «به سرزمین مقدّس در آید»؛ ولی به آن، وارد نشدند، تا این که خداوند، آن را بر آنان و فرزندانشان حرام نمود، و همانا فرزندان فرزندان [آنان]، در آن وارد شدند.

8 / 4 بَدَا در سر بریدن اسماعیل علیه السّلام قرآن «و وقتی با او به جایگاه «سعی» رسید، گفت: «ای پسرک من! من در خواب [، چنین] دیدم که تو را سر می بُرم. پس بین چه به نظرت می آید». گفت: ای پدر من! آنچه را مأموری بکن. إن شاء الله، مرا از شکیبایان خواهی یافت. پس، وقتی هر دو، تن در دادند (همدیگر را بدرود) گفتند و [ابراهیم]، او را به پیشانی بر خاک افکند، او را ندا دادیم که: ای ابراهیم! رؤیا [ی] خود [را حقیقت بخشیدی. ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم. راستی که این، همان آزمایش آشکار بود. و او را در ازای قربانی بزرگی، باز رهانیدیم».

حدیث امام صادق علیه السلام: برای خداوند، هیچ بدایی همانند بدای او درباره پدرم اسماعیل، حاصل نشد، هنگامی که پدر او ابراهیم را به سربریدنش فرمان داد و سپس او را در ازای قربانی بزرگی رهانید.

8 / 5 نمونه های دیگر امام علی علیه السلام در باره آنچه در بیان اقسام و انواع آیات قرآن، به وی منسوب است \_ : و اما کسی که بَدَا را انکار کند، خداوند در کتابش فرموده: «پس، از آنان روی بگردان، که تو در خورِ نکوهش نیستی». این، بدان جهت است که خداوند منزه، اراده کرد که [اهل] زمین را در این وقت، نابود سازد. سپس با رحمت خود به داد آنان رسید و در نابودی شان برای او بَدَا حاصل شد و [این آیه را] بر پیامبرش نازل فرمود: «و پند ده، که پند، مؤمنان را سود می بخشد». و مانند آن، این سخن خدای متعال است: «و تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود». سپس برای او بَدَا حاصل شد: «و چرا خدا عذابشان نکند، با این که آنان [مردم را] از [زیارت] مسجد الحرام باز می دارند؟». و مانند این سخن خداست: «اگر از شما بیست تن شکیبیا باشند، بر دویست تن چیره می گردند و اگر از شما یکصد تن باشند، بر هزار تن از کافران، پیروز می گردند». سپس برای خدای متعال، بَدَا حاصل شد و فرمود: «اکنون، خدا بر شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعفی هست. پس اگر از میان شما یکصد تن شکیبیا باشند، بر دویست تن، پیروز می گردند و اگر از شما هزار تن باشند، به توفیق الهی، بر دو هزار تن غلبه می کنند، و خدا با شکیبایان است». و این چنین است آنچه در ناسخ و منسوخ است و آن، بر صحیح بودن بَدَا دلالت دارد. و [درباره] این سخن خدا: «خدا آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب، نزد اوست»، پس آیا جز آنچه را بوده، محو می کند؟ و آیا جز آنچه را نبوده، اثبات می کند؟ و همانند این، در کتاب خداوند عز و جل بسیار است.

تفسير العياشي عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام في قوله «مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسِيَهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا» (1) -  
 :النَّاسِخُ مَا حُوِّلَ ، وَمَا يُنْسِيهَا : مِثْلُ الْغَيْبِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ بَعْدُ ، كَقَوْلِهِ «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» . فَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ،  
 وَيُحَوِّلُ مَا يَشَاءُ ، مِثْلُ قَوْمِ يُونُسَ إِذَا بَدَأَ لَهُ فَرَحَمَهُمْ ، وَمِثْلُ قَوْلِهِ «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ» . أَدْرَكَتْهُمْ رَحْمَتُهُ . (2)

1- البقرة : 106 .

2- تفسير العياشي : ج 1 ص 55 ح 77 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 116 ح 77 .

تفسیر العیاشی\_ به نقل از محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام، در باره این سخن خدا: «هر حکمی را که نسخ کنیم و یا آن را به فراموشانیم، بهتر از آن، یا مانند آن را می آوریم»\_ :ناسخ، آن است که تبدیل می شود، و آنچه [خداوند] می فراموشاند: مانند غیبی که هنوز موجود نشده است، مانند این سخن خدا: «خدا آنچه را بخواهد، محو یا ثبت می کند، و اصل کتاب، نزد اوست». پس خداوند، آنچه را بخواهد، انجام می دهد و آنچه را بخواهد، تبدیل می کند، مانند قوم یونس، آن هنگام که برای او بدا حاصل شد و بر آنان رحم آورد، و مانند سخن خدا که: «پس، از آنان روی بگردان، که تو در خورِ نکوهش نیستی». رحمت خدا آنان را در رسید.







الفصل التاسع: احتجاجات في البداء الإمام العسكري عليه السلام: جاء قوم من اليهود إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقالوا: يا مُحَمَّدُ ، هذه القبلة بيت المقدس قد صدّ لبيت إليها أربع عشرة سنة ثم تركتها الآن ، أفحقا كان ما كنت عليه فقد تركته إلى باطل ، فإنما يخالف الحق الباطل ، أو باطلاً كان ذلك فقد كنت عليه طول هذه المدة ؟ فما يؤمننا أن تكون الآن على باطل ؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : بل ذلك كان حقا وهذا حق ، يقول الله : «قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (1) إذا عرف صلاحكم يا أيها العباد في استقبال المشرق أمركم به ، وإذا عرف صلاحكم في استقبال المغرب أمركم به ، وإن عرف صلاحكم في غيرهما أمركم به ، فلا تنكروا تديبر الله تعالى في عباده ، وقصده إلى مصالحكم . ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله : لقد تركتم العمل يوم السبت ثم عملتم بعده سائر الأيام ، ثم تركتموه في السبت ثم عملتم بعده ، أفتركتم الحق إلى باطل أو الباطل إلى حق ؟ أو الباطل إلى باطل أو الحق إلى حق ؟ قولوا كيف شئتم فهو قول محمد وجوابه لكم . قالوا : بل ترك العمل في السبت حق والعمل بعده حق . فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : فكذلك قبلة بيت المقدس في وقته حق ، ثم قبلة الكعبة في وقته حق . فقالوا له : يا مُحَمَّدُ ، أفبدا لربك فيما كان أمرك به بزعمك من الصلاة إلى بيت المقدس حتى نقلك إلى الكعبة ؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : ما بدأ له عن ذلك ، فإنه العالم بالعواقب والقادر على المصالح ، لا يستدرِك على نفسه غلطا ، ولا يستحدث رأيا بخلاف المتقدم جلَّ عن ذلك ، ولا يقع عليه أيضا مانع يمنع من مراده ، وليس يبدو إلا لمن كان هذا وصفه ، وهو عز وجل يتعالى عن هذه الصفات علوا كبيرا . ثم قال لهم رسول الله صلى الله عليه وآله : أيها اليهود ، أخبروني عن الله أليس يمرض ثم يضح ، ويضح ثم يمرض ، أبدا له في ذلك ؟ أليس يحيي ويميت ، أليس يأتي بالليل في أثر النهار ، والنهار في أثر الليل ، أبدا له في كل واحد من ذلك ؟ قالوا : لا ، قال : فكذلك الله تعبد نبيه محمدا بالصلاة إلى الكعبة بعد أن كان تعبد بالصلاة إلى بيت المقدس ، وما بدأ له في الأول . ثم قال : أليس الله يأتي بالشتاء في أثر الصيف ، والصيف في أثر الشتاء ، أبدا له في كل واحد من ذلك ؟ قالوا : لا ، قال : فكذلك لم يبدأ له في القبلة . قال : ثم قال : أليس قد ألزمتكم في الشتاء أن تحترزوا من البرد بالثياب الغليظة ، وألزمتكم في الصيف أن تحترزوا من الحر ، أفبدا له في الصيف حتى أمركم بخلاف ما كان أمركم به في الشتاء ؟ قالوا : لا ، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : فكذلك الله تعبدكم في وقت لصاح يعلمه بشيء ، ثم تعبدكم في وقت آخر لصاح آخر يعلمه بشيء آخر ، فإذا أطعتم الله في الحالين استحققتم ثوابه ، وأنزل الله تعالى «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (2) أي إذا توجهتم بأمره ، فثم الوجه الذي تصدون منه الله ، وتأملون ثوابه . (3)

1- البقرة : 142 .

2- البقرة : 115 .

3- الاحتجاج : ج 1 ص 83 ح 25 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 493 ح 312 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 105 ح 18 .

## فصل نهم: استدلال هایی در باره بَدَا

فصل نهم: استدلال هایی در باره بَدَا امام عسکری علیه السلام: گروهی از یهود، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای محمّد! تو چهارده سال به سوی این قبله، بیت المقدس، نماز گزاردی و اکنون آن را ترك نموده ای. آیا چیزی که بر آن بودی، حق بود، و اکنون تو آن را ترك نموده ای و به سوی باطل شده ای، در حالی که باطل، با حق، ناسازگار است؟ یا چیزی که بر آن بودی، باطل بوده و تو در این مدّت بر آن بوده ای؟ پس چگونه مطمئن باشیم که تو اکنون نیز بر باطل نیستی؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نه، آن، حق بود و این [هم] حق است. خداوند می فرماید: «بگو: مشرق و مغرب، از آن خداست. هر که را بخواهد، به راه راست هدایت می کند». ای بندگان! هر گاه صلاح شما را در روگرداندن به مشرق بدانند، به آن فرمانتان می دهد و هر گاه صلاح شما را در روگرداندن به مغرب بدانند، به آن فرمانتان می دهد و اگر صلاح شما را در غیر آن دو بدانند، به همان فرمانتان می دهد. پس، تدبیر خدای متعال را درباره بندگان و خواست او را در مصالح خودتان، انکار نکنید». سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شما روز شنبه، کار را رها کردید و پس از آن، در روزهای دیگر کار کردید. سپس [کار نکردن] روز شنبه را رها کردید و پس از آن، [شنبه ها را] کار کردید. آیا حق را رها کردید و به سوی باطل شدید، یا باطل را رها کردید و به سوی حق شدید؟ هر چه خواستید، بگویید که آن، همان سخن محمّد و پاسخ او به شماست». گفتند: بلکه رها کردن کار در روز شنبه حق است و کار کردن پس از آن نیز حق است. آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «و همچنین است قبله بیت المقدس که در وقت خودش، حق است و سپس قبله کعبه که در وقت خودش، حق است». به پیامبر گفتند: ای محمّد! آیا برای پروردگارت در باره آنچه که به گفته تو، بدان فرمانت داده بود، یعنی نماز گزاردن به سوی بیت المقدس، بَدَا حاصل شد که تو را به سوی کعبه منتقل نمود؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در این باره برای او بَدَا حاصل نشد؛ زیرا او به عواقب، آگاه و به مصالح، تواناست. او اشتباه نمی کند که بخواهد آن را جبران نماید و نظر جدیدی بر خلاف نظر گذشته اش نمی دهد \_ که او برتر از آن است \_ و نیز مانعی که او را از مرادش باز دارد، برای او وجود ندارد. بَدَا حاصل نمی شود، جز برای کسی که این صفت ها را داشته باشد و خداوند عز و جل بسی والاتر از آن است که این صفات را داشته باشد». سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «ای یهود! مرا در باره خدا خبردار کنید که آیا چنین نیست که بیمار می کند و سپس تن درست می سازد، و سالم می گرداند و سپس بیمار می نماید. آیا در این باره برای او بَدَا حاصل می شود؟ آیا او زنده نمی کند و نمی میراند؟ [آیا شب را در پی روز و سپس روز را در پی شب نمی آورد؟] آیا درباره هر يك از اینها، برای او بَدَا حاصل می شود؟». گفتند: نه. فرمود: «پس، همین گونه خداوند، پیامبرش محمّد را به نماز گزاردن به سوی کعبه، متعبّد (ملزم) نمود، پس از آن که او را به نماز گزاردن به سوی بیت المقدس ملزم نموده بود، در حالی که درباره اوّلی برای او بَدَا حاصل نشد». سپس فرمود: «آیا خداوند، زمستان را در پی تابستان و تابستان را در پی زمستان نمی آورد؟ آیا درباره هر يك از اینها برای او بَدَا حاصل می شود؟». گفتند: نه. فرمود: «پس همین طور، در باره قبله نیز برای او بَدَا حاصل نشد». سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا چنین نیست که شما را در زمستان ملزم نمود که با لباس های ضخیم، خودتان را از سرما و در تابستان از گرما ننگه بدارید؟ آیا در تابستان برای او بَدَا حاصل شد تا شما را به خلاف آنچه در زمستان فرمان داده بود، فرمان دهد؟». گفتند: نه. آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پس همانند این، خداوند در زمانی، شما را به خاطر مصلحتی، به چیزی ملزم می کند و سپس در زمانی دیگر، شما را به خاطر مصلحتی دیگر به چیز دیگری ملزم می سازد. پس هر گاه در [این] دو حالت، او را فرمان بردید، سزاوار پاداشش هستید، و خدای متعال [این آیه را] نازل فرمود: «و مشرق و مغرب، از آن خداست. پس به هر سو رو کنید، آن جا روی خداست»، یعنی هر گاه طبق فرمان او [به سوی] او رو کنید، پس همان جا، رویی است که شما خداوند را از آن، قصد می کنید و آرزوی پاداشش را دارید».







التوحيد عن الحسن بن محمد التوفلي: قَدِمَ سُلَيْمَانُ الْمَرْوَزِيُّ مُتَكَلِّمُ خُرَاسَانَ عَلَى الْمَأْمُونِ، فَأَكْرَمَهُ وَوَصَلَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ: إِنَّ ابْنَ عَمِّي عَلِيَّ بْنَ مُوسَى قَدِمَ عَلَيَّ مِنَ الْحِجَازِ وَهُوَ يُحِبُّ الْكَلَامَ وَأَصْحَابَهُ، فَلَا عَلَيْكَ أَنْ تَصِيرَ إِلَيْنَا يَوْمَ التَّرْوِيَةِ لِمُنَاطَرَتِهِ. فَقَالَ سُلَيْمَانُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْأَلَ مِثْلَهُ فِي مَجْلِسِكَ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فَيَنْتَقِصَ عِنْدَ الْقَوْمِ إِذَا كَلَّمَنِي، وَلَا يَجُوزُ الْإِسْتِقْصَاءُ عَلَيْهِ. قَالَ الْمَأْمُونُ: إِنَّمَا وَجَّهْتُ إِلَيْكَ لِمَعْرِفَتِي بِقُوَّتِكَ، وَلَيْسَ مُرَادِي إِلَّا أَنْ تَقْطَعَهُ عَنْ حُجَّةٍ وَاحِدَةٍ فَقَط. فَقَالَ سُلَيْمَانُ: حَسْبُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، اجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَخَلْنِي وَإِيَّاهُ وَالرِّمَّ. فَوَجَّهَ الْمَأْمُونُ إِلَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنَّهُ قَدِمَ عَلَيْنَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مَرَوْ، وَهُوَ وَاحِدٌ خُرَاسَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْكَلَامِ، فَإِنْ خَفَّ عَلَيْكَ أَنْ تَتَجَسَّسَ الْمَصِيرَ إِلَيْنَا فَعَلْتَ. فَهَضَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْوُضُوءِ وَقَالَ لَنَا: تَقَدَّمُونِي - وَعِمْرَانُ الصَّابِيُّ مَعَنَا - فَصَرْنَا إِلَى الْبَابِ، فَأَخَذَ يَأْسِرُ وَخَالِدٌ بِيَدِي فَأَدَخَلَنِي عَلَى الْمَأْمُونِ، فَلَمَّا سَلَّمْتُ، قَالَ: أَيْنَ أَخِي أَبُو الْحَسَنِ أَبَقَاهُ اللَّهُ؟ قُلْتُ: خَلَّفْتُهُ يَلْبَسُ ثِيَابَهُ وَأَمَرْنَا أَنْ نَتَقَدَّمَ، ثُمَّ قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ عِمْرَانَ مَوْلَاكَ مَعِي وَهُوَ بِالْبَابِ، فَقَالَ: مَنْ عِمْرَانُ؟ قُلْتُ: الصَّابِيُّ الَّذِي أَسَلَّمَ عَلَى يَدَيْكَ، قَالَ: فَلْيَدْخُلْ، فَدَخَلَ فَرَحَّبَ بِهِ الْمَأْمُونُ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا عِمْرَانُ، لَمْ تَمُتْ حَتَّى صِرْتَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ؟ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَنِي بِكُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: يَا عِمْرَانُ، هَذَا سُلَيْمَانُ الْمَرْوَزِيُّ مُتَكَلِّمُ خُرَاسَانَ، قَالَ عِمْرَانُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّهُ يَزْعُمُ أَنَّهُ وَاحِدٌ خُرَاسَانَ فِي النَّظَرِ وَيُنَكِّرُ الْبَدَاءَ! قَالَ: فَلِمَ لَا تُنَاطِرُهُ؟ قَالَ عِمْرَانُ: ذَلِكَ إِلَيْهِ، فَدَخَلَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: فِي أَيِّ شَيْءٍ كُنْتُمْ؟ قَالَ عِمْرَانُ: يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا سُلَيْمَانُ الْمَرْوَزِيُّ، فَقَالَ سُلَيْمَانُ: أَتَرْضَى بِأَبِي الْحَسَنِ وَبِقَوْلِهِ فِيهِ؟ قَالَ عِمْرَانُ: قَدْ رَضِيتُ بِقَوْلِ أَبِي الْحَسَنِ فِي الْبَدَاءِ، عَلَى أَنْ يَأْتِيَنِي فِيهِ بِحُجَّةٍ أَحْتِجُّ بِهَا عَلَى نُظْرَانِي مِنْ أَهْلِ النَّظَرِ. قَالَ الْمَأْمُونُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا تَقُولُ فِيمَا تَشَاجَرَا فِيهِ؟ قَالَ: وَمَا أَنْكَرْتَ مِنَ الْبَدَاءِ يَا سُلَيْمَانُ، وَاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا» (1) وَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ» (2) وَيَقُولُ: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (3) وَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ: «بَرِيذُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ» (4) وَيَقُولُ: «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (5) وَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَخْرَجُوا مِنْ جَوْنِ لَأْمِرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ» (6) وَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ: «مَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ» (7). قَالَ سُلَيْمَانُ: هَلْ رَوَيْتَ فِيهِ شَيْئًا عَنْ آبَائِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، رَوَيْتُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِلْمَيْنِ: عِلْمًا مَخْزُونًا مَكْنُونًا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، مِنْ ذَلِكَ يَكُونُ الْبَدَاءُ، وَعِلْمًا عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ، فَالْعُلَمَاءُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ يَعْلَمُونَهُ. قَالَ سُلَيْمَانُ: أَحِبُّ أَنْ تَنْزِعَهُ لِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ» (8) أَرَادَ هَلَاكَهُمْ ثُمَّ بَدَأَ لِلَّهِ فَقَالَ: «وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ». (9) قَالَ سُلَيْمَانُ: زِدْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَآلَهُ قَالَ: يَا رَبِّ، أَجَلْنِي حَتَّى يَشَبَّ طِفْلِي وَأَقْضِيَ أَمْرِي، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى ذَلِكَ النَّبِيِّ فَأَخْبَرَهُ، فَدَعَا اللَّهُ الْمَلِكَ وَهُوَ عَلَى سَرِيرِهِ حَتَّى سَقَطَ مِنَ السَّرِيرِ، فَقَالَ: يَا رَبِّ، أَجَلْنِي حَتَّى يَشَبَّ طِفْلِي وَأَقْضِيَ أَمْرِي، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى ذَلِكَ النَّبِيِّ: يَا رَبِّ، إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَيُّ لَمْ أَكْذِبْ قَطُّ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: إِنَّمَا أَنْتَ عَبْدٌ مَأْمُورٌ فَأَبْلِغْهُ ذَلِكَ، وَاللَّهِ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ. ثُمَّ التَّمَّتْ إِلَى سُلَيْمَانَ فَقَالَ: أَحْسَبُكَ ضَاهِيَتِ الْيَهُودَ فِي هَذَا الْبَابِ، قَالَ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ، وَمَا قَالَتْ الْيَهُودُ؟ قَالَ: «يَدُ اللَّهِ مَغْلُوبَةٌ» يَعْنُونَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَعَ مِنَ الْأَمْرِ، فَلَيْسَ يُحْدِثُ شَيْئًا، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعْنُوا بِمَا قَالُوا» (10)، وَلَقَدْ سَمِعْتُ قَوْمًا سَأَلُوا أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْبَدَاءِ فَقَالَ: وَمَا يُنَكِّرُ النَّاسُ مِنَ الْبَدَاءِ وَأَنْ يَبْفَ اللَّهُ قَوْمًا يُرْجِيهِمْ لِأَمْرِهِ؟ قَالَ سُلَيْمَانُ: أَلَا تُخْبِرُنِي عَنْ «إِنَّمَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (11)، فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَلْتِ؟ قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سُلَيْمَانُ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ يُقَدَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ، مِنْ حَيَاةٍ أَوْ مَوْتٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ رِزْقٍ، فَمَا قَدَرَهُ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ فَهُوَ مِنَ الْمَحْتَمِ. قَالَ سُلَيْمَانُ: الْآنَ قَدْ فَهَمْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَزِدْنِي. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سُلَيْمَانُ، إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُورًا مَوْقُوفَةً عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، يُقَدَّمُ مِنْهَا مَا يَشَاءُ، وَيُؤَخَّرُ مَا يَشَاءُ. يَا سُلَيْمَانُ، إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: الْعِلْمُ عِلْمَانُ: فَعِلْمٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ، فَمَا عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ فَإِنَّهُ يَكُونُ وَلَا يَكْذِبُ نَفْسَهُ، وَلَا مَلَائِكَتُهُ، وَلَا رُسُلُهُ، وَعِلْمٌ عِنْدَهُ مَخْزُونٌ لَمْ يُطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ (12)، يُقَدَّمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ،

وَيُؤَخِّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ ، وَيَمْحُو مَا يَشَاءُ ، وَيُثَبِّتُ مَا يَشَاءُ . قَالَ سَلَامَةُ بْنُ لَيْمَانَ لِلْمَأْمُونِ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، لَا أَنْكِرُ بَعْدَ يَوْمِي هَذَا الْبَدَاءَ ، وَلَا أَكْذِبُ بِهِ  
إِنْ شَاءَ اللَّهُ . (13)

- 1- .مریم : 67 .
- 2- .الروم : 27 .
- 3- .البقرة : 117 ، والأنعام : 101 .
- 4- .فاطر : 1 .
- 5- .السجدة : 7 .
- 6- .التوبة : 106 .
- 7- .فاطر : 11 .
- 8- .الذاريات : 54 .
- 9- .الذاريات : 55 .
- 10- .المائدة : 64 .
- 11- .القدر : 1 .
- 12- .في بعض النسخ : «لم يطلع عليه أحد من خلقه» .
- 13- .التوحيد : ص 441 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 179 ح 1 ، الاحتجاج : ج 2 ص 365 ح 284 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 329 ح 2 .

التوحيد\_ به نقل از حسن بن محمد نوفلی \_ سلیمان مَرَوَزی، متکلم خراسان، نزد مأمون آمد. مأمون، او را گرامی داشت و به او صلّه داد و سپس به او گفت: همانا پسر عموی من علی بن موسی (امام رضا علیه السلام) از حجاز نزد من آمده است و او کلام و متکلمان را دوست دارد. بد نیست که روز ترویه برای مناظره با او، نزد ما بیایی. سلیمان گفت: ای امیر مؤمنان! من نمی پسندم که در مجلس تو در بین گروهی از بنی هاشم، از مانند او پرسشی کنم تا وقتی با من به مناظره پرداخت، نزد جمعیت، تحقیر شود. سختگیری بر او روا نیست. مأمون گفت: من به خاطر شناختم از توانایی تو، به تورو آورده ام و قصدم، جز این نیست که او را فقط با یک برهان قاطع، محکوم نمایی. سلیمان گفت: بسیار خوب، ای امیر مؤمنان! من و او را در یک جا جمع کن و مرا با او بگذار و خود شاهد باش. مأمون به امام رضا علیه السلام پیغام فرستاد و گفت: مردی از اهل مرو نزد ما آمده است و او نفر اول متکلمان خراسان است. اگر زحمتی نیست، شما نیز تشریف بیاورید. امام علیه السلام برای وضو گرفتن برخاست و به ما فرمود: «شما جلوتر از من بروید». ما، در حالی که عمران صابی نیز همراهمان بود، پشت در رسیدیم. یاسر و خالد، دستم را گرفتند و مرا به نزد مأمون بردند. وقتی سلام کردم، گفت: برادرم ابو الحسن (امام رضا علیه السلام) \_ که خداوند، نگهدارش باد \_ کجاست؟ گفتم: گذاشتیم تا لباسش را بپوشد و به ما فرمود که پیش تر بیاییم. سپس گفتم: ای امیر مؤمنان! وابسته تو، عمران، همراه من آمده و پشت در است. گفت: عمران کیست؟ گفتم: همان صابی ای که به دست تو اسلام آورده است. گفت: داخل بیاید. وقتی [عمران] وارد شد، مأمون به او خوشامد گفت و سپس به او گفت: ای عمران! نمردی تا این که جزو بنی هاشم شدی! عمران گفت: ای امیر مؤمنان! ستایش، خدایی را که مرا به سبب شما شرافت بخشید. مأمون بدو گفت: ای عمران! این سلیمان مَرَوَزی، متکلم خراسان است. عمران گفت: ای امیر مؤمنان! او مدعی است که نفر اول خراسان در علم کلام است، و بدا را انکار می کند. [مأمون] گفت: پس چرا با او مناظره نمی کنی؟ عمران گفت: این، به خواست اوست. در این هنگام، امام رضا علیه السلام وارد شد و فرمود: «در باره چه چیزی سخن می گوید؟». عمران گفت: ای فرزند پیامبر خدا! این، سلیمان مَرَوَزی است. سلیمان [به عمران] گفت: آیا سخن ابو الحسن را در باره بدا می پذیری؟ عمران گفت: سخن ابو الحسن در باره بدا را می پذیرم، به این شرط که برهانی در این باره برایم بیاورد که بتوانم با آن، در برابر متفکران همانند خودم استدلال نمایم. مأمون گفت: ای ابو الحسن! در باره آنچه اینان مشاجره دارند، چه می گویی؟ فرمود: «ای سلیمان! از چه رو بدا را انکار می کنی، در حالی که خداوند عز و جل می فرماید: «آیا انسان، آگاهی ندارد که ما او را پیش تر [از آن که باشد،] آفریدیم و حال آن که چیزی نبوده است» و می فرماید: «و اوست آن کس که آفرینش را آغاز می کند و باز آن را تجدید می نماید» و می فرماید: «او پدید آورنده آسمان ها و زمین است» و می فرماید: «در آفرینش، هر چه بخواهد، می افزاید» و می فرماید: «و آفرینش انسان را از گل، آغاز کرد» و می فرماید: «و عدّه ای دیگر، وابسته به فرمان خدایند: یا آنان را عذاب می کند و یا توبه آنها را می پذیرد» و می فرماید: «هیچ سال خورده ای، عمر دراز نمی یابد و از عمرش کاسته نمی شود، مگر آن که در کتابی [مندرج] است». سلیمان گفت: آیا در این باره، روایتی از پدران داری؟ فرمود: «بله. از ابو عبد الله (امام صادق علیه السلام) روایت است که فرمود: برای خداوند عز و جل دو گونه دانش است: دانشی اندوخته و پنهان که جز او کسی آن را نمی داند و بدا در آن است، و دانشی که آن را به فرشتگان و فرستادگانش آموخته است و دانشمندان از اهل بیت پیامبرش آن را می دانند». سلیمان گفت: دوست دارم این مطلب را برای من از کتاب خداوند عز و جل بیاوری. [امام رضا علیه السلام] فرمود: «سخن خداوند عز و جل خطاب به پیامبرش صلی الله علیه و آله چنین است: «پس، از آنان روی بگردان، که تو در خورِ نكوهش نیستی» و خدا نابودی آنان را اراده کرد. سپس برای خدا بدا حاصل شد و فرمود: «و یادآوری کن، که یادآوری، مؤمنان را سود می بخشد»». سلیمان گفت: فدایت شوم! بیشتر بفرماید. [امام] رضا علیه السلام فرمود: «همانا پدرم از پدرانش به من خبر داد که پیامبر خدا فرمود: خداوند عز و جل به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود: به فلان پادشاه، خبر بده که: جان او را تا فلان وقت می گیرم. آن پیامبر، نزد او رفت و پادشاه در حالی که بر تخت خود بود، به درگاه خداوند، چندان دعا کرد که از تخت افتاد. گفت: پروردگارا! به من مهلت ده تا کودکم بزرگ شود و کارهایم را انجام دهم. خداوند عز و جل به



آن پیامبر وحی فرمود که: به نزد فلاّن پادشاه برو و به او اعلام کن که من آجل او را به تأخیر انداختم و پانزده سال بر عمرش افزودم. آن پیامبر گفت: پروردگارا! تو می دانی که من هرگز دروغ نگفته ام [و اگر این خبر را به پادشاه برسانم، نزد او دروغگو شمرده می شوم]. خداوند عز و جل به او وحی فرمود: تو تنها، بنده ای مأمور هستی. پس، آن را به او اعلام کن و خداوند، از آنچه می کند، پرسیده نمی شود». سپس امام رضا علیه السلام به سلیمان رو کرد و فرمود: «خیال می کنم تو در این باره، شبیه یهود هستی». گفت: از آن به خدا پناه می برم! مگر یهود چه گفته اند؟ فرمود: «گفته اند: «دست خدا، بسته است» و منظورشان این بوده که خداوند از کار [خلقت] فراغت یافته است و چیز جدیدی ایجاد نمی کند. پس خداوند عز و جل فرمود: «دستان خودشان بسته باد و به خاطر آنچه گفتند، از رحمت خدا به دور باشند». و همانا شنیدم قومی از پدرم موسی بن جعفر علیهما السلام درباره بدآ پرسیدند. فرمود: مردم، چه خبری از بدآ را انکار می کنند؟ این که خداوند، قومی را ننگه می دارد که آنان را به امر [و تصمیم] خویش موکول نموده است؟». سلیمان گفت: آیا به من خبر می دهی که آیه «ما آن را در شب قدر، نازل کردیم»، در باره چه چیز نازل گشته است؟ [امام] رضا علیه السلام فرمود: «ای سلیمان! در شب قدر، خداوند عز و جل آنچه را از این سال تا سال دیگر رخ می دهد (اعم از: زندگی و مرگ، خیر و شر، یا روزی)، مقدر می نماید. پس آنچه در این شب مقدر می کند، جز و قضای حتمی است». سلیمان گفت: فدایت شوم! اکنون فهمیدم. باز هم بفرمایید. [امام رضا علیه السلام] فرمود: «ای سلیمان! برخی از کارها، کارهایی هستند که نزد خدای - تبارک و تعالی - ننگه داشته شده اند. هر کدام را بخواهد، پیش می اندازد و هر کدام را بخواهد، پس می اندازد. ای سلیمان! علی علیه السلام پیوسته می فرمود: دانش، دو گونه است: دانشی که خداوند، آن را به فرشتگان و فرستادگانش آموخته است، آنچه او به فرشتگان و فرستادگانش آموخته، قطعاً واقع خواهد شد و او خودش و فرشتگان و فرستادگانش را دروغگو نمی نماید؛ و دانشی که نزد او پنهان است، که آفریده ای را از آن آگاه نساخته است و هر کدام را بخواهد، پیش می اندازد و هر کدام را بخواهد، پس می اندازد و آنچه را بخواهد، محو می کند و آنچه را بخواهد، باقی می دارد». سلیمان به مأمون گفت: ای امیر مؤمنان! از امروز، دیگر بدآ را انکار نخواهم کرد و اگر خدا بخواهد، آن را تکذیب نمی کنم.

















## 34. نیکی

### اشاره

34. نیکیدرآمدفصل یکم : شناخت نیکیفصل دوم : ارزش نیکیفصل سوم : تشویق به نیکی کردنفصل چهارم : سزاوارترین مردم به نیکیفصل پنجم : خاستگاه های نیکی کردنفصل ششم : برکت های نیکیفصل هفتم : ویژگی های نیکوکاران

درآمدِ بِرّ، در لغتواژه «بِرّ»، در اصل، مصدر و اسم مصدر (1) از ریشه «برر» به معنای خیر و نیکی است، چنان که ابن منظور، از یکی از واژه شناسان روایت کرده که می گوید: اِخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ فِي تَفْسِيرِ «الْبِرِّ»، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْبِرُّ: الصَّلَاحُ؛ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْبِرُّ: الْخَيْرُ. قَالَ: وَلَا أَعْلَمُ تَفْسِيرًا أَجْمَعَ مِنْهُ، لِأَنَّهُ يُحِيطُ بِجَمِيعِ مَا قَالُوا. (2) علما در تفسیر بِرّ، اختلاف نظر دارند. برخی گفته اند که بِرّ، به معنای صلاح است و دیگری، آن را خیر معنا کرده و گفته که: من، تفسیری جامع تر از خیر برای آن نمی شناسم؛ چرا که شامل همه آنچه که گفته اند، می شود. همچنین زمخشری می گوید: الْبِرُّ: اِسْمٌ لِّلْخَيْرِ وَ لِكُلِّ فِعْلٍ مَرَضِيٍّ. (3) بِرّ، نامی است برای خیر و هر کار پسندیده. به عقیده برخی از لغت شناسان، هر چند جامع ترین معنای «بِرّ»، «خیر» است،

---

1- .. ترتیب کتاب العین: ص 76.

2- .. لسان العرب: ج 4 ص 52.

3- .. الکشاف: ج 1 ص 109.

لیکن این دو واژه، مترادف نیستند؛ زیرا «بَرّ» ، خیری است که با قصد و توجّه همراه باشد، ولی در خیر، «قصد» شرط نیست؛ بلکه گاهی با «سهو» همراه است. (1) از این رو، خیر معنایی عام دارد. اما کلمه «بَرّ»، بر وزن «فَعَلَ»، صفت مشبّهه و اصل آن به معنای «اتّساع» و گستردگی است. از این رو، برخی از واژه شناسان، «بَرّ (فضای باز بیابان)» و «بَرّ» را از يك ریشه دانسته اند. مرحوم طبرسی، در این باره می گوید: البَرُّ: العَطْفُ وَ الإِحْسَانُ، مَصْدَرٌ... وَ أَصْلُهُ مِنَ الإِتِّسَاعِ، وَ مِنْهُ البَرُّ خِلَافَ البَحْرِ. (2) بَرّ، [به معنای] شفقت و احسان کردن، مصدر است... و اصل آن، از گستردگی [و وسعت] است و از همین ریشه است بَرّ، در برابر بحر. راغب اصفهانی نیز می گوید: البَرُّ خِلَافَ البَحْرِ، وَ تُصَوَّرُ مِنْهُ التَّوَسُّعُ فَاشْتَقَّ مِنْهُ البَرُّ، أَي التَّوَسُّعُ فِي فِعْلِ الحَيْرِ، وَ يُنْسَبُ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى تَارَةً نَحْوُ: «إِنَّهُ هُوَ البَرُّ الرَّحِيمُ» (3)، وَ إِلَى العَبْدِ تَارَةً، فَيُقَالُ: بَرَّ العَبْدُ رَبَّهُ، أَي: تَوَسَّعَ فِي طَاعَتِهِ، فَمِنَ اللَّهِ تَعَالَى الثَّوَابُ، وَ مِنَ العَبْدِ الطَّاعَةُ. (4) بَرّ، در برابر بحر (دریا) است. به خاطر گستردگی ای که از آن تصوّر می رود، بَرّ از آن مشتق شده است؛ یعنی وسعت در کار خیر. این، گاهی به خدا نسبت داده می شود، مثل «إِنَّهُ هُوَ البَرُّ الرَّحِيمُ»؛ او نیکوی رحم آور است». گاهی هم به بنده، گفته می شود. «بَرَّ العَبْدُ رَبَّهُ»؛ یعنی: خدا را فراوان اطاعت کرد. پس، از خدا ثواب، و از بنده، طاعت است.

1- .. معجم الفروق اللّغویة: ص 95.

2- .. مجمع البیان: ج 1 ص 473.

3- .. طور: آیه 28.

4- .. مفردات ألفاظ القرآن: ص 114.

## بِرّ، در قرآن و حدیث

## یک . معیار نیکی و بدی

بنا بر این، مفهوم «بِرّ» و «بِرّ»، از نظر لغت، شامل همه نیکی‌ها می‌گردند. گفتنی است که فعل این ریشه، در برخی زبان‌های هم‌ریشه عربی، مانند: آشوری و عبری، به معنای نیکوکار شدن، راستگو شدن، و برگزیده شدن، سابقه کاربرد دارد. (1)

بِرّ، در قرآن و حدیث‌واژه «بِرّ» با مشتقاتش در مجموع، بیست بار در قرآن به کار رفته است: «بِرّ» هشت بار، «أبرار» شش بار، «بِرّ» سه بار، «بِرّة»، «تبرّوا» و «تبرّوهم» هر کدام یک بار. در قرآن و احادیث اسلامی، واژه «بِرّ»، مانند واژه‌های «خیر» و «معروف»، در معنای لغوی آن، یعنی مطلق نیکی‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی به کار رفته است و بدین سان، اسلام، جامعه بشر را به مطلق نیکوکاری دعوت می‌نماید. در این بخش، ره‌نمودهای ارزشمندی در باره معیار شناخت «نیکی»، تبیین مصادیق نیکوکاری، فضیلت مطلق نیکی و ترغیب به انجام دادن آن، سزاوارترین افراد به نیکی، اساس نیکوکاری، آثار نیکوکاری، و ویژگی‌های نیکوکاران، ارائه می‌گردد؛ اما پیش از آن، نکات کوتاهی در تبیین این ره‌نمودها:

یک . معیار نیکی و بدی قرآن، در آیات متعددی، مردم را به مطلق «بِرّ»، «خیر» و «معروف» و «احسان»، دعوت می‌نماید، نظیر این آیات: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ». (2) یکدیگر را در نیکی و پرهیزگاری، یاری کنید و یکدیگر را در گناه و تجاوز، یاری نکنید».

1- .. دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج 11 ص 607.

2- .. مائده: آیه 2.

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» . (1) باید گروهی از شما باشند که به خیر، فرا بخوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ و آنان، همان رستگاران اند». «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» . (2) خداوند، به دادگری و نیکوکاری، فرمان می دهد». احادیث اسلامی نیز، مکرر و به پیروی از قرآن، مسلمانان را به مطلق نیکی ترغیب کرده اند، و این، بدان معناست که عقل سالم و فطرت پاک انسان، قادر به تشخیص حسن و قبح اشیا، و نیکی و بدی آنهاست. به سخن دیگر، از نظر قرآن و حدیث، معیار نیکی و بدی، تشخیص عقل و فطرت سالم است. از این رو، شماری از روایات، تصریح می کنند که قلب، داور نیکی و بدی در انجام دادن کارهاست، چنان که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: الْبِرُّ مَا سَكَنتَ إِلَيْهِ النَّفْسُ، وَ اطمأنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ، وَ الْإِثْمُ مَا لَمْ تَسْكُنْ إِلَيْهِ النَّفْسُ، وَ لَمْ يَطْمَئِنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ، وَ إِنْ أَفْتَاكَ الْمُفْتُونَ» . (3) نیکی، آن است که دل با آن آرام گیرد و قلب با آن اطمینان یابد؛ و گناه، آن است که جان به آن آرام نشود و قلب با آن اطمینان نیابد، هر چند فتوادهندگان تو را [بر خلاف آنچه احساس می کنی]، فتوا دهند. این سخن، بدین معناست که فطرت پاک انسان، نه تنها می تواند «بر» و «خیر» را تشخیص دهد؛ بلکه از انجام دادن آن، احساس شادی و آرامش می کند و بر عکس،

1- .. آل عمران : آیه 104 .

2- .. نحل : آیه 90 .

3- .. مسند ابن حنبل : ج 6 ص 223 ح 17757 ، المعجم الكبير : ج 22 ص 219 ح 585 ، مسند الشاميين : ج 1 ص 444 ح 782 (همگی به نقل از ابو ثعلبه خشنی) .

## دو . رأی مردم در برابر داوری وجدان

### سه . پیوند دین و خرد

از انجام دادن کار بد ، احساس ناراحتی و ناآرامی می نماید . بر این اساس ، در موارد شُبّهه ، آرامش دل ، نسبت به انجام دادن کاری ، نشانه خوبی آن است ، و بی قراری دل ، نشانه بدی آن شمرده شده است .

دو . رأی مردم در برابر داوری وجدانکننده قابل توجه دیگر ، این که در ذیل روایت یاد شده و برخی روایات دیگر ، تأکید شده که رأی مردم در برابر داوری وجدان انسان ، بی ارزش است چنان که جمله : «وَإِنْ أَفْتَاكَ الْمُفْتُونَ ؛ هر چند فتوا دهندگان ، تو را [ بر خلاف آنچه احساس می کنی ، ] فتوا دهند» در حدیث یاد شده اشاره به این معناست که وجدان انسانی ، درستی و خوبی کارها را تشخیص می دهد و آن را تصدیق می کند و بدان ، سکون و آرامش می یابد ، همچنان که وجدان ، کار بد و نادرست را نیز تشخیص می دهد و حتی اگر دیگران ، کاری را خوب و پسندیده بشمارند و بر آن پای بفشارند ، دل و جان انسان ، بدان آرامش نمی یابد و به نوعی از آن ، احساس شک و تشویش خاطر می کند . البته باید توجه داشت که این درك و شعور فطری ، تعبّدیات شرعی محض را شامل نمی شود .

سه . پیوند دین و خردمطلب مهم دیگری که با توجه به معیار نیکی و بدی از نگاه قرآن و حدیث ، می توان بدان دست یافت ، پیوند دین و خرد ، و انطباق احکام نورانی اسلام با منطق فطرت و عقل ، و نیازهای واقعی انسان است . این معنا ، در شماری از روایات \_ که معیار یاد شده در پاسخ به تبیین انواع مُحلّلات و محرّمات (1) یا نیکی ها و گناهان

### چهار . میزان تقرب به مبدأ نیکی ها

آمده \_ (1) وضوح بیشتری دارد . همچنین ، این روایات \_ که از امام علی علیه السلام نقل شده \_ ، پیوند دین و عقل را تأیید می کنند : إِنَّهُ لَمْ يَأْمُرْكَ إِلَّا بِحَسَنٍ وَلَمْ يَنْهَكَ إِلَّا عَنِ قَبِيحٍ . (2) او تو را جز به خوبی ، امر نکرده و جز از بدی ، نهی نکرده است . لَوْ لَمْ يَنْهَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ عَنِ مَحَارِمِهِ لَوَجَبَ أَنْ يَجْتَنِبَهَا الْعَاقِلُ . (3) اگر خداوند از حرام هایش نهی هم نکرده بود ، بر خردمند واجب بود که از آنها ، کناره گیری کند . البته با اندکی تأمل ، روشن می شود که عقل و فطرت ، به دلیل عدم احاطه به همه مصالح و مفساد ، از تشخیص همه مصادیق نیکی و بدی ، ناتوان اند و همین معنا ، فلسفه نیاز بشر به وحی است که در آینده ، توضیح لازم در این زمینه ، خواهد آمد ، (4) إِنْ شَاءَ اللَّهُ !

چهار . میزان تقرب به مبدأ نیکی ها خداوند متعال ، مبدأ همه نیکی ها و نیکوکارِ مطلق است و به همین جهت ، «بَرّ» و «بَارّ» نامیده شده است و میزان تقرب و نزدیکی به او ، نیکوکاری است . از این رو ، فرشتگان و انبیای الهی و اوصیای آنان ، در صدر نیکوکاران قرار دارند ، و پیروان انبیا نیز به اندازه نیکوکاری ، به بارگاه ربوبی راه می یابند و بدین سان ، روایات اسلامی با تعبیرهای گوناگون ، ملازمت فرشتگان ، پیشوایان دین و مؤمنان با نیکوکاری را بیان

1- .. ر . ك : ص 257 ح 1 \_ 3 وص 259 ح 4 وص 261 ح 8 .

2- .. نهج البلاغة : نامه 31 .

3- .. غرر الحکم : ج 5 ص 117 ح 7595 .

4- .. همچنین برای آگاهی بیشتر در این زمینه ، ر . ك : فلسفه وحی و نبوت ، از نگارنده (ری شهری) .

## پنج . ارزشمندترین نیکوکاری ها

### شش . راه رسیدن به جایگاه ابرار

کرده ، (1) و مردم را به نیکی و نیکوکاری ، دعوت نموده اند . (2)

پنج . ارزشمندترین نیکوکاری ها هر چند مطلق نیکوکاری از منظر عقل و دین ، پسندیده است ؛ لیکن ارزش نیکی به دیگران ، یکسان نیست ؛ بلکه به مقتضای عقل و شرع ، شماری از مردم ، اولویت دارند . لذا در متون اسلامی ، نیکی به پدر و مادر ، خویشاوندان ، نیکان ، آزادگان ، نیازمندان ، یتیمان ، دوستان پدر و اهل قبور ، مورد تأکید قرار گرفته است . همچنین ، نیکی متقابل نسبت به کسی که به انسان نیکی کرده ، توصیه شده است .

شش . راه رسیدن به جایگاه ابرار نخستین گام در راه رسیدن به مقام ابرار ، تأمل در ارزش نیکوکاری (3) و نقش آن در زندگی دنیوی و آخروی (4) است و در گام های بعدی ، تلاش برای متّصف شدن به صفاتی که زمینه نیکوکاری را در انسان ، فراهم می سازد (مانند صداقت (5) و مجاهدت) ، برای نزدیک شدن به قلّه های بلندی که پیشوایان نیکوکار به اوج آنها دست یافته اند ، ضروری است . در کنار تلاش ، استعانت جُستن از مبدأ نیکی ها نیز نقش مهمّی در یافتن توفیق برای پیمودن این راه دارد . (6)

1- .. ر . ك : ص 275 (فصل دوم : ارزش نیکی) .

2- .. ر . ك : ص 285 (فصل سوم : تشویق به نیکی کردن) .

3- .. ر . ك : ص 303 (خاستگاه های نیکی / اندیشیدن) .

4- .. ر . ك : ص 309 (فصل ششم : برکت های نیکی) .

5- .. ر . ك : ص 303 (خاستگاه های نیکی / دانش و راستی) و ص 305 (رشد) .

6- .. ر . ك : ص 305 (خاستگاه های نیکی / کمک خواستن از خدا) .



**هفت . نشانه رسیدن به جایگاه ابرار**

هفت . نشانه رسیدن به جایگاه ابرار دستیابی به ویژگی های اعتقادی ، اخلاقی و عملی ای که در آیه 177 از سوره بقره آمده اند ، نشانه رسیدن به نخستین مرتبه از مراتب «ابرار» است و هر چه این ویژگی ها در انسان ، عمیق تر و قوی تر شوند ، به مراتب والاتری از جایگاه ابرار ، دست می یابد . بنا بر این ، آنچه در فصل هفتم در باره ویژگی های ابرار خواهد آمد ، در واقع ، تبیین ویژگی هایی است که در قرآن ، بدانها اشاره شده و مراتب والای نیکی (پر) است .

الفصل الأول : معرفة البرّ 1 / 1 ميزان معرفة البرّ والإثم رسول الله صلى الله عليه وآله : البرّ ما طابت به النفس واطمأنَّ إليه القلب ، والإثم ما جال (1) في النفس وتردّد في الصدر . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : البرّ ما انشراح له صدرك ، والإثم ما حاك في صدرك وإن أفتاك عنه الناس . (3)

عنه صلى الله عليه وآله - لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْبِرِّ وَالْإِثْمِ - : الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلَعَ عَلَيْهِ النَّاسُ . (4)

- 1- . جال يجول : إذا دار ، وللباطل جولة : يعني أنّ أهله لا يستقرّون على أمر يعرفونه ويطمئنّون إليه (النهاية : ج 1 ص 317 «جول»).
- 2- . الجعفریات : ص 148 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ؛ سنن الدارمي : ج 2 ص 696 ح 2438 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 292 ح 18023 ، المعجم الكبير : ج 22 ص 149 ح 403 كلّها عن وابصة الأسيدي وفيها «اطمأنّت» بدل «طابت» و «حاك» بدل «جال» ، كنز العمال : ج 3 ص 432 ح 7312 .
- 3- . مسند ابن حنبل : ج 6 ص 291 ح 18021 ، المعجم الكبير : ج 22 ص 148 ح 402 ، تاريخ دمشق : ج 62 ص 341 ح 12857 ، التاريخ الكبير : ج 1 ص 144 ح 432 وليس فيه ذيله وكلّها عن وابصة الأسيدي ، كنز العمال : ج 3 ص 432 ح 7311 .
- 4- . صحيح مسلم : ج 4 ص 1980 ح 14 ، سنن الترمذي : ج 4 ص 597 ح 2389 ، سنن الدارمي : ج 2 ص 778 ح 2687 وفيه «يعلمه» بدل «يطلع عليه» وفيهما «نفسك» بدل «صدرك» ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 17 ح 2172 كلّها عن نّوّاس بن سمعان ، كنز العمال : ج 3 ص 7 ح 5163 .

## فصل یکم : شناخت نیکی

## 1 / 1 معیار شناخت نیکی و گناه

فصل یکم : شناخت نیکی 1 / 1 معیار شناخت نیکی و گناه (1) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیکی ، آن چیزی است که در جان بنشیند و دل ، بدان آرام گیرد؛ و گناه ، آن چیزی است که در جان آرام نگیرد و در سینه ، بی تابی کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیکی ، آن است که سینه ات ، بدان آرامش یابد؛ و گناه ، آن است که در سینه ات خَلْجَان کند، هر چند مردم در باره [درست بودن] آن ، برایت فتوا دهند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ هنگامی که از ایشان پرسیده شد : نیکی و گناه چیست؟ \_ : نیکی ، خوش رفتاری است؛ و گناه ، آن است که در سینه ات اضطراب پدید آورد و خوش نداشته باشی که مردم از آن ، آگاه شوند .

---

1- .. یکی از معانی «برّ» که در واقع ، آن هم از موارد و مصادیق نیکی و خیر است \_ ، طاعت و فرمان برداری ، و دیگری ، درستی و روایی است . «اِثْم» نیز به معنای انجام دادن کاری است که حلال و روا نیست . این دو کلمه ، غالباً در برابر هم به کار می روند . مثلاً در قرآن کریم آمده است : «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» . پس برّ و اِثْم ، به معنای درست و نادرست ، روا و ناروا و طاعت و گناه است و در این احادیث ، این معانی ، مورد نظر است .

مسند ابن حنبل عن أبي أمامة: سَأَلَ رَجُلٌ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا الْإِثْمُ؟ قَالَ: إِذَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ شَيْءٌ فَدَعَهُ. (1)

مسند ابن حنبل عن أبي ثعلبة الخشني: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي بِمَا يَحِلُّ لِي وَيَحْرُمُ عَلَيَّ؟ قَالَ: فَصَدَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَوَّبَ فِي النَّظَرِ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْبِرُّ مَا مَسَّ كُنْتَ إِلَيْهِ النَّفْسُ، وَاطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ، وَالْإِثْمُ مَا لَمْ تَسْكُنْ إِلَيْهِ النَّفْسُ، وَلَمْ يَطْمَئِنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ، وَإِنْ أَفْتَاكَ الْمُفْتُونَ. (2)

الزهد لابن المبارك عن عبد الرحمن بن معاوية بن حديج: إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يَحِلُّ لِي مِمَّا يَحْرُمُ عَلَيَّ؟ فَسَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَرَدَّ عَلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كُلُّ ذَلِكَ يَسْكُتُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: مَنْ السَّائِلُ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: أَنَا ذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: وَتَقَرَّ بِاصْبَعَيْهِ: مَا أَنْكَرَ قَلْبُكَ فَدَعَهُ. (3)

المعجم الكبير عن واثلة بن الأسقع: تَرَأَيْتُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَسْجِدِ الْخَيْفِ، فَقَالَ لِي أَصْحَابُهُ: إِلَيْكَ يَا وَائِلَةُ \_ أَي تَنَحَّ \_ عَن وَجْهِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دَعُوهُ فَإِنَّمَا جَاءَ لِيَسْأَلَ. فَدَنَوْتُ فَقُلْتُ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَتَنَا عَن أَمْرٍ نَأْخُذُهُ عَنكَ مِنْ بَعْدِكَ، قَالَ: لِتُعْنِكَ نَفْسُكَ. فَقُلْتُ: كَيْفَ لِي بِذَلِكَ؟ فَقَالَ: تَدْعُ مَا يُرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يُرِيْبُكَ وَإِنْ أَفْتَاكَ الْمُفْتُونَ. فَقُلْتُ: وَكَيْفَ لِي بِعِلْمِ ذَلِكَ؟ قَالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلَى فُؤَادِكَ؛ فَإِنَّ الْقَلْبَ يَسْكُنُ لِلْحَلَالِ وَلَا يَسْكُنُ لِلْحَرَامِ، وَإِنَّ الْوَرَعَ الْمُسْلِمِ يَدْعُ الصَّغِيرَ مَخَافَةَ أَنْ يَقَعَ فِي الْكَبِيرِ. (4)

- 1- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 283 ح 22261 وص 275 ح 22228 وفيه «نفسك» بدل «صدرك»، المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 17 ح 2171 وج 4 ص 111 ح 7047، المعجم الكبير: ج 8 ص 117 ح 7539، الزهد لابن المبارك: ص 284 ح 825 وفيهما «ما حاك...»، كنز العمال: ج 3 ص 428 ح 7285 وح 7288.
- 2- مسند ابن حنبل: ج 6 ص 223 ح 17757، المعجم الكبير: ج 22 ص 219 ح 585 وليس فيه «وإن أفتاك المفتون»، حلية الأولياء: ج 2 ص 30، تاريخ بغداد: ج 8 ص 445 الرقم 4553، كنز العمال: ج 3 ص 426 ح 7278.
- 3- الزهد لابن المبارك: ص 284 ح 824، كنز العمال: ج 3 ص 797 ح 8791 نقلاً عن ابن عساكر.
- 4- المعجم الكبير: ج 22 ص 78 ح 193، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 481 ح 7454 وفيه «لتفتك» بدل «لتعنعك»، المطالب العالية: ج 1 ص 404 ح 1357، كنز العمال: ج 3 ص 432 ح 7309.

مسند ابن حنبل\_ به نقل از ابو أمامه \_ : کسی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: گناه چیست؟ فرمود: «آن گاه که چیزی در سینه ات اضطراب ایجاد کرد، آن را وا گذار» .

مسند ابن حنبل\_ به نقل از ابو ثعلبه حُشَنی \_ :گفتم: ای پیامبر خدا! مرا از آنچه بر من حلال و حرام است، آگاه ساز. پیامبر صلی الله علیه و آله ، نفس عمیقی کشید و به دقت به من نگریست و فرمود: «نیکی، آن است که جان ، بدان آرام گیرد و دل ، با آن اطمینان یابد؛ و گناه، آن است که جان ، بدان آرام نشود و دل ، با آن اطمینان نیابد، هر چند فتوا دهندگان [ بر خلاف آنچه احساس می کنی ، ]برایت فتوا دهند».

الزهد ، ابن مبارک\_ به نقل از عبد الرحمان بن معاویه بن حُدیج \_ :مردی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: چه چیز بر من ، حلال و چه چیز بر من ، حرام است؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سکوت کرد. وی ، پرسش خود را سه بار تکرار کرد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در هر سه بار، سکوت نمود و آن گاه فرمود: «سؤال کننده ، که بود؟» . آن مرد گفت: من ، ای پیامبر خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله ، در حالی که با دو انگشت خود ، [به سینه او یا به زمین] تَلَنُگَر می زد، فرمود: «آنچه را دلت ناشایسته دید ، رهایش کن» .

المعجم الكبير\_ به نقل از واثلة بن أسقع \_ :در مسجد خَیْف جلوی نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتم . یارانش به من گفتند: ای واثله! از جلوی دید پیامبر ، کنار برو! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «او را وا گذارید . آمده است تا [چیزی را] بپرسد» . نزدیک ایشان شدم و گفتم: پدر و مادرم فدایت، ای پیامبر خدا! به ما دستوری بده که پس از تو ، به آن عمل کنیم . فرمود: «باید دلت ، یاری ات کند!» . گفتم: چگونه؟ فرمود: «آنچه را که تو را به تردید می افکند، وا گذار و آنچه را که تو را به تردید نمی افکند، انجام بده، هر چند فتوا دهندگان، [ بر خلاف آنچه می فهمی ، ] نظر دهند» . گفتم: این را از کجا بدانم؟ فرمود: «[ برای این کار ، ] دستت را روی دلت می گذاری؛ چرا که دل ، در برابر حلال، آرامش می یابد؛ ولی برای حرام، آرام نمی شود. همانا مسلمان پرهیزگار، گناه کوچک را رها می کند تا مبادا به گناه بزرگ ، دچار شود» .

مسند ابن حنبل عن وابصة بن معبد: أُتيت رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا أريد ألا أدع شيئاً من البرِّ والإثم إلا سألتُه عنه، وإذا عندهُ جمعٌ، فذهبتُ أتخطي الناسَ، فقالوا: إليك يا وابصةُ عن رسول الله صلى الله عليه وآله، إليك يا وابصةُ، فقلتُ: أنا وابصةُ، دعوني أدنو منه فإِنَّهُ مِن أَحَبِّ النَّاسِ إِلَيَّ أَنْ أَدْنُو مِنْهُ، فقال لي: أدنُ يا وابصةُ، أدنُ يا وابصةُ. فدنوتُ منه حتى مسَّتْ رُكْبَتِي رُكْبَتَهُ، فقال: يا وابصةُ، أخبرك ما جئتُ تسألني عنه أو تسألني؟ فقلتُ: يا رسول الله فأخبرني، قال: جئتُ تسألني عن البرِّ والإثم؟ قلتُ: نعم، فجمع أصابعهُ الثلاثَ فجعلَ يَنكُثُ بها في صدري ويقولُ: يا وابصةُ استفتِ نفسك، البرُّ ما اطمأنَّ إليه القلبُ واطمأنت إليه النفسُ، والإثمُ ما حاك في القلبِ وتردَّدَ في الصدرِ وإن أفتاك الناسُ. (1)

1- مسند ابن حنبل: ج 6 ص 292 ح 18023، سنن الدارمي: ج 2 ص 696 ح 2438، المعجم الكبير: ج 22 ص 149 ح 403، مسند أبي يعلى: ج 2 ص 244 ح 1583 وص 245 ح 1584، تاريخ دمشق: ج 10 ص 111؛ قرب الإسناد: ص 322 ح 1228 كلُّها نحوه، بحار الأنوار: ج 17 ص 229.

مسند ابن حنبل\_ به نقل از ابصه بن معبد\_ : خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتم و می خواستم هیچ نیک و بدی را وانگذارم، مگر آن که در باره آن ، از ایشان پرسیده باشم . گروهی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودند . در حالی که از میان مردم رد می شدم، به سوی ایشان رفتم . مردم گفتند: ای ابصه! کنار برو و جلوی پیامبر خدا میا . گفتم: من ابصه ام. بگذارید به ایشان ، نزدیک شوم . او از همه مردم برایم دوست داشتنی تر است که نزدیکش شوم . پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «نزدیک بیا، ابصه! نزدیک بیا، ابصه!». به ایشان نزدیک گشتم، تا حدی که با او زانو به زانو شدم . فرمود: «آیا خبر بدهم که آمده ای چه پرسسی، یا خودت می پرسسی؟». گفتم: ای پیامبر خدا! شما خبر دهید . فرمود: «آمده ای تا از من ، درباره نیکی و گناه پرسسی». گفتم: آری . ایشان ، سه انگشت خود را گرد آورد و در حالی که به سینه من تَلَنُگَر می زد ، می فرمود: «ای ابصه! از دلت پرس . نیکی، آن است که دل و جانت ، با آن آرام می گیرد ؛ و گناه، آن است که در دلت ، اضطراب ایجاد می کند و در سینه ات ، مُرَدَد و بی قرار است هر چند مردم [ بر خلاف آنچه دلت می فهمد] ، فتوایت دهند» .

1 / 2 تفسير البرّ - الإيمان والعمل الصالح الكتاب «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ  
الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»  
(1).

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ». (2)

الحديثالمستدرک علی الصحیحین عن أبي ذرّ: أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْإِيمَانِ، فَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا  
وُجُوهَكُمْ...» حَتَّى فَرَغَ مِنَ الْآيَةِ، قَالَ: ثُمَّ سَأَلَهُ أَيْضًا فَتَلَاهَا، ثُمَّ سَأَلَهُ أَيْضًا فَتَلَاهَا، ثُمَّ سَأَلَهُ فَقَالَ: وَإِذَا عَمِلْتَ حَسَنَةً أَحَبَّهَا قَلْبُكَ، وَإِذَا  
عَمِلْتَ سَيِّئَةً أَبْغَضَهَا قَلْبُكَ. (3)

تفسير ابن كثير عن القاسم بن عبد الرحمن: جاء رجلٌ إلى أبي ذرّ فقال: ما الإيمان؟ فقرأ عليه هذه الآية: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ»  
حَتَّى فَرَغَ مِنْهَا. فَقَالَ الرَّجُلُ: لَيْسَ عَنِ الْبِرِّ سَأَلْتُكَ. فَقَالَ أَبُو ذرّ: جاء رجلٌ إلى رسولِ الله صلى الله عليه وآله فسأله عما سألتني عنه، فقرأ  
عليه هذه الآية، فأبى أن يرضى كما أبيت أن ترضى، فقال له رسولُ الله صلى الله عليه وآله، وأشار بيده: المؤمن إذا عمل حسنة سرته  
ورجا ثوابها، وإذا عمل سيئة أحرزته وخاف عقابها. (4)

1- البقرة: 177 .

2- آل عمران: 92 .

3- المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 299 ح 3077، تفسير ابن كثير: ج 1 ص 296، الدر المنثور: ج 1 ص 410 .

4- تفسير ابن كثير: ج 1 ص 296، الدر المنثور: ج 1 ص 411 .



## الف - ایمان و کردار شایسته

1 / 2 تفسیر نیکیالف - ایمان و کردار شایستهقرآن«نیکی ، آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب بگردانید ؛ بلکه نیکی آن است که کسی بر خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ، ایمان آورد، مال خود را با وجود دوست داشتن، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و نیازخواهان ، و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد، و نماز را بر پا دارد و زکات را بدهد، و آنان که چون پیمان ببندند ، به پیمان خود وفادارند، و در سختی و زیان و به هنگام جنگ ، شکیبایند. آنان اند کسانی که راست گفته اند و آنان ، همان پرهیزگاران اند».

«هرگز به نیکی نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید ، انفاق کنید ؛ و از هر چه انفاق کنید ، قطعاً خدا بدان داناست».

حدیثالمستدرک علی الصحیحین\_ به نقل از ابو ذر\_ :او (ابو ذر) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره ایمان پرسید. ایشان ، این آیه را خواند: «نیکی آن نیست که روی خود را...» تا آخر آیه . ابو ذر ، دوباره پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله دوباره همین آیه را خواند. سه باره پرسید. ایشان ، باز همان آیه را خواند. بار چهارم پرسید . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «و هر گاه کار خوبی انجام دادی ، دلت آن را دوست بدارد، و هر گاه کار بدی انجام دادی ، دلت آن را منفور بدارد» .

تفسیر ابن کثیر\_ به نقل از قاسم بن عبد الرحمان \_ :مردی نزد ابو ذر آمد و گفت: ایمان چیست؟ ابو ذر ، این آیه را برایش خواند: «نیکی ، آن نیست که روی خود را...» تا آخر آیه . مرد گفت: از نیکی از تو نپرسیدم! ابو ذر گفت: مردی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و همین سؤالی را که تو از من پرسیدی ، از ایشان پرسید و پیامبر صلی الله علیه و آله ، همین آیه را برایش تلاوت فرمود ؛ ولی همان گونه که تو راضی نشدی ، او نیز راضی نشد. پس ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با دستش اشاره کرد و به او فرمود : «مؤمن ، هر گاه کار نیکی را انجام دهد ، شادمان می شود و به پاداش آن ، امید خواهد داشت ؛ و هر گاه کار بدی را انجام می دهد ، آن کار ، اندوهگینش می سازد و از کيفرش بیمناک می گردد».

رسول الله صلى الله عليه وآله: خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ: الإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَالتَّفَعُّعُ لِعِبَادِ اللَّهِ، وَخَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ: الشَّرْكُ بِاللَّهِ، وَالضَّرُّ لِعِبَادِ اللَّهِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: فَوْقَ كُلِّ ذِي بِرٍّ بَرٌّ، حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: لِعَائِشَةَ - أَهْجَرِي الْمَعَاصِي فَإِنَّهَا خَيْرُ الْهَجْرَةِ، وَحَافِظِي عَلَى الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ الْبِرِّ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرُ أَبْوَابِ الْبِرِّ الصَّدَقَةُ. (4)

الإمام علي عليه السلام: الصَّدَقَةُ فِي السَّرِّ مِنْ أَفْضَلِ الْبِرِّ. (5)

1- تحف العقول: ص 35، بحار الأنوار: ج 77 ص 137 ح 2.

2- الكافي: ج 2 ص 348 ح 4 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 122 ح 209 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الخصال: ص 9 ح 31 عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، روضة الواعظين: ص 397، بحار الأنوار: ج 74 ص 60 ح 25.

3- المعجم الأوسط: ج 4 ص 238 ح 4077 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 15 ص 799 ح 43171.

4- المعجم الكبير: ج 12 ص 142 ح 12834، الفردوس: ج 2 ص 180 ح 2905 كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج 6 ص 351 ح 16015.

5- غرر الحكم: ج 1 ص 392 ح 1518، عيون الحكم والمواعظ: ص 48 ح 1224.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو کار است که بالاتر از آن، کار نیکی نیست: ایمان به خدا، و سود رساندن به بندگان خدا؛ و دو کار است که بدتر از آنها کاری نیست: شرك به خدا، و زیان رساندن به بندگان خدا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بالاتر از هر نیکی، نیکی ای وجود دارد تا آن که انسان در راه خدا، کشته شود، و چون در راه خدا کشته شد، دیگر بالاتر از آن، نیکی ای وجود ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ به عایشه \_ از گناهان، هجرت [و دوری] کن که این، بهترین هجرت است، و نمازها را پاس بدار که این، برترین نیکی [و طاعت] است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین نوع نیکی، صدقه دادن است.

امام علی علیه السلام: صدقه دادن نهانی، از برترین کارهای نیک است.

عنه عليه السلام: البرُّ عَمَلٌ صَالِحٌ . (1)

عنه عليه السلام: البرُّ عَمَلٌ مُصْلِحٌ . (2)

ب \_ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ صَحِيحَ مُسْلِمٍ عَنْ نَوَاسِ بْنِ سَمْعَانَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْبِرِّ وَالْإِثْمِ ، فَقَالَ : الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ ...

(3) .

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْسَ الْبِرُّ فِي حُسْنِ الزِّيِّ ، وَلَكِنَّ الْبِرَّ فِي السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: الْبِرُّ شَيْءٌ هَيْنٌ ، وَجَهٌ طَلَقٌ وَكَلَامٌ لَيْنٌ . (5)

الإمام علي عليه السلام: الْبِشْرُ أَوَّلُ الْبِرِّ . (6)

عنه عليه السلام: حُسْنُ الْخُلُقِ رَأْسُ كُلِّ بَرٍّ . (7)

عنه عليه السلام\_ فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ : مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْبِرِّ : الْجُودُ فِي الْعُسْرِ ، وَالصَّدَقُ فِي الْغَضَبِ ، وَالْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ . (8)

- 
- 1- .غرر الحكم : ج 1 ص 219 ح 871 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 23 ح 200 .
  - 2- .غرر الحكم : ج 1 ص 148 ح 554 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 40 ح 893 .
  - 3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 1980 ح 14 ، سنن الترمذي : ج 4 ص 597 ح 2389 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 199 ح 17649 ، سنن الدارمي : ج 2 ص 778 ح 2687 ، الأدب المفرد : ص 96 ح 295 ، كنز العمال : ج 3 ص 7 ح 5163 .
  - 4- .جامع الأحاديث للقمي : ص 288 عن أبي سعيد الخدري ، مستدرک الوسائل : ج 1 ص 106 ح 105 ؛ كنز العمال : ج 3 ص 252 ح 6401 نقلا عن كتاب الفردوس عن أبي سعيد .
  - 5- .الفردوس : ج 2 ص 32 ح 2201 عن عمرو بن مسلم ، أسد الغابة : ج 3 ص 340 ، تاريخ دمشق : ج 31 ص 177 كلاهما عن ابن عمر من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .
  - 6- .غرر الحكم : ج 1 ص 79 ح 296 .
  - 7- .غرر الحكم : ج 3 ص 393 ح 4857 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 227 ح 4366 .
  - 8- .شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 304 ح 486 .

## ب - اخلاق شایسته

اما علی علیه السلام: نیکی کردن، کرداری شایسته است.

امام علی علیه السلام: نیکی کردن، کرداری اصلاحگر است.

ب - اخلاق شایسته صحیح مسلم - به نقل از نوّاس بن سمعان - از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، در باره نیکی و گناه پرسیدم. فرمود: «نیکی ، عبارت از خوی نیکوست...» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیکی ، در ظاهر آراسته نیست ؛ بلکه نیکی ، در آرامش و وقار است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیکی ، کار آسانی است: روی گشاده، و سخن نرم [ داشتن ] است .

امام علی علیه السلام: گشاده رویی ، نخستین نیکی است.

امام علی علیه السلام: خوش خویی، در رأس همه نیکی هاست .

امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان - از برترین کارهای نیک ، بخشندگی ، با وجود تنگ دستی ، و راست گفتن در هنگام خشم، و گذشت کردن در هنگام قدرت [بر انتقام] است .

عنه عليه السلام: أكبر البرِّ الرَّفْقُ . (1)

عنه عليه السلام: أبرُّكُمْ أتقاكم . (2)

عنه عليه السلام: رأيتُ جميعَ البرِّ، فلم أرَ برًّا أفضلَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالشَّفَقَةِ . (3)

ج - إتيانُ الأمورِ مِنْ وَجْهِهَا الْكِتَابُ «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» . (4)

الحديثُ للإمامِ الباقرِ عليه السلامُ في قولِهِ تَعَالَى: « وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا » - يَعْنِي أَنْ يَأْتِيَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهِهِ؛ أَيَّ الْأُمُورِ كَانَ . (5)

الإمامُ الرضا عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهِهِ لَمْ يَزَلْ، فَإِنْ زَلَّ لَمْ تَخْذُلْهُ الْحِيلَةُ . (6)

1 / أبوابُ البرِّ رسولُ الله صلى الله عليه وآله - فيما أوصى بِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَا عَلِيُّ، ثَلَاثٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ، وَطَيْبُ الْكَلَامِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى . (7)

1- غرر الحكم: ج 2 ص 374 ح 2867، عيون الحكم والمواعظ: ص 113 ح 2466 .

2- غرر الحكم: ج 2 ص 370 ح 2836، عيون الحكم والمواعظ: ص 113 ح 2462 .

3- المواعظ العددية: ص 263 .

4- البقرة: 189 .

5- المحاسن: ج 1 ص 352 ح 742، تفسير العياشي: ج 1 ص 86 ح 211، مجمع البيان: ج 2 ص 509، التبيان في تفسير القرآن:

ج 2 ص 42 كلاهما نحوه وكلها عن جابر بن يزيد، بحار الأنوار: ج 2 ص 262 ح 8 .

6- الدرّة الباهرة: ص 37، العدد القويّة: ص 297 ح 26، بحار الأنوار: ج 78 ص 353 ح 9 .

7- تحف العقول: ص 8، المحاسن: ج 1 ص 66 ح 14 عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، الجعفریات:

ص 231 عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام، نزهة الناظر: ص 102 ح 181 عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار

الأنوار: ج 71 ص 89 ح 41 .

## ج - انجام دادن هر کاری از راهش

### 1 / 3 درهای نیکی

امام علی علیه السلام: بزرگ ترین نیکی، نرم خویی است.

امام علی علیه السلام: نیکوکارترین شما، پرهیزگارترین شماست.

امام علی علیه السلام: همه نیکی ها را دیدم؛ اما نیکی ای برتر از مهربانی و دلسوزی ندیدم.

ج - انجام دادن هر کاری از راهشقرآن(نیکی، آن نیست که از پشت خانه ها [ به آنها ] درآیید؛ بلکه نیکی آن است که کسی پروا پیشه کند؛ و به خانه ها، از در آنها درآیید و از خدا، پروا دارید، شاید که رستگار شوید».

حدیثامام باقر علیه السلام - در باره این سخن خداوند: «و به خانه ها، از در آنها درآیید» - یعنی کار را از راهش وارد شود، هر کاری که باشد.

امام رضا علیه السلام: هر کس کار را از راهش بجوید، نمی لغزد. اگر هم بلغزد، بیچاره نمی ماند.

1 / 3 درهای نیکیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به علی علیه السلام - ای علی! سه چیز از درهای نیکی است: داشتن روحیه بخشندگی، خوش گفتاری، و شکیبایی بر آزار.

1 / 4 كُنُوزُ الْبِرِّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ: كِتْمَانُ الْحَاجَةِ، وَكِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْمَرَضِ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ: إِخْفَاءُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الشُّكُوفِ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِبَلَاءٍ فَصَبْرٍ وَلَمْ يَشْكُنِي إِلَى عُوَادِهِ، أَبَدَلْتُهُ لَحْمًا خَيْرًا مِنْ لَحْمِهِ، وَدَمًا خَيْرًا مِنْ دَمِهِ، فَإِنْ أَبْرَأْتَهُ أَبْرَأْتَهُ وَلَا ذَنْبَ لَهُ، وَإِنْ تَوَفَّيْتُهُ فَإِلَى رَحْمَتِي. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ: كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، وَكِتْمَانُ الْمَرَضِ. (3)

- 
- 1- الأماشي للمفيد: ص 8 ح 4 عن عبد الله بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 295 عن الإمام الباقر عليه السلام، معدن الجواهر: ص 39، تاريخ يعقوبي: ج 2 ص 92، بحار الأنوار: ج 81 ص 208 ح 22.
  - 2- حلية الأولياء: ج 7 ص 117، تاريخ دمشق: ج 52 ص 316 ح 11036 وفيه «أرسلته» بدل «أبرأته» في كلا الموضوعين وكلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 15 ص 812 ح 43227.
  - 3- شعب الإيمان: ج 7 ص 215 ح 10051 عن الحلاء بن عبد الرحمن بن يعقوب، حلية الأولياء: ج 8 ص 197 عن ابن عمر نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 299 ح 6643؛ الدعوات: ص 167 ح 462 نحوه، بحار الأنوار: ج 81 ص 208 ح 23.



**1 / 4 گنج های نیکی**

1 / 4 گنج های نیکی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار چیز ، از گنج های نیکی است: پنهان داشتن نیاز، پنهانی دادن صدقه، پنهان داشتن بیماری، و پنهان داشتن مصیبت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز ، از گنج های نیکی است : پنهانی دادن صدقه، پنهان داشتن درد [ و گرفتاری ] ، و پنهان داشتن مصیبت. خداوند متعال می فرماید: «هر گاه بنده ام را به دردی گرفتار ساختم و او شکیبایی ورزید و به عیادت کنندگانش ، از من شکایت نکرد، گوشت و خونی بهتر از آنچه در اوست ، جای گزینش می سازم، و اگر او را بهبود بخشم ، در حالی بهبود می بخشم که از هر گناهی پاک شده باشد، و اگر جانش را بگیرم ، به رحمت من ملحق می شود» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز ، از گنج های نیکی است : پنهانی دادن صدقه، پنهان داشتن مصیبت، و پنهان داشتن بیماری.

عنه صلى الله عليه وآله: كُنُوزُ الْبِرِّ: إِخْفَاءُ الْعَمَلِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا، وَكِتْمَانُ الْمَصَائِبِ. (1)

1 / 5 تَمَامُ الْبِرِّ الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ عَنْ أَبِي عَامِرِ السَّكُونِيِّ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا تَمَامُ الْبِرِّ؟ قَالَ: أَنْ تَعْمَلَ فِي السِّرِّ عَمَلَ الْعَلَانِيَةِ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ أَتَبَعَ الْإِحْسَانَ بِالْإِحْسَانِ، وَاحْتَمَلَ جِنَايَاتِ (3) الْإِخْوَانِ وَالْجِيرَانِ، فَقَدْ أَكْمَلَ الْبِرَّ. (4)

- 
- 1- .جامع الأحاديث للقمي: ص 109، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 38 ح 105، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 228 ح 119 كلاهما عن أحمد بن عامر عن الإمام الرضا عن أبيه عن الإمام عليّ عليهم السلام وفيهما «من كنوز البر...»، التمهيد: ص 66 ح 153 عن جابر بن عبد الله عن الإمام عليّ عليه السلام وفيه «من كنوز الجنة البرّ وإخفاء العمل...».
  - 2- .المعجم الكبير: ج 22 ص 317 ح 800، الإصابة: ج 7 ص 212 الرقم 10191 نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 24 ح 5265.
  - 3- .الجنائيات: الذنب والجرم، وما يفعله الإنسان ممّا يوجب عليه العذاب والقصاص في الدنيا والآخرة (النهاية: ج 1 ص 309 «جنى»).
  - 4- .غرر الحكم: ج 5 ص 449 ح 9120، عيون الحكم والمواعظ: ص 425 ح 7193.

**1 / 5 تمام نیکی**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گنج های نیکی عبارت اند از: پنهان داشتن عمل، شکیبایی بر بلاها و پنهان داشتن مصیبت ها .

1 / 5 تمام نیکی المعجم الکبیر\_ به نقل از ابو عامر سکونی \_ گفتم : ای پیامبر خدا ! تمام نیکی چیست ؟ فرمود : « این که در نهان ، همان کاری را انجام دهی که در آشکار می کنی » .

امام علی علیه السلام : هر که نیکی را با نیکی دنبال کند و گناهان [ و بد رفتاری های ] برادران و همسایگان را تحمل نماید [ و در صدد تلافی بر نیاید ]، نیکی را به کمال رسانیده است .

الفصل الثاني : فضل البرّ 2 / 1 البرّ والبرّ والبارّ من أوصافِ الله عزّ وجلّ لكتاب «إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلَّ عِزُّهُ وَتَسَعَتْ وَسَعَى اسْمَا ، مِئَةً إِلَّا وَاحِدًا ، إِنَّهُ وَتَرٌ (2) يُحِبُّ الْوَتَرَ ، مَنْ حَفِظَهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ ، وَهِيَ : اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ ... الْبَارُّ الْمُتَعَالِي . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَتَّارُ ، يَا غَفَّارُ ، يَا قَهَّارُ ، يَا جَبَّارُ ، يَا صَبَّارُ ، يَا بَارُّ ، يَا مُخْتَارُ ، يَا فَتَّاحُ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله في دُعَائِهِ \_ : أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَلِيِّ الْعَالِيِّ الْمُتَعَالِيِّ ، الْمُبَارِكِ الْبَارِّ ، يَا بَارًّا بِعِبَادِهِ ، يَا اللَّهُ . (5)

1- .الطور : 28 .

2- .الْوَتْرُ : الفرد \_ تكسر واؤه وتفتح \_ فالله واحد في ذاته (النهاية : ج 5 ص 147 «وتر»).

3- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1269 ح 3861 ، كنز العمال : ج 1 ص 450 ح 1939 ؛ التوحيد : ص 219 ح 11 نحوه وكلها عن أبي هريرة ، بحار الأنوار : ج 4 ص 210 ح 3 .

4- .البلد الأمين : ص 408 ، المصباح للكفعمي : ص 343 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 392 .

5- .البلد الأمين : ص 418 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 263 ح 1 .

## فصل دوم : ارزش نیکی

### 1 / 2 نیکی و نیکی کننده ، از اوصاف خدایند

فصل دوم : ارزش نیکی 1 / 2 نیکی و نیکی کننده ، از اوصاف خدایندقرآن «او، همان نیکوکارِ مهربان است».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل ، نود و نه نام دارد، یکی کمتر از صد . او فرد است و فرد را دوست دارد. هر که این نام ها را [با عمل خویش] حفظ کند ، به بهشت می رود. این نام ها عبارت اند از: خدای یگانه ، یکتا، بی نیاز... نیکی کننده، والا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا ! از تو درخواست می کنم به نامت ، ای پوشاننده، ای آمرزنده، ای چیره، ای پُرشکیب، ای نیکی کننده، ای آزاد، ای گُشاینده !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در دعایش \_ : از تو درخواست می کنم ، به حقّ نام بالا و والا و برین و خجسته و نیکی کننده ات، ای نیکی کننده به بندگانش، ای خدا !

عنه صلى الله عليه وآله في دعاءٍ تلقَّاهُ مِنْ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - :سُبْحَانَهُ مِنْ مُنْجِ مَا أُبْرَهُ ، وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَارٍّ مَا أُطْلَبَهُ . (1)

الإمام عليّ عليه السلام : لا إلهَ إِلاَّ اللهُ .. البِرُّ الرَّحِيمُ بِمَنْ لَجَأَ إِلَى ظِلِّهِ وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِهِ . (2)

عنه عليه السلام - في الدعاء - : يا بُرُّ يا رَحِيمُ ، أَنْتَ أْبُرُّ بِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَمِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ . (3)

عنه عليه السلام : إلهي ، لَمْ يَزَلْ بُرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي ، فَلَا تَقْطَعْ بَرِّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي . (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام : سَيِّدِي لَمْ تَزَلْ بَرًّا بِي أَيَّامَ حَيَاتِي ، فَلَا تَقْطَعْ لَطِيفَ بَرِّكَ بِي بَعْدَ وَفَاتِي ، سَيِّدِي ، كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ بِي بَعْدَ مَمَاتِي ؟ (5)

عنه عليه السلام - في المُنَاجَاةِ الْإِنْجِيلِيَّةِ - :اللَّهُمَّ ... يَا مَنْ هُوَ أْبُرُّ بِي مِنَ الْوَالِدِ الشَّفِيقِ ، وَأَقْرَبُ إِلَيَّ مِنَ الصَّاحِبِ اللَّزِيقِ (6) ... يَا مَنْ هُوَ أَرْحَمُ لِي مِنَ الْوَالِدِ الشَّفِيقِ ، وَأَبْرُّ بِي مِنَ الْوَالِدِ الرَّفِيقِ ... سَيِّدِي تَتَابَعُ مِنْكَ الْبِرُّ وَالْعَطَاءُ ، فَلَزِمَنِي الشُّكْرُ وَالشُّنَاءُ ، فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْشُرُهُ وَأَطْوِيهِ مِنْ شُكْرِكَ ، وَلَا قَوْلٍ أَعِيدُهُ وَأَبْدِيهِ فِي ذِكْرِكَ ، إِلاَّ كُنْتُ لَهُ أَهْلًا وَمَحَلًّا ، وَكَانَ فِي جَنْبِ مَعْرُوفِكَ مُسْتَصْفَرًا مُسْتَقَلًّا . (7)

1- مهج الدعوات : ص 111 عن ابن عباس ، البلد الأمين : ص 365 ، المصباح للكفعمي : ص 362 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 368 ح 22 .

2- البلد الأمين : ص 93 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 139 ح 7 .

3- الكافي : ج 2 ص 545 ح 1 ، جمال الأسبوع : ص 249 كلاهما عن عيسى بن عبد الله القمي عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 325 ح 956 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 69 ح 19 .

4- الإقبال : ج 3 ص 296 نقلاً عن ابن خالويه ، البلد الأمين : ص 316 عن الإمام العسكري عن آبائه عنه عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 97 ح 13 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي عن ابن خالويه ؛ دستور معالم الحكم : ص 135 عن عبد الله الأسدي .

5- بحار الأنوار : ج 94 ص 165 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

6- لَزِقَ بِهِ ، أَي لَصِقَ بِهِ . وَيُقَالُ : فَلَانٌ لَزِيقِي ، أَي بَجْنَبِي (الصحيح : ج 4 ص 1549 «لزق»).

7- بحار الأنوار : ج 94 ص 157 وص 160 وص 171 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در دعایی که از جبرئیل علیه السلام دریافت کرد \_ : پاکای خدای نجاتبخش! وه که چه نیکی کننده است! و پاکای خدای نیکی کننده! وه که چه جوینده است!

امام علی علیه السلام: معبودی جز خدای یکتا نیست... آن نیکوکارِ مهربان به هر آن کس که به سایه او پناه ببرد و به ریسمانش چنگ بزند.

امام علی علیه السلام \_ در دعا \_ : ای نیکوکار! ای مهربان! توبه من از پدرم و مادرم و از همه آفریدگان، نیکوکارتری.

امام علی علیه السلام: معبود من! در تمام ایام زندگی ام، همواره [ لطف و ] نیکی تو شامل حال من بوده است. پس [ لطف و ] نیکی ات را در [ پس از ] مرگم، از من قطع مکن.

امام زین العابدین علیه السلام: سرورم! تو همواره در طول زندگی ام به من نیکی [ و لطف ] کرده ای. پس بعد از مرگم نیز [ لطف و ] نیکی ات را از من قطع مکن. سرورم! چگونه از حُسن نظرت به من بعد از مرگم، نومید باشم؟!

امام زین العابدین علیه السلام \_ در «مناجاتِ إنجیلیه» \_ : بار خدایا!... ای آن که از پدری دلسوز، به من نیکوکارتری، و از یارِ همدوش، به من نزدیک تری... ای آن که از پدر دلسوز، به من مهربان تری، و از فرزندی مهربان، به من نیکوکارتری... سرورم! پیایی از تو نیکی و دَهِش می رسد. پس سپاس [ تو ] بر من لازم است. بنا بر این، هر سپاسی را که از تو بر زبان می آورم یا در دل دارم، و هر سخنی را که در ستایش تو می گویم و تکرار می کنم، بی گمان، تو سزامنند آئی و حقّ توست، و در مقایسه با نیکی های تو، ناچیز و اندک است.

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَهُ ، وَهُوَ الصَّادِقُ الْبَاطِلُ . (1)

عنه عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا عَامَلُوهُ بِخَالِصٍ مِنْ سِرِّهِ (2) ، فَعَامَلَهُمْ بِخَالِصٍ مِنْ بَرِّهِ ، فَهُمْ الَّذِينَ تَمُرُّ صَحُفُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فُرْعًا ، وَإِذَا وَقَفُوا بَيْنَ يَدَيْهِ تَعَالَى مَلَأَهَا مِنْ سِرِّ مَا أَسْرَوْا إِلَيْهِ . (3)

الإمام الهادي عليه السلام\_ في دُعَائِهِ \_ : يَا بَاطِلُ ، يَا وَصُولُ ، يَا شَاهِدَ كُلِّ غَائِبٍ ، وَيَا قَرِيبُ غَيْرِ بَعِيدٍ . (4)

2 / 2 صِفَةٌ مِنْ أَوْصَافِ الْمَلَائِكَةِ الْكِتَابِ «كِرَامِ بَرَّةٍ» . (5)

الحديثا لإمام الباقر عليه السلام : الْحَفَظَةُ الْكِرَامُ الْبَرَّةُ دُونَ السُّدْرَةِ ، يَكْتُبُونَ مَا تَرَفَعُ إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ فِي الْأَرْضِ فَيَنْتَهُونَ بِهَا إِلَى مَحَلِّ السُّدْرَةِ . (6)

1- .الكافي : ج 2 ص 599 ح 3 ، المحاسن : ج 1 ص 416 ح 957 نحوه وكلاهما عن سماعة بن مهران ، بحار الأنوار : ج 92 ص 90 ح 35 .

2- .السِّرُّ : ما يكتُم ، وسرّ الشيء : محضه وأفضله (الصحاح : ج 2 ص 681 «سرر») .

3- .عدّة الداعي : ص 194 ، إرشاد القلوب : ص 93 وفيه «فُرْعًا» بدل «فُرْعًا» ، أعلام الدين : ص 263 وفيه «فَقَابِلُهُمْ» بدل «فَعَامَلَهُمْ» وكلّها عن المفضّل بن صالح ، بحار الأنوار : ج 71 ص 369 ح 19 .

4- .جمال الأسبوع : ص 180 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 189 ح 11 .

5- .عبس : 16 .

6- .علل الشرائع : ص 277 ح 1 وص 576 ح 1 ، المحاسن : ج 2 ص 62 ح 1174 كلّها عن حبيب السجستاني ، بحار الأنوار : ج 3 ص 316 ح 11 .



## 2 / 2 صفتی از اوصاف فرشتگان

امام صادق علیه السلام: خداوند توانا و بزرگ، کتابش را بر شما فرو فرستاد، و او راستگو و نیکی کننده است.

امام صادق علیه السلام: خداوند، بندگانی دارد که با درونی خالص، با وی معامله می کنند، و خدا نیز با نیکی خالص خویش، با آنان معامله می نماید. اینان، کسانی هستند که در روز قیامت، کارنامه هایشان خالی است و چون در پیشگاه خدای متعال بایستند، کارنامه هایشان را از رازی که با وی در میان نهاده اند، پُر می گرداند.

امام هادی علیه السلام در دعایش: ای نیکی کننده! ای پُر داد و دهش! ای شاهد هر غایبی! و ای نزدیکی که دور نیستی!

2 / 2 صفتی از اوصاف فرشتگانقرآن» [ فرشتگان ، ] ارجمندانِ نیکوکارند .»

حدیثامام باقر علیه السلام: فرشتگان نگهبانِ ارجمندِ نیکوکار، پایین تر از سِدْره [ی آخرین، در زیر عرش] هستند و آنچه از کردارهای بندگان در زمین را که فرشتگان به سوی آنها بالا می برند، می نویسند و آنها را به محلّ سِدْره می رسانند.

الإمام زين العابدين عليه السلام\_ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ \_ :اللَّهُمَّ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَقْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ ، وَلَا يَسَامُونَ مِنْ تَقْدِيرِكَ ، وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ ، وَلَا يُؤْثِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ ، وَلَا يَغْفُلُونَ عَنِ الْوَلِّهِ إِلَيْكَ ..... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامَ الْبَرَّةَ ، وَالْحَفِظَةَ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام\_ فِي دُعَاءِ عَلَّمَهُ لِأُمِّ دَاوُدَ \_ :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ ، وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ ، وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ ، وَعَلَى مَلَائِكَةِ الْجَنَانِ وَخَزَنَةِ النَّيِّرَانِ ، وَمَلَائِكَةِ الْمَوْتِ وَالْأَعْوَانِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . (2)

2 / 3 صِفَةٌ مِنْ أَوْصَافِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنَا أَدِيبُ (3) اللَّهُ وَعَلِيٌّ أَدِيبِي ، أَمَرَنِي رَبِّي بِالسَّخَاءِ وَالْبِرِّ ، وَنَهَانِي عَنِ الْبُخْلِ وَالْجَفَاءِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : أَرْبَعَةٌ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : الْبِرُّ ، وَالسَّخَاءُ ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ ، وَالْقِيَامُ بِحَقِّ الْمُؤْمِنِ . (5)

1- .الصحيفة السجادية : ص 27 \_ 29 الدعاء 3 .

2- .الإقبال : ج 3 ص 244 ، مصباح المتهجد : ص 808 ، المصباح للكفعمي : ص 707 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 400 ح 1 .

3- .الأدبُ : حُسْنُ الْخُلُقِ (مجمع البحرين : ج 1 ص 29 «أدب»).

4- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 51 ح 19 عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 16 ص 231 ح 35 .

5- .تحف العقول : ص 375 ، معدن الجواهر : ص 64 من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 260 ح 156 .

## 2 / 3 صفتی از اوصاف پیامبران و اوصیای آنان

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در درود فرستادن بر حاملان عرش \_ بار خدایا! حاملان عرشت که از تسبیح گویی تو، سست نمی شوند و از تقدیست، به ستوه نمی آیند و از عبادتت، مانده نمی شوند و کوتاهی را بر کوشایی در فرمان تو، ترجیح نمی دهند و از شیفتگی به تو، غافل نمی شوند... پس بر آنان و بر فرشتگان روحانی خود... و فرشتگانی که به سوی زمینیان فرستاده ای تا بلائی ناخوشایند بر [سر] ایشان بیاورند یا گشایش [و نعمتی] خوشایند، درود فرست، و بر سفیران ارجمند و نیکوکار، و فرشتگان بزرگواری که نگهبان و نویسنده کردارهای بندگان اند.

امام صادق علیه السلام در دعایی که به اُمّ داوود آموخت \_ بار خدایا! بر حاملان پاک عرش، و بر سفیران ارجمند و نیکوکار و پاکیزه، و بر فرشتگان گرامی ات که نویسنده کردارهایند، و بر فرشتگان بهشت ها، و نگهبانان آتش ها، و بر فرشته مرگ و دست یاران [او] درود فرست، ای خداوند شکوه و ارج!

2 / 3 صفتی از اوصاف پیامبران و اوصیای آنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من تربیت شده خدا هستم و علی، تربیت شده من است. پروردگارم، مرا به بخشندگی و نیکی کردن، فرمان داد، و از بخل ورزی و بدرفتاری، نهی کرد.

امام صادق علیه السلام: چهار خصلت، از اخلاق پیامبران است: نیکی، بخشندگی، شکیبایی در برابر سختی ها [و مصائب]، و به جا آوردن حق مؤمن.

عنه عليه السلام: إِنَّ الصَّبْرَ وَالْبِرَّ وَالْحِلْمَ وَحُسْنَ الخُلُقِ ، مِنْ أخلاقِ الأنبياءِ . (1)

عنه عليه السلام: نَحْنُ أصلُ كُلِّ خَيْرٍ ، وَمِنْ فُرُوعِنَا كُلُّ بِرٍّ ، فَمِنَ البِرِّ: التَّوْحِيدُ ، وَالصَّلَاةُ ، وَالصِّيَامُ ، وَكَظْمُ الغَيْظِ ، وَالعَفْوُ عَنِ المُسِيءِ ، وَرَحْمَةُ الفَقِيرِ ، وَتَعَهُدُّ الجَارِ ، وَالإقْرَارُ بِالْفَضْلِ لِأَهْلِهِ . (2)

2 / 4 صِفَةٌ مِنْ أوصافِ المُؤمِنِ رسولِ الله صلى الله عليه وآله: العِلْمُ خَلِيلُ المُؤمِنِ ، وَالعَقْلُ دَلِيلُهُ ، وَالعَمَلُ قَائِدُهُ ، وَالرَّفْقُ وَالِدُهُ ، وَالْبِرُّ أَخُوهُ ، وَالصَّبْرُ أَمِيرُ جُنُودِهِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ العِلْمَ خَلِيلُ المُؤمِنِ ، وَالْحِلْمَ وَزِيرُهُ ، وَالعَقْلَ أَمِيرُ جُنُودِهِ ، وَالرَّفْقَ أَخُوهُ ، وَالْبِرَّ وَالِدُهُ . (4)

1- الخصال: ص 251 ح 121 عن الحلبي، بحار الأنوار: ج 69 ص 378 ح 33 .

2- الكافي: ج 8 ص 242 ح 336 عن ابن مسكان، بحار الأنوار: ج 24 ص 303 ح 15 .

3- مسند الشهاب: ج 1 ص 122 ح 152 عن أبي الدرداء، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 11 ص 203 من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله، تهذيب الكمال: ج 6 ص 241؛ تحف العقول: ص 46 و ص 55 والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج 69 ص 367 ح 3 .

4- الكافي: ج 2 ص 47 ح 1 عن عبد الملك بن غالب، الإرشاد: ج 1 ص 303، كشف اليقين: ص 222 ح 244، نزهة الناظر: ص 100 ح 179 والثلاثة الأخيرة عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 67 ص 268 ح 1 .

## 2 / 4 صفتی از اوصاف مؤمن

امام صادق علیه السلام: شکیبایی، نیکی، بردباری و خوش خویی، از اخلاق پیامبران است.

امام صادق علیه السلام: ما ریشه همه خوبی ها هستیم و هر نیکی ای، از شاخه های ماست. پس، از جمله نیکی هاست: یکتاپرستی، نماز، روزه، و فرو نشانیدن خشم، گذشت کردن از بدی کننده، ترحم بر نیاز خواه، رسیدگی به همسایه، و اعتراف به برتری برتران.

4 / 2 صفتی از اوصاف مؤمن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانش، دوست مؤمن است و خرد، راه نمای اوست و عمل، جلودار او، و نرم خویی، پدر اوست و نیکی کردن، برادر اوست، و شکیبایی، فرمانده سپاهش.

امام صادق علیه السلام: دانش، دوست مؤمن است و بردباری، وزیر اوست و خرد، فرمانده سپاه اوست و نرم خویی، برادر اوست و نیکی کردن، پدرش.

الفصل الثالث : الحث على البرِّ الكتاب «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : أَسْرَعُ الْخَيْرِ ثَوَابًا الْبِرُّ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : كُنْ بَارًا وَاقْتَصِرْ عَلَى الْجَنَّةِ ، وَإِنْ كُنْتَ عَاقًا (3) فَظَلَّ (4) ، فَاقْتَصِرْ عَلَى النَّارِ . (5)

1- المائدة : 2 .

2- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 379 ح 5803 ، الكافي : ج 2 ص 460 ح 1 عن أبي حمزة الشمالي عن الإمام الباقر عليه السلام ، الأمالي للمفيد : ص 67 ح 1 عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الخصال : ص 110 ح 81 عن الحسين بن زيد عن أبيه ، ثواب الأعمال : ص 199 عن الحسن بن زيد وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 69 ص 393 ح 72 نقلاً عن المحاسن عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام .

3- عَقَّ وَالِدَهُ : إِذَا آذَاهُ وَعَصَاهُ وَخَرَجَ عَلَيْهِ (النهاية : ج 3 ص 277 «عقق»).

4- الْفُظُّ : الْكْرِيهُ الْخُلُقُ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 640 «فُظُّ»).

5- الكافي : ج 2 ص 348 ح 2 ، زبدة البيان : ص 379 كلاهما عن عبد الله بن المغيرة عن أبي الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 74 ص 60 ح 23 .

### فصل سوم : تشویق به نیکی کردن

فصل سوم : تشویق به نیکی کردنقرآن«در نیکوکاری و پرهیزگاری ، با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تجاوز ، به یکدیگر یاری نرسانید ، و از خدا پروا کنید که خدا ، سخت کیفر است».

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پاداش نیکی کردن ، زودتر از هر کار خوب دیگری می رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : [با پدر و مادر] نیکوکار باش و در بهشت ، جای بگزین ، و اگر [با پدر و مادرت] بدرفتار و درشت خوی بودی ، به آتش [دوزخ] بسنده کن [و آرزوی بهشت را در سر مپروان] !

عنه صلى الله عليه وآله: البرُّ لا يبلى ، وَالإِثْمُ لا يُنسى . (1)

عنه صلى الله عليه وآله في وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلِيكَ بِالْبِرِّ وَبِالسَّرِّ وَالْكَرَمِ ، فَإِنَّ الْبِرَّ وَالسَّرَّ وَالْكَرَمَ يَذِيبُ الْخَطَايَا ، كَمَا تَذِيبُ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : عَلِيكَ بِالْبِرِّ ؛ فَإِنَّ صَاحِبَ الْبِرِّ يُعْجِبُهُ أَنْ يَكُونَ النَّاسُ بِخَيْرٍ وَفِي خِصْبٍ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ ، الصَّلَاةُ وَالْبِرُّ وَالْجِهَادُ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : لا- يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ ، وَسُلِّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله- لِابْنِ مَسْعُودٍ- : يَابْنَ مَسْعُودٍ ، أَكْثَرَ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَالْبِرِّ ، فَإِنَّ الْمُحْسِنَ وَالْمُسِيءَ يَنْدَمَانِ ، يَقُولُ الْمُحْسِنُ : يَا لَيْتَنِي أَزِدْتُ مِنَ الْحَسَنَاتِ ، وَيَقُولُ الْمُسِيءُ : قَصَّرْتُ . وَتَصْدِيقُ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى : «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (6) . (7)

1- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج 11 ص 179 ح 20262 عن أبي قلابة ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 8 ص 167 ح 1 عن أبي الدرداء ، كنز العمال : ج 16 ص 3 ح 43672 ، الخصال : ص 621 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 214 كلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام وفيهما «الذنب» بدل «الإثم» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 53 ح 88 .

2- .مستدرک الوسائل : ج 7 ص 28 ح 7558 نقلاً عن الجعفریّات : ص 152 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وفي الطبعة التي بأيدينا ليس فيه «بالبرّ» و«البرّ» .

3- .الجامع الصغير : ج 2 ص 162 ح 5486 نقلاً عن تاريخ بغداد : ج 10 ص 152 عن أبي هريرة وفي الطبعة التي بأيدينا «البرّ» بدل «البرّ» في الموردین .

4- .الخصال : ص 185 ح 256 عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 82 ص 206 ح 10 .

5- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 181 ح 373 ، المقنعة : ص 808 ، مشكاة الأنوار : ص 105 ح 239 وليس فيهما «والتقوى» ، عوالي اللآلي : ج 3 ص 188 ح 22 ، وسائل الشيعة : ج 11 ص 398 ح 18 .

6- .القيامة : 2 .

7- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 353 ح 2660 عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 104 ح 1 .



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکی، کهنه نمی شود، و گناه، فراموش نمی گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام: بر تو باد نیکی کردن و شاد ساختن و کریم بودن؛ زیرا نیکی کردن و شاد ساختن و کرم، گناهان را ذوب می کنند، چنان که آفتاب، یخ را.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد نیکی کردن، که نیکوکار، خوش دارد که مردم در خوبی و رفاه باشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین کارها نزد خدا، نماز، نیکی کردن و جهاد است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم، تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و بر نیکوکاری و پرهیزگاری، با یکدیگر همکاری نمایند، پیوسته در خوبی هستند؛ و هر گاه چنین نکنند، برکت ها از آنها گرفته می شود و گروهی از آنها، بر دیگران مسلط گردانیده می شوند و دیگر در زمین و آسمان، یاوری نخواهند داشت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به عبد الله بن مسعود: ای پسر مسعود! کارهای شایسته و نیکو را بسیار به جای آور؛ زیرا نیکوکار و بدکار، هر دو پیشیمان می شوند. نیکوکار می گوید: «ای کاش، نیکی های بیشتری انجام می دادم!» و بدکار می گوید: «کوتاهی کردم». گواه این سخن، این فرموده خدای تعالی است که: «سوگند می خورم به نفس سرزنشگر!».

عنه صلى الله عليه وآله: يَابْنَ مَسْعُودٍ، عَلِيكَ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ، وَكُنْ: سَهْلًا، لَيْتِنَا، عَفِيْفًا (1)، مُسْلِمًا، نَقِيًّا، نَقِيًّا، بَارًّا، طَاهِرًا، مُطَهَّرًا، صَادِقًا، خَالِصًا، سَلِيمًا، صَحِيْحًا، لَيْبًا، صَالِحًا، صَبُورًا، شُكُورًا. (2)

الدعوات: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عِنْدَ الْوَفَاةِ: تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْإِثْمِ وَالتَّعْدْوَانِ. (3)

الإمام علي عليه السلام: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرِ وَجَذَبَكَ إِلَيْهِ، وَأَمَرَكَ بِالْبِرِّ وَأَعَانَكَ عَلَيْهِ. (4)

عنه عليه السلام: فِيْمَا أَوْصَى بِهِ أَوْلَادَهُ \_ عَلَيْكُمْ يَا بَنِيَّ بِالتَّوَّاصِلِ (5) وَالتَّبَادُلِ وَالتَّبَارِ، وَإِيَّاكُمْ وَالتَّقَاطِعَ وَالتَّدَابُرَ وَالتَّفَرُّقَ وَتَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْإِثْمِ وَالتَّعْدْوَانِ، وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (6)

عنه عليه السلام: الْبِرُّ أَعْجَلُ شَيْءٍ مَثُوبَةٌ. (7)

عنه عليه السلام: خَيْرٌ مَا اكْتَسَبَ، أَعْمَالُ الْبِرِّ. (8)

- 
- 1- التَّعَفُّفُ: وَهُوَ الْكُفُّ عَنِ الْحَرَامِ وَالسُّؤَالِ مِنَ النَّاسِ (النهاية: ج 3 ص 264 «عفف»).
  - 2- مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: ج 2 ص 358 ح 2660 عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 77 ص 107 ح 1.
  - 3- الدَّعَوَاتُ: ص 249 ح 702، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 81 ص 241 ح 26.
  - 4- غُررُ الْحَكْمِ: ج 3 ص 433 ح 5021، عِيُونُ الْحَكْمِ وَالمَوَاعِظُ: ص 239 ح 4544.
  - 5- التَّوَّاصِلُ: ضِدُّ التَّصَارُمِ \_ التَّقَاطِعِ \_ وَفِي الْحَدِيثِ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَطُولَ عَمْرُهُ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ (لسان العرب: ج 11 ص 728 «وصل»).
  - 6- الْكَافِي: ج 7 ص 52 ح 7 عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنِ الْإِمَامِ الْكَاسِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ: ج 9 ص 178 ح 714 بِيَزَادَةَ «وَالنَّفَاقِ» بَعْدَ «وَإِيَّاكُمْ»، كِتَابُ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيْهَ: ج 4 ص 191 ح 5433 كِلَاهِمَا عَنْ سَلِيمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ، تَحْفُ الْعُقُولِ: ص 199 وَفِيهِ «التَّبَادُرُ» بَدَلُ «التَّبَارِ»، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 42 ص 249 ح 51.
  - 7- غُررُ الْحَكْمِ: ج 1 ص 320 ح 1222، عِيُونُ الْحَكْمِ وَالمَوَاعِظُ: ص 46 ح 1140.
  - 8- النِّخَالُ: ص 635 ح 10 عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ مَسْلَمٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 10 ص 113 ح 1.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای پسر مسعود! آرامش و وقار را در پیش گیر و نرم و ملایم و خوددار و مسلمان و پرهیزگار و وارسته و نیکوکار و پاک و پاکیزه و راست و ناب و سالم و درست و خردمند و شایسته و شکیبیا و سپاس گزار باش.

الدعوات: امیر مؤمنان علیه السلام در هنگام وفاتش می فرمود: «در نیکوکاری و پرهیزگاری، با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تجاوز، یکدیگر را یاری نرسانید».

امام علی علیه السلام: بهترین برادران [و دوستان] تو، کسی است که به سوی کار خیر بشتابد و تو را نیز به سوی آن بکشاند، و به نیکی کردن، دعوت کند و تو را در آن، کمک برساند.

امام علی علیه السلام: در آنچه فرزندان را بدانها سفارش کرده است \_ فرزندانم! با یکدیگر، پیوند داشته باشید و به یکدیگر، بخشش و نیکی کنید، و از بُریدن از هم و پشت کردن به یکدیگر و پراکنده شدن پرهیزید، و در نیکی و پرهیزگاری، با یکدیگر همکاری نمایید، و در گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک نرسانید، و از خدا پروا بدارید که خدا، سخت کیفر است.

امام علی علیه السلام: پاداش نیکی زودتر از هر چیزی می رسد.

امام علی علیه السلام: بهترین کارها، نیکی کردن است.

عنه عليه السلام: جِمَاعُ الْخَيْرِ فِي أَعْمَالِ الْبِرِّ . (1)

عنه عليه السلام: بِإِدْرِ الْبِرِّ؛ فَإِنَّ أَعْمَالَ الْبِرِّ فُرْصَةٌ . (2)

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ مُجَازُونَ بِأَفْعَالِكُمْ، فَلَا تَفْعَلُوا إِلَّا بِرًا . (3)

عنه عليه السلام: الطَّاعَةُ وَفِعْلُ الْبِرِّ هُمَا الْمَتَجَرُّ الرَّابِحُ . (4)

عنه عليه السلام: تَعْجِيلُ الْبِرِّ زِيَادَةٌ فِي الْبِرِّ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَتُقَرِّبُ الْآجَالَ، وَتُخْلِي الدِّيَارَ، وَهِيَ: قَطِيعَةُ الرَّحِمِ، وَالْعُقُوقُ، وَتَرْكُ الْبِرِّ . (6)

عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى . (7)

عنه عليه السلام: تَوَاصَلُوا، وَتَبَارَّوْا، وَتَرَاحَمُوا، وَتَعَاطَفُوا . (8)

عنه عليه السلام: لَمْ يَنْزَلْ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ أَقْلُ وَلَا أَعَزُّ مِنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: التَّسْلِيمِ، وَالْبِرِّ، وَالْيَقِينِ . (9)

- 
- 1- غرر الحكم: ج 3 ص 376 ح 4796 .
  - 2- غرر الحكم: ج 3 ص 241 ح 4363، عيون الحكم والمواعظ: ص 191 ح 3925 .
  - 3- غرر الحكم: ج 3 ص 65 ح 3838، عيون الحكم والمواعظ: ص 174 ح 3627 .
  - 4- غرر الحكم: ج 3 ص 153 ح 2158، عيون الحكم والمواعظ: ص 68 ح 1718 .
  - 5- غرر الحكم: ج 3 ص 315 ح 4568، عيون الحكم والمواعظ: ص 202 ح 4103 .
  - 6- الكافي: ج 2 ص 448 ح 2 عن إسحاق بن عمّار، وسائل الشيعة: ج 11 ص 514 ح 21550 .
  - 7- المؤمن: ص 39 ح 92، بحار الأنوار: ج 74 ص 274 ح 19 .
  - 8- الكافي: ج 2 ص 175 ح 3، الغيبة للنعمانى: ص 150 ح 8 كلاهما عن الكاهلي، الزهد للحسين بن سعيد: ص 83 ح 49 عن كليب الأسدي وليس فيهما «وتعاطفوا»، بحار الأنوار: ج 74 ص 401 ح 47 .
  - 9- مشكاة الأنوار: ص 65 ح 91، مختصر بصائر الدرجات: ص 93 عن يونس بن ظبيان، أعلام الدين: ص 119 عن المفصل بن عمر عن الإمام الكاظم عليه السلام، فقه الرضا: ص 353 عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «أجل» بدل «أقل»، بحار الأنوار: ج 69 ص 408 ح 119 .

امام علی علیه السلام: مجمع همه خوبی ها ، نیکوکاری است.

امام علی علیه السلام: در نیکی کردن ، بشتاب؛ زیرا کارهای نیک ، فرصت اند.

امام علی علیه السلام: شما در برابر کردارهایتان ، جزا داده می شوید. پس جز نیکی ، مکنید.

امام علی علیه السلام: فرمانبری [از خدا] و انجام دادن کار نیک ، دو تجارت سودآورند.

امام علی علیه السلام: بشتاب در کار نیک ، در کار نیک می افزاید .

امام صادق علیه السلام: پدرم [امام باقر] علیه السلام می فرمود: «به خدا پناه می بریم از گناهایی که نابودی را شتاب می بخشند، و آجل ها را نزدیک می کنند، و خانه ها را [از سکنه] خالی می سازند. این گناهان ، بُریدن از خویشان است ، و آزردن پدر و مادر، و ترك نیکی».

امام صادق علیه السلام: مؤمنان ، در نیکی کردن و مهرورزی و همدردی نسبت به یکدیگر ، همانند يك پیکرند که هر گاه [عضوی از آن] به درد آید ، دیگر اعضا را بی خوابی و تب ، فرا می گیرد.

امام صادق علیه السلام: با همدیگر ، پیوند و نیکوکاری و مهربانی و همدردی داشته باشید.

امام صادق علیه السلام: از آسمان ، چیزی (توصیه ای) کمیاب تر و عزیزتر از سه چیز ، فرود نیامده است : تسلیم بودن [ در برابر خدا ] ، نیکوکاری ، و یقین.

عنه عليه السلام: كَانَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: يَا بَنِي آدَمَ، أَهْرَبُوا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِ... كُونُوا عَبِيدًا أَبْرَارًا، وَلَا تَكُونُوا مُلُوكًا جَبَابِرَةً. (1)

عنه عليه السلام\_ لِأَصْحَابِهِ \_: اتَّقُوا اللَّهَ، وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ، مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ. (2)

قرب الإسناد عن بكر بن محمد: أَكْثَرُ مَا كَانَ يُوصِينَا بِهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الْبِرُّ وَالصَّلَاةُ. (3)

الكافي عن جميل [بن دراج] عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَمِعْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ مِمَّا خَصَّ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِهِ الْمُؤْمِنَ أَنْ يُعْرِفَهُ بَرِّ إِخْوَانِهِ وَإِنْ قَلَّ؛ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِالكَثْرَةِ، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» ثُمَّ قَالَ: «وَمَنْ يُوقِ شِدْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (4)، وَمَنْ عَرَفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَفَاهُ أَجْرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جَمِيلُ، إِرْوِ هَذَا الْحَدِيثَ لِإِخْوَانِكَ، فَإِنَّهُ تَرغِيبٌ فِي الْبِرِّ. (5)

الإمام الرضا عليه السلام: الْبِرُّ غَنِيمَةٌ الْحَازِمِ (6). (7)

- 1- الأُمالي للصدوق: ص 650 ح 884 عن منصور بن حازم، روضة الواعظين: ص 490، بحار الأنوار: ج 14 ص 288 ح 13.
- 2- الكافي: ج 2 ص 175 ح 1، مصادقة الإخوان: ص 137 ح 8، الأُمالي للطوسي: ص 60 ح 87 كَلَّهَا عَنْ شَعِيبِ الْعَرَقُوفِيِّ، مشكاة الأنوار: ص 320 ح 1016، بحار الأنوار: ج 74 ص 352 ح 20.
- 3- قرب الإسناد: ص 43 ح 137، بحار الأنوار: ج 74 ص 390 ح 2.
- 4- الحشر: 9.
- 5- الكافي: ج 2 ص 206 ح 6، مصادقة الإخوان: ص 172 ح 2، بحار الأنوار: ج 74 ص 299 ح 35.
- 6- الحَزْمُ: ضبط الرجل أمره والحدْر من فواته (النهاية: ج 1 ص 379 «حزم»).
- 7- العدد القويّة: ص 299 ح 35، أعلام الدين: ص 308، غرر الحكم: ج 1 ص 242 ح 985 عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج 78 ص 357 ح 12.

امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام به یارانش می فرمود: «ای فرزندان آدم! از دنیا، به سوی خدا بگریزید... بندگانِ نیکوکار باشید، و [چونان] پادشاهانِ گردن فراز مباشید».

امام صادق علیه السلام\_ به یارانش \_: از خدا بترسید و برادرانی نیکوکار باشید . یکدیگر را برای خدا دوست بدارید و با همدیگر ، پیوسته و مهربان باشید.

قرب الإسناد\_ به نقل از بکر بن محمد \_: بیشترین چیزی که امام صادق علیه السلام ما را به آن سفارش می فرمود، نیکی کردن و صلّه رحیم بود.

الکافی\_ به نقل از جمیل بن دُراج \_: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «یکی از لطف های خداوند به مؤمن ، این است که او را به [وظیفه] نیکی کردن به برادرانش آشنا می کند، اگر چه اندک باشد؛ و نیکی به بسیاری مقدار آن نیست؛ چرا که خداوند عز و جل در کتاب خود می فرماید: «و دیگران را بر خود ترجیح می دهند ، اگر چه در خود آنان ، نیازی شدید باشد» . سپس فرموده است : «هر که از خست نفس نگه داشته شود ، چنین کسانی ، همان رستگاران اند» ، و هر که را خداوند عز و جل به این وظیفه آشنا سازد ، خداوند ، دوستش می دارد، و هر که را خداوند \_ تبارک و تعالی \_ دوستش بدارد ، در روز قیامت ، مزد بی حساب به او می دهد». امام علیه السلام سپس فرمود: «ای جمیل! این حدیث را برای برادرانت روایت کن؛ زیرا تشویق به نیکوکاری است» .

امام رضا علیه السلام: نیکی کردن، غنیمتِ شخصِ دوراندیش است.

عنه عليه السلام\_ في الفقه المنسوب إليه \_ :عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ (1) فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ ، وَالْبِرِّ مِنَ الْقَلِيلِ وَالكَثِيرِ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُعْظِمُ شِقَّةَ التَّمْرِ حَتَّى تَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَجَبَلٍ أُحُدٍ . (2)

---

1- .الْقَصْدُ : بَيْنَ الْإِسْرَافِ وَالتَّقْتِيرِ (الصحيح : ج 2 ص 524 «قصد»).

2- .فقه الرضا : ص 338 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 346 ح 4 .



امام رضا علیه السلام در کتاب فقه منسوب به ایشان \_ بر شما باد میانه روی در گاه توانگری و ناداری، و نیکی کردن به مقدار کم یا بسیار؛ زیرا خداوند \_ تبارک و تعالی \_ ، نصف خرمایی را [که انفاق می شود] ، چندان بزرگ می گرداند که در روز قیامت ، به اندازه کوه اُحد می شود.

الفصل الرابع : أولى الناس بالبر 4 / 1 الوالدان الكتاب «وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا» . (1)

«وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» . (2)

الحديث الإمام الصادق عليه السلام : جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال : يا رسول الله من أبر؟ قال : أمك . قال : ثم من؟ قال : أمك . قال : ثم من؟ قال : أمك . قال : ثم من؟ قال : أمك . (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله : من حج عن والديه أو قضى عنهما مغرمًا (4) بعثه الله يوم القيامة مع الأبرار . (5)

- 
- 1- . مريم : 14 .
  - 2- . مريم : 32 .
  - 3- . الكافي : ج 2 ص 162 ح 9 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 40 ح 107 كلاهما عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج 74 ص 49 ح 9 وص 83 ح 93 .
  - 4- . المغرم : الدين . ويريد به ما استدين فيما يكرهه الله ، أو فيما يجوز ثم عجز عن أدائه (النهاية : ج 3 ص 363 «غرم»).
  - 5- . المعجم الأوسط : ج 8 ص 11 ح عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 16 ص 468 ح 45485 .

## فصل چهارم : سزاوارترین مردم به نیکی

### 4 / 1 پدر و مادر

فصل چهارم : سزاوارترین مردم به نیکی 4 / 1 پدر و مادر قرآن «و با پدر و مادر خود ، نیکوکار بود و سرکشی نافرمان نبود».

«و مرا نسبت به مادرم ، نیکوکار کرده ، و سرکش و نافرمان ، نگردانیده است».

حدیث امام صادق علیه السلام : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: «به مادرت». گفت : سپس ، به چه کسی؟ فرمود: «به مادرت». گفت : بعد ، به چه کسی؟ فرمود: «به مادرت». گفت : سپس ، به چه کسی؟ فرمود: «به پدرت».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از طرف پدر و مادرش حج بگذارد یا بدهی آنها را بپردازد ، خداوند در روز قیامت ، او را با نیکوکاران بر می انگیزد.

4 / 12 الأبرار الإمام علي عليه السلام: أفضل البر ما أصيب به الأبرار. (1)

عنه عليه السلام: أفضل البر ما أصيب به أهله. (2)

4 / 13 الأحرار الإمام علي عليه السلام: خير البر ما وصل إلى الأحرار. (3)

4 / 4 المحتاج الإمام علي عليه السلام: خير البر ما وصل إلى المحتاج. (4)

4 / 15 الأيتام الإمام علي عليه السلام: من أفضل البر، بر الأيتام. (5)

- 
- 1- غرر الحكم: ج 2 ص 391 ح 2954، عيون الحكم والمواعظ: ص 114 ح 2509.
  - 2- غرر الحكم: ج 2 ص 391 ح 2957.
  - 3- غرر الحكم: ج 3 ص 421 ح 4955، عيون الحكم والمواعظ: ص 237 ح 4512 وفيه «الأخيار» بدل «الأحرار»، مستدرک الوسائل: ج 12 ص 350 ح 14263.
  - 4- غرر الحكم: ج 3 ص 425 ح 4974، عيون الحكم والمواعظ: ص 238 ح 4522.
  - 5- غرر الحكم: ج 6 ص 44 ح 9433، عيون الحكم والمواعظ: ص 471 ح 8615 وفيه «تعهد» بدل «بر».

**4 / 2 نیکوکاران**

**4 / 3 آزادگان**

**4 / 4 نیازمند**

**4 / 5 یتیمان**

4 / 2 نیکوکاران امام علی علیه السلام: برترین نیکی، آن است که به نیکوکاران برسد.

امام علی علیه السلام: برترین نیکی، آن است که به اهل آن (نیکوکاران) برسد.

4 / 3 آزادگان امام علی علیه السلام: بهترین نیکی، آن است که به آزادگان برسد.

4 / 4 نیازمندان امام علی علیه السلام: بهترین نیکی، آن است که به نیازمند برسد.

4 / 5 یتیمان امام علی علیه السلام: از برترین نیکی ها، نیکی کردن به یتیمان است.

4 / 6 الرَّحِمُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْفَرُ الْبِرِّ صَلَّةُ الرَّحِمِ . (1)

4 / 7 صَدِيقُ الْأَبْرَسِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَبْرَ الْبِرِّ، أَنْ يَصِلَ الرَّجُلُ أَهْلَ وَدِّ أَبِيهِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ الْبِرِّ أَنْ تَصِلَ صَدِيقَ أَبِيكَ . (3)

4 / 8 مَنْ لَا يَغْفُلُ بِرَّكَالِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحَقُّ مَنْ بَرَّتْ، مَنْ لَا يَغْفُلُ بِرَّكَ . (4)

4 / 9 أَهْلُ الْقُبُورِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا بَرَّ أَفْضَلَ مِنْ بَرِّ أَهْلِ الْقُبُورِ، وَلَا يَصِلُ أَهْلَ الْقُبُورِ إِلَّا مُؤْمِنٌ . (5)

- 
- 1- .غرر الحكم : ج 2 ص 396 ح 2984 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 118 ح 2655 .
  - 2- .سنن الترمذي : ج 4 ص 313 ح 1903 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 1979 ح 12 وليس فيه «أهل» ، الأدب المفرد : ص 26 ح 41 ، صحيح ابن حبان : ج 2 ص 173 ح 430 كلها عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال : ج 16 ص 465 ح 45462 .
  - 3- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 213 ح 7303 عن أنس ، لسان الميزان : ج 3 ص 408 الرقم 1608 ، كنز العمال : ج 16 ص 465 ح 45463 .
  - 4- .غرر الحكم : ج 2 ص 412 ح 3068 .
  - 5- .الفردوس : ج 5 ص 209 ح 7973 عن جابر ، كنز العمال : ج 15 ص 656 ح 42600 .

**4 / 6 خویشاوند**

**4 / 7 دوست پدر**

**4 / 8 کسی که نیکی تو را نادیده نگیرد**

**4 / 9 اهل قبور**

4 / 6 خویشاوند امام علی علیه السلام: افزون ترین نیکی ، به جا آوردن صلّه رَحِم است.

4 / 7 دوست پدر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکوترین نیکی [به پدر ، بعد از مرگش] ، این است که انسان به دوستان پدرش ، نیکی کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از جمله نیکی کردن [به پدرت بعد از مرگش] ، این است که به دوست پدرت ، نیکی کنی .

4 / 8 کسی که نیکی تو را نادیده نگیرد امام علی علیه السلام: سزاوارترین کس به نیکی کردن تو ، کسی است که نیکی تو را نادیده نمی گیرد.

[\(1\)](#)

4 / 9 اهل قبور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ نیکی ای برتر از نیکی کردن به اهل قبور (در گذشتگان) نیست ؛ و به اهل قبور ، نیکی نمی کند ، مگر کسی که مؤمن باشد.

---

1- .. یعنی از نیکی تو قدردانی می کند، یا متقابلاً او نیز به تو نیکی می کند .

الفصل الخامس : مبادئ البر 5 / 1 التَّفَكُّرُ لِلإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ التَّفَكُّرَ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ بِهِ . (1)

5 / 2 الْعِلْمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ.... يُنَزِّلُ اللَّهُ حَامِلَهُ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ ، وَيَمْنَحُهُ مَجَالِسَ الْأَبْرَارِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (2)

5 / 3 الصَّدَقَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلَيكُمْ بِالصَّدَقِ ، فَإِنَّ الصَّدَقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ . (3)

- 
- 1- .الكافي : ج 2 ص 55 ح 5 عن ربعي عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص 81 ح 156 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 322 ح 5 .
- 2- .الخصال : ص 523 ح 12 ، تحف العقول : ص 28 وفيه «الأحباء» بدل «الأخيار» ، الأمالي للصدوق : ص 713 ح 982 عن الأصبغ بن نباتة عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 1 ص 166 ح 7 .
- 3- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2013 ح 105 ، سنن أبي داود : ج 4 ص 297 ح 4989 ، سنن الترمذي : ج 4 ص 347 ح 1971 ، الأدب المفرد : ص 122 ح 386 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 26 ح 3638 كلها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ج 3 ص 346 ح 6861 .



## فصل پنجم : خاستگاه های نیکی

### 1 / 5 اندیشیدن

### 2 / 5 دانش

### 3 / 5 راستی

فصل پنجم : خاستگاه های نیکی 1 / 5 اندیشیدن امام علی علیه السلام : اندیشه کردن، [انسان را] به نیکی و عمل به آن می کشاند.

2 / 5 دانش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش بیاموزید... خداوند، دارنده دانش را در جایگاه های نیکان، جای می دهد و [توفیق] نشستن با نیکوکاران را در دنیا و آخرت، به او ارزانی می دارد.

3 / 5 راستی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : راستی پیشه کنید که راستی، به نیکی کردن ره نمون می شود.

5 / 4 الرُّشْدُرسول الله صلى الله عليه وآله في جوابِ شمعون بن لايوي بن يهودا من حوارِي عيسى عليه السلام \_ :أَمَّا الرُّشْدُ : فَيَتَشَعَّبُ مِنْهُ السَّدَادُ (1) وَالْهُدَى وَالْبِرُّ وَالْتَّقْوَى . (2)

5 / 5 الإِسْتِعَانَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّرسول الله صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ : السَّعَةَ ، وَالِدَّعَةَ ، وَالْأَمْنَ ... وَالرِّضَا ، وَالصَّبْرَ ، وَالْعِلْمَ ، وَالصَّدْقَ ، وَالْبِرَّ ، وَالْتَّقْوَى ، وَالْجِلْمَ (3) ، وَالْتَوَاضُعَ ، وَالْيُسْرَ ، وَالْتَوْفِيقَ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله \_ مِمَّا أَوْصَى بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ بَعْدَ صَلَاةِ الْحَاجَةِ \_ :اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ ، وَعَزَائِمِ (5) مَغْفِرَتِكَ ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ . (6)

الإمام علي عليه السلام :جَعَلْنَا اللَّهُ وَإِتَاكُمْ مِمَّنْ يَسْعَى بِقَلْبِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْأَبْرَارِ بِرَحْمَتِهِ . (7)

عنه عليه السلام \_ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ \_ :اللَّهُمَّ [ إِنَّكَ ] (8) افْتَرَضْتَ عَلَيَّ لِأَبْيَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ حُقُوقًا ... فَاحْتَمِلْهُنَّ عَنِّي إِلَيْهِمَا ، وَاغْفِرْ لَهُمَا كَمَا رَجَاكَ كُلُّ مُوحَّدٍ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَالْإِخْوَةَ وَالْأَخَوَاتِ ، وَالْحِقْنَ وَإِيَّاهُمْ بِالْأَبْرَارِ ، وَأَبِحْ لَنَا وَلَهُمْ جَنَاتِكَ مَعَ التُّجْبَاءِ الْأَخْيَارِ ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ . (9)

1- السَّدَادُ : القصد في الأمر والعدل فيه (النهاية : ج 2 ص 352 «سدد»).

2- تحف العقول : ص 16 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 118 ح 11 .

3- في المصدر : «والعلم» وما في المتن أثبتناه من فلاح السائل .

4- مصباح المتهجد : ص 42 ح 51 ، فلاح السائل : ص 255 ح 154 عن فاطمة بنت الحسن عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 87 ص 65 ح 19 .

5- عَزَائِمِ الْمَغْفِرَةِ : محتماتها ، والمراد : ما يجعلها حتما (مجمع البحرين : ج 2 ص 1212 «عزم»).

6- سنن ابن ماجة : ج 1 ص 441 ح 1384 ، سنن الترمذي : ج 2 ص 344 ح 479 كلاهما عن عبد الله بن أوفى الأسلمي ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 706 ح 1925 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 86 ح 10 كلاهما عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ج 7 ص 815 ح 21536 .

7- نهج البلاغة : الخطبة 165 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 163 ح 104 .

8- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

9- البلد الأمين : ص 94 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 141 ح 7 .

## 5 / 5 کمک خواستن از خدا

4 / 5 رشد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به شمعون بن لاوی بن یهودا، از حواریان عیسی علیه السلام \_ : و از رشد، منشعب می شود: درستی، هدایت، نیکوکاری، و پرهیزگاری.

5 / 5 کمک خواستن از خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! از تو درخواست می کنم: گشایش و آسایش و امنیت... و خشنودی و شکیبایی و دانش و راستی و نیکوکاری و پرهیزگاری و بردباری و فروتنی و آسانی و توفیق را.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعایی که توصیه می کرد تا بعد از نماز حاجت، خوانده شود \_ : بار خدایا! موجبات رحمتت را، و اسباب آمرزشت را، و بهره مندی از هر نیکی و سالم ماندن از هر گناهی را از تو درخواست می کنم.

امام علی علیه السلام : خداوند، به [لطف و] رحمت خویش، ما و شما را از کسانی قرار دهد که با دل خویش، به سوی جایگاه های نیکوکاران می شتابند.

امام علی علیه السلام \_ از دعای ایشان در روز جمعه \_ : بار خدایا! [تو] بر من نسبت به پدران و مادران، [وظایف و] حقوقی را قرار دادی... پس چنان کن که آن حقوق را نسبت به آنان، ادا کنم؛ و آن دو را بیامرز، آن سان که هر یکتاپرستی، از مردان و زنان مؤمن، و برادران و خواهران، به تو [چنین] امید دارند؛ و ما و آنان را به نیکوکاران، ملحق فرما، و همنشینی با برگزیدگان نیک در بهشت هایت را به ما و ایشان (پدران و مادرانمان)، ارزانی بدار، که به راستی تو شنونده [و پذیرنده] دعایی.

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِينَ وَعَمَلَهُمْ... وَتَصَدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَتَوَكُّلَهُمْ، وَرَجَاءَ الْمُحْسِنِينَ وَبِرَّهُمْ. (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: مِنْ دُعَاءِ لَهُ - يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، بِكَ اعْتَصَمْتُ، وَبِكَ وَثِقْتُ... ارزُقْنِي الْقِسْمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ وَزِرٍ، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ. (2)

الكافي عن جعفر بن محمد بن يقطان رفعه إليهم عليهم السلام: يَقُولُ الرَّجُلُ إِذَا فَرَّغَ مِنَ الْأَذَانِ وَجَلَسَ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارًا، وَعَيْشِي قَارًا، وَرِزْقِي دَارًا (3)، وَاجْعَلْ لِي عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَرَارًا وَمُسْتَقَرًّا. (4)

راجع: الخير والبركة في الكتاب والسنة: ص 85 (الفصل الثالث: أسباب الخير).

- 
- 1- الكافي: ج 2 ص 593 ح 33 عن أبي بصير، مصباح المتهجد: ص 278، العدد القويّة: ص 262، جمال الأسبوع: ص 144، بحار الأنوار: ج 89 ص 303 ح 10.
  - 2- بحار الأنوار: ج 95 ص 449 ح 1 نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي.
  - 3- دِرَّة: أي صبّ واندفاق، وقيل: الدَّرُّ والدَّارُ (النهاية: ج 2 ص 112 «در»).
  - 4- الكافي: ج 3 ص 308 ح 32، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 64 ح 230، مصباح المتهجد: ص 30، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 64 ح 2157، بحار الأنوار: ج 84 ص 182 ح 15.

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! گفتار و کردارِ توبه کنندگان را... و تصدیق و توکل مؤمنان را، و امید و نیکوکاری نیکوکاران را از تو درخواست می کنم.

امام کاظم علیه السلام\_ از دعاهای ایشان \_ : ای معبود اولین و آخرین! به تو چنگ در زدم و به تو اعتماد کردم... به من ، بهره مندی از هر نیکی، و به سلامت ماندن از هر گناهی را روزی فرما، ای شنونده هر آوایی!

الکافی\_ به نقل از جعفر بن محمد بن یقظان، در حدیثی که سند آن را به اهل بیت علیهم السلام رسانده است \_ : فرد پس از آن که اذان را گفت و نشست، می گوید: «بار خدایا! دلم را نیک، زندگی ام را آرام و روزی ام را سرشار گردان و برایم در کنار آرامگاه پیامبرت ، آرامگاه و قرارگاهی قرار ده».

ر . ك : خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث : ص 131 (بخش یکم / فصل سوم : اسباب نیکی) .

الفصل السادس : بركات البر 6 / 1 التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمَعْرُوفُ شَيْءٌ سِوَى الزَّكَاةِ، فَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبِرِّ وَصِلَةَ الرَّحِمِ. (1)

6 / 2 مَحَبَّةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْكَافِي عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : خِيَارُكُمْ سَمَحَاؤُكُمْ ، وَشِرَارُكُمْ بُخْلَاؤُكُمْ ، وَمِنْ خَالِصِ الْإِيمَانِ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ ، وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ ، وَإِنَّ الْبَارَّ بِالْإِخْوَانِ لَيُحِبُّهُ الرَّحْمَنُ ، وَفِي ذَلِكَ مَرَعَمَةٌ لِلشَّيْطَانِ ، وَتَرْحُحُ عَنِ النَّيْرَانِ ، وَدُخُولُ الْجَنَانِ . يَا جَمِيلُ ! أَخْبِرْ بِهَذَا غُرَّرَ أَصْحَابُكَ . قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ مَنْ غُرَّرَ أَصْحَابِي ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هُمُ الْبَارُونَ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ . (2)

- 
- 1- .الكافي : ج 4 ص 27 ح 5 ، الخصال : ص 48 ح 52 كلاهما عن عمر بن يزيد ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 55 ح 1685 ، روضة الواعظين : ص 404 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 408 ح 6 .
- 2- .الكافي : ج 4 ص 41 ح 15 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 61 ح 1707 ، الأمالي للمفيد : ص 291 ح 9 ، الخصال : ص 96 ح 42 ، الأمالي للطوسي : ص 68 ح 98 وفي الثلاثة الأخيرة «صالح» بدل «خالص» وص 633 ح 1306 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 394 ح 8 .

## فصل ششم : برکت های نیکی

### 6 / 1 نزدیک شدن به خدا

### 6 / 2 دوستی خدا

فصل ششم : برکت های نیکی 6 / 1 نزدیک شدن به خدا امام صادق علیه السلام: نیکی کردن ، چیزی غیر از زکات است. پس با نیکی کردن و صله رحیم ، خود را به خداوند عز و جل نزدیک گردانید.

6 / 2 دوستی خدا الکافی\_ به نقل از جمیل بن درّاج \_ : امام صادق علیه السلام فرمود : «بهترین شما ، سخاوتمندان شما ، و بدترین شما ، بخیلانتان هستند ؛ و از ایمان ناب است : نیکی کردن به برادران ، و کوشش در رفع نیازهای آنان. [ خدای ] مهربان ، نیکی کننده به برادران را دوست می دارد . این کار ، بینی شیطان را به خاک می مالد و موجب دوری از آتش [دوزخ] و در آمدن به بهشت است. ای جمیل! این حدیث را به یاران برگزیده ات بازگو» . گفتم : فدایت شوم! یاران برگزیده من چه کسانی هستند؟ فرمود : «آنان که در تنگ دستی و گشایش ، به برادران ، نیکی می کنند» .

3 / 6 عُمرانُ الدِّيارِ رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْبِرَّ وَالصَّلَاةَ لِيُطِيلَانَ الْأَعْمَارَ ، وَيُعَمِّرَانِ الدِّيَارَ ، وَيُثْرِيَانِ الْأَمْوَالَ ، وَلَوْ كَانَ الْقَوْمُ فُجَّارًا . (1) .

عنه صلى الله عليه وآله: الْبِرُّ وَصِلَةُ الْأَرْحَامِ عِمَارَةٌ (2) الدُّنْيَا ، وَزِيَادَةُ الْأَعْمَارِ . (3) .

عنه صلى الله عليه وآله: الْبِرُّ وَحُسْنُ الْخُلُقِ يُعَمِّرَانِ الدِّيَارَ ، وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ . (4) .

4 / 6 زِيَادَةُ الْعُمْرِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الْبِرُّ زِيَادَةٌ فِي الْعُمْرِ . (5) .

- 
- 1- .تاريخ بغداد : ج 1 ص 386 الرقم 357 ، تاريخ دمشق : ج 36 ص 243 ح 7324 وفيه «يكثران» بدل «يثريان» وكلاهما عن عبد الله بن عباس ، كنز العمال : ج 3 ص 360 ح 6936 .
  - 2- .في المصدر : «عمار» وما أثبتناه من المصادر الأخرى هو المناسب .
  - 3- .مهج الدعوات : ص 237 عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 47 ص 194 ح 39 ؛ مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا : ص 159 ح 208 عن يحيى بن سعيد ، الإصابة : ج 7 ص 151 الرقم 10026 عن أبي سعيد وكلاهما نحوه .
  - 4- .الكافي : ج 2 ص 100 ح 8 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 93 ح 74 كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 395 ح 73 .
  - 5- .أسد الغابة : ج 1 ص 604 الرقم 877 عن الحارث بن رافع بن مكيث ، الإصابة : ج 6 ص 299 الرقم 8638 عن رافع بن مكيث عن أبيه ؛ الزهد للحسين بن سعيد : ص 104 ح 104 عن عبد الله بن الوليد الوصّافي عن الإمام الباقر عليه السلام ، الدعوات : ص 127 ح 314 عن الإمام الباقر عليه السلام وفيهما «يزيد» بدل «زيادة» ، بحار الأنوار : ج 96 ص 146 ح 22 .



### 6 / 3 آبادی خانه ها

### 6 / 4 افزایش عمر

6 / 3 آبادی خانه های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکی کردن و صیلمه رجم، عمرها را طولانی و خانه ها را آباد و دارایی ها را افزون می کنند، هر چند مردمانی که این کارها را می کنند، بی ایمان باشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکی کردن و صیلمه رجم، [ مایه ] آبادانی دنیا و افزایش عمرهایند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکی کردن و خوش خویی، خانه ها را آباد و عمرها را افزون می کنند .

6 / 4 افزایش عمر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکی کردن، [ مایه ] افزایش عمر است.

عنه صلى الله عليه وآله: لا يزيد في العمر إلا البر. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: موت الإنسان بالذنوب أكثر من موته بالأجل، وحياته بالبر أكثر من حياته بالعمر. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إنّه كان في بني إسرائيل ملكان أخوان على مدينتين، وكان أحدهما باراً برحمه عادلاً على رعيته، وكان الآخر عاقاً برحمه جائراً على رعيته، وكان في عصرهما نبي، فأوحى الله إلى ذلك النبي: إنّه قد بقي من عمر هذا البار ثلاث سنين، وبقي من عمر هذا العاق ثلاثون سنة. قال: فأخبر ذلك النبي رعيته هذا ورعيته هذا، قال: فأحزن ذلك رعيته العادل، وأحزن ذلك رعيته الجائر، قال: ففرقوا بين الأطفال والأمهات، وتركوا الطعام والشراب، وخرجوا إلى الصحراء يدعون الله عز وجل أن يمتّعهم بالعدل ويزيل عنهم أمر الجائر، فأقاموا ثلاثاً. فأوحى الله عز وجل إلى ذلك النبي، أن أخبر عبادي أن قد رحمتهم وأجبت دعاءهم، فجعلت ما بقي من عمر هذا البار لذلك الجائر، وما بقي من عمر الجائر لهذا البار. قال: فرجعوا إلى بيوتهم، ومات العاق لتمام ثلاث سنين، وبقي العادل فيهم ثلاثين سنة، ثم تلا رسول الله صلى الله عليه وآله: «(وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ)» (3). (4)

- 1- سنن الترمذي: ج 4 ص 448 ح 2139، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 35 ح 90 و ج 2 ص 1334 ح 4022، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 325 ح 22449، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 670 ح 1814 كلّها عن ثوبان، كنز العمال: ج 2 ص 66 ح 3148.
- 2- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 179 ح 2461، فقه الرضا: ص 340 عن الإمام الرضا عليه السلام، كشف الغمّة: ج 3 ص 140 عن الإمام الجواد عليه السلام، بحار الأنوار: ج 78 ص 83 ح 84.
- 3- فاطر: 11.
- 4- تاريخ دمشق: ج 36 ص 243 عن عبد الصمد بن علي عن أبيه عن جده، كنز العمال: ج 6 ص 12 ح 14626.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تنها چیزی که بر عمر می افزاید، نیکی کردن است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرگ انسان بر اثر گناهان، بیشتر از مرگش با آجل است، و زنده ماندن او بر اثر نیکوکاری، بیشتر از زنده ماندش با عمر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در میان بنی اسرائیل، دو برادر بودند که بر دو شهر، حکومت می کردند. یکی از آن دو با خویشاوندانش نیکوکار و با رعیتش دادگر بود، و دیگری با خویشاوندانش بدرفتار و بر رعیتش ستمگر بود. در روزگار آن دو، پیامبری به سر می برد. خداوند به آن پیامبر، وحی فرمود که: «از عمر آن نیکوکار، سه سال باقی مانده است و از عمر آن بدرفتار، سی سال». آن پیامبر صلی الله علیه و آله این مطلب را به رعایای هر دو حکمران، خبر داد. این خبر، هم رعیت آن دادگر را اندوهگین ساخت و هم رعایای آن بیدادگر را. پس کودکان را از مادران، جدا ساختند و خوردن و آشامیدن را ترك کردند و به صحرا رفتند تا به درگاه خداوند عز و جل دعا کنند که آن حکمران دادگر را طول عمر دهد و سایه آن حکمران ستمگر را از سرشان کوتاه سازد و سه روز در صحرا ماندند. پس خداوند عز و جل به آن پیامبر صلی الله علیه و آله، وحی فرمود که: «به بندگانم خبر ده که بر آنان، رحم آوردم و دعایشان را پذیرفتم. باقی مانده عمر آن نیکوکار را برای آن ستمگر قرار دادم و باقی مانده عمر آن ستمگر را برای آن نیکوکار». مردم به خانه هایشان باز گشتند و آن حکمران بدرفتار، سه سال درگذشت و حکمران دادگر، سی سال در میانشان زیست. آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت کرد: «و هیچ سال خورده ای، عمر دراز نمی یابد و از عمرش کاسته نمی شود، مگر آن که در کتابی مندرج است. در حقیقت، این کار، برای خدا، آسان است».

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الْقَوْمَ لَيَكُونُونَ فُجَارًا فَيَتَوَاصِلُونَ فَتَمَيُّ أَمْوَالِهِمْ ، وَيَبْرُونَ فَتَزْدَادُ أَعْمَارُهُمْ . (1)

قضاء حقوق المؤمنين عن جعفر بن محمد بن أبي فاطمة: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: يابن أبي فاطمة، إنَّ العبدَ يكونُ بارًا بقرابته ولم يبق من أجله إلا ثلاث سنين، فَيَصِّرُهُ اللَّهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً، وَإِنَّ العبدَ لَيَكُونُ عَاقًا بقرابته وقد بقي من أجله ثلاث وثلاثون سنة، فَيَصِّرُهُ اللَّهُ ثَلَاثَ سِنِينَ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (2) ... تَبَارَوْا وَتَوَاصَلُوا، فَيَنْسِي (3) اللَّهُ فِي آجَالِكُمْ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ حَسَنَ بَرُّهُ بِأَهْلِ بَيْتِهِ ، مُدَّ لَهُ فِي عُمُرِهِ . (5)

6 / 5 زيادة الرزق رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ البرَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (6)

1- الخصال: ص 124 ح 119 عن أبي عبيدة عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 75 ص 274 ح 2.

2- الرعد: 39.

3- النَّسَاءُ: التَّأخِيرُ، وَيَكُونُ فِي العَمْرِ وَالذَّيْنِ (النَّهْيَةُ: ج 5 ص 44 «نساء»).

4- قضاء حقوق المؤمنين: ص 29 ح 34، بحار الأنوار: ج 74 ص 277 ح 10.

5- الكافي: ج 2 ص 105 ح 11 عن حسن بن زياد الصيقل و ج 8 ص 219 ح 269، الخصال: ص 88 ح 21 كلاهما عن محمد بن مسلم، تحف العقول: ص 295 عن الإمام الباقر عليه السلام و ص 388 عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيه «ياخوانه وأهله» بدل «بأهل بيته»، الأمالي للطوسي: ص 245 ح 425 عن حسن بن زياد الصيقل وفيه «زيد» بدل «مد له»، بحار الأنوار: ج 71 ص 8 ح 9.

6- المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 548 ح 6038 عن ثوبان، كنز العمال: ج 2 ص 62 ح 3118؛ الزهد للحسين بن سعيد: ص 100 ح 90 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 74 ص 81 ح 84.

**6 / 5 افزایش روزی**

امام علی علیه السلام: مردمانی ، فسق و فجور ، پیشه می کنند ؛ ولی چون صیله رحیم به جا می آورند ، اموالشان افزون می شود ، و چون نیکی می کنند ، عمرشان طولانی می گردد.

قضاء حقوق المؤمنین\_ به نقل از جعفر بن محمد بن ابی فاطمه \_ : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «ای پسر ابو فاطمه! بنده به خویشاوندش نیکی می کند ، در حالی که از عمرش فقط سه سال باقی مانده است. پس خداوند [به سبب آن نیکی] ، آن را سی و سه سال می گرداند . و بنده به خویشاوندش بدی می کند ، در حالی که از عمرش سی و سه سال باقی مانده است ؛ اما خداوند ، آن را تبدیل به سه سال می کند». امام علیه السلام سپس این آیه را تلاوت فرمود: «خداوند ، آنچه را بخواهد ، محو می کند یا نگه می دارد ، و کتاب اصلی در نزد اوست»... [ و افزود : ] «به یکدیگر نیکی کنید و با هم پیوند داشته باشید که خداوند ، اجل های شما را به تأخیر می اندازد».

امام صادق علیه السلام : هر کس به خانواده اش نیکی کند ، عمرش دراز می شود.

6 / 5 افزایش روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیکی کردن ، روزی را افزون می کند .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ بَيْتٍ لَيَكُونُونَ بَرَّةً (1)، فَتَنَّمُوا أَمْوَالَهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فُجَّارٌ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: الْبِرُّ وَالصَّدَقَةُ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ. (3)

6 / 6 نُزُولُ الرَّحْمَةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَعَ الْبِرِّ تَدْرُ الرَّحْمَةُ. (4)

6 / 7 إجابة الدعاء رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا أَبَا ذَرٍّ، يَكْفِيكَ مِنَ الدُّعَاءِ مَعَ الْبِرِّ، مَا يَكْفِيكَ الطَّعَامَ مِنَ الْمِلْحِ. (5)

6 / 8 الْمَحَبَّةُ وَالْأُلْفَةُ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَلَاقَةُ الْوَجْهِ بِالْبَشْرِ وَالْعَطِيَّةُ، وَفِعْلُ الْبِرِّ وَبَدَلُ التَّحِيَّةِ، دَاعٍ إِلَى مَحَبَّةِ الْبَرِيَّةِ. (6)

- 
- 1- الْبِرُّ: الْخَيْرُ، وَرَجُلٌ بَرٌّ بِنَدْيِ قَرَابَتِهِ، وَبَارٌّ مِنْ قَوْمٍ بَرَّةٍ وَأَبْرَارٍ (لسان العرب: ج 4 ص 52 «بر»).
  - 2- الزهد للحسين بن سعيد: ص 101 ح 93 عن أبي محمد الفزاري عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 74 ص 82 ح 86.
  - 3- الكافي: ج 4 ص 2 ح 2، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 66 ح 1729، الخصال: ص 48 ح 53، ثواب الأعمال: ص 169 ح 11، بحار الأنوار: ج 74 ص 81 ح 83.
  - 4- غرر الحكم: ج 6 ص 120 ح 9733، عيون الحكم والمواعظ: ص 486 ح 8978.
  - 5- الأمالي للطوسي: ص 534 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 372 ح 2661 كلاهما عن أبي ذرٍّ، عدّة الداعي: ص 284 و 293، بحار الأنوار: ج 77 ص 83 ح 3؛ الزهد لابن حنبل: ص 182 عن أبي ذرٍّ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، كنز العمال: ج 2 ص 621 ح 4913.
  - 6- غرر الحكم: ج 4 ص 259 ح 6032، عيون الحكم والمواعظ: ص 318 ح 5541، مستدرک الوسائل: ج 8 ص 454 ح 9980.

**6 / 6 فرود آمدن رحمت**

**6 / 7 پذیرفته شدن دعا**

**6 / 8 محبت و الفت**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خانواده ای که نیکوکارند ، دارایی هایشان افزون می شود ، اگر چه گنهگار باشند.

امام باقر علیه السلام : نیکوکاری و صدقه دادن ، فقر را از بین می برند.

6 / 6 فرود آمدن رحمت امام علی علیه السلام : با نیکی کردن ، رحمت ، سرازیر می شود.

6 / 7 پذیرفته شدن دعا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای ابو ذر! [ به ] دعا کردن همراه با کار نیک ، همان اندازه نیاز است که [ به ] نمک برای غذا.

6 / 8 محبت و الفت امام علی علیه السلام : گشاده رویی همراه با دست بخشنده داشتن و نیکی کردن و بی دریغ سلام کردن ، باعث جلب محبت مردمان است.

عنه عليه السلام: عُودُوا - رَحِمَكُمُ اللَّهُ - بَعْدَ انْقِضَاءِ مَجْمَعِكُمْ ، بِالتَّوَسُّعَةِ عَلَى عِيَالِكُمْ ، وَالْبِرِّ بِإِخْوَانِكُمْ ، وَالشُّكْرِ لِلَّهِ عِزُّهُ وَجَلَّ عَالِي مَا مَنَحَكُمْ ، وَأَجْمِعُوا (1) يَجْمَعُ اللَّهُ شَمْلَكُمْ ، وَتَبَارَكُوا يَصِلُ اللَّهُ الْفَتْكُمْ . (2)

6 / 9 إنتشار الصِّتَالِإمام علي عليه السلام: مَنْ بَدَلَ بِرَّهُ ، انْتَشَرَ ذِكْرُهُ . (3)

عنه عليه السلام: مَنْ قَرَّبَ بِرَّهُ ، بَعُدَ صِيَّتُهُ (4) . (5)

عنه عليه السلام: مَنْ كَثُرَ بِرُّهُ حُمِدَ . (6)

6 / 10 طاعة الحرِّالإمام علي عليه السلام: بِالْبِرِّ يُسْتَعْبَدُ الْحُرُّ . (7)

- 
- 1- أجمَعُ أمره: أي جعله جميعاً بعدما كان متفرقاً (لسان العرب: ج 8 ص 58 «جمع»).
  - 2- مصباح المتهدج: ص 757 ح 843 عن الفياض بن محمد بن عمر الطرطوسي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الإقبال: ج 2 ص 259، مصباح الزائر: ص 159 وفيه «القضاء» بدل «انقضاء»، بحار الأنوار: ج 97 ص 117 ح 8.
  - 3- غرر الحكم: ج 5 ص 336 ح 8631، عيون الحكم والمواعظ: ص 440 ح 7637 وفيه «نشر» بدل «بذل».
  - 4- صيِّتٌ: أي ذكر وشهرة وعرفان (النهاية: ج 3 ص 64 «صيت»).
  - 5- غرر الحكم: ج 5 ص 336 ح 8632، عيون الحكم والمواعظ: ص 460 ح 8359 وفيه بزيادة «وذكره».
  - 6- غرر الحكم: ج 5 ص 183 ح 7888، عيون الحكم والمواعظ: ص 424 ح 7159.
  - 7- عيون الحكم والمواعظ: ص 185 ح 3746، غرر الحكم: ج 3 ص 205 ح 4213 وفيه «يملك» بدل «يستعبد»؛ المناقب للخوارزمي: ص 375 عن الجاحظ.



**6 / 9 بلندآوازی**

**6 / 10 به فرمان درآمدن آزادگان**

امام علی علیه السلام: خدایتان رحمت کند! پس از پایان اجتماعتان، به گشاده دستی با خانواده تان و نیکی کردن به برادرانتان، و سپاس گذاری از خداوند عز و جبرای چیزهایی که به شما بخشیده است، پردازید، و هم داستانی پیش گیرید تا خداوند، همواره جمعتان را جمع بدارد؛ و به یکدیگر نیکی کنید تا خداوند، رشته اُلفتِ میان شما را بپیوندد.

6 / 9 بلندآوازی امام علی علیه السلام: کسی که بی دریغ نیکی کند، نامش همه جا پخش شود.

امام علی علیه السلام: کسی که نیکی [ و احسان ] او نزدیک باشد، آوازه اش تا دوردست ها می رود.

امام علی علیه السلام: کسی که نیکی بسیار کند، از او به نیکی یاد می شود.

6 / 10 به فرمان درآمدن آزادگان امام علی علیه السلام: با نیکی کردن، فرد آزاد به بردگی گرفته می شود.

عنه عليه السلام: عِنْدَ تَوَاتُرِ الْبِرِّ وَالْإِحْسَانِ ، يُتَعَبَّدُ الْحُرُّ . (1)

11 / 6 نَفِي مِيتَةِ السَّوِّءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْبَارُّ لَا يَمُوتُ مِيتَةَ السَّوِّءِ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام\_ لِأَبِي حَمْرَةَ \_ : إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُطَيَّبَ اللَّهُ مِيتَتَكَ ، وَيَغْفِرَ لَكَ ذَنْبَكَ يَوْمَ تَلْقَاهُ ، فَعَلَيْكَ بِالْبِرِّ وَصَدَقَةِ السِّرِّ وَصِلَةِ الرَّحِمِ ، فَإِنَّهُنَّ يَزِدْنَ (3) فِي الْعُمْرِ ، وَيَنْفِيْنَ الْفَقْرَ ، وَيُدْفَعْنَ عَنِ صَاحِبِهِنَّ سَبْعِينَ مِيتَةَ سَوْءٍ . (4)

الإمام علي عليه السلام: الْبَارُّ يَطِيرُ مَعَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ ، وَإِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يَتَّبِعُ فِي وَجْهِ الْبَارِّ . (5)

12 / 6 تَهْوِينُ الْحِسَابِ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ وَالْبِرَّ لِيَهْوِيَانِ الْحِسَابَ ، وَيَعْصِمَانِ مِنَ الذُّنُوبِ ، فَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ ، وَبَرُّوا بِإِخْوَانِكُمْ ، وَلَوْ بِحَسَنِ السَّلَامِ وَرَدَّ الْجَوَابِ . (6)

- 
- 1- غرر الحكم : ج 4 ص 324 ح 6217 .
  - 2- الفردوس : ج 2 ص 33 ح 2207 عن أبي هريرة .
  - 3- في المصدر : «يزددن» ، وما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار .
  - 4- عدّة الداعي : ص 91 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 159 ح 37 .
  - 5- مستدرک الوسائل : ج 15 ص 176 ح 17919 نقلاً عن لبّ اللباب للراوندي .
  - 6- الكافي : ج 2 ص 157 ح 31 عن إسحاق بن عمّار ، تحف العقول : ص 376 وفيه «إخوانكم» بدل «أرحامكم» ، بحار الأنوار : ج 74 ص 131 ح 98 .

**6 / 11 پیشگیری از مرگ های بد و ناگوار**

**6 / 12 آسان شدن حساب**

امام علی علیه السلام: با پیاپی نیکی و احسان کردن، شخص آزاد، بنده می شود.

6 / 11 پیشگیری از مرگ های بد و ناگوار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شخص نیکوکار، به مرگ بد نمی میرد.

امام زین العابدین علیه السلام\_ به ابو حمزه \_ هر گاه خواستی که خداوند، تو را خوب بمیراند و در روزی که دیدارش می کنی، گناهت را بپامزد، نیکوکاری و دادن صدقه نهانی و صیله رجم را در پیش گیر؛ چرا که این کارها بر عمر می افزایند و فقر را می زدایند و هفتاد نوع مُردنِ بد را از صاحب خود، دور می کنند.

امام علی علیه السلام: شخص نیکوکار با [فرشتگان] ارجمند نیکوکار، پرواز می کند، و فرشته مرگ، به روی شخص نیکوکار [هنگام گرفتن جانش] لبخند می زند.

6 / 12 آسان شدن حساب امام صادق علیه السلام: صیله رجم و نیکوکاری، حساب [ \_ قیامت ] را آسان می سازند و [انسان را] از گناهان، ننگه می دارند. صیله رجم به جای آورید و به برادرانتان نیکی کنید، اگر چه با سلام کردنی نیکو و دادن پاسخ سلام باشد.

13 / 6 نعيم يوم الدين الكتاب «إن الأبرار لفي نعيم» . (1)

«لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها نزلًا من عند الله وما عند الله خير للأبرار» . (2)

«إن الأبرار يشربون من كأس كان مزاجها كافورًا» . (3)

«ربنا إنا سمعنا مُناديًا يُنادي لِلإيمانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» . (4)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إن البر يهدي إلى الجنة . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: إن البر والصلة ليخففان سوء الحساب يوم القيامة . (6)

الإمام الباقر عليه السلام: ألا أخبركم بخمس خصال هي من البر، والبر يدعو إلى الجنة؟ ... إخفاء المصيبة وكتمانها، والصدقة تُعطىها يمينك لا - تُعلم بها مالك، وبر الوالدين فإن برهما لله رضا، والإكثار من قول: «لا حول ولا قوة إلا بالله العظيم» فإنه من كنوز الجنة، والحب لمحمد وآل محمد صلى الله عليه وعليهم أجمعين . (7)

1- الإنفطار : 13 ، المطففين : 22 .

2- آل عمران : 198 .

3- الإنسان : 5 .

4- آل عمران : 193 .

5- صحيح البخاري : ج 5 ص 2261 ح 5743 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2013 ح 105 ، سنن أبي داود : ج 4 ص 297 ح 4989 ، سنن الترمذي : ج 4 ص 347 ح 1971 كلها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ج 3 ص 345 ح 6859 .

6- تاريخ بغداد : ج 1 ص 386 الرقم 357 ، تاريخ دمشق : ج 36 ص 243 ، البداية والنهاية : ج 10 ص 186 وليس فيه «سوء» وكلها عن عبد الله بن العباس ، كنز العمال : ج 3 ص 357 ح 6919 .

7- المحاسن : ج 1 ص 72 ح 27 عن الحسن البصري ، بحار الأنوار : ج 81 ص 206 ح 15 .

## 6 / 13 برخورداری از نعمت های روز پاداش

6 / 13 برخورداری از نعمت های روز پاداش قرآن «قطعاً نیکوکاران ، در ناز و نعمت اند».

«ولی کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند ، باغ هایی خواهند داشت که در آنها نهرها روان است. در آن جا جاودانه می مانند. این پذیرایی ، از جانب خداست ؛ و آنچه نزد خداست ، برای نیکوکاران ، بهتر است».

«همانا نیکوکاران ، از جامی می نوشند که آمیزه ای از کافور دارد».

«پروردگارا! ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان ، فرا می خواند که: «به پروردگارتان ، ایمان آورید». پس ایمان آوردیم. پرورگارا! گناهان ما را بیامرز و بدی های ما را بزدای و ما را در زمره نیکوکاران بمیران».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیکوکاری ، به بهشت ، ره نمون می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیکوکاری و صیله رحم ، از سختی حسابرسی روز قیامت می کاهند.

امام باقر علیه السلام : آیا شما را از پنج کار خبر ندهم که از [مصادیق] نیکوکاری اند ، و نیکوکاری ، به بهشت می خواند؟ : ... پنهان داشتن مصیبت و اظهار نکردن آن ؛ صدقه ای که با دست راست بدهی و دست چپت را از آن آگاه نسازی ؛ خوش رفتاری با پدر و مادر ، چرا که خوش رفتاری با آنان ، سبب خشنودی خداست ؛ بسیار گفتن جمله (لا حول ولا قوه الا بالله العظیم) ، زیرا این از گنج های بهشت است ؛ و دوست داشتن محمد و خاندان محمد \_ که درود خدا بر او و بر ایشان ، همگی باد \_ .

الإمام الصادق عليه السلام: يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَيْءٌ مِثْلُ الْكَبَّةِ (1)، فَيَدْفَعُ فِي ظَهْرِ الْمُؤْمِنِ فَيَدْخُلُهُ الْجَنَّةَ، فَيَقَالُ: هَذَا الْبِرُّ. (2)

بحار الأنوار نقلاً عن صحف إدریس علیه السلام: آثُرُوا الْبِرَّ وَعَمَلِ الْخَيْرِ، تَنَالُوا الرَّاحَةَ الْأَبَدِيَّةَ فِي دَارِ السَّلَامِ. (3)

---

1- الكَبَّةُ: الزَّحَامُ، لِقَيْتُهُ عَلَى الْكَبَّةِ، أَي عَلَى الرَّحْمَةِ، تَكَابَوْا: اذْهَبُوا (تاج العروس: ج 2 ص 349 «كَبَّ»).

2- الكافي: ج 2 ص 158 ح 3 عن سيف، بحار الأنوار: ج 74 ص 44 ح 4.

3- بحار الأنوار: ج 95 ص 470.

امام صادق علیه السلام: در روز قیامت، چیزی شبیه توپ (1) می آید و به پشت مؤمن می خورد و او را به بهشت، در می افکند. پس گفته می شود: «این، همان نیکوکاری است».

بحار الأنوار\_ به نقل از صحف ادریس علیه السلام\_ : نیکوکاری و اعمال خیر را برگزینید تا به آسایش ابدی در سرای سلامت، دست یابید.

---

1- .. واژه «کَبَه» \_ که در متن عربی حدیث آمده \_ ، به معنای : گوی ، گلوله و کلاف نخ است ( ر . ک : الطراز الأوّل ؛ منتهی الأرب : مادّه «کبب» ) .

الفصل السابع : أوصاف الأبرار 7 / 1 حُبُّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : طَالَ شَوْقُ الْأَبْرَارِ إِلَى لِقَائِي ، وَأَنَا إِلَيْهِمْ أَشَدُّ شَوْقًا . (1)

راجع : المحببة في الكتاب والسنة : ص 205 (القسم الثاني / الفصل الأول / التامون في محبة الله عز وجل) .

7 / 2 حُبُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِلَهَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ \_ : مُسْتَقَرُّهُ خَيْرٌ مُسْتَقَرٌّ ، وَمَنْبَتُهُ أَشْرَفُ مَنْبَتٍ ، فِي مَعَادِنِ الْكِرَامَةِ وَمَمَاهِدِ السَّلَامَةِ ، قَدْ صُرِفَتْ نَحْوَهُ أَفْنِدَةُ الْأَبْرَارِ ، وَثُبَّتْ إِلَيْهِ أَرْزَمَةُ الْأَبْصَارِ . (2)

---

1- .الفردوس : ج 5 ص 240 ح 8067 عن أبي الدرداء ، تفسير القرطبي : ج 11 ص 233 من دون إسنادٍ إلى رسول الله صلى الله عليه و آله .

2- .نهج البلاغة : الخطبة 96 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 380 ح 92 .



## فصل هفتم : ویژگی های نیکوکاران

### 1 / 7 دوست داشتن خدا

### 2 / 7 دوست داشتن پیامبر صلی الله علیه وآله

فصل هفتم : ویژگی های نیکوکاران 1 / 7 دوست داشتن خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل می فرماید: «نیکوکاران ، به دیدار من شوق بسیار دارند ؛ ولی من به آنان مشتاق ترم» .

ر . ك : دوستی در قرآن و حدیث : بخش دوم / فصل یکم / کاملان در خدا دوستی .

2 / 7 دوست داشتن پیامبر صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام\_ در یادکرد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ قرارگاه او [مکه] ، بهترین قرارگاه است و رویشگاهش ، شریف ترین رویشگاه بود. در کاخ های کرامت و مهدهای سلامت [و بی عیبی] رشد کرد. دل های نیکوکاران ، متوجه او شدند و زمام چشم ها به سوی او برگشتند.

7 / 3 حُبُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا عَلِيُّ، أَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، بِمَحَبَّتِكَ يُعْرَفُ الْأَبْرَارُ مِنَ الْفُجَّارِ، وَيُمَيَّزُ بَيْنَ الْأَشْرَارِ وَالْأَخْيَارِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله - لِعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ» (2) «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ» (3) - أَنْتَ الثَّوَابُ، وَأَنْصَارُكَ الْأَبْرَارُ. (4)

7 / 4 حُبُّ الْأَبْرَارِ الْأَمَالِيِّ لِلطُّوسِيِّ عَنْ سَدِيرٍ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي لَأَلْقَى الرَّجُلَ - لَمْ أَرَهُ وَلَمْ يَرِنِي فِيمَا مَضَى قَبْلَ يَوْمِهِ ذَلِكَ - فَأَحْبُّهُ حُبًّا شَدِيدًا، فَإِذَا كَلَّمْتُهُ وَجَدْتُهُ لِي عَلَى مِثْلِ مَا أَنَا عَلَيْهِ لَهُ، وَيُخْبِرُنِي أَنَّهُ يَجِدُ لِي مِثْلَ الَّذِي أَحَدُ لَهُ! فَقَالَ: صَدَقْتَ يَا سَدِيرُ، إِنَّ اتِّلَافَ قُلُوبِ الْأَبْرَارِ إِذَا التَّقَوَّا وَإِنْ لَمْ يُظْهَرُوا التَّوَدُّدَ بِأَلْسِنَتِهِمْ، كَسْرَعَةِ اخْتِلَافِ قَطْرِ السَّمَاءِ عَلَى مِيَاهِ الْأَنْهَارِ، وَإِنْ بَعْدَ اتِّلَافِ قُلُوبِ الْفُجَّارِ إِذَا التَّقَوَّا وَإِنْ أَظْهَرُوا التَّوَدُّدَ بِأَلْسِنَتِهِمْ، كَبَعْدِ الْبَهَائِمِ مِنَ التَّعَاطُفِ، وَإِنْ طَالَ اعْتِلَافُهَا عَلَى مِدْوَدٍ (5) وَاحِدٍ. (6)

- 
- 1- الأُمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ: ص 101 ح 77 عَنْ مِقَاتِلِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: ص 102 وَفِيهِ «يَتَمَيَّزُ» بَدَلُ «يُمَيَّزُ»، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 37 ص 254 ح 1.
  - 2- آلِ عَمْرَانَ: 195.
  - 3- آلِ عَمْرَانَ: 198.
  - 4- تَفْسِيرُ الْعِيَّاشِيِّ: ج 1 ص 212 ح 177 عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نَبَاتَةَ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 36 ص 97 ح 34؛ شَوَاهِدُ التَّنْزِيلِ: ج 1 ص 178 ح 189 عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نَبَاتَةَ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِيهِ «شِيعَتُكَ» بَدَلُ «أَصْحَابِكَ».
  - 5- الْمِدْوَدُ: مَعْتَلَفُ الدَّابَّةِ (تَاجُ الْعُرُوسِ: ج 4 ص 444 «ذُود»). .
  - 6- الأُمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص 411 ح 924، تَحْفُ الْعُقُولِ: ص 373، مَشْكَاتُ الْأَنْوَارِ: ص 352 ح 1139 كِلَاهِمَا عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِيهِمَا ذَيْلُهُ مِنْ «إِنَّ اتِّلَافَ»، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 61 ص 150 ح 28.

**7 / 3 دوست داشتن امیر مؤمنان علیه السلام****7 / 4 دوست داشتن نیکوکاران**

7 / 3 دوست داشتن امیر مؤمنان علیه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! تو قسمت کننده بهشت و جهنمی . با [معیار] دوستی توست که نیکوکاران ، از بدکاران شناخته می شوند و میان بدان و خوبان ، تمیز داده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ به علی علیه السلام در باره این سخن خداوند تعالی: «پاداشی از نزد خداست» «و آنچه نزد خداست ، برای نیکوکاران ، بهتر است» \_ پاداش ، تو هستی و نیکوکاران ، یاران تو هستند .

7 / 4 دوست داشتن نیکوکاران ائمه اطهار ، طوسی\_ به نقل از سدید\_ : به امام صادق علیه السلام گفتم : به مردی بر می خورم و در حالی که تا پیش از آن روز ، نه من او را دیده ام و نه او مرا دیده است ، علاقه شدیدی نسبت به او احساس می کنم ، و چون با وی سخن می گویم ، او را هم عقیده خویش می یابم و او نیز به من ، اظهار می دارد که نسبت به من ، چنین احساسی دارد. امام علیه السلام فرمود: «درست است ، ای سدید! نیکوکاران ، وقتی با هم رو به رو می شوند، اگر چه دوستی خود را به زبان نیاورند، دل هایشان ، به سرعت در آمیختن قطرات باران با آب رودخانه ها، به یکدیگر می پیوندند؛ و بدکاران ، وقتی با هم رو به رو می شوند، اگر چه به زبان اظهار دوستی کنند ، دل هایشان از یکدیگر دور است ، همچون دوری دل های چارپایان از یکدیگر ، هر چند روزگاری دراز بر سر یک آخور با هم علف بخورند».

الإمام الصادق عليه السلام: حُبُّ الأَبْرَارِ لِلأَبْرَارِ ثَوَابٌ لِلأَبْرَارِ، وَحُبُّ الفُجَّارِ لِلأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ لِلأَبْرَارِ، وَبُغْضُ الفُجَّارِ لِلأَبْرَارِ زَيْنٌ لِلأَبْرَارِ، وَبُغْضُ الأَبْرَارِ لِلفُجَّارِ خِزْيٌ عَلَى الفُجَّارِ. (1)

الإمام عليّ عليه السلام: لا يَصْحَبُ الأَبْرَارَ إِلَّا نَظَرًاؤُهُمْ. (2)

5/7 حُسْنُ الإِسْتِسْلَامِ للإمام عليّ عليه السلام: سُنَّةُ (3) الأَبْرَارِ، حُسْنُ الإِسْتِسْلَامِ. (4)

6/7 حُسْنُ الوَفَاءِ للإمام عليّ عليه السلام: بِحُسْنِ الوَفَاءِ يُعْرَفُ الأَبْرَارُ. (5)

1- الكافي: ج 2 ص 640 ح 6، الإختصاص: ص 239 كلاهما عن عمّار بن موسى، تحف العقول: ص 487 عن الإمام العسكري عليه السلام، المحاسن: ج 1 ص 414 ح 949 عن عبد الله بن القاسم الجعفري، مشكاة الأنوار: ص 219 ح 602، بحار الأنوار: ج 69 ص 238 ح 8.

2- غرر الحكم: ج 6 ص 376 ح 10604، عيون الحكم والمواعظ: ص 533 ح 9749.

3- السنّة: الطّريقة، السّيرة (المصباح المنير: ص 292 «سنن»).

4- غرر الحكم: ج 4 ص 130 ح 5564، عيون الحكم والمواعظ: ص 284 ح 5128.

5- غرر الحكم: ج 3 ص 236 ح 4331، عيون الحكم والمواعظ: ص 186 ح 3780.

**7 / 5 تسلیم بودن در برابر خدا**

**7 / 6 وفاداری شایسته**

امام صادق علیه السلام: دوست داشتن نیکوکاران یکدیگر را، پاداشی برای نیکوکاران است؛ و دوست داشتن بدان نیکوکاران را، فضیلتی برای نیکوکاران است؛ و نفرت بدکاران از نیکوکاران، زیور نیکوکاران است؛ و نفرت نیکوکاران از بدکاران، [مایه] خواری و رسوایی بدکاران است.

امام علی علیه السلام: با نیکوکاران مصاحبت نمی کنند، مگر همتایانشان.

7 / 5 تسلیم بودن در برابر خدا امام علی علیه السلام: روش نیکوکاران، تسلیم شدن نیکوست.

7 / 6 وفاداری شایسته امام علی علیه السلام: با وفاداری شایسته است که نیکوکاران، شناخته می شوند.

7/7 بُرِّ الأَبَاءُ وَالْأَبْنَاءُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا سُمُّوا الْأَبْرَارَ؛ لِأَنَّهُمْ بُرُّوا الْأَبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ وَالْإِخْوَانَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرٌّ وَالِدِيهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا. (2)

8/7 الصَّبْرُ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَوْلُ الْإِصْطِبَارِ مِنْ شَيْمِ الْأَبْرَارِ. (3)

9/7 إِحْتِمَالُ الْخَيْرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا طَبَائِعُ الْأَبْرَارِ طَبَائِعُ مُحْتَمِلَةٌ لِلْخَيْرِ، فَمَهْمَا حُمِّلَتْ مِنْهُ احْتَمَلَتْهُ. (4)

10/7 النَّفُورُ مِنَ الْأَشْرَارِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَفُوسُ الْأَبْرَارِ نَافِرَةٌ مِنْ نَفُوسِ الْأَشْرَارِ. (5)

- 
- 1- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج2 ص70 ح324، فقه الرضا: ص336، بحار الأنوار: ج74 ص77 ح73.
  - 2- بحار الأنوار: ج74 ص86 ح101 نقلاً عن كتاب الإمامة والتبصرة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.
  - 3- غرر الحكم: ج4 ص233 ح6248، عيون الحكم والمواعظ: ص318 ح5556.
  - 4- غرر الحكم: ج3 ص90 ح3902، عيون الحكم والمواعظ: ص179 ح3679.
  - 5- غرر الحكم: ج6 ص190 ح10008، عيون الحكم والمواعظ: ص498 ح9187 وفيه «الأخيار» بدل «الأبرار».

**7 / 7 نیکی به پدر و مادر و فرزندان**

**8 / 7 بردباری**

**9 / 7 تحمل خوبی ها**

**10 / 7 گریزان بودن از بدان**

7 / 7 نیکی به پدر و مادر و فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ابرار ، به این خاطر « ابرار » نامیده شده اند که به پدر و مادر و فرزندان و برادران ، نیکی کرده اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سرور ابرار در روز قیامت ، کسی است که به پدر و مادرش بعد از وفاتشان ، نیکی کند .

8 / 7 بردباری امام علی علیه السلام : بردباری در ازمودن ، از خصلت های ابرار است .

9 / 7 تحمل خوبی ها امام علی علیه السلام : طبیعت نیکوکاران ، طبیعتی است که خیر بردار است . بنا بر این ، هر اندازه که خیر بار آن شود ، آن را تحمل می کند .

10 / 7 گریزان بودن از بدان امام علی علیه السلام : جان های نیکوکاران ، از جان های بدکاران ، گریزان است .

عنه عليه السلام: نفوس الأبرار تأبى أفعال الفجار . (1)

7 / 11 الزهد في الدنيا رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام \_ يا علي ، إن الله تعالى قد زينك بزينة لم تزين العباد بزينة أحب إلى الله تعالى منها ؛ هي زينة الأبرار عند الله عز وجل : الزهد في الدنيا ، فجعلك لا ترزأ (2) من الدنيا شيئاً ، ولا ترزأ الدنيا منك شيئاً . (3)

7 / 12 ترك الأذى تفسير القمي عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام قال : قال عليه السلام : يا حفص ، إن الله تبارك وتعالى علم ما العباد عاملون ، وإلى ما هم صائرون ، فحلّم عنهم عند أعمالهم السيئة ليعلمه السابق فيهم ، فلا يغرتك حسن الطلب ممن لا يخاف الفتور . ثم تلا قوله تعالى : «تلك الدار الآخرة» (4) الآية . وجعل يبكي ويقول : ذهبت والله الأمانني عند هذه الآية . ثم قال عليه السلام : فاز والله الأبرار ، أتدري من هم ؟ هم الذين لا يؤذون الذر (5) ، كفى بخشية الله علماً ، وكفى بالإغترار بالله جهلاً . (6)

1- غرر الحكم : ج 6 ص 190 ح 10009 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 498 ح 9188 .

2- ما رزأنا منه : ما نقصنا منه شيئاً ، ولا أخذنا (النهاية : ج 2 ص 218 «رزأ»).

3- حلية الأولياء : ج 1 ص 71 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 282 كلاهما عن عمّار ، كنز العمال : ج 11 ص 626 ح 33053 ؛ الخصال : ص 556 ح 31 عن عامر بن واثلة عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، شرح الأخبار : ج 1 ص 151 ح 87 عن عمّار ، بحار الأنوار : ج 40 ص 334 ح 15 .

4- القصص : 83 ، والآية «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض ولا فساداً والعاقبة للمتقين» .

5- الدرر : صيغائر النمل (تاج العروس : ج 6 ص 435 «ذرر»).

6- تفسير القمي : ج 2 ص 146 ، سعد السعود : ص 87 نحوه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 27 ح 5 .



**11 / 7 بی رغبتی به دنیا****12 / 7 ترك آزارسانی**

امام علی علیه السلام: جان های نیکوکاران ، از [پذیرش] کردارهای بدکاران ، ابا دارند .

11 / 7 بی رغبتی به دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام \_ : ای علی ! خداوند ، تو را به زیوری آراسته است که بندگان به زیوری محبوب تر از آن در نزد خدا، آراسته نشده اند، و آن ، زیورِ ابرار در نزد خداست : بی رغبتی به دنیا . خداوند تو را چنان قرار داده که نه تو از دنیا چیزی بر می گیری ، و نه دنیا از تو چیزی بر می گیرد.

12 / 7 ترك آزارسانی تفسیر القمی \_ به نقل از حفص بن غیاث \_ : امام صادق علیه السلام [به من] فرمود : «ای حَفْص! خداوند \_ تبارک و تعالی \_ می داند که بندگان چه خواهند کرد و به چه سویی ره سپارند . از این رو ، وقتی گناه می کنند، چون از پیش به آنچه می کنند ، آگاه است، در برابرشان بردباری می نماید. پس مبادا نرم خویی و مدارا از جانب کسی که بیم از دست دادن چیزی را ندارد (یعنی خداوند) ، تو را بفریید! ». امام علیه السلام سپس این سخن خداوند متعال را: «آن است سرای واپسین» تا آخر آیه، خواند و شروع به گریستن کرد و فرمود: «به خدا سوگند که با این آیه ، آرزوها از میان می رود!». سپس فرمود: «به خدا سوگند که نیکوکاران ، رستگاران ! آیا می دانی که آنها چه کسانی هستند؟ آنان ، کسانی هستند که حتی مورچه ای را نمی آزارند. برای ترس از خدا ، علم [به او] کافی است، و برای غرّه شدن به خدا ، جهل [نسبت به او] بس است» .

13 / 7 الحَيَاءُ وَالْعِفَّةُ الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْعِفَّةَ مِنْ خَلَائِقِ الْإِيمَانِ ، وَإِنَّهُمَا لَسَجِيَّةُ الْأَحْرَارِ وَشِيْمَةُ الْأَبْرَارِ . (1)

14 / 7 إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ ، اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ ، الْإِحْتِرَاسُ مِنَ الْغَفْلَةِ الإمام عليّ عليه السلام: ثَلَاثٌ مِنْ عَمَلِ الْأَبْرَارِ: إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ ، وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ ، وَاحْتِرَاسٌ مِنَ الْغَفْلَةِ فِي الدِّينِ . (2)

15 / 7 اسْتِشْعَارُ الْحِكْمَةِ ، تَجَلُّبُ السَّكِينَةِ الإمام عليّ عليه السلام: اسْتَشْعِرِ الْحِكْمَةَ ، وَتَجَلَّبِبِ السَّكِينَةَ ، فَإِنَّهُمَا جَلِيَّةُ الْأَبْرَارِ . (3)

1- .غرر الحكم : ج 2 ص 584 ح 3605 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 153 ح 3349 .

2- .كشف الغمّة: ج 3 ص 139 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 81 ح 74 .

3- .غرر الحكم : ج 2 ص 187 ح 2324 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 83 ح 2012 .

**7 / 13 حیا و خویشنداری**

**7 / 14 به جا آوردن واجبات، دوری از حرام ها، پرهیز از غفلت**

**7 / 15 پوشیدن جامه حکمت و زدای آرامش**

7 / 13 حیا و خویشنداری امام علی علیه السلام: حیا و خویشنداری، از ویژگی های ایمان اند، و این دو، از خصلت های آزادگان و شیوه ابرارند.

7 / 14 به جا آوردن واجبات، دوری از حرام ها و پرهیز از غفلت امام علی علیه السلام: سه چیز، از کارهای نیکوکاران است: به جا آوردن واجبات، دوری کردن از حرام ها، و پرهیز از غفلت در دین.

7 / 15 پوشیدن جامه حکمت و زدای آرامش امام علی علیه السلام: حکمت را جامه زیرین خویش ساز و آرامش را زدای خود؛ زیرا این دو، زیور نیکان است.

16/7 الإيثارُ الإمامِ عليٍّ عليه السلام: الإيثارُ سَجِيَّةُ الأبرارِ وشيمةُ الأَخيارِ . (1)

عنه عليه السلام: مِنْ شِيَمِ (2) الأبرارِ ، حَمَلُ الثُّفُوسِ عَلَى الإيثارِ . (3)

المؤمن عن الإمامِ عليٍّ عليه السلام: قَدْ فَرَضَ اللَّهُ التَّمَحُّلَ (4) عَلَى الأبرارِ فِي كِتَابِ اللَّهِ . قِيلَ : وَمَا التَّمَحُّلُ ؟ قَالَ : إِذَا كَانَ وَجْهَكَ أَثْرَ مِنْ وَجْهِهِ التَّمَسَّتْ لَهُ . وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (5) قَالَ : لَا تَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْكَ . (6)

17/7 الصَّدْقُ وَالْأَمَانَةُ الإمامِ عليٍّ عليه السلام: الزَّمِ الصَّدْقَ وَالْأَمَانَةَ ، فَإِنَّهُمَا سَجِيَّةُ (7) الأبرارِ . (8)

18/7 تَرَكَ العُجْبَا الإمامِ عليٍّ عليه السلام\_ فِي صِفَاتِ عِبَادِ اللَّهِ \_ يَرُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ أَشْرَارٌ ، وَإِنَّهُمْ لَأَكْيَاسٌ (9) وَأَبْرَارٌ . (10)

1- غرر الحكم : ج 2 ص 164 ح 2208 وج 1 ص 159 ح 606 نحوه .

2- الشَّيْمَةُ : الخلق (الصحاح : ج 5 ص 1964 «شيم»).

3- غرر الحكم : ج 6 ص 28 ح 9350 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 469 ح 8553 .

4- تَمَحَّلَ : أي احتال . يُقَالُ : تَمَحَّلَ لِي خَيْرًا ؛ أَي أَطْلَبُهُ (لسان العرب: ج 11 ص 619 «محل»).

5- الحشر : 9 .

6- المؤمن : ص 44 ح 104 عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل ، مستدرک الوسائل : ج 7 ص 221 ح 48065 .

7- سَجِيَّةٌ : أي طبيعة من غير تكلف (النهاية : ج 2 ص 345 «سجا»).

8- غرر الحكم : ج 2 ص 187 ح 2325 .

9- الكَيْسُ : العاقل (النهاية : ج 4 ص 217 «كيس»).

10- تحف العقول : ص 394 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 65 ح 6 عن أبي أراكة عنه عليه السلام نحوه

، بحار الأنوار : ج 1 ص 149 ح 30 .

**7 / 16 از خودگذشتگی****7 / 17 راستی و امانتداری****7 / 18 ترك خودپسندی**

7/16 از خودگذشتگی امام علی علیه السلام: از خودگذشتگی، خصلت ابرار و شیوه نیکان است.

امام علی علیه السلام: یکی از خصلت های نیکوکاران، وا داشتن جان ها به از خودگذشتگی است.

المؤمن: امام علی علیه السلام فرمود: «خداوند، در کتاب خود، تَمَحُّل (1) را بر ابرار، واجب کرده است». گفته شد: تَمَحُّل چیست؟ فرمود: «هنگامی که وجهه تو از وجهه او (برادر دینی) [در نزد مردم] ارزشمندتر است، برای کارهای او، [از دیگران] خواهشی کنی». آن گاه، در باره این سخن خداوند متعال: «و هر چند در خودشان احتیاجی میرم باشد، آنها را بر خودشان مقدم می دارند»، فرمود: «خود را بر او، در چیزی که او به آن از تو محتاج تر است، مقدم مدار».

7/17 راستی و امانتداری امام علی علیه السلام: به راستی و امانتداری پایبند باش؛ زیرا این دو، خصلت نیکان است.

7/18 ترك خودپسندی امام علی علیه السلام: در باره صفات بندگان خدا \_ در دل، خود را مردمانی بد می بینند، در حالی که [در واقع] افرادی زیرك و نیکوکارند.

---

1- .. تَمَحُّل: کارسازی؛ از آبرو مایه گذاشتن برای کار خیر؛ راه انداختن کار دیگران با هزینه کردن از اعتبار خویش (ر.ك: الطراز المتضمن، یحیی بن حمزه: ج 3 ص 39، تاج المصادر، بیهقی: ج 2 ص 804، لسان العرب: ج 11 ص 619 ماده «محل»).

7 / 19 تلك الخصال رسول الله صلى الله عليه وآله لِمَنْ سَأَلَهُ عَنْ عَلَامَةِ الْبَارِّ \_ : وَأَمَّا عَلَامَةُ الْبَارِّ فَعَشْرَةٌ : يُحِبُّ فِي اللَّهِ ، وَيُغْضُ فِي اللَّهِ ، وَيُصَاحِبُ فِي اللَّهِ ، وَيُفَارِقُ فِي اللَّهِ ، وَيَغْضَبُ فِي اللَّهِ ، وَيَرْضَى فِي اللَّهِ ، وَيَعْمَلُ لِلَّهِ ، وَيَطْلُبُ إِلَيْهِ ، وَيَخْشَعُ لِلَّهِ خَائِفًا مَخُوفًا طَاهِرًا مُخْلِصًا مُسْتَحْيَا مُرَاقِبًا ، وَيُحْسِنُ فِي اللَّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله لِأَسَامَةِ \_ : وَأَعْلَمَ يَا أُسَامَةَ ، إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَجْزَلُهُمْ نَوَابًا وَأَكْرَمُهُمْ مَبَابًا مَنْ طَالَ فِي الدُّنْيَا حُزْنُهُ ، وَدَامَ فِيهَا غَمُّهُ ، وَكَثُرَ فِيهَا جُوعُهُ وَعَطَشُهُ ، أُولَئِكَ الْأَبْرَارُ الْأَتْقِيَاءُ الْأَخْيَارُ ؛ إِنْ شَهِدُوا لَمْ يُعْرِفُوا ، وَإِنْ غَابُوا لَمْ يُفْتَقَدُوا . (2)

الإمام علي عليه السلام : إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا كَسَرَتْ قُلُوبَهُمْ خَشْيَةُ اللَّهِ ، فَاسْتَنَكَفُوا عَنِ الْمَنْطِقِ ، وَإِنَّهُمْ لَفَصَحَاءُ بُلْغَاءِ الْبَاءِ (3) تَبْلَاءُ ، يَسْتَبِقُونَ إِلَيْهِ بِالْأَعْمَالِ الزَّكِيَّةِ ، لَا يَسْتَكْثِرُونَ لَهُ الْكَثِيرَ ، وَلَا يَرْضَوْنَ لَهُ الْقَلِيلَ ، يَرَوْنَ أَنْفُسَهُمْ أَنَّهُمْ شِرَارٌ ، وَإِنَّهُمْ الْأَكْيَاسُ الْأَبْرَارُ . (4)

1- تحف العقول : ص 21 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 121 ح 11 .

2- التحصين لابن فهد : ص 21 عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل ، مستدرک الوسائل : ج 16 ص 218 ح 19645 .

3- اللَّيْبُ : العاقل ، والجمع ألباء (الصحيح : ج 1 ص 216 «لب»).

4- الزهد للحسين بن سعيد : ص 65 ح 6 عن أبي أراكة ، تحف العقول : ص 394 عن الإمام الكاظم عنه عليهما السلام ، مشكاة الأنوار : ص 120 ح 281 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 1 ص 149 ح 30 .

## 7 / 19 این خصلت ها

19 / 7 این خصلت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ به کسی که از ایشان ، در باره نشانه های نیکوکار پرسید \_ : نشانه نیکوکار ، ده چیز است: برای خدا ، دوست می دارد ، و برای خدا ، دشمن می دارد ، و برای خدا ، یار و همراه می شود ، و برای خدا ، جدا می گردد ، و برای خدا ، خشم می گیرد ، و برای خدا ، خشنود می شود ، و برای خدا ، کار می کند ، و خداجوست ، و در برابر خدا ، خاشع است ، و ترسان و هراسان و پاك و بااخلاص و باحیا و مراقب [خود] است ، و برای خدا ، نیکی می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ به اُسامه \_ : ای اُسامه ! بدان که با منزلت ترین مردم پیش خدا و پُرثواب ترین و گرامی ترین آنها به هنگام بازگشت به سوی او ، کسی است که در دنیا ، غم و اندوهش طولانی و مداوم باشد ، و نیز گرسنگی و تشنگی اش بیشتر باشد. آنان ، ابرار ، پرهیزگاران و نیکان اند ، که اگر [در مجلسی] حاضر باشند ، شناخته شده نیستند ، و اگر غایب باشند ، کسی در پی شان نمی رود.

امام علی علیه السلام : خداوند ، بندگانی دارد که ترس از خدا ، دل هایشان را شکسته است. از این رو ، زبان از گفتار ، فرو بسته اند ، در حالی که مردمانی سخنور و بلیغ و خردمند و بزرگواریند. با کارهای پاك ، به سوی خدا می شتابند ، عمل بسیار را در پیشگاه او ، بسیار نمی شمارند ، و به عمل اندك برایش خشنود نمی شوند. خود را بد می دانند ، در حالی که مردمانی زیرك و نیکوکارند.

امام صادق علیه السلام : به خدا سوگند که نیکان ، رستگاران و بدان ، زیانکار. آیا می دانی که آنان ، کیان اند؟ همانان که از او (خدا) می ترسند و از او پروا می دارند و با کارهای شایسته ، خود را به او نزدیک می سازند ، و در نهان و آشکار ، از او بیمناک اند . [آری !] برای ترس از خدا ، علم [به او] کافی است ، و برای غرّه شدن به او ، جهل [و شناختن او] بس است.

الإمام الصادق عليه السلام: فازَ - وَاللَّهِ - الأبرارُ وخَسِرَ الأشرارُ، أتدري مَنْ هُم؟ الَّذِينَ خافوهُ، وَاتَّقَوْهُ، وَتَقَرَّبُوا إِلَيْهِ بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَخَشَوْهُ فِي سَرَائِرِهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ (1)؛ كَفَى بِخَشْيَةِ اللَّهِ عِلْمًا، وَكَفَى بِالِاغْتِرَارِ بِهِ جَهْلًا. (2)

عيسى عليه السلام: البرُّ ثلاثةٌ: المنطقُ، والنَّظْرُ، وَالصَّمْتُ؛ فَمَنْ كَانَ مَنْطِقُهُ فِي غَيْرِ ذِكْرٍ فَقَدْ لَغَا، وَمَنْ كَانَ نَظْرُهُ فِي غَيْرِ اعْتِبَارٍ فَقَدْ سَهَا، وَمَنْ كَانَ صَمْتُهُ فِي غَيْرِ فِكْرٍ فَقَدْ لَهَا. (3)

راجع: ص 262 (تفسير البر).

1- في المصدر: «علانياتهم»، وما في المتن أثبتناه من مستدرك الوسائل .

2- إرشاد القلوب: ص 106، مستدرك الوسائل: ج 11 ص 233 ح 12835 وفيه «سرّ أمرهم» بدل «سرائرهم» .

3- البيان والتبيين: ج 1 ص 297 عن الشعبي؛ المواعظ العددية: ص 195 وراجع: ثواب الأعمال: ص 212 ح 1 .



عیسی علیه السلام: نیکی، در سه چیز است: گفتار، و نگاه، و سکوت. کسی که گفتارش در غیر ذکر [خدا] باشد، بیهوده گویی کرده است؛ کسی که نگاهش بدون عبرتِ آموختن باشد، غافل است؛ و کسی که سکوتش همراه با اندیشیدن نباشد، وقتش را تلف کرده است.

ر. ك: ص 262 (تفسیر نیکی).



## 35. برکت

### اشاره

35. برکتدرآمدفصل یکم: ریشه برکتفصل دوم: آنچه موجب برکت جامعه استفصل سوم: آنچه موجب برکت عمر استفصل چهارم: آنچه مایه برکت خانه استفصل پنجم: خوی هایی که موجب برکت اندفصل ششم: اعمالی که موجب برکت اندفصل هفتم: انسان های با برکتفصل هشتم: حیوان های با برکتفصل نهم: جاهای با برکتفصل دهم: زمان های با برکتفصل یازدهم: خوراکی های با برکتفصل دوازدهم: نوشیدنی های با برکتفصل سیزدهم: شغل های با برکتفصل چهاردهم: تأثیر برخی از ذکرها و عبادت ها و دعاها در برکتفصل پانزدهم: نمونه های از برکات دعافصل شانزدهم: آنچه موجب زوال برکت است



## برکت، در لغت

درآمدبرکت، در لغتواژه «برکت» از ریشه «برک» به معنای ثبات و دوام است. از این رو، خیر و خوبی فراوان و بادوام، برکت نامیده می شود. ابن فارس، در این باره آورده است: الباءُ وَالرَّاءُ وَالکافُ أصلٌ واحدٌ، وَهُوَ ثَبَاتُ الشَّيْءِ، ثُمَّ يَنْفَرِعُ فُرُوعًا يُقَارِبُ بَعْضُهَا بَعْضًا. (1) باء و راء و کاف، یک معنای اصلی دارد و آن ثبات داشتن چیزی است. سپس، معانی دیگری \_ که به هم نزدیک اند \_، از آن برگرفته شده است. ابن منظور می گوید: الْبَرَكَةُ: النَّمَاءُ وَالزِّيَادَةُ. وَالتَّبْرِيكُ: الدُّعَاءُ لِلْإِنْسَانِ أَوْ غَيْرِهِ بِالْبَرَكَةِ... وَبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، أَيِ اثْبِتَ لَهُ وَ أَدَمَ مَا أَعْطَيْتَهُ مِنَ التَّشْرِيفِ وَالْكَرَامَةِ... وَقَالَ الرَّجَاجُ: تَبَارَكَ تَفَاعُلٌ مِنَ الْبَرَكَةِ، كَذَلِكَ يَقُولُ أَهْلُ اللُّغَةِ... وَرَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ: وَ مَعْنَى الْبَرَكَةِ الْكَثْرَةُ فِي كُلِّ خَيْرٍ. (2) برکت، یعنی رشد و افزایش، و «تبریک»، دعای برکت خواستن برای انسان و

1- .. معجم مقایس اللغة: ج 1 ص 227 «مادّه «برک» .

2- .. لسان العرب: ج 10 ص 395 \_ 396 مادّه «برک» .

## برکت، در قرآن و حدیث

## اشاره

غیر اوست ... و «بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ»، یعنی: آنچه از کرامت و شرافت که بر محمد و خاندان محمد داده ای، برای او و خاندانش ثابت و ماندگار بدار ... زَجَّاج، گفته است: «تَبَارَكَ»، بر اساس سخن اهل لغت، صیغه تفاعل کلمه برکت است ... و ابن عباس، روایت کرده است که: معنای برکت، فراوانی در هر خیری است. و در مفردات ألفاظ القرآن آمده: أَصْلُ الْبَرَكِ صَدْرُ الْبَعِيرِ وَإِنْ اسْتَعْمَلَ فِي غَيْرِهِ، وَيُقَالُ لَهُ: بَرَكَةٌ، وَبَرَكُ الْبَعِيرُ: أَلْقَى بَرَكَةً، وَاعْتَبِرَ مِنْهُ مَعْنَى اللَّزُومِ ... وَالْبَرَكَةُ ثُبُوتُ الْخَيْرِ الْإِلَهِيِّ فِي الشَّيْءِ. (1) اصل «بَرَكٌ»، سینه شتر است، اگر چه در جز آن هم استعمال شده است و به آن (سینه شتر)، بَرَكَةٌ نیز می گویند. «بَرَكُ الْبَعِيرُ»، یعنی: شتر، سینه اش را بر زمین قرار داد. از همین معنا، لزوم و همیشگی در نظر گرفته شده است ... و برکت، به معنای ثبات و دوام داشتن خیر خدا در چیزی است. بنا بر این، خیر (خوبی)، اگر با دو ویژگی همراه باشد، برکت نامیده می شود: یکی، کثرت و فراوانی؛ و دیگری، ثبات و دوام. برای مثال، نسل بابرکت، به معنای کثرت و دوام فرزندان نیک سیرت است، یا عمر بابرکت، زندگی همراه با خیر فراوانی است که آثار آن، پایدار می ماند.

برکت، در قرآن و حدیث کلمه «برکت»، در قرآن و حدیث، دقیقاً در همان معنای لغوی، یعنی خیر فراوان و بادوام به کار رفته است. در قرآن، این کلمه و مشتقات آن، سی و سه بار در باره آفریدگار جهان، قرآن، فرشتگان، انبیا، انسان، آسمان، زمین، کعبه، آب باران و... به کار رفته است.

## 1 . مبارك مطلق

### 2 . پیوند عوامل مادی و معنوی برکت

در احادیث نیز به پیروی از قرآن، کلمه برکت، کاربرد فراوانی دارد. در این بخش از قرآن و حدیث، پس از اشاره به اصل و اساس همه برکات جهان هستی، در فصل یکم، عوامل برکت جامعه، عمر و خانه، در سه فصل، گزارش می‌شوند. همچنین اخلاق و رفتارهایی که موجب برکت زندگی اند، انسان‌ها، حیوانات، مکان‌ها، زمان‌ها، خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و شغل‌های بابرکت، در نه فصل، معرفی می‌گردند. در ادامه، نقش شماری از اذکار، عبادات و دعاها، در پدید آمدن برکت و نیز نمونه‌هایی از برکات دعا، در دو فصل، بیان می‌شود و در پایان، آنچه موجب زوال برکت در زندگی می‌گردد و به تیره روزی انسان می‌انجامد، گزارش می‌گردد. اما پیش از مراجعه به متن آیات و احادیث مرتبط با عناوینی که بدانها اشاره شد، توجه به این نکات، سودمند است:

1 . مبارك مطلق نخستین نکته‌ای که در قرآن و احادیث بدان اشاره شده، این است که مبدأ همه برکات جهان هستی، ذات مقدّس حق تعالی است. اوست که همه برکات را پدید و فرود آورده و رحمت و برکتش، همه چیز را فرا گرفته است. از این رو، مبارك مطلق (بی‌قید و شرط)، خداست و «مبارک»، یکی از صفات باری تعالی است و همه آفریده‌ها، چه بدانند و چه ندانند، چه بخواهند یا نخواهند، به اندازه ظرفیت و شایستگی خود، از برکات الهی، برخوردارند.

2 . پیوند عوامل مادی و معنوی برکت در بررسی عوامل برکت از نگاه قرآن و حدیث، نخستین نکته‌ای که جلب توجه

می‌کند، این است که در متون اسلامی، عوامل معنوی برکت، در کنار اسباب مادی آن، قرار دارند. احادیث ما، از يك سو: پروا، عبادت، طهارت، دعا، نماز، حج، استغفار و مانند اینها را مبادی (زمینه‌های) برکت و توسعه در زندگی معرفی می‌کنند و از سوی دیگر، دامداری، کشاورزی، تجارت و کار را پشتوانه و مایه برکت و توسعه می‌دانند. آنچه از همجواری این دو دسته از عوامل بر می‌آید، این است که در جهان بینی اسلامی، اعتقاد به تأثیر معنویّت در خیر و برکت و توسعه و شکوفایی مادی، به معنای نفی اسباب مادی یا کم رنگ کردن نقش آنها در توسعه نیست؛ بلکه بدین معناست که اسلام، علاوه بر عوامل مادی شناخته شده برای توسعه، عوامل ناشناخته و نامرئی دیگری را هم مؤثر می‌داند و معتقد است که باورهای صحیح دینی، اخلاق شایسته و اعمال نیکو نیز در شکوفایی و توسعه اقتصادی جامعه، نقش دارند. قرآن کریم، در این باره تصریح می‌کند که: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (1) اگر اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پروا می‌ورزیدند، برکت‌هایی را از آسمان و زمین، بر آنان می‌گشادیم». خداوند، در آیه دیگری، از قول نوح علیه السلام می‌فرماید: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ أَنْهَارًا» (2) پس گفتم: از پروردگارتان، آمرزش بخواهید، که او آمرزنده است. باران آسمان

---

1- .. اعراف: آیه 96 .

2- .. نوح: آیه 10\_ 12 .



### 3. جوشش برکات معنوی از درون برکات مادی

را فراوان بر شما، فرو می ریزد، و شما را با اموال و فرزندان، یاری می رساند و برایتان، باغ هایی قرار می دهد و برایتان، نهلهایی قرار می دهد. افزون بر این، «برکت»، شکوفایی اقتصادی و توسعه پایدار جامعه انسانی، با ارزش های اعتقادی، اخلاقی و عملی، همراه است و بدون این همراهی، برکات مادی هم دوام نخواهند داشت. (1)

3. جوشش برکات معنوی از درون برکات مادی نکته بسیار مهم دیگر، این است که از نگاه اسلام، نه تنها ارزش های معنوی، در برکات مادی و توسعه پایدار اقتصادی و تداوم آن تأثیر دارند، بلکه عکس آن نیز درست است؛ یعنی برکات مادی در چارچوب ره نمودهای اسلامی، موجب تقویت و شکوفایی ارزش ها و برکات معنوی می گردند. اصولاً در برنامه ریزی اسلام برای تکامل انسان و جامعه انسانی، تکامل معنوی از توسعه مادی جدا نیست. از این رو، در فصل سوم این مدخل، برکات مادی، در کنار برکات معنوی مطرح شده اند؛ چرا که برکات مادی، از درون برکات معنوی می جوشند و برکات معنوی از متن برکات مادی پدید می آیند. از يك سو، قرآن تأکید دارد که اگر ایمان و پروامندی در جامعه فراگیر شود، برکات الهی از آسمان و زمین، مردم را فرا خواهند گرفت و جامعه بشری، شاهد برکات همه جانبه مادی و توسعه اقتصادی بیش از حدّ تصوّر، خواهد بود. متون اسلامی صراحت دارند که کارهایی مانند: نماز، حج و دعا، در برکات مادی و توسعه اقتصادی نقش دارند.

---

1- .. برای آشنایی با موانع برکت و آفات توسعه، ر. ک: همین دانش نامه: ج 13 ص 57 (برکت / فصل شانزدهم: آنچه موجب زوال برکت است). نیز، ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: ج 2 ص 861 (فصل پنجم: آفات توسعه).

#### 4. نقش نظام آفرینش در تکامل انسان

از سوی دیگر، در اسلام، کارِ سالم برای تأمین زندگی آبرومندانه \_ که یکی از مهم ترین اصول توسعه اقتصادی و برکات مادی است \_، از بزرگ ترین عبادت ها و ارزش های معنوی شمرده می شود. این فرمایش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، در بیان همین مطلب است: *الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا؛ أَفْضَلُ لَهَا طَلَبُ الْحَلَالِ*. (1) عبادت، هفتاد بخش است. برترین آنها، کسب [درآمد] حلال است. در پرتو این نگرش، اسلام، همه تلاش هایی را که در جهت پدید آوردن برکات مادی صورت می گیرند، چنانچه با انگیزه صحیح و در جهت سازندگی انسان باشند، عبادت می شمرد و مقدّس می داند و معتقد است که برکات مادی و معنوی، تنها در کنار هم پدید می آیند.

4. نقش نظام آفرینش در تکامل انسان تأمل در آنچه در فصل دوم تا پانزدهم این بخش آمده، نشان می دهد که آفریدگار هستی، در نظام آفرینش، همه گونه امکانات و ابزار را از درون و برون، برای تکامل مادی و معنوی انسان، فراهم ساخته و نعمت های ظاهری و باطنی را بر انسان، تمام کرده است. نیز این آیه نورانی را تداعی می کند که: *«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً*. (2) آیا ندیدید که خداوند، آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، برای شما مسخّر گردانید و نعمت های آشکار و نهان خود را برای شما سرشار ساخت؟». این آیه، بیانگر آن است که به انسان، از درون، «عقل» و «فطرت» و «قوای

1- .. ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: ج 1 ص 252 ح 453. و ج 2 ص 183 (فصل سوم: کار).

2- .. لقمان: آیه 20.

## 5. نقش ضد ارزش ها در رفتن برکت

باطنی»، و از بیرون، «وحی» داده شده تا وی به یاری آنها، راه کمالش را بییماید. به عبارت دیگر، آنچه در آسمان و زمین است، در اختیار انسان قرار داده شده تا وی از برکات آنها برای تکامل خویش و رساندن خود به مقصد (انسانیت، کمال مطلق و لقای خداوند) بهره بگیرد. به گفته حافظ شیرازی: ای دل! به کوی عشق، گذاری نمی کنی! اسباب جمع داری و کاری نمی کنی! میدان به کام خاطر و گویی نمی زنی! بازی چنین به دست و شکاری نمی کنی! بنا بر این، همه ارزش های اعتقادی، اخلاقی و عملی، و همه آنچه در زمین و آسمان در اختیار انسان است، دارای «خیر» و «برکت» هستند و اگر در متون اسلامی، تنها شماری از صفات و کارهای نیکو، «خیر» شمرده شده اند، یا تعدادی از مکان ها، زمان ها، حیوانات، نباتات، غذاها و آب ها، مبارك (دارای برکت) به شمار آمده اند، به آن معنا نیست که سایر صفات نیکو و کارهای پسندیده، یا سایر مکان ها و زمان ها و... بدون برکت اند؛ بلکه مقصود، آن است که این موارد، بیش از سایر موارد، از «برکت» برخوردارند.

5. نقش ضد ارزش ها در رفتن برکتهمان گونه که ارزش های اعتقادی، اخلاقی و عملی در به وجود آمدن «خیر» و «برکت» مؤثرند، ضد ارزش ها نیز در از بین رفتن «خیر» و «برکت» نقش دارند؛ لیکن شماری از ضد ارزش ها هستند که تأثیر و نقش بیشتری در از بین رفتن «خیر» و «برکت» دارند؛ مانند: سوء نیت، خیانت، شرابخواری، ظلم، زنا، و ترك امر به معروف و نهی از منکر، که به طور مشروح، در فصل شانزدهم خواهند آمد.

الفصل الأول : أصل البركة 1 / 1 المُباركُ صِفَةٌ مِنْ صِفَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِكِتَابٍ «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» . (1)

«ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» . (2)

راجع : الأعراف : 54 ، الفرقان : 1 و 10 و 61 ، غافر : 64 ، الزخرف : 85 ، الرحمن : 78 .

الحديث للإمام الصادق عليه السلام في الدعاء \_ : أَسْأَلُكَ . . . بِاسْمِكَ الَّذِي اسْتَقَرَّ بِهِ عَرْشُكَ ، وَبِاسْمِكَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الْوَتَرِ الْمُتَعَالِ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْكَانَ كُلَّهَا ، الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ (3) . (4)

طَبَّ الْأَنْمَةِ لِابْنِي بَسْطَامٍ عَنْ خَالِدِ الْعَبْسِيِّ : عَلَّمَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْعُودَةَ وَقَالَ : عَلَّمَهَا إِخْوَانَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ؛ فَإِنَّهَا لِكُلِّ أَلَمٍ ، وَهِيَ : «أَعِيدُ نَفْسِي بِرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمَاءِ ، أَعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ ، أَعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَشِفَاءٌ» . (5)

1- . المللك : 1 .

2- . المؤمنون : 14 .

3- . المبارك ما يأتي من قبله الخير الكثير (لسان العرب : ج 10 ص 396 «برك»).

4- . الكافي : ج 2 ص 576 ح 1 عن أبان بن تغلب .

5- . طَبَّ الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِابْنِي بَسْطَامٍ : ص 41 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 8 ح 5 .

## فصل یکم : ریشه برکت

## 1 / 1 مبارک ، صفتی از صفات خداست

فصل یکم : ریشه برکت (1) 1 / 1 مبارک ، صفتی صفتی از صفات خدا استقرآن «پُربرکت است خدایی که فرمان روایی ، به دست اوست ؛ و او بر هر چیزی تواناست» .

«سپس او را به آفرینشی دیگر ، باز آفریدیم . پس آفرین بر خدا ، و پُرخییر و برکت است او ، که نیکوترین آفرینندگان است!» .

ر . ك : اعراف : آیه 54 ، فرقان : آیه 1 و 10 و 61 ، غافر : آیه 64 ، زخرف : آیه 85 ، الرحمن : آیه 78 .

حدیثامام صادق علیه السلام\_ در ضمن دعا \_ : از تو می خواهم... ، به آن نامت که عرش تو بدان استوار گشت و به آن نام یکتای یگانه بی نظیر و بلندت که همه هستی را آکنده است ؛ همان نام پاک پاکیزه مبارک .

طَبِّ الْأَنْمَةِ ، دو پسر بسطام\_ به نقل از خالد عَبَسَى \_ : امام رضا علیه السلام این تعویذ (2) را به من آموخت و فرمود: «آن را به برادران مؤمنت بیاموز زیرا ؛ این برای هر دردی ، کارساز است ، و آن ، این است : خود را در پناه خداوندگار زمین و خداوندگار آسمان ، قرار می دهم . خود را در پناه کسی قرار می دهم که با وجود نام او ، هیچ دردی ، آسیب نمی رساند . خود را در پناه کسی قرار می دهم که نامش ، برکت و درمان است » .

- 
- 1- .. با توجّه به معنایی که برای «برکت» گفته شده (خیر فراوان ، نفع کثیر و متراکم ، خیر ماندگار و...) ، در ترجمه احادیثی که این واژه در آنها به کار رفته ، بیشتر بر خود واژه تکیه می کنیم ؛ چرا که مأنوس تر و روان تر است . (م)
  - 2- .. تعویذ : دعا و حرزی که برای حفاظت از دردها و خطرهای خوانند و در آن ، به خدا پناه می برند .

1 / 2 مُنَشِئُ الْبَرَكَاتِ وَجَاعِلُهَا الْكِتَابَ «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ» . (1)

«وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسَيْنِ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ» . (2)

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» . (3)

راجع : هود : 48 و 73 ، الإسراء : 1 ، مريم : 31 ، الأنبياء : 71 و 81 ، المؤمنون : 29 ، النور : 35 ، النمل : 8 ، القصص : 30 ، سبأ : 18 ، الصافات : 113 .

الحديث للإمام علي عليه السلام في سُجُودِهِ - : يَا مُنَشِئَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا ، وَمُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا . (4)

1- .فصّلت : 10 .

2- .الأعراف : 137 .

3- .آل عمران : 97 .

4- .بحار الأنوار : ج 86 ص 225 ح 45 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي عن عدي بن حاتم الطائي .

## 1 / 2 پدید آورنده برکت و عطا کننده آن

1 / 2 پدید آورنده برکت و عطا کننده آنقرآن«و در آن (زمین) از فرازش، لنگرهایی (کوه هایی) ایجاد کرد و در آن، برکت قرار داد (1) و در چهار روز، روزی های آن را [به اندازه] فراهم آورد، برابر با نیازهای خوانندگان».

«و مشرق ها و مغرب های پُربرکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به خاطر شکیبایی و استقامتی که به خرج دادند، تحقّق یافت، و آنچه فرعون و فرعونیان [از کاخ های مجلل] می ساختند، و آنچه از باغ های داربست دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم!».

«به یقین، اولین خانه ای که برای مردم بنا نهاده شد، همان است که در مکه است و پُربرکت و [مایه] هدایت برای جهانیان است».

ر. ك: هود: آیه 48 و 73، اسرا: آیه 1، مریم: آیه 31، انبیا: آیه 71 و 81، مؤمنون: آیه 29، نور: آیه 35، نمل: آیه 8، قصص: آیه 30، سبأ: آیه 18، صافات: آیه 113.

حدیث امام علی علیه السلام در سجده اش \_ ای پدید آورنده برکت ها از جایگاه هایشان، و فرستنده رحمت ها از معدن هایشان!

1- .. یعنی در زمین، خیر فراوان قرار داد که موجودات روی آن، از گیاه و حیوان و انسان، انواع سودها را می برند (المیزان فی تفسیر القرآن: ج 17 ص 367).

عنه عليه السلام\_ في الدعاء\_ : يا مُخْرِجَ النَّبَاتِ ، يا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ ، يا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ ، يا جَاعِلَ الْبَرَكَاتِ . (1)

عنه عليه السلام\_ ذَكَرَ الْإِمَامَ الْحُجَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ : كَأَنِّي بِهِ قَدْ عَبَّرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسِيلِ السَّهْلَةِ ، عَلَى فَرْسٍ مُحَجَّلٍ ، لَهُ شِدْمَرَاخٌ يَزْهَرُ ، يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ : ... يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا ، وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا ... أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُجِزَّ لِي أَمْرِي ، وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ . (2)

عنه عليه السلام\_ في الدعاء\_ : اِحْتَمَلَ عَنِّي مُفْتَرِضَاتِ حُقُوقِ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ ، وَآغْفِرْ لِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْإِخْوَةَ وَالْأَخَوَاتِ وَالْقَرَابَاتِ ، يَا وَلِيَّ الْبَرَكَاتِ ، وَعَالِمَ الْخَفِيَّاتِ . (3)

عنه عليه السلام\_ في خُطْبَةِ صَلَاةِ الْإِسْتِسْقَاءِ \_ : يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ مِنْ أَمَاثِلِهَا ، وَمُرْسِلَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا ، مِنْكَ الْغَيْثُ الْمُغِيثُ ، وَأَنْتَ الْغَيْثُ الْمُسْتَعَاثُ . (4)

1 / 3 مُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ الْكِتَابِ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» . (5)

1- .البلد الأمين: ص 361 ، بحار الأنوار: ج 86 ص 335 ح 72 .

2- .العدد القويّة: ص 75 ، دلائل الإمامة: ص 458 ح 438 عن أحمد بن جعفر عن الإمام الهادي يرفعه إلى الإمام عليّ عليهما السلام وفيه «مسجد» بدل «مسيل» ، بحار الأنوار: ج 52 ص 391 ح 214 .

3- .البلد الأمين: ص 106 ، بحار الأنوار: ج 90 ص 161 ح 11 .

4- .تهذيب الأحكام: ج 3 ص 153 ح 328 ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 532 ح 1501 ، مصباح المتهجد: ص 528 ح 611 وفيهما «أماكنها» بدل «أماثلها» ، بحار الأنوار: ج 91 ص 294 ح 2 .

5- .الأعراف: 96 .



**1 / 3 فرو فرستنده برکات**

امام علی علیه السلام\_ در دعا \_ : ای رویاننده گیاهان ، ای برآورنده نیازها ، ای عطاکننده خواسته ها ، ای قراردهنده برکت ها!

امام علی علیه السلام\_ در یادکرد از امام زمان علیه السلام \_ : گویا او را می بینم که از «وادی السَّلام» گذشته ، به سوی «مسیلِ [مسجد]» (سهله) می رود ، سوار بر اسبی سفیدپا ، با کاکلی بلند و درخشان ؛ و دعا می کند و در دعایش می گوید: «... ای گستراننده رحمت از جایگاه هایش ، و درآورنده برکت ها از کان هایشان ...! از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستی و در کارم ، به وعده ات وفا کنی و در گشایش برابم ، شتاب کنی» .

امام علی علیه السلام\_ در دعا \_ :وظایف سنگین [ ادای ] حقوق پدران و مادران را از دوشم بردار ، و مرا و مردان و زنان باایمان ، و برادران و خواهران و خویشاوندان [مرا] را بیمارز ، ای دارنده برکت ها و دانایِ نهان ها!

امام علی علیه السلام\_ در خطبه نماز باران \_ : ای عطاکننده خیرها از بهترین های ( / جایگاه های ) آن ، و ای فرستنده برکت ها از معدن های آن! پناه بخشی و پناه دهندگی ، از توست و تو ، پناه و پناهگاهی .

1 / 3 فرو فرستنده برکاتقرآن«و اگر مردم آبادی ها ایمان می آوردند و پروا پیشه می کردند ، برکت هایی از آسمان و زمین ، به روی آنان می گشودیم ؛ لیکن تکذیب کردند . ما هم [گریبان] آنان را به [کیفر] کارهایشان گرفتیم» .

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَدَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» . (1)

راجع : الأنعام : 155 ، ص : 29 ، الأنبياء : 50 ، الدخان : 3 ، ق : 9 .

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في الدعاء \_ يا قاضي الحاجات ، يا راحم العبرات ، يا منجح الطلبات ، يا منزل البركات . (2)

الإمام الحسين عليه السلام : اللهم معطي الخيرات من مظائنها ، ومنزل الرحمات من معادنها ، ومجري البركات على أهلها ، منك الغيث المغيث وأنت الغيث المستغاث . (3)

1 / 4 واسع البركات الكتاب «ورحمتي وسعت كل شيء» . (4)

الحديث الإمام علي عليه السلام في دعاء يوم الخميس \_ : وما افترضت علي يا إلهي فأحتمله عني إلى من أوجبت حقوقه من الآباء والأمهات والإخوة والأخوات واغفر لي ولهم من المؤمنين والمؤمنات إنك قريب مجيب واسع البركات وذلك عليك يسير . (5)

1- . الأنعام : 92 .

2- . مهج الدعوات : ص 120 و ص 195 عن الإمام الحسين عليه السلام ، البلد الأمين : ص 338 عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 281 ح 4 وص 399 ح 33 .

3- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 537 ح 1504 ، قرب الإسناد : ص 157 ح 576 عن أبي البخترى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام وفيه «مناهلها» بدل «مظائنها» ، بحار الأنوار : ج 91 ص 322 ح 9 .

4- . الأعراف : 156 .

5- . البلد الأمين : ص 137 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 209 ح 37 .

**1 / 4 گسترده برکات**

«و این، کتابی است که آن را فرو فرستادیم، و خجسته است و تصدیق کننده آنچه پیش روی آن است، تا أمّ القری (مکیان) و آنان را که اطراف آن اند، بیم دهی. آنان که به آخرت ایمان دارند، به آن نیز باور دارند و بر نمازهایشان، مراقب اند».

ر. ک: انعام: آیه 155، ص: آیه 29، انبیا: آیه 50، دخان: آیه 3، ق: آیه 9.

حدیثی مبر خدا صلی الله علیه و آله در ضمن دعا: ای برآورنده نیازها، ای رحم کننده بر اشک ها، ای برآورنده خواسته ها، ای فرو فرستنده برکت ها!

امام حسین علیه السلام: خدایا! ای بخشنده نیکی ها از گمانگاه هایش، و فرو فرستنده رحمت ها از سرچشمه هایش، و جاری کننده برکت ها بر اهلش! پناه بخشی و پناه دهندگی، از توست و تو، پناه و پناهگاهی.

1 / 4 گسترده برکات قرآن (و رحمت، همه چیز را فرا گرفته است).

حدیثی امام علی علیه السلام در دعای روز پنجشنبه: خدایا! آنچه را [از حقوق] بر من واجب کرده ای، پرداخت آنها را برای آن کسانی که حقوقشان را بر من واجب کرده ای از پدران و مادران، و برادران و خواهران [من]، خود بر عهده گیر و من و ایشان را پیامرز با هر مرد و زن باایمانی، که تو به راستی [به بندگان] نزدیک و اجابت کننده [ی دعاهای ایشان] هستی و برکت هایت، گسترده اند، و انجام دادن خواسته های من، برای تو آسان و اندک است.

فاطمة عليها السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ ، مُنْزِلِ الآيَاتِ ، وَاسِعِ الْبَرَكَاتِ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام\_ في مُنَاجَاتِهِ \_ :نَسَأَلُكَ يَا وَاسِعَ الْبَرَكَاتِ وَيَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ ، وَيَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ ؛ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَرْزُقَنَا خَوْفًا وَحُزْنًا تَشْغَلُنَا بِهِمَا عَنِ الدُّنْيَا وَشَهَوَاتِهَا وَمَا يَعْتَرِضُ لَنَا فِيهَا عَنِ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ . (2)

---

1- فلاح السائل: ص 440 ح 303 ، بحار الأنوار: ج 86 ص 115 ح 2 .

2- بحار الأنوار: ج 94 ص 125 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

فاطمه علیها السلام: ستایش، خدایی را که والامرتبه، فرو فرستنده آیات، و گسترنده برکات است.

امام زین العابدین علیه السلام\_ در مناجاتش \_ :ای صاحب برکت های گسترده! ای برآورنده نیازها! ای تأمین کننده خواسته ها! از تو می خواهیم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و به ما، بیم و اندوهی عطا کنی که به سبب آن دو، ما را از خوشی ها و خواهش های دنیا و آنچه در دنیا مانع ما از عمل می شود، بازداری.

الفصل الثاني : ما يوجب بركة المجتمع 2 / 1 التَّقْوَى الكتاب «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» . (1)

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» . (2)

«وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» . (3)

الحديث للإمام علي عليه السلام\_ في خُطْبَةٍ يَحُثُّ فِيهَا عَلَى التَّقْوَى \_ :أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنِّي أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ . . . فَمَن أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوعِهَا . . . وَتَحَدَّثَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا ، وَتَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النُّعْمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا ، وَوَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبِرْكَةُ بَعْدَ إِرْذَائِهَا . (4)

1- الأعراف : 96 .

2- المائدة : 66 .

3- الطلاق : 2 و 3 .

4- نهج البلاغة : الخطبة 198 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 284 ح 6 .

## فصل دوم : آنچه موجب برکت جامعه است

## 1 / 2 پروامندی (تقوا)

فصل دوم : آنچه موجب برکت جامعه است 1 / 2 پروامندی (تقوا) قرآن «و اگر مردم آبادی ها ایمان می آوردند و پروا پیشه می کردند ، برکت هایی از آسمان و زمین ، به روی آنان می گشودیم ؛ لیکن تکذیب کردند . ما هم آنان را به کیفر کارهایشان ، گرفتیم» .

«و اگر آنان ، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنان نازل شده بود، بر پا می داشتند، از بالای سر و از زیر پاهایشان [از نعمت های الهی] برخوردار می شدند . برخی از آنان ، گروهی میانه رو و بیشترشان ، زشت کردار بودند» .

«و هر کس از خداوند پروا کند ، خداوند ، برایش راه خروجی [ از مشکلات] قرار می دهد و او را از جایی که گمان نمی کند ، روزی می بخشد؛ و هر کس بر خدا تکیه کند ، او برایش بس است . خداوند ، کار خویش را به سامان می رساند . به یقین ، خداوند برای هر چیزی ، اندازه ای قرار داده است» .

حدیث امام علی علیه السلام در سخنرانی ای که در آن ، به پروامندی برمی انگیزاند \_ : اَمَّا بَعْدُ ، شما را به پرواداری از خدا، سفارش می کنم ... ؛ زیرا هر که پروا پیشه کند ، سختی ها ، پس از آن که نزدیک شده اند ، از او دور می شوند ... و رحمت ، پس از آن که رمیده است ، به او مهربان می گردد و [چشمه] نعمت ها ، پس از آن که خشکیده ، بر او جوشان می شود و [باران] برکت ، پس از آن که نَم نَم گشته است ، بر او سیل آسا می گردد .

الإمام الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (1) إِذَا أَدَّوَا فَرَائِضَ اللَّهِ، وَأَخَذُوا بِسُنَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَوَرَّعُوا عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَزَهَدُوا فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا، وَرَغَبُوا فِي مَا عِنْدَ اللَّهِ، وَاكْتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ، لَا يُرِيدُونَ بِهِ التَّفَاخَرَ وَالتَّكَاثُرَ، ثُمَّ أَنْفَقُوا فِي مَا يَلْزَمُهُمْ مِنْ حُقُوقِ وَاجِبَةٍ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ بَارَكَ اللَّهُ لَهُمْ فِي مَا اكْتَسَبُوا، وَيُثَابُونَ عَلَى مَا قَدَّمُوا لِاخْتِرَتِهِمْ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «... وَيَزِيدُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» - أي يُبَارِكُ لَهُ فِي مَا آتَاهُ. (3)

2 / 2 قِيَادَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى إِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ أَنَّ النَّاسَ سَمِعُوا قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولِهِ لَأَعْطَتْهُمُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَالْأَرْضُ بَرَكَتَهَا، وَلَمَّا اخْتَلَفَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ سَيْفَانِ، وَلَا تَكَلُّوْهَا خَضِرَاءَ خَضِرَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (4)

الإمام الحسين عليه السلام في بيان ما يحدث في زمن ظهور الإمام الحجة عليه السلام: وَلَتَنْزِلَنَّ الْبَرَكَةُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّى إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ مِمَّا يَزِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ، وَلَتُؤَكَّلُ ثَمَرَةُ الشِّتَاءِ فِي الصَّيْفِ، وَثَمَرَةُ الصَّيْفِ فِي الشِّتَاءِ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا» (5). (6)

1- يونس: 62.

2- تفسير العياشي: ج 2 ص 124 ح 31 عن بريد العجلي، بحار الأنوار: ج 69 ص 277 ح 11.

3- مجمع البيان: ج 10 ص 460، بحار الأنوار: ج 70 ص 281.

4- الأماشي للطوسي: ص 566 ح 1174 عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 10 ص 142 ح 5.

5- الأعراف: 96.

6- مختصر بصائر الدرجات: ص 51 عن أبي سعيد سهل رفعه إلى الإمام الباقر عليه السلام، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 849 ح 63 عن جابر عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام وفيه «يريد الله» بدل «يزيد الله»، بحار الأنوار: ج 53 ص 63 ح 52.



**2 / 2 پیشوایی اهل بیت علیهم السلام**

امام باقر علیه السلام: در کتاب علی بن الحسین علیه السلام چنین یافتیم: «همانا اولیای الهی، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند». هرگاه واجبات الهی را به جا آورند و به سنت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عمل کنند و از حرام های الهی بپرهیزند و از زرق و برق گذرای دنیا دل برگینند و به آنچه پیش خداست، دل ببندند و در پی رزق پاکیزه خدا باشند، بی آن که خواستار فخر فروشی و مال اندوزی باشند. آن گاه، آنچه از حقوق واجب بر عهده آنان است، ادا کنند، اینان اند. آن کسانی که خداوند به آنان در آنچه به دست آورده اند، برکت داده است و بر آنچه برای آخرت خویش، پیش فرستاده اند، پاداش می یابند».

امام صادق علیه السلام\_ در باره سخن خداوند متعال: «هر کس از خداوند پروا کند، خداوند ... او را از جایی که گمان نمی کند، روزی می بخشد»\_ یعنی در آنچه به او داده، برکت قرار می دهد.

2/2 پیشوایی اهل بیت علیهم السلام امام حسن علیه السلام: اگر مردم، سخن خداوند عز و جل و پیامبرش را می شنیدند، آسمان بارانش را، و زمین برکش را به آنان می بخشید و هرگز در این امت، اختلاف و زد و خورد، پیش نمی آمد و همه از نعمت سرسبز دنیا تا روز قیامت، برخوردار می شدند.

امام حسین علیه السلام\_ در بیان آنچه هنگام ظهور امام زمان علیه السلام رخ می دهد\_ برکت، از آسمان به سوی زمین فرو می ریزد، تا آن جا که درخت، به سبب میوه فراوانی که خداوند در آن می افزوده، می شکند. [مردم،] میوه زمستانی را در تابستان و میوه تابستانی را در زمستان می خورند، و این، معنای سخن خداوند متعال است که: «و اگر مردم آبادی ها ایمان می آوردند و پروا پیشه می کردند، برکت هایی را از آسمان و زمین به روی آنان می گشودیم؛ لیکن تکذیب کردند».

أنساب الأشراف عن أبي عمرو الجوني: قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ حِينَ بُوِيَعَ أَبُو بَكْرٍ: «كرداذ وناكر داذ»؛ أَي عَمِلْتُمْ وَمَا عَمِلْتُمْ، لَوْ بَايَعُوا عَلِيًّا لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ. (1)

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: إِنَّ سَلْمَانَ وَالزُّبَيْرَ وَالْأَنْصَارَ كَانَ هَوَاهُمْ أَنْ يُبَايَعُوا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَمَّا بُوِيَعَ أَبُو بَكْرٍ قَالَ سَلْمَانُ: أَصَبْتُمْ الْخَبِيرَةَ وَأَخْطَأْتُمُ الْمَعْدِنَ... وَقَالَ يَوْمَئِذٍ: أَصَبْتُمْ ذَا السِّنِّ مِنْكُمْ، وَأَخْطَأْتُمْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ، لَوْ جَعَلْتُمُوهَا فِيهِمْ مَا اخْتَلَفَ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ، وَلَا كَلَّمْتُمُوهَا رَغْدًا (2)

راجع: ص 452 (أناس ذوو بركة / أهل البيت عليهم السلام).

2 / 3 العدل للإمام علي عليه السلام: بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ. (3)

1- أنساب الأشراف: ج 2 ص 274؛ الإيضاح: ص 457 عن ابن عمر، الاحتجاج: ج 1 ص 192 ح 37 عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه.

2- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 2 ص 49 و ج 6 ص 43 وراجع: الاحتجاج: ج 1 ص 217 ح 38.

3- غرر الحكم: ج 3 ص 205 ح 4211، عيون الحكم والمواعظ: ص 188 ح 3858.

## 2 / 3 عدالت

أنساب الأشراف\_ به نقل از ابو عمرو جونی \_ وقتی با ابو بکر بیعت شد ، سلمان گفت: «کرداذ و ناکرداذ ؛ یعنی : کردید و نکردید! اگر با علی علیه السلام بیعت می کردند ، از بالای سر و زیر پایشان [ از نعمت های الهی ] برخوردار می شدند» .

شرح نهج البلاغة: سلمان ، زبیر و انصار ، مایل بودند که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله ، با علی علیه السلام بیعت کنند . چون مردم با ابو بکر بیعت کردند ، سلمان گفت: «به خبره دست یافتید؛ اما سرچشمه را از دست دادید» . و آن روز گفت: «سال خورده خویش را به دست آوردید ، و خاندان پیامبران را از دست دادید . اگر حکومت را در این خاندان قرار داده بودید ، هرگز دو نفر هم اختلاف نمی کردند و از نعمت الهی ، فراوان برخوردار می شدید» .

ر . ك : ص 453 (انسان های بابرکت / اهل بیت علیهم السلام) .

2 / 3 عدالتامام علی علیه السلام : به سبب عدالت ، برکت ها افزونی می یابند .

عنه عليه السلام: العَدْلُ أَعْنَى العِنَاءِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ ، وَتُنزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا ، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ بِرِكَتِهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى . (2)

---

1- غرر الحكم : ج 1 ص 181 ح 686 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 42 ح 1002 .

2- الكافي : ج 3 ص 568 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 136 ح 380 كلاهما عن ابن أبي يعفور ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 53 ح 1677 عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، المقنعة : ص 280 وزاد فيه «عليهم» بعد «تنزل» .

امام علی علیه السلام: دادگری، سرشارترین بی نیازی است.

امام صادق علیه السلام: اگر میان مردم دادگری شود، همه بی نیاز می شوند، آسمان روزی خود را فرو می ریزد، و زمین به اذن پروردگار متعال، برکت خویش را بیرون می آورد.

الفصل الثالث : ما يوجب بركة العمر 3 / 1 حُسْنُ الْعَمَلِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بَرَكَةُ الْعُمْرِ فِي حُسْنِ الْعَمَلِ . (1)

راجع : ص 416 (ما يوجب البركة من الأعمال / تحسين العمل) .

3 / 2 الْعَدْلُ فِي الرَّعِيَّةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ وَلِيَ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا فَحَسَّنَتْ سِيرَتُهُ رَزَقَ الْهَيْبَةَ فِي قُلُوبِهِمْ . . . وَإِذَا عَدَلَ فِيهِمْ مُدَّ فِي عُمْرِهِ . (2)

3 / 3 صِلَةُ الرَّحِمِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ لَهُ فِي عُمْرِهِ وَيُوسَّعَ لَهُ فِي رِزْقِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيَصِلْ رَحِمَهُ . (3)

- 
- 1- .غرر الحكم : ج 3 ص 262 ح 4434 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 195 ح 3999 .
  - 2- .ذيل تاريخ بغداد : ج 2 ص 136 الرقم 419 عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 6 ص 14 ح 14631 نقلاً عن الحكيم والديلمي وابن النجار عن ابن عباس .
  - 3- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 105 ح 107 ، الكافي : ج 2 ص 156 ح 29 عن الوصافي عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، الخصال : ص 32 ح 112 عن أنس ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 44 ح 157 عن أحمد بن عامر الطائي وأحمد بن عبد الله الهروي وداود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 74 ص 102 ح 56 ؛ صحيح البخاري : ج 5 ص 2232 ح 5639 عن أبي هريرة ، صحيح مسلم : ج 4 ص 1982 ح 21 ، سنن أبي داود : ج 2 ص 133 ح 1693 كلاهما عن أنس وفيها «في أثره» بدل «في عمره» ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 302 ح 1212 عن عاصم بن ضمرة عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج 3 ص 365 ح 6968 .

## فصل سوم : آنچه موجب برکت عمر است

### 3 / 1 نیکو کار کردن

### 3 / 2 دادگری میان مردم

### 3 / 3 صله رحم

فصل سوم : آنچه موجب برکت عمر است 3 / 1 نیکو کار کردن امام علی علیه السلام : برکت عمر ، در نیکو انجام دادن کار است.

ر . ك : ص 417 (اعمالی که موجب برکت است / خوب انجام دادن کار) .

3 / 2 دادگری میان مردم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس سرپرست بخشی از کارهای مسلمانان شود و شیوه اش نیکو باشد، در دل های آنان هیبت می یابد... و اگر در میان آنان به عدالت رفتار کند، عمرش افزون می گردد.

3 / 3 صله رحم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس خوش دارد که عمرش طولانی و روزی اش فراوان شود، از خدا پروا کند و صله رحم نماید.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْقَوْمَ لَيَكُونُونَ فَجْرَةً وَلَا يَكُونُونَ بَرَّةً، فَيَصِدُّ لِمَوْنٍ أَرْحَمَهُمْ فَتَنَمِي أَمْوَالَهُمْ وَتَطُولُ أَعْمَارُهُمْ، فَكَيْفَ إِذَا كَانُوا أَبْرَارًا بَرَّةً؟! (1)

عنه صلى الله عليه وآله: البرُّ زيادةٌ في العُمُرِ . (2)

الإمام عليّ عليه السلام - كان يقولُ - : إِنَّ أَفْضَلَ لِي مَا يَتَوَسَّلُ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ . . . وَصِدْلَةُ الرَّحِمِ ؛ فَإِنَّهَا مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ وَمَنْسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ . (3)

عنه عليه السلام - لِنُوفٍ الْبُكَالِيِّ - : يَا نُوفُ، صِلِ رَحِمَكَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمُرِكَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : مَا نَعَلِمُ شَيْئًا يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلَّا صِدْلَةَ الرَّحِمِ، حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثَ سِنِينَ فَيَكُونُ وَصُولًا لِلرَّحِمِ، فَيَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمُرِهِ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَجْعَلُهَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً، وَيَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَكُونُ قَاطِعًا لِلرَّحِمِ، فَيَنْقُصُهُ اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَيَجْعَلُ أَجَلَهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ . (5)

- 1- .الكافي: ج 2 ص 155 ح 21 عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 74 ص 125 ح 88 .
- 2- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 441 ح 16079 عن بعض بني رافع بن مكيث، أسد الغابة : ج 5 ص 249 الرقم 5087 ، الإصابة : ج 6 ص 299 الرقم 8638 كلاهما عن مكيث ؛ شرح الأخبار : ج 1 ص 162 ح 114 عن زيد بن أرقم ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 104 ح 104 عن عبد الله بن الوليد الوصافي عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 146 ح 22 .
- 3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 205 ح 613، نهج البلاغة : الخطبة 110 ، علل الشرائع : ص 247 ح 1 عن إبراهيم بن عمر يرفعه ، الأمالي للطوسي : ص 216 ح 380 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 398 ح 21 .
- 4- .الأمالي للصدوق: ص 278 ح 308 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 164 وفيه «صل رحمتك كل يوم وليلة...» ، أعلام الدين : ص 187 كلّها عن نوف البكالي ، بحار الأنوار : ج 74 ص 89 ح 4 .
- 5- .الكافي : ج 2 ص 152 ح 17 ، الأصول الستة عشر : ص 297 ح 451 نحوه وكلاهما عن إسحاق بن عمّار والأخير عن أبي الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 74 ص 121 ح 85 .



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردمانی هستند که گنکارند و نیکوکار نیستند؛ اما صله رحم می کنند، در نتیجه، اموالشان افزون و عمرهایشان طولانی می شود. پس چه رسد به این که اگر نیک و نیکوکار باشند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکی کردن، مایه افزایش عمر است.

امام علی علیه السلام: می فرمود: برترین چیزی که وسیله جویان به آن متوسل می شوند، ایمان به خدا و پیامبرش... و صله رحم است، که مایه فزونی ثروت و تأخیر افتادن اجل است.

امام علی علیه السلام: به نوف بکالی: ای نوف! صله رحم کن تا خداوند، عمرت را افزون نماید.

امام صادق علیه السلام: ما چیزی را جز صله رحم نمی دانیم که عمر را بیفزاید، (1) تا آن جا که گاهی باقی مانده عمر کسی، سه سال است، آن گاه اهل صله رحم می شود. خداوند هم سی سال بر عمرش می افزاید و آن را سی و سه سال می کند. گاهی [نیز باقی مانده] عمر کسی، سی و سه سال است. از خویشاوندانش می بُرد. خداوند هم سی سال از آن می کاهد و عمرش را به سه سال کاهش می دهد.

---

1- .. مقصود، بیان اهمیت و نقش صله رحم در طول عمر است، و گرنه طول عمر، عوامل متعددی دارد، چنان که در سایر احادیث این مداخل نیز از آنها یاد شده است.

الأمامي للطوسي عن داود بن كثير الرقي: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ قَالَ مُبْتَدِئًا مِنْ قَبْلِ نَفْسِهِ: يَا دَاوُدُ، لَقَدْ عُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ يَوْمَ الْخَمِيسِ، فَرَأَيْتُ فِي مَا عُرِضَ عَلَيَّ مِنْ عَمَلِكَ صِدْقًا لِبْنِ عَمِّكَ فُلَانٍ، فَسَرَرْتَنِي ذَلِكَ، إِنِّي عَلِمْتُ [أَنَّ] (1) صِلَتَكَ لَهُ أَسْرَعُ لِفَنَاءِ عُمُرِهِ وَقَطْعِ أَجَلِهِ. قَالَ دَاوُدُ: وَكَانَ لِي ابْنُ عَمِّ مُعَانِدًا نَاصِبًا خَبِيثًا، بَلَغَنِي عَنْهُ وَعَنْ عِيَالِهِ سُوءَ حَالٍ، فَصَكَّكَتُ لَهُ نَفَقَةً قَبْلَ خُرُوجِي إِلَى مَكَّةَ، فَلَمَّا صِرْتُ فِي الْمَدِينَةِ أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِذَلِكَ. (2)

الاختصاص عن علي بن حمزة: إِنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِيَعْقُوبَ: . . . أَمَا إِنَّ أَخَاكَ سَيَمُوتُ فِي سَفَرِهِ قَبْلَ أَنْ يَصِلَ إِلَى أَهْلِهِ، وَسَدِّدْ أُمَّتَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ، وَذَلِكَ أَنَّكُمْ تَقَاطَعْتُمَا فَبَيَّرْتُمَا أَعْمَارَكُمْ، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: مَتَى أَجَلِي؟ قَالَ: كَانَ أَجَلُكَ قَدْ حَضَرَ حَتَّى وَصَلْتَ عَمَّتَكَ بِمَا وَصَلْتَهَا بِهِ فَأَنْسَأَ اللَّهُ فِي أَجَلِكَ عِشْرِينَ سَنَةً. (3)

راجع: ص 428 (ما يوجب البركة من الأعمال / صلة الرحم).

1- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

2- الأمامي للطوسي: ص 413 ح 929، بصائر الدرجات: ص 429 ح 3، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 612 ح 8 كلاهما نحوه، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 227 وفيه «ناصبياً معاندا» بدل «معاندا ناصبا خبيثا»، بحار الأنوار: ج 23 ص 339 ح 12 .

3- الاختصاص: ص 90، رجال الكشي: ج 2 ص 742 ح 831، مدينة المعاجز: ج 6 ص 243 ح 1982، بحار الأنوار: ج 48 ص 36 ح 7 .

الأمالی ، طوسی\_ به نقل از داوود بن کثیر رقی \_ : نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم. امام علیه السلام از پیش خود، چنین سخن آغاز کرد: «ای داوود! روز پنجشنبه ، کارهای شما بر من عرضه شد. در میان کارهای تو که بر من عرضه شد، صله رحم تو نسبت به فلان پسر عمویت بود که مرا خوش حال ساخت. می دانم که صله رحم تو نسبت به او، به فناء عمر او و سر رسیدن اجلش شتاب بیشتری می بخشد». پسر عمویی داشتم که دشمن امام علیه السلام ، ناصبی و خبیث بود. خبردار شدم که وضع او و خانواده اش خوب نیست. لذا پیش از آن که به سوی مکه روانه شوم، برای او خرجی حواله کردم. چون به مدینه رسیدم، امام صادق علیه السلام آن را به من خبر داد .

الاختصاص\_ به نقل از علی بن حمزه \_ : موسی بن جعفر علیه السلام به یعقوب فرمود : «... اما برادرت، در مسافرتش ، پیش از آن که به خانواده اش برسد، می میرد و تو هم از کار خود، پشیمان خواهی شد؛ چرا که شما رابطه خویش را از هم بریده اید . پس عمرتان کوتاه شده است». آن مرد پرسید: اجل من ، کی است؟ فرمود: «اجل تو ، فرا رسیده بود، تا آن که به عمه ات خیری رساندی. خداوند هم عمر تو را بیست سال افزود و اجلت را به تأخیر انداخت».

ر . ك : ص 429 (اعمالی که موجب برکت است / صله رحم) .

3 / 4 بَرُّ الْوَالِدَيْنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ بَرَّ وَالِدَيْهِ طُوبَى لَهُ! زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا بَنَ آدَمَ ابْرَرَ وَالِدَيْكَ وَصَلَّ رَحِمَكَ؛ يُيسِّرْ لَكَ يُسرِكَ، وَيُمَدِّدْ لَكَ فِي عُمْرِكَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: كَانَ فِي مَا أَعْطَى اللَّهُ تَعَالَى مُوسَى فِي الْأَلْوَابِ: . . . وَاشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ؛ أَقْلِكَ الْمَتَالِفَ، وَأُنْسِي لَكَ فِي عُمْرِكَ، وَأُحْيِكَ حَيَاةً طَيِّبَةً، وَأَقْلِبِكَ إِلَى خَيْرٍ مِنْهَا. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ يَزِيدَ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ فَسُرَّ أَبُوَيْكَ . (4)

3 / 5 بَرُّ الْأَهْلِ إِمَامُ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ بِأَهْلِهِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ . (5)

3 / 6 الصَّدَقَةُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنْ صَدَقْتَ الْمُسْلِمَ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ، وَتَمْنَعُ مِيتَةَ السَّوْءِ، وَيُذْهِبُ اللَّهُ بِهَا الْكِبَرَ وَالْفَخْرَ . (6)

- 
- 1- .المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 170 ح 7257، الأدب المفرد : ص 20 ح 22، المعجم الكبير : ج 20 ص 199 ح 447 کلها عن معاذ، كنز العمال : ج 16 ص 468 ح 45483؛ روضة الواعظین : ص 403.
  - 2- .الفردوس : ج 5 ص 282 ح 8190 عن أبي هريرة، المصنف لابن أبي شيبة : ج 6 ص 97 ح 4 عن كعب نحوه من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله؛ عوالي اللآلي : ج 1 ص 270 ح 82 نحوه .
  - 3- .تاريخ دمشق : ج 61 ص 128 عن جابر بن عبد الله، كنز العمال : ج 16 ص 475 ح 45522؛ بحار الأنوار : ج 13 ص 358 ح 63 نقلاً عن كشف الغمة عن جابر بن عبد الله .
  - 4- .الزهد للحسين بن سعيد : ص 100 ح 90، بحار الأنوار : ج 74 ص 81 ح 84.
  - 5- .الكافي : ج 8 ص 219 ح 269 عن مثنى الحنّاط، الأمالي للطوسي : ص 245 ح 420 عن الحسن بن زياد الصبّقل، إرشاد القلوب : ج 1 ص 134، الخصال : ص 88 ح 21 عن محمد بن مسلم، تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 95 مع اختلاف يسير في اللفظ.
  - 6- .المعجم الكبير : ج 17 ص 22 ح 31 عن عمرو بن عوف، كنز العمال : ج 6 ص 371 ح 16111 .

**3 / 4 نیکی به پدر و مادر**

**3 / 5 نیکی به خانواده**

**3 / 6 صدقه**

3 / 4 نیکی به پدر و مادریامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به پدر و مادرش نیکی کند، خوشا به حالش! خداوند، عمرش را می افزاید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای فرزند آدم! به پدر و مادرت نیکی کن و صله رحم داشته باش تا خداوند، کارت را آسان و عمرت را طولانی گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آنچه خدای متعال در «الواح» به موسی علیه السلام عطا کرد، این بود که: «...از من و پدر و مادرت، سپاس گزاری کن، تا تورا از نابود شدن ها نگاه دارم و عمرت را طولانی سازم و تورا با حیاتی پاک، زنده بدارم و به بهتر از آن، منتقلت کنم».

امام صادق علیه السلام: اگر دوست داری که خداوند، عمرت را زیاد کند، پدر و مادرت را شاد کن.

3 / 5 نیکی به خانوادهامام صادق علیه السلام: هر کس نیکی اش به خانواده اش خوب باشد، خداوند بر عمرش می افزاید.

3 / 6 صدقهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صدقه دادن مسلمان، عمر را می افزاید و جلوی مرگ بد را می گیرد. خداوند به سبب آن، تکبر و فخرفروشی را از بین می برد.

الإمام علي عليه السلام: بِالصَّدَقَةِ تُفْسَحُ الْأَجَالُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ ، وَتَمْحُو الذَّنْبَ الْعَظِيمَ ، وَتُهَوِّنُ الْحِسَابَ ، وَصَدَقَةَ النَّهَارِ تُثْمِرُ الْمَالَ وَتَزِيدُ فِي الْعُمْرِ . (2)

7 / 3 صنائع المعروف للإمام علي عليه السلام: كَثْرَةُ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَتَنْشُرُ الذِّكْرَ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ ، وَمَنْ يَعْيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعْيشُ بِالْأَعْمَالِ (4) . (5)

الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ صَالِحٌ وَكَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ ، فَرَأَى فِي النَّوْمِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ وَقَّتْ لَكَ مِنَ الْعُمْرِ كَذَا وَكَذَا سَنَةً ، وَجَعَلَ نِصْفَ عُمُرِكَ فِي سَعَةٍ ، وَجَعَلَ النِّصْفَ الْآخَرَ فِي ضَيْقٍ ، فَاخْتَرْتَ لِنَفْسِكَ إِمَّا النِّصْفَ الْأَوَّلَ وَإِمَّا النِّصْفَ الْآخِرَ . فَقَالَ الرَّجُلُ : إِنَّ لِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَهِيَ شَرِيكَتِي فِي الْمَعَاشِ فَأَشَاوِرُهَا فِي ذَلِكَ وَتَعُودُ إِلَيَّ فَأَخْبِرُكَ . فَلَمَّا أَصْبَحَ الرَّجُلُ قَالَ لَزَوْجَتِهِ : رَأَيْتُ فِي النَّوْمِ كَذَا وَكَذَا ، فَقَالَتْ : يَا فُلَانُ ، اخْتَرِ النِّصْفَ الْأَوَّلَ وَتَعَجَّلِ الْعَافِيَةَ ؛ لَعَلَّ اللَّهَ سَدَّ يَرْحَمُنَا وَيُتِمُّ لَنَا النِّعْمَةَ . فَلَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلِ الثَّانِيَةِ أَتَى الْآتِي فَقَالَ : مَا اخْتَرْتَ؟ فَقَالَ : اخْتَرْتُ النِّصْفَ الْأَوَّلَ ، فَقَالَ : ذَلِكَ لَكَ . فَأَقْبَلَتْ الدُّنْيَا عَلَيْهِ مِنْ كُلِّ وَجْهِ ، وَلَمَّا ظَهَرَتْ نِعْمَتُهُ قَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ : قَرَأْتُكَ وَالْمُحْتَاجُونَ فَصَلِّ لَهُمْ وَبَرِّهِمْ ، وَجَارِكَ وَأَخْوِكَ فُلَانٌ فَهَبْهُمْ . فَلَمَّا مَضَى نِصْفُ الْعُمْرِ وَجَارَ حُدُّ الْوَقْتِ رَأَى الرَّجُلَ الَّذِي رَأَاهُ أَوَّلًا فِي النَّوْمِ ، فَقَالَ لَهُ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ شَكَرَ لَكَ ذَلِكَ وَلَكَ تَمَامُ عُمُرِكَ سَعَةً مِثْلُ مَا مَضَى . (6)

1- غرر الحكم : ج 3 ص 212 ح 4239 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 187 ح 3839.

2- الكافي : ج 4 ص 9 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 105 ح 300 ، ثواب الأعمال : ص 174 ح 2 كلها عن معلّى بن خنيس ، بحار الأنوار : ج 96 ص 125 ح 39.

3- غرر الحكم : ج 4 ص 594 ح 7113 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 390 ح 6601.

4- كذا في المصدر ، وفي بحار الأنوار نقلاً عن المصدر «بالأعمار» ، وكذا في تنبيه الخواطر ، وهو الأنسب .

5- الأماشي للطوسي : ص 701 ح 1498 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 87 كلاهما عن فضيل بن يسار عن رجل ، بحار الأنوار : ج 5 ص 140 ح 6.

6- قصص الأنبياء للراوندي : ص 182 ح 221 عن عبد الرحمن بن الحجّاج ، بحار الأنوار : ج 96 ص 162 ح 6 .

## 3 / 7 انجام دادن کارهای نیک

امام علی علیه السلام: به سبب صدقه، عمرها وسعت می یابند.

امام صادق علیه السلام: صدقه در شب، خشم پروردگار را فرو می نشاند و گناه بزرگ را محو می کند و حساب را آسان می سازد؛ و صدقه در روز، مال را افزایش می دهد و بر عمر می افزاید.

3 / 7 انجام دادن کارهای نیک امام علی علیه السلام: زیاد کار نیک انجام دادن، عمر را می افزاید و نام را پرآوازه می سازد.

امام صادق علیه السلام: تعداد کسانی که به سبب گناهان می میرند، بیش از کسانی است که به اجل هایشان می میرند، و تعداد آنان که به سبب نیکوکاری زندگی می کنند، بیش از کسانی است که به عمرهایشان (1) زندگی می کنند.

امام کاظم علیه السلام: در بنی اسرائیل، مرد نیکی بود که همسری نیک داشت. در خواب دید که [کسی به او می گوید]: «خداوند برایت فلان مقدار عمر قرار داده است و نیمی از عمر تو را در گشایش و نیم دیگر را در تنگی گذارده است. حال، تو برای خودت انتخاب کن؛ نیمه اول را یا نیمه دوم دیگر را». آن مرد گفت: من، همسر نیکوکاری دارم که شریک زندگی من است. با او مشورت می کنم و وقتی برمی گردی، به تو خبر می دهم. صبح که شد، آن مرد به همسرش گفت: در خواب، چنین دیدم. زنش گفت: فلانی! نیمه اول را برگزین و در انتخاب عافیت بشتاب. باشد که خداوند بر ما ترحم کند و نعمت را بر ما کامل سازد. شب دوم که شد، آن که به خواب او آمده بود، آمد و گفت: «چه برگزیدی؟». گفت: نیمه اول را برگزیدم. گفت: «باشد. خواسته ات پذیرفته است». پس دنیا از هر طرف، به او روی آورد و چون نعمتش آشکار شد، همسرش به او گفت: با خویشاوندان خود صله رحم کن و به نیازمندان، نیکی نما و به فلان همسایه و برادرت، بخشش کن. چون نیمی از عمرش گذشت و از اندازه آن وقت، بیشتر سپری شد، همان کسی را دید که در خواب دیده بود. آن شخص به او گفت: «خدای متعال، کار تو را سپاس گفت و همه عمرت را مثل گذشته در گشایش قرار داد».

1- .. ترجمه این کلمه، بر اساس متن بحار الأنوار \_ که صحیح تر است \_ انجام گرفته است.

8/3 حُسْنُ الْجَوَارِ لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حُسْنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الْأَعْمَارِ، وَعِمَارَةُ الدِّيَارِ. (1)

9/3 قَصْرُ الْأَمَالِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَالَ عُمُرُ مَنْ قَصُرَ رَجَاهُ. (2)

- 
- 1- الكافي: ج 2 ص 667 ح 7 عن أبي مسعود وص 152 ح 14 عن الحكم الحنّاط نحوه، مشكاة الأنوار: ص 374 ح 1226، بحار الأنوار: ج 74 ص 120 ح 82؛ مسند ابن حنبل: ج 9 ص 504 ح 25314 عن عائشة نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 356 ح 6910.
- 2- المواعظ العددية: ص 58.



**3 / 8 خوش رفتاری با همسایه**

**3 / 9 کوتاهی آرزوها**

3 / 8 خوش رفتاری با همسایه‌ها امام صادق علیه السلام: خوش رفتاری با همسایه، مایه فزونی عمرها و آبادی سرزمین هاست.

3 / 9 کوتاهی آرزوها امام علی علیه السلام: هر که آرزویش کوتاه باشد، عمرش طولانی می‌شود.

3 / 10 نِيَّةُ الْحَجِّ بَعْدَ الرَّجُوعِ مِنْ مَكَّةَ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ يَنْوِي الْحَجَّ مِنْ قَابِلِ زَيْدٍ فِي عُمْرِهِ . (1)

3 / 11 زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مُرُوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛ فَإِنَّ إِيَابَتَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ ، وَيَمُدُّ فِي الْعُمْرِ ، وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ . (2)

تهذيب الأحكام عن منصور بن حازم : سَمِعْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : مَنْ أَتَى عَلَيْهِ حَوْلَ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَقَصَ اللَّهُ مِنْ عُمْرِهِ حَوْلًا ، وَلَوْ قُلْتُ إِنَّ أَحَدَكُمْ يَمُوتُ قَبْلَ أَجَلِهِ بِثَلَاثِينَ سَنَةً لَكُنْتُ صَادِقًا ؛ وَذَلِكَ أَنْكُمْ تَتْرَكُونَ زِيَارَتَهُ . فَلَا تَدْعُوهَا يَمُدُّ اللَّهُ فِي أَعْمَارِكُمْ وَيَزِيدُ (3) فِي أَرْزَاقِكُمْ ، وَإِذَا تَرَكْتُمْ زِيَارَتَهُ نَقَصَ اللَّهُ مِنْ أَعْمَارِكُمْ وَأَرْزَاقِكُمْ . فَتَنَافَسُوا فِي زِيَارَتِهِ ، وَلَا تَدْعُوا ذَلِكَ . (4)

3 / 12 إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَأَنْسٍ - يَا أَنْسُ ، أَسْبِغِ الْوُضُوءَ يُزِدُ فِي عُمْرِكَ . (5)

- 1- الكافي : ج 4 ص 281 ح 3 عن عبد الله بن سنان ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 220 ح 2223 .
- 2- تهذيب الأحكام : ج 6 ص 42 ح 86 عن محمد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 101 ص 48 ح 17 .
- 3- كذا في المصدر ، وفي المزار للمفيد «يزد» .
- 4- تهذيب الأحكام : ج 6 ص 43 ح 91 عن منصور بن حازم ، المزار للمفيد : ص 32 ح 2 ، كامل الزيارات : ص 285 ح 457 ، المزار الكبير : ص 343 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 47 ح 11 .
- 5- المعجم الأوسط : ج 5 ص 328 ح 5453 ، مسند أبي يعلى : ج 4 ص 177 ح 4167 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 377 ، تاريخ دمشق : ج 9 ص 344 كلها عن أنس ، كنز العمال : 15 ص 909 ح 43571 .

**3 / 10 نیت کردن حج دوباره ، بعد از برگشتن****3 / 11 زیارت حسین علیه السلام****3 / 12 کامل وضو گرفتن**

3 / 10 نیت کردن حج دوباره ، بعد از برگشتن امام صادق علیه السلام : هر کس از مکه برگردد، در حالی که تصمیم دارد سال بعد هم به حج برود، بر عمرش افزوده می شود.

3 / 11 زیارت امام حسین علیه السلام باقر علیه السلام : پیروان ما را به زیارت قبر حسین علیه السلام فرمان دهید؛ چرا که زیارت آن، بر روزی می افزاید، عمر را طولانی می کند و از حوادث ناگوار ، جلوگیری می نماید.

تهذیب الأحكام\_ به نقل از منصور بن حازم \_ : از او (امام صادق علیه السلام ) شنیدم که می فرمود : «هر که يك سال بر او بگذرد و به زیارت قبر حسین علیه السلام نرود، خداوند ، يك سال از عمر او می کاهد و اگر بگویم که یکی از شما سی سال، پیش از اجل خود می میرد، راست گفته ام . این، برای آن است که زیارت او را ترك می کنید . پس زیارتش را ترك نکنید تا خداوند ، عمرهای شما را طولانی و روزی های شما را افزون کند، و هر گاه زیارتش را ترك کنید، خداوند از عمرها و روزی های شما می کاهد. پس در زیارت او ، از یکدیگر پیشی بگیرید و آن را ترك نکنید» .

3 / 12 کامل وضو گرفتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ به انس \_ : ای انس! وضو را کامل بگیر (به اندازه کافی آب برای شستن اعضای وضو به کار ببر) تا عمرت افزون شود.

3 / 13 دَوَامُ الطَّهَارَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - لِأَنْسٍ - يَا أَنْسُ ، أَكْثَرَ مِنَ الطَّهْوَرِ يَزِدُ اللَّهُ فِي عُمرِكَ . (1)

3 / 14 تَجَنَّبُ البَوَائِقِ الإمام الرضا عليه السلام : قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَجَنَّبُوا البَوَائِقَ يُمَدِّ لَكُمْ فِي الأَعْمَارِ . (2)

3 / 15 الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ الإمام زين العابدين عليه السلام : مَنْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ رَكَعَتَيْنِ ، زَادَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ فِي عُمرِهِ سَنَتَيْنِ .

(3)

3 / 16 الدُّعَاءُ الإمام الصادق عليه السلام : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... طَوْلَ العُمرِ وَدَوَامَ اليُسْرِ . (4)

- 
- 1- . الأُمالي للمفيد : ص 60 ح 5 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 99 ح 186 كلاهما عن أنس ، بحار الأنوار : ج 69 ص 396 ح 81 .
  - 2- . عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 36 ح 90 عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، مسند زيد : ص 473 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 19 ح 28 .
  - 3- . المزار للمفيد : ص 14 ، المزار الكبير : ص 134 ح 6 ، فضل الكوفة ومساجدها : ص 43 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 436 ح 6 .
  - 4- . الكافي : ص 166 ح 6 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 166 ح 2032 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 123 ح 267 ، الإقبال : ج 1 ص 431 وفيهما «وحسن الشكر» بعد «وطول العمر» وكلها عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 98 ص 177 ح 2 .

**3 / 13 پیوسته با وضو بودن**

**3 / 14 پرهیز از شَرَسانی**

**3 / 15 نماز گزاردن در مسجد سَهله**

**3 / 16 دعا**

3 / 13 پیوسته با وضو بودنیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ به آنس\_ ای آنس! زیاد وضو بگیر تا خداوند، بر عمرت بیفزاید.

3 / 14 پرهیز از شررسانیامام رضا علیه السلام: جعفر بن محمد (صادق) علیه السلام فرمود: «از شررسانی پرهیزید تا عمرهای شما دراز شود».

3 / 15 نماز گزاردن در مسجد سَهله زین العابدین علیه السلام: هر کس در مسجد سَهله دو رکعت نماز بخواند، خداوند، دو سال بر عمر او می افزاید.

3 / 16 دعا امام صادق علیه السلام: خداوند! طول عمر و دوام توانگری را... از تو می خواهم.

عنه عليه السلام في دُعائه في كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ \_ : وَأَنْ تَجْعَلَ فِي مَا تَقْضِي وَتَقْدُرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ ؛ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي . (1)

3 / 17 تلك الأُمُور رسول الله صلى الله عليه وآله \_ حين سَأَلَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ : « يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ » (2) \_ : لَا فِرْنَ عَيْدَكَ بِتَفْسِيرِهَا ، وَلَا فِرْنَ عَيْنَ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي بِتَفْسِيرِهَا : الصَّدَقَةُ (3) عَلَى وَجْهِهَا ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ ، وَاصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ ؛ يُحَوِّلُ الشَّقَاءَ سَعَادَةً ، وَيَزِيدُ فِي الْعُمْرِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُمَدَّ فِي عُمْرِهِ ، وَأَنْ يُبَسِّطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ ؛ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَلْهِمَ الصَّدَقَ فِي كَلَامِهِ ، وَالْإِنصَافَ مِنْ نَفْسِهِ ، وَبِرُّ الْوَالِدِيهِ ، وَوَصَلَ رَحِمِهِ ؛ أُنْسِيَ لَهُ أَجَلُهُ ، وَوَسَّعَ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ ، وَمُتَّعَ بِعَقْلِهِ ، وَلَقِّنَ حُجَّتَهُ وَقَتَ مُسَاءَلَتِهِ . (6)

عنه صلى الله عليه وآله : صِلَةَ الرَّحِمِ وَحُسْنَ الْخُلُقِ وَحُسْنَ الْجَوَارِ ؛ يَعْمُرَنَّ الدِّيَارَ ، وَيَزِدَنَّ فِي الْأَعْمَارِ . (7)

1- .الكافي : ج 4 ص 161 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 102 ح 264 ، مصباح المتهجد : ص 630 ح 708 كلها عن محمد بن عطية ، الإقبال : ج 1 ص 144 .

2- .الرعد : 39 .

3- .في المصدر : «الصدق» ، والصحيح ما أثبتناه كما في بقية المصادر .

4- .سبل الهدى والرشاد : ج 9 ص 235 عن الإمام علي عليه السلام ، الدر المنثور : ج 4 ص 661 وفي ذيله «ويقي مصارع السوء» ، كنز العمال : ج 2 ص 441 ح 4444 ؛ الميزان في تفسير القرآن : ج 11 ص 380 .

5- .الكافي : ج 2 ص 156 ح 29 عن الوصافي عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، عدّة الداعي : ص 76 وفيه «فليصل أبويه فإنّ صلتها من طاعة الله» بدل «فليصل رحمه» ، بحار الأنوار : ج 74 ص 85 ح 96 ؛ المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 177 ح 7280 عن عاصم نحوه ، كنز العمال : ج 3 ص 365 ح 6968 .

6- .أعلام الدين : ص 265 ، معدن الجواهر : ص 40 .

7- .مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا : ص 103 ح 329 عن عائشة ، كنز العمال : ج 3 ص 45 ح 5408 نقلاً عن مسند ابن حنبل وسنن الترمذي عن أبي الدرداء وعائشة ؛ الكافي : ج 2 ص 152 ح 14 عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله وليس فيه «حسن الخلق» ، بحار الأنوار : ج 74 ص 120 ح 82 .

**3 / 17 و این چند کار**

امام صادق علیه السلام در دعایش در هر شب ماه رمضان - : [ از تو می خواهم که ] در آنچه حکم و مقدر می کنی، از فرمان حتمی در کار حکیمانه در شب قدر، حکمی که بر نمی گردد و عوض نمی شود، عمرم را طولانی قرار دهی .

3 / 17 و این چند کار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگامی که امام علی علیه السلام از ایشان در باره این آیه: «خداوند، آنچه را بخواهد، محو می کند یا نگه می دارد، و اصل کتاب (لوح محفوظ)، نزد اوست» پرسید - : با تفسیر آن، چشمانت را روشن می کنم و با تفسیر آن، چشم امت خویش را پس از خودم، فروغ می بخشم: صدقه دادن به طرز درست [و شرعی] آن، نیکی به پدر و مادر، و انجام دادن کار نیک، شقاوت را به سعادت تبدیل می کنند و عمر را می افزایشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس خوش دارد که عمرش طولانی و روزی اش فراوان گردد، صله رحم کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به هر کس راستگویی ، انصاف ، نیکی کردن به پدر و مادرش و صله رحم عطا شود ، اجلش به تأخیر می افتد، روزی اش گسترش می یابد، از عقلش بهره مند می شود و در هنگام سؤال و جواب [ - مأموران الهی ] ، حجتش (پاسخ لازم) ، به او تلقین (یادآوری) می گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : صله رحم، اخلاق نیکو و رفتار نیک با همسایه، خانه ها را آباد و عمرها را افزون می کنند .

عنه صلى الله عليه وآله: حُسْنُ الْخُلُقِ وَصِلَةُ الْأَرْحَامِ وَبِرُّ الْقَرَابَةِ؛ تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ، وَتَعْمُرُ الدِّيَارَ وَلَوْ كَانَ الْقَوْمُ فُجَّارًا. (1)

الإمام عليّ عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِصَنَائِعِ الْإِحْسَانِ، وَحُسْنِ الْبِرِّ بِذَوِي الرَّحِمِ وَالْجِيرَانِ؛ فَإِنَّهُمَا يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ، وَيَعْمُرَانِ الدِّيَارَ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: صَدَقَةُ السَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ يَزِيدَانِ فِي الْأَجْلِ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: الْبِرُّ وَحُسْنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ، وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ. (4)

الكافي عن زرارة: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ إِنْ يَعْلَمَهُنَّ الْمُؤْمِنُ كَانَ زِيَادَةً فِي عُمْرِهِ، وَبِقَاءَ النِّعْمَةِ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: تَطْوِيلُهُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ فِي صَلَاتِهِ، وَتَطْوِيلُهُ لِجُلُوسِهِ عَلَى طَعَامِهِ إِذَا أَطْعَمَ عَلَى مَائِدَتِهِ، وَاصْطِنَاعُهُ الْمَعْرُوفَ إِلَى أَهْلِهِ. (5)

- 
- 1- أعلام الدين: ص 294، نزهة الناظر: ص 32 ح 26، بحار الأنوار: ج 77 ص 172 ح 8.
  - 2- غرر الحكم: ج 4 ص 306 ح 6168، عيون الحكم والمواعظ: ص 342 ح 5846.
  - 3- الزهد للحسين بن سعيد: ص 101 ح 97 عن الوصافي، بحار الأنوار: ج 74 ص 82 ح 89.
  - 4- الكافي: ج 2 ص 100 ح 8، الزهد للحسين بن سعيد: ص 93 ح 74، حلية الأبرار: ج 1 ص 222 ح 9 كلّها عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج 71 ص 395 ح 73.
  - 5- الكافي: ج 4 ص 49 ح 15، المواعظ العددية: ص 179.



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اخلاق نیکو، صلہ رحم و نیکی کردن به خویشاوندان، عمرها را می افزایند و خانه ها را آباد می سازند، هر چند که مردم، گنهکار باشند.

امام علی علیه السلام: بر شما باد نیکوکاری، و نیکی کردن شایسته به خویشاوندان و همسایگان؛ زیرا این دو کار، عمرها را افزون و خانه ها را آباد می سازند.

امام باقر علیه السلام: صدقه پنهانی، خشم پروردگار را فرو می نشاند و نیکی کردن به پدر و مادر و صلہ رحم، عمر را طولانی می کنند.

امام صادق علیه السلام: نیکی و اخلاق نیکو، خانه ها را آباد و عمرها را طولانی می سازند.

الکافی\_ به نقل از زراره\_ شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: «سه چیز است که اگر مؤمن آنها را بداند [ و بداند عمل کند ]، موجب افزایش عمر و پایداری نعمت او خواهند شد». پرسیدم: آن سه چیز، کدام اند؟ فرمود: «طول دادن رکوع و سجود در نمازش؛ طول دادن نشستن بر سر سفره خویش، آن گاه که به دیگران بر سر سفره خود، غذا می دهد؛ و نیکی کردن به خانواده اش».

الفصل الرابع : ما يوجب بركة الدار 4 / 1 الأضحية عند البناء رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ بَنَى مَسْكَنًا فَلْيَذْبَحْ كَبْشًا سَمِينًا، وَلْيَطْعِمْ لَحْمَهُ الْمَسَاكِينَ، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي مَرَدَّةَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ، وَبَارِكْ لَنَا فِي بُيُوتِنَا» إِلَّا أُعْطِيَ مَا سَأَلَ. (1)

4 / 2 الإطعام رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ الْبَرَكََةَ أَسْرَعُ إِلَى الْبَيْتِ الَّذِي يُمْتَارُ مِنْهُ الْمَعْرُوفُ مِنَ الشَّفْرَةِ فِي سَنَامِ الْبَعِيرِ ، أَوْ مِنَ السَّيْلِ إِلَى مُنْتَهَاهُ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : الْبَيْتُ الَّذِي يُمْتَارُ مِنْهُ الْخَيْرُ وَالْبَرَكََةُ (3) أَسْرَعُ إِلَيْهِ مِنَ الشَّفْرَةِ فِي سَنَامِ الْبَعِيرِ . (4)

راجع : ص 426 (ما يوجب البركة من الأعمال / الإطعام) .

1- .الكافي : ج 6 ص 299 ح 20 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 221 ح 1 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله .

2- .الكافي : ج 4 ص 29 ح 2 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 56 ح 1689 ، الجعفریات : ص 153 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله .

3- .وفي نسخة : «الخبز ، البركة ...» .

4- .المحاسن : ج 2 ص 147 ح 1390 عن عمرو بن جميع رفعه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 362 ح 19 .

## فصل چهارم : آنچه مایه برکت خانه است

### 4 / 1 قربانی کردن به هنگام ساختن خانه

#### 4 / 2 اطعام

فصل چهارم : آنچه مایه برکت خانه است 4 / 1 قربانی کردن به هنگام ساختن خانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس خانه ای ساخت، قوچ چاقی قربانی کند و گوشت آن را به بینوایان بدهد و سپس بگوید: «پروردگارا! سرکشان جن و انس و شیاطین را از من بران و این خانه را برای ما مبارک گردان». قطعا آنچه خواسته است، به او عطا می شود.

4 / 2 اطعام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برکت، به خانه ای که از آن به مردم نیکی برسد، سریع تر می رسد تا فرو رفتن تیغ در کوهان شتر یا رسیدن سیل به پایان [مسیر] خود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خانه ای که از آن آذوقه خیرات می شود، برکت به آن خانه، سریع تر از فرو رفتن تیغ در کوهان شتر می رسد.

ر. ک: ص 427 (اعمالی که موجب برکت است / اطعام).

3 / 4 البنا ترسل اللّٰه صلى الله عليه وآله: ما من بيت فيه البنا ت إلا نزلت كل يوم عليه اثنا عشرة بركة ورحمة من السماء، ولا تنقطع زيارة الملائكة من ذلك البيت، يكتبون لأبيهم كل يوم وليلة عبادة سنة. (1)

راجع: ص 462 (أناس ذوو بركة / الصبيان).

4 / 4 التسلية عند دخول البيت رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا دخل أحدكم بيته فليسلم؛ فإنه ينزله البركة وتأسه الملائكة. (2)

4 / 5 التسمية بأسماء الأنبياء رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كان اسم بعض أهل البيت اسم نبي لم تزل البركة فيهم. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: من سمى باسمي يرجو بركتي ويمني، غدت عليه البركة وراحت إلى يوم القيامة. (4)

1- جامع الأخبار: ص 285 ح 765 عن أبي هريرة.

2- علل الشرائع: ص 583 ح 23 عن يعقوب رفعه إلى الإمام علي عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 341 ح 1092 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 7 ح 25 وص 175 ح 2.

3- دعائم الإسلام: ج 2 ص 188 ح 682 عن الإمام الصادق عليه السلام.

4- أسد الغابة: ج 1 ص 535 الرقم 745 عن ابن جشيب عن أبيه، كنز العمال: ج 16 ص 421 ح 45221 نقلاً عن ابن أبي عاصم وأبي نعيم.

### 4 / 3 دختران

#### 4 / 4 سلام دادن به هنگام ورود به خانه

#### 4 / 5 نام گذاری به نام پیامبران علیهم السلام

3 / 4 دختران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ خانه ای نیست که در آن دخترانی باشند، مگر آن که هر روز از آسمان بر آن خانه، دوازده برکت و رحمت فرود می آید و دیدار فرشتگان از آن خانه قطع نمی شود. [ نیز ] برای پدر آنان، در هر شبانه روز، عبادت يك سال را می نویسند.

ر. ك: ص 463 (انسان های با برکت / کودکان).

4 / 4 سلام دادن به هنگام ورود به خانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما به خانه خود وارد می شود، سلام دهد؛ چرا که برکت می آورد و فرشتگان با آن، مأنوس می شوند.

4 / 5 نام گذاری به نام پیامبران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه نام برخی از اهل خانه نام پیامبری باشد، در میان آنان، پیوسته برکت خواهد بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به امید برکت و میمنت من، به نام من نام گذاری کند، تا روز قیامت، برکت به نزد او آمد و شد می کند.

4 / 6 تلك الأمور رسول الله صلى الله عليه وآله: البركة في ثلاثة: المرأة، والدار، والفرس. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الشاة بركة، والبيتر بركة، والتثور بركة، والقداحة بركة. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: أربعة في الدار فيهن البركة: الشاة في الدار بركة، والركي في الدار بركة، ورعى اليد في الدار بركة، والقداحة في الدار بركة، وكيلوا طعامكم يبارك الله لكم فيه. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إن الله أنزل أربع بركات من السماء إلى الأرض: أنزل الحديد، والتار (4)، والماء، والملح. (5)

الإمام علي عليه السلام: إن للدار شرفاً، وشرفها الساحة الواسعة، والخلاء الصالحون. وإن لها بركة، وبركتها جودة موضعيها، وسعة ساحتها، وحسن جوار جيرانها. (6)

1- الفردوس: ج 2 ص 31 ح 2194 عن ابن عمر.

2- تاريخ بغداد: ج 8 ص 496 الرقم 4609 عن أنس، كنز العمال: ج 12 ص 324 ح 35224 وراجع: الفردوس: ج 2 ص 364 ح 3626.

3- كنز العمال: ج 15 ص 394 ح 41528 نقلاً عن الخطيب في المتفق والمفترق عن أنس وراجع: مكارم الأخلاق: ج 1 ص 280 ح 861.

4- بركة النار لعلها تحريض على إيقادها للطبخ في البيت فإنه يوجب البركة (بحار الأنوار: ج 64 ص 134).

5- مجمع البيان: ج 9 ص 363؛ الفردوس: ج 1 ص 175 ح 656 كلاهما عن ابن عمر، كنز العمال: ج 15 ص 418 ح 41651.

6- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 273 ح 830 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 154 ح 34.

#### 4 / 6 و این چند کار

4 / 6 و این چند چیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برکت، در سه چیز است : زن، خانه و اسب.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گوسفند، برکت است. چاه [ آب ] ، برکت است. تنور ، برکت است. سنگ چخماق ، برکت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار چیز در خانه ، برکت دارند : گوسفند در خانه، برکت است . چاه در خانه، برکت است . دستاس در خانه ، برکت است . سنگ چخماق در خانه، برکت است. غذای خود را پیمانہ کنید تا خداوند برای شما در آن، برکت قرار دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند، چهار برکت را از آسمان به زمین فرود آورد : آهن ، آتش ، آب و نمک را فرود آورد.

امام علی علیه السلام : خانه را شرافتی است و شرافت آن ، به وسعت حیاط و همنشینان شایسته است. خانه را برکتی است و برکت آن ، خوب بودن جای آن، وسعت محوطه آن و همسایگان شایسته آن اند .

الفصل الخامس : ما يوجب البركة من الأخلاق 5 / 1 حُسْنُ النِّيَّةِ الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ . (1)

2 / 5 حُسْنُ الْخُلُقِ رسول الله صلى الله عليه وآله : حُسْنُ الْخُلُقِ وَكَفُّ الْأَذَى يَزِيدَانِ فِي الرِّزْقِ . (2)

الإمام علي عليه السلام : فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ . (3)

1- .الكافي : ج 2 ص 105 ح 11 عن الحسن بن زياد الصيقل و ج 8 ص 219 ح 269 عن مثنى الحنّاط ومحمّد بن مسلم ، تحف العقول : ص 295 عن الإمام الباقر عليه السلام و ص 388 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، الأمالي للطوسي : ص 245 ح 425 عن الحسن بن زياد الصيقل ، كنز الفوائد : ج 2 ص 197 عن الإمام علي عليه السلام ، الخصال : ص 87 ح 21 عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 70 ص 205 ح 15 .

2- .الفردوس : ج 2 ص 140 ح 2713 عن الإمام علي عليه السلام ؛ مشكاة الأنوار : ص 260 ح 769 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه

3- .الكافي : ج 8 ص 23 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : ص 98 و ص 214 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 287 ح 1 .



**فصل پنجم : خوی هایی که موجب برکت اند**

**1 / 5 تیت نیک**

**2 / 5 اخلاق نیک**

فصل پنجم : خوی هایی که موجب برکت اند 1 / 5 تیت نیک امام صادق علیه السلام : هر کس تیش نیکو باشد، روزی اش افزوده می شود.

2 / 5 اخلاق نیک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوش اخلاقی و نیاززدن دیگران، روزی را می افزاید.

امام علی علیه السلام : در خوش اخلاقی، گنجینه های روزی ، نهفته اند .

عنه عليه السلام: التَّوَدُّدُ يُمِّنُ . (1)

3/5 حُسْنُ الْقَوْلِ لِلْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ ، وَيُنْمِي الرِّزْقَ ، وَيُنْسِي فِي الْأَجَلِ . (2)

4/5 حُسْنُ الْجَوَارِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْبِرُّ وَحُسْنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ ، وَعِمَارَةٌ فِي الدِّيَارِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: حُسْنُ الْجَوَارِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (4)

عنه عليه السلام: حُسْنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الْأَعْمَارِ ، وَعِمَارَةٌ الدِّيَارِ . (5)

5/5 الصِّدْقُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ : اَعْلَمُ أَنَّ الصِّدْقَ مُبَارَكٌ ، وَالْكَذِبَ مَشْوُومٌ . (6)

- 
- 1- غرر الحكم : ج 1 ص 24 ح 59 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 37 ح 760 وفيه «التَّوَدُّدُ» .
  - 2- النخصال : ص 317 ح 100 ، الأمالي للصدوق : ص 49 ح 1 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي ، روضة الواعظين : ص 404 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 310 ح 1 .
  - 3- الأصول الستة عشر : ص 245 ح 309 عن عبد الله بن أبي طلحة عن الإمام الصادق عليه السلام وراجع : مشكاة الأنوار : ص 374 ح 1226 .
  - 4- الكافي : ج 2 ص 666 ح 3 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 110 ح 118 كلاهما عن إبراهيم بن أبي رجاء ، مشكاة الأنوار : ج 260 ص 769 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 153 ح 14 .
  - 5- الكافي : ج 2 ص 667 ح 7 عن أبي مسعود .
  - 6- تحف العقول : ص 14 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 67 ح 6 .

**5 / 3 گفتار نیک**

**5 / 4 رفتار نیک با همسایه**

**5 / 5 راستی**

امام علی علیه السلام: محبت کردن، بامینت است (شگون دارد).

3 / 5 گفتار نیکامام زین العابدین علیه السلام: گفتار نیکو، ثروت را می افزاید، روزی را رشد می دهد و مرگ را به تأخیر می اندازد.

4 / 5 رفتار نیک با همسایهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکی و رفتار نیک با همسایه، مایه افزایش روزی و آبادانی دنیاست.

امام صادق علیه السلام: رفتار نیک با همسایه، روزی را می افزاید.

امام صادق علیه السلام: رفتار نیک با همسایه، مایه افزونی عمرها و آبادانی سرزمین هاست.

5 / 5 راستیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ به امام علی علیه السلام \_ بدان که راستی، خجسته است و دروغ، شوم است .

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا التَّاجِرَانِ صَدَقَا بَوْرِكَ لَهُمَا، فَإِذَا كَذَبَا وَخَانَا لَمْ يُبَارَكْ لَهُمَا. (1)

صحيح البخاري عن حكيم بن حزام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَنْفَرَقَا - أَوْ قَالَ: حَتَّى يَنْفَرَقَا - فَإِنْ صَدَقَا وَبَيَّنَّا بَوْرِكَ لَهُمَا فِي بَيْعِهِمَا، وَإِنْ كَتَمَا وَكَذَبَا مُحِقَّتْ بَرَكَتُهُ بَيْعِهِمَا. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيكُمْ بِالصَّدَقِ؛ فَإِنَّ الصَّدَقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ. وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصَدُقُ وَيَنْحَرِي الصَّدَقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صَدِيقًا. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: الْوَفَاءُ وَالصَّدَقُ يَجْرَانِ الرَّزْقَ. (4)

6/5 السَّخَاءُ الْكِتَابُ «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى \* وَصَدَقَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» . (5)

1- الكافي: ج 5 ص 174 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 26 ح 110 كلاهما عن الحسين بن عمر بن يزيد عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 45 ح 43 عن زيد بن علي عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 103 ص 95 ح 14.

2- صحيح البخاري: ج 2 ص 732 ح 1973 وص 743 ح 2004 وح 2008، سنن أبي داود: ج 3 ص 274 ح 3459، سنن الترمذي: ج 3 ص 548 ح 1246، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 227 ح 15314، السنن الكبرى: ج 5 ص 442 ح 10436، كنز العمال: ج 4 ص 46 ح 9432.

3- صحيح مسلم: ج 4 ص 2013 ح 105، سنن أبي داود: ج 4 ص 297 ح 4989، سنن الترمذي: ج 4 ص 347 ح 1971، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 125 ح 4108 كلّها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 3 ص 346 ح 61؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 43 وفيه من «الصدق...».

4- الفردوس: ج 4 ص 436 ح 7268 عن ابن عباس.

5- الليل: 5 - 7.

**5 / 6 بخشندگی**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه دو معامله گر راست بگویند، به هر دوی آنها، برکت داده می شود. و هر گاه دروغ بگویند و خیانت کنند، به هیچ کدامشان برکت داده نخواهد شد.

صحیح البخاری\_ به نقل از حکیم بن حزام\_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دو معامله گر، تا از هم جدا نشده اند، اختیار [فسخ معامله را] دارند. پس اگر راست بگویند و [عیب را] آشکارا بیان کنند، داد و ستد برای هر دو، برکت خواهد داشت؛ و اگر [عیب را] [پوشانند و دروغ بگویند، برکت از داد و ستدشان می رود].»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: راست بگویید؛ چرا که راستی، به نیکی، ره نمون می شود و نیکی، به بهشت می برد. آدمی، پیوسته راست می گوید و در پی راستی است، تا آن جا که نزد خداوند، «صِدِّیق (1)» (بسیار راستگو) نوشته می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وفا و راستی، روزی می آورند.

5 / 6 بخشندگی قرآن «پس هر کس ببخشد و پروا پیشه کند و به نیکی [و بهشت] باور داشته باشد، کارها را برایش آسان می سازیم».

---

1- .. اشاره است به مقام «صِدِّیقان» که در آیه شریف: «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ» (نساء: آیه 69)، پس از مقام انبیا آمده است.

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: الرِّزْقُ إِلَى بَيْتٍ فِيهِ السَّخَاءُ أَسْرَعُ مِنَ الشَّفْعَةِ إِلَى سَنَامِ الْبَعِيرِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مَفَاتِيحَ الرِّزْقِ مُتَوَجِّهَةٌ نَحْوَ الْعَرْشِ ، وَيُنزَّلُ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ أَرْزَاقَهُمْ عَلَى قَدْرِ نَفَقَاتِهِمْ ، فَمَنْ كَثَرَ كُتْرَ لَهْ ، وَمَنْ قَلَّلَ قُلْلَ لَهْ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا فَتَحَ رَجُلٌ بَابَ عَطِيَّةٍ يُرِيدُ بِهَا صِلَةً إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ بِهَا كَثْرَةً ، وَمَا فَتَحَ رَجُلٌ بَابَ مَسْأَلَةٍ يُرِيدُ بِهَا كَثْرَةً إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ بِهَا قَلَّةً . (3)

الإمام علي عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ ؛ فَإِنَّهُمَا يَزِيدَانِ الرِّزْقَ وَيُوجِبَانِ الْمَحَبَّةَ . (4)

عنه عليه السلام: إِنَّ أَفْضَلَ مَا اسْتُجِلِبَ بِهِ الثَّنَاءُ ؛ السَّخَاءُ ، وَإِنَّ أَجْزَلَ مَا اسْتُدْرِكَتْ بِهِ الْأَرْبَاحُ الْبَاقِيَةُ ؛ الصَّدَقَةُ . (5)

مسند أبي يعلى عن أبي برزة: كَانَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تِسْعُ نِسْوَةٍ ، فَقَالَ يَوْمًا : خَيْرُكُمْ أَطْوَلُكُمْ يَدًا . فَقَامَتْ كُلُّ وَاحِدَةٍ تَضَعُ يَدَهَا عَلَى الْجِدَارِ ، قَالَ : لَسْتُ أَعْنِي هَذَا ، وَلَكِنْ أَصْنَعُكُمْ يَدَيْنِ . (6)

1- .تاريخ دمشق : ج 13 ص 24 ح 3031 عن أبي سعيد الخدري ، تاريخ أصبهان : ج 1 ص 321 الرقم 572 عن جابر ، كنز العمال : ج 9 ص 244 ح 25848 .

2- .كنز العمال : ج 6 ص 350 ح 16009 ، الجامع الصغير : ج 1 ص 375 ح 2454 كلاهما نقلًا عن الدارقطني في الأفراد عن أنس .

3- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 434 ح 9630 ، شُعب الإيمان : ج 3 ص 233 ح 3413 وفيه «لصدقة» بدل «يريد بها» و «مسكة» بدل «مسألة» ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 190 ح 7239 وفيه «يبتغي وجه الله أو صلة» بدل «يريد بها صلة» وكلها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 3 ص 643 ح 8304 .

4- .غرر الحكم : ج 4 ص 304 ح 6161 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 342 ح 5841 .

5- .غرر الحكم : ج 2 ص 618 ح 3654 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 156 ح 3391 .

6- .مسند أبي يعلى : ج 13 ص 425 ح 7430 ، تاريخ بغداد : ج 5 ص 6 نحوه ، كنز العمال : ج 6 ص 342 ح 15951 .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [ فرود آمدن ] روزی به سوی خانه ای که در آن، بخشنده‌گی است، سریع تر از فرورفتن تیغ در کوهان شتر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کلیدهای روزی، رو به عرش اند و خداوند، روزی های مردم را به اندازه هزینه کردن هایشان [ در راه خدا ] فرو می فرستد . پس هر که زیاد هزینه کند، روزی اش افزوده می شود و هر که کم هزینه کند، روزی اش کاسته می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس در بخشش را به قصد نیکی رسانی به دیگری نگشود، مگر آن که خداوند، به سبب آن، بر مال او افزود؛ و هیچ کس در درخواست را به قصد مال افزایی نگشود، مگر آن که خداوند، به سبب آن، بر ناداری او افزود .

امام علی علیه السلام: بخشنده و خوش اخلاق باشید، که این دو، روزی را می افزایند و محبت می آورند.

امام علی علیه السلام: برترین چیزی که با آن، ستایش [دیگران] به دست آورده می شود، بخشنده‌گی است و بهترین چیزی که با آن، سودهای ماندگار حاصل می گردد، صدقه است.

مسند ابی یعلیٰ\_ به نقل از ابو برزه \_: پیامبر صلی الله علیه و آله نه همسر داشت. روزی فرمود: «بهترین شما، آن کس است که دستش درازتر باشد». (1) هر يك از زنان، برخاست و دست خود را بر دیوار می نهاد. فرمود: «مقصودم، این نبود؛ بلکه کسی بود که دستانش بخشنده ترند» .

7/5 الرَّفْقُ رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَالْبِرْكََةَ، وَمَنْ يُحْرِمَ الرَّفْقَ يُحْرِمَ الْخَيْرَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الرَّفْقُ يُمِّنُ، وَالْخُرْقُ شَوْمٌ. (2)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ اسْتَعْمَلَ الرَّفْقَ اسْتَدْرَرَ الرَّزْقَ. (3)

عنه عليه السلام: التَّلَطُّفُ مِفْتَاحُ الرَّزْقِ. (4)

18/5 الأمانة رسول الله صلى الله عليه وآله: الأمانة تجلب الغنى. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: الأمانة تجلب الرزق. (6)

راجع: هذه الموسوعة: ج 13 ص 70 (ما يوجب زوال البركة / الخيانة).

- 
- 1- الكافي: ج 2 ص 119 ح 7 عن عمرو بن أبي المقدام رفعه؛ المعجم الكبير: ج 2 ص 348 ح 2458 عن جرير.
  - 2- الكافي: ج 2 ص 119 ح 4 عن معاذ بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، غرر الحكم: ج 1 ص 201 ح 798 وفيه «اليمن مع الرفق»، بحار الأنوار: ج 75 ص 59 ح 23.
  - 3- غرر الحكم: ج 5 ص 338 ح 8647، عيون الحكم والمواعظ: ص 440 ح 7651.
  - 4- أعلام الدين: ص 96.
  - 5- قرب الإسناد: ص 116 ح 408 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 75 ص 114 ح 6 وص 171 ح 4.
  - 6- الكافي: ج 5 ص 133 ح 7 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 45، الخصال: ص 505 ح 2 عن سعيد بن علاقة عن الإمام علي عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 230 ح 645، روضة الواعظين: ص 499 وفي الثلاثة الأخيرة «استعمال الأمانة يزيد في الرزق» وكلاهما عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 77 ص 149 ح 78؛ مسند الشهاب: ج 1 ص 72 ح 64 وفيه «الأمانة تجرّ الرزق»، الفردوس: ج 1 ص 121 ح 415 عن جابر، كنز العمال: ج 3 ص 60 ح 5493.



**7 / 5 مدارا**

**8 / 5 امانتداری**

7 / 5 مدارا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در مدارا، فزونی و برکت است و هر که از مدارا محروم باشد، از خیر، محروم گشته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مدارا، خُجستگی است و خُشونت، شومی.

امام علی علیه السلام: هر کس مدارا به کار گیرد، روزی را سرشار ساخته است.

امام علی علیه السلام: ملاطفت و مهربانی، کلید روزی است.

8 / 5 امانتداری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امانتداری، بی نیازی می آورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امانتداری، روزی می آورد.

ر. ک: همین دانش نامه: ج 13 ص 71 (آنچه موجب زوال برکت است / خیانت).

5 / 9 القنَاعَةُ رسول الله صلى الله عليه وآله : القنَاعَةُ بَرَكَةٌ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ قَنِعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَعْيَى النَّاسِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : القنَاعَةُ مُلْكٌ لَا يَزُولُ ، وَهِيَ مَرْكَبٌ رِضَا اللَّهِ تَعَالَى ، تَحْمِلُ صَاحِبَهَا إِلَى دَارِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : القنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَفْنَى . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : القنَاعَةُ رَاحَةٌ . (5)

نهج البلاغة : سَأَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى : «فَلَنُحْيِيَنَّهَا حَيَاةً طَيِّبَةً» (6) فَقَالَ : هِيَ القنَاعَةُ . (7)

1- .الجعفرِيَّاتِ : ص 160 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .

2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 358 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الكافي : ج 2 ص 139 ح 9 عن أبي حمزة عن الإمام الباقر والصادق عليهما السلام ، الأمالي للمفيد : ص 184 ح 9 ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 79 ح 41 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، الخصال : ص 125 ح 122 عن أنس بن محمّد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 7 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 178 ح 21 ؛ حلية الأولياء : ج 3 ص 135 عن أبي حمزة عن الإمام زين العابدين عليه السلام وراجع : سنن الترمذي : ج 4 ص 551 ح 2305 ومسند ابن حنبل : ج 3 ص 182 ح 8101 .

3- .مصباح الشريعة : ص 185 .

4- .إرشاد القلوب : ص 118 عن جابر بن عبد الله ، مشكاة الأنوار : ص 233 ح 664 ، روضة الواعظين : ص 500 ؛ الدر المنثور : ج 2 ص 96 نقلاً عن البيهقي في الزهد عن جابر بن عبد الله .

5- .أعلام الدين : ص 341 عن ابن عباس .

6- .النحل : 97 .

7- .نهج البلاغة : الحكمة 229 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 345 ح 2 .

**5 / 9 قناعت**

9/5 قناعت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قناعت، برکت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به آنچه خداوند روزی اش کرده است ، قانع باشد ، از بی نیازترین مردمان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قناعت، مُلکی بی زوال است . قناعت ، مَرکبِ رضای خداوند متعال است و سوارِ خود را به خانه اش می رساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قناعت، گنجی بی پایان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قناعت، آسودگی است.

نهج البلاغة: از امیر مؤمنان علیه السلام در باره آیه : «اورا به حیاتی پاک، زنده می داریم» سؤال شد [ که مقصود از «حیات پاک» چیست؟ ]  
 . فرمود: «آن، قناعت است» .

الإمام علي عليه السلام: مَنْ قَنَعَ بِالْيَسِيرِ اسْتَعْنَى عَنِ الْكَثِيرِ ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَعِنْ بِالْكَثِيرِ افْتَقَرَ إِلَى الْحَقِيرِ . (1)

عنه عليه السلام: مَنْ وَهَبَتْ لَهُ الْقَنَاعَةُ صَانَتْهُ . (2)

عنه عليه السلام: إِقْنَعْ بِمَا أُوتِيَتْهُ تَكُنْ مَكْفِيًّا . (3)

عنه عليه السلام: مَنْ قَنِعَتْ نَفْسُهُ أَعَانَتْهُ عَلَى النَّزَاهَةِ وَالْعَفَافِ . (4)

عنه عليه السلام: مَنْ قَنِعَ حَسَنَتْ عِبَادَتُهُ . (5)

عنه عليه السلام: مَنْ قَنِعَ قَلَّ طَمَعُهُ . (6)

عنه عليه السلام: أَصْلُ الْعَفَافِ الْقَنَاعَةُ ، وَثَمَرَتُهَا قَلَّةُ الْأَحْزَانِ . (7)

عنه عليه السلام: الْقَنَاعَةُ تُؤَدِّي إِلَى الْعِزِّ . (8)

عنه عليه السلام: إِقْنَعُوا بِالْقَلِيلِ مِنْ دُنْيَاكُمْ لِسَلَامَةِ دِينِكُمْ ؛ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ الْبُلْعَةُ الْيَسِيرَةُ مِنَ الدُّنْيَا تُقْنِعُهُ . (9)

عنه عليه السلام: إِذَا رَغِبْتَ فِي صَلَاحِ نَفْسِكَ فَعَلَيْكَ بِالْإِقْتِسَادِ وَالْقُنُوعِ وَالتَّكْوَلِ . (10)

- 
- 1- الإرشاد: ج 1 ص 301 ، بحار الأنوار: ج 77 ص 420 ح 40 .
  - 2- غرر الحكم: ج 5 ص 294 ح 8435 .
  - 3- غرر الحكم: ج 2 ص 189 ح 2333 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 75 ح 1821 .
  - 4- غرر الحكم: ج 5 ص 342 ح 8663 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 440 ح 7661 وفيه «والكفاف» بدل «والعفاف» .
  - 5- غرر الحكم: ج 5 ص 165 ح 7795 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 452 ح 8091 .
  - 6- غرر الحكم: ج 5 ص 201 ح 7974 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 430 ح 7371 .
  - 7- مطالب السؤل: ص 50 ؛ بحار الأنوار: ج 78 ص 7 ح 59 .
  - 8- غرر الحكم: ج 1 ص 291 ح 1123 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 45 ح 1092 وراجع: ح 66 و 219 و 2260 و 4646 .
  - 9- غرر الحكم: ج 2 ص 259 ح 2549 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 87 ح 2084 .
  - 10- غرر الحكم: ج 3 ص 192 ح 4172 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 137 ح 3124 .

امام علی علیه السلام: هر کس به اندک، قانع باشد، از بسیار، بی نیاز می گردد و هر که با بسیار، احساس بی نیازی نکند، به اندک، نیازمند می شود.

امام علی علیه السلام: قناعت به هر کس داده شود، او را مصون می دارد.

امام علی علیه السلام: به آنچه تو را داده اند، قانع باش تا کفایت شده باشی.

امام علی علیه السلام: هر که جاننش قانع باشد، قناعت، او را بر پاکی و پاک دامنی، یاری می کند.

امام علی علیه السلام: هر که قانع باشد، عبادتش نیکو می گردد.

امام علی علیه السلام: هر که قانع باشد، طمعش اندک می شود.

امام علی علیه السلام: ریشه پاک دامنی، قناعت است و میوه آن، کم شدن غصّه ها.

امام علی علیه السلام: قناعت، به عزّت می رساند.

امام علی علیه السلام: برای سلامت دین خود، از دنیایان به اندکی، قناعت کنید؛ چرا که مؤمن را، دست مایه ای اندک از دنیا، قانع می سازد.

امام علی علیه السلام: هر گاه خواستی خویش را اصلاح کنی، بر تو باد به میانه روی و قناعت و به کم بسنده کردن.

الإمام الباقر عليه السلام: القناعة لذّة العيش. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: من قنع بالمقسوم استراح من الهَمِّ والكربِ والتعبِ، وكلّما نقص من القناعة زاد في الرغبة والطمع. والطمع والرغبة في الدنيا أصلان لكل شرٍّ، وصاحبهما لا ينجو من النار إلا أن يتوب عن ذلك. (2)

الإمام الرضا عليه السلام: القناعة تجمع إلى صيانة النفس وعزّ القدر طرح (3) مؤن الاستكثار والتعبّد لأهل الدنيا. ولا يسلك طريق القناعة إلا رجلاً: إمّا متقللاً يريد أجر الآخرة، أو كريمٌ مُتنزّه عن لئام الناس. (4)

10/ 5 الرضا رسول الله صلى الله عليه وآله: إن لكل امرئ رزقا هو يأتيه لا محالة، فمن رضي به بورك له فيه ووسعه، ومن لم يرض به لم يبارك له فيه ولم يسعه؛ إن الرزق ليطلب الرجل كما يطلبه أجله. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: إن الله - تبارك وتعالى - يتلي عبده بما أعطاه، فمن رضي بما قسم الله عز وجل له بارك الله له فيه ووسعه، ومن لم يرض لم يبارك له. (6)

1- تاريخ يعقوبي: ج 2 ص 321.

2- مصباح الشريعة: ص 184.

3- كذا، وفي سائر المصادر: «وطرح».

4- نثر الدر: ص 361، العدد القويّة: ص 297 ح 26 وفيه «متعبّد» بدل «متقلّل»، نزهة الناظر: ص 128 ح 9 وفيه «متعلّل» بدل «متقلّل»، أعلام الدين: ص 307 وفيه من «لا يسلك طريق... إمّا متعبّد...»، بحار الأنوار: ج 78 ص 349 ح 6 وص 353 ح 9.

5- أعلام الدين: ص 342 عن ابن عمر، بحار الأنوار: ج 77 ص 185 ح 10؛ كنز العمال: ج 1 ص 114 ح 536 نقلاً عن الديلمي عن ابن عباس نحوه.

6- مسند ابن حنبل: ج 7 ص 282 ح 20301، شعب الإيمان: ج 2 ص 121 ح 1353 نحوه وكلاهما عن أبي العلاء بن الشخير عن رجل من بني سليم وج 7 ص 125 ح 9725 عن أحمد بن سليم، كنز العمال: ج 3 ص 390 ح 7090 وراجع: المعجم الأوسط: ج 8 ص 189 ح 8362 وحلية الأولياء: ج 2 ص 213.

امام باقر علیه السلام: قناعت، لذت زندگی است.

امام صادق علیه السلام: هر که به روزی قسمت شده قانع باشد، از اندوه و رنج و خستگی، آسوده می‌گردد. هر چه قناعت کم [تر] شود، خواستن و آزمندی افزوده می‌گردد. آزمندی و خواستن دنیا، ریشه‌های هر بدی ای هستند و آزمند دنیاخواه، از دوزخ نمی‌رهَد، مگر آن که از این خصلت [ها] توبه کند.

امام رضا علیه السلام: قناعت، افزون بر خویشتنداری و حفظ منزلت [خویش]، بار افزونخواهی و بندگی در برابر دنیاداران را از دوش انسان، بر می‌دارد. راه قناعت را جز دو کس نمی‌پویند: آن که به اندک می‌سازد تا به پاداش آخرت برسد و آن بزرگواری که خود را از مردم فرومایه، کنار می‌کشد.

5 / 10 رضایت (1) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کسی روزی ای دارد که ناچار به او خواهد رسید. پس هر که به آن راضی شود، برایش پُربرکت خواهد شد و او را بس خواهد بود و هر که به آن راضی نباشد، نه برکت خواهد یافت و نه او را بس خواهد بود. روزی، در پی انسان است، آن گونه که اجلس در پی اوست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، بنده اش را با آنچه به او می‌دهد، می‌آزماید. پس هر که به قسمت خدا راضی باشد، خداوند به آنچه داده، برکت و وسعت می‌بخشد و هر که به آن راضی نباشد، برکت نخواهد یافت.

---

1- .. مقصود از این عنوان، راضی بودن انسان از تقدیر خداوند (مانند آنچه در احادیث 120 و 121 آمده) و یا راضی بودن خداوند متعال از انسان است (مانند آنچه در حدیث 122 آمده است).

الإمام الرضا عليه السلام: أوحى الله عز وجل إلى نبيٍّ من الأنبياء: إذا أطعت رضىت، وإذا رضىت باركت، وليس لبركتي نهاية. (1)

11 / 5 الصبر الإمام علي عليه السلام: الرّم الصبر؛ فإن الصبر حلّ العاقبة، ميمون المغيبة. (2)

- 
- 1- الكافي: ج 2 ص 275 ح 26 عن سليمان الجعفري، بحار الأنوار: ج 73 ص 341 ح 23؛ الزهد لابن حنبل: ص 69 عن وهب من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وفيه «إنّ الربّ تبارك وتعالى قال في بعض ما يقول لبني إسرائيل: إني...» .
- 2- غرر الحكم: ج 2 ص 202 ح 2377 .



**5 / 11 شکیبایی**

امام رضا علیه السلام: خداوند به پیامبری از پیامبران وحی کرد: «هر گاه اطاعتم کنند، راضی می شوم و چون راضی شوم، برکت می دهم و برکت من، پایان ندارد».

5 / 11 شکیباییامام علی علیه السلام: شکیبا باش؛ چرا که شکیبایی، شیرین فرجام و خجسته انجام است.

الفصل السادس : ما يوجب البركة من الأعمال 6 / 1 تحسينُ العملِ لإمام الصادق عليه السلام : إذا أحسنَ المؤمنُ عمله ضاعفَ اللهُ عمله ؛ لكلِّ حسنةٍ سبعمائةٍ ، وذلك قولُ اللهِ - تبارك وتعالى - : «وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (1) . فأحسنوا أعمالكم التي تعملونها لثوابِ اللهِ . (2)

راجع : ص 372 (ما يوجب بركة العمر / حسن العمل) .

6 / 12 إنفاق الكتاب «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» . (3)

1- . البقرة : 261 .

2- . المحاسن : ج 1 ص 396 ح 887 عن عمر بن يزيد ، تفسير العياشي : ج 1 ص 146 ح 478 عن عمر بن يونس ، المؤمن : ص 29 ح 53 وليس فيه «عمله» بعد «المؤمن» وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج 71 ص 247 ح 7 .

3- . سبأ : 39 .

**فصل ششم : اعمالی که موجب برکت اند**

**6 / 1 خوب انجام دادن کار**

**6 / 2 انفاق**

فصل ششم : اعمالی که موجب برکت اند 6 / 1 خوب انجام دادن کار امام صادق علیه السلام : هر گاه مؤمن کارش را نیکو (خوب و درست) انجام دهد ، خداوند ، کار او را چند برابر می گرداند : هر کار نیکویی را هفتصد برابر ، و این ، سخن خدای متعال است که : «و خداوند برای هر که بخوهد ، چند برابر می کند» . پس کارهای خود را که برای پاداش خداوند انجام می دهید ، خوب انجام دهید .

ر . ك : ص 373 (آنچه موجب برکت عمر است / نیکو کار کردن) .

6 / 2 انفاق قرآن «آنچه را انفاق کنید ، او جای گزین می سازد و او بهترین روزی دهندگان است» .

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ عز و جل : أَنْفِقْ أَنْفِقْ عَلَيْكَ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُثْرِيَ اللَّهُ مَالَكَ فَزَكِّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: تَصَدَّقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ ؛ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَنْقُصُ الْمَالَ وَلَكِنْ تَزِيدُ فِيهِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: الصَّدَقَةُ مَثْرَاءٌ لِلْمَالِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ عَبْدٌ يَفْتَحُ بَابَ عَطِيَّةٍ يَبْتَغِي وَجَهَ اللَّهِ أَوْ صِلَةَ إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ بِهَا كَثْرَةً . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: تَصَدَّقُوا ؛ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً . وَتَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ . (6)

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثِرُوا مِنَ الصَّدَقَةِ تُرْزَقُوا . (7)

عنه صلى الله عليه وآله: اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ . (8)

- 1- . صحيح البخاري : ج 4 ص 1724 ح 4407 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 691 ح 37 ، سنن ابن ماجة : ج 1 ص 686 ح 2123 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 34 ح 7302 ، تاريخ بغداد : ج 7 ص 391 الرقم 3927 كلَّها عن أبي هريرة ، حلية الأولياء : ج 10 ص 216 عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 6 ص 375 ح 16127 ؛ مجمع البيان : ج 8 ص 616 عن أبي هريرة .
- 2- . أعلام الدين : ص 268 عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 23 ح 54 .
- 3- . الفردوس : ج 2 ص 52 ح 2297 عن الإمام عليّ عليه السلام .
- 4- . عوالي اللآلي : ج 3 ص 113 ح 2 .
- 5- . المعجم الأوسط : ج 7 ص 190 ح 7239 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 434 ح 9630 وفيه «يريد بها صلة» بدل «يبتغي وجه الله أو صلة» ، شُعب الإيمان : ج 3 ص 234 ح 3413 وفيه «لصدقة أو صلة» بدل «يبتغي وجه الله أو صلة» وكلَّها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 3 ص 643 ح 8304 .
- 6- . الكافي : ج 4 ص 9 ح 2 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالي للمفيد : ص 239 ح 2 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن صلى الله عليه وآله ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 126 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 96 ص 122 ح 27 .
- 7- . إرشاد القلوب : ص 45 ، أعلام الدين : ص 333 عن أبي الدرداء ، بحار الأنوار : ج 77 ص 176 ح 10 .
- 8- . التوحيد : ص 68 ح 24 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 35 ح 75 كلاهما عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 416 ح 5904 عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام ، نهج البلاغة : الحكمة 137 ، قرب الإسناد : ص 118 ح 414 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 96 ص 121 ح 25 ؛ شُعب الإيمان : ج 2 ص 74 ح 1197 عن الزبير عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام عنه

صلی اللہ علیہ وآلہ ، کنز العمال: ج6 ص343 ح15962.

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند فرموده است : «انفاق کن تا به تو انفاق کنم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خواستی خداوند ، ثروت را بیفزاید ، زکات آن را پرداز.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از آنچه خداوند به شما روزی داده است ، صدقه دهید ، که صدقه مال را نمی کاهد ؛ بلکه آن را می افزاید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : صدقه ، افزون کننده مال است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای نیست که به خاطر خدا در بخشش یا نیکی را بگشاید ، مگر آن که خداوند ، به سبب آن ، بر او می افزاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : صدقه دهید ؛ چرا که صدقه مال را می افزاید . صدقه دهید \_ خداوند ، شما را رحمت کند \_ !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بسیار صدقه دهید تا روزی یابید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزی را با صدقه فرود آورید.

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاثة تزيد بثلاثة وإن ظنَّ الجاهلون أنها تنقصها: المال يزيد بالصدقة (1)، والعزُّ يزيد بالعفو، والتبُّل يزيد بالتواضع (2).

الإمام علي عليه السلام: لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ - يَا كَمِيلُ، الْبِرْكََةُ فِي مَالٍ مَن آتَى الزَّكَاةَ، وَوَأَسَى الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصَلَ الْأَقْرَبِينَ (3).

عنه عليه السلام: بَرَكَةُ الْمَالِ فِي الصَّدَقَةِ (4).

عنه عليه السلام: دَاوُوا الْجَوْرَ بِالْعَدْلِ، وَدَاوُوا الْفَقْرَ بِالصَّدَقَةِ وَالْبَذْلِ (5).

عنه عليه السلام: فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - الزَّكَاةُ نَقْصٌ فِي الصُّورَةِ، وَزِيَادَةٌ فِي الْمَعْنَى (6).

فاطمة عليها السلام: فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِّ ... وَالزَّكَاةَ زِيَادَةً فِي الرِّزْقِ (7).

الإمام الحسن عليه السلام: فَرَضَ [اللَّهُ] عَلَيْكُمْ لِأَوْلِيَائِهِ حُقُوقًا، فَأَمَرَكُمْ بِأَدَائِهَا إِلَيْهِمْ، لِيُجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَمَا كَلِكُمْ وَمَشْرَبِكُمْ، وَيُعْرِفَكُم بِذَلِكَ الْبِرْكََةَ وَالنَّمَاءَ وَالثَّرْوَةَ، وَلِيَعْلَمَ مَنْ يُطِيعُهُ مِنْكُمْ بِالْغَيْبِ (8).

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الشَّمْسَ لَتَطْلُعُ وَمَعَهَا أَرْبَعَةُ أَمْلَاكٍ: مَلَكٌ يُنَادِي: يَا صَاحِبَ الْخَيْرِ أَيْمٌ وَأَبْشِرْ، وَمَلَكٌ يُنَادِي: يَا صَاحِبَ الشَّرِّ أَنْزِعْ وَأَقْصِرْ، وَمَلَكٌ يُنَادِي: أَعْطِ مَنْفِقًا خَلْفًا، وَأَتِ مُمْسِكًا تَلْفًا ... (9).

1- في الطبعة المعتمدة: «الصدقة»، والتصحيح من فردوس الأخبار: ج 2 ص 162 ح 2363.

2- الفردوس: ج 2 ص 102 ح 2541 عن ابن عمر.

3- تحف العقول: ص 172، بشارة المصطفى: ص 25 عن سعيد بن زيد بن أرتاة، بحار الأنوار: ج 77 ص 413 ح 38.

4- غرر الحكم: ج 3 ص 260 ح 4426، عيون الحكم والمواعظ: ص 195 ح 3992.

5- غرر الحكم: ج 4 ص 24 ح 5156، عيون الحكم والمواعظ: ص 250 ح 4698 و 4690.

6- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 299 ح 416.

7- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 568 ح 4940، علل الشرائع: ص 248 ح 2 كلاهما عن زينب بنت الإمام علي عليه السلام، نهج البلاغة: الحكمة 252، غرر الحكم: ج 4 ص 449 ح 6608 وفيهما «تسبيبا للرزق» بدل «زيادة في الرزق»، الاحتجاج: ج 1 ص 258 ح 49 عن عبد الله بن الحسن بإسناده عن آبائه عليهم السلام عنها عليها السلام وفيه «جعل الله ... الزكاة تزكية للنفس ونماء في الرزق»، بحار الأنوار: ج 6 ص 107 ح 1.

8- علل الشرائع: ص 249 ح 6 عن إسحاق بن إسماعيل النيسابوري، بحار الأنوار: ج 23 ص 100 ح 3.

9- الكافي: ج 4 ص 42 ح 1 عن جابر، مجمع البيان: ج 8 ص 222 عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 55 ص 143 ح 2؛ أسد الغابة: ج 2 ص 635 الرقم 2444 عن شُفِي بن مانع الأصبحي نحوه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که با سه چیز افزایش می یابد، هرچند جاهلان می پندارند که این سه چیز، آنها را می کاهد: مال با صدقه افزایش می یابد، عزت با عفو افزوده می شود و بزرگی با تواضع، بیشتر می گردد.

امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد: ای کمیل! برکت، در مال کسی است که زکات بپردازد، به مؤمنان، کمک کند و به خویشاوندان، نیکی رساند.

امام علی علیه السلام: برکت مال، در صدقه دادن است.

امام علی علیه السلام: ستم را با عدالت، و فقر را با صدقه و بخشش، درمان کنید.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: زکات، در ظاهر، کاسته شدن است؛ ولی در حقیقت، افزونی است.

فاطمه علیها السلام: خداوند، ایمان را برای پاکسازی از شرك... و زکات را برای افزایش روزی، واجب ساخت.

امام حسن علیه السلام: خداوند بر شما حقوقی را نسبت به اولیای خود واجب ساخته و شما را به ادای آنها، فرمان داده است تا [بدین وسیله] آنچه را در اختیار شماست، از همسران و اموال و خوردنی ها و نوشیدنی ها برایتان حلال سازد و به سبب آن، برکت و رشد و ثروت را به شما بشناساند، و بداند که چه کسی از شما در نهان، از او اطاعت می کند.

امام باقر علیه السلام: خورشید، طلوع می کند و همراه آن، چهار فرشته است. فرشته ای ندا می دهد: «ای نیکوکار! به پایان برسان و بر تو بشارت باد!». فرشته ای ندا می دهد: «ای بدکار! دست بردار و کوتاه بیا!». فرشته ای هم ندا می دهد: «[خدایا! انفاق کننده را [مالی] جای گزین ده (1) و ثروت بخیل را تلف کن!]. ...»

1- .. اشاره است به آیه: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ» (سبأ: آیه 69).



الكافي عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام: ما أحسن عبدُ الصّدقة في الدنيا إلا أحسن الله الخِلافةَ على وُلديه من بعده . وقال :  
حُسْنُ الصّدقةِ يقضي الدينَ ويخلفُ على البركةِ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: كان الصّادقُ عليه السلام في طريقٍ ومعه قومٌ معهم أموالٌ ، وذُكرَ لَهُم أن بارقةً في الطّريقِ يقطعونَ على النَّاسِ ، فَارْتَعَدَتْ فرائضُهُمْ ، فقالَ لَهُمُ الصّادقُ عليه السلام : ما لَكُمْ؟ قالوا : مَعَنَا أموالنا نَخافُ عَلَيْها أن تُؤخَذَ مِنّا ، أَفتأخُذُها مِنّا؟ فَلعَلَّهُمْ يندَفِعُونَ عنها إذا رَأوا أَنَّها لَكَ ، فقالَ : وما يدرِيكُمْ لَعَلَّهُمْ لا يَقْصِدُونَ غَيْرِي ، وَلَعَلَّكُمْ تُعْرضُونِي بها لِلتَّلَفِ ! فقالوا : فكَيْفَ نَصْنَعُ ، نَدْفِئُها؟ قالَ : ذلِكَ أَضْيَعُ لَها ، فَلعَلَّ طارِئاً يَطْرُقُ عَلَيْها فَيأْخُذُها ، وَلَعَلَّكُمْ لا تَعْتَدُونَ (2) إِلَيْها بعدُ . فقالوا : كَيْفَ نَصْنَعُ؟ ذُلُّنا . قالَ : أودِعوها مَنْ يَحْفَظُها وَيَدْفَعُ عنها وَيُرِيها وَيَجْعَلُ الواحدَ مِنْها أعْظَمَ مِنَ الدُّنيا وما فيها ، ثُمَّ يَرُدُّها وَيُوفِّرُها عَلَيْكُمْ أَحْواجَ ما تَكُونُونَ إِلَيْها . قالوا : مَنْ ذاكُ؟ قالَ : ذاكُ رَبُّ العالمِينَ . قالوا : وكَيْفَ نودِعُهُ؟ قالَ : تَصَدِّقُونَ بِهِ على ضِعْفِ المُسْلِمِينَ . قالوا : وأَنْتَ لَنَا الضُّعْفاءُ بِحَضْرَتنا هذه؟! قالَ : فاعزِموا (3) على أن تَصَدِّقُوا بِثُلْثِها لِيَدْفَعَ اللهُ عَنْ باقيها مَنْ تَخافونَ . قالوا : قَدْ عَزَمنا . قالَ : فَأَنْتُمْ في أمانِ اللهِ ، فامضوا ، فَمَضُوا ، فَظَهَرَ لَهُمُ البارقةُ فَخافوا . فقالَ الصّادقُ عليه السلام : كَيْفَ تَخافونَ وَأَنْتُمْ في أمانِ اللهِ عز و جل ؟! فَتَقَدَّمَ البارقةُ وَتَرَجَّلوا وَقَبَلوا يَدَ الصّادقِ عليه السلام وقالوا : رَأينا البارقةَ في مَنامِنَا رسولَ اللهِ صلى اللهُ عليه و آله يَأْمُرنا بِعَرْضِ أَنْفِسيْنا عَلَيْكَ ، فَحَنُّ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَصْحَبُكَ وهؤلاءِ لِيَدْفَعَ عَنْهُمْ الأعداءَ وَاللُّصوصَ . فقالَ الصّادقُ عليه السلام : لا حاجَةَ بنا إِلَيْكُمْ ، فَإِنَّ الَّذِي دَفَعَكُمْ عَنّا يَدْفَعُهُمْ ، فَمَضُوا سائِمينَ ، وَتَصَدَّقُوا بِالثُّلْثِ وبوركَ لَهُمْ في تجارتِهِمْ ، فَرَبِحوا لِلدَّرهمِ عَشْرَةٌ ، فقالوا : ما أعْظَمَ بركةَ الصّادقِ عليه السلام ! فقالَ الصّادقُ عليه السلام : قَدْ تَعَرَّفْتُمْ البركةَ في مُعامَلَةِ اللهِ عز و جل ، فدوموا عَلَيْها . (4)

1- الكافي : ج 4 ص 10 ح 5 عن السكوني .

2- في بحار الأنوار : «لا تهتدون إليها» .

3- في المصدر : «فاعرضوا» ، والصحيح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار ووسائل الشيعة .

4- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 4 ح 9 عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 120 ح 23 .

الکافی\_ به نقل از سَکونی\_ : امام صادق علیه السلام فرمود : «هیچ بنده ای در دنیا نیکو صدقه نمی دهد ، مگر آن که خداوند ، پس از او ، بر سر فرزندانش نیکو جای گزین می شود (جانشینی می کند)» . و فرمود : «نیکو صدقه دادن ، بدهی را ادا می کند و [ چنین صدقه ای ] با برکت ، جایگزین می شود» .

امام کاظم علیه السلام : صادق علیه السلام در سفری ، همراه گروهی بود که اموالی همراه داشتند . به آنان گفته شد که رهنان در راه اند و مردم را غارت می کنند . آنان به وحشت و هراس افتادند . صادق علیه السلام به آنان فرمود : «چرا می ترسید؟» . گفتند : اموالی نزد ماست که می ترسیم از ما بگیرند . آیا آنها را از ما تحویل می گیری؟ شاید اگر ببینند که این اموال از آن توست ، به آنها کاری نداشته باشند . فرمود : «از کجا معلوم که آنان مرا قصد نکنند و شما با این کار ، مرا در معرض تلف شدن قرار ندهید؟» . پرسیدند : پس چه کنیم؟ آنها را دفن کنیم؟ فرمود : «این کار ، اموال را بیشتر تلف می کند . شاید کسی به آنها بر بخورد و آنها را بردارد . شاید هم بعد از آن ، دیگر اموال را پیدا نکنید» . گفتند : چه کنیم؟ ما را راه نمایی کن . فرمود : «آنها را نزد کسی به امانت بسپارید که هم نگاهشان می دارد ، هم از آنها دفاع می کند ، و هم آنها را افزایش می دهد و هر يك از آنها را بزرگ تر از دنیا و آنچه در آن است ، قرار می دهد . سپس آنها را به صورت افزایش یافته ، در زمانی که بیشترین نیاز را به آنها دارید ، به شما بر می گرداند» . گفتند : او کیست؟ فرمود : «پروردگار جهانیان است» . گفتند : چگونه به او امانت بسپاریم؟ فرمود : «آنها را به مسلمانان مستمند ، صدقه دهید» . گفتند : این جا مستمندان را از کجا پیدا کنیم؟ فرمود : «شما تصمیم بگیرید که يك سوم آنها را صدقه دهید تا خداوند ، بقیه آنها را از [غارت] کسانی که بیم دارید ، نگه دارد» . گفتند : تصمیم گرفتیم . فرمود : «پس شما در امان خدایید . راه بیفتید» . به راه افتادند و رهنان ، آشکار شدند و آنان ترسیدند . امام علیه السلام فرمود : «شما در امان خدایید . چگونه است که می ترسید؟» . رهنان ، جلو آمدند و پیاده شدند و دست صادق علیه السلام را بوسیدند و گفتند : دیشب ، پیامبر خدا را در خواب دیدیم که به ما دستور می داد خود را در اختیار شما بگذاریم . اکنون در خدمت شما هستیم و شما و اینان را همراهی می کنیم تا در برابر دشمنان و دزدان ، از اینان دفاع کنیم . صادق علیه السلام فرمود : «به شما نیازی نداریم . همان کسی که از ما در مقابل شما دفاع کرد ، آنان را نیز از ما دور می کند» . آنان ، به سلامت به راه افتادند و يك سوم اموال خویش را صدقه دادند و تجارت هایشان نیز برکت یافت و هر درهمی ، ده برابر برایشان سود داد . پس گفتند : برکت صادق ، چه بزرگ است! صادق علیه السلام فرمود : «شما برکت معامله با خدا را دانستید ! پس به آن ، استمرار بخشید» .

الإمام الكاظم عليه السلام\_ لِرَجُلٍ شَكَا إِلَيْهِ كَثْرَةَ الْعِيَالِ وَكُلُّهُمْ مَرَضَى \_ :داوؤهم بِالصَّدَقَةِ ؛ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ إِجَابَةً مِنَ الصَّدَقَةِ وَلَا أَجْدَى مَنفَعَةً عَلَى الْمَرِيضِ مِنَ الصَّدَقَةِ . (1)

---

1- .طبّ الأئمّة لابني بسطام : ص 123 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 265 ح 30 .

امام کاظم علیه السلام به مردی که از فراوانی نائخورانش ، که همه بیمار بودند ، شکایت داشت \_ آنان را با صدقه ، درمان کن . هیچ چیزی زودتر از صدقه ، جواب نمی دهد و هیچ چیزی بیش از صدقه ، برای بیمار ، سودبخش نیست.

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إتَّقُوا اللَّهَ وَأَخْرِجُوا حَقَّ اللَّهِ مِمَّا فِي أَيْدِيكُمْ ، يُبَارِكُ اللَّهُ لَكُمْ فِي بَاقِيهِ وَتَرَكَوْا . (1)

6 / 3 الإطعامُ رسول الله صلى الله عليه وآله : الرِّزْقُ إِلَى مُطْعِمِ الطَّعَامِ أَسْرَعُ مِنَ السَّكِينِ إِلَى ذِرْوَةِ البَعِيرِ ، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَاهِي بِمُطْعِمِ الطَّعَامِ المَلَائِكَةَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا عَلَى جَوْعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ القِيَامَةِ مِنْ ثِمَارِ الجَنَّةِ . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : مِنْ مَوْجِبَاتِ مَغْفِرَةِ الرَّبِّ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِطْعَامُ الطَّعَامِ . (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ لَقِمَ أَخَاهُ لُقْمَةً حَلَوَاءَ وَلَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مَخَافَةً مِنْ شَرِّهِ ، وَلَا رَجَاءً لِخَيْرِهِ صَدَقَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ بَلْوَى فِي القِيَامَةِ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ اهْتَمَّ بِجَوْعَةِ أَخِيهِ المُسْلِمِ فَأَطْعَمَهُ حَتَّى يَشْبَعَ ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَسَقَاهُ حَتَّى يَرَوَاهُ . (6)

1- .فقه الرضا : ص 294 .

2- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 171 عن عبد الله بن مسعود .

3- .سنن الترمذي : ج 4 ص 633 ح 2449 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 29 ح 11101 ، السنن الكبرى : ج 4 ص 311 ح 7805 ، مسند أبي يعلى : ج 2 ص 38 ح 1106 كلَّها عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج 15 ص 826 ح 43286 ؛ الكافي : ج 2 ص 201 ح 5 ، الأمالي للمفيد : ص 9 ح 5 ، ثواب الأعمال : ص 164 ح 2 كلَّها عن أبي حمزة الشمالي عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، المؤمن : ص 63 ح 161 عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 74 ص 382 ح 88 .

4- .الكافي : ج 4 ص 52 ح 11 ، المحاسن : ج 2 ص 146 ح 1382 كلاهما عن موسى بن بكر ، بحار الأنوار : ج 74 ص 361 ح 12 .

5- .تاريخ بغداد : ج 4 ص 85 الرقم 1719 عن أنس .

6- .مسند أبي يعلى : ج 3 ص 378 ح 3407 عن أنس ، كنز العمال : ج 6 ص 424 ح 16376 .

## 6 / 3 اطعام

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: از خدا پروا کنید . آنچه را از حق خدا در دست شماست ، بپردازید تا خداوند به آنچه باقی می ماند ، برکت دهد و خودتان هم پاك شوید.

6 / 3 اطعام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : [ حرکت ] روزی به سوی اطعام کننده ، سریع تر از [ فرورفتن ] چاقو در کوهان شتر است و خداوند متعال بر فرشتگان ، به [ وجود ] اطعام کننده ، مباحثات می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر مؤمنی که مؤمن گرسنه ای را اطعام کند ، خداوند ، روز قیامت ، او را از میوه های بهشتی می خوراند .

امام کاظم علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، پیوسته می فرمود : «طعام دادن ، از موجبات آمرزش پروردگار \_ تبارک و تعالی \_ است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به برادرش لقمه ای شیرین بخوراند و این [ کارش ] به خاطر ترس از گزند او یا به طمع خیر او نباشد ، خداوند در روز قیامت ، هفتاد گرفتاری را از او بر می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به فکر گرسنگی برادر مسلمانش باشد و به او غذا دهد تا سیر شود ، خداوند ، او را می آمرزد و سیرایش می کند.

الكافي عن محمد بن قيس عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ذَكَرَ أَصْحَابُنَا قَوْمًا قُفِلَتْ: وَاللَّهِ مَا أَتَغَدَّى وَلَا أَتَعَشَّى إِلَّا وَمَعِيَ مِنْهُمْ اثْنَانِ أَوْ ثَلَاثَةٌ، أَوْ أَقَلُّ أَوْ أَكْثَرُ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَضَلُّهُمْ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، كَيْفَ ذَا وَأَنَا أُطْعِمُهُمْ طَعَامِي وَأُنْفِقُ عَلَيْهِمْ مِنْ مَالِي وَيَخْدِمُهُمْ خَادِمِي؟! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا دَخَلُوا عَلَيْكَ دَخَلُوا مِنَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلَّ بِالرِّزْقِ الْكَثِيرِ، وَإِذَا خَرَجُوا خَرَجُوا بِالْمَغْفِرَةِ لَكَ. (1)

6 / 4 صِلَةُ الرَّحِمِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ لَتَرْيِدُ فِي الرِّزْقِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صَدَّ مِنْ لِي وَاحِدَةً صَدَّ مِنْتُ لَهُ أَرْبَعَةٌ: يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَجِبُ اللَّهُ، وَيُوسِّعُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ، وَيَزِيدُ فِي عُمُرِهِ، وَيُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَهُ. (3)

6 / 5 صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تُدْرِي النِّعْمَاءَ وَتَدْفَعُ الْبَلَاءَ. (4)

- 1- الكافي: ج 6 ص 284 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 148 ح 1391، الأمالي للطوسي: ص 237 ح 419 كلاهما عن أبي محمد الوائلي، بحار الأنوار: ج 74 ص 375 ح 71 وص 384 ح 97.
- 2- دعائم الإسلام: ج 2 ص 331 ح 1249، الكافي: ج 2 ص 157 ح 33 عن حسين بن عثمان عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 505 ح 2 عن سعيد بن علقمة، مشكاة الأنوار: ص 230 ح 645، جامع الأخبار: ص 344 ح 953، روضة الواعظين: ص 499 والأربعة الأخيرة عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 314 ح 1 وص 315 ح 2.
- 3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 37 ح 93 عن أحمد بن عامر الطائي وأحمد بن عبد الله الهروي وداود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 114 ح 73 عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، روضة الواعظين: ص 426، بحار الأنوار: ج 74 ص 92 ح 16.
- 4- غرر الحكم: ج 4 ص 205 ح 5840، عيون الحكم والمواعظ: ص 301 ح 5346 وفيه «مواقع البلاء».

## 6 / 5 انجام دادن کارهای نیک

الکافی\_ به نقل از محمد بن قیس \_ شیعیان [در محضر امام صادق علیه السلام] ، از گروهی یاد کردند . گفتم : به خدا سوگند ، هیچ صبح و شامی غذا نمی خورم ، مگر آن که از آنان دو یا سه نفر ، یا کم تر و یا بیشتر ، با من اند . امام علیه السلام فرمود : «نیکی آنان به تو ، بیش از احسان تو بر آنان است» . گفتم : فدایت شوم! چگونه؟ این منم که از طعام خود به آنان می دهم و از مالم به آنان می بخشم و خدمت گزار من [ است که ] به آنان خدمت می کند! فرمود : «وقتی پیش تو می آیند ، با روزی فراوان خدا ، بر تو وارد می شوند و چون می روند ، همراه با آمرزش تو ، بیرون می روند» .

6 / 4 صله رحم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به یقین ، صله رحم ، روزی را می افزاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که يك چیز را برای من ضمانت کند ، من چهار چیز را برای او ضمانت می کنم : کسی که به بستگان خود رسیدگی کند ، خدا دوستش می دارد ، روزی اش را می افزاید ، عمرش را طولانی می کند ، و او را به بهشتی که وعده داده ، وارد می نماید .

6 / 5 کارهای نیک امام علی علیه السلام : انجام دادن کارهای نیک ، نعمت را سرشار می سازد و بلا را دور می کند .



رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْسَ عَبْدٌ يَفْتَحُ بَابَ عَطِيَّةٍ يَبْتَغِي وَجَهَ اللَّهِ أَوْ صِلَةَ إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ بِهَا كَثْرَةً. (1)

راجع: ص 380 (ما يوجب بركة العمر / صنائع المعروف).

6 / 6 القصدُ رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ، وَمَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْقَصْدَ يورِثُ الْغِنَى. (3)

6 / 7 النَّظَافَةُ رسول الله صلى الله عليه وآله: حَيَّ عَلَيَّ الظُّهُورِ الْمُبَارِكِ، وَالْبَرَكَتَةُ مِنَ اللَّهِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: غَسَلُ الْإِنَاءِ وَطَهَارَةُ الْفِنَاءِ يورِثَانِ الْغِنَاءَ. (5)

1- المعجم الأوسط: ج 7 ص 190 ح 7239، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 434 ح 9630 وفيه «يريد بها صلة» بدل «يبتغي وجه الله أو صلة»، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 3 ص 234 ح 3413 وفيه «لصدقة أو صلة» بدل «يبتغي وجه الله أو صلة» وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 3 ص 643 ح 8304.

2- الكافي: ج 2 ص 122 ح 3 عن عبد الرحمن بن الحجاج عن الإمام الصادق عليه السلام وج 4 ص 54 ح 12 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الزهد للحسين بن سعيد: ص 124 ح 151 عن عبد الرحمن بن الحجاج عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، تحف العقول: ص 46، دعائم الإسلام: ج 2 ص 116 ح 385 وص 255 ح 967، بحار الأنوار: ج 75 ص 126 ح 25.

3- الكافي: ج 4 ص 53 ح 8، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 174 ح 3659 كلاهما عن عبيد بن زرارة.

4- صحيح البخاري: ج 3 ص 1312 ح 3386، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 185 ح 4393، سنن الدارمي: ج 1 ص 20 ح 29، سنن النسائي: ج 1 ص 60 وليس فيه «المبارك» وكلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 9 ص 399 ح 26675.

5- تاريخ بغداد: ج 12 ص 92 الرقم 6509 عن أنس، كنز العمال: ج 9 ص 277 ح 26004.

**6 / 6 میانه روی**

**6 / 7 نظافت**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که به خاطر خدا، در بخششی را بگشاید یا صله رحم کند، مگر آن که خداوند، او را افزونی می بخشد.

ر. ک: ص 381 (آنچه موجب برکت عمر است / انجام دادن کارهای نیک).

6 / 6 میانه روی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که در زندگانی اش میانه روی کند، خداوند، روزی اش می دهد؛ و هر کس ولخرجی کند، خداوند، محرومش می سازد.

امام صادق علیه السلام: میانه روی، بی نیازی می آورد.

6 / 7 نظافت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بشتاب به سوی پاک کننده برکت آفرین؛ و البته برکت، از خداست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن ظرف ها و تمیزی جلوی خانه، بی نیازی می آورند.

عنه صلى الله عليه وآله: تُرْفَعُ الْبِرْكَةُ مِنَ الْبَيْتِ إِذَا كَانَتْ فِيهِ الْكُنَاسَةُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: غَسَلُ الْإِنَاءِ وَكَسْحُ الْفِنَاءِ مَجْلَبَةٌ لِلرِّزْقِ . (2)

8/6 النُّكَاخُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اِتَّمِسُوا الرِّزْقَ بِالنُّكَاخِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ؛ فَإِنَّهُنَّ يَأْتِيَنَّكُمْ بِالْمَالِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: اِتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقُ لَكُمْ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَشَكَا إِلَيْهِ الْحَاجَةَ، فَقَالَ: تَزَوَّجْ، فَتَزَوَّجَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ . (6)

الكافي عن إسحاق بن عمّار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَدِيثُ الَّذِي يَرَوِيهِ النَّاسُ حَقٌّ؛ أَمْ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَشَكَا إِلَيْهِ الْحَاجَةَ، فَأَمَرَهُ بِالتَّزْوِيجِ، فَفَعَلَ، ثُمَّ أَتَاهُ فَشَكَا إِلَيْهِ الْحَاجَةَ، فَأَمَرَهُ بِالتَّزْوِيجِ، حَتَّى أَمَرَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ، هُوَ حَقٌّ. ثُمَّ قَالَ: الرِّزْقُ مَعَ النِّسَاءِ وَالْعِيَالِ . (7)

1- .كنز العمال: ج 15 ص 402 ح 41560 نقلاً عن الفردوس عن أنس .

2- .الخصال: ص 54 ح 73 عن محمد بن مروان، الدعوات: ص 143 ح 370، روضة الواعظين: ص 339، بحار الأنوار: ج 76 ص 176 ح 7 وص 316 ح 3 .

3- .مكارم الأخلاق: ج 1 ص 430 ح 1459؛ الكشف: ج 3 ص 74، الفردوس: ج 1 ص 88 ح 282 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 16 ص 276 ح 44436 .

4- .المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 174 ح 2679، تاریخ بغداد: ج 9 ص 147 الرقم 4759، الفردوس: ج 2 ص 50 ح 2290، كنز العمال: ج 16 ص 275 ح 44431 وص 492 ح 45607 نقلاً عن ابن عساکر وكلّها عن عائشة؛ مكارم الأخلاق: ج 1 ص 430 ح 1462 .

5- .الكافي: ج 5 ص 329 ح 6، قرب الإسناد: ص 20 ح 68 كلاهما عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 239 ح 1046 عن ابن أبي القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 383 ح 4345، بحار الأنوار: ج 103 ص 217 ح 1 .

6- .الكافي: ج 5 ص 330 ح 2، عوالي اللآلي: ج 3 ص 281 ح 3 كلاهما عن هشام بن سالم، درر الأحاديث النبويّة: ص 44 نحوه؛ تاريخ بغداد: ج 1 ص 365 الرقم 307 عن جابر نحوه .

7- .الكافي: ج 5 ص 330 ح 4، عوالي اللآلي: ج 3 ص 281 ح 4 .

## 6 / 8 ازدواج

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خانه ای که در آن خاکروبه باشد، برکت برداشته می شود.

امام صادق علیه السلام: شستن ظرف ها و جارو کردن جلوی خانه ، روزی آور است.

6 / 8 ازدواج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزی را با ازدواج بجوئید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با زنان ازدواج کنید ؛ چرا که آنان برایتان ثروت به بار می آورند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همسر انتخاب کنید ؛ چرا که برایتان روزی آورتر است.

امام صادق علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از نیازمندی [اش] شکایت کرد . ایشان فرمود : «ازدواج کن» . وی ازدواج کرد و زندگی اش وسعت یافت.

الکافی\_ به نقل از اسحاق بن عمّار \_ : به امام صادق علیه السلام گفتم : آیا [این] حدیثی که مردم ، روایت می کنند که : «مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از نیازمندی [اش] شکایت کرد . ایشان او را به ازدواج فرمان داد و او ازدواج کرد . دیگر بار آمد و از نیازمندی [اش] شکایت کرد . پیامبر صلی الله علیه و آله باز هم دستور به ازدواج داد ، تا سه بار» ، درست است؟ امام صادق علیه السلام فرمود : «آری ، درست است» . سپس فرمود : «روزی ، با زنان و نانخوران ، همراه است» .

6 / 9 مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ الْتَّاصِحِ يَمُنْ وَبِرَكَّةٍ وَرُشْدٌ وَتَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ . (1)

تفسير العياشي عن علي بن مهزيار: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ: سَلْنَا أَنْ يُشِيرَ عَلَيَّ وَيَتَخَيَّرَ لِنَفْسِهِ؛ فَهُوَ يَعْلَمُ مَا يَجُوزُ فِي بَلَدِهِ، وَكَيْفَ يُعَامِلُ السَّلَاطِينَ؛ فَإِنَّ الْمَشُورَةَ مُبَارَكَةٌ، قَالَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (2)، فَإِنْ كَانَ مَا يَقُولُ مِمَّا يَجُوزُ كُنْتُ أَصَوَّبُ رَأْيَهُ، وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ رَجَوْتُ أَنْ أَضِدَّ عَهُ عَلَيَّ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ . (3)

6 / 10 عِيَادَةُ الْمَرِيضِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَائِدُ الْمَرِيضِ يَخُوضُ فِي الْبِرَكَّةِ، فَإِذَا جَلَسَ انْغَمَسَ فِيهَا . (4)

مسند ابن حنبل عن أنس: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَيُّمَا رَجُلٍ يَعُودُ مَرِيضًا فَإِنَّمَا يَخُوضُ فِي الرَّحْمَةِ، فَإِذَا فَعَدَ عِنْدَ الْمَرِيضِ عَمَرَتَهُ الرَّحْمَةُ. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا لِلصَّحِيحِ الَّذِي يَعُودُ الْمَرِيضَ فَالْمَرِيضُ مَا لَهُ؟ قَالَ: تُحَطُّ عَنْهُ ذُنُوبُهُ . (5)

1- تحف العقول: ص 398، المحاسن: ج 2 ص 438 ح 251 عن منصور بن حازم عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه «بركة» .

2- آل عمران: 159 .

3- تفسير العياشي: ج 1 ص 204 ح 147، بحار الأنوار: ج 75 ص 103 ح 34 .

4- كنز الفوائد: ج 1 ص 379 عن جابر بن عبد الله الأنصاري، بحار الأنوار: ج 81 ص 224 ح 33 .

5- مسند ابن حنبل: ج 4 ص 347 ح 12782، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 6 ص 533 ح 9181 و ح 9179 عن جابر بن عبد الله نحوه،

المعجم الأوسط: ج 8 ص 353 ح 8851 وفيه إلى «عمرته الرحمة»، كنز العمّال: ج 9 ص 95 ح 25145؛ الأماشي للطوسي: ص

182 ح 306 عن أبي قلابة وفيه إلى «عمرته الرحمة»، بحار الأنوار: ج 81 ص 215 ح 6 .

**6 / 9 مشورت با خردمند****6 / 10 عیادت بیمار**

6 / 9 مشورت با خردمند امام کاظم علیه السلام: مشورت با خردمند خیر خواه، خجستگی و برکت و رشد و توفیقی از سوی خداست.

تفسیر العیاشی\_ به نقل از علی بن مهزیار\_ : امام جواد علیه السلام به من چنین نگاشت : «از فلانی بخواه که به من نظر مشورتی بدهد و برای خویش [نیز مشاورانی] برگزیند؛ چرا که او می داند چه چیز در سرزمینش مجاز است و با حاکمان، چگونه رفتار کند. همانا مشورت، برکت دارد. خداوند در قرآن به پیامبرش فرموده است: «از آنان در گذر و برای آنان آمرزش بخواه و در کار، با آنان مشورت کن. پس چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن. خداوند، توکل کنندگان را دوست می دارد». پس اگر آنچه می گوید، روا بود، رأی او را درست می شمارم و اگر جز این باشد، امیدوارم آن را به خواست خدا، بر روش و راه روشن، قرار دهم».

6 / 10 عیادت بیمار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیادت کننده بیمار، در برکت وارد می شود و چون نزد بیمار بنشیند، در آن فرو می رود.

مسند ابن حنبل\_ به نقل از انس\_ : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «هر کس، بیماری را عیادت کند، در رحمت وارد می شود و چون نزد بیمار بنشیند، رحمت، او را فرا می گیرد». پرسیدم: ای پیامبر خدا! این، پاداش [شخص] تن درستی است که از بیمار، عیادت می کند. برای بیمار چیست؟ فرمود: «گناهانش فرو می ریزد».

رسول الله صلى الله عليه وآله: خُطِيَ عَائِدِ السَّقِيمِ فِي مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّقِيمِ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ . (1)

مسند ابن حنبل عن أبي فاخنة: عاد أبو موسى الأشعري الحسن بن علي، فدخل علي عليه السلام فقال: أعاندا جئت يا أبا موسى أم زائرا؟ فقال: يا أمير المؤمنين، لا بل عاندا، فقال علي عليه السلام: فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «ما عاد مسلما إلا صلى عليه سبعون ألف مَلَكٍ من حين يُصبحُ إلى أن يُمسي، وجعل الله تعالى له خريفا في الجنة». قال: فقلنا: يا أمير المؤمنين، وما الخريف؟ قال: الساقية التي تسقي النخل. (2)

11 / 6 التَّسَاهُلُ فِي الْبَيْعِ وَالشُّرَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْبَرَكَةُ فِي الْمُمَاسَحَةِ (3) . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: بَارَكَ اللَّهُ عَلَى سَهْلِ الْبَيْعِ، سَهْلِ الشُّرَاءِ، سَهْلِ الْقَضَاءِ، سَهْلِ الْإِقْتِضَاءِ . (5)

1- الفردوس: ج 2 ص 193 ح 2962 عن أبي هريرة .

2- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 197 ح 702 .

3- تَمَاسَحَ الْقَوْمُ إِذَا تَبَايَعُوا فَتَصَافَقُوا (لسان العرب: ج 2 ص 593 «مسح»).

4- السنن الكبرى: ج 6 ص 59 ح 11189، المراسيل: ص 130 ح 6 كلاهما عن محمد بن سعد، المصنف لابن أبي شيبة: ج 5 ص 280 ح 1 عن محمد بن سعيد، كنز العمال: ج 4 ص 46 ح 9435 .

5- تهذيب الأحكام: ج 7 ص 18 ح 79 عن حنان عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام .

**6 / 11 آسان گرفتن در داد و ستد**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گام های عیادت کننده بیمار، در فاصله ای که تا بیمار دارد، در بوستان های بهشت است.

مسند ابن حنبل\_ به نقل از ابو فاخته \_: ابو موسی اشعری به عیادت حسن بن علی علیه السلام رفت. امام علی علیه السلام وارد شد و فرمود: «ای ابو موسی! به عیادت آمده ای، یا به دیدار؟». گفت: ای امیر مؤمنان! به عیادت آمده ام. علی علیه السلام فرمود: «از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هیچ مسلمانی مسلمان دیگر را عیادت نمی کند، مگر آن که هفتاد هزار فرشته، از صبح تا شام، بر او درود می فرستند و خداوند برای او خریفی در بهشت قرار می دهد». پرسیدیم: ای امیر مؤمنان! خریف چیست؟ فرمود: «آبراهی که نخل را آبیاری می کند».

6 / 11 آسان گرفتن در داد و ستد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برکت، در آسان گرفتن است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا برکت دهد به کسی که در خرید و فروش و قرض دادن و مطالبه کردن [طلبش] آسانگیر است.



الإمام عليّ عليه السلام\_ مُنادياً في أسواقِ الكوفةِ \_ :يا مَعْشَرَ التُّجَّارِ ... قَدِّمُوا الإِسْتِخَارَةَ ، وَتَبَرَّكُوا بِالسَّهْوَلَةِ . (1)

6 / 12 كَيْلُ الطَّعَامِ رسول الله صلى الله عليه وآله : كيلوا طَعَامَكُمْ يُبَارِكْ لَكُمْ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : كيلوا طَعَامَكُمْ ؛ فَإِنَّ الْبَرَكََةَ فِي الطَّعَامِ الْمَكِيلِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : شَكَأ قَوْمٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سُرْعَةَ نَفَادِ طَعَامِهِمْ ، فَقَالَ : تَكِيلُونَ أَوْ تَهِيلُونَ؟ قَالُوا : نَهَيْلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ \_ يَعْنِي الْجُرَافَ \_ قَالَ : كِيلُوا وَلَا تَهِيلُوا ؛ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِلْبَرَكََةِ . (4)

الكافي عن مسمع : قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا أَبَا سَيَّارٍ ، إِذَا أَرَادَتِ الْخَادِمَةُ أَنْ تَعْمَلَ الطَّعَامَ فَمُرْهَا فَلْتَكِلْهُ ؛ فَإِنَّ الْبَرَكََةَ فِي مَا كِيلَ . (5)

1- .الكافي : ج 5 ص 151 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 6 ح 17 كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 193 ح 3726 ، الأمالي للصدوق : ص 587 ح 809 عن محمد بن قيس عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 103 ص 94 ح 10 .

2- .صحيح البخاري : ج 2 ص 749 ح 2021 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 92 ح 17177 كلاهما عن المقدم بن معديكرب ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 750 ح 2231 عن عبد الله بن بسر ، المعجم الكبير : ج 4 ص 121 ح 3859 عن أبي أيوب الأنصاري وزاد فيهما «لكم فيه» ، كنز العمال : ج 4 ص 46 ح 9433 .

3- .الكافي : ج 5 ص 167 ح 2 عن حفص بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 267 ح 3965 ، الجعفریات : ص 160 ، جامع الأحاديث للقمي : ص 108 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ؛ كنز العمال : ج 4 ص 46 ح 9434 نقلاً عن ابن النجار عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله .

4- .الكافي : ج 5 ص 167 ح 1 عن يونس بن يعقوب ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 163 ح 722 عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم عليه السلام .

5- .الكافي : ج 5 ص 167 ح 3 .

**6 / 12 پیمانۀ کردن گندم**

امام علی علیه السلام در بازارهای کوفه بانگ می زد: ای پیشه‌وران! ... تجارت را با طلب خیر، آغاز کنید و با آسان‌گیری، برکت یابید.

6 / 12 پیمانۀ کردن گندم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گندم خود (1) را پیمانۀ کنید تا برکت بیاورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گندم خود را پیمانۀ کنید؛ چرا که برکت، در گندم پیمانۀ شده است.

امام صادق علیه السلام: گروهی، از زود تمام شدن گندم خود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کردند. فرمود: «آیا پیمانۀ می‌کنید، یا بی پیمانۀ می‌ریزید؟». گفتند: ای پیامبر خدا! بی پیمانۀ و گزاف. فرمود: «پیمانۀ کنید و بی حساب نریزید؛ چرا که این، بیشتر برکت دارد».

الکافی\_ به نقل از مسمع\_: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای ابو سیّار! هر گاه خدمت گزار تو می‌خواهد غذا درست کند، بگو پیمانۀ کند؛ چرا که برکت، در چیزی است که پیمانۀ می‌شود».

---

1- .. در متن عربی، کلمه «طعام» است که در زبان عربی، به معنای «موادّ خوراکی» و نیز به معنای «گندم» است و مقصود از پیمانۀ کردن گندم و موادّ خوراکی، اندازه‌گیری آن در وقت مصرف و هنگام خرید و فروش است.

6 / 13 إعطاء الزيادة للمُشترِبِ بالإمام الصادق عليه السلام: مرَّ أمير المؤمنين عليه السلام على جاريةٍ قد اشتريتَ لحما من قصابٍ وهي تقولُ: زدني، فقالَ له أمير المؤمنين - صلواتُ الله عليه - : زدها؛ فإنه أعظمُ للبركة. (1)

6 / 14 الاجتماعُ على الطعامِ رسول الله صلى الله عليه وآله: كلوا جميعاً ولا تفرّقوا؛ فإنَّ البركةَ مع الجماعة. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: اجتمعوا على طعامكم، واذكروا اسمَ الله عليه، يُبارك لكم فيه. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من مائدةٍ أعظمُ بركةً من مائدةٍ جلسَ عليها يتيمٌ. (4)

1- الكافي: ج 5 ص 152 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 7 ح 20 كلاهما عن السكوني، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 196 ح 3736 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 41 ص 129 ح 39؛ فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 2 ص 621 ح 1063 عن أبي الوضّاح الشيباني عن رجل.

2- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1094 ح 3287، مشكاة المصابيح: ج 2 ص 459 ح 4257، الفردوس: ج 3 ص 242 ح 4711 كلّها عن عمر، كنز العمال: ج 15 ص 235 ح 40724؛ طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 3 وفيه «... فإنَّ الجماعة في البركة»، بحار الأنوار: ج 62 ح 291.

3- سنن أبي داود: ج 3 ص 346 ح 3764، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1093 ح 3286، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 441 ح 16078، صحيح ابن حبان: ج 12 ص 28 ح 5224، المستدرک على الصحيحين: ج 2 ص 113 ح 2500، السنن الكبرى: ج 5 ص 424 ح 10359 كلّها عن وحشي بن حرب، كنز العمال: ج 15 ص 233 ح 40715؛ مكارم الأخلاق: ج 1 ص 319 ح 1020، بحار الأنوار: ج 66 ص 349 ح 10.

4- الفردوس: ج 4 ص 46 ح 6144 عن أنس، كنز العمال: ج 3 ص 177 ح 6040.

**6 / 13 بیشتر دادن به مشتری**

**6 / 14 غذا خوردن دسته جمعی**

6 / 13 بیشتر دادن به مشتری امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام بر کنیزی گذشت که از قصاب، گوشتی خریده بود و به قصاب می گفت: بیشتر بده. امیر مؤمنان علیه السلام به آن مرد فرمود: «بیشتر بده، که برکتش زیادتر می شود».

6 / 14 غذا خوردن دسته جمعی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با هم بخورید و پراکنده نشوید؛ چرا که برکت، با جماعت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با هم غذا بخورید و هنگام خوردن، نام خدا را ببرید تا خداوند در آن، به شما برکت دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ سفره ای با برکت تر از سفره ای نیست که یتیمی بر آن نشسته باشد.

6 / 15 تِلْكَ الْأُمُورُ سَوَّلَ اللَّهُ صَليَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَخَتَّمُوا بِالْعَقِيقِ؛ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: السَّحُورُ بَرَكَةٌ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الْجَمَاعَةُ بَرَكَةٌ، وَالسَّحُورُ بَرَكَةٌ، وَإِطْعَامُ مَنْ اللَّيْلِ بَرَكَةٌ. تَسَحَّرُوا تَزَادُوا قُوَّةً، تَسَحَّرُوا تُصِيبُوا السُّنَّةَ، تَسَحَّرُوا وَلَوْ بِجُرْعَةٍ مِنْ مَاءٍ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: الْبَرَكَةُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي الْجَمَاعَةِ، وَالثَّرِيدِ، وَالسَّحُورِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلْيُجِبْ؛ فَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيَأْكُلْ، وَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيَدْعُ بِالْبَرَكَةِ. (5)

الإمام عليّ عليه السلام في الحكيم المنسوبة إليه: إِذَا أَتَى عَلَيَّ يَوْمٌ لَا أَزْدَادُ فِيهِ عَمَلًا يَقْرُبُنِي إِلَى اللَّهِ، فَلَا بورك لي في طُلُوعِ شَمْسٍ ذَلِكَ الْيَوْمِ. (6)

1- الكافي: ج 6 ص 470 ح 3 عن عبد الرحمن بن زيد بن أسلم التنوخي (التنوخي) عن الإمام الصادق عليه السلام؛ شَعَبَ الْإِيمَانُ: ج 5 ص 201 ح 6357، تاريخ بغداد: ج 11 ص 251 الرقم 600، الفردوس: ج 2 ص 57 ح 2323 كلّها عن عائشة، كنز العمال: ج 6 ص 663 ح 17285.

2- الكافي: ج 4 ص 95 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 198 ح 568 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 135 ح 1957، مصباح المتهجد: ص 626 عن عمر بن جميع عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، دعائم الإسلام: ج 1 ص 271 عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 96 ص 311 ح 4؛ صحيح البخاري: ج 2 ص 679 ح 1823، صحيح مسلم: ج 2 ص 770 ح 45، سنن الترمذي: ج 3 ص 88 ح 708، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 540 ح 1692 وفيها «إِنَّ فِي السَّحُورِ بَرَكَةً» وكلّها عن أنس، كنز العمال: ج 8 ص 524 ح 23966.

3- تيسير المطالب: ص 282 عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام.

4- المعجم الكبير: ج 6 ص 251 ح 6127، شَعَبَ الْإِيمَانُ: ج 6 ص 68 ح 7520، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 82 كلّها عن سلمان، كنز العمال: ج 15 ص 234 ح 40718؛ طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ص 12، بحار الأنوار: ج 62 ص 291.

5- المعجم الكبير: ج 10 ص 231 ح 10563 عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 9 ص 254 ح 25910.

6- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 288 ح 297.

## 6 / 15 و این چند کار

6 / 15 و این چند کار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : انگشتر عقیق به دست کنید، که دارای برکت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سَحَری ، برکت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جماعت، برکت است. سَحَری، برکت است. اطعام [ در ] شب، برکت است. سحری بخورید تا نیرویتان زیاد شود. سحری بخورید تا به سنّت، عمل کرده باشید. سحری بخورید، هر چند يك جرعه آب باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برکت، در سه چیز است : در جماعت، در ترید (آب گوشت)، و در سَحَری.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما را به غذایی دعوت کردند، اجابت کند : اگر روزه نیست، بخورد و اگر روزه است، دعا کند که برکت یابد.

امام علی علیه السلام\_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : اگر روزی بر من آید که در آن، کاری نکنم که مرا به خدا نزدیک سازد، طلوع خورشید آن روز، بر من مبارك مباد!

الخصال عن سعيد بن علاقة: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ... أَلَا أُنبِّئُكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَالتَّعْقِيبُ بَعْدَ الْغَدَاةِ وَبَعْدَ الْعَصْرِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَصِيْلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَكَسْحُ الْفِنَاءِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَمُؤَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَالْبُكُورُ فِي طَلَبِ الرَّزْقِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَالْإِسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَاسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَقَوْلُ الْحَقِّ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَإِجَابَةُ الْمُؤَدَّنِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَتَرْكُ الْكَلَامِ فِي الْخَلَاءِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَتَرْكُ الْحَرَصِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَشُكْرُ الْمُنْعَمِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَاجْتِنَابُ الْيَمِينِ الْكَاذِبَةِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ، وَأَكْلُ مَا يَسْقُطُ عَنِ الْخِوَانِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ. وَمَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ أَيْسَرُهَا الْفَقْرُ. (1)

1- الخصال: ص 505 ح 2، مشكاة الأنوار: ص 230 ح 645، جامع الأخبار: ص 343 ح 953، روضة الواعظين: ص 499 وفيه «كسح القاذورات» بدل «كسح الفناء» بحار الأنوار: ج 76 ص 314 ح 1.

الخصال\_ به نقل از سعید بن علاقه \_ شنیدم که امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام، می فرمود: «... سپس، آیا به شما خبر ندهم که چه چیز، روزی را می افزاید؟». گفتند: چرا، ای امیر مؤمنان! فرمود: «دو نماز را با هم خواندن، (1) روزی را می افزاید. تعقیب خواندن بعد از نماز صبح و عصر، روزی را می افزاید. صلۀ رحم، روزی را می افزاید. جارو کردن درگاه خانه، روزی را می افزاید. کمک مالی کردن به برادر ایمانی، روزی را می افزاید. صبح زود در پی روزی رفتن، روزی را می افزاید. استغفار، روزی را می افزاید. امانتداری، روزی را می افزاید. گفتن حق، روزی را می افزاید. پاسخ دادن به مؤذن، روزی را می افزاید. حرف نزدن در خلا (دستشویی)، روزی را می افزاید. حرص نداشتن، روزی را می افزاید. سپاس گزاری از صاحب نعمت، روزی را می افزاید. پرهیز از سوگند خوردن دروغ، روزی را می افزاید. وضو گرفتن پیش از غذا، روزی را می افزاید. خوردن آنچه از سفره می ریزد، روزی را می افزاید. هر کس هر روز، خدا را سی بار تسبیح کند، خداوند، هفتاد گونه بلا را از او می گرداند، که ساده ترین آنها، تهی دستی است».

---

1- .. منظور، دو نمازی است که در يك وقت معین، خوانده می شوند؛ مانند: نماز ظهر و عصر.



الفصل السابع : أناس ذوو بركة 7 / 1 الأنبياء عليهم السلام الكتاب «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأُمَّمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ». (1)

«قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ». (2)

«وَيَارِكُنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ». (3)

«فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». 4

---

1- هود: 48 .

2- هود: 73 .

3- الصافات: 113 .

## فصل هفتم : انسان های با برکت

## 7 / 1 پیامبران علیهم السلام

فصل هفتم : انسان های با برکت 7 / 1 پیامبرانقرآن«گفته شد : ای نوح! با ایمنی از سوی ما و برکت هایی بر تو ، بر امت هایی از کسانی که با تو آمد ، فرود آی ، و امت هایی هستند که به زودی ، آنان را برخوردار می کنیم ، سپس از ما عذابی دردناک به آنان می رسد» .

«گفتند : آیا از کار خدا تعجب می کنی؟ رحمت و برکت های خدا بر شما خاندان باد! همانا او ستوده و شکوهمند است» .

«و بر او و بر اسحاق، برکت دادیم و از فرزندان آن دو ، [کسانی] نیکوکار ، و [کسانی] آشکارا ستمگر به خویشان بودند» .

«چون [موسی] نزد آن (کوه طور) آمد ، ندا داده شد که : هر که در آن آتش ، و هر که اطراف آن است ، برکت یافته است ، (1) و خدا ، پروردگار جهانیان ، منزه است»

---

1- .. مقصود از «برکت یافته است» ، «یافتن خیر بسیار» است . «به کسی برکت داد» ، یعنی : «خیر فراوان به او رساند» . در سوره طه در باره همین جای داستان آمده است : «چون نزد آن آتش آمد ، ندا داده شد : ای موسی! منم پروردگارت . پس کفش خود را از پای برون آور . تو در وادی مقدس طوی هستی و من ، تو را برگزیده ام . پس به آنچه وحی می شود ، گوش فرا بده» (طه : آیه 11 \_ 13) . از این ، بر می آید که مقصود از کسی که پیرامون آتش است ، موسی علیه السلام است یا او و کسان دیگری که پیرامون آتش بودند . و برکت یافته بودن او ، برگزیده شدن او پس از تقدیس اوست (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 15 ص 342) .

«وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في قول عيسى عليه السلام في الآية: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» قال: \_ جَعَلَنِي نَفَاعًا أَيْنَ اتَّجَهْتُ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» \_ مُعَلِّمًا وَمُؤَدِّبًا . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِي مَا وَعَظَ اللَّهُ \_ تَبَارَكَ وَتَعَالَى \_ بِهِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ: ... يَا عَيْسَى ، أَوْصِيكَ وَصِيَّةَ الْمُتَحَنِّنِ عَلَيْكَ بِالرَّحْمَةِ حِينَ حَقَّتْ لَكَ مِنْ نِيِّ الْوِلَايَةِ بِتَحْرِيكِ مَنِّي الْمَسْرَةَ ، فَبُورِكَتَ كَبِيرًا وَبُورِكَتَ صَغِيرًا حَيْثُمَا كُنْتَ . (4)

الإمام العسكري عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ \_ تَبَارَكَ وَتَعَالَى \_ لَمْ يُخَلِّ الْأَرْضَ مِنْذُ خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَلَا يُخَلِّيهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ؛ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ ، وَبِهِ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ ، وَبِهِ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ . (5)

2/7 خاتمة الأنبياء صلى الله عليه وآله وأهله وأصحابه من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا فَتَحَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَكَّةَ وَأَرْسَلَ رَسُولَهُ إِلَى ... نَصَارَى نَجْرَانَ ... فَلَمَّا أَتَتْهُمْ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَزِعُوا إِلَى بَيْعَتِهِمُ الْعُظْمَى ، وَكَانَ قَدْ حَضَرَ رَهُمُ أَبُو حَارِثَةَ أَسْفَفُهُمُ الْأَوَّلُ ... وَاسْتَخْرَجَ صَدِيقَهُ شَيْثَ الْأَتِي وَرِثَهَا مِنْ أَبِيهِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ فِيهَا \_ ... لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْحَيُّ الْقَيُّومُ ... خَلَقْتُ عِبَادِي لِعِبَادَتِي وَالزَّمَنُتُهُمْ حُجَّتِي . أَلَا إِنِّي بَاعْتُ فِيهِمْ رَسُولِي ، وَمُنَزَّلْتُ عَلَيْهِمْ كُتُبِي ، أُرِمَ ذَلِكَ مِنْ لَدُنِّ أَوَّلِ مَذْكُورٍ مِنْ بَشَرٍ ، إِلَى أَحْمَدَ نَبِيِّي وَخَاتَمِ رَسُولِي ، ذَلِكَ الَّذِي أَجْعَلُ عَلَيْهِ صَلَوَاتِي وَرَحْمَتِي ، وَأَسْأَلُكَ فِي قَلْبِهِ بَرَكَاتِي ، وَبِهِ أَكْمِلُ أَنْبِيَائِي ... وَجَعَلْتُ بَرَكَاتِي وَتَطَهَّرِي فِي عَقْبِهِ . (6)

1- .مریم : 31 .

2- .حلية الأولياء: ج 3 ص 25، معجم شيوخ الإسماعيلي: ص 126 ح 245 وفيه «أذهب» بدل «اتجهت»، الدر المنثور: ج 5 ص 509 نقلاً عن ابن لال في مكارم الأخلاق وابن مردويه وابن النجار في تاريخه وكلها عن أبي هريرة؛ الكافي: ج 2 ص 165 ح 11 ، معاني الأخبار: ص 212 ح 1 ، تفسير القمي: ج 2 ص 50 كلها عن عبد الله بن جبلة عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيها «أين اتجهت»، بحار الأنوار: ج 14 ص 210 ح 6 .

3- .الدر المنثور: ج 5 ص 509 نقلاً عن ابن عدي وابن عساكر عن ابن مسعود؛ نثر الدر: ج 1 ص 415 عن ابن عباس من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله .

4- .الأمالى للصدوق: ص 606 ح 841 عن أبي بصير ، الكافي: ج 8 ص 131 ح 103 عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تحف العقول: ص 496 ، بحار الأنوار: ج 14 ص 289 ح 14 .

5- .كمال الدين: ص 384 ح 1 ، إعلام الوری: ج 2 ص 248 كلاهما عن أحمد بن إسحاق بن سعد الأشعري ، بحار الأنوار: ج 52 ص 24 ح 16 .

6- .بحار الأنوار: ج 26 ص 310 ح 77 نقلاً عن كتاب تفضيل الأئمة على الأنبياء للحسن بن سليمان مرفوعاً إلى عدّة من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله منهم جابر بن عبد الله وأبو سعيد الخدري وآخرون .

## 7 / 2 خاتم پیامبران صلی الله علیه وآله

«و مرا، هر جا که باشم، مبارک قرار داد و مرا تا زنده ام، به نماز و زکات، سفارش کرد».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره سخن عیسی علیه السلام، در [این] آیه که گفت: «و مرا، هر جا که باشم، مبارک قرار داد» -  
: [یعنی] مرا به هر طرف که روی آورم، بسیار سودبخش قرار داد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این آیه: «و مرا، هر جا که باشم، مبارک قرار داد» - : [یعنی] معلّم و تربیت کننده [قرار داد].

امام صادق علیه السلام: در موعظه های خدای متعال به عیسی بن مریم علیه السلام، از جمله، این بود که به او فرمود: «... ای عیسی! تو را سفارش می کنم، سفارش کسی که با رحمت، نسبت به تو مهر ورزید، چندان که به سبب آن که پیوسته خواهان موجبات سرور من بودی، سزای من ولایت من گشتی. پس چه در بزرگ سالی و چه در خردسالی، هر جا که بودی، مبارک شدی».

امام عسکری علیه السلام: خداوند، از آن زمان که آدم علیه السلام را آفرید، تا زمانی که قیامت برپا شود، زمین را از حجّتی از جانب خدا بر بندگانش خالی نگذاشته است و نمی گذارد؛ [حجّتی] که به سبب او، بلا را از زمینیان، دور می سازد و به خاطر او، باران می فرستد و به خاطر او، برکت های زمین را بیرون می آورد.

7 / 2 خاتم پیامبران انوار - به نقل از جمعی از اصحاب پیامبر خدا - پیامبر صلی الله علیه و آله مگه را فتح کرد و فرستادگان خود را نزد ... نصاری نجران ... فرستاد. چون فرستادگان ایشان نزد آنان رفتند، آنان به کلیسای بزرگ خویش، پناه بردند. اُسقف بزرگشان، ابو حارثه، نزدشان بود. او، صحیفه شیث را که از پدرش آدم علیه السلام، به ارث برده بود، بیرون آورد. در آن، از جمله چنین بود: «... معبودی جز من، خدای زنده پاینده نیست ... . بندگانم را برای پرستش آفریدم و حجّت خویش را بر آنان حتمی ساختم. هلا! من، فرستادگانم را میان آنان بر می انگیزم و کتاب های خویش را بر آنان فرو می فرستم. این را از نخستین بشر یاد شده، تا احمد، پیامبر و آخرین فرستاده ام، استوار می کنم، همان که درودها و رحمتم را بر او قرار می دهم و برکت های خویش را در دلش راه می دهم و [زنجیره] پیامبرانم را با او کامل می سازم ... و برکت ها و طهارت بخشی خودم را در نسل او قرار داده ام».

رسول الله صلى الله عليه وآله: جُعِلَ فِي التُّبُوَّةِ وَالْبِرْكَةِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ ذَكَرَ فَسَمَّاهُ مُحَمَّدًا حُبًّا لِي وَتَبَرُّكًا بِاسْمِي كَانَ هُوَ وَمَوْلُودُهُ فِي الْجَنَّةِ. (2)

الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ أَفْضَلَ تِلْكَ الْكَرَامَةِ ... حَتَّى لَا يَكُونَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ ... أَقْرَبَ وَسِيلَةً مِنْ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - إِمَامِ الْخَيْرِ وَقَائِدِهِ، وَالِدَاعِي إِلَيْهِ، وَالْبِرْكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْعِبَادِ وَالْبِلَادِ، وَرَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. (3)

عنه عليه السلام - فِي خُطْبَةٍ ذَكَرَ فِيهَا النِّعْمَةَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: أَنْظَرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا، فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طَاعَتَهُمْ، وَجَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ الْفِتْنَةَ: كَيْفَ نَشَرَتِ النِّعْمَةَ عَلَيْهِمْ جَنَاحَ كَرَامَتِهَا، وَأَسَالَتْ لَهُمْ جَدَاوِلَ نَعِيمِهَا، وَالنَّقَّتِ الْمِلَّةَ بِهِمْ فِي عَوَائِدِ بَرَكَتِهَا، فَأَصْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا غَرِيقِينَ، وَفِي خُضْرَةِ عَيْشِهَا فَكِهِينَ! قَدْ تَرَبَّعَتِ الْأُمُورُ بِهِمْ فِي ظِلِّ سُلْطَانِ قَاهِرٍ، وَأَوْتَهُمُ الْحَالَ إِلَى كَنْفِ عِزِّ غَالِبٍ، وَتَعَطَّفَتِ الْأُمُورُ عَلَيْهِمْ فِي دُرَى مُلْكٍ ثَابِتٍ، فَهُمْ حُكَّامٌ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَمُلُوكٌ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِينَ. يَمْلِكُونَ الْأُمُورَ عَلَى مَنْ كَانَ يَمْلِكُهَا عَلَيْهِمْ، وَيُمضُونَ الْأَحْكَامَ فِي مَنْ كَانَ يُمضِيهَا فِيهِمْ! لَا تُغْمَزُ لَهُمْ قَنَاءَةٌ، وَلَا تُفْرَعُ لَهُمْ صَفَاءَةٌ! (4)

1- معاني الأخبار: ص 56 ح 4، علل الشرائع: ص 135 ح 1 كلاهما عن أبي ذر، روضة الواعظين: ص 144، بحار الأنوار: ج 15 ص 11 ح 12.

2- كنز العمال: ج 16 ص 422 ح 45223 نقلاً عن الراجعي عن أبي أمامة.

3- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 83 ح 239 عن علي بن عبد الله عن أبيه عن جدّه، الإقبال: ج 1 ص 320 كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام، مصباح المتهجد: ص 557 ح 651 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 98 ص 127 ح 3.

4- نهج البلاغة: الخطبة 192، بحار الأنوار: ج 14 ص 473 ح 37.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در من، پیامبری و برکت، نهاده شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برایش فرزند پسری متولد شود و از روی علاقه مندی به من و تبرک جستن به نامم، او را «محمد» نامد، او و فرزندش در بهشت خواهند بود.

امام علی علیه السلام: خدایا! به محمد صلی الله علیه و آله، از هر کرامتی برترین آن را عطا کن تا آن که هیچ یک از آفریدگانت، از جهت وسیله [تقرّب و منزلت]، نزدیک تر از محمد صلی الله علیه و آله نباشد؛ همان که پیشوا و رهبر خیر و دعوت کننده به آن، و مایه برکت بر همه بندگان و شهرها، و رحمتی برای جهانیان است.

امام علی علیه السلام\_ در گفتاری که نعمت وجود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را بیان می فرماید \_ : بنگرید به جایگاه های نعمت های خدا بر آنان، آن گاه که پیامبری به سویشان فرستاد و با آیین او، پیمان اطاعتشان را استوار ساخت و با دعوت او، الفتشان را فراهم آورد و این که چگونه نعمت، بال کرامت خود را بر سر آنان گشود و جویبارهای بهره مندی را به سوی آنان روان ساخت و آیین، آنان را بر سر سفره برکتش به هم پیوند داد، تا آن که غرق نعمت ها و برخوردار از طراوت زندگی گشتند! کارها، آنان را در سایه حکومتی مقتدر نشانید و حال ایشان، آنان را در پناه عزّتی چیره، پناه داد و امورشان در قلّه حکومتی استوار به آنان روی آورد. پس حکمرانان بر مردم و پادشاهان اطراف سرزمین ها شدند. [ آنان، ] مالک امور کسانی شدند که پیش تر، آنان بر ایشان حکومت می کردند، و احکام را در میان کسانی اجرا کردند که پیش تر، آنان در میان ایشان اجرا می کردند. کسی قدرت در هم شکستن نیروی آنان را نداشت و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی پروراند. (1)

1- .. دو جمله اخیر، مفهوم کنایی متن عربی است و ترجمه الفاظ نیست.

الإمام الباقر عليه السلام في وصف رسول الله صلى الله عليه وآله: كان عليه السلام بركة؛ لا يكاد يُكَلِّمُ أحداً إلا أجابه. (1)

عنه عليه السلام في صفة رسول الله صلى الله عليه وآله: الطيب ذكره، والمبارك اسمه؛ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله، المصطفى المرتضى، ورسوله النبي الأمي. (2)

7 / 3 أهل البيت عليهم السلام رسول الله صلى الله عليه وآله في صفة أهل بيته عليهم السلام وبركتهم: بهم يعمر بلادهم، وبهم يرزق عبادة، وبهم نزل القطر من السماء، وبهم يخرج بركات الأرض. (3)

- 
- 1- الأماشي للصدوق: ص 481 ح 650، الأماشي للطوسي: ص 438 ح 980 كلاهما عن جابر، مشكاة الأنوار: ص 273 ح 818، بحار الأنوار: ج 22 ص 73 ح 25.
  - 2- اليقين: ص 320 ح 121، تفسير فرات: ص 397 ح 527 وليس فيه «النبي» وكلاهما عن زياد بن المنذر، بحار الأنوار: ج 23 ص 246 ح 16.
  - 3- كمال الدين: ص 260 ح 5، إعلام الوري: ج 2 ص 185 كلاهما عن الأصبغ بن نباتة عن الإمام علي عليه السلام، علل الشرائع: ص 124 ح 1 عن جابر بن يزيد الجعفي، بحار الأنوار: ج 23 ص 19 ح 14 و ج 36 ص 254 ح 69.

**7 / 3 اهل بیت علیهم السلام**

امام باقر علیه السلام\_ در توصیف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ : وجودش برکت بود . با کسی سخن نمی گفت، مگر این که آن کس [اگر مرده بود] جوابش را می داد .

امام باقر علیه السلام\_ در توصیف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ : یادش نیکو و نامش مبارك بود . محمد صلی الله علیه و آله برگزیده پسندیده، و فرستاده و پیامبرِ درس ناخوانده خدا بود .

7 / 3 اهل بیت علیهم السلام\_ در وصف اهل بیت خود و برکت آنان \_ : خداوند به سبب آنان، سرزمین های خود را آباد می کند و به سبب آنان، بندگان خود را روزی می دهد و به سبب آنان، از آسمان، باران می فرستد و به سبب آنان، برکت های زمین را می رویاند.



الإمام زين العابدين عليه السلام: نَحْنُ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ ، وَحُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ ... بِنَا يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَتَنْشُرُ الرَّحْمَةُ ، وَتَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ (1).

الإمام الصادق عليه السلام: نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ ، وَبَيْتِ النُّعْمَةِ ، وَبَيْتِ الْبِرِّكَةِ . (2)

عنه عليه السلام\_ في خُطْبَةٍ يَذْكُرُ فِيهَا حَالَ الْأُمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَصِفَاتِهِمْ \_ :نَصَبَ لِخَلْقِهِ أُمَّةً مِنَ اللَّهِ ، يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ، حُجَّجُ اللَّهِ وَدُعَاتُهُ وَرُعَاتُهُ عَلَى خَلْقِهِ ، يَدِينُ بِهَدْيِهِمُ الْعِبَادُ ، وَتَسْتَهْلُ بِنُورِهِمُ الْبِلَادُ ، وَيَنْمُو بِبِرِّكَتِهِمُ التَّلَادُ . (3)

الكافي عن المفضل بن عمر: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ وَهُوَ يَوْمَئِذٍ غُلَامٌ \_ فَقَالَ : هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ فِيْنَا مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَةً عَلَى شَيْعَتِنَا مِنْهُ . (4)

الكافي عن أبي يحيى الصنعاني: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَجِيءَ بِابْنِهِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ صَغِيرٌ ، فَقَالَ : هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَةً عَلَى شَيْعَتِنَا مِنْهُ . (5)

الإمام الهادي عليه السلام\_ فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ \_ :السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَةِ اللَّهِ ... فَجَعَلَ صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لِحَلْقِنَا ، وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا ، وَبَرَكَةً لَنَا ، وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا . (6)

1- .كمال الدين : ص 207 ح 22 ، الأمامي للصدوق : ص 253 ح 277 كلاهما عن سليمان بن مهران الأعمش عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، الاحتجاج : ج 2 ص 151 ح 187 عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام ، روضة الواعظين : ص 220 عن عمرو بن دينار ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 167 ، بحار الأنوار : ج 23 ص 105 .

2- .تفسير العياشي : ج 2 ص 243 ح 18 عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 68 ص 35 ح 75 .

3- .الكافي : ج 1 ص 203 ح 2 ، الغيبة للنعماني : ص 225 ح 7 كلاهما عن إسحاق بن غالب ، بحار الأنوار : ج 25 ص 151 ح 25 .

4- .الكافي : ج 1 ص 309 ح 8 ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 900 عن الإمام الرضا عليه السلام وليس فيه صدره ، بحار الأنوار : ج 50 ص 23 ح 14 نقلاً عن إعلام الوری والإرشاد عن الإمام الرضا عليه السلام .

5- .الكافي : ج 1 ص 321 ح 9 وج 6 ص 360 ح 3 عن يحيى الصنعاني نحوه ، الإرشاد : ج 2 ص 279 ، روضة الواعظين : ص 261 ، كشف الغمّة : ج 3 ص 142 ، بحار الأنوار : ج 50 ص 23 ح 14 .

6- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 96 ح 177 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 610 ح 3213 كلاهما عن موسى بن عبد الله النخعي ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 273 ح 1 عن موسى بن عمران النخعي ، بحار الأنوار : ج 102 ص 128 ح 1 .

امام زین العابدین علیه السلام: ما پیشوایان مسلمانان، و حجّت های خدا بر جهانیانیم... به خاطر ما، باران می بارد و باد رحمت می وزد و برکت های زمین می روید.

امام صادق علیه السلام: ما، خاندان رحمت و خانواده نعمت و دودمان برکتیم.

امام صادق علیه السلام در گفتاری که در آن، حال و صفات امامان علیهم السلام را یاد می کند: خداوند برای آفریدگانش [امامی از پی امامی] منصوب می کند... اینان پیشوایانی از سوی خدا هستند که به حقّ راه نمایی می کنند و به حقّ داوری می نمایند. (1) حجّت های خدا و دعوت کنندگان [به سوی] او و نگهبانان او بر آفریدگانش هستند که مردم به آیین آنان گردن می نهند و آبادی ها با فروغ آنان، روشن می شود و به برکت آنان، دارایی ها رشد می کند.

الکافی\_ به نقل از مفضل بن عمر\_ : امام صادق علیه السلام از فرزندش موسی بن جعفر علیه السلام\_ که آن هنگام نوجوان بود\_ یاد کرد و فرمود: «این، مولودی است که در خاندان ما، فرزندی بابرکت تر از او برای شیعیان ما، به دنیا نیامده است».

الکافی\_ به نقل از ابو یحییٰ صنعانی\_ : در محضر امام رضا علیه السلام بودم. فرزندش جواد علیه السلام را که کوچک بود، آوردند. فرمود: «این، فرزندی است که مولودی بابرکت تر از او برای شیعیان ما، به دنیا نیامده است».

امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه\_ : سلام بر جایگاه های معرفت خدا و قرارگاه های برکت خدا...! خداوند، درود ما را بر شما و ولایت شما را\_ که به ما ارزانی داشته\_، مایه پاک طینتی ما و پاکیزگی جانمان، و سبب برکت بر ما و پوشاننده گناهانمان قرار داده است.

---

1- .. اشاره است به آیه شریف: «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»؛ از میان قوم موسی، جماعتی هستند که به حق راه نمایی می کنند و به حق داوری می نمایند» (اعراف: آیه 159).

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا عَرَّجَ بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: يَا مُحَمَّدُ، صَلِّ عَلَى نَفْسِكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ، فَقَالَ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي وَقَدْ فَعَلْتُ، ثُمَّ التَّمَّتْ فَإِذَا بِصَدْفُوفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ، فَقِيلَ: يَا مُحَمَّدُ، سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّ السَّلَامَ وَالتَّحِيَّةَ وَالرَّحْمَةَ وَالبَرَكَاتِ أَنْتَ وَذُرِّيَّتُكَ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: الرِّوْحُ وَالرَّاحَةُ، وَالفَلْحُ وَالفَلَاخُ وَالنَّجَاحُ، وَالبَرَكَةُ، وَالعَفْوُ وَالعَافِيَةُ وَالمُعَافَاةُ، وَالبُشْرَى وَالنَّصْرَةُ وَالرِّضَا، وَالقُرْبُ وَالقَرَابَةُ، وَالنَّصْرُ وَالتَّظْفَرُ وَالتَّمْكِينُ، وَالسُّرُورُ وَالمَحَبَّةُ، مِنَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلَى مَنْ أَحَبَّ عَلَيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَالَاهُ، وَاتَّمَّ بِهٖ، وَأَقْرَبَ بِفَضْلِهِ، وَتَوَلَّى الأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ، وَحَقَّقَ عَلَيَّ أَنْ أُدْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي، وَحَقَّقَ عَلَيَّ رَبِّي أَنْ يَسْتَجِيبَ لِي فِيهِمْ، وَهُمْ أَتْبَاعِي وَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي. (2)

راجع: الخير والبركة في الكتاب والسنة: ص 89 (أسباب الخير / المبادئ العلمية / أهل البيت عليهم السلام).

4 / 7 الفقهاء رسول الله صلى الله عليه وآله: المُفْتُونَ سَادَةُ العُلَمَاءِ، وَالفُقَهَاءُ قَادَةُ أَهْلِ الدِّينِ عَلَيْهِمْ أَدَاءُ مَوَاقِيقِ العِلْمِ، وَالجُلُوسُ إِلَيْهِمْ بَرَكَةٌ، وَالتَّظْفَرُ إِلَيْهِمْ نُورٌ. (3)

- 1- الكافي: ج 3 ص 486 ح 1، علل الشرائع: ص 316 كلاهما عن ابن أذينة، بحار الأنوار: ج 18 ص 359 ح 66.
- 2- المحاسن: ج 1 ص 250 ح 470 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، الكافي: ج 1 ص 210 ح 7 عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام، تفسير العياشي: ج 1 ص 169 ح 33 عن أبي كلدة عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «الفلج» بدل «الفلح»، بحار الأنوار: ج 23 ص 227 ح 47 وج 27 ص 92 ح 52.
- 3- تاريخ بغداد: ج 3 ص 390 الرقم 1504 عن عائشة، كنز العمال: ج 3 ص 93 ح 5653 وفيه «المتقون» بدل «المفتون».

امام صادق علیه السلام: خداوند، چون پیامبرش را به معراج بُرد ...، به او وحی فرمود: «ای محمد! بر خود و خاندانت درود فرست». [ محمد صلی الله علیه و آله ] گفت: درود خدا بر من و خاندانم باد! و او چنین کرده است. آن گاه صورتش را برگرداند، صف هایی از فرشتگان و فرستادگان و پیامبران را دید. به او گفته شد: «ای محمد! بر آنان سلام بگو». گفت: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد! آن گاه خداوند به او وحی کرد که: «سلام و درود و رحمت و برکات، تویی و فرزندان تو هستند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آسایش و راحت، کامیابی و رستگاری و پیروزی و برکت، عفو و تن درستی و عافیت، بشارت و خرمی و رضایت‌مندی، قرب و خویشاوندی، یاری و پیروزی و توانمندی، و شادی و محبت، از سوی خدای متعال، برای کسی باد که علی بن ابی طالب را دوست بدارد، ولایت او را بپذیرد، به او اقتدا کند، به برتری او اقرار نماید، و امامان پس از او را به ولایت بپذیرد! و بر من، سزاوار [ و حتمی] است که آنان را در شفاعتم وارد کنم، و بر پروردگار من است که دعای مرا در باره آنان بپذیرد. آنان، پیروان من اند و هر که از من پیروی کند، از من است.

ر. ک: خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث: بخش یکم / فصل سوم: اسباب نیکی / ریشه های علمی / اهل بیت علیهم السلام.

7 / 4 فقیهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فتوا دهندگان، بزرگان دانشمندان اند و فقیهان، راهبرانی اند که از آنان بر ادای پیمان علم، تعهد گرفته شده است. نشستن نزد آنان، برکت است و نگرستن به آنان، روشنی است.

5 / 7 الجماعة رسول الله صلى الله عليه وآله: الجماعة بركة، والفرقة عذاب. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: كلوا جميعا ولا تفرقوا؛ فإن البركة مع الجماعة. (2)

6 / 7 المؤمن رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل إذا رأى أهل قرية قد أسرفوا في المعاصي وفيها ثلاث نفر من المؤمنين، ناداهم - جلا جلاله وتقدست أسماؤه - : يا أهل معصيتي، لولا فيكم من المؤمنين المتحابين بجلالي، العامرين بصلاتهم أرضي ومساجدي، والمستغفرين بالأسحار خوفا مني، لأنزلت بكم عذابي ثم لا أبالي. (3)

- 
- 1- شُعب الإيمان : ج 4 ص 102 ح 4419 عن النعمان بن بشير؛ الجعفریات : ص 159 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «الجماعة بركة» .
  - 2- سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1094 ح 3287 ، مشكاة المصابيح : ج 2 ص 459 ح 4257 ، الفردوس : ج 3 ص 242 ح 4711 ، مسند البزار : ج 1 ص 240 ح 127 نحوه ، كنز العمال : ج 15 ص 235 ح 40724 وح 40723 نقلاً عن العسكري في المواعظ وكلها عن عمر؛ طب النبي صلى الله عليه وآله : ص 13 وفيه «في» بدل «مع»، بحار الأنوار : ج 62 ص 291 .
  - 3- علل الشرائع : ص 246 ح 1 وص 522 ح 3 ، الأملالي للصدوق : ص 267 ح 289 كلها عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مشكاة الأنوار : ص 222 ح 616 ، روضة الواعظين : ص 320 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 381 ح 3 .

5/7 جماعت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جماعت، برکت است و تفرقه، عذاب.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با هم غذا بخورید و پراکنده نباشید، که برکت، با جماعت است.

6/7 مؤمن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خدای متعال، اهل يك آبادی را ببیند که در گناهان، زیاده روی می کنند و در میان آنان سه نفر با ایمان هست، به آنان خطاب می کند: «ای کسانی که نافرمانی ام می کنید! اگر میان شما مؤمنانی نبودند که در پرتو جلال من، با هم دوستی می کنند (1) و با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد می سازند و سحرگاهان، از بیم من به استغفار می پردازند، عذابم را بر شما نازل می کردم و باکی هم نداشتم!».

---

1- .. اشاره است به این که دوستی و همدلی اهل ایمان، جلوه جلال و شکوه خداوند است .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَيَدْفَعُ بِالْمُؤْمِنِ الصَّالِحِ عَن مِئَةِ أَهْلِ بَيْتٍ مِّن جِيرَانِهِ الْبَلَاءَ . (1)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بَعْدَابٍ قَالَ: لَوْلَا الَّذِينَ يَتَحَابُّونَ بِجَلَالِي، وَيَعْمُرُونَ مَسَاجِدِي، وَيَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ، لَوْلَاهُمْ لَأَنْزَلْتُ عَذَابِي . (2)

عنه عليه السلام: شِيعَتُنَا الْمُتَبَاذِلُونَ فِي وَلَايَتِنَا، الْمُتَحَابُّونَ فِي مَوَدَّتِنَا، الْمُتَزَاوِرُونَ فِي إِحْيَاءِ أَمْرِنَا؛ الَّذِينَ إِنْ غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا، وَإِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا؛ بَرَكَةٌ عَلَى مَنْ جَاوَرُوا، سَلِمَ لِمَنْ خَالَطُوا . (3)

عنه عليه السلام: لَوْلَا بَقِيَّةٌ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ فِيكُمْ لَهَلَكْتُمْ . (4)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَيَدْفَعُ عَنِ الْقَرْيَةِ سَبْعَةَ مُؤْمِنِينَ يَكُونُونَ فِيهَا . (5)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَيَدْفَعُ بِالْمُؤْمِنِ الْوَاحِدِ عَنِ الْقَرْيَةِ الْفَنَاءَ . (6)

عنه عليه السلام: لَا يُصِيبُ قَرْيَةً عَذَابٌ وَفِيهَا سَبْعَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ . (7)

1- تفسير الطبري: ج 2 الجزء 2 ص 633، المعجم الأوسط: ج 4 ص 239 ح 4080 وفيه «بالمسلم» بدل «بالمؤمن» وكلاهما عن ابن عمر، كنز العمال: ج 9 ص 5 ح 24654.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 473 ح 1369، ثواب الأعمال: ص 212 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وفيه «في» بدل «بجلالي»، علل الشرائع: ص 521 ح 1 عن علي بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عن أبيه عنه عليهم السلام وليس فيه «لولاهم»، بحار الأنوار: ج 73 ص 382 ح 4.

3- الكافي: ج 2 ص 236 ح 24، الخصال: ص 397 ح 104، التمهيص: ص 69 ح 168 كلُّها عن أبي المقدم عن الإمام الباقر عليه السلام، صفات الشيعة: ص 91 ح 23 عن ظريف بن ناصح رفعه، تحف العقول: ص 300، مشكاة الأنوار: ص 123 ح 290 وفيه «أسلم» بدل «سلم» وكلُّها عن الإمام الباقر عليه السلام وفيها «شيعة علي» بدل «شيعةنا»، بحار الأنوار: ج 68 ص 190 ح 46.

4- تفسير الطبري: ج 2 / الجزء 2 ص 633 عن أبي مسلم.

5- الدر المنثور: ج 1 ص 765 نقلاً عن الخلال في كتاب كرامات الأولياء.

6- الكافي: ج 2 ص 247 ح 1 عن أبي حمزة، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 203 وفيه «العناء» بدل «الفناء»، بحار الأنوار: ج 67 ص 143 ح 1.

7- الكافي: ج 2 ص 247 ح 2 عن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج 67 ص 143 ح 2.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند به سبب مؤمن صالح، بلا را از صد خانواده از همسایگانش دور می کند.

امام علی علیه السلام : خداوند \_ تبارک و تعالی \_ ، هر گاه بخواهد زمینیان را عذابی برساند، می فرماید : «اگر کسانی نبودند که در پرتو جلال من، با هم دوستی می کنند و مساجد مرا آباد می سازند و سحرگاهان به استغفار می پردازند، اگر آنان نبودند، بی گمان عذابم را نازل می کردم» .

امام علی علیه السلام : پیروان ما ، آنان اند که در راه ولایت ما، بخشش می کنند، در راه دوستی ما با یکدیگر مهر می ورزند، و در راه زنده نگه داشتن امر [و مکتب] ما ، به دیدار هم می روند؛ کسانی که چون خشمگین شوند، ستم نمی کنند و چون راضی شوند، اسراف نمی کنند، و برای همسایگانشان مایه برکت اند و نسبت به همنشینان خود، باصفایند.

امام علی علیه السلام : اگر بازماندگانی از مسلمانان در میان شما نبودند ، نابود می شدید.

امام علی علیه السلام : خداوند به سبب هفت مؤمن که در يك آبادی باشند، [بلا را] از اهل آن آبادی دفع می کند.

امام باقر علیه السلام : خداوند به سبب يك مؤمن، نابودی را از يك آبادی دفع می کند.

امام باقر علیه السلام : به آبادی ای که هفت مؤمن [در آن] باشند ، عذاب نمی رسد.



الإمام العسكري عليه السلام: الْمُؤْمِنُ بَرَكَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ . (1)

7 / 7 البَنَاتُ رسول الله صلى الله عليه وآله : نِعَمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ؛ مُلَطَّفَاتٌ، مُجَهَّزَاتٌ، مُؤْنَسَاتٌ، مُبَارَكَاتٌ، مُفْلِيَّاتٌ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله : رَحِمَ اللَّهُ أَبَا الْبَنَاتِ ، الْبَنَاتُ مُبَارَكَاتٌ مُحَبَّبَاتٌ ، وَالْبَنُونَ مُبَشَّرَاتٌ ، وَهُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ كَانَ لَهُ ابْنَةٌ فَاللَّهُ فِي عَوْنِهِ وَنُصْرَتِهِ ، وَبِرَكَتِهِ وَمَغْفِرَتِهِ . (4)

كشَفَ الْخَفَاءَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ : إِنَّ رَجُلًا دَعَا عَلَى بَنَاتِهِ بِالْمَوْتِ ، فَقَالَ \_ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ \_ : لَا تَدْعُ ؛ فَإِنَّ الْبَرَكَةَ فِي الْبَنَاتِ . (5)

8 / 7 الصَّبِيَّانِ رسول الله صلى الله عليه وآله : بَيِّتٌ لَا صَبِيَّانَ فِيهِ لَا بَرَكَةَ فِيهِ . (6)

- 
- 1- .تحف العقول:ص489، الأصول الستة عشر:ص216ح213 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، الاختصاص: ص27، الدعوات: ص226ح626 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج74 ص311 ح67.
  - 2- .الكافي: ج6 ص5 ح5 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، مستدرک الوسائل: ج15 ص115 ح17699 نقلاً عن الجعفریات عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «باقيات مباركات» بدل «مباركات مفلیات»، بحار الأنوار: ج104 ص98 ح63.
  - 3- .مستدرک الوسائل: ج15 ص115 ح17700 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.
  - 4- .مستدرک الوسائل: ج15 ص115 ح17702 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.
  - 5- .كشَفَ الْخَفَاءَ: ج1 ص284 ح896، ميزان الاعتدال: ج1 ص28 الرقم77.
  - 6- .كنز العمال: ج16 ص274 ح44425 و ص281 ح44471 و ح44472، الجامع الصغير: ج1 ص489 ح3166 كلّها نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب عن ابن عباس.

## 7 / 7 دختران

## 8 / 7 کودکان

امام عسکری علیه السلام: مؤمن برای مؤمن ، برکت است .

7 / 7 دختران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دختران، خوب فرزندانى اند؛ دارای عاطفه، مهیاکننده، همدم، دارای برکت، و پاکیزه کننده اند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رحمت خدا بر پدری که دارای دخترانی است! دختران، دارای برکت و دوست داشتنی اند و پسران، بشارت آورند . دختران، باقیات الصالحات (بازماندگان شایسته) اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که دختر داشته باشد ، خداوند در پی یاری ، کمک ، برکت و آمرزش اوست.

کشف الخفاء\_ به نقل از ابن عباس \_ : مردی دخترانش را نفرین کرد که بمیرند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نفرین نکن ، که برکت ، در دختران است».

8 / 7 کودکان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در خانه ای که کودکان نباشند، برکت نیست.

7 / 19 الأَكْبَرُ رسول الله صلى الله عليه وآله: الْبِرْكَةُ مَعَ أَكْبَرِكُمْ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الْخَيْرُ مَعَ أَكْبَرِكُمْ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الْبِرْكَةُ مَعَ أَكْبَرِكُمْ أَهْلِ الْعِلْمِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْبِرْكَةَ فِي أَكْبَرِنَا؛ فَمَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَيُجَلِّ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا . (4)

7 / 10 أهل المَعْرُوفِ رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحِبُّوا الْمَعْرُوفَ وَأَهْلَهُ؛ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ الْبِرْكَةَ وَالْعَافِيَةَ مَعَهُمَا . (5)

7 / 11 الزُّرْقُ مِنَ النَّسَاءِ رسول الله صلى الله عليه وآله: تَزَوَّجُوا الزُّرُقَ؛ فَإِنَّ فِيهِنَّ الْبِرْكَةَ . (6)

- 
- 1- .المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 131 ح 210، صحیح ابن حبان: ج 2 ص 319 ح 559، شُعب الإيمان: ج 7 ص 464 ح 11004، تاریخ بغداد: ج 11 ص 165 الرقم 5862، حلیة الأولیاء: ج 8 ص 172 کلها عن ابن عبّاس، کنز العمّال: ج 3 ص 172 ح 6015؛ جامع الأخبار: ص 242 ح 617، بحار الأنوار: ج 72 ص 137.
  - 2- .کنز العمّال: ج 3 ص 172 ح 6016، الجامع الصغیر: ج 1 ص 639 ح 4151 كلاهما نقلاً عن مسند البزار عن ابن عبّاس.
  - 3- .الفردوس: ج 2 ص 31 ح 2193، کنز العمّال: ج 10 ص 174 ح 28905 نقلاً عن الرافعي عن ابن عبّاس.
  - 4- .المعجم الكبير: ج 8 ص 228 ح 7895 عن أبي أمامة، کنز العمّال: ج 3 ص 165 ح 5982.
  - 5- .کنز العمّال: ج 6 ص 345 ح 15974 نقلاً عن أبي الشيخ عن أبي سعيد الخدري.
  - 6- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 387 ح 4361، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 434 ح 1487، الكافي: ج 5 ص 335 ح 6 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، دعائم الإسلام: ج 2 ص 196 ح 717 وفيهما «اليمن» بدل «البركة»؛ الفردوس: ج 2 ص 51 ح 2292 عن أبي هريرة وفيه «يُمننا» بدل «البركة»، کنز العمّال: ج 16 ص 302 ح 44596.

**9 / 7 بزرگان**

**10 / 7 اهل نیکی**

**11 / 7 زنان چشم آبی**

9 / 7 بزرگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برکت، با بزرگان شماسست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خیر، همراه بزرگان شماسست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برکت، با بزرگانی از شماسست که اهل دانش اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا برکت، در بزرگان ماست . هر که به کوچک ما ترحم نکند و به بزرگ ما احترام ننماید، از ما نیست.

10 / 7 اهل نیکی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیکی و نیکوکاران را دوست بدارید. سوگند به آن که جانم به دست اوست، برکت و تن درستی، با نیکی و نیکوکاران است.

11 / 7 زنان چشم آبی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :با زنان چشم آبی (کبود چشم) ازدواج کنید؛ زیرا در آنان برکت است.

7 / 12 يَسِيرَةُ الْوَلَادَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ خِفَّةُ مَوْتِهَا وَيُسْرُ وِلَادَتِهَا، وَشَوْمُهَا شِدَّةُ مَوْتِهَا، وَتَعَسَّرُ وِلَادَتِهَا. (1)

7 / 13 يَسِيرَةُ الْمَوْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعْظَمُ النَّسَاءِ بَرَكَاتٌ أَيْسَرُهُنَّ مَوْتُهُنَّ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: أَعْظَمُ النَّسَاءِ بَرَكَاتٌ أَيْسَرُهُنَّ صَدَاقًا. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: يُمْنُ الْمَرْأَةِ تَيْسِيرُ خِطْبَتِهَا، وَتَيْسِيرُ صَدَاقِهَا. (4)

- 
- 1- .معاني الأخبار: ص 152 ح 2 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام، الكافي: ج 5 ص 564 ح 37، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 399 ح 1594، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 387 ح 4359 كلها عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 103 ص 231 ح 7.
- 2- .مسند ابن حنبل: ج 9 ص 478 ح 25173، المصنف لابن أبي شيبة: ج 3 ص 319 ح 24، حلية الأولياء: ج 2 ص 186 و ج 7 ص 290، مسند الشهاب: ج 1 ص 105 ح 123 كلها عن عائشة، كنز العمال: ج 16 ص 291 ح 44533؛ مستدرک الوسائل: ج 14 ص 162 ح 16384 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب، روضة الواعظين: ص 411 وفيه «الناس» بدل «النساء».
- 3- .المستدرک على الصحيحين: ج 2 ص 195 ح 2732، السنن الكبرى: ج 7 ص 385 ح 14356 كلاهما عن عائشة.
- 4- .مسند ابن حنبل: ج 9 ص 381 ح 24661 وص 355 ح 24532 وفيه «إنّ من يمن المرأة... وتيسير رجمها»، المستدرک على الصحيحين: ج 2 ص 197 ح 2739، السنن الكبرى: ج 7 ص 385 ح 14357 وفيهما «من يمن المرأة أن يتيسر... وأن يتيسر رحمها»، حلية الأولياء: ج 8 ص 180 كلها عن عائشة، كنز العمال: ج 11 ص 99 ح 30789؛ دعائم الإسلام: ج 2 ص 221 ح 825 عن الإمام علي عليه السلام وفيه «نكاحها» بدل «خطبتها».

**12 / 7 زن آسان زا**

**13 / 7 زن کم خرج**

12 / 7 زن آسان زاپيامبر خدا صلى الله عليه و آله : از برکت زن، آن است که خرجش سبک و زایمانش آسان باشد ، و از شومی زن، آن است که خرجش سنگین و زایمانش سخت باشد.

13 / 7 زن کم خرجیامبر خدا صلى الله عليه و آله : بابرکت ترین زنان، کم خرج ترین آنان است .

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : بابرکت ترین زنان، کم مهریه ترین آنان است.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : خُجستگی زن، آسان بودن خواستگاری او و کم بودن مهریه اوست.

14/7 التَّوَادِرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا مَثَلُ أُمَّتِي كَمَثَلِ مَاءٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ، لَا يُدْرَى الْبَرَكَةُ فِي أَوَّلِهَا أَوْ فِي آخِرِهَا. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِذَوَاتِ الْأَعْجَازِ؛ فَإِنَّهُنَّ أَنْجَبُ وَفِيهِنَّ يُمْنٌ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ تَبْكِيهَا بِالْأَنْثَى. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: النَّسَاءُ أَرْبَعٌ: جَامِعٌ مُجْمَعٌ، وَرَبِيعٌ مُرْبِعٌ، وَكَرْبٌ مُقْمَعٌ، وَغُلٌّ قَمِلٌ. (4). (5)

1- كنز العمال: ج 12 ص 181 ح 34568 نقلاً عن الرامهرمزي عن أنس.

2- درر الأحاديث النبوية: ص 95، الكافي: ج 5 ص 334 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 402 ح 1602، عوالي الآلي: ج 3 ص 300 ح 88 وفيها «عليكم بذوات الأوراك، فإنهن أنجب» وكلها عن عبد الله بن المغيرة عن الإمام الكاظم عليه السلام.

3- تاريخ دمشق: ج 47 ص 225 ح 10196 عن واثلة بن الأسقع، كنز العمال: ج 16 ص 483 ح 45567.

4- قال أحمد بن أبي عبد الله البرقي: جامع مجمع: أي كثيرة الخير مخصبة، وربيع مربع: التي في حجرها ولد، وفي بطنها آخر، وكرب مقمع: أي سيئة الخلق مع زوجها، وغل قمل: هي عند زوجها كالغل القمل، وهو غل من جلد يقع فيه القمل فيأكله فلا يتهيأ له أن يحذر منها شيئاً، وهو مثل للعرب (هامش المصدر).

5- الكافي: ج 5 ص 322 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 404 ح 1613، الخصال: ص 241 ح 92، معاني الأخبار: ص 317 ح

1 كلها عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 386 ح 4357 عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الأمالي للطوسي: ص 370 ح 793 عن علي بن علي بن رزين أخي دعبل الخزاعي عن الإمام الرضا عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام، النوادر للراوندي: ص 115 ح 114 نحوه، بحار الأنوار: ج 103 ص 230 ح 4.

**7 / 14 گوناگون**

7 / 14 گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مَثَلِ امّت من، همچون آبی است که خداوند از آسمان فرو فرستاده است؛ معلوم نیست که برکت، در اوّل آن است، یا در آخر آن.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد زنانِ بزرگ سُرین؛ چرا که اینان زیاترند و در آنان برکت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از برکت زن، آن است که فرزند اوّلش دختر باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنان، چهار گونه اند: يك دسته جامع صفات خیر، دسته ای بانشاط و پُر حرارت و بچّه آور، دسته دیگر نِق نقوی پُر آزار، و دسته ای مثل طوقِ عذاب آور. (1)

---

1- .. معنای کنایه «غُلُّ قَمِل» است. معنای لغوی آن «طوق شپشین یا شپش افتاده» است و آن، طوقی بوده از پشم یا پارچه پشمی که لابه لای آن شپش می افتاده و باعث آزار گردن شخص اسیر می شده است.



الفصل الثامن : حيوانات ذات بركة 8 / 1 الإبل الكتاب «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ \* وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ \* وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا يَشُقُّ الْأَنْفُسَ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ \* وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : الإبل عزٌّ لأهلها . (2)

- 
- 1- .النحل : 5\_ 8 . والنعم : مختص بالإبل ، وجمعه أنعام ، وتسميته بذلك لكون الإبل عندهم أعظم نعمة ، ولكن الأنعام تقال للإبل والبقر والغنم ، ولا يقال لها أنعام حتى يكون في جملتها الإبل (مفردات ألفاظ القرآن : ص 815) .
  - 2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 290 ح 2486 ، المحاسن : ج 2 ص 478 ح 2660 عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 64 ص 134 ح 27 ؛ سنن ابن ماجه : ج 2 ص 773 ح 2305 ، مسند أبي يعلى : ج 6 ص 203 ح 6793 كلاهما عن عروة البارقي يرفعه ، كنز العمال : ج 12 ص 325 ح 35228 نقلاً عن البزار عن حذيفة .

## فصل هشتم: حیوان های با برکت

## 8 / 1 شتر

فصل هشتم: حیوان های با برکت 8 / 1 شترقرآن (و چارپایان (1) را برای شما آفرید و در آنها برای شما وسیله گرمی و سودهایی است و از آنها می خورید، و در آنها برای شما زیبایی است، آن گاه که آنها را از چراگاه بر می گردانید و هنگامی که به چَرا می برید، و بارهای شما را به شهری می برند که جز با مشقت بدن ها، به آن جا نمی رسیدید. همانا پروردگارتان، رئوف و مهربان است. و اسب ها و استرها و الاغ ها را [ آفرید ] تا بر آنها سوار شوید و مایه آراستگی باشند، و چیزهایی می آفریند که نمی دانید».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شتر، برای صاحبش مایه عزت است.

---

1- .. واژه «نَعَم» در زبان عربی، به شتر گفته می شود و سبب این نام گذاری، آن است که شتر در نزد عرب ها، نعمت بزرگی است؛ ولی واژه «أَنْعَام» که جمع «نَعَم» است، برای شتر و گاو و گوسفند استعمال می شود، به شرط آن که شتر هم در میان آنها باشد (مفردات ألفاظ القرآن: ص 815).

عنه صلى الله عليه وآله: إن في أبوال الإبل وألبانها شفاءً للذرية بطونهم . (1)

الإمام علي عليه السلام: أطلبوا الخير في أخفاف الإبل وأعناقها صادرةً وواردةً . (2)

8 / 2 البقر الإمام الباقر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعمرته: ما يمنعك أن تتخذي في بيتك بركة؟ قالت: يا رسول الله، وما البركة؟ قال: شاة تحلب؛ فإنه من كان في داره شاة تحلب أو نعجة أو بقرة تحلب فبركات كلهن . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: سئل النبي صلى الله عليه وآله: أي المال خير؟ قال: الزرع زرعه صاحبه وأصلحه وأدى حقه يوم حصاده . قال: فأبي المال بعد الزرع خير؟ قال: رجل في غنم له قد تبع بها مواضع القطر، يعيم الصلاة ويؤتي الزكاة . قال: فأبي المال بعد الغنم خير؟ قال: البقر تغدو بخير وتروح بخير . (4)

1- .مسند ابن حنبل: ج 1 ص 629 ح 2677، المعجم الكبير: ج 12 ص 184 ح 12986 كلاهما عن ابن عباس، المصنّف لعبد الرزاق: ج 9 ص 259 ح 17135 عن رجل من بني زهرة نحوه، كنز العمال: ج 10 ص 31 ح 28219 وراجع: مكارم الأخلاق: ج 1 ص 422 ح 1436 .

2- .الخصال: ص 630 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 119 وفيه «وأخفافها» بدل «وأعناقها»، بحار الأنوار: ج 10 ص 108 ح 1 و ج 99 ص 104 ح 5 .

3- .الكافي: ج 6 ص 545 ح 7، المحاسن: ج 2 ص 485 ح 2686 كلاهما عن جابر، بحار الأنوار: ج 64 ص 130 ح 17 .

4- .الكافي: ج 5 ص 260 ح 6 عن السكوني، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 291 ح 2488، الخصال: ص 246 ح 105 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، معاني الأخبار: ص 197 ح 3، الأمالي للصدوق: ص 431 ح 568 كلاهما عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 103 ص 64 ح 4 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در ادرار و شیر شتر، درمانی برای مُبتلایان به ذَرِب (1) است.

امام علی علیه السلام: خیر را در پاها و گردن های شتران بجوید، که شما و بارهایتان را می برند و می آورند.

8 / 2 گاو امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عمّه اش فرمود: «چرا در خانه ات برکتی نگه نمی داری؟». گفت: ای پیامبر خدا! برکت چیست؟ فرمود: «گوسفندی که دوشیده می شود. همانا در خانه هر کس، گوسفندی یا میشی و یا گاو باشد که دوشیده شود، همه اینها برکت اند».

امام صادق علیه السلام: فردی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: چه مالی بهتر است؟ فرمود: «کِشتی که صاحبش آن را کِشته و به بار آورده و روزِ درو هم حقّ آن را (یعنی حقّ خدا و خلق را در آن) پرداخته باشد». گفت: پس از کِشت، چه مالی بهتر است؟ فرمود: «کسی که گوسفندانی دارد و آنها را به چراگاه ها می برد، نماز می خواند و زکات می پردازد». پرسید: پس از گوسفند، چه مالی بهتر است؟ فرمود: «گاو، که با نیکی به چَرَا می رود و با نیکی بر می گردد».

---

1- .. ذَرِب، نوعی بیماری معده است که در آن، معده غذا را هضم نمی کند و در نتیجه غذا در آن، تلف می شود و نمی ماند.

8 / 13 الخيلا لكتاب «وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: البركة في نواصي الخيل . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الخيل معقود في نواصيها الخير إلى يوم القيامة . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: الإبل عز لأهلها، والغنم بركة، والخير معقود في نواصي الخيل إلى يوم القيامة . (4)

1- النحل : 8 .

- 2- صحيح البخاري : ج 3 ص 1048 ح 2696 ، صحيح مسلم : ج 3 ص 1494 ح 100 ، سنن النسائي : ج 6 ص 221 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 228 ح 12126 وص 256 ح 12292 ، السنن الكبرى : ج 6 ص 535 ح 12892 كلها عن أنس .
- 3- الكافي : ج 5 ص 48 ح 2 عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام وح 3 وص 8 ح 15 كلاهما عن معمر عن الإمام الباقر عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 283 ح 2459 ، ثواب الأعمال : ص 226 ح 2 ، المحاسن : ج 2 ص 472 ح 2640 كلاهما عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الأمالي للطوسي : ص 383 ح 830 عن الحارث عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 64 ص 159 ح 1 .
- 4- سنن ابن ماجه : ج 2 ص 773 ح 2305 ، مسند أبي يعلى : ج 6 ص 203 ح 6793 وليس فيه «إلى يوم القيامة» وكلاهما عن عروة البارقي رفعه ، صحيح البخاري : ج 3 ص 1047 ح 2694 عن عبد الله بن عمر ، صحيح مسلم : ج 2 ص 683 ح 26 عن أبي هريرة ، سنن النسائي : ج 6 ص 222 عن ابن عمر وعروة البارقي ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 308 ح 5102 عن ابن عمر والأربعة الأخيرة ليس فيها «الإبل عز لأهلها ، والغنم بركة» ، كنز العمال : ج 12 ص 325 ح 35228 نقلاً عن البزار عن حذيفة .

3 / 8 اسبانقرآن «و اسب ها و استرها و الاغ ها را [ آفرید ] تا بر آنها سوار شوید و مایه آراستگی باشد، و چیزهایی می آفریند که نمی دانید» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برکت، در پیشانی اسب هاست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در پیشانی اسب ها تا روز قیامت، خیر، گره خورده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شتر برای صاحبش عزت است و گوسفند، برکت است، و خیر در پیشانی اسب ها، تا روز قیامت، بسته شده است .

8 / 4 الغنم رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْغَنَمِ وَالْحَرْثِ؛ فَإِنَّهُمَا يَرُوحَانِ بِخَيْرٍ وَيَعْدُوَانِ بِخَيْرٍ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْمَعِيشَةَ جَعَلَ الْبَرَكَاتِ فِي الْحَرْثِ وَالْغَنَمِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الشَّاةُ فِي الْبَيْتِ بَرَكَةٌ، وَالشَّاتَانِ بَرَكَتَانِ، وَالثَّلَاثُ بَرَكَاتٌ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ عِنْدَهُمْ شَاةٌ إِلَّا وَفِي بَيْتِهِمْ بَرَكَةٌ. (4)

أسد الغابة عن شيبه بن عبد الرحمن السلميّ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُسَمِّي الشَّاةَ بَرَكَةً. (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: الشَّاةُ الْمُتَجِّةُ بَرَكَةٌ. (6)

سنن ابن ماجه عن عروة عن أم هانئ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَهَا: اتَّخِذِي غَنَمًا؛ فَإِنَّ فِيهَا بَرَكَةً. (7)

حياة الحيوان الكبرى: شَكَتَ إِلَيْهِ [أَي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] امْرَأَةٌ أَنَّ غَنَمَهَا لَا تَزْكُو، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَهَا: مَا أَلْوَانُهَا؟ قَالَتْ: سَوْدٌ، فَقَالَ: عَفْرِي - أَي اسْتَبْدِلِي - أَغْنَامًا بِيضًا؛ فَإِنَّ الْبَرَكَةَ فِيهَا. (8)

- 1- الخصال: ص 45 ح 44 عن الحارث عن الإمام علي عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 487 ح 2696 عن أبي إسحاق عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 64 ص 120 ح 4.
- 2- كنز العمال: ج 4 ص 32 ح 9354 نقلًا عن الديلمي عن ابن مسعود.
- 3- الأدب المفرد: ص 174 ح 573 عن ابن الحنفية عن الإمام علي عليه السلام، الفردوس: ج 2 ص 364 ح 3626 عن أنس، كنز العمال: ج 12 ص 324 ح 35223؛ طب النبي: ص 6 وفيه «ثلاث شياه غنيمية» بدل «الثلاث بركات»، بحار الأنوار: ج 62 ص 295.
- 4- الطبقات الكبرى: ج 1 ص 496 عن أبي الهيثم بن التيهان، كنز العمال: ج 12 ص 325 ح 35231.
- 5- أسد الغابة: ج 2 ص 644 الرقم 2465.
- 6- الجعفریات: ص 160 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، جامع الأحاديث للقمي: ص 88، بحار الأنوار: ج 64 ص 138 ح 36 نقلًا عن أصل من أصول أصحابنا وكلاهما عن ابن فضال عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله؛ تاريخ بغداد: ج 8 ص 496 الرقم 4609 عن أنس وفيه «الشاة بركة».
- 7- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 773 ح 2304، المعجم الكبير: ج 24 ص 427 ح 1039 و 1040، حياة الحيوان الكبرى: ج 2 ص 188، كنز العمال: ج 12 ص 323 ح 35218.
- 8- حياة الحيوان الكبرى: ج 2 ص 188؛ بحار الأنوار: ج 64 ص 116.

4/8 گوسفند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوسفندداری و کشاورزی کنید؛ زیرا این دو، همیشه با خیر و برکت همراه اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون خداوند، وسایل زندگی مردم را آفرید، برکت ها را در کشاورزی و گوسفندداری قرار داد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: يك گوسفند در خانه، يك برکت است. دو گوسفند، دو برکت است و سه گوسفند، برکت هاست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ خانواده ای نیست که گوسفندی داشته باشد، مگر آن که در خانه آنان برکت است.

أسد الغابة\_ به نقل از شیبۀ بن عبد الرحمان سلمی \_ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، گوسفند را برکت می نامید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوسفند زاینده، برکت است.

سنن ابن ماجة\_ به نقل از عروه \_ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به أمّ هانی فرمود: «گوسفندی داشته باش؛ چرا که در آن، برکت است».

حياة الحيوان الكبرى: زنی به پیامبر خدا شَکوه کرد که گوسفندانِش رشد نمی کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «به چه رنگ اند؟». گفت: سیاه. فرمود: «آنها را به گوسفندان سفید تبدیل کن، که برکت، در آنهاست».



رسول الله صلى الله عليه وآله: السَّكِينَةُ فِي أَهْلِ الْغَنَمِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ، وَالْجُزْءُ الْبَاقِي فِي السَّابِإِءِ - يَعْنِي الْغَنَمَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى أُمِّ أَيْمَنَ، فَقَالَ: مَا لِي لَا أَرَى فِي بَيْتِكَ الْبِرْكَةَ؟ فَقَالَتْ: أَوْ لَيْسَ فِي بَيْتِي بِرْكَةٌ؟! قَالَ: لَسْتُ أَعْنِي ذَلِكَ، ذَاكَ شَأٌ تَتَّخِذِينَهَا، تَسْتَعْنِي وَذَلِكَ مِنْ لَبْنِهَا، وَتَطْعَمِينَ مِنْ سَمْنِهَا ... (3)

الإمام الباقر عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى أُمِّ سَلَمَةَ فَقَالَ لَهَا: مَا لِي لَا أَرَى فِي بَيْتِكَ الْبِرْكَةَ؟ قَالَتْ: بَلَى وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، إِنَّ الْبِرْكَةَ لَفِي بَيْتِي. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ ثَلَاثَ بَرَكَاتٍ: الْمَاءَ، وَالنَّارَ، وَالشَّأَةَ. (4)

الإمام علي عليه السلام: أَفْضَلُ مَا يَتَّخِذُهُ الرَّجُلُ فِي مَنْزِلِهِ لِإِعْيَالِهِ الشَّأَةُ؛ فَمَنْ كَانَتْ فِي مَنْزِلِهِ شَأَةٌ قَدَّسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً، وَمَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ شَاتَانِ قَدَّسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ، وَكَذَلِكَ فِي الثَّلَاثِ تَقُولُ: بورك فيكم . (5)

- 
- 1- صحيح البخاري: ج 3 ص 1202 ح 3125، صحيح مسلم: ج 1 ص 72 ح 85، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 477 ح 9902 كلها عن أبي هريرة وج 4 ص 85 ح 11380 عن أبي سعيد الخدري وزاد فيه «والوقار» .
  - 2- الخصال: ص 445 ح 44، بحار الأنوار: ج 64 ص 118 ح 1 وج 103 ص 5 ح 14 .
  - 3- المحاسن: ج 2 ص 485 ح 2687 عن أبي خديجة، بحار الأنوار: ج 64 ص 131 ح 18 وج 83 ص 26326 .
  - 4- الكافي: ج 6 ص 545 ح 8، المحاسن: ج 2 ص 488 ح 2700 كلاهما عن أبي الجارود، بحار الأنوار: ج 64 ص 134 ح 26 .
  - 5- الخصال: ص 617 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 107، بحار الأنوار: ج 64 ص 126 ح 7 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آرامش، برای گوسفندداران است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نه دهم روزی، در داد و ستد است و بخش باقی مانده، در گوسفند است.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد اُمّ ایمن رفت و فرمود: «چرا در خانه ات برکت نمی بینم؟». گفت: در خانه من برکت نیست! فرمود: «مقصودم آن نبود که خانه تو برکت ندارد. مقصودم این است که چرا در خانه، گوسفند نداری تا فرزندان از شیر آن، بی نیاز شوند و خودت از روغن آن بخوری؟».

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد اُمّ سلمه رفت و به او فرمود: «چرا در خانه ات برکت نمی بینم؟». گفت: البته، خدا را شکر، برکت در خانه من است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند، سه برکت نازل کرده است: آب، آتش (1) و گوسفند».

امام علی علیه السلام: بهترین چیزی که مرد برای خانواده اش در خانه فراهم می آورد، گوسفند است. هر که در خانه اش يك گوسفند داشته باشد، فرشتگان، روزی يك بار، او را تقدیس می کنند، و هر که دو گوسفند داشته باشد، فرشتگان، روزی دو بار، تقدیس می کنند، و در سه [گوسفند] به آنان می گویند: خدا برکتان دهد!

---

1- .. علامه مجلسی می گوید: شاید از این جهت است که آتش از طریق پخت و پز در خانه، موجب برکت می شود.

الكافي عن محمد بن عجلان: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ يَكُونُ عِنْدَهُمْ شَاةٌ لَبُونٌ إِلَّا قُدِّسُوا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ .  
قُلْتُ: وَكَيْفَ يُقَالُ لَهُمْ؟ قَالَ: يُقَالُ لَهُمْ: بَوْرِكْتُمْ بَوْرِكْتُمْ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا اتَّخَذَ أَهْلُ بَيْتِ شَاةٍ آتَاهُمُ اللَّهُ بِرِزْقِهَا وَزَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَحَلَةً، فَإِنْ اتَّخَذُوا شَاتَيْنِ آتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمَا وَزَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَحَلَتَيْنِ، فَإِنْ اتَّخَذُوا ثَلَاثَةَ آتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمْ وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ رَأْسًا . (2)

عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ فِي بَيْتِهِ شَاةٌ عَيْدِيَّةً (3) ارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُ مَنَقَلَةً، وَمَنْ كَانَتْ فِي بَيْتِهِ اثْنَتَانِ ارْتَحَلَ عَنْهُ الْفَقْرُ مَنَقَلَتَيْنِ، وَمَنْ كَانَتْ فِي بَيْتِهِ ثَلَاثٌ نَفَى اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ . (4)

المحاسن عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا اتَّخَذَ أَهْلُ الْبَيْتِ الشَّاةَ قَدَّسَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ كُلَّ يَوْمٍ تَقْدِيسَةً . قُلْتُ: كَيْفَ يَقُولُونَ؟ قَالَ: يَقُولُونَ: قُدِّسْتُمْ قُدِّسْتُمْ . (5)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن محمد بن مارد: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَكُونُ لَهُ فِي مَنْزِلِهِ عَنَزٌ حَلُوبٌ إِلَّا قُدِّسَ أَهْلُ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ، وَبَوْرِكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنْ كَانَتْ اثْنَتَيْنِ قُدِّسُوا كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ . فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا: كَيْفَ يُقَدِّسُونَ؟ قَالَ: يُقَالُ لَهُمْ: بَوْرِكَ عَلَيْكُمْ، وَطَبَّتُمْ وَطَابَ إِدَامُكُمْ . (6)

- 
- 1- الكافي: ج 6 ص 544 ح 5، المحاسن: ج 2 ص 488 ح 2699، بحار الأنوار: ج 64 ص 133 ح 25 .
  - 2- الكافي: ج 6 ص 544 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 486 ح 2690 كلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج 64 ص 132 ح 20 .
  - 3- العيديات: هي ضربٌ من الغنم (لسان العرب: ج 3 ص 322 «عود»).
  - 4- المحاسن: ج 2 ص 487 ح 2693 عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج 64 ص 132 ح 22 .
  - 5- المحاسن: ج 2 ص 484 ح 2684 وص 488 ح 2698، بحار الأنوار: ج 64 ص 130 ح 14 .
  - 6- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 349 ح 4226، بحار الأنوار: ج 76 ص 163 ح 1 .

الكافی\_ به نقل از محمد بن عجلان \_ : از امام باقر علیه السلام شنیدم فرمود : «هیچ خانواده ای نیست که نزد آنان گوسفندی شیرده باشد، مگر آن که روزی دو بار، تقدیس می شوند» . [ راوی می گوید: ] گفتم: به آنان چگونه گفته می شود؟ فرمود: «به آنان گفته می شود: مبارك باد بر شما! مبارك باد بر شما!».

امام صادق علیه السلام : هر گاه خانواده ای يك گوسفند داشته باشد ، خداوند ، روزی آن را به آنان می دهد و بر روزی خود آنان نیز می افزاید و تهی دستی ، از آنان يك مرحله می كوچد؛ و اگر دو گوسفند داشته باشند ، خداوند ، روزی آن دو را به آنان می دهد و بر روزی خود آنان نیز می افزاید و تهی دستی ، از آنان دو مرحله می كوچد . پس اگر سه گوسفند داشته باشند ، خداوند ، روزی آنها را به آنان می دهد و تهی دستی ، به کلی از آنان می كوچد.

امام صادق علیه السلام : هر کس در خانه اش يك گوسفند عیدیه (1) باشد ، تنگ دستی به اندازه يك مرحله از او كوچ می کند ، و هر کس در خانه اش دو گوسفند باشد ، تنگ دستی به اندازه دو مرحله از او كوچ می کند ، و هر کس در خانه اش سه گوسفند باشد ، خداوند ، تنگ دستی را به کلی از او دور می سازد .

المحاسن\_ به نقل از عبد الله بن سنان \_ : امام صادق علیه السلام فرمود : «وقتی خانواده ای گوسفند نگه بدارد، فرشتگان، روزی يك بار، آنان را تقدیس می کنند» . گفتم: چگونه می گویند؟ فرمود: «می گویند : خجسته باشید! خجسته باشید!».

کتاب من لایحضره الفقیه\_ به نقل از محمد بن مارد \_ : شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود : «هیچ مؤمنی نیست که در خانه اش بزی شیرده داشته باشد، مگر آن که اهل آن خانه تقدیس می شوند و برکت می یابند . و اگر دو بز داشته باشد ، روزی دو بار ، تقدیس می شوند» . مردی از اصحاب ما گفت: چگونه تقدیس می شوند؟ فرمود: «به آنان گفته می شود : مباركتان باد، پاك باشید، و طعامتان پاك [و گوارا] باد!».

8 / 5 الدَّوَابُّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الشَّاةُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ، وَالدَّجَاجُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ. (1)

سنن ابن ماجه عن أبي هريرة: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَغْنِيَاءَ بِاتِّخَاذِ الْغَنَمِ، وَأَمَرَ الْفُقَرَاءَ بِاتِّخَاذِ الدَّجَاجِ. (2)

الإمام الكاظم عليه السلام: الدِّيكُ أَحْسَنُ صَوْتًا مِنَ الطَّاوُوسِ، وَهُوَ أَعْظَمُ بَرَكَةً، يُنَبِّهُكَ فِي مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ. (3)

8 / 6 النَّحْلُ لِكِتَابِ «وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ \* ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلَمِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». (4)

الحديثا لإمام علي عليه السلام - لشيعة - : كونا في الناس كالتحلة في الطير؛ ليس شيء من الطير إلا وهو يستضعفها، ولو يعلمون ما في أجوافها من البركة لم يفعلوا ذلك بها. (5)

1- .كنز العمال : ج 12 ص 326 ح 35238 نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن أنس .

2- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 773 ح 2307 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 348 ح 1132 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 65 ص 10 ح 13 و ج 66 ص 74 ح 69 .

3- .الكافي : ج 6 ص 550 ح 3 عن يعقوب بن جعفر بن إبراهيم الجعفري ، بحار الأنوار : ج 65 ص 4 ح 7 .

4- .النحل : 68 و 69 .

5- .الأمالي للمفيد : ص 131 ح 7 عن الحارث بن حصيرة عن أبيه ، الغيبة للنعماني : ص 209 ح 17 عن الأصمغ بن نباتة ، مشكاة الأنوار : ص 127 ح 295 عن ربيعة بن ناجذ نحوه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 75 ح 133 ؛ سنن الدارمي : ج 1 ص 98 ح 317 عن ربيعة بن ناجذ وفيه «لو يعلم الطير» بدل «لو يعلمون» .

**8 / 5 مرغ و خروس**

**8 / 6 زنبور عسل**

8 / 5 مرغ و خروس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گوسفند در خانه، برکت است. مرغ در خانه، برکت است.

سنن ابن ماجه\_ به نقل از ابو هريره \_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ثروتمندان دستور داد که گوسفند نگه دارند و به تهی دستان دستور داد مرغ نگه دارند.

امام کاظم علیه السلام :خروس ، خوش صداتر از طاووس است و برکتش هم بیشتر است . خروس، تو را در اوقات نماز ، بیدار می کند.

8 / 6 زنبور عسلقرآن«و پروردگارت به زنبور عسل ، وحی کرد که: «از کوه ها و از درخت و از آنچه داربست می سازند، خانه هایی [ برای خود ] بساز ، سپس از میوه ها [ و گل ها ] بخور و راه های پروردگارت را آرام بپیم» . از درون آنها ، نوشیدنی رنگارنگی برون می آید که در آن برای مردم، شفاست . همانا در این، نشانه ای برای اندیشمندان است» .

حدیثامام علی علیه السلام\_ به پیروانش \_ :در میان مردم، همانند زنبور عسل در میان پرندگان باشید . هیچ پرنده ای نیست، مگر این که آن را ناچیز (ناتوان) می شمارد ، در حالی که اگر می دانستند در درون او چه برکتی است، به او چنان نمی نگریستند .

الفصل التاسع : أماكن ذات بركة 9 / 1 الأرض «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ» .  
(1)

9 / 2 الكعبة الكتاب «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» . (2)

الحديث المنقوب لابن شهر آشوب : جَهِلُوا تَفْسِيرَ قَوْلِهِ : «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ» فَقَالَ لَهُ [ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام ] رَجُلٌ : هُوَ أَوَّلُ بَيْتٍ؟ قَالَ : لَا ، قَدْ كَانَ قَبْلَهُ بَيْوتٌ ، وَلَكِنَّهُ أَوَّلُ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ مُبَارَكًا ، فِيهِ الْهُدَى وَالرَّحْمَةُ وَالْبِرْكَةُ . وَأَوَّلُ مَنْ بَنَاهُ إِبْرَاهِيمُ ، ثُمَّ بَنَاهُ قَوْمٌ مِنَ الْعَرَبِ مِنْ جَرَهَمٍ ، ثُمَّ هَدِمَ فَبَنَتْهُ قُرَيْشٌ . (3)

1- .فصّلت : 10 . أي جعل فيها الخير الكثير الذي ينتفع به ما على الأرض من نبات وحيوان وإنسان في حياته أنواع الانتفاعات (الميزان في تفسير القرآن : ج 17 ص 363) .

2- .آل عمران : 96 .

3- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 43 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 93 ح 42 .

## فصل نهم : جاهای با برکت

## 9 / 1 زمین

## 9 / 2 کعبه

فصل نهم : جاهای با برکت 9 / 1 زمین «و در آن (زمین) از فرازش ، لنگرهایی (کوه هایی) ایجاد کرد و در آن، برکت قرار داد (1) و در چهار روز ، روزی های آن را [ به اندازه ] فراهم آورد ، برابر با نیازهای خواهندگان» .

9 / 2 کعبهقرآن «به یقین، اولین خانه ای که برای [عبادت] مردم ، بنا نهاده شد ، همان است که در مکه است و مبارك و [مايه] هدایت برای جهانیان است» .

حدیثالمناقب ، ابن شهر آشوب : تفسیر آیه: «به یقین، اولین خانه ای که برای مردم ، بنا نهاده شده است» را نمی دانستند . مردی به علی علیه السلام گفت: [ آیا ] کعبه، اولین خانه است؟ فرمود: «نه؛ پیش از آن نیز خانه هایی بود؛ لیکن آن، اولین خانه ای است که برای مردم ، پُربرکت نهاده شده است که در آن، هدایت و رحمت و برکت است. اولین کسی که آن را ساخت، ابراهیم علیه السلام بود و سپس طایفه ای از عرب از قبیله جرهم . سپس خراب شد . سپس قریش، آن را باز ساخت».

---

1- .. یعنی در زمین ، خیر فراوان قرار داد که موجودات روی آن ، از گیاه و حیوان و انسان ، انواع بهره را از آن ببرند (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 17 ص 367) .



الكافي عن عبد الملك بن عتبة: سألت أبا عبد الله عليه السلام عما يصل إلينا من ثياب الكعبة، هل يصلح لنا أن نلبس شيئا منها؟ قال: يصلح للصبيان والمصاحف والمخدة تبغى بذلك البركة إن شاء الله. (1)

9 / 3 فلسطين، الشام، سواد الكوفة الكتاب (و نَجَّيْنَاهُ وَ لُوَطَّا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ). (2)

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ». (3)

«وَلَسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ». (4)

«وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» 5

1- الكافي: ج 4 ص 229 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 449 ح 1567.

2- الأنبياء: 71.

3- الإسراء: 1.

4- الأنبياء: 81.

**9 / 3 فلسطین، شام و سرزمین کوفه**

الکافی\_ به نقل از عبد الملك بن عتبه \_ : از امام صادق علیه السلام در باره پوشش کعبه که به دست ما می رسد، پرسیدم که: آیا می توانیم چیزی از آن را بپوشیم؟ فرمود: «برای کودکان، قرآن ها و بالش، به قصد تبرک\_ اگر خدا بخواهد\_ شایسته است» .

9 / 3 فلسطین، شام و سرزمین کوفه قرآن (و او (ابراهیم) و لوط را به سوی سرزمینی نجات دادیم که در آن برای جهانیان ، برکت نهاده بودیم» .

«منزه است خدایی که بنده اش را شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصی \_ که پیرامونش را برکت داده بودیم \_ سیر داد تا از آیات خویش به او نشان دهیم . همانا او شنوا و بیناست» .

«و برای سلیمان، تندباد را [رام کردیم] که به فرمان او، به سوی سرزمینی که در آن برکت نهادیم، جریان می یافت، و ما به هر چیز ، دانا بودیم» .

«و به گروهی که پیوسته تضعیف می شدند ، بخش های شرق و غرب سرزمینی 1 را که به آن، برکت داده بودیم، به میراث بخشیدیم» .

الحديث تفسير القمي - في تفسير قوله تعالى: «وَنَجِّنَاهُ وَ لُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ» - يعني إلى الشام وسواد الكوفة. (1)

تفسير القمي: قوله تعالى: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً» قال: تجري من كل جانب. «إلى الأرض التي باركنا فيها» إلى بيت المقدس والشام. (2)

9 / 4 مسجد الكوفة الإمام علي عليه السلام في فضل مسجد الكوفة - تقرّبوا إلى الله عز وجل بالصلاة فيه، وارغبوا إليه في قضاء حوائجكم؛ فلو يعلم الناس ما فيه من البركة لآتوه من أقطار الأرض ولو حبوا على الثلج! (3)

9 / 5 كربلاء الإمام الصادق عليه السلام: البركة من قبر الحسين بن علي عليه السلام عشرة أميال. (4)

عنه عليه السلام: إن طين قبر الحسين عليه السلام مسكة مباركة. (5)

1- تفسير القمي: ج 2 ص 73.

2- تفسير القمي: ج 2 ص 74، بحار الأنوار: ج 14 ص 67 ح 1.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 232 ح 696، روضة الواعظين: ص 369 كلاهما عن الأصبغ بن نباتة، بحار الأنوار: ج 100 ص 390 ح 14.

4- بحار الأنوار: ج 101 ص 116 ح 41، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 72 ح 136 وفيه «التربة» بدل «البركة» وكلاهما عن الحجال عن غير واحد من أصحابنا.

5- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 360 ح 1177، بحار الأنوار: ج 101 ص 132 ح 60.

## 9 / 4 مسجد کوفه

## 9 / 5 کربلا

حدیث تفسیر القمّی\_ در تفسیر آیه: «او (ابراهیم) و لوط را به سوی سرزمینی نجات دادیم که در آن برای جهانیان، برکت نهاده بودیم»\_  
یعنی به سوی شام و سرزمین کوفه .

تفسیر القمّی: سخن خداوند که: «و برای سلیمان، تندباد را [رام کردیم]»، [یعنی] از هر سوی، روان می شد . «به سوی سرزمینی که در آن، برکت نهاده بودیم»، [یعنی] به سوی بیت المقدّس و شام .

9 / 4 مسجد کوفه امام علی علیه السلام\_ در بیان فضیلت مسجد کوفه \_: با نماز خواندن در آن، به خداوند، تقرّب بجوید و در بر آمدن حاجات خود، به آن، رغبت نشان دهید . اگر مردم می دانستند چه برکتی در آن است، از اطراف زمین به سوی آن می شتافتند، هر چند با خزیدن بر روی برف و یخ!

9 / 5 کربلا امام صادق علیه السلام: تا ده میل اطراف قبر حسین بن علی علیهما السلام، مبارك است.

امام صادق علیه السلام: خاک قبر حسین علیه السلام، يك پاره مُشك مبارك است.

الكافي عن ابن أبي يعفور: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَخَذَ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَنْتَفِعُ بِهِ، وَيَأْخُذُ غَيْرَهُ وَلَا يَنْتَفِعُ بِهِ؟ فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، مَا يَأْخُذُهُ أَحَدٌ وَهُوَ يَرَى أَنَّ اللَّهَ يَنْفَعُهُ بِهِ إِلَّا نَفَعَهُ بِهِ. (1)

9 / 6 قُمْمَا إمام الصادق عليه السلام: سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمَّ؛ يَسْقِي اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ، وَيُنَزِّلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ. (2)

---

1- الكافي: ج 4 ص 588 ح 3.

2- بحار الأنوار: ج 60 ص 217 ح 46 نقلاً عن تاريخ قم عن محمد بن الفضيل عن عدة من أصحابه.

الكافی۔ به نقل از ابن ابی یعفور۔ به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی از تربت قبر [ امام ] حسین علیه السلام بر می دارد و از آن ، بهره می برد . دیگری بر می دارد و بهره ای نمی برد؟ فرمود : «نه ! به خدای یکتا سوگند ، هیچ کس نیست که آن را با این عقیده که خداوند به برکت آن ، بهره می رساند ، بر دارد، مگر آن که خداوند ، به سبب آن، به او بهره می دهد».

9 / 6 قم امام صادق علیه السلام : سلام خدا بر اهل قم! خداوند، سرزمین آنان را با باران ، سیراب می کند و خداوند، برکت ها را بر آنان نازل می نماید.

الفصل العاشر : أزمنة ذات بركة 10 / 1 شهر رَمَضَانَالكتاب«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» .  
(1)

الحديثرسول الله صلى الله عليه وآله :شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ ، وَهُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ ، وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ ، وَهُوَ شَهْرُ الْبِرَّةِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله :أَتَاكُمْ شَهْرُ رَمَضَانَ ؛ شَهْرٌ خَيْرٌ وَبِرَّةٍ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله \_ مِنْ خُطْبَتِهِ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ \_ :أَيُّهَا النَّاسُ ، فَإِنَّهُ أَظْلَكُكُمْ شَهْرٌ عَظِيمٌ ، شَهْرٌ مُبَارَكٌ ، شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ، جَعَلَ اللَّهُ صِيَامَهُ فَرِيضَةً . مَنْ تَقَرَّبَ فِيهِ بِخَصَالَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فِي مَا سِوَاهُ ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِي مَا سِوَاهُ . (4)

1- .البقرة : 185 .

2- فضائل الأشهر الثلاثة : ص 95 ح 78 عن محمد بن أبي عمير عن غير واحد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 340 ح 5 .

3- .كنز العمال : ج 8 ص 467 ح 23691 نقلاً عن ابن النجار عن عمر .

4- .فضائل الأشهر الثلاثة : ص 129 ح 134 عن سلمان ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 268 نحوه ؛ كنز العمال : ج 8 ص 477 ح 23714 وص 584 ح 24276 .

## فصل دهم : زمان های با برکت

## 10 / 1 ماه رمضان

فصل دهم : زمان های با برکت 10 / 1 ماه رمضان «ماه رمضان» [ همان ] ماهی است که در آن ، قرآن فرو فرستاده شده است ، [ کتابی ] که مردم را راهبر ، و [ در بر دارنده ] دلایل آشکار هدایت ، و [ میزان ] تشخیص حق از باطل است» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ماه رمضان، ماه خداست و آن، ماهی است که خداوند در آن ، حسنات را می افزاید و گناهان را پاك می کند و آن ، ماه برکت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ماه رمضان، ماه نیکی و برکت، شما را فرا رسیدا!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در بخشی از خطبه شان در آخرین روز از ماه شعبان \_ : ای مردم! ماهی بزرگ بر شما سایه افکنده است، ماهی مبارك ، ماهی که در آن، شبی است بهتر از هزار ماه . خداوند، روزه آن را واجب ساخته است. هر کس در این ماه، با انجام دادن کاری از کارهای خیر، به خدا تقرب جوید، همچون کسی است که در غیر این ماه، کار واجبی را انجام داده باشد، و هر کس در این ماه ، يك واجب به جا آورد، همچون کسی است که در غیر این ماه، هفتاد کار واجب را انجام داده باشد.



عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرٌ عَظِيمٌ؛ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَيَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ. مَنْ تَصَدَّقَ فِي هَذَا الشَّهْرِ بِصَدَقَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَمَنْ أَحْسَنَ فِيهِ إِلَى مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَمَنْ حَسَنَ فِيهِ حُلُقَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: قَدْ جَاءَكُمْ شَهْرُ رَمَضَانَ؛ شَهْرٌ مُبَارَكٌ، شَهْرٌ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ، تَفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَنَانِ، وَتُغَلُّ فِيهِ الشَّيَاطِينُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: يُسْتَحَبُّ النِّكَاحُ فِي رَمَضَانَ رَجَاءَ الْبِرِّكَةِ. (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مِنْ دُعَائِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ... اللَّهُمَّ... فَرَّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ، وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ، وَأَعْظَمِ لِي فِيهِ الْبِرِّكَةَ. (4)

عنه عليه السلام: فِي دُعَائِهِ لِيُودِعَ شَهْرَ رَمَضَانَ... السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ لَا تُنَافِسُهُ الْإِيَّامُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحِبَةِ وَلَا ذَمِيمِ الْمُلَابَسَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَفَدْتَ عَلَيْنَا بِالْبِرِّكَاتِ، وَغَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ. (5)

1- الأمامي للصدوق: ص 108 ح 82 عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 96 ص 361 ح 29.

2- تهذيب الأحكام: ج 4 ص 152 ح 422، الأمامي للطوسي: ص 149 ح 246، الأمامي للمفيد: ص 301 ح 1 كلها عن أبي هريرة؛ سنن النسائي: ج 4 ص 129 وفيه «مردة الشياطين»، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 8 ح 7151 وص 331 ح 9001 وص 412 ح 9502، شعب الإيمان: ج 3 ص 301 ح 3600 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 8 ص 461 ح 23661.

3- الفردوس: ج 5 ص 539 ح 9023 عن عائشة.

4- الكافي: ج 4 ص 75 ح 7 عن عبد الرحمن بن بشير عن بعض رجاله، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 112 ح 266 عن علي بن رثاب عن الإمام الكاظم عليه السلام وليس فيه «ودعائك»، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 105 ح 1849 عن الإمام الكاظم عليه السلام، الإقبال: ج 1 ص 82 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 97 ص 359 ح 1 وج 98 ص 101 ح 3.

5- الصحيفة السجادية: ص 176 الدعاء 45، مصباح المتهجد: ص 645 ح 718، الإقبال: ج 1 ص 426، بحار الأنوار: ج 98 ص 175 ح 1.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ماه رمضان، ماه بزرگی است. خداوند در آن، حسنات را می افزاید و گناهان را پاک می کند و درجات را بالا می برد. هر که در این ماه، يك صدقه بدهد، خداوند، او را می آمرزد، و هر که در این ماه، اخلاقش نیکو باشد، خداوند، او را می آمرزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ماه رمضان، شما را فرارسید؛ ماهی مبارك؛ ماهی که خداوند، روزه آن را بر شما واجب ساخته است. در این ماه، درهای بهشت، گشوده می شوند و در این ماه، شیطان ها در غل و زنجیرند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ازدواج در ماه رمضان به امید برکت، مستحب است.

امام زین العابدین علیه السلام: در دعایش در هر روز از ماه رمضان \_ خداوندا! ... در این ماه، مرا برای پرستش و نیایش به درگاہت و خواندن کتاب آسمانی ات، فارغ بگردان و برکتی را در این ماه، بزرگ بدار.

امام زین العابدین علیه السلام: در دعای وداع با ماه رمضان \_ بدرود ای ماهی که هیچ روزهایی به پای تو نمی رسند! بدرود ای ماهی که از هر جهت، ایمن (سلامت) است! بدرود ای ماهی که همنشینی با تو ناخوشایند نیست و بودن با تو، ناپسند، نه! بدرود ای ماهی که با برکت ها بر ما فرود آمدی و آلودگی گناهان را از ما شستی!

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِالصَّائِمِينَ ، يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى آخِرِهِ ، وَيُنَادُونَ الصَّائِمِينَ كُلَّ لَيْلَةٍ عِنْدَ إِفْطَارِهِمْ : أُبَشِّرُوا عِبَادَ اللَّهِ ، فَقَدْ جُعْتُمْ قَلِيلًا وَسَتَشَبِعُونَ كَثِيرًا ، بَوْرِكْتُمْ وَبَوْرِكُ فَيْكُمْ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام\_ كَانَ يَقُولُ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ \_ :اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ فَسَلَّمْنَا فِيهِ وَسَلَّمَهُ لَنَا وَتَسَلَّمَهُ مِنَّا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ . (2)

عنه عليه السلام\_ فِي وَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ \_ :اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ ؛ مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ ، وَجَمِيلِ ثَنَائِكَ ، وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ ، أَنْ تُصَلِّئَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا أَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّةً عَلَيْنَا مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً ؛ فِي عِصْمَةِ دِينِي ، وَخِلَاصِ نَفْسِي ، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي ، وَتُسْفُفُعْنِي فِي مَسَائِلِي ، وَتَمَامِ النُّعْمَةِ عَلَيَّ ، وَصَدْرِ السُّوءِ عَنِّي ، وَلبَاسِ العَافِيَةِ لِي فِيهِ . (3)

1- فضائل الأشهر الثلاثة : ص 72 ح 52 ، الأمل للصدوق : ص 108 ح 81 كلاهما عن محمد بن مسلم الثقفي ، روضة الواعظين : ص 372 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 361 ح 28 .

2- مصباح المتهجد : ص 850 ح 911 عن الحارث بن المغيرة النضري ، تفسير العياشي : ج 1 ص 80 ح 182 عن الحارث النضري ، الإقبال : ج 1 ص 119 عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري ، بحار الأنوار : ج 96 ص 383 ح 1 .

3- الكافي : ج 4 ص 166 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 123 ح 267 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 165 ح 2033 ، الإقبال : ج 1 ص 431 وفيها «تشفيعي» بدل «تشفيعني» وكلها عن أبي بصير .

امام باقر علیه السلام: خداوند، فرشتگانی دارد گماشته بر روزه داران که در هر روز ماه رمضان تا پایان آن، برای آنان آمرزش می طلبند و هر شب به هنگام افطارشان، به آنان خطاب می کنند: «مژده باد بر شما، ای بندگان خدا! اندکی گرسنه شدید؛ اما فراوان سیر خواهید گشت . مبارك شديد و در باره شما برکت داده شد».

امام صادق علیه السلام\_ در آخرین شب ماه شعبان و اولین شب ماه رمضان می فرمود \_ :خداوندا! این ماه مبارك \_ که در آن، قرآن برای هدایت مردم فرو فرستاده شده، و متضمن دلایل آشکار هدایت و میزان تشخیص حق از باطل است \_، فرارسید . پس در این ماه، ما را سلامت بدار و آن را برای ما سلامت بدار و آن را از ما در کمال آسانی و عافیت از سوی خود، تحویل بگیر .

امام صادق علیه السلام\_ در وداع با ماه رمضان \_ :خداوندا! به حق بزرگ ترین چیزی که هر يك از بندگان به حق آن از تو درخواست کرده است، به نام های بزرگت، ستایش زیبایت، و دعای ویژه ات، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و این ماه ما را بابرکت ترین ماه رمضانی قرار دهی که از وقتی که ما را به دنیا فرود آورده ای، بر ما گذشته است، همراه با مصون ماندن دینم و رهایی جانم و بر آمدن نیازهایم . [ این که ] در خواسته هایم و کامل شدن نعمت بر من و برطرف شدن بدی از من، و پوشاندن عافیت بر من در این ماه، شفیع من باشی .

## 10 / 2 لَيْلَةُ الْقَدْرِ الْكِتَابُ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» . (1)

الحديثا لإمام الباقر عليه السلام\_ لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» \_ نَعَمْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ ، وَهِيَ فِي كُلِّ سَنَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ ، فَلَمْ يُنَزَلِ الْقُرْآنُ إِلَّا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ . (2)

عنه عليه السلام\_ حِينَ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (3) : أَيُّ شَيْءٍ عَنَى بِذَلِكَ؟ \_ :الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا \_ مِنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَأَنْوَاعِ الْخَيْرِ \_ خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ . وَلَوْلَا مَا يُضَاعَفُ اللَّهُ \_ تَبَارَكَ وَتَعَالَى \_ لِلْمُؤْمِنِينَ مَا بَلَّغُوا ، وَلَكِنَّ اللَّهَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْحَسَنَاتِ بِحُبَّتِنَا . (4)

## 10 / 3 شَهْرُ رَجَبٍ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سُمِّيَ شَهْرُ رَجَبٍ شَهْرَ اللَّهِ الْأَصَبِّ ؛ لِأَنَّ الرَّحْمَةَ عَلَى أُمَّتِي تُصَبُّ صَبًّا فِيهِ . (5)

1- .الدخان : 3 .

2- .الكافي : ج 4 ص 157 ح 6 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 158 ح 2024 ، ثواب الأعمال : ص 92 ح 11 كلَّها عن حمران ، بحار الأنوار : ج 97 ص 19 ح 41 .

3- .القدر : 3 .

4- .الكافي : ج 4 ص 158 ح 6 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 158 ح 2024 وليس فيه من «فيها من الصلاة» إلى «ليلة القدر» ، ثواب الأعمال : ص 93 ح 11 كلَّها عن حمران ، بحار الأنوار : ج 97 ص 19 ح 41 وليس فيها «بحبَّتينا» .

5- .النوادر للأشعري : ص 18 ح 2 عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 39 ح 24 .

10 / 2 شب قدر

10 / 3 ماه رجب

10 / 2 شب قدر قرآن «ما ، آن (قرآن) را در شبی مبارك نازل كرديم» .

حدیث امام باقر علیه السلام آن گاه که از ایشان در باره آیه : «ما ، آن (قرآن) را در شبی مبارك نازل كرديم» پرسیدند \_ آری، شب قدر است و آن، در هر سال، در ده شب آخر ماه رمضان است. قرآن، جز در شب قدر، نازل نشده است.

امام باقر علیه السلام چون از ایشان در باره آیه : «شب قدر، بهتر از هزار ماه است» پرسیدند که مقصود از آن چیست؟ \_ کار نیک در آن (از قبیل : نماز، زکات و انواع نیکی ها) ، بهتر از کار [ نیک ] در هزار ماهی است که شب قدر در آنها نباشد . اگر نبود که خدای متعال ، برای مؤمنان چند برابر می گرداند ، قطعاً ، به آن نمی رسیدند؛ ولی خداوند، حسنات آنان را به سبب محبت ما ، چند برابر می گرداند .

10 / 3 ماه رجب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رجب را ماه اصَبُّ (پُربار) خدا نامیده اند؛ چون در این ماه، بر اُمَّتَم ، رحمت فراوان فرو می بارد .

عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرَةُ اللَّهِ مِنَ الشُّهُورِ شَهْرُ رَجَبٍ، وَهُوَ شَهْرُ اللَّهِ، مَنْ عَظَّمَ شَهْرَ رَجَبٍ فَقَدْ عَظَّمَ أَمْرَ اللَّهِ، وَمَنْ عَظَّمَ أَمْرَ اللَّهِ أَدَخَلَهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَأَوْجَبَ لَهُ رِضْوَانَهُ الْأَكْبَرَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: رَجَبٌ شَهْرُ اللَّهِ الْأَصَمِّ، الْمُنِيرِ، الَّذِي افْتَرَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَفْسِهِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ. (3)

النوادر للراوندي عن ابن عباس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا جَاءَ شَهْرُ رَجَبٍ جَمَعَ الْمُسْلِمِينَ حَوْلَهُ وَقَامَ فِيهِمْ خَطِيْبًا، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، وَذَكَرَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَصَلَّى عَلَيْهِمْ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ، قَدْ أَظْلَكُمُ شَهْرٌ عَظِيمٌ مُبَارَكٌ، وَهُوَ شَهْرُ الْأَصَبِّ، يُصَبُّ فِيهِ الرَّحْمَةُ عَلَى مَنْ عَبَدَهُ إِلَّا عَبْدًا مُشْرِكًا، أَوْ مُظْهَرًا بِدَعَاةٍ فِي الْإِسْلَامِ. (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ: الدَّاعِي، فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلَكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ: طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ! طُوبَى لِلطَّائِعِينَ! وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا جَلِيسٌ مِنْ جَالِسِي، وَمُطِيعٌ مِنْ أَطَاعَنِي، وَغَافِرٌ مِنْ اسْتَغْفَرَنِي، الشَّهْرُ شَهْرِي، وَالْعَبْدُ عَبْدِي، وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي، فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ، وَمَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ، وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ، وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي؛ فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ. (5)

1- شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 3 ص 374 ح 3813 عن أنس، كنز العمال: ج 12 ص 323 ح 35217.

2- الفردوس: ج 2 ص 274 ح 3274 عن أبي سعيد الخدري.

3- المعجم الكبير: ج 6 ص 69 ح 5538 عن عثمان، كنز العمال: ج 12 ص 311 ح 35166 و ح 35168؛ ثواب الأعمال: ص 78 ح 3 عن المبارك عن الإمام الكاظم عليه السلام، الأمالي للشجري: ج 2 ص 91 عن عثمان، بحار الأنوار: ج 97 ص 50 ح 37 نقلًا عن النوادر للراوندي عن ثوبان.

4- النوادر للراوندي (المستدركات): ص 259 ح 525، بحار الأنوار: ج 97 ص 47 ح 33.

5- الإقبال: ج 3 ص 174، بحار الأنوار: ج 98 ص 377 ح 1.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ماه رجب، ماه برگزیده خدا از میان ماه هاست و آن، ماه خداست . هر کس ماه رجب را بزرگ بدارد، فرمان خدا را بزرگ داشته است و هر که فرمان خدا را بزرگ بدارد ، [خدا] او را وارد بهشت های پُر نعمت می کند و رضایت بزرگ تر خویش را برای او واجب می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رجب، ماه اَصَمِّ (1) و درخشان خداست ؛ ماهی که خداوند، آن را برای خود ، واجب ساخته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رجب، ماه بزرگی است!

النوادر ، راوندی\_ به نقل از ابن عباس \_ : ماه رجب که فرا می رسید ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان را دور خود جمع می کرد و برای آنان به سخنرانی می پرداخت. او خدا را حمد و ثنا می گفت و از پیامبران پیشین ، یاد می کرد و بر آنان درود می فرستاد . سپس می فرمود : «ای مسلمانان! ماه بزرگ و مبارکی بر شما سایه افکنده است و آن، ماه اصَبِّ است . [یعنی] در این ماه، رحمت بر همه بندگانش فرو می ریزد مگر بر بنده مشرک و یا کسی که در اسلام، بدعتی پدید آورد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند در آسمان هفتم، فرشته ای گماشته است که به آن ، «داعی» گویند ، و چون ماه رجب فرارسد ، آن فرشته هر شبِ آن ماه را تا صبح، ندا می دهد : «خوشا بر ذاکران! خوشا بر طاعت کنندگان!» . خداوند نیز می فرماید : «من ، همنشین کسی هستم که با من ، همنشین باشد، و مطیع کسی هستم که اطاعت کند، و آمرزنده کسی هستم که از من آمرزش بخواهد . ماه من است و بنده، بنده من و رحمت، رحمت من . هر که مرا در این ماه بخواند ، پاسخش می گویم، و هر که از من [چیزی] بخواهد، عطایش می کنم، و هر که از من هدایت جوید ، راه نمایش خواهم بود . این ماه را رشته ای (ریسمانی) بین خودم و بندگانم قرار داده ام . هر کس به این رشته (ریسمان) چنگ زند، به من می رسد» .

---

1- .. اَصَمِّ ، به معنای : در بسته ، توپُر ، گر و سنگین است .



عنه صلى الله عليه وآله: رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ تُضَاعَفُ فِيهِ الْحَسَنَاتُ مَا لَا تُضَاعَفُ فِي غَيْرِهِ. (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ، يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ. (2)

10 / 4 شهرٌ شَهِرٌ عَبَّاسٌ رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا سُمِّيَ شَعْبَانَ لِأَنَّهُ تَشَدَّ عَبُّ فِيهِ أَرْزَاقُ الْمُؤْمِنِينَ لِرَمَضَانَ، وَهُوَ شَهْرُ الْعَمَلِ، فِيهِ تُضَاعَفُ الْحَسَنَةُ سَبْعِينَ، وَالسَّيِّئَةُ مَحْطُوطَةٌ، وَالذَّنْبُ مَغْفُورٌ، وَالْحَسَنَةُ مَقْبُولَةٌ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا سُمِّيَ شَعْبَانَ لِأَنَّهُ يَتَشَعَّبُ فِيهِ خَيْرٌ كَثِيرٌ لِلصَّائِمِ فِيهِ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا سُمِّيَ شَعْبَانَ لِأَنَّهُ يُشَعَّبُ فِيهِ خَيْرٌ كَثِيرٌ لِرَمَضَانَ. (5)

- 
- 1- الأُمالي للشجري: ج 1 ص 258 عن عائشة.
  - 2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 92 ح 1822، ثواب الأعمال: ص 78 ح 3 عن المبارك بن زيد، فضائل الأشهر الثلاثة: ص 23 ح 11 عن سيف المبارك عن أبيه، الإقبال: ج 3 ص 191، بحار الأنوار: ج 97 ص 37 ح 20؛ المعجم الكبير: ج 6 ص 69 ح 5538 عن عثمان وليس فيه «ويمحو فيه السيئات»، كنز العمال: ج 12 ص 311 ح 35168.
  - 3- ثواب الأعمال: ص 87 ح 16، روضة الواعظين: ص 442 كلاهما عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 97 ص 69 ح 7.
  - 4- الجامع الصغير: ج 1 ص 397 ح 2597، كنز العمال: ج 12 ص 313 ح 35173 كلاهما نقلاً عن الرافعي في تاريخه عن أنس.
  - 5- بحار الأنوار: ج 58 ص 341 عن زياد بن ميمون، مستدرک الوسائل: ج 7 ص 484 ح 8710 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب؛ كنز العمال: ج 8 ص 591 ح 24293 نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب والديلمي.

**10 / 4 ماه شعبان**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رجب، ماه بزرگی است. حسنات، در آن [، به گونه ای] افزوده می شوند که در غیر آن، چنان افزوده نمی شوند.

امام کاظم علیه السلام: رجب، ماه بزرگی است. خداوند در این ماه، حسنات را می افزاید و گناهان را می زداید.

10 / 4 ماه شعبان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ماه شعبان را شعبان می گویند؛ چون روزی های مردم تا رمضان، در آن تقسیم می شود. این ماه، ماه عمل است. در این ماه، کار نیک، هفتاد برابر می گردد؛ سیئه (بدی) ریخته می شود؛ گناه، آمرزیده می گردد؛ و حسنه (خوبی)، پذیرفته می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ماه شعبان را به این دلیل شعبان نامیده اند که در این ماه، خیر فراوانی برای روزه دار آن، منشعب می شود، تا آن که وارد بهشت شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شعبان را به این دلیل شعبان نامیده اند که در این ماه، خیر فراوانی برای رمضان، منشعب می شود.

عنه صلى الله عليه وآله: أَرْبَعٌ لَيَالِيَهُنَّ كَأَيَّامِهِنَّ، وَأَيَّامُهُنَّ كَلَيَالِيَهُنَّ، يُبْرِئُ اللَّهُ فِيهِنَّ الْقَسَمَ، وَيُعْتَقُ فِيهِنَّ النَّسَمَ، وَيُعْطِي فِيهِنَّ الْجَزِيلَ: لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَصَبَاحُهَا، وَلَيْلَةُ عَرَفَةَ وَصَبَاحُهَا، وَلَيْلَةُ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَصَبَاحُهَا، وَلَيْلَةُ الْجُمُعَةِ وَصَبَاحُهَا. (1)

الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَنَامُ ثَلَاثَ لَيَالٍ: لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَلَيْلَةَ الْفِطْرِ وَلَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، وَفِيهَا تُقَسَّمُ الْأَرْزَاقُ وَالْأَجَالُ وَمَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ. (2)

10 / 5 يَوْمَ الْجُمُعَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْجُمُعَةُ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الَّتِي قَبْلَهَا وَزِيَادَةٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ؛ وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (3). (4)

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؛ فَإِنَّهُ يَوْمٌ تُضَاعَفُ فِيهِ الْأَعْمَالُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ؛ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَيَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ. (6)

1- .كنز العمال: ج 12 ص 322 ح 35214 نقلاً عن الديلمي عن أنس .

2- .مصباح المتهجد: ص 853 عن سعيد بن سعد، بحار الأنوار: ج 97 ص 88 ح 15 .

3- .الأنعام: 160 .

4- .المعجم الكبير: ج 3 ص 298 ح 3459 عن أبي مالك، سنن أبي داود: ج 1 ص 291 ح 1113، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 670 ح 7021، السنن الكبرى: ج 3 ص 311 ح 5831 كلُّها عن شعيب عن أبيه؛ دعائم الإسلام: ج 1 ص 182 عن الإمام علي عليه السلام نحوه .

5- .مسند زيد: ص 156 عن زيد عن أبيه الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 1 ص 179، بحار الأنوار: ج 89 ص 364 ح 56 .

6- .الكافي: ج 3 ص 414 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 2 ح 2، مصباح المتهجد: ص 261، جمال الأسبوع: ص 147 كلُّها عن ابن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام، المقنعة: ص 153 ح 13، روضة الواعظين: ص 364 وليس فيهما «ويمحو فيه السيئات»، بحار الأنوار: ج 89 ص 274 ح 20 .

**10 / 5 روز جمعه**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار شب است که شب هایش همانند روزهایش و روزهایش همانند شب هایش است؛ [یعنی] خداوند در آنها، قَسَم ها [خواسته ها] را برآورده می سازد، افراد را آزاد می کند، و پاداش فراوان می دهد: شب قدر و روز آن، شب عرفه و روز آن، شب نیمه شعبان و روز آن، و شب جمعه و روز آن.

امام رضا علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام سه شب را نمی خوابید: شب بیست و سوم ماه رمضان، شب عید فطر، و شب نیمه شعبان. در این شب ها، روزی ها و آجل ها و آنچه در طول سال خواهد شد، تقسیم (مقدّر) می شوند.

10 / 5 روز جمعه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جمعه، کفّاره خطاهای بین جمعه تا جمعه قبلش و سه روز افزون بر آن است؛ چرا که خداوند فرموده است: «هر کس حسنه ای (کار نیکی) آورد، ده برابر، پاداش دارد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز جمعه، زیاد بر من صلوات بفرستید؛ زیرا جمعه، روزی است که [پاداش] کارها در آن، چند برابر می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز جمعه، سه روز روزهاست. خداوند در آن روز، حسنات را می افزاید و گناهان را محو می کند و درجات را بالا می برد.

الإمام علي عليه السلام في وصف يوم الجمعة - فيه ساعة مباركة لا يسأل الله عبد مؤمن فيها شيئاً إلا أعطاه . (1)

الإمام الباقر عليه السلام: إن الأعمال تُضاعف يوم الجمعة؛ فأكثرُوا فيه من الصلاة والصدقة . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: فضل الله الجمعة على غيرها من الأيام، وإن الجنان لتزخرُف وتزِين يوم الجمعة لمن أتاه، وإنكم تتسابقون إلى الجنة على قدر سبقكم إلى الجمعة، وإن أبواب السماء لتفتح لصعود أعمال العباد . (3)

عنه عليه السلام في الرجل يريد أن يعمل شيئاً من الخير مثل الصدقة والصوم ونحو هذا - يستحب أن يكون ذلك يوم الجمعة؛ فإن العمل يوم الجمعة يُضاعف . (4)

عنه عليه السلام: اجتنبوا المعاصي ليلة الجمعة؛ فإن السيئة مضاعفة والحسنة مضاعفة، ومن ترك معصية الله ليلة الجمعة غفر الله له كل ما سلف فيه، وقيل له: استأنف العمل، ومن بارز الله ليلة الجمعة بمعصية أخذ الله بكل ما عمل في عمره، وضاعف عليه العذاب بهذه المعصية، فإذا كان ليلة الجمعة رفعت حيطان البحور رؤوسها، ودواب البراري، ثم نادى بصوت ذليق: ربنا لا تعدبنا بذنوب الأدميين . (5)

10 / عيد الأضحى للإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه يوم الأضحى ويوم الجمعة - اللهم هذا يوم مبارك ميمون، والمسلمون فيه مُجتَمعون في أقطار أرضك، يشهد السائل منهم والطالب والراغب والراهب، وأنت الناظر في حوائجهم . (6)

- 1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 431 ح 1263، مصباح المتهجد: ص 382 ح 508 عن زيد بن وهب وفيه «خيراً» بدل «شيئاً»، الدعوات: ص 36 ح 85 وفيه «إن الله سبحانه ساعة...»، بحار الأنوار: ج 89 ص 238 ح 68.
- 2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 180، بحار الأنوار: ج 89 ص 365 ح 56.
- 3- الكافي: ج 3 ص 415 ح 9 عن عبد الله بن سنان.
- 4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 423 ح 1247، الخصال: ص 392 ح 93، جامع الأحاديث للقمي: ص 157 كلها عن هشام بن الحكم، بحار الأنوار: ج 89 ص 283 ح 28.
- 5- جامع الأحاديث للقمي: ص 153، بحار الأنوار: ج 89 ص 283 ح 28.
- 6- الصحيفة السجادية: ص 203 الدعاء 48، مصباح المتهجد: ص 371 ح 501، جمال الأسبوع: ص 264 عن المتوكل بن هارون عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام، المصباح للكفعمي: ص 574، بحار الأنوار: ج 89 ص 219 ح 65.

## 10 / 6 عید قربان

امام علی علیه السلام در توصیف روز جمعه \_ در آن روز، ساعتی پُربرکت است که هیچ بنده مؤمنی ، در آن ساعت، چیزی از خداوند نمی خواهد، مگر آن که به او عطا می کند.

امام باقر علیه السلام: در روز جمعه، [پاداش] کارها چند برابر می شود. پس در آن روز، نماز و صدقه زیاد انجام دهید.

امام صادق علیه السلام: خداوند، روز جمعه را بر روزهای دیگر، برتری بخشیده است. در روز جمعه، بهشت برای آن کس که به [نماز] جمعه بیاید، آراسته و مزین می شود، و شما به اندازه پیشتازی تان به سوی [نماز] جمعه، به سوی بهشت، پیش خواهید تاخت و همانا درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال بندگان، باز می شوند.

امام صادق علیه السلام در باره کسی که می خواهد کار خیری (همچون: صدقه، روزه و مانند آن) داشته باشد \_ مستحب است که آن کار، در روز جمعه باشد؛ چرا که در روز جمعه، [پاداش] عمل، چند برابر می شود.

امام صادق علیه السلام: در شب جمعه، از گناهان پرهیزید؛ چون گناه، چند برابر می شود و حسنه هم چند برابر می شود. هر کس در شب جمعه، نافرمانی از خدا را ترک کند، خداوند، همه گناهان گذشته او را می بخشد و به او می گویند: «کار را از سر بگیر». و هر کس در شب جمعه، با انجام دادن گناهی به مبارزه با خدا پردازد، خداوند، او را به همه کرده هایش در طول عمرش مؤاخذه می کند و به سبب این گناه، عذابش را دو چندان می نماید. چون شب جمعه می شود، ماهیان دریاها و حیوانات صحراها، سرهای خود را بالا برده، با صدایی ملتسانه می گویند: «خدایا! ما را به سبب گناهان آدمیان، عذاب نکن».

10 / 6 عید قربان امام زین العابدین علیه السلام در ضمن دعایش در روز عید قربان و روز جمعه \_ پروردگارا! این روز، روزی بابرکت و خجسته است و مسلمانان در این روز، از اطراف زمین تو، گرد آمده اند. خواهنده، جوینده، امیدوار و بیمناک، همه حاضرند و تو، به نیازهایشان می نگری.

10 / 7 عيدُ الغديرِ ثواب الأعمال عن الحسن بن راشد: قيلَ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْأَعْيَادِ غَيْرِ الْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةِ؟ قَالَ: فَقَالَ: نَعَمْ، لَهُمْ مَا هُوَ أَعْظَمُ مِنْ هَذَا، يَوْمَ أُقِيمَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَقَدَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوِلَايَةَ فِي أَعْنَاقِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ بِغَدِيرِ حُمٍّ. فَقُلْتُ: وَأَيُّ يَوْمٍ ذَلِكَ؟ قَالَ: الْأَيَّامُ تَخْتَلِفُ، ثُمَّ قَالَ: يَوْمَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: وَالْعَمَلُ فِيهِ يَعْدِلُ الْعَمَلُ فِي ثَمَانِينَ شَهْرًا، وَيَنْبَغِي أَنْ يُكْتَرَفِيهِ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَيُوسَّعَ الرَّجُلُ فِيهِ عَلَى عِيَالِهِ. (1)

10 / 8 البُكْرَةُ رسول الله صلى الله عليه وآله من عَمَدَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ أَظَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ، وَبُورِكَ لَهُ فِي مَعِيشتِهِ، وَلَمْ يَنْقُصْ مِنْ رِزْقِهِ. (2)

- 
- 1- ثواب الأعمال: ص 99 ح 2، بشارة المصطفى: ص 241 وليس فيه «والنساء»، بحار الأنوار: ج 97 ص 112 ح 7.
  - 2- منية المرید: ص 103، بحار الأنوار: ج 1 ص 184 ح 101؛ جامع بيان العلم: ج 1 ص 45 وفيه «صلت» بدل «أظلت»، الدر المنثور: ج 5 ص 612 نقلاً عن المرهبي، كنز العمال: ج 10 ص 162 ح 28841 نقلاً عن الضعفاء الكبير وزاد فيها «وكان عليه مباركا» وكلها عن أبي سعيد الخدري.

**10 / 7 عید غدیر**

**10 / 8 صبح خیزی**

10 / 7 عید غدیر ثواب الأعمال\_ به نقل از حسن بن راشد \_ : به امام صادق علیه السلام گفتند : آیا برای مؤمنان، غیر از عید قربان و فطر و جمعه، عیدی هست؟ فرمود: «آری؛ عیدی دارند که بزرگ تر از این است : روزی که امیر مؤمنان علیه السلام بر پا داشته شد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خُم ، پیمان ولایت او را بر گردن مردان و زنان نهاد». گفتم : آن، چه روزی است؟ فرمود: «روزها فرق می کند». سپس فرمود: «روز هجدهم ذی حجّه». سپس فرمود: «عمل آن روز با عمل هشتاد ماه، برابر است و سزاوار است که در آن روز، ذکر خدا و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار گفته شود و مرد بر خانواده خود، توسعه بخشد» .

10 / 8 صبح خیزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس صبح زود در پی دانش رود، فرشتگان بر او سایه می افکنند و در زندگی اش برکت می یابد و از روزی اش کاسته نمی شود.



عنه صلى الله عليه وآله: أَعْدُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّ الْغُدُوَّ بَرَكَةٌ وَنَجَاحٌ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الْبُكُورُ مُبَارَكٌ، يَزِيدُ فِي جَمِيعِ النَّعْمِ، خُصُوصًا فِي الرِّزْقِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: بَاكِرُوا طَلَبَ الرِّزْقِ وَالْحَوَائِجِ؛ فَإِنَّ الْغُدُوَّ بَرَكَةٌ وَنَجَاحٌ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ الْحَاجَةَ فَلْيُبَكِّرْ إِلَيْهَا؛ فَإِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي عِزًّا وَجَلًّا أَنْ يُبَارِكَ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا صَلَّيْتُمْ الصُّبْحَ فَأَفْرَعُوا إِلَى الدُّعَاءِ، وَبَاكِرُوا فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا. (6)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ. (7)

1- تاريخ بغداد: ج 13 ص 270 الرقم 7225 عن عائشة؛ منية المريد: ص 266 وفيه «في الخبر: ... فَإِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُبَارِكَ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا» بدل «فإن الغدو...» وراجع: المعجم الأوسط: ج 5 ص 256 ح 5244 وكنز العمال: ج 10 ص 250 ح 29341.

2- آداب المتعلمين: ص 144 ح 3.

3- المعجم الأوسط: ج 7 ص 194 ح 7250، الفردوس: ج 2 ص 9 ح 2080 كلاهما عن عائشة، كنز العمال: ج 4 ص 48 ح 9445.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 157 ح 3573 عن علي بن عبد العزيز عن الإمام الصادق عليه السلام؛ سنن أبي داود: ج 3 ص 35 ح 2606، سنن الترمذي: ج 3 ص 517 ح 1212، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 752 ح 2236، السنن الكبرى: ج 9 ص 255 ح 18456 كلها عن صخر الغامدي، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 324 ح 1322 عن النعمان بن سعد عن الإمام علي عليه السلام و ج 5 ص 261 ح 15438.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 157 ح 3574؛ كنز العمال: ج 10 ص 239 ح 29268 نقلًا عن الكامل في الضعفاء عن جابر.

6- تاريخ بغداد: ج 12 ص 155 الرقم 6628، تاريخ دمشق: ج 26 ص 266 ح 5565 كلاهما عن القاسم بن جعفر العلوي عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كنز العمال: ج 2 ص 100 ح 2329.

7- النخصال: ص 623 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و ص 383 ح 59 عن حبيب السجستاني عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 113، قرب الإسناد: ص 122 ح 428، بحار الأنوار: ج 76 ص 170 ح 15؛ سنن ابن ماجه: ج 2 ص 752 ح 2237 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 12 ص 320 ح 35202.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صبحگاهان ، در پی دانش بروید؛ چرا که رفتن در آغاز روز، [مایه]برکت و پیروزی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صبح خیزی ، دارای برکت است . آن ، در همه نعمت ها ، مایه افزایش است ، بویژه در روزی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در پی روزی و نیازها ، صبح خیز باشید؛ چرا که حرکت نمودن در آغاز روز، [مایه]برکت و پیروزی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا! به امّتم در صبح زودشان، برکت بخش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما خواست کاری انجام دهد ، صبح زود در پی آن برود؛ چرا که من از پروردگرم خواسته ام که به امّتم در صبح خیزی اش برکت دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون نماز صبح را خواندید ، به دعا پردازید و صبح زود ، در پی نیازها بروید . خدایا ! به امّتم در صبح خیزی اش برکت بده .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا! امّتم را در صبح خیزی اش در روز پنج شنبه ، برکت عطا کن .

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا يَوْمَ سَبْتِهَا وَخَمِيسِهَا . (1)

سنن أبي داود عن صخر الغامديّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا . وَكَانَ إِذَا بَعَثَ سَرِيَّةً أَوْ جَيْشًا بَعَثَهُمْ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ . (2)

الإمام عليّ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يُوصِيَنِي: ... يَا عَلِيُّ، اغدُ بِسْمِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَارَكَ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا . (3)

عنه عليه السلام: بَكَرُ السَّبْتِ وَالْخَمِيسِ بَرَكَةٌ . (4)

عنه عليه السلام: بَاكِرُوا؛ فَالْبَرَكَةُ فِي الْمُبَاكِرَةِ، وَشَاوِرُوا؛ فَالْتُّجُّحُ فِي الْمُشَاوَرَةِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَارَكَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ فِي بُكُورِهَا . (6)

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 425 ح 1255 وج 4 ص 378 ح 5789، الخصال: ص 394 ح 98 عن دارم بن قبيصة ونعيم بن صالح الطبري، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 34 ح 73 عن داود بن سليمان الفراء وأحمد بن عامر وأحمد بن عبد الله، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 103 ح 49 عن أحمد بن عامر الطائي والثلاثة الأخيرة عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 59 ص 35 ح 3 .

2- .سنن أبي داود: ج 3 ص 35 ح 2606، سنن ابن ماجة: ج 2 ص 752 ح 2236، سنن الترمذي: ج 3 ص 517 ح 1212، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 110 ح 19447 وص 122 ح 19497، سنن الدارمي: ج 2 ص 661 ح 2345 وليس في الثلاثة الأخيرة «أو جيشا»، كنز العمال: ج 12 ص 320 ح 35203 وج 7 ص 94 ح 18125 .

3- .جامع الأحاديث للقمي: ص 122، كشف الغمّة: ج 3 ص 136 عن أم الفضل عن الإمام الجواد عن آبائه عنه عليهم السلام، الأمالي للطوسي: ص 136 ح 220؛ تاريخ بغداد: ج 3 ص 54 الرقم 997 كلاهما عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن الإمام الجواد عن آبائه عنه عليهم السلام، كنز العمال: ج 7 ص 815 ح 21537 .

4- .غرر الحكم: ج 3 ص 259 ح 4422، عيون الحكم والمواعظ: ص 195 ح 3991 وفيه «بكرة» بدل «بكر» .

5- .غرر الحكم: ج 3 ص 264 ح 4441، عيون الحكم والمواعظ: ص 196 ح 4014 .

6- .الأمالي للمفيد: ص 54 ح 16 عن محمد بن هلال المذحجي، بحار الأنوار: ج 103 ص 41 ح 4 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدایا! ائمت را در صبح خیزی اش در روز شنبه و پنجشنبه ، برکت بده .

سنن أبی داوود\_ به نقل از صخر غامدی \_ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « خدایا! به ائمت در صبح خیزی اش برکت بده» . پیامبر صلی الله علیه و آله ، هر گاه سَرِیّه (1) یا سپاهی می فرستاد، آن را در بامداد، اعزام می کرد.

امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که مرا سفارش می کرد، چنین فرمود: « ... ای علی! به نام خدا ، بامدادان ، حرکت کن؛ چرا که خداوند متعال ، برای ائمت، در صبح خیزی ، برکت قرار داده است».

امام علی علیه السلام : بامداد شنبه و پنج شنبه، برکت است.

امام علی علیه السلام : بامدادان، در پی کار روید ، که برکت، در صبح خیزی است؛ و مشورت کنید، که کامیابی در مشورت کردن است.

امام صادق علیه السلام : خداوند متعال، برای این ائمت ، در صبح خیزی اش برکت نهاده است.

---

1- .. سَرِیّه : یگان نظامی؛ گروهی که برای مأموریت نظامی ، فرستاده می شوند .

الفصل الحادي عشر: أطعمة ذات بركة 11 / 1 الزيتون الكتاب «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِثْلِ كَأَةِ فِيهَا مِصَّةٌ بَاحُ الْمِصَّةِ بَاحٌ فِي رُجَاجَةِ الرُّجَاجَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْفِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ ۖ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُوِّرْ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: نعم السواك الزيتون من الشجرة المباركة؛ يطيب الفم، ويذهب بالحفر. هو سواكي وسواك الأنبياء قبلي . (2)

1- .النور: 35 .

2- .المعجم الأوسط: ج 1 ص 210 ح 678 عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج 9 ص 321 ح 26228؛ مكارم الأخلاق: ج 1 ص 115 ح 261، بحار الأنوار: ج 76 ص 135 ح 48، مستدرک الوسائل: ج 1 ص 369 ح 885 نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .

## فصل یازدهم : خوراکی های با برکت

## 11 / 1 زیتون

فصل یازدهم : خوراکی های با برکت 11 / 1 زیتونقرآن«خدا، نور آسمان ها و زمین است. مَثَل نور او، مَثَل چراغدانی است که در آن، چراغی است و آن چراغ، در شیشه ای. آن شیشه، گویی اختری درخشان است که از درخت مبارك زیتونی \_ که نه شرقی است و نه غربی \_ افروخته می شود. نزدیک است که روغنش \_ هر چند آتشی به آن نرسیده باشد \_ بدرخشد. روشنی بر روی روشنی است. خداوند، هر که را بخواهد، با نور خویش هدایت می کند. و خدا این مَثَل ها را برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوب مسواکی است شاخه زیتون ، از درخت مبارك ! دهان را خوش بو می سازد و زردی ( : جرم) دندان را می زداید . مسواك من و مسواك پیامبران پیش از من است.

الإمام الصادق عليه السلام: الزَّيْتُونُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ مِمَّا أَوْصَى بِهِ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى هَبَةِ اللَّهِ ابْنِهِ أَنْ كُلَّ الزَّيْتُونَ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ . (2)

11 / 2 الزَّيْتُونُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَلُوا الزَّيْتِ وَأَذْهَبُوا بِالزَّيْتِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: كَلُوا الزَّيْتِ وَأَذْهَبُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ طَيِّبٌ مُبَارَكٌ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: كَلُوا الزَّيْتِ وَأَذْهَبُوا بِهِ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، مِنْهَا الْجُدَامُ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ (6) بِالزَّيْتِ فَكُلْهُ، وَأَذْهَبْ بِهِ؛ فَإِنَّ مَنْ أَكَلَهُ وَأَذْهَبَ بِهِ لَمْ يَقْرَبْهُ الشَّيْطَانُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا . (7)

1- الكافي: ج 6 ص 332 ح 7 عن عبد الله بن جعفر رفعه، المحاسن: ج 2 ص 280 ح 1905 عن محمد بن عبد الله المطهري عمّن ذكره، بحار الأنوار: ج 66 ص 182 ح 15 .

2- الكافي: ج 6 ص 331 ح 2، المحاسن: ج 2 ص 280 ح 1904 كلاهما عن إبراهيم بن عبد الحميد، بحار الأنوار: ج 66 ص 182 ح 14 .

3- الكافي: ج 6 ص 331 ح 1 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 281 ح 1906 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 66 ص 182 ح 16؛ سنن الترمذي: ج 4 ص 285 ح 1851 عن عمر و ح 1852، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 433 ح 16055، المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 432 ح 3504، سنن الدارمي: ج 1 ص 534 ح 1980 كلّها عن أبي أسيد الأنصاري .

4- المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 432 ح 3505، سنن ابن ماجّة: ج 2 ص 1103 ح 3320 وليس فيه «طَيِّب» وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج 10 ص 48 ح 28298 .

5- كنز العمّال: ج 10 ص 48 ح 28299، الجامع الصغير: ج 2 ص 292 ح 6392 كلاهما نقلًا عن أبي نعيم في الطبّ عن أبي هريرة .

6- في المصدر: «عليكم»، والصحيح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار نقلًا عن المصدر .

7- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 42 ح 141 عن أحمد بن عامر الطائي وأحمد بن عبد الله الهروي وداود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 249 ح 164، بحار الأنوار: ج 66 ص 179 ح 1 .

## 11 / 2 روغن زیتون

امام صادق علیه السلام: زیتون، آب (قدرت جنسی) را افزایش می دهد.

امام کاظم علیه السلام: از وصیت های آدم علیه السلام به پسرش، هِبَةُ اللَّهِ، این بود که: «زیتون بخور، که از درختی مبارك است».

11 / 2 روغن زیتون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون بخورید و خود را با آن، روغن مالی کنید؛ چرا که از درختی خجسته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون بخورید و خود را با آن، روغن مالی کنید؛ چرا که پاکیزه و مبارك است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون بخورید و خود را با آن، روغن مالی کنید؛ چرا که در آن، بهبود از هفتاد بیماری است که جُدام، یکی از آنهاست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد روغن زیتون! آن را بخور و به خود بمال. هر کس آن را بخورد و به خود بمالد، شیطان تا چهل روز به او نزدیک نمی شود.



عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِهَذِهِ الشَّجَرَةِ الْمُبَارَكَةِ زَيْتِ الزَّيْتُونِ فَتَدَاوُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ مَصْحَحَةٌ مِنَ الْبَاسُورِ. (1)

الإمام عليّ عليه السلام: إِدْهِنُوا بِالزَّيْتِ وَاتَّذِمُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ ذَهْنَةُ الْأَخْيَارِ، وَإِدَامُ الْمُصْطَفَيْنِ، مُسِحَتْ بِالْقُدْسِ مَرَّتَيْنِ، بَوْرِكَتٌ مُقْبِلَةٌ وَبَوْرِكَتٌ مُدْبِرَةٌ، لَا يَضُرُّ مَعَهَا دَاءٌ. (2)

11 / 3 الخبز رسول الله صلى الله عليه وآله: أَكْرِمُوا الْخُبْزَ وَعَظِّمُوهُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَنْزَلَ لَهُ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ، وَأَخْرَجَ بَرَكَاتٍ الْأَرْضِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ أَنْ تَشْتُمُوا الْخُبْزَ كَمَا تَشْتُمُهُ السِّبَاعُ؛ فَإِنَّ الْخُبْزَ مُبَارَكٌ، أَرْسَلَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ لَهُ السَّمَاءُ مِدْرَارًا، وَلَهُ أَنْبَتَ اللَّهُ الْمَرَعَى، وَبِهِ صَلَّيْتُمْ، وَبِهِ صُمْتُمْ، وَبِهِ حَجَجْتُمْ بَيْتَ رَبِّكُمْ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ، فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صَدَّ مِنَّا وَلَا صَدَّ لَنَا، وَلَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ رَبَّنَا عِزَّ وَجَلَّ. (5)

- 1- المعجم الكبير: ج 17 ص 281 ح 774 عن عقبه بن عامر، كنز العمال: ج 10 ص 47 ح 28296.
- 2- الكافي: ج 6 ص 331 ح 4 عن أبي داود النخعي عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 281 ح 1907 عن أبي داود النخعي عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 182 ح 17.
- 3- المحاسن: ج 2 ص 415 ح 2457 عن بعض الكوفيين رفعه، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 333 ح 1069 عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيه «وعظّموه»، بحار الأنوار: ج 66 ص 270 ح 4؛ تاريخ بغداد: ج 12 ص 323 الرقم 6767، حلية الأولياء: ج 5 ص 246 كلاهما عن عبد الله بن أمّ حرام الأنصاري نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 245 ح 40776 و 40777.
- 4- الكافي: ج 6 ص 303 ح 6 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 416 ح 2459 عن إدريس بن يوسف عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه من «وله أنبت الله...»، بحار الأنوار: ج 66 ص 272 ح 17.
- 5- الكافي: ج 6 ص 287 ح 6 وج 5 ص 73 ح 13، المحاسن: ج 2 ص 416 ح 2460 كلّها عن أبي البختری مرفوعا، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 333 ح 1071، بحار الأنوار: ج 66 ص 272 ح 17.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد این درخت مبارک، روغن زیتون! با آن، مداوا کنید؛ چرا که درمان بواسیر است.

امام علی علیه السلام: [به خود،] روغن زیتون بمالید و از آن بخورید؛ چرا که روغن تدهین (آرایش و بهداشت) نیکان و خورشت برگزیدگان است. روغن زیتون دو بار تقدیس شده است. در آمدنش و در رفتنش، به آن برکت داده شده است، (1) و با وجود آن، هیچ بیماری ای زیان نمی زند.

11 / 3 نان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نان را گرامی بدارید و بزرگ بشمارید؛ چرا که خدای متعال برای تهیه آن، برکاتی (باران) را از آسمان، فرو فرستاده و برکاتی را از زمین، بیرون آورده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبادا که نان را بو کنید، آن گونه که درندگان بو می کنند؛ چرا که نان، مبارک است. خداوند به خاطر آن، از آسمان، باران را بارانده و به خاطر آن، زمین را رویانده است و به سبب آن، نماز خوانده اید و به سبب آن، روزه گرفته اید و به سبب آن، به حج خانه پروردگارتان رفته اید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدایا! نان را برای ما مبارک گردان و میان ما و نان، جدایی مینداز. اگر نان نبود، نه روزه می گرفتیم، نه نماز می خواندیم و نه واجبات پروردگاران را به جا می آوردیم.

---

1- .. ظاهراً مقصود، آغاز فصل زیتون و پایان آن است؛ زیرا از نگاه احادیث، سایر میوه ها در پایان فصلشان مطلوب نیستند (ر.ک: دانش نامه احادیث پزشکی).

عنه صلى الله عليه وآله: صَغُرُوا رُغْفَانَكُمْ ، فَإِنَّ مَعَ كُلِّ رَغِيفٍ بَرَكَةٌ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: تَبَرَّكَ بِأَنْ تَحْمِلَ الْخُبْزَ فِي سَفَرِكَ فِي زَادِكَ . (2)

11 / 4 الشعير الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِي شَيْءٍ شِفَاءً أَكْثَرَ مِنَ الشَّعِيرِ مَا جَعَلَهُ غِذَاءَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . (3)

الإمام الرضا عليه السلام: فَضَّلُ خُبْزَ الشَّعِيرِ عَلَى الْبُرِّ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ ، وَمَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَقَدْ دَعَا لِأَكْلِ الشَّعِيرِ وَبَارَكَ عَلَيْهِ ، وَمَا دَخَلَ جَوْفًا إِلَّا وَأَخْرَجَ كُلَّ دَاءٍ فِيهِ ، وَهُوَ قَوْتُ الْأَنْبِيَاءِ وَطَعَامُ الْأَبْرَارِ ، أَبِي اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ قَوْتَ أَنْبِيَائِهِ إِلَّا شَعِيرًا . (4)

11 / 5 التمر رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَفِطِرْ عَلَى تَمْرٍ ؛ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ تَمْرًا فَالْمَاءَ ؛ فَإِنَّهُ طَهُورٌ . (5)

- 
- 1- الكافي: ج 6 ص 303 ح 8 عن يعقوب بن يقطين عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج 65 ص 273 ح 20 .
  - 2- المحاسن: ج 2 ص 106 ح 1287 عن بعض أصحابنا مرفوعا، بحار الأنوار: ج 76 ص 270 ح 24 وفيه «في سفرك وزادك» .
  - 3- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 334 ح 1076 ، بحار الأنوار: ج 66 ص 255 ح 1 .
  - 4- الكافي: ج 6 ص 304 ح 1 عن يونس ، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 334 ح 1075 عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيه «أبي الله أن يجعل قوت الأنبياء للأشقياء»، بحار الأنوار: ج 11 ص 66 ح 15 .
  - 5- سنن الترمذي: ج 3 ص 47 ح 658 ، صحيح ابن خزيمة: ج 3 ص 278 ح 2067 ، سنن أبي داود: ج 2 ص 305 ح 2355 ، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 542 ح 1699 ، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 482 ح 16225 وح 16228 وص 483 ح 16231 ، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 597 ح 1575 وليس في السنة الأخيرة «فإنه بركة» وكلها عن سلمان بن عامر؛ بحار الأنوار: ج 62 ص 296 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گرده های نانتان را کوچک بگیرد که با هر گرده نانی، برکتی است .

امام صادق علیه السلام: برکت بجوی ، به این که در مسافرت خود، نان را در توشه ات داشته باشی .

11 / 4 جو امام صادق علیه السلام: خداوند ، اگر شفا [بخشی] چیزی را بیش از [ نان ] جو می دانست، آن را غذای پیامبران قرار نمی داد.

امام رضا علیه السلام: برتری نان جو بر نان گندم، مانند برتری ما بر مردم است. هیچ پیامبری نیست، مگر آن که برای خورنده [نان] جو دعا کرده و برایش برکت خواسته است . آن، وارد هیچ شکمی نمی شود، مگر این که هر دردی را که در آن است، بیرون می کند. [ نان ] جو، قوت پیامبران و خوراک نیکان است. خدا نخواسته است که جز جو را قوت پیامبران قرار دهد.

11 / 5 خرما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما افطار می کند ، با خرما افطار کند که برکت است ، و اگر خرما نیافت ، با آب؛ چرا که آب، پاک کننده است.

عنه صلى الله عليه وآله: أَطْعِمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ؛ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا لِلنَّفْسَاءِ عِنْدِي شِفَاءٌ مِثْلَ الرُّطْبِ، وَمَا لِلْمَرِيضِ مِثْلَ الْعَسَلِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا وُلِدَتِ الْمَرْأَةُ فَلْيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَأْكُلُ الرُّطْبَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رُطْبٌ فَتَمْرٌ؛ فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلُ مِنْهُ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مَرِيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامَ حِينَ وُلِدَتْ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ. (3)

الإمام عليّ عليه السلام: مَا تَأْكُلُ الْحَامِلُ مِنْ شَيْءٍ وَلَا تَتَدَاوَى بِهِ أَفْضَلُ مِنَ الرُّطْبِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَرِيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: « وَهَزَى إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تَسَاقِطَ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا \* فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا » (4). (5)

كنز العمال عن أبي هريرة: كَانَ أَحَبُّ الْفَاكِهَةِ إِلَيْهِ [صلى الله عليه وآله] الرُّطْبُ وَالْبَطِيخُ. (6)

المستدرک علی الصحیحین عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَأْخُذُ الرُّطْبَ بِيَمِينِهِ وَالْبَطِيخَ بِيَسَارِهِ، فَيَأْكُلُ الرُّطْبَ بِالْبَطِيخِ، وَكَانَ أَحَبَّ الْفَاكِهَةِ إِلَيْهِ. (7)

- 1- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 365 ح 1202، بحار الأنوار: ج 66 ص 141 ح 58 وراجع: المحاسن: ج 2 ص 346 ح 2194.
- 2- الفردوس: ج 4 ص 85 ح 6264 عن أبي هريرة، الدر المنثور: ج 5 ص 505 نقلاً عن سعيد بن منصور وعبد بن حميد عن الربيع بن خيثم، كنز العمال: ج 10 ص 44 ح 28279 نقلاً عن أبي الشيخ وأبي نعيم في الطب.
- 3- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 508 ح 1764، طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 7، بحار الأنوار: ج 62 ص 295.
- 4- مريم: 25.
- 5- الخصال: ص 637 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 124 وفيه «ولا تبدأ» بدل «ولا تتداوى»، بحار الأنوار: ج 66 ص 128 ح 10.
- 6- كنز العمال: ج 7 ص 110 ح 18218 نقلاً عن النوقاني في كتاب البطيخ، الجامع الصغير: ج 2 ص 309 ح 6517 نقلاً عن الكامل لابن عدي عن عائشة.
- 7- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 134 ح 7137، المعجم الأوسط: ج 8 ص 44 ح 7907، كنز العمال: ج 7 ص 106 ح 18190 نقلاً عن أبي نعيم في الطب.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنِ پا به ماه، خرما بخورانید؛ چرا که فرزندش بردبار و پاک می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به نزد من، برای زائو، شفابخشی چون خرما و برای بیمار، شفابخشی چون عسل نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وقتی زن می زاید، باید اولین چیزی که می خورد، رطب باشد و اگر رطب نبود، خرما؛ چرا که اگر چیزی برتر از آن بود، خداوند آن را به مریم علیها السلام در هنگام به دنیا آوردن عیسی علیه السلام می خورانید.

امام علی علیه السلام: زن باردار، چیزی نمی خورد و با چیزی مداوا نمی کند که برتر از رطب باشد. خداوند متعال به مریم علیها السلام فرمود: «شاخه درخت خرما را به سوی خود، تکان بده تا خرمای تازه برای تو فرو ریزد، و بخور و بیاشام و چشمت روشن باد!».

کنز العمال\_ به نقل از ابو هریره \_ دوست داشتنی ترین میوه ها در نزد پیامبر خدا، رطب و هندوانه بود.

المستدرک علی الصحیحین\_ به نقل از انس \_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، رطب را در دست راست و هندوانه را در دست چپش می گرفت و رطب را با هندوانه می خورد و این دو، خواستنی ترین میوه ها نزد او بودند.

رسول الله صلى الله عليه وآله: بَيِّتَ لَا تَمَرَ فِيهِ كَالْبَيْتِ لَا طَعَامَ فِيهِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا جَاءَ الرُّطْبُ فَهَنْتُونِي ، وَإِذَا ذَهَبَ فَعَزَّوْنِي . (2)

الإمام علي عليه السلام: خَالِفُوا أَصْحَابَ الْمُسْكِرِ، وَكُلُوا التَّمَرَ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنَ الْأَدْوَاءِ. (3)

11 / 6 العَدَسُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ مُقَدَّسٌ، يُرَقِّقُ الْقَلْبَ وَيُكَثِّرُ الدَّمَاعَةَ، وَقَدْ بَارَكَ فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا آخِرُهُمْ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُرَقِّقُ الْقَلْبَ، وَيُكَثِّرُ الدَّمَاعَةَ، وَلَقَدْ قَدَّسَهُ سَبْعُونَ نَبِيًّا. (5)

1- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1105 ح 3328 عن سلمى ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 406 ح 24794 عن عائشة نحوه ، كنز العمال : ج 12 ص 339 ح 35303 .

2- .طب النبي صلى الله عليه وآله : ص 7 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 296 ؛ كنز العمال : ج 12 ص 341 ح 35314 نقلاً عن ابن لال في مكارم الأخلاق عن أنس وعائشة .

3- .الخصال : ص 615 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 105 ، المحاسن : ج 2 ص 343 ح 2182 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 133 ح 31 .

4- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 41 ح 136 عن أحمد بن عامر الطائي وأحمد بن عبد الله الشيباني وداود بن سليمان الفراء ، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص 244 ح 150 عن عبد الله بن أحمد بن عامر الطائي وكلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، المحاسن : ج 2 ص 307 ح 2019 عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عن الإمام علي عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 66 ص 258 ح 5 .

5- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 112 ح 370 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 259 ح 9 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خانه ای که خرما در آن نیست، همچون خانه ای است که خوراک در آن نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه رطب آمد ، به من تهنیت بگویند و چون رفت، تسلیم دهید.

امام علی علیه السلام : با شرابخواران، مخالفت کنید و خرما بخورید، که درمان دردها در آن است.

11 / 6 عدس امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود : «عدس بخورید ، که مبارك و مقدّس است؛ دل را نازک و اشک را زیاد می نماید . هفتاد پیامبر، برای برکت آن ، دعا کرده اند که آخرین آنان عیسی بن مریم علیه السلام است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عدس بخورید؛ چرا که دل را نازک و اشک را زیاد می نماید . هفتاد پیامبر ، آن را تقدیس کرده اند.



الإمام الصادق عليه السلام: شَكا رَجُلٌ إلى نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ، فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُسْرِعُ الدَّمَعةَ. (1)

الكافي عن معاوية بن عمّار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّاسَ يَرَوُونَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِنَّ الْعَدَسَ بَارِكٌ عَلَيْهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا؟ فَقَالَ: هُوَ الَّذِي يُسَمُّونَهُ عِنْدَكُمْ الْجِمَّصَ، وَنَحْنُ نُسَمِّيهِ الْعَدَسَ. (2)

11 / 7 البَطِيخُ رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَقَكَّهُوا بِالْبَطِيخِ، فَإِنَّهَا فَاكِهَةٌ الْجَنَّةِ، وَفِيهَا أَلْفُ بَرَكةٍ وَأَلْفُ رَحمةٍ، وَأَكْلُهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ داءٍ. (3)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي البَطِيخِ عَشْرُ خِصَالٍ: هُوَ طَعَامٌ، وَشَرَابٌ، وَيَغْسِلُ المَثانَةَ، وَيَقَطَعُ الإبرِدَةَ، وَهُوَ رِيحانٌ، وَأَشنانٌ، وَيَغْسِلُ البَطْنَ، وَيَكثُرُ ماءَ الصُّلبِ، وَيَكثُرُ الجِماعَ، وَيُنْقِي البَشْرَةَ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا البَطِيخَ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ مُجْتَمِعَةً، هُوَ شَحْمَةُ الأَرْضِ لا داءَ فِيهِ ولا غائِلَةَ، وَهُوَ طَعَامٌ، وَهُوَ شَرَابٌ، وَهُوَ فَاكِهَةٌ، وَهُوَ رِيحانٌ، وَهُوَ أَشنانٌ، وَهُوَ أَدَمٌ، وَيَزِيدُ فِي الباهِ، وَيَغْسِلُ المَثانَةَ، وَيُدِرُّ البَوْلَ. (5)

- 
- 1- الكافي: ج 6 ص 343 ح 3، المحاسن: ج 2 ص 306 ح 2016 وزاد في آخره «وقد بارك عليه سبعون نبياً» وكلاهما عن عبد الرحمن بن زيد، بحار الأنوار: ج 66 ص 258 ح 2.
  - 2- الكافي: ج 6 ص 342 ح 2، المحاسن: ج 2 ص 308 ح 2024، بحار الأنوار: ج 60 ص 161.
  - 3- طب النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ص 24، بحار الأنوار: ج 62 ص 296.
  - 4- الفردوس: ج 2 ص 138 ح 4371 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 10 ص 46 ح 28288؛ بحار الأنوار: ج 66 ص 195 ح 9.
  - 5- النخصال: ص 443 ح 35 عن ابن أبي عمير عمّن ذكره، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 400 ح 1364، روضة الواعظين: ص 341 وليس فيه «وهو أشنان»، بحار الأنوار: ج 66 ص 196 ح 12.

امام صادق علیه السلام: مردی به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از قساوت قلب، شکایت کرد. به او فرمود: «عدس بخور، که دل را نازک می کند و اشک چشم را سرعت می بخشد».

الکافی\_ به نقل از معاویه بن عمّار \_ : به امام صادق علیه السلام گفتم : مردم، روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : «هفتاد پیامبر، برای برکت عدس ، دعا کرده اند». فرمود : «این ، همان است که نزد شما به آن ، حِمَص (نخود) می گویند و ما آن را عدس می نامیم».

7 / 11 هندوانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هندوانه بخورید ، که میوه بهشت است و در آن، هزار برکت و هزار رحمت است و خوردنش ، درمان هر دردی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در هندوانه ، ده ویژگی است: غذاست ، نوشیدنی است ، مثانه را شستشو می دهد، سردمزاجی را متوقف می کند، سبزی است ، گیاه اشنان است، معده را می شوید ، آب کمر را می افزایش ، مایه افزایش آمیزش است، و پوست را صاف و شاداب می سازد.

امام صادق علیه السلام : هندوانه بخورید که در آن، ده خاصیت ، جمع شده است : چربی زمین است که درد و آفتی در آن نیست، غذاست ، نوشیدنی است، میوه است، سبزی است، گیاه اشنان است، خورش است، نیروی جنسی را می افزایش ، مثانه را شستشو می دهد، و ادرار را زیاد می کند .

11 / 8 الكُرْثُرسول الله صلى الله عليه وآله: سَنَامُ البُقُولِ ورَأْسُهَا الكُرْثُ ، وَفَضْلُهُ عَلَى البُقُولِ كَفَضْلِ الحُبْزِ عَلَى سَائِرِ الأَشْيَاءِ ، وَفِيهِ بَرَكَةٌ ، وَهِيَ بَقْلَتِي وَبَقْلَةُ الأنْبِيَاءِ قَبْلِي ، وَأَنَا أُحِبُّهُ وَأَكُلُهُ . (1)

11 / 9 اللَّحْمُ وَاللَّبَنُرسول الله صلى الله عليه وآله: شَدَّ كَانِي قَبْلِي إِلَى اللّهِ صَعْفًا فِي بَدَنِهِ ، فَأَوْحَى اللّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ : أَنْ اطْبِخِ اللَّحْمَ وَاللَّبَنَ ، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُ البَرَكَةَ وَالقُوَّةَ فِيهِمَا . (2)

11 / 10 القَطَاةالكافي عن علي بن مهزيار: تَغَدَّيْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَتَى بِقَطَاةٍ ، فَقَالَ : إِنَّهُ مُبَارَكٌ ، وَكَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعْجِبُهُ ، وَكَانَ يَأْمُرُ أَنْ يُطْعَمَ صَاحِبُ البِرْقَانِ يُشْوَى لَهُ ؛ فَإِنَّهُ يَنْفَعُهُ . (3)

1- .المحاسن : ج 2 ص 318 ح 2071 عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 204 ح 17 .

2- .المحاسن : ج 2 ص 257 ح 1812 عن جعفر بن عمرو ، طب الأئمة عليهم السلام لابني بسطام : ص 64 عن السكوني وكلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وفيه «شكا نوح عليه السلام...» ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 110 ح 355 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 68 ح 47 .

3- .الكافي : ج 6 ص 312 ح 5 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 349 ح 1134 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 74 ح 69 .

11 / 8 تره

11 / 9 گوشت و شیر

11 / 10 قَطَا

11 / 8 تره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سَرور و برتر سبزی ها، تره است و برتری آن بر سبزی ها، همچون برتری نان بر چیزهای دیگر است. در آن، برکت است. آن، سبزی من و سبزی پیامبران پیش از من است. من، آن را دوست دارم و می خورم.

11 / 9 گوشت و شیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از پیامبران پیش از من، از ضعف در بدنش به خدا شکایت کرد. خداوند به او وحی فرمود که: «گوشت را با شیر بپز؛ زیرا من برکت و نیرو را در این دو قرار داده ام».

11 / 10 قَطَا (1) الکافی\_ به نقل از علی بن مهزیار\_: با امام باقر علیه السلام شام خوردم. قَطایی [پخته] آورد و فرمود: «این، دارای برکت است و پدرم از آن خوشش می آمد و دستور می داد: آن را سرخ کرده، به شخص مبتلا به یَرقان بخوراند که برایش مفید است».

---

1- .. قَطَا، پرنده ای است به اندازه کبوتر که در فارسی به آن، «اسفرو» و «سنگخواره» نیز می گویند (ر. ک: فرهنگ عمید).

11 / 11 الكمأة رسول الله صلى الله عليه وآله: الكمأة من المن، والمن من الجنة، وماؤها شفاء للعين. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الكمأة من نبت الجنة، وماؤها نافع من وجع العين. (2)

الكافي عن أمامة بنت أبي العاص بن الربيع (3): الكافي عن أمامة بنت أبي العاص بن الربيع (4): أتاني أمير المؤمنين علي عليه السلام في شهر رمضان، فأتي بعشاء (5) وتمر وكمأة فأكل عليه السلام، وكان يحب الكمأة. (6)

11 / 12 السكر الكافي عن ابن أبي عمير رفعه عن أبي عبد الله عليه السلام: شكا إليه رجل الوبا، فقال له: وأين أنت عن الطيب المبارك؟! قال: قلت: وما الطيب المبارك؟ فقال: سديمانيكم هذا، فقال أبو عبد الله عليه السلام: إن أول من اتخذ السكر سديمان بن داود عليهما السلام. 7

1- الكافي: ج 6 ص 370 ح 2، المحاسن: ج 2 ص 335 ح 2150 كلاهما عن عبد الرحمن بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، طب الأنمة لابني بسطام: ص 82 عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 62 ص 208 ح 3؛ صحيح البخاري: ج 4 ص 1627 ح 4208 وص 1700 ح 4363 وج 5 ص 2159 ح 5381 كلّها عن سعيد بن زيد، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1142 ح 3453 عن أبي سعيد الخدري وجابر وليس في الأربعة الأخيرة «والمن من الجنة»، كنز العمال: ج 10 ص 50 ح 28308.

2- المحاسن: ج 2 ص 335 ح 2149 عن إبراهيم بن علي الرافعي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 232 ح 3.  
3- هي أمامة بنت أبي العاص وأمها زينب بنت رسول الله صلى الله عليه وآله، تزوجها أمير المؤمنين عليه السلام بوصية فاطمة عليها السلام، وروي في بعض الروايات أن الإمام أنجبها محمدا الأوسط (موسوعة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: ج 1 ص 110)

4- هكذا في الكافي والمحاسن المطبوع، وفي بحار الأنوار وبعض نسخ المحاسن: «فأتي بقتاء»، والظاهر أنه الصواب.

5- الكافي: ج 6 ص 369 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 335 ح 2151، بحار الأنوار: ج 66 ص 232 ح 5.

6- الكافي: ج 6 ص 333 ح 7، بحار الأنوار: ج 66 ص 298 ح 3.

11 / 11 قارچ 1 پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قارچ ، از «مَنْ (1) (خوراك آسمانی بنی اسرائیل)» است و مَنْ ، از بهشت است و آب آن، درمان چشم است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قارچ ، از گیاهان بهشتی است و آب آن برای چشم درد، مفید است.

الكافی\_ به نقل از امامه ، دختر ابو العاص بن ربیع (2) \_ : امیر مؤمنان علی علیه السلام ، در ماه رمضان ، پیش من آمد . برای او خیار چنبر (3) و خرما و قارچ آورده شد و او خورد . او قارچ را دوست داشت .

11 / 12 شکر (4) الكافی\_ به نقل از ابن ابی عمیر ، در باره امام صادق علیه السلام \_ : مردی نزد امام علیه السلام از وبا شکایت کرد . فرمود: «چرا از آن پاك بابرکت استفاده نمی کنی؟» . گفتم: پاك بابرکت چیست؟ فرمود: «همین سلیمانی خودتان!» . آن گاه فرمود: «اولین کسی که شکر درست کرد، سلیمان بن داوود علیه السلام بود» .

1- .. اشاره است به آیه شریف : «وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى» (بقره : آیه 57) .

2- .. مادر او ، زینب (دختر پیامبر خدا) بود . امیر مؤمنان علیه السلام به توصیه فاطمه علیها السلام با او ازدواج کرد . در برخی روایات است که امام علی علیه السلام ، محمّد اوسط را از او داشته است (ر . ک: دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام : ج 1 ص 147) .

3- .. ترجمه این کلمه ، بر اساس متن بحار الأنوار \_ که صحیح تر است \_ انجام گرفته است .

4- .. مقصود ، شکر خاصّی است که در آن عصر ، مصرف داشته است و احتمالاً همان است که امروزه ، اطّباء سنتی ، آن را «طَبْرزِد» می نامند (ر . ک: دائرة المعارف طبّ اسلامی ، نورانی : ج 5 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 297 «السكر وأنواعه و فوائده» ) .

الإمام الصادق عليه السلام: لَئِن كَانَ الْجَبُنُ يَضُرُّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَنْفَعُ فَإِنَّ السُّكَّرَ يَنْفَعُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَضُرُّ مِنْ شَيْءٍ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَخَذَ سُكَّرَتَيْنِ عِنْدَ النَّوْمِ كَانَتْ لَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَّ . (2)

---

1- .الكافي : ج 6 ص 333 ح 2 ، المحاسن : ج 2 ص 302 ح 2001 كلاهما عن عبد العزيز العبدي ، بحار الأنوار : ج 66 ص 299 ح

.5

2- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 363 ح 1187 عن علي بن يقطين ، بحار الأنوار : ج 66 ص 300 ح 12 .

امام صادق علیه السلام: اگر پنیر، برای هر چیزی زیان دارد و فایده ای ندارد، شکر برای هر چیزی مفید است و زیانی ندارد.

امام کاظم علیه السلام: هر کس به هنگام خواب، دو قطعه شکر بخورد، برای هر دردش درمان است، مگر مرگ.



الفصل الثاني عشر: أشربة ذات بركة 12 / 1 ماء المَطَرِ الكتاب «وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جِبَاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ». (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا» \_ لَيْسَ مِنْ مَاءٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا وَقَدْ خَالَطَهُ مَاءُ السَّمَاءِ (2).

مكارم الأخلاق: رُوِيَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَّمَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَوَاءً لَا يُحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا ذَلِكَ الدَّوَاءُ؟ قَالَ: يُؤَخِّدُ مَاءَ الْمَطَرِ قَبْلَ أَنْ يَنْزِلَ إِلَى الْأَرْضِ، ثُمَّ يُجْعَلُ فِي إِنَاءٍ نَظِيفٍ، وَيُقْرَأُ عَلَيْهِ «الْحَمْدُ» إِلَى آخِرِهَا سَبْعِينَ مَرَّةً، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ«الْمُعَوِّذَتَيْنِ» سَبْعِينَ مَرَّةً، ثُمَّ يُشْرَبُ مِنْهُ قَدْحًا بِالْغَدَاةِ، وَقَدْحًا بِالْعَشِيِّ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ؛ لَيَنْزِعَنَّ اللَّهُ ذَلِكَ الدَّاءَ مِنْ بَدَنِهِ وَعِظَامِهِ وَمِخْحِهِ وَعُرْوِقِهِ. (3)

1- بق: 9.

- 2- الكافي: ج 6 ص 387 ح 1 عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 447.  
3- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 233 ح 2559، الدعوات: ص 183 ح 507 نحوه، بحار الأنوار: ج 62 ص 269 ح 65.

## فصل دوازدهم : نوشیدنی های با برکت

## 12 / 1 آب باران

فصل دوازدهم : نوشیدنی های با برکت 12 / 1 آب بارانقرآن«و از آسمان، آبی بابرکت فرو فرستادیم. پس به سبب آن، باغ ها و دانه های درو کردنی را رویاندیم» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ در باره آیه : «و از آسمان، آبی بابرکت فرو فرستادیم» \_ :هیچ آبی در زمین نیست، مگر آن که آب آسمان به آن آمیخته است.

مکارم الأخلاق : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که: «جبرئیل علیه السلام دارویی به من آموخت که با وجود آن ، به هیچ دارویی ، نیاز نیست» . گفتند : آن دارو چیست ، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «[این که] آب باران را، پیش از آن که به زمین برسد، بگیرند و در ظرف تمیزی قرار دهند و سوره حمد را هفتاد بار و سوره قل هو الله أحد و مُعَوِّذَتَيْنِ (سوره ناس و فلق) را هفتاد بار بر آن بخوانند. آن گاه از آن، يك پیاله صبح ناشتا و يك پیاله شب هنگام بنوشند». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت، خداوند، آن بیماری [ \_ مورد نظر] را از بدن و استخوان ها و مغز استخوان ها و رگ هایش ریشه کن می کند».

الإمام علي عليه السلام: اشربوا ماء السماء؛ فإنه يطهر البدن ويدفع الأَسقام، قال الله عز وجل: « وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ » (1). (2)

الدعوات: كان أمير المؤمنين عليه السلام إذا أصابه المطر مسح به صلته وقال: بركة من السماء، لم يصبها يد ولا سقاء. (3)

12 / 2 ماء زمزم رسول الله صلى الله عليه وآله: خير ماء على وجه الأرض ماء زمزم. (4)

الإمام الباقر عليه السلام: كان النبي صلى الله عليه وآله يستهدي من ماء زمزم وهو بالمدينة. (5)

1- الأنفال: 11 .

2- الكافي: ج 6 ص 387 ح 2، المحاسن: ج 2 ص 401 ح 2402 كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال:

ص 636 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 10 ص 115 ح 1 .

3- الدعوات: ص 185 ح 511، بحار الأنوار: ج 59 ص 384 ح 29 وج 62 ص 270 ح 67 .

4- المعجم الكبير: ج 11 ص 80 ح 11167، المعجم الأوسط: ج 4 ص 179 ح 3912 وج 8 ص 112 ح 8129 كلهما عن ابن

عبّاس، كنز العمال: ج 12 ص 225 ح 34779 وراجع: الدر المنثور: ج 4 ص 150 وبحار الأنوار: ج 60 ص 45 ح 17 .

5- تهذيب الأحكام: ج 5 ص 471 ح 1657 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2

ص 208 ح 2166، المحاسن: ج 2 ص 400 ح 2399 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 99 ص

244 ح 15 .

**12 / 2 آب زمزم**

امام علی علیه السلام: آب آسمان بنوشید ، که بدن را تمیز و بیماری ها را برطرف می کند . خداوند فرموده است: «و برای شما از آسمان، آبی فرو می فرستد که با آن، پاکتان کند و پلیدی شیطان را از شما ببرد و دل هایتان را محکم و گام هایتان را استوار سازد» .

الدعوات: هر گاه به امیر مؤمنان علیه السلام باران می خورد ، آن را به سر خود می کشید و می فرمود: «برکتی از آسمان است که نه دستی به آن رسیده و نه مَشکی به آن خورده است».

12 / 2 آب زمزم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین آبی که روی زمین است، آب زمزم است.

امام باقر علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله [آن گاه] که در مدینه بود ، می خواست که برایش از آب زمزم، هدیه بیاورند.

المستدرک علی الصحیحین: کان ابنُ عَبَّاسٍ إذا شَرِبَ ماءَ زَمْزَمَ قَالَ: اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ. (1)

المحاسن: عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ: إِذَا شَرِبْتَ مِنْ ماءِ زَمْزَمَ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَدِيمٍ». وكان أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِذَا شَرِبَ مِنْ زَمْزَمَ: «بِسْمِ اللَّهِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ الشُّكْرُ لِلَّهِ». (2)

12 / 3 ماء الفرات رسول الله صلى الله عليه وآله: يَنْزِلُ فِي الْفَرَاتِ كُلَّ يَوْمٍ مَثاقِيلَ مِنْ بَرَكَاتِ الْجَنَّةِ. (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام في صفة الفرات - إنَّ مَلَكًا يَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثَةُ مَثاقِيلَ مِسْكَ مِنْ الْجَنَّةِ، فَيَطْرَحُهَا فِي الْفَرَاتِ، وَمَا مِنْ نَهْرٍ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا غَرْبِهَا أَعْظَمَ بَرَكَتَةً مِنْهُ. (4)

تهذيب الأحكام عن عبد الله بن سليمان: لَمَّا قَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكُوفَةَ فِي زَمَنِ أَبِي الْعَبَّاسِ، جَاءَ عَلَى دَابَّتِهِ فِي ثِيَابٍ سَفَرِهِ حَتَّى وَقَفَ عَلَى جِسْرِ الْكُوفَةِ، ثُمَّ قَالَ لِغُلَامِهِ: إِسْقِنِي، فَأَخَذَ كَوْزَ مَلَّاحٍ فَغَرَفَ فِيهِ وَسَقَاهُ وَشَرِبَ الْمَاءَ وَهُوَ يَسِيلُ عَلَى لِحْيَتِهِ وَثِيَابِهِ، ثُمَّ اسْتَرَادَهُ فَرَادَهُ، ثُمَّ اسْتَرَادَهُ فَرَادَهُ، فَحَمِدَ اللَّهُ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَهْرٌ مَا أَعْظَمَ بَرَكَتَهُ! أَمَا إِنَّهُ يَسْقُطُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُ فَطْرَاتٍ مِنَ الْجَنَّةِ، أَمَا لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِيهِ مِنَ الْبَرَكَاتِ لَصَرَبُوا الْأَخْيَبَةَ عَلَى حَافَتَيْهِ، وَلَوْلا مَا يَدْخُلُهُ مِنَ الْخَطَّائِينَ مَا اغْتَمَسَ فِيهِ ذُو عَاهَةٍ إِلَّا بَرِيًّا. (5)

1- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 646 ح 1739 وراجع: الکافی: ج 6 ص 386 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 399 ح 2396، طب الأنمة لابني بسطام: ص 52.

2- المحاسن: ج 2 ص 400 ح 2400، بحار الأنوار: ج 99 ص 244 ح 16.

3- تاریخ بغداد: ج 1 ص 55 عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 12 ص 345 ح 35339.

4- الکافی: ج 6 ص 389 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 38 ح 78، المزار للمفيد: ص 16 ح 2 وفيهما «إنَّ اللَّهَ جَلَّ جلاله يَهْبِطُ مَلَكًا...»، كامل الزيارات: ص 108 ح 105 کلها عن حکيم بن جبیر الأسدي، بحار الأنوار: ج 100 ص 230 ح 16.

5- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 38 ح 81، المزار للمفيد: ص 17 ح 1، كامل الزيارات: ص 108 ح 107، بحار الأنوار: ج 100 ص 229 ح 13.

المستدرک علی الصحیحین: ابن عباس هر گاه از آب زمزم می نوشید ، می گفت: «خدایا! از تو دانشی سودمند ، روزی ای گسترده ، و درمانی برای هر درد می طلبم» .

المحاسن: از بعضی اصحاب ما روایت شده است که: هر گاه از آب زمزم نوشیدی ، بگو: «خداوندا! آن را دانشی سودمند ، روزی ای گسترده ، و درمانی برای هر درد و بیماری قرار بده» . امام کاظم علیه السلام هر گاه از آب زمزم می نوشید ، می فرمود: «بسم الله . الحمد لله . الشکر لله» .

12 / 3 آب فرات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر روز ، چند مثقال از برکت بهشت در آب فرات ، نازل می شود.

امام زین العابدین علیه السلام \_ در توصیف فرات \_ : هر شب ، فرشته ای از آسمان ، فرود می آید که همراهش سه مثقال مُشک از مُشک های بهشت است و آنها را در فرات می افکند . در شرق و غرب زمین ، هیچ نهری با برکت تر از آن نیست.

تهذیب الأحکام \_ به نقل از عبد الله بن سلیمان \_ : در زمان ابو العباس [سفاح] ، امام صادق علیه السلام ، هنگامی که به کوفه آمد ، سوار بر مرکب خود و در همان لباس سفر آمد تا به پل کوفه رسید . آن گاه ایستاد و به غلامش فرمود: «به من آب بده» . وی ظرف آب ملاحی را گرفت و آن را پر از آب کرد و به امام علیه السلام داد . امام علیه السلام ، آن را نوشید ، در حالی که آب بر محاسن و لباس هایش می ریخت . سپس باز هم آب خواست . غلام ، آب داد . بار دیگر آب خواست . غلام به او آب داد . پس امام علیه السلام خدا را سپاس گفت و فرمود: «چه رود با برکتی! آگاه باشید که روزی هفت قطره از بهشت ، در آن می ریزد . اگر مردم می دانستند چه برکتی در آن است ، در ساحل آن ، خیمه می زدند . اگر نبود آنچه از خطاکاران وارد آن می شود ، هیچ بیمار و علیلی وارد آن نمی شد ، مگر آن که بهبود می یافت» .

12 / 4 العسلا لكتاب «يُخْرَجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ». (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْبِرْكَاتِ فِي الْعَسَلِ، وَفِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْأَوْجَاعِ، وَقَدْ بَارَكَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا طُلِبَ الدَّوَاءُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ شَرْبَةِ عَسَلٍ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالشِّفَاءِ: الْعَسَلِ، وَالْقُرْآنِ. (4)

1- النحل: 69.

2- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 359 ح 1173 عن الإمام الرضا عليه السلام، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 275 ح 15 عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن أبيه عن أبيه عن أبيه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الدعوات: ص 151 ح 406 عن الإمام علي عليه السلام وليس فيه «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»، بحار الأنوار: ج 66 ص 294 ح 18.

3- كنز العمال: ج 10 ص 20 ح 28168، الجامع الصغير: ج 2 ص 499 ح 7935 كلاهما نقلاً عن أبي نعيم في الطب عن عائشة.

4- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1142 ح 3452، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 222 ح 7435 وص 447 ح 8225، السنن الكبرى: ج 9 ص 579 ح 19565، تاريخ بغداد: ج 11 ص 385 الرقم 6258، حياة الحيوان الكبرى: ج 2 ص 344، حلية الأولياء: ج 7 ص 133 وفيه «القرآن والعسل» وكلها عن عبد الله، كنز العمال: ج 10 ص 8 ح 28102؛ بحار الأنوار: ج 66 ص 295 ح 20.

**12 / 4 غسل**

12 / 4 غسلقرآن «از دل زنبور عسل ، نوشیدنی ای به رنگ های گوناگون ، بیرون می آید که در آن برای مردم ، درمان است» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند، برکت را در عسل قرار داده است. شفای دردها در آن است و هفتاد پیامبر برای برکت آن ، دعا کرده اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از هیچ چیزی همانند شربتی از عسل، درمان نجسته اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بر شما باد دو درمان: عسل و قرآن.



الإمام علي عليه السلام: الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَلَا دَاءَ فِيهِ؛ يُقَلُّ الْبَلْغَمَ وَيَجْلُو الْقَلْبَ. (1)

عنه عليه السلام: لَعَقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (2)، وَهُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَمَضْغِ اللَّبَانِ يُذِيبُ الْبَلْغَمَ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: مَا اسْتَشْفَى النَّاسُ بِمِثْلِ الْعَسَلِ. (4)

الإمام الكاظم عليه السلام: الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِذَا أَخَذْتَهُ مِنْ شَهِدِهِ. (5)

أبو الحسن عليه السلام: حِينَ سَدَّ نَبْلَ عَنِ الْحُمَى الْغَيْبِ الْغَالِيَةِ: يُؤْخَذُ الْعَسَلُ وَالسَّوْنِيزُ وَيُلَعَقُ مِنْهُ ثَلَاثَ لَعَقَاتٍ، فَإِنَّهَا تَنْقَلِعُ. وَهُمَا الْمُبَارَكَانِ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْعَسَلِ: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ». (6)

5 / 12 اللَّبْسَنُ ابن ماجة عن عائشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أُتِيَ بِلَبَنِ قَالَ: بَرَكَتٌ أَوْ بَرَكَتَانِ. (7)

1- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 359 ح 1172، بحار الأنوار: ج 66 ص 294 ح 18.

2- النحل: 69.

3- الكافي: ج 6 ص 332 ح 2، المحاسن: ج 2 ص 299 ح 1989 كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 623 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول: ص 113 وليس فيه «وهو مع قراءة القرآن»، بحار الأنوار: ج 10 ص 101 ح 1.

4- الكافي: ج 6 ص 332 ح 1 عن محمد بن سوقة، وج 6 ص 332 ح 5، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 351 ح 4235 كلاهما عن موسى بن بكر عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيهما «مريض» بدل «الناس»، المحاسن: ج 2 ص 300 ح 1994 عن محمد بن سوقة، بحار الأنوار: ج 66 ص 292 ح 9.

5- المحاسن: ج 2 ص 300 ح 1992 عن بعض أصحابنا، بحار الأنوار: ج 66 ص 292 ح 7.

6- طب الأئمة لابني بسطام: ص 51 عن الحسن بن شاذان عن أبي جعفر، بحار الأنوار: ج 62 ص 100 ح 23 وص 227 ح 3.

7- سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1103 ح 3321، كنز العمال: ج 15 ص 455 ح 41807 نقلاً عن ابن جرير.

امام علی علیه السلام: غسل، درمان هر دردی است و هیچ بیماری ای در آن نیست؛ بلغم را می کاهد و دل را روشن می کند.

امام علی علیه السلام: لیسیدن غسل، درمان هر درد است. خداوند فرموده است: «از دل زنبور غسل، نوشیدنی ای به رنگ های گوناگون، بیرون می آید که در آن برای مردم، درمان است». غسل به همراه قرائت قرآن و جَویدن کُنْدُر، بلغم را از بین می برد.

امام صادق علیه السلام: مردم به چیزی همچون غسل، درمان نگرفته اند.

امام کاظم علیه السلام: غسل، درمان هر دردی است، آن گاه که آن را از کندو بگیری.

امام هادی علیه السلام\_ وقتی از وی در باره تب شَدیدِ یَک روز در میان پرسیدند \_: غسل و سیاه دانه را بگیرند و سه قاشق از آن بخورند . ریشه کن می شود و این دو، دارای برکت اند . خداوند در باره غسل فرموده است: «از دل زنبور غسل، نوشیدنی ای به رنگ های گوناگون، بیرون می آید که در آن برای مردم، درمان است» .

12 / 5 شیرسنن ابن ماجه\_ به نقل از عایشه \_ : هر گاه برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شیر می آوردند ، می فرمود: «یک برکت ، یا دو برکت است».

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما أنزل الله تعالى من داءٍ إلا وقد أنزل له شفاءً، وفي ألبان البقر شفاءً من كلِّ داءٍ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: كان النبي صلى الله عليه وآله إذا شرب اللبن قال: اللهم بارك لنا فيه وزدنا منه . (2)

الإمام الباقر عليه السلام: لم يكن رسول الله صلى الله عليه وآله يأكل طعاماً ولا يشرب شراباً إلا قال: «اللهم بارك لنا فيه وأبدلنا به خيراً منه» إلا اللبن؛ فإنه كان يقول: «اللهم بارك لنا فيه وزدنا منه» . (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: من سقاه الله لبناً فليقل: «اللهم بارك لنا فيه، وزدنا منه»؛ فإني لا أعلم ما يجزي من الطعام والشراب إلا اللبن . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: عليكم باللبان البقر؛ فإنها تخلط مع كلِّ الشجر . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: تداؤوا باللبان البقر؛ فإني أرجو أن يجعل الله فيها شفاءً؛ فإنها تأكل من الشجر . (6)

عنه صلى الله عليه وآله: عليكم باللبان البقر وسمنانها، وإياكم ولحومها؛ فإن ألبانها وسمنانها دواءٌ وشفاءٌ، ولحومها داءٌ . (7)

- 
- 1- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 218 ح 7423 عن عبد الله، كنز العمال: ج 10 ص 31 ح 28216 .
  - 2- الكافي: ج 6 ص 336 ح 3 عن ابن القداح، المحاسن: ج 2 ص 291 ح 1956 عن عبد الله بن المغيرة عن الإمام الكاظم عليه السلام، دعائم الإسلام: ج 2 ص 130 ح 456، بحار الأنوار: ج 66 ص 100 ح 16 .
  - 3- الكافي: ج 6 ص 336 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 291 ح 1955 كلاهما عن عبد الله بن سليمان، بحار الأنوار: ج 66 ص 100 ح 15 .
  - 4- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1103 ح 3322 عن ابن عباس .
  - 5- الكافي: ج 6 ص 337 ح 3 عن زرارة عن أحدهما عليهما السلام .
  - 6- المعجم الكبير: ج 10 ص 14 ح 9788 عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 10 ص 29 ح 28208 .
  - 7- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 448 ح 8232 عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 10 ص 31 ح 28218 وراجع: المعجم الكبير: ج 25 ص 42 ح 79 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند، هیچ دردی نازل نکرده، مگر آن که درمانش را هم نازل کرده است، و در شیر گاو، درمان هر دردی است.

امام صادق علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه شیر می نوشید، می فرمود : «خداایا! آن را بر ما مبارك گردان و برای ما از آن بیفزای» .

امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، هرگز غذایی نمی خورد و نوشیدنی ای نمی نوشید ، مگر آن که می فرمود : «خداایا! در آن برای ما برکت قرار بده و برای ما بهتر از آن را جایگزین گردان» ، مگر شیر را ، که وقتی می نوشید ، می فرمود : «خداایا! برای ما در آن ، برکت قرار بده و برای ما از آن بیفزای» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که خداوند به او شیر نوشاند ، بگوید: «خداایا! در آن برای ما برکت قرار بده و برای ما از آن بیفزای» ؛ چرا که من جز شیر ، چیزی را نمی شناسم که جایگزین خوراك و نوشیدنی باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شیر گاو بنوشید ؛ چرا که با هر گیاهی آمیخته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با شیر گاو ، مداوا کنید، که من امید دارم خداوند، شفای خود را در آن قرار دهد؛ زیرا [گاو] از هر گیاهی می خورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از شیر و روغن گاو (1) بخورید و از گوشت آن ، پرهیز کنید؛ چرا که شیر و روغن گاو ، درمان و شفاست و گوشت آن، درد [زا].

---

1- .. روغن گاو ، در مقابل همه سم ها مقاومت می کند و اگر به صورت بمالند ، لك و خال آن را از بین می برد (تاج العروس : ج 18 ص 294) .

عنه صلى الله عليه وآله: لَحْمُ الْبَقْرِ دَاءٌ، وَسَمْنُهَا شِفَاءٌ، وَلَبَنُهَا دَوَاءٌ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لَحْمُ الْبَقْرِ دَاءٌ، وَلَبَنُهَا دَوَاءٌ. وَلَحْمُ الْغَنَمِ دَوَاءٌ، وَلَبَنُهَا دَاءٌ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام: ألبانُ البقرِ دواءٌ. (3)

عنه عليه السلام: حَسُو اللَّبَنِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا الْمَوْتَ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: ألبانُ البقرِ دواءٌ، وَسُمُونُهَا شِفَاءٌ، وَلُحُومُهَا دَاءٌ. (5)

الكافي عن أبي الحسن الأصبهاني: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ وَأَنَا أَسْمَعُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي أَجِدُ الضَّعْفَ فِي بَدَنِي، فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بِاللَّبَنِ؛ فَإِنَّهُ يُنَبِّئُ اللَّحْمَ وَيَشُدُّ الْعِظَمَ. (6)

المحاسن عن أبي البلاد: شَدَّ كَوْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرَبَ مَعِدَتِي، فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ أَلْبَانِ الْبَقْرِ؟ فَقَالَ لِي: شَرِبْتَهَا قَطُّ؟ فَقُلْتُ: مَرَارًا، قَالَ: فَكَيْفَ وَجَدْتَهَا؟ تَدْبِغُ الْمَعِدَةَ، وَتَكْسُو الْكُلَيْتَيْنِ الشَّحْمَ، وَتُسَدُّ هَيَّ الطَّعَامَ؟ فَقَالَ: لَوْ كَانَتْ أَيَّامُهُ لَخَرَجْتُ أَنَا وَأَنْتَ إِلَى يَنْبَعٍ حَتَّى نَشْرَبَهُ. (7)

- 
- 1- دعائم الإسلام: ج 2 ص 112 ح 365، الخصال: ص 637 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 74 ح 68.
  - 2- طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 23، بحار الأنوار: ج 62 ص 296.
  - 3- الكافي: ج 6 ص 337 ح 1 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام.
  - 4- الخصال: ص 636 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 95 ح 1.
  - 5- الكافي: ج 6 ص 311 ح 3 عن إسماعيل بن أبي زياد، بحار الأنوار: ج 62 ص 83 ح 6 نقلاً عن مكارم الأخلاق وليس فيه «وسمونها شفاء ولحومها داء».
  - 6- الكافي: ج 6 ص 336 ح 7، المحاسن: ج 2 ص 292 ح 1961، بحار الأنوار: ج 66 ص 102 ح 23.
  - 7- المحاسن: ج 2 ص 294 ح 1969، بحار الأنوار: ج 66 ص 103 ح 31.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گوشت گاو، درد[زا] است، روغنش شفاست، و شیرش درمان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گوشت گاو، درد[زا] است و شیرش دواست؛ [ولی] گوشت گوسفند، دواست و شیرش درد[زا].

امام علی علیه السلام :شیر گاو، داروست .

امام علی علیه السلام :نوشیدن شیر، درمان هر درد است، جز مرگ.

امام صادق علیه السلام :شیر گاو، درمان است و روغن آن، شفاست و گوشت آن، درد[زا] است.

الکافی\_ به نقل از ابو الحسن اصفهانی \_ :در محضر امام صادق علیه السلام بودم. می شنیدم که مردی به امام علیه السلام گفت: فدایت شوم! در بدنم احساس ضعف می کنم . امام علیه السلام به او فرمود: «شیر بخور؛ چون گوشت را می رویاند و استخوان را محکم می کند».

المحاسن\_ به نقل از ابو بلاد \_ :به امام باقر علیه السلام از شکمِ رِوش (اسهال) شکایت کردم . فرمود: «چرا شیر گاو نمی خوری؟ آیا تا به حال خورده ای؟» . گفتم: بارها. فرمود: «آن را چگونه یافتی؟ شیر گاو، معده را دباغی می کند، کلیه ها را از چربی می پوشاند، و اشتها آور است» . سپس فرمود: «اگر فصلش بود، با هم به یَنْبُع (1) می رفتیم تا از آن بنوشیم».

1- .. یَنْبُع : شهری آباد و سرسبز در حجاز، در ساحل دریای سرخ .

12 / 6 لَبِنُ الْأُمِّ لِلصَّبِيِّ إِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ لَبِنٍ يُرَضُّ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمَ بَرَكََةً عَلَيْهِ مِنْ لَبِنِ أُمِّهِ . (1)

12 / 7 الْخَلْرَسُولُ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: نِعَمَ الْإِدَامِ الْخَلُّ ، اللَّهُمَّ بَارِكْ فِي الْخَلِّ ، فَإِنَّهُ كَانَ إِدَامَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي ، وَلَمْ يَفْتَقِرْ بَيْتٌ فِيهِ خَلٌّ .

(2)

---

1- .الكافي : ج 6 ص 40 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 8 ص 108 ح 365 كلاهما عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 475 ح 4663 .

2- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1102 ح 3318 عن أم سعد ، كنز العمال : ج 15 ص 284 ح 41014 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 414 ح 1402 وفيه «بارك لنا» وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج 66 ص 303 ح 16 .

**12 / 6 شیر مادر برای نوزاد**

**12 / 7 سرکه**

12 / 6 شیر مادر برای نوزاد امام علی علیه السلام: هیچ شیری برای تغذیه کودک، با برکت تر از شیر مادرش نیست.

12 / 7 سرکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سرکه، خورشفت خوبی است. خدایا! برای ما در سرکه برکت قرار بده. سرکه، خورشفت پیامبران پیش از من بوده است و خانه ای که در آن، سرکه باشد، دچار تهی دستی نمی شود.



























































ص: 575

فهرست تفصیلی .



























بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

